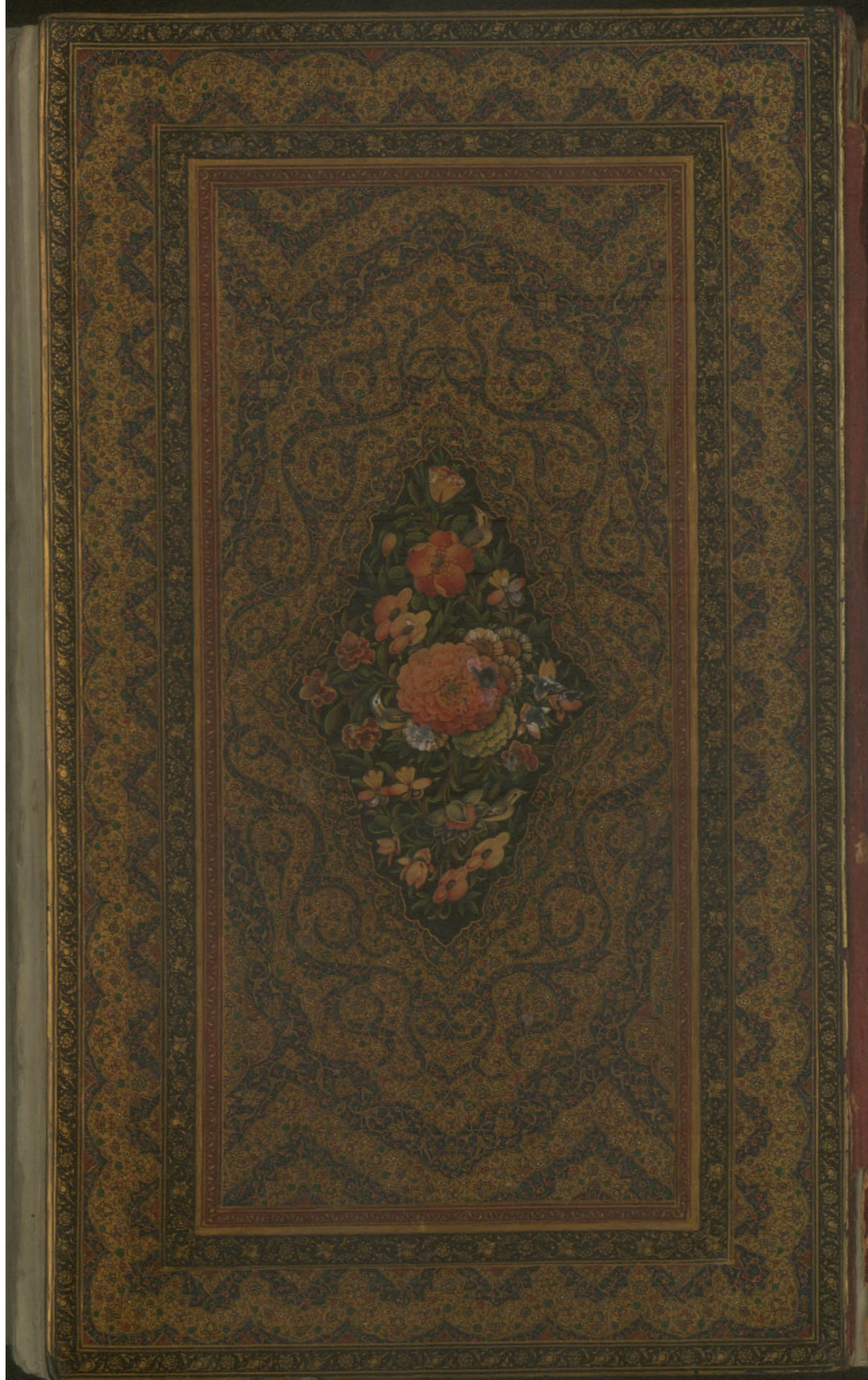
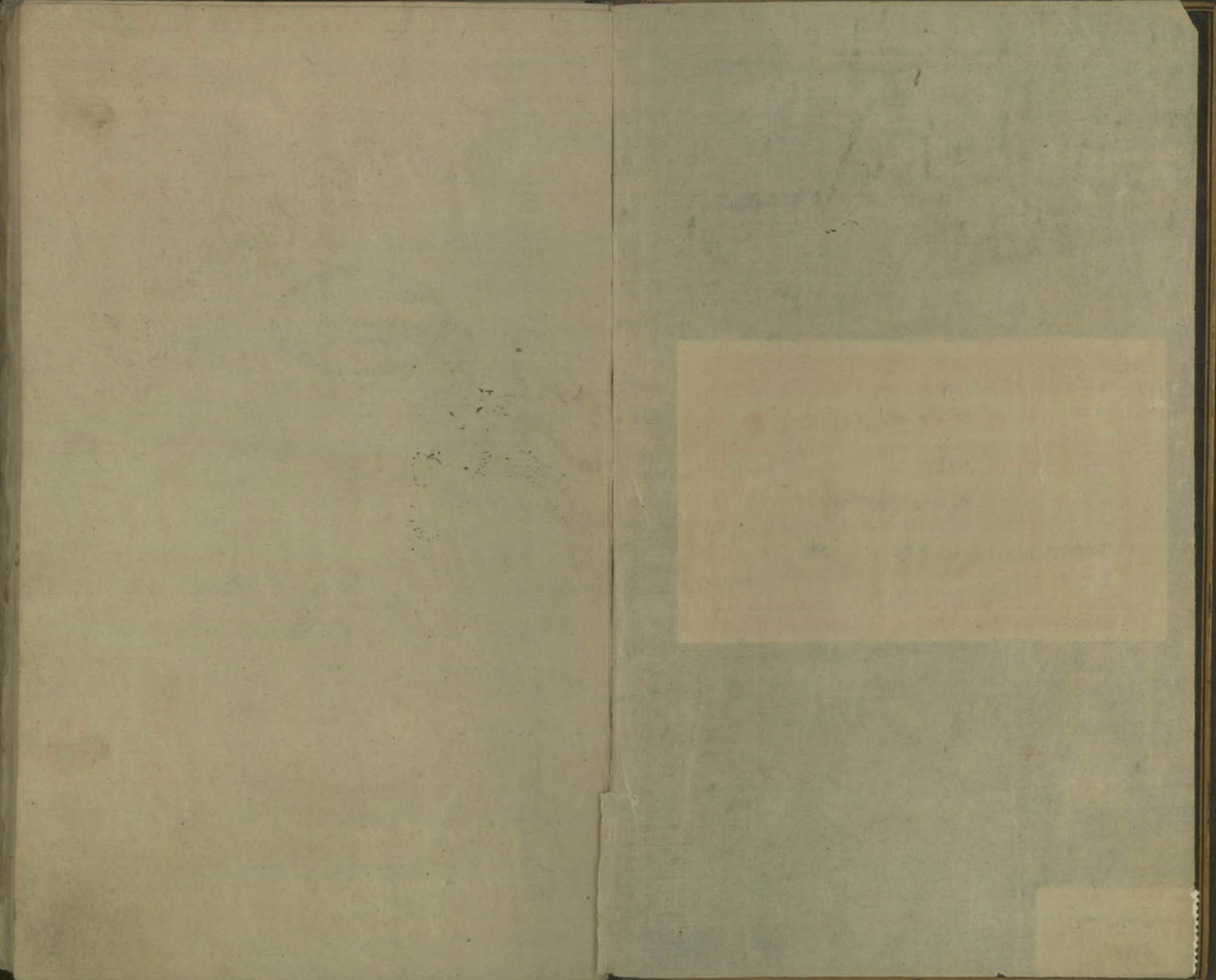




هذا الکتاب زاد المعاد

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی جعل العبادة وسیلة لنیل السعادة فی الآخرة والاولی
والصلوة علی سید الوری محمد وعترته ائمة الهدی اما بعد بنده خاطی
محمد باقر ابن محمد تقی عفی الله عن جرائمهما بر الواح ارواح صافیه برا
دران ایمانی واخلاّی روحانی مینگارد که چون جناب مقدس ایزدی تعالی
شانه برای هدایت گمگشتگان بوادی ضلالت وجهالت طریق صوم
وصلات ودعا وعبادات که اشرف واقرب طرق نیل وسعادات است مقرر
گردانیده واز حضرت رسول خدا وائمه هدی صلوات الله علیه وعلیهم
اجمعین ادعیه واعمال بسیار منقول گردیده که کتب دعا مشحون است
از آنها واین خادم اخبار ائمه اطهار صلوات الله الملک الغفار اکثر

انها را

انها را در کتاب بحار الانوار ایراد نموده‌ام واکثر خلق را باعتبار اشتغال
بانواع اشغال دنیویه وغیرها تحصیل انها وعمل بجمیع انها میسر نیست
خواستم منتخبی از اعمال سال وفضایل ایام ولیالی شریفه واعمال انها که
باسانید صحیحه ومعتبره وارد شده است در این رساله ایراد نمایم که عامه
خلق از برکات انها محروم نباشند وشاید این بنده عاصی را بدعائی مغفرت
یاد نمایند ومسمی گردانیدم از بزاد المعاد عسی الله ان یهدینا وایاهم الی
سبیل الرشاد وچون اتمام این رساله واغاز وانجام این عجاله در زمان دولت
عدالت توامان سلطنت سعادت اثر اعلیحضرت سید سلاطین
زمان وسرور خواقین دوران شیرازه اوراق ملت ودین نقاوه احفاد
سید المرسلین اب ورنگ گلستان مصطفوی چشم وچراغ دودمان
مرتضوی سلطان جم خدم وخاقان فرشته حشم شجاعت نژادی که تیغ
ابدارش برای سرهای کهنه اندازه رسیت بسوی دار بوار وحسام اتش بارکش
برای خرمن حیات مخالفان ومعاندان مصداق وقه یرسل علیکما شواظ
من نار دستهای داعیان مزید رفعت شان در استان رفیع البنیانش
باکف الخضیب کلمه دستان وخروش صوفیان صفوت نشان بزمزمه
دعای خلود دولت ابد توامان باعندلیبان اغصان سدرة المنتهی همداستان
هر که تیغ خلاف از نیام کین برکشید چون بید برخود بلرزید وهر که چهار
اینه نفاق در برکشید صورت مرگ خود را در ان دید که بجبین قهرش
عقده کشای گرههای کار بستگان کشاد که کف دریا نوالش سحاب

مزارع املهای پژمردگان مؤسس قواعد ملت و دین مروج شریعت آبای
طاهرین حیاض ساحت درگاه خلایق پناهش از تقبیل شفاه سلاطین
زمان لبریز و خواقین دوران در صرح مودعزت و جلالش تر زبان بندهای
قدمسنا الضر ایها العزیز اعنی السلطان الاعظم والخاقان الاعدل
الاکرم ملجاء الاکاسره وملاذ القیاصره محیی مراسم الشریعة الغراء و مشید
قواعد الملة البيضاء السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان الشاه
سلطان حسین الموسوی الحسینی الصفوی بهادرخان لازالت رایات
دولته مرفوعة و قامات اعدائه مقموعة میسر گردید تحفه ان بارگاه
خلایق امیدگاه گردانید امید که مقبول طبع اشرف گردد و ان اعلیحضرت
از فواید ان منتفع گردند بمحمد و اله الطاهرین والله الموفق والمعین و ان
مشتمل است بر چهارده باب و خاتمه **باب اول** در فضایل و اعمال ماه
مبارک رجبست و ان مشتمل بر پنج فصل است **فصل اول** در بیان فضایل
اینماه و عبادات انست بدانکه اینماه و ماه شعبان و ماه رمضان بهترین
ماههای سالند و از حضرت رسالت پناه منقولست که هر که حرمت
ماه رجب و شعبان را بداند و وصل نماید روزه انها را بروزه ماه مبارک
رمضان این ماههای مبارک در روز قیامت گواهان او باشند نزد حق
تعالی و در ان روز منادی از افق اعلی ندا کند که ای رجب و شعبان
و ماه رمضان چگونه بوده است عمل این بنده در شماها و طاعت او
از برای خدا همه انها گویند که این بنده توشه گرفت در ماهها از

بر طاعت ترا و استمداد فضل و رحمت از تو نمود و سعی بسیار در طلب خو
شنودی تو کرد و تا توانست اهتمام در تحصیل محبت تو نمود پس گواهی
دهند ملائکه که موکلند بر اینها که ما نیافتیم این بنده را مگر طلب کننده
طاعت و خوشنودی تو و امیدوار رحمت و امرزش تو بود و انچه را نهی کرده
بودی ترک کرد و انچه از او طلبیده بودی بسوی انها مسارعت نمود و روزه
کامل از برای تو داشت و شکم و فرج و گوش و چشم و سایر جوارح او از انچه بر
او حرام کرده بودی اجتناب کرد و روزها با تشنگی بشب رسانید و در شبها
خود را بتعب انداخت برای بندگی تو و تصدق بفقرا و مساکین بسیار داد
و احسان بسیار نسبت به بندگان تو نمود و با این ماهها مصاحبت نیکو
کرد و چون از اینها جدا شد وداع نیکو کرد و بعد از رفتن انها پیرامون محرمات
تو نگردید و نیکو بنده بود این بنده پس حق تعالی میفرماید که ببرید این بنده را بسوی
بهشت و استقبال کنند او را ملائکه بتحفهها و کرامتها و او را بر شتران و
اسبان نور سوار کنند و ببرند بسوی نعمتی که هرگز زوال ندارد و خانه که فانی
نمیشود و سرائی که جوانانش پیر نمیشوند و شادی و خوشحالی ان زوال ندارد
و هرگز ایشان را تعب نمیباشد و از عذاب ایمن میگردند و مشقت حساب
از برای ایشان نیست و ایضا از انحضرت منقولست که ماه رجب ماه بزرگ
خداست و ماهی در حرمت و فضیلت بان نمیرسد و قتال با کافران حرامست
و رجب ماه خداست و شعبان ماه منست و ماه رمضان ماه امت منست
کسی که یک روز از ماه رجب را روزه دارد مستوجب خوشنودی بزرگ خدا

کرده و غضب الهی از او دور کرده و دری از درهای جهنم بر روی او بسته
کرده و بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر ع منقولست که هر که یک روز
از ماه رجب را روزه دارد آتش جهنم یکسال از او دور گردد و هر که سه
روز از آن روزه دارد بهشت از برای او واجب گردد و ایضاً فرمود که رجب
نام نهریست در بهشت از شیر سفیدتر و از عسل شیرین‌تر هر که یک روز از
رجب را روزه دارد البته از آن نهر بیاشامد و بسند معتبر از حضرت صادق
ع منقولست که حضرت رسول ص فرمود که ماه رجب ماه استغفار امت
منست پس بسیار در این ماه طلب آمرزش کنید که خدا آمرزنده و مهربانست
و رجب را اصب میگویند زیرا که رحمت خدا در اینماه بر امت من بسیار
ریخته میشود پس بسیار بگوئید اَستَغفِرُ اللهَ وَ اَسئَلُهُ التَّوبَةَ و بسند معتبر
از حضرت صادق ع منقولست که هر که سه روز از ماه رجب روزه بدارد بهر
روز ثواب روزه یکسال برای او بنویسند و هر که هفت روز از آن روزه بدارد
هفت در جهنم بر روی او بسته گردد و هر که هشت روز از آن روزه دارد
هشت در بهشت بر روی او گشاده شود و هر که پانزده روز از آن روزه
بدارد خدا حساب او را آسان بکند و هر که جمیع ماه رجب را روزه بدارد
حق تعالی خوشنودی خود را برای او بنویسد و هر که خدا خوشنودی خود را برای
او بنویسد هرگز او را عذاب نکند و ابن بابویه بسند معتبر از سالم روایت
کرده است که گفت رفتم بخدمت حضرت صادق ع در اواخر ماه رجب که چند
روز از آن مانده بود چون نظر مبارک آنحضرت بر من افتاد پرسید که آیا

روزه گرفته در اینماه گفتم نه والله ای فرزند رسول خدا فرمود که آنقدر
ثواب از تو فوت شده است که قدر آنرا بغیر از خدا کسی نمیداند بدرستی که
اینماهیست که خدا آنرا بر ماههای دیگر فضیلت داده است و حرمت آنرا
عظیم گردانیده است و برای روزه داشتن آن گرامی داشتن را بر خود واجب
گردانیده است پس گفتم یا ابن رسول الله در آنچه باقی مانده اینماه روزه بدارم
آیا بعضی از ثواب روزه داران آن فایز میگردم فرمود که ای سالم هر که یک
روز از آخر اینماه روزه بدارد خدا او را ایمن گرداند از شدت سکرات
مرگ و از هول بعد از مرگ و از عذاب قبر و هر که دو روز از آخر اینماه را روزه
بدارد بر صراط باسانی بگذرد و هر که سه روز از آخر اینماه را روزه بدارد ایمن
گردد از ترس بزرگ روز قیامت و از شدتها و هولهای آن روز و برات بیزاری
از آتش جهنم باو عطا کنند و ایضاً از حضرت امیر المؤمنین ع روایت کرده است
که هر که یک روز از اول ماه رجب یا از وسط آن یا از آخر آن روزه بدارد که
گناهان گذشته اش آمرزیده شود و هر که سه روز از اول یا میان یا آخر
ماه رجب را روزه بدارد گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده شود و هر که
یک شب از اینماه را احیا کند حق تعالی او را از آتش جهنم آزاد گرداند و قبول
کند شفاعت او را در هفتاد مرد گناهکار و هر که در اینماه تصدقی از برای
خدا بکند خداوند غفار در بهشت نعمتی چند باو عطا فرماید که چشمی
ندیده و گوشی نشنیده باشد و بر خاطر کسی خطور نکرده باشد و ایضاً
بسند معتبر از حضرت صادق ع روایت کرده است که چون روز قیامت

شود منادی از میان عرش ندا کند که کجایند رجبیون پس گروهی برخیزند که
نور روهای ایشان جمیع محشر را روشن گرداند و تاج پادشاهی بر سر ایشان
باشد که مکلل باشد بمروارید و یاقوت و با هر یک از ایشان هزار ملک بود
باشد از جانب راست و هزار ملک از جانب چپ و همه او را ندا کنند که گوارا
باد تو را کرامتهای حق تعالی ای بنده خدا پس خداوند کریم ندا کند ایشان را
که ای بندگان و کنیزان من بعزت و جلال خود سوگند یاد میکنم که شما را
در ماوای نیکو ساکن گردانم و عطاهای شما را بزرگ گردانم و عطا کنم بشما
از بهشت غرفها که نهرها در زیر آنها جاری باشد و همیشه در آن غرفها باشید
و نیکو مزدیست مزد کارکنان از برای من بی آنکه بر شما واجب گردانم روزه
داشتید از برای من در ماهی که حرمتش را عظیم گردانیده بودم و حق او را
واجب ساخته بودم ای ملائکه من بندگان و کنیزان مرا داخل بهشت
گردانید پس حضرت فرمود که اینهمه ثوابها برای کسیست که چیزی از
ماه مبارک رجب را روزه دارد اگرچه یک روز باشد از اولش یا میانش یا آخرش
و بسند معتبر از حضرت امام رضا ع روایت کرده است که هر که روز اول
ماه رجب را روزه دارد که حقتعالی در قیامت از او خوشنود باشد و هر که دو روز را
روزه دارد خدای تعالی بغایت از او خوشنود و راضی گردد و او را خوشنود
گرداند و هر که سه روز از او روزه دارد که خداوند کریم از او راضی گردد و خشنود
او را از او راضی گرداند در قیامت و هر که هفت روز از او روزه بدارد که
چون بمیرد درهای هفت آسمان برای روح او گشوده شود تا بملکوت اعلی

برسد

برسد و هر که هشت روز از او روزه بدارد که هشت در بهشت بر روی او
گشوده شود و هر که پانزده روز از او روزه بدارد هر حاجت که از حقتعالی طلبد
بر آورد مگر آنکه سؤال او برای گناهی باشد یا متضمن قطع رحم باشد و هر که
تمام ماه را روزه بدارد از گناهان بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد
شده باشد و از آتش جهنم آزاد گردد و داخل بهشت گردد با برگزیدگان
و نیکوکاران و احادیث در این باب بسیار است و این رساله گنجایش
ذکر آنها ندارد **فصل دوم** در بیان اعمالیست که کسی که از روزه عاجز باشد
یا بر او دشوار باشد بعوض آن بعمل آورد و در بعضی از روایات معتبره
وارد شده است که بدل روزه مستحب یکدرهم تصدق کند که موافق
نرخهای این زمان تقریبا هفتاد دینار بوده باشد و بروایت دیگر عوض
روزه یک مد گندم یا جو وارد شده است و احوط در مد صد درم شاهیست
و ظاهر صد درم کهنه کافی باشد و در روایتی در خصوص روزه ماه مبارک
رجب یک گرده نان نیز وارد شده است اگر قادر بر روزه نباشد و حمل کرده
اند بر کسیکه پریشان باشد و قادر بر درهم و مد نباشد و ایضا در خصوص
روزه ماه رجب از حضرت رسول ص وارد شده است که بعوض روزه اگر
قادر بر آن نباشد هر روز صد مرتبه این تسبیحات را بخواند تا ثواب روزه را
بیابد سُبْحَانَ الْإِلٰهِ الْجَلِيلِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ سُبْحَانَ الْأَعَزِّ
الْأَكْرَمِ سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَهُوَ لَهُ أَهْلٌ و در روایات معتبره وارد
شده است که هر که بمنزل برادر مؤمن خود وارد شود و قصد روزه سنت

کرده باشد و او طعامی حاضر سازد و او را تکلیف کند ثواب فطار کردن
زیاده از ثواب روزه داشتن است هفتاد برابر و اگر اظهار نکند که روزه ام
ثوابش بیشتر است و برابر یکسال روزه است و زن را روزه سنت داشتن
بی رخصت شوهر و غلام و کنیز را بی رخصت مالک و فرزند را بی رخصت پدر
و مادر و مهمان را بی رخصت مهمان دار و مهمان دار را بی رخصت مهمان از
احادیث ظاهر میشود که خوب نیست و مشهور میان علما آنست که روزه
سنت مملوک بدون اذن مالک باطلست و همچنین روزه سنت زن
بی رخصت شوهر صحیح نیست و در پدر و مادر مشهور آنست که روزه سنت
فرزند بدون اذن ایشان مکروهست و باطل نیست و بعضی گفته اند
بی رخصت پدر باطلست و احوط آنست که بدون اذن پدر و مادر روزه
سنت ندارد و در روزه سنت مهمان بدون رخصت مهمان دار نیز خلاف
و احوط آنست که مهمان و مهماندار هیچیک بی رخصت دیگری روزه مستحب
ندارند اگرچه اظهر آنست که مکروه است **فصل سیم** در بیان اعمال هر شب
و هر روز است بسند معتبر منقولست که حضرت امام زین العابدین ع
در روز اول ماه رجب این دعا را میخواندند و علما ذکر کرده اند که در هر روز
سنت است خواندن یا من یملک حوائج السائلین و یعلم ضمیر الصامتین
لکل مسئلة منک سمع حاضر و جواب عتید اللهم و مواعیدک
الصادقة و ایادیک الفاضلة و رحمتک الواسعة فاسئلک ان تصلی
علی محمد و آل محمد و ان تقضی حوائجی للدنیا و الآخرة انک علی کل شیء

قدیر

قدیر و بسند معتبر منقولست که حضرت صادق ع در هر روز ماه رجب
این دعا میخواندند خاب الوافدون علی غیرک و خسر المتعرضون الا لک
و ضاع الملمون الا بک و اجدب المنتجعون الا من انتجع فضلک بابک مفتوح
للراغبین و خیرک مبذول للطالبین و فضلک مباح للسائلین و نیلک
متاح للآملین و رزقک مبسوط لمن عصاک و حلمک معترض لمن ناواک
عادتک الاحسان الی المسیئین و سبیلک الابقاء علی المعتدین اللهم
فاهدنی هدی المهتدین و ارزقنی اجتهاد المجتهدین و لا تجعلنی من
الغافلین المبعدین و اغفر لی یوم الدین و ایضا بسند معتبر منقولست که
محمد بن ذکوان بخدمت حضرت صادق ع عرض کرد که فدای تو شوم این
ماه رجبست مرا دعائی تعلیم کن که حقتعالی مرا بآن نفع بخشد حضرت فرمود
که در هر روز از ماه رجب در صبح و پسین و بعد از همه نمازها در شب و
روز این دعا را بخوان یا من ارجوه لکل خیر و آمن سخطه عند کل شر
یا من یعطی الکثیر بالقلیل یا من یعطی من سأله یا من یعطی من لم یسئله و من لم
یعرفه تحننا منه و رحمة اعطنی بمسئلتی ایاک جمیع خیر الدنیا و جمیع
خیر الآخرة و اصرف عنی بمسئلتی ایاک جمیع شر الدنیا و شر الآخرة فانه
غیر منقوص ما اعطیت و زدنی من فضلک یا کریم پس حضرت ریش
مبارک خود را بدست چپ گرفتند و انگشت سبابه دست راست
خود را بجانب راست و چپ حرکت میدادند و این دعا را میخواندند
یا ذا الجلال و الاکرام یا ذا النعماء و الجود یا ذا المن و الطول حرم شیبتی

علی الذنوب دست بر ندارد تا از اب دن او ریخته شود شیخ طوسی بسند معتبر روایت کرده است که حضرت صادق علیه السلام به معلی بن خنیس گفت که در ماه رجب این دعا بخوان اللهم انی اسئلک صبر الشاکرین لک و عمل الخائفین منک و یقین العابدین لک اللهم انت العلی العظیم و انا عبدک البائس الفقیر و انت الغنی الحمید و انا العبد الذلیل اللهم صل علی محمد و آله و امنن بغناک علی فقری و بحلمک علی جهلی و بقوتک علی ضعفی یا قوی یا عزیز اللهم صل علی محمد و آله الاوصیاء المرضیین و اکفنی ما اهمنی من امر الدنیا و الآخرة یا ارحم الراحمین و از روایت سید بن طاوس ظاهر میشود که این دعا جامع ترین دعاهاست و در همه اوقات میتوان خواند و شیخ طوسی و سید و دیگران بسند های معتبر از حضرت صاحب الامر علیه السلام روایت کرده اند که سنت است در هر روز از روزهای ماه مبارک رجب این دعا بخوانند اللهم انی اسئلک بالمولودین فی رجب محمد بن علی الثانی و ابنه علی بن محمد المنتجب و اتقرب بهما الیک خیر القرب یا من الیه المعروف طلب و فیما لدیه رغب اسئلک سؤال مقترف مذنب قد اوبقته ذنوبه و اوثقته عیوبه فطال علی الخطایا دؤوبه و من الرزایا خطوبه یسئلک التوبة و حسن الاوبة و النزوع عن الحوبة و من النار فکاک رقبته و العفو عما فی ربقته فانت یا مولای اعظم امله و ثقته اللهم و اسئلک بمسائلک الشریفة و وسائلک المنیفة ان تتغمدنی فی هذا الشهر برحمة منک واسعة

و نعمة وازعة و نفس بما رزقتها قانعة الی نزول الحافرة و محل الآخرة و ما هی الیها صائرة و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که در تمام ماه رجب هر بامداد و پسین هفتاد مرتبه بگوید استغفر الله و اتوب الیه و چون هفتاد مرتبه تمام کند دستها بسوی آسمان بردارد و بگوید اللهم اغفر لی و تب علی و این استغفار در جمیع ایام سال سنت است و هزار مرتبه سوره قل هو الله احد در جمیع ماه خواندن ثواب بسیار دارد و وارد شده است اگر خواهد در یک روز بخواند و اگر خواهد هر روز چند مرتبه بخواند که در تمام ماه هزار مرتبه خوانده باشد و ایضا منقولست که هر کس هزار مرتبه لا اله الا الله در جمیع ماه بگوید صد هزار حسنه برای او نوشته شود و حق تعالی در بهشت صد شهر از برای او بنا کند و در هر شب از شبهای این ماه هزار مرتبه لا اله الا الله وارد شده است و صد مرتبه این استغفار نیز منقولست و در جمیع ماه اگر چهار صد مرتبه بخواند فضیلت بسیار دارد استغفر الله الذی لا اله الا هو وحده لا شریک له و اتوب الیه و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که در هر شب و هر روز ماه رجب و شعبان و رمضان سه مرتبه سوره حمد و آیة الکرسی و قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق بخواند و سه مرتبه بگوید سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و سه مرتبه بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد و سه

مرتبه بگوید اللهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات و چهارصد مرتبه بگوید
استغفر الله واتوب الیه که گناهان او را بیامرزد اگرچه بعدد قطرهای
باران و برگ درختان و کف دریاها باشد و در روز عید حق تعالی
او را ندا کند که راستی تو در دوستی ما هر چه خواهی تو را عطا می‌کنم
حق پدران و مادران و خواهران مؤمن خود و حضرت فرمود که اگر کسی یک بار این دعا
بجا آورد ختم کنیم برای او هفتاد هزار حسنه و او را عطا کند که قصر بهشت
از جمیع کوههای دنیا سنگین‌تر باشد و هفتصد حاجت او را در دنیا
وقت مردن و هفتصد حاجت او را در قبر و هفتصد حاجت او را در
وقت بیرون آمدن از قبر و مثل آن در وقت پرواز کردن نامهای اعمال
و نزد سنجیدن اعمال در میزان و نزد گذشتن از صراط برآورد و او را در سایه عرش
خود جا دهد و حساب کند او را حساب آسان و هفتاد هزار ملک
او را مشایعت کنند تا داخل بهشت شود و با او عطا کند آنچه هیچ چشم
ندیده باشد و هیچ گوشی نشنیده باشد فصل پنجم در بیان فضایل
و اعمال شب و روز اول تا روز پانزدهم در شب اول غسل سنت
است و منقولست که هر که در شب اول ماه رجب و شب پانزدهم
و شب آخر آن غسل کند از گناهان بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد
شده است و در وقت دیدن ماه دعای صحیفه کامله را بخوانند که
بهترین دعاهاست و هفت مرتبه سوره حمد را بخواند تا از درد چشم
ایمن گردد و در هر ماهی این سنت است و منقولست که چون ماه رجب

ماه عید بگوید اللهم اهله علینا بالامن والایمان والسلامة والاسلام
ربی وربک الله عز وجل و در شب اول و روز اول زیارت حضرت امام
حسین علیه السلام فضیلت بسیار دارد و در حدیث معتبر وارد شده است که
هر که در اول رجب آن حضرت را زیارت کند بهشت او را واجب شود البته
و احیای شب اول سنت است و از حضرت صادق منقولست که
محافظت نما بر احیای شب عید ماه رمضان و شب عید قربان و شب اول محرم
و شب عاشورا و شب اول رجب و شب نیمه شعبان و در این شبها دعا و
نماز و تلاوت قرآن بسیار بکن و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر منقولست
که در شب اول رجب بعد از نماز خفتن این دعا بخوان اللهم انی اسئلک بانک ملیک
وانک علی کل شیء مقتدر وانک ما تشاء من امر یکون اللهم انی اتوجه الیک
بنبیک محمد نبی الرحمة صلی الله علیه وآله یا محمد یا رسول الله انی اتوجه
الی الله ربی وربک لینجح بک طلبتی اللهم بنبیک محمد صلی الله علیه وآله
والائمة من اهل بیته انجح طلبتی پس حاجات خود را طلب نماید و بیست
رکعت نماز نیز وارد شده است هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت حمد
و یک مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند تا از بلاهای دنیا و عذاب آخرت ایمن گردد
و شیخ و دیگران بسند معتبر روایت کرده‌اند که حضرت امام موسی علیه السلام در شب اول
ماه رجب بعد از آنکه از نماز شب فارغ میشد این دعا را در سجده میخواندند
اللهم انی اسئلک الهی ان اطعتک ولک الحجة ان عصیتک لا صنع لی ولا لغیری
فی احسان الا بک یا کائنا قبل کل شیء ویا مکون کل شیء انک علی کل

[illegible] اللهم اني اعوذ بك من العذاب عند الموت ومن شر المرجع في القبور
ومن الندامة يوم الآزفة فاسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل عيشي
عيشة نقية وميتتي ميتة سوية ومنقلبي منقلبا كريما غير مخز ولا فاضح اللهم
صل على محمد وآله الائمة ينابيع الحكمة واولي النعمة ومعادن العصمة
واعصمني بهم من كل سوء ولا تأخذني على غرة ولا على غفلة ولا تجعل عواقب
اعمالي حسرة [illegible] فان مغفرتك للظالمين وانا من الظالمين اللهم اغفر
ما لا يضرك واعطني ما لا ينقصك فانك الوسيع رحمته البديع حكمته
واعطني السعة والدعة والامن والصحة والنجح والقنوع والشكر والمعافاة
والتقوى والصبر والصدق عليك وعلى اوليائك واليسر والشكر واعمم بذلك
يا رب اهلي وولدي واخواني فيك ومن احببت واحبني وولدت وولدني
من المسلمين والمسلمات والمؤمنين والمؤمنات يا رب العالمين وايضا
بسند معتبر منقولست كه مستحب است كه بعد از سلام هر نماز
[illegible] اين دعا را بخواند الحمد لله الذي [illegible]
ولا اخاف امنه ربي ان ارتكبت المعاصي فذلك ثقة بكرمك انك تقبل
التوبة عن عبادك وتعفو عن سيئاتهم وتغفر الزلل فانك مجيب لداعيك
ومنه قريب وانا تائب اليك من الخطايا وراغب اليك في توفير حظي من
العطايا يا خالق البرايا يا منقذي من كل شديدة يا مجيري من كل محذور
وفر علي السرور واكفني شر عواقب الامور فانت الله على نعمائك وجزيل
عطائك مشكور ولكل خير مذخور وايضا از حضرت امام [illegible]

منقولست كه بعد از نماز وتر اين دعا بخواند يا نور النور يا مدبر الامور يا
مجري البحور يا باعث من في القبور يا كهفي حين تعييني المذاهب وكنزي حين
تعجزني المكاسب ومؤنسي حين تجفوني الاباعد وتملني الاقارب ويا منجح
بها السائل واوليائه ومن اعتذر اجابه في باحته [illegible]
[illegible] من ورطة الذنوب [illegible]
[illegible] الخطايا اسئلك يا مولاي بالفجر والليالي
العشر والشفع والوتر والليل اذا يسر وبما جرى به قلم الاقلام بغير كف
ولا ابهام وباسمائك العظام وبحجتك على جميع الانام عليهم منك افضل
السلام وبما استحفظتهم من اسمائك الكرام ان تصلي عليهم وترحمنا
في شهرنا هذا وما بعده من الشهور والايام وان تبلغنا شهر الصيام
في عامنا هذا وفي كل عام يا ذا الجلال والاكرام والمنن الجسام وعلى
محمد وآل بيته افضل السلام واعمال وادعيه اين شب بسيار است وروزه
روز اول فضيلت بسيار دارد واز حضرت امام محمد باقر منقولست كه در روز
اول ماه رجب نوح عم بكشتي سوار شد وامر كرد جميع جن وانس را كه با او در
كشتي بودند روزه بدارند وهر كه از روزه اول روزه بدارد آتش جهنم يكساله راه
از او دور كردد واز حضرت امام رضا ع منقولست كه هر كه روز اول ماه رجب را
از براى رغبت در ثواب خدا روزه بدارد بهشت او را واجب شود
وهر كه يك روز از وسط اين ماه روزه بدارد حق تعالى شفاعت او را قبول نمايد
در مانند ربيعه ومضر كه دو قبيله عظيمند از قبائل عرب وهر كه يك روز

از اهل ایمان روزه دارد حقتعالی او را از دوزخ امان بخشد و روا نماید قبول کند
شفاعت او را در حق یکصد هزار نفر از پدر و مادر و خویش و اقربا و خالو و
خاله و جمیع همسایگان و آشنایان او هر چند همه مستوجب جهنم شده
باشند و شیخ طوسی و دیگران از سلمان فارسی رضی الله عنه روایت کرده اند که
گفت که روزی در اواخر جمادی الثانیه رفتم بخدمت حضرت رسالت پناه صلعم
حضرت فرمود که ای سلمان هیچ از ماه رجب پرسیدی فرمود که هر کس از مومنین یا
مومنه که درین ماه رجب سی رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت یکمرتبه سوره
حمد و سه مرتبه سوره قل هو الله احد و سه مرتبه سوره قل یا ایها الکافرون
بخواند البته حقتعالی محو کند از نامه عمل او هر گناهی که کرده [illegible]
باشد و عطا کند او را ثواب کسی که تمام ماه را روزه گرفته باشد و
تا سال دیگر حقتعالی او را از نمازگزاران نویسد و در هر روز ثواب
شهیدی از شهیدان جنگ بدر برای او بنویسند و هر روزی که تمام روز
بدارد عبادت یکساله در نامه عمل او بنویسند و هزار درجه در بهشت از
برای او بلند کنند و اگر تمام ماه را روزه بدارد خدا او را از آتش جهنم نجات بخشد
و بهشت را از برای او واجب گرداند ای سلمان جبرئیل این خبر را از برای من آورد
و گفت یا محمد این علامتیست میان شما و منافقان زیرا که منافقان این نماز
را نمیکنند گفتم یا رسول الله چگونه این نماز را بکنم و در چه وقت بجا آورم
فرمود که در روز اول ماه ده رکعت بجای آور و هر دو رکعت بیک سلام
در هر رکعت یکمرتبه سوره حمد و سه مرتبه سوره قل هو الله احد و سه

مرتبه سوره قل یا ایها الکافرون بخوانی و بعد از سلام دست بسوی آسمان
بلند کنی و بگو لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی
ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر اللهم لا
مانع لما اعطیت ولا معطی لما منعت ولا ینفع ذا الجد منک الجد پس دستها
بر روی خود میکشی و در روز وسط ماه یعنی پانزدهم ده رکعت همان نحو بجای
آوری و بعد از هر سلام دستها را بسوی آسمان برداری و میگوئی لا
اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو
حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر الها واحدا احدا فردا
صمدا لم یتخذ صاحبة ولا ولدا پس دستها را بروی خود میکشی و در
روز آخر ماه ده رکعت همان نحو میکنی و بعد از هر سلام دست بر
میداری و میگوئی لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد
یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر و
صلی الله علی محمد وآله الطاهرین ولا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم پس دستها را بر روی خود بمالی و حاجت خود را طلب کن البته روا
شده است و حقتعالی میان تو و جهنم هفت خندق قرار میدهد که عرض
هر خندقی چندان باشد که میان آسمان و زمین بوده باشد و بعد هر رکعتی هزار
هزار رکعت در نامه عمل تو بنویسند و برات بیزاری از جهنم و گذشتن بر صراط
برای تو بنویسند و منقول است که هر که در روز جمعه ماه رجب صد مرتبه
سوره قل هو الله احد بخواند حقتعالی در قیامت او را نوری عطا کند که بان نور

داخل بهشت گردد و در حدیث معتبر وارد شده است که حضرت امام محمد
باقر ع در روز جمعه اول ماه رجب متولد شده است و موجب زیادتی شرف
این روز گردیده و در بعضی روایات وارد شده است که ولادت حضرت امام علی نقی ع
در روز دوم ماه رجب واقع شده و در روایت دیگر در روز سیوم ماه رجب واقع
شده و روایات هم بر این است که وفات آنحضرت در روز سیوم واقع شده است
و ابن عیاش گفته است که ولادت آنحضرت در پنجم ایضا واقع شده است
و ولادت امام محمد تقی ع در دهم ایضا شده است و بعضی از روایات که
فضیلت خصوص دهم واقع شده است و در فضیلت ایام البیض ماه
رجب احادیث معتبر وارد شده است یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم
و بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که حق تعالی
سه ماه را باین امت داده است که باحدی از امتهای گذشته نداده است
ماه رجب و ماه شعبان و ماه رمضان و سه شب باین امت داده است
که با امتهای دیگر نداده است شب سیزدهم و شب چهاردهم و شب پانزدهم
و سه سوره باین امت داده است که مثل اینها با امتهای پیش نداده است
سوره یس و سوره تبارک الذی بیده الملک و سوره قل هو الله احد پس
هر که جمع کند میان این سه فضیلت جمیع فضایل این امت را جمع کرده
خواهد بود پرسیدند که چگونه جمع کند فرمود که در شب سیزدهم
هر یک از این سه ماه دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بعد از سوره
حمد این سه سوره را بخواند و در شب چهاردهم چهار رکعت نماز بگذارد

بدو سلام و در هر رکعت بعد از حمد این سه سوره را بخواند و در شب پانزدهم
شش رکعت بجا آورد بسه سلام و در هر رکعت بعد از حمد این سه سوره
بخواند تا جمیع فضیلت این سه ماه را بیابد و جمیع گناهان او آمرزیده شود بغیر
از شرک بخدا و از حضرت صادق ع منقول است که هر که ایام البیض ماه رجب را
روزه دارد حق تعالی بهر روزی عبادت یکساله و روزه یکساله برای او بنویسد
و در روز قیامت او را در محل ایمنان باز دارد که هیچ بیم و خوف نداشته باشد
و مشهور آن است که ولادت با سعادت حضرت امیرالمؤمنین ع در میان
کعبه معظمه در روز سیزدهم ماه رجب بود دوازده سال قبل از مبعوث
شدن حضرت رسول ص و علی بن ابرهیم گفته است که ولادت حضرت
امام علی نقی ع نیز در روز سیزدهم ماه رجب بود در سال دویست و چهار
ده از هجرت و شب پانزدهم از لیالی متبرکه است و غسل در آن سنت است
و احیای آن بعبادت فضیلت بسیار دارد و از حضرت رسول ص منقول است
که در شب نیمه رجب حق تعالی امر میکند ملائکه را که هر گناهی که در دیوان اعمال
مؤمنان باشد محو کنند و ایضا از آنحضرت منقول است که هر که روز سیزدهم
و چهاردهم و پانزدهم رجب را روزه بدارد و در شبهای اینها مشغول عبادت
باشد از دنیا نرود مگر با توبه نصوح و هر روزی که روزه داشته هفتاد گناه کبیره
او آمرزیده شود و هفتاد حاجت او برآورده شود در وقتی که از قبر بیرون می
آید نور او در نزد صراط چنان باشد که هفتاد بنده از فرزندان اسمعیل
آزاد کرده باشد و شفاعت او را قبول کنند در هفتاد نفر از اهل بیت و خویشان

از آتش دوزخ ... باشد و هرکه تمام ماه را روزه بدارد حق تعالی او را بدهد هفتاد
هزار شهر و در هر شهری هفتاد هزار قصر بوده باشد و در هر قصری هفتاد
هزار حوریه باشد و هر حوریه هفتاد هزار خادم داشته باشد و شیخ طوسی
به سند صحیح از حضرت صادق روایت کرده است که در شب نصف رجب
دوازده رکعت نماز بجا می آورد بجهت هر دو رکعت سلام با حمد و هر سوره که خواهی
و چون فارغ شوی هر یک از سوره حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب
الناس و قل هو الله احد و آیة الکرسی را چهار مرتبه بخوان پس چهار مرتبه
میگوئی سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَکْبَرُ پس میگوئی
اَللهُ اَللهُ رَبِّی لَا اُشْرِکُ بِهِ شَیْئًا وَمَا شَاءَ اللهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ و در شب و
روز زیارت حضرت امام حسین سنت مؤکد است و به سند صحیح از
ابن ابی نصر منقولست که از حضرت امام رضا سوال کردم که زیارت حضرت
امام حسین در کدام وقت بهتر است فرمود که در نیمه رجب و نیمه
شعبان و در روز پانزدهم نماز سلمان را بجا می آورد بکیفیتی که گذشت و به سند
معتبر از حضرت صادق منقولست که حضرت امیر المؤمنین فرمود که این
چهار رکعت نماز کرد و دستهای خود را گشود و این دعا را خواند پس فرمود
که هر که بعد از ... این نماز کرد و این دعا را بخواند البته کرب و شدت او
زایل گردد و این چهار رکعت را به دو سلام میکند و هر سوره که خواهد
بعد از حمد بخواند و دعا اینست اَللّٰهُمَّ یَا مُذِلَّ کُلِّ جَبَّارٍ وَیَا مُعِزَّ
الْمُؤْمِنِینَ اَنْتَ کَهْفِی حِینَ تُعْیِینِی الْمَذَاهِبُ وَاَنْتَ بَارِئُ خَلْقِی رَحْمَةً بِی

وَقَدْ کُنْتَ عَنْ خَلْقِی غَنِیًّا وَلَوْلَا رَحْمَتُکَ لَکُنْتُ مِنَ الْهَالِکِینَ وَاَنْتَ مُؤَیِّدِی
بِالنَّصْرِ عَلٰی اَعْدَائِی وَلَوْلَا نَصْرُکَ اِیَّایَ لَکُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِینَ یَا مُرْسِلَ
الرَّحْمَةِ مِنْ مَعَادِنِهَا وَمُنْشِئَ الْبَرَکَةِ مِنْ مَوَاضِعِهَا یَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالشُّمُوخِ وَ
الرِّفْعَةِ فَاَوْلِیَاؤُهُ بِعِزِّهِ یَتَعَزَّزُونَ یَا مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوکُ نِیرَ الْمَذَلَّةِ
عَلٰی اَعْنَاقِهِمْ فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ اَسْئَلُکَ بِکَیْنُونِیَّتِکَ الَّتِی
اشْتَقَقْتَهَا مِنْ کِبْرِیَائِکَ وَاَسْئَلُکَ بِکِبْرِیَائِکَ الَّتِی اشْتَقَقْتَهَا مِنْ عِزَّتِکَ
وَاَسْئَلُکَ بِعِزَّتِکَ الَّتِی اسْتَوَیْتَ بِهَا عَلٰی عَرْشِکَ فَخَلَقْتَ بِهَا جَمِیعَ خَلْقِکَ
فَهُمْ لَکَ مُذْعِنُونَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِهِ پس حاجات خود
را طلب نماید و بعد از آنکه عمده اعمال نصف رجب دعای ام داود است
که ابن بابویه و شیخ طوسی و سید بن طاوس رضی ... به سندهای معتبر روایت
کرده اند و برای برآمدن حاجات و کشف کربات و دفع ظلم ظالمان مجربست
و مجمل روایاتش آنست که فاطمه مادر داود بن الحسن پسر زاده امام حسن مجتبی
دایه حضرت امام جعفر صادق بود و شیر داود با آنحضرت را شیر داده بود
و چون محمد بن عبدالله بن الحسن در مدینه خروج کرده بود و منصور دوانقی
لشکر فرستاد و او را کشتند و ابرهیم برادر محمد را نیز شهید کردند و عبدالله
بن الحسن و جمعی از سادات حسینی را با غل و زنجیر از مدینه بعراق بردند
و داود نیز در میان ایشان بود ام داود گفت چون مدتی از حبس فرزندم گذشت
و از او خبری بمن نرسید پیوسته دعا و تضرع میکردم و از صلحا و نیکان
و برادران مؤمن استدعای دعا مینمودم و ایشان تقصیر نمیکردند و بالله

از استجابت غمناک بودم و گاهی خبر بمن میرسید که داود را کشتند و گاهی می
گفتند که او را با پسران عم او در زیر حائط زنده گذاشتند و روز بروز
مصیبت من عظیم تر و اندوه من بیشتر میشد تا آنکه از غم گداخته و بی
شدم و از ملاقات او نا امید گردیدم تا آنکه روزی شنیدم که حضرت صادق ع
را علتی عارض شده بعیادت آنحضرت رفتم چون احوال پرسیدم و دعا کردم
خواستم برگردم حضرت فرمود که از داود چه خبر داری و من شیر داود را
با آنحضرت داده بودم چون نام داود را شنیدم گریستم و گفتم فدای تو شوم
داود کجاست و دگر او در عراق محبوس است و من از ملاقات او قطع امید کردم
و از شما التماس میکنم که او را دعا کنید که او برادر رضاعی شما است حضرت
فرمود چرا غافلی از دعای استفتاح و دعای اجابت و نجاح و آن دعائیست
که درهای آسمان برای آن گشوده میشود و ملائکه استقبال میکنند آنرا و
از او بشارت میدهند او را باجابت و آن دعائیست که از جناب الهی
محجوب نمیگردد و خواننده را ثوابی نیست بغیر از بهشت ام داود گفت ای
فرزند طاهرین و راستگویان چگونه است آن دعا حضرت فرمود که ای
مادر داود ماه محرم یعنی ماه رجب نزدیک شده است و آن ماهیست
مبارک و حرمت آن عظیم است و دعاها در آن مستجاب است چون آن ما
در آید سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم که ایام البیض اند روزه بدار پس حضرت
کیفیت آن عمل را تعلیم او نمود و فرمود که این عمل را حفظ کن و بهیچکس تعلیم
مکن که میترسم بدست کسی افتد که برای امر باطلی و ناشروعی بخواند

بخواند

که این دعا بسیار شریف است و مشتمل است بر اسم اعظم خدا که هر که بخواند البته
حاجتش برآورده میشود و اگر درهای آسمان و زمین همه بسته شود یا دریاها
حایل باشند میان تو و حاجت تو چون این دعا را بخوانی البته حق تعالی
میگرداند رسیدن تو را بمطلب تو و حاجت تو را برمی آورد و هر که این دعا
بخواند خدا مستجاب میگرداند خواه مرد و خواه زن اگرچه جن و انس همه دشمن
فرزند تو باشند خداوند قادر کفایت میکند و زبان ایشان از او میکند و
ایشان را منقاد فرزند تو میگرداند ام داود گفت که حضرت این دعا را برای
من نوشت و بخانه برگشتم چون ماه رجب داخل شد آنچه حضرت فرموده
بود بعمل آوردم و در شب شانزدهم نماز شام و خفتن را ادا کردم و از روزه
افطار نمودم و قدری عبادت کردم و بخواب رفتم بخواب دیدم جمیع ملائکه
و پیغمبران و شهدا و عباد را که من بر ایشان صلوات فرستاده بودم و حضرت
رسول صلعم مرا خطاب فرمود که ای مادر داود بشارت باد ترا که اینجماعت که میبینی
همه برادران و یاران و شفیعان تواند و از برای تو طلب آمرزش میکنند و
بشارت میدهند ترا بآنکه حاجت تو برآورده است پس بشارت باد ترا
بآمرزش خدا و خوشنودی خدا و خدا از اجل او خبر دهد و شاد باش که حق تعالی
فرزند ترا حفظ میکند و بسوی تو برمیگرداند ان شاء الله تعالی ام داود گفت که از خواب
بیدار شدم و بعد از آن باندک زمانی که سوار تند روی از عراق بمدینه آید
داود بنزد من آمد و گفت ای مادر من در عراق در زندان بسیار تنگی و سنگینی
بند و زنجیر بودم و نا امید بودم از خلاصی شدن چون شب نصف رجب

دیدم در خواب شبی که بلندیهای زمین پست شده تا دیدم که بزرگترین
حصیرها از خود نشسته بودی و بر دور تو مردان چند بودند که سوهای ایشانرا
از آسمان بود و بالهای ایشان در زمین و تسبیح و تحمید خدا میکردند بر یکی
از ایشان که از همه خوشبوتر و خوشروتر و جامهای بسیار پاکیزه در بر داشت
و کان کردم که حضرت رسالت پناه است از ایشان خطاب کردم که بشارت
باد ترا ای فرزند بخواه از خدا که حقتعالی دعای پدر تو را در حق تو مستجاب
کرد چون بیدار شدم رسولان منصور دوانیقی آمدند و بنزد او بردند و مطلب
من باو عرض کردند در میان شب مرا بنزد داود بردند پس امر کرد تا زنجیرها از پای او برداشتند
و ده هزار درهم که از اموال او بود و تومان بود بحساب او تومان من عطا کرد
فرمود که مرا بر شتر رهواری سوار کنند و برخیزد تمام جمعیت بیاورند و ام
داود گفت که من داود را بخدمت حضرت صادق ع بردم حضرت فرمود که سبب
خلاصی تو آن بود که منصور حضرت امیرالمؤمنین ع را در خواب دید که باو
فرمود که رها کن فرزند مرا و اگر نکنی تو را در آتش میاندازم چون نظر کرد
دریای آتش در زیر پای خود دید پس از دهشت بیدار شد و از کرده خود
پشیمان گردید و ترا رها کرد و اما کیفیت اعمال شریف ام داود گفت که حضرت
صادق ع فرمود که در ماه مبارک رجب روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم
را روزه بدار و در روز پانزدهم در وقت زوال غسل بکن و بر روایت دیگر
نزدیک زوال غسل بکن و چون زوال معلوم شود پاکیزه ترین جامهای
خود را بپوش و بخانه خلوتی برو و سعی کن که کسی نزد تو نیاید که ترا مشغول
کرداند و با توسخن بگوید و هشت رکعت نافله زوال را بعمل آور و رکوع و
سجودهارا خوب بعمل آور و بعد از نماز بجهت ظهر دو رکعت نماز بکن هر
سوره که خواهی و بعد از آن صد مرتبه بگو یا قاضی حوائج الطالبین پس هشت
رکعت نافله عصر را با آداب بجای آوری و در بعضی از روایات وارد شده
است که در هر رکعت از نافله عصر بعد از حمد سه مرتبه قل هو الله احد
و یک مرتبه سوره انا اعطیناک الکوثر بخوان پس نماز عصر را بالخشوع و آداب بجا
آوری و دیگر روایتی وارد شده است که بعد از عصر پاکیزه بنشین پس صد
مرتبه سوره قل هو الله احد و ده مرتبه آیة الکرسی بخوان پس هر یک از این
سورها را یک مرتبه بخوان سوره انعام و بنی اسرائیل و کهف و لقمان و یس
و والصافات و حم سجده و حمعسق و حم دخان و انا فتحنا و اذا وقعت و تبارک
الذی بیده الملک و ن والقلم و اذا السماء انشقت تا آخر قرآن و اگر
نتوانی این سورها را از روی مصحف درست بخوانی بعوض همه هزار مرتبه
سوره قل هو الله احد بخوان و شیخ مفید ره گفته است که اگر ندانی یا
نتوانی این سورهای مخصوص را بخوانی صد مرتبه سوره حمد و ده مرتبه
آیة الکرسی و هزار مرتبه قل هو الله احد بخوان و این احوط است و در
روایت دیگر وارد شده است که پیش از حمد صد مرتبه بگوید سبحان الله
والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر و بعد از آیة الکرسی صد مرتبه
بگوید اللهم صل علی محمد وآل محمد و اگر آیة الکرسی را نیز درست نتواند
بخواند صد مرتبه سوره حمد و هزار مرتبه قل هو الله احد بخواند پس این دعا را

بخواند و آیة الکرسی و آیات کریمه قرآن بعد از آن بخواند دعا این است

بسم الله الرحمن الرحيم صدق الله العظيم الذي لا إله إلا هو الحي القيوم ذو الجلال
والإكرام الرحمن الرحيم الحليم الكريم الذي ليس كمثله شيء وهو السميع
البصير العليم الخبير شهد الله أنه لا إله إلا هو والملائكة وأولوا
العلم قائما بالقسط لا إله إلا هو العزيز الحكيم وبلغت رسله الكرام
وأنا على ذلك من الشاهدين اللهم لك الحمد ولك المجد ولك العز ولك
الفخر ولك القهر ولك النعمة ولك العظمة ولك الرحمة ولك المهابة ولك
السلطان ولك البهاء ولك الامتنان ولك التسبيح ولك التقديس
ولك التهليل ولك التكبير ولك ما يرى ولك ما لا يرى ولك ما فوق
السماوات العلى ولك ما تحت الثرى ولك الأرضون السفلى ولك الآخرة
والأولى ولك ما ترضى به من الثناء والحمد والشكر والنعماء اللهم
صل على جبرئيل أمينك على وحيك والقوي على أمرك والمطاع في سماواتك
ومحال كراماتك المتحمل لكلماتك الناصر لأنبيائك المدمر لأعدائك
اللهم صل على ميكائيل ملك رحمتك والمخلوق لرأفتك والمستغفر
المعين لأهل طاعتك اللهم صل على إسرافيل حامل عرشك وصاحب
الصور المنتظر لأمرك الوجل المشفق من خيفتك اللهم صل على عزرائيل
ملك الموت الموكل على عبيدك في أرضك وسماواتك
قابض أرواح جميع خلقك اللهم صل على حملة العرش الطاهرين وعلى
ملائكتك الكرام أهل التنزيه عن دعاء المؤمنين وعلى السفرة الكرام

البررة الطيبين وعلى ملائكتك الكرام الكاتبين وعلى ملائكة الجنان
وخزنة النيران وملك الموت والأعوان يا ذا الجلال والإكرام اللهم
صل على أبينا آدم بديع فطرتك الذي كرمته بسجود ملائكتك وأبحته
جنتك اللهم صل على أمنا حواء المطهرة من الرجس المصفاة من الدنس
المفضلة من الإنس المترددة بين محال القدس اللهم صل على هابيل
وشيث وإدريس ونوح وهود وصالح وإبراهيم وإسماعيل وإسحاق و
يعقوب ويوسف والأسباط ولوط وشعيب وأيوب وموسى وهارون
ويوشع وميشا والخضر وذي القرنين ويونس وإلياس واليسع وذي الكفل
وطالوت وداود وسليمان وزكريا وشعيا ويحيى وتورخ ومتى وإرميا
وحيقوق ودانيال وعزير وعيسى وشمعون وجرجيس والحواريين و
الأتباع وخالد وحنظلة ولقمان اللهم صل على محمد وآل محمد وارحم
محمدا وآل محمد وبارك على محمد وآل محمد كما صليت ورحمت وباركت
على إبراهيم وآل إبراهيم إنك حميد مجيد اللهم صل على الأوصياء و
السعداء والشهداء وأئمة الهدى اللهم صل على الأبدال والأوتاد
والسياح والعباد والمخلصين والزهاد وأهل الجد والاجتهاد واخصص
محمدا وأهل بيته بأفضل صلواتك وأجزل كراماتك وبلغ
روحه وجسده مني تحية وسلاما وزده فضلا وشرفا وكرما حتى تبلغه
أعلى درجات أهل الشرف من النبيين والمرسلين والأفاضل المقربين
اللهم وصل على من سميت ومن لم أسم من ملائكتك وأنبيائك

ونسئلك واهل ما عملت واوحيت صلوات الهم والى الداعين والمعاهد
الجوار ببيتك والجوار عطاء دفاتك اللهم اني استشفع بك اليك وبكرمك
الى كرمك وبجودك الى جودك وبجميلك الى جميلك وباهل طاعتك
اليك واسئلك اللهم بكل ما سئلك به احد منهم من مسئلة شريفة
غير مردودة وبما دعوك به من دعوة مجابة غير مخيبة يا الله يا رحمن يا
رحيم يا حليم يا كريم يا عظيم يا جليل يا نبيل يا جميل يا كفيل يا وكيل
يا مقيل يا مجير يا خبير يا منير يا مبير يا منيع يا مديل يا محيل يا كبير يا قدير
يا بصير يا شكور يا بر يا طهر يا طاهر يا قاهر يا ظاهر يا باطن يا ساتر يا محيط
يا مقتدر يا حفيظ يا متجبر يا قريب يا ودود يا حميد يا مجيد يا مبدئ
يا معيد يا شهيد يا محسن يا مجمل يا منعم يا مفضل يا قابض يا باسط يا هادي
يا مرسل يا مرشد يا مسدد يا معطي يا مانع يا دافع يا رافع يا باقي يا واقي
يا خلاق يا وهاب يا تواب يا فتاح يا نفاح يا مرتاح يا من بيده كل مفتاح
يا نفاع يا رؤوف يا عطوف يا كافي يا شافي يا معافي يا مكافي يا وفي يا
مهيمن يا عزيز يا جبار يا متكبر يا سلام يا مؤمن يا احد يا صمد يا نور
يا مدبر يا فرد يا وتر يا قدوس يا ناصر يا مونس يا باعث يا وارث يا
عالم يا حاكم يا بادي يا متعالي يا مصور يا مسلم يا متحبب يا قائم يا دائم يا عليم
يا حكيم يا جواد يا باري يا بار يا سار يا عدل يا فاصل يا ديان يا حنان يا
منان يا سميع يا بديع يا خفير يا معين يا ناشر يا غافر يا قديم يا مسهل
يا ميسر يا مميت يا محيي يا نافع يا رازق يا مقتدر يا مسبب يا مغيث يا مغني

يا مقني

يا مقني يا خالق يا راصد يا واحد يا حاضر يا جابر يا حافظ يا شديد يا غياث
يا عائذ يا قابض يا منيب يا مبين يا طاهر يا محبب يا متفضل يا مستجيب
يا عادل يا مجير يا موئل يا مستغيث يا تواب يا علي يا رشيد يا مالك يا ذا
الطول يا مغيث يا ماجد يا رازق يا رافق يا فاصل يا سبحان يا من علا فاستعلى
فكان بالمنظر الاعلى يا من قرب فدنا وبعد فنأى وعلم السر واخفى يا من
اليه التدبير وله المقادير يا من العسير عليه سهل يسير ويا من هو
على ما يشاء قدير يا مرسل الرياح يا فالق الاصباح يا باعث الارواح
يا ذا الجود والسماح يا راد ما قد فات يا ناشر الاموات يا جامع الشتات
يا رازق من يشاء بغير حساب ويا فاعل ما يشاء كيف يشاء يا ذا الجلال
والاكرام يا حي يا قيوم يا حي حين لا حي يا حي يا محيي الموتى يا حي لا اله الا
انت بديع السموات والارض يا الهي وسيدي صل على محمد وآل محمد
وارحم محمدا وآل محمد وبارك على محمد وآل محمد كما صليت وباركت
وترحمت على ابرهيم وآل ابرهيم انك حميد مجيد وارحم ذلي وفاقتي و
فقري وانفرادي ووحدتي وخضوعي بين يديك واعتمادي عليك و
تضرعي اليك ادعوك دعاء الخاضع الذليل الخاشع الخائف المشفق البائس
المهين الحقير الجائع الفقير العائذ المستجير المقر بذنبه المستغفر منه
المستكين لربه دعاء من اسلمته ثقته ورفضته احبته وعظمت
فجيعته دعاء حرق حزين ضعيف مهين بائس مستكين بك مستجير اللهم
واسئلك بانك مليك وانك ما تشاء من امر يكون وانك على ما تشاء

فانی اسألک بحرمة هذا الشهر الحرام والبیت الحرام والبلد الحرام
والرکن والمقام والمشاعر العظام وبحق نبیک محمد علیه وآله السلام
یا من وهب لآدم شیثا ولابراهیم اسمعیل واسحق ویا من رد یوسف
علی یعقوب ویا من کشف بعد البلاء ضر ایوب یا راد موسی علی
امه ویا زائد الخضر فی علمه ویا من وهب لداود سلیمان ولزکریا یحیی
ولمریم عیسی یا حافظ بنت شعیب یا کافل ولد ام موسی اسألک
ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تغفر لی ذنوبی کلها وتجیرنی من
عذابک وتوجب لی رضوانک وامانک واحسانک وغفرانک وجنانک
واسألک ان تفک عنی کل حلقة بینی وبین من یؤذینی وتفتح
لی کل باب وتلین لی کل صعب وتسهل لی کل عسیر وتخرس عنی کل
ناطق بشر وتکف عنی کل باغ وتکبت عنی کل عدو لی وحاسد
وتمنع منی کل ظالم وتکفینی کل عائق یحول بینی وبین حاجتی ویحاول
ان یفرق بینی وبین طاعتک ویثبطنی عن عبادتک یا من الجم الجن
المتمردین وقهر عتاة الشیاطین واذل رقاب المتجبرین ورد کید
المتسلطین عن المستضعفین اسألک بقدرتک علی ما تشاء
وتسهیلک لما تشاء کیف تشاء ان تجعل قضاء حاجتی فیما
تشاء پس بخسبد بر روی پهلوی روی خود را بخاک بگذارد و بگوید اللهم
لک سجدت وبک آمنت فارحم ذلی وفاقتی واجتهادی وتضرعی ومسکنتی
وفقری الیک یا رب پس حضرت فرمود که سعی کن که اشک از دیدهات بیرون

اید اگرچه بقدر سر مگسی بوده باشد که آن علامت اجابت دعا است
و در روایت دیگر وارد شده است که در سجده این دعا را بخواند که
اللهم لک سجدت وبک آمنت فارحم ذلی وخضوعی بین یدیک و
دعائی الیک وارحم انفرادی وخشوعی واجتهادی بین یدیک و
توکلی علیک اللهم بک استفتح وبک استنجح وبمحمد عبدک و
رسولک والیک اتوجه الیک اللهم سهل لی کل حزونة وذلل
لی کل صعوبة واعطنی من الخیر اکثر مما ارجو واصرف عنی من الشر واصرف
عنی الشر و در روایت دیگر صد مرتبه در سجده بگوید یا قاضی حوائج
الطالبین اقض حاجتی بلطفک یا خفی الالطاف و در روایت معتبر
وارد شده است که مادر داود بحضرت عرض کرد که ای سید و آقای من آیا
این دعا را در غیر ماه رجب میتوان خواند فرمود بلی در روز عرفه میتوان
خواند و اگر موافق افتد که روز جمعه باشد صاحبش فارغ نمیشود مگر
آنکه خدا او را بیامرزد و در هر ماه که باشد اگر ایام البیض آن ماه را روزه بگیرد
و در روز پانزدهم این دعا را بخواند بنحوی که ذکر کردم حاجتش برآورده
میشود و در روایت دیگر وارد است که حضرت فرمود که روز عرفه و
هر روز که این دعا را بخواند حاجت او برآورده میشود مؤلف گوید که از
این احادیث ظاهر میشود که در هر ماه که ایام البیض آن را یعنی سیزدهم
و چهاردهم و پانزدهم روزه بدارد و در روز پانزدهم این عمل را بجا
آورد به مطلوب فایز گردد و دور نیست که اگر در روز عرفه یا جمعه و

سایر ایام چنین که هر کس این عمل را بدعت روزه بجا آورد خوب باشد و اگر در
غیر اشهر حرم کند ذی القعده و ذی الحجه و محرم و ماه رجب است بنیت نماز
بخواند بجای حرمة هذا الشهر الحرام بگوید حرمة الشهر الحرام و هذا را
ببیند از بهتر باشد **فصل پنجم** در بیان فضایل و اعمال نصف آخر ماه
رجب است شیخ طوسی و دیگران گفته اند که در روز نیمه هم ابراهیم
پسر رسول خدا از دنیا رفت پس حزن داشته و لعن بر ایشان که در این مصیبت
شماتت کرده اند مناسب است خصوصاً عایشه و لعن بر عایشه کردن که شماتت نمود
شیعه است گفته است که حضرت فاطمه صلوات الله علیها در بیست و
یکم ماه رجب بعالم قدس ارتحال نموده اگرچه خلاف مشهور است اما لعن
بر قاتلان و ظالمان آن جگرگوشه حضرت رسالت که در این ایام لعن نمایند
ثواب دارد و زیارت آنحضرت احتیاطا مناسبست بخصوص که مذکور خواهد
شد انشاء الله شیخ مفید رحمه الله گفته است که در بیست و دویم این ماه
معویه علیه اللعنه بجهنم واصل شده است و مستحب است که این روز
روزه دارند بشکر این نعمت و در بیست و سیم این ماه خاویان بجعده
زهر آلوده بر زبان مبارک حضرت امام حسن مجتبی زدند زیارت آنحضرت
و لعن بر ظالمان و قاتلان آنحضرت مناسبست و در روز بیست و چهارم
این ماه فتح خیبر است بدست علی بن ابیطالب صلوات الله علیه شد و مرحب
یهودی بدست آنحضرت کشته شد و گفته اند روز این روزه شکر
این نعمت و زیارت آنحضرت مناسب است و شیخ ره ذکر کرده که است

که شهادت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام در روز بیست و پنجم ماه رجب
واقع شده است اما الثالث بسیار در فضیلت این روز و ثواب روزه آن
وارد شده است و روایت نقل کرده اند از ابن بابویه و غیر او که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله در روز بیست و پنجم ماه رجب مبعوث برسالت شد
و این خلاف مشهور و احادیث بسیار است که بعد از این مذکور خواهد
شد اما در فضیلت روزه آن شکی نیست چنانچه از حضرت امیرالمؤمنین
علیه السلام منقولست که روزه آن کفاره دویست سال گناه است
و بسند بسیار معتبر از حضرت امام رضا مرویست که هر که روز بیست
پنجم ماه رجب را روزه بدارد حق تعالی روزه او را کفاره هفتاد سال گناه
گرداند **ایضا** از آنحضرت منقولست که هر که روز بیست و ششم ماه رجب
روزه دارد حق تعالی روزه او را کفاره هشتاد سال گناه گرداند و روز بیست
هفتم ایضا از جمله اعیاد عظیمه است و روز آنست که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله در آن روز برسالت مبعوث گردید و جبرئیل به پیغمبری
بر آنحضرت نازل شد و شبش نیز شب بسیار با برکتیست و بسندهای
معتبر از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقولست که در ماه رجب شبی
هست که بهتر است از برای مردم از آنچه آفتاب بر آن میتابد و آن شب بیست
و هفتم ایضا است و در صبح آن شب حضرت رسول صلی الله علیه و آله
برسالت مبعوث شد و کسی که عبادت کند این شب را مثل اجر شصت
سال عبادت خدا او را عطا میفرماید پرسیدند که عمل آن شب چیست فرمود

که چون نماز خفتن کردی بخواب رو و هرگاه که از شب بیدار شوی خواه پیش
از نصف شب و خواه بعد از آن بجز دوازده رکعت نماز بکن و بعد از
هر دو رکعت سلام بگو و در هر رکعت بعد از حمد یک سوره از سورههای
کوچک بعد از آن بخوان و چون فارغ شوی چنانکه نشسته سوره حمد
قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون
و انا انزلناه فی لیلة القدر و آیة الکرسی هر یک را هفت مرتبه بخوان پس
بعد از آن بخوان الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک
و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا اللهم انی اسئلک بمعاقد عزک
علی ارکان عرشک و منتهی الرحمة من کتابک و باسمائک الاعظم الاعظم
الاعظم و ذکرک الاعلی الاعلی و کلماتک التامات کلها ان تصلی علی
محمد و آل محمد و ان تفعل بی ما انت اهله پس هر حاجت که خواهی طلب
که هر چه طلبی مستجاب میشود مگر آنکه برای معاصی یا قطع رحم یا هلاک قومی
از مؤمنان طلب کنی و روزش را روزه بدار که از برای تو ثواب میشود
روزه یکساله و بسند معتبر دیگر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام
منقول است که در شب بیست و هفتم رجب هر وقت شب که باشد
دوازده رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد چهار مرتبه قل
اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد بخواند و چون از
دوازده رکعت فارغ شود در همان مکان چهار مرتبه بگوید لا اله الا الله
و الله اکبر و الحمد لله و سبحان الله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم

پس هر حاجت که خواهی طلب **مؤلف گوید** که ظاهر این دو روایت که نقل کرد
خوب است و اگر همه دوازده رکعت را بعد از نیمه شب بکنی بهتر است جمع
مذکور شد در این شب بجا آورد خوب است و در این روایت وارد شده است که
در این شب نیز بجا آورد شیخ طوسی گفته است که غسل در این شب سنت
است و زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و حضرت امیر المؤمنین ع
در این شب مناسب است و این دعا نیز وارد شده است که در این شب بخواند
اللهم انی اسئلک بالتجلی الاعظم فی هذه اللیلة من الشهر المعظم و المرسل
المکرم ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تغفر لنا ما انت به منا اعلم
یا من یعلم و لا نعلم اللهم بارک لنا فی لیلتنا هذه التی بشرف الرسالة
فضلتها و بکرامتک اجللتها و بالمحل الشریف احللتها اللهم فانا
نسئلک بالمبعث الشریف و السید اللطیف و العنصر العفیف ان تصلی
علی محمد و آله و ان تجعل اعمالنا فی هذه اللیلة و فی سائر اللیالی مقبولة
و ذنوبنا مغفورة و حسناتنا مشکورة و سیئاتنا مستورة و قلوبنا بحسن
القول مسرورة و ارزاقنا من لدنک بالیسر مدرورة اللهم انک تری و لا
تری و انت بالمنظر الاعلی و ان الیک الرجعی و المنتهی و ان لک الممات
و المحیا و ان لک الآخرة و الاولی اللهم انا نعوذ بک ان نذل و نخزی و
ان نأتی ما عنه تنهی اللهم انا نسئلک الجنة برحمتک و نستعیذ بک
من النار فاعذنا منها بقدرتک و نسئلک من الحور العین فارزقنا
بعزتک و اجعل اوسع ارزاقنا عند کبر سننا و احسن اعمالنا عند اقتراب

لنا بنا و فيك ما اعطيتك و ما قربنا اليك و يحظي عندك و زلفى لديك
اجارنا و حسن في جميع احوالنا و امورنا معرفتك و لا تكلنا الى احد من خلقك
و من علينا و تفضل علينا بجميع حوائجنا للدنيا و الآخرة و ابدأ بآبائنا و
امهاتنا و ابنائنا و جميع اخواننا المؤمنين في جميع ما سألناك لانفسنا يا
ارحم الراحمين اللهم اني اسئلك باسمك العظيم و ملكك القديم ان
تصلي على محمد و آل محمد و ان تغفر لي الذنب العظيم انه لا يغفر العظيم
الا العظيم اللهم و هذا رجب المكرم الذي اكرمتنا به اول اشهر الحرم
اكرمتنا به من بين الامم فلك الحمد يا ذا الجود و الكرم فاسئلك به و باسمك
الاعظم الاعظم الاعظم الاجل الاكرم الذي خلقته فاستقر في ظلك
فلا يخرج منك الى غيرك ان تصلي على محمد و اهل بيته الطاهرين و ان
تجعلنا من العاملين فيه بطاعتك و الآملين فيه لشفاعتك اللهم
اهدنا الى سواء السبيل و اجعل مقيلنا عندك خير مقيل في ظل
ظليل و ملك جزيل فانك حسبنا و نعم الوكيل اللهم اقلبنا مفلحين منجحين
غير مغضوب علينا و لا ضالين برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم اني
اسئلك بعزائم مغفرتك و بواجب رحمتك السلامة من كل اثم و الغنيمة
من كل بر و الفوز بالجنة و النجاة من النار اللهم دعاك الداعون
و دعوتك و سئلك السائلون فسئلتك و طلب اليك الطالبون و
طلبت اليك اللهم انت الثقة و الرجاء و اليك منتهى الرغبة في الدعاء
اللهم فصل على محمد و آله و اجعل اليقين في قلبي و النور في بصري

و النصيحة في صدري و ذكرك بالليل و النهار على لساني و رزقا واسعا
غير ممنون و لا محظور فارزقني و بارك لي فيما رزقتني و اجعل غناي
في نفسي و رغبتي فيما عندك برحمتك يا ارحم الراحمين پس بسجده
رو و بگو الحمد لله الذي هدانا لمعرفته و خصنا بولايته و وفقنا
لطاعته پس بگو شكرا شكرا صد مرتبه پس سر از سجده بردار و بگو
اللهم اني قصدتك بحاجتي و اعتمدت عليك بمسئلتي و توجهت
اليك بائمتي و سادتي اللهم انفعنا بحبهم و اوردنا موردهم و ارزقنا
مرافقتهم و ادخلنا الجنة في زمرتهم برحمتك يا ارحم الراحمين و
در روز بیست و هفتم غسل سنت است و روزه اش فضیلت بسیار دارد
و بسندهای معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که روزه
اش برابر است با روزه هفتاد سال و بروایت دیگر شصت سال و ایضا
منقول است که حسن بن راشد از حضرت صادق علیه السلام سؤال
کرد که از غیر عیدهای مشهور عیدی هست حضرت فرمود بلی شریفترین
عیدها است این روز زیرا که حضرت رسول صلی الله علیه و آله برسالت مبعوث
گردیده است و از بیست و هفتم رجب است باید که روزه بداری و صلوات
بر محمد و آل محمد بسیار بفرستی و زیارت حضرت رسول و زیارت حضرت
امیر علیه السلام در این روز منقول است و نماز این روز بطرق مختلفه منقول
شده است و اکثر گفته اند پیش از زوال باید کرد و از اکثر احادیث ظاهر
میشود که در هر وقت روز بکند خوبست و بسند معتبر از ریان بن الصلت

منقولست که چون حضرت امام محمد تقی علیه السلام ببغداد تشریف
آوردند در روز نصف رجب و روز بیست و هفتم روزه داشتند و
جمیع ملازمان و اصحاب خود را امر فرمودند که این دو روز را روزه بدارند
و در هر یک دوازده رکعت نماز بگذارند یعنی هر دو رکعت بیک سلام
و در هر رکعت الحمد و هر سوره که خواهند بخوانند و چون از همه فارغ شوند
سوره الحمد و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس
هر یکرا چهار مرتبه بخوانند پس چهار مرتبه بگویند لا اله الا الله و الله
اکبر و سبحان الله و الحمد لله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
پس چهار مرتبه بگویند الله الله ربی لا اشرک به شیئا پس چهار مرتبه
بگوید لا اشرک بربی احدا و بسند معتبر دیگر از حضرت صاحب الامر
علیه السلام منقولست که در این روز دوازده رکعت نماز بجای آورد و
در هر رکعت بعد از حمد هر سوره که میسر شود بخواند و بعد از هر دو رکعت
سلام میگوید و این دعا را بخواند الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن
له شریک فی الملک و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا یا عدتی
فی مدتی یا صاحبی فی شدتی یا ولیی فی نعمتی یا غیاثی فی رغبتی یا نجاحی
فی حاجتی یا حافظی فی غیبتی یا کالئی فی وحدتی یا انسی فی وحشتی انت
الساتر عورتی فلک الحمد و انت المقیل عثرتی فلک الحمد و انت المنعش
صرعتی فلک الحمد صل علی محمد و آل محمد و استر عورتی و آمن روعتی
و اقلنی عثرتی و اصفح عن جرمی و تجاوز عن سیئاتی فی اصحاب الجنة

وعد الصدق الذی کانوا یوعدون و چون از نماز و دعا فارغ شوی سوره
حمد و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل
یا ایها الکافرون و انا انزلناه فی لیلة القدر و آیة الکرسی هر یکرا
هفت مرتبه بخوان پس هفت مرتبه میگوئی لا اله الا الله و الله اکبر
و سبحان الله و الحمد لله و لا حول و لا قوة الا بالله پس هفت مرتبه
میگوئی الله الله ربی لا اشرک به شیئا پس آنچه خواهی از خدا طلب
و بسند معتبر دیگر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منقولست
که سنتست که این دعا را در روز بعث بخوانند یا من امر بالعفو و التجاوز
و ضمن نفسه العفو و التجاوز یا من عفا و تجاوز اعف عنی و تجاوز
یا کریم اللهم و قد اکدی الطلب و اعیت الحیلة و المذهب و
درست الآمال و انقطع الرجاء الا منک وحدک لا شریک لک
اللهم انی اجد سبل المطالب الیک مشرعة و مناهل الرجاء لدیک
مترعة و ابواب الدعاء لمن دعاک مفتحة و الاستعانة لمن استعان
بک مباحة و اعلم انک لداعیک بموضع اجابة و للصارخ الیک
بمرصد اغاثة و ان فی اللهف الی جودک و الضمان بعدتک عوضا
من منع الباخلین و مندوحة عما فی ایدی المستأثرین و انک لا تحتجب
عن خلقک الا ان تحجبهم الاعمال دونک و قد علمت ان افضل
زاد الراحل الیک عزم ارادة و قد ناجاک بعزم الارادة قلبی فا
سألک بکل دعوة دعاک بها راج بلغته امله او صارخ الیک

نفّست عنه او ملهوف مکروب فرّجت عن قلبه او مذنب خاطئ
غفرت له او معافی اتممت نعمتک علیه او فقیر اهدیت غناک
الیه ولتلک الدعوة علیک حق وعندک منزلة الا صلیت علی
محمد وآله وقضیت حوائجی حوائج الدنیا والآخرة وهذا رجب
المرجب المکرم الذی اکرمتنا به اول اشهر الحرم واکرمتنا به من
بین الامم یا ذا الجود والکرم فنسألک به وباسمک الاعظم الاعظم
الاعظم الاجل الاکرم الذی خلقته فاستقر فی ظلک فلا یخرج
منک الی غیرک ان تصلی علی محمد واهل بیته الطاهرین وتجعلنا
من العاملین فیه بطاعتک والآملین فیه لشفاعتک اللهم و
اهدنا الی سواء السبیل واجعل مقیلنا عندک خیر مقیل فی ظل
ظلیل فانک حسبنا ونعم الوکیل والسلام علی عباده المصطفین و
صلواته علیهم اجمعین اللهم وبارک لنا فی یومنا هذا الذی فضلته
وبکرامتک جللته وبالمنزل العظیم منک انزلته وصل علی من فیه
الی عبادک ارسلته وبالمحل الکریم احللته اللهم صل علیه
صلاة دائمة تکون لک شکرا ولنا ذخرا واجعل لنا من امرنا یسرا
واختم لنا بالسعادة الی منتهی آجالنا وقد قبلت الیسیر من اعمالنا
وبلغتنا برحمتک افضل آمالنا انک علی کل شیء قدیر وصلی الله علی
سیدنا محمد وآله وسلم و بسند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام
منقول است که هر که روز بیست و هشتم ماه رجب را روزه بدارد کفا

نود سال گناه او گردد و هر که روز بیست و نهم را روزه بدارد کفاره صد
سال گناه او باشد و هر که روز سیم این ماه را روزه بدارد حق تعالی گناهان
گذشته و آینده او را بیامرزد و در روز آخر این ماه نماز سلمان سنت است
بخوانی که در اول مذکور شد و اگر احتمال نقصان ماه باشد در روز بیست
و نهم احتیاطا عمل کند و در کتب دعوات از برای هر شب این ماه نماز مخصوصی
ذکر کرده اند چون سند معتبری بنظر نرسیده نخواستم ایراد نمایم و چون
بسیار مشهور است ایراد می نمایم بر سبیل اجمال و اگر کسی بقصد آنکه
مطلق صلوة خوانده باشد بکند بد نیست شب اول ده رکعت در هر رکعت
بعد از حمد یک مرتبه سوره جحد یعنی قل یا ایها الکافرون و سه مرتبه
سوره توحید یعنی قل هو الله احد شب دوم ده رکعت با حمد و جحد سه مرتبه
رکعت با حمد و پنج مرتبه سوره اذا جاء نصر الله در هر رکعت شب سیم ده
رکعت در هر دو رکعت در اول بعد از حمد قل اعوذ برب الفلق و در دوم
بعد از حمد قل اعوذ برب الناس شب چهارم شش رکعت در هر رکعت بعد از حمد
بیست و پنج مرتبه توحید شب پنجم دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد پنجاه
مرتبه آیة الکرسی شب ششم چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد توحید و
معوذتین هر یک سه مرتبه و بعد از نماز ده مرتبه صلوات و ده مرتبه
تسبیحات اربع شب هفتم بیست رکعت در هر رکعت یک حمد و هر یک از
چهار قل سه مرتبه شب هشتم دو رکعت بحمد و پنج مرتبه الهیکم التکاثر شب نهم
دوازده رکعت بعد از مغرب با حمد و سه مرتبه توحید شب دهم دوازده

ده رکعت با حمد و دوازده مرتبه آیة الکرسی و نیز دو رکعت با حمد و آیهٔ
امن الرسول ده مرتبه شب نهم ده رکعت در هر دو رکعت در رکعت اول
بعد از حمد سورهٔ والعادیات در رکعت دوم الهیکم التکاثر شب دهم
سی رکعت در هر رکعت بعد از حمد سورهٔ توحید و آیهٔ قل انما انا بشر
مثلکم تا آخر سوره شب یازدهم و دوازدهم سی رکعت با حمد و ده مرتبه
سورهٔ توحید در هر رکعت شب سیزدهم دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد
سورهٔ توحید و معوذتین هر یک ده مرتبه شب چهاردهم چهار رکعت در هر
رکعت بعد از حمد یازده مرتبه توحید و آیة الکرسی شب پانزدهم دو رکعت
در هر رکعت حمد و پنج مرتبه سورهٔ انا انزلناه شب شانزدهم شش رکعت در
هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه انا اعطیناک الکوثر و ده مرتبه توحید
شب هفدهم هشت رکعت در هر رکعت یک مرتبه سورهٔ حمد و هفده مرتبه
قل یا ایها الکافرون و بعد از فارغ شدن ده مرتبه صلوات بر محمد و آل
محمد و ده مرتبه استغفار شب هجدهم دو رکعت در هر رکعت بعد از
حمد پنج مرتبه سورهٔ والضحی شب نوزدهم چهل رکعت در هر رکعت
بعد از حمد آیهٔ امن الرسول و سورهٔ توحید یک مرتبه شب بیستم بیست
رکعت در میان نماز شام و خفتن در هر رکعت حمد و آیهٔ امن الرسول
و سورهٔ توحید یک مرتبه شب بیست و یکم دوازده رکعت در هر رکعت بعد از حمد
چهار مرتبه سورهٔ توحید شب بیست و دوم و بیست و سوم دوازده رکعت
در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سورهٔ اعلی و ده مرتبه انا انزلناه و بعد

از اتمام رکعات صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد و صد مرتبه استغفار
شب سی ام ده رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سورهٔ توحید و حال
از این نمازها ثواب بسیار مذکور است و بنا بر عدم اعتماد بر سند ذکر
نکردیم و جمیع نوافل که مذکور میشود هر دو رکعت به یک سلام است و
بعضی که طول دارد در میان نماز شام و خفتن واقع شده است و باید بعد
از داخل شدن وقت خفتن واقع شود که دفع خالی از اشکالی نیست لهذا
نماز مشهور شب غایب را درین رساله ایراد ننمودیم با آنکه از طریق عامه نقل
شده است و معتبر نیست باب دوم در بیان فضایل و اعمال ماه مبارک
شعبان و ایام و لیالی آنست و در آن نیز پنج فصل است فصل اول در
بیان فضیلت این ماه است و ثواب روزهٔ آن بدانکه فضل ماه شعبان
زیاده از ماه رجب است و منسوبست بحضرت سید انبیا صلی الله علیه و آله
چنانچه منقولست از حضرت صادق علیه السلام که چون حضرت رسول
صلی الله علیه و آله ماه شعبان را مشاهده میفرمود امر میفرمودند که ندا
کنند که ندا کنند در میان مردم که ای اهل مدینه من رسولم از جانب رسول خدا
بسوی شما و میفرماید که شعبان ماه من است خدا رحمت کند کسی را که
یاری کند مرا بر ماه من پس حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که از
روزی که منادی آنحضرت را شنیدم روزهٔ شعبان از من ترک نکردم و ترک آن
امروز نخواهم کرد و فرمود که روزهٔ ماه شعبان و رمضان توبه ایست از
جانب خدا برای جمیع گناهان و ایضا منقولست از ام سلمه که حضرت رسول

صلی الله علیه و اله هیچ ماه را تمام روزه نداشت مگر ماه شعبان را که
وصل میکرد بماه رمضان و ایضا منقولست که از انحضرت سوال کردند
که کدام روزه از روزهای سنت افضل است فرمود که روزه شعبان
برای تعظیم ماه رمضان و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست
که حضرت رسول صلی الله علیه و اله ماه شعبان را روزه میداشت و وصل
میکرد بماه رمضان و میفرمود که هر دو ماه خداست و روزه هر دو کفاره
گناهان گذشته و اینده است و ایضا از حضرت باقر علیه السلام
منقولست که هر که ماه شعبان را روزه دارد او را پاک گرداند از هر لغزشی
از قسمهای معصیت و قسمهای دروقت غضب و از حضرت رسالت
پناه صلی الله علیه و اله منقولست که شعبان ماهیست شریف و انما
مزینست و حاملان عرش الهی از انقطیم مینمایند و حق و حرمت ازا می
شناسند و انماهیست که زیاد میشود دران روزیهای بندگان از برای ماه
رمضان و زینت میکنند دران بهشتها را و از انشعبان نام کرده اند
برای انکه متشعب و بسیار میگردد دران روزیهای مؤمنان و حسنه
دران ماه مضاعف میگردد هفتاد بار و گناه دران پست میگردد و
امرزیده میشود و اعمال خیر دران مقبول میگردد و خدا بر بندگان فخر
میکند بسوی روزه داران و عبادت کنندگان انماه و مباهات میکند
بایشان با حاملان عرش و فضیلت روزه هر روز انماه انقدر
فرمود که ذکرش موجب تطویل کلام است و بسند معتبر از حضرت

صادق علیه السلام منقولست که روزه شعبان ذخیره بنده است
از برای روز قیامت و هر بنده که در شعبان روزه بسیار بگیرد البته
حق تعالی امر معیشت او را باصلاح اورد و کفایت کند شر دشمنان او
و کمتر عملی که روزه دار روزی از شعبان میدهد اینست که بهشت
از برای او واجب میگردد و بسندهای معتبر از انحضرت منقولست
که حضرت رسول صلی الله علیه و اله فرمود که ماه شعبان ماه منست
و رمضان ماه خداست پس هر که یکروز از ماه من روزه بدارد من شفیع
او باشم در قیامت و هر که دو روز از ماه من روزه بدارد گناهان گذشته
او امرزیده گردد و هر که سه روز از ماه من روزه بدارد او را گفته شود که عمل
از سر گیر یعنی هیچ گناه نداری و بسند عالی از حضرت امام رضا علیه السلام
منقولست که هر که یکروز شعبان از برای خدا روزه بدارد داخل بهشت
گردد و هر که در یکروز شعبان هفتاد مرتبه استغفار کند در قیامت
در زمره حضرت رسول صلی الله علیه و اله محشور شود و کرامت از جانب
خدا او را واجب گردد و هر که در شعبان تصدق بکند اگرچه بنصف
دانه خرما باشد خدا بدن او را بر اتش جهنم حرام کرده اند و هر که سه روز
از اخر شعبان روزه بدارد و وصل کند بماه رمضان خدا ثواب روزه
دو ماه متصل برای او بنویسد و ابن بابویه روایت کرده است که از اسامه
پرسیدند که کدام ماه را حضرت رسول زیاده از ماههای دیگر روزه میگرفت
گفت ماه شعبان را و میفرمود که مردم از ان غافلند و انماهیست که در ان

عملها بسوی خدا بالا میرود و دوست میدارم که عمل من بالا رود که در روز
که روزه باشم و ایضا روایت کرده است که از آنحضرت پرسیدند که کدام روزه
بعد فرمود بعد از ماه رمضان روزه شعبان یعنی افضل است از آن
و ایضا روایت کرده است بسند معتبر از حضرت خیر البشر که فرمود
شعبان ماه من است هر که از ماه من یک روز روزه بدارد بهشت او را
واجب گردد و هر که دو روز روزه بدارد در قیامت از رفیقان پیغمبران
و صدیقان باشد و هر که تمام ماه را روزه بدارد و پیوند کند بماه رمضان
توبه او باشد از هر گناه کوچک و بزرگ هر چند داخل خون حرام شده
باشد که او را نفع بسیار دهد و بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام
روایت کرده است که هر که سه روز از ماه شعبان روزه دارد بهشت
او را واجب گردد و رسول خدا شفیع او باشد در قیامت و ایضا بسند
بسیار معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که
چون ماه شعبان داخل میشد حضرت امام زین العابدین علیه السلام
اصحاب خود را جمع مینمود و میفرمود که ای گروه اصحاب من میدانید
اینچه ماهیست این ماه شعبان است و حضرت رسول صلی الله علیه
و آله میفرمود شعبان ماه من است پس روزه بدارید در این ماه از برای
محبت پیغمبر خود و از برای تقرب بسوی پروردگار خود بحق خداوندی
که جان علی بن الحسین بدست اوست سوگند یاد میکنم که شنیدم
از پدرم حسین بن علی علیه السلام که گفت شنیدم از حضرت امیر

المؤمنین

المؤمنین علیه السلام که هر که روزه دارد شعبان را از برای
محبت پیغمبر خدا و از برای تقرب بخدا خدا او را دوست دارد
و نزدیک گرداند بکرامت خود در روز قیامت و بهشت را
از برای او واجب گرداند و ایضا از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام روایت کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
فرمود که شعبان ماه من است و ماه رمضان ماه خدا است پس هر که
ماه مرا روزه بدارد من شفاعت کنم او را در روز قیامت و هر که روزه بدارد
ماه خدا را حق تعالی مونس او گرداند در وحشت قبر او و تنهائی او و کند
از قبر بیرون آید در قیامت با روی سفید نورانی و نامه عمل او را بدست
راستش بدهند و نامه خلاص بودن در بهشت را بدست چپ او دهند
تا آنکه او را نزد عرش الهی حاضر سازند پس حق تعالی ندا کند که ای بنده
او بگوید لبیک ای خداوند من پس خدا فرماید که روزه داشتی از برای که
گوید بلی ای آقای من پس خداوند جلیل ندا کند ملائکه را که بگیرید دست
بنده مرا و ببرید نزد پیغمبر من پس بیاورند او را نزد من و بگویم ما هر آینه
داشتی او گوید بلی بگویم با او که من امروز شفاعت تو میکنم پس حق تعالی فرماید
که من حقوق خود را ببنده خود بخشیدم اما حقوق خلق من هر که از او عفو
کند من عوض باو بدهم که او راضی شود پس من دست او را بگیرم و او را
بیاورم بنزد صراط پس بینم که صراط لغزنده است و میلرزد و پای کافران
بران بند نمیشود پس دست او را بگیرم و بیاورم و ملکی که موکل است بر

صراط گوید کیست این مرد که این غلغله کیست از امت من که در دنیا
مرا روزه گرفته است باید شفاعت من و ماه خدا را روزه داشته است
از برای طلب وعده خدا پس او را از صراط بگذرانم بعفو خدا تا او را به
بهشت رسانم پس رضوان گوید که امروز روزه دست کرده برای امت
تو میگشایم و او را داخل بهشت کنم پس حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
فرمود که روزه بدارید ماه حضرت رسالت را تا او شفیع شما گردد
در روز قیامت و روزه بدارید ماه خدا را تا بیاشامید از شراب کوثر
بهشت **فصل دوم** در بیان اعمال هر روز ماه شعبان است بسند معتبر از حضرت
امام رضا علیه السلام منقول است که هر که هفتاد مرتبه در ماه شعبان
استغفار کند گناهانش آمرزیده شود اگرچه بعدد ستارهای آسمان
باشد و در کتاب حسین بن سعید از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که شعبان ماه من است پس
در این ماه بسیار بفرستید صلوات بر من و بر اهل بیت من و شعبان را ماه شفاعت
میگویند زیرا که پیغمبر شما شفاعت میکند کسی را که در این ماه صلوات
بر او و بر آل او بفرستد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که بهترین
دعاها در ماه شعبان استغفار است و هر که در هر روز ماه شعبان
استغفار کند هفتاد مرتبه چنان باشد که در ماههای دیگر هفتاد هزار
مرتبه استغفار کرده باشد و در روایت دیگر است که میگوید هر روز بگو استغفر
الله واسأله التوبة و بسند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است

که هر که در هر روز ماه شعبان هفتاد مرتبه بگوید استغفر الله واسأله
التوبة بنویسد حق تعالی برای او برات بیزاری از آتش جهنم و بگذراند او را
از صراط و داخل بهشت گرداند او را و بسندهای معتبر منقول است که هر که
در هر روز ماه شعبان هفتاد مرتبه بگوید استغفر الله الذی لا اله الا
هو الرحمن الرحیم الحی القیوم و اتوب الیه حق تعالی وی را در افق مبین
جای دهد و آن فضایی وسیع است در پیش عرش و در آن فضا نهرها
جاریست و قدحها در کنار آن نهرهاست بعدد ستارهای آسمان
و در بعضی از روایات الحی القیوم پیش از الرحمن الرحیم است و
بسند معتبر منقول است که حضرت امام زین العابدین در هر روز ماه شعبان
در وقت زوال و در شب نیمه آن این صلوات را میخواندند اللهم صل
علی محمد و آل محمد شجرة النبوة و موضع الرسالة و مختلف الملائکة
و معدن العلم و اهل بیت الوحی اللهم صل علی محمد و آل محمد الفلک
الجاریة فی اللجج الغامرة یأمن من رکبها و یغرق من ترکها المتقدم لهم
مارق والمتأخر عنهم زاهق واللازم لهم لاحق اللهم صل علی محمد
وآل محمد الکهف الحصین وغیاث المضطر المستکین وملجأ الهاربین
ومنجی الخائفین وعصمة المعتصمین اللهم صل علی محمد وآل محمد
صلوة کثیرة طیبة تکون لهم رضی ولحق محمد وآل محمد اداء وقضاء
بحول منک وقوة یا رب العالمین اللهم صل علی محمد وآل محمد
الطیبین الابرار الاخیار الذین اوجبت لهم حقوقهم وفرضت طا

لهم و ولايتهم اللهم صل على محمد و آل محمد و اعمر قلبي بطاعتك
و لا تخزني بمعصيتك و ارزقني مواساة من قترت عليه من رزقك بما
وسعت علي من فضلك و نشرت علي من عدلك و احييتني تحت ظلك
و هذا شهر نبيك سيد رسلك صلواتك عليه و آله شعبان الذي
حففته منك بالرحمة و الرضوان الذي كان رسول الله صلى الله عليه
و آله يدأب في صيامه و قيامه في لياليه و ايامه بخوعا لك في اكرامه
و اعظامه الى محل حمامه اللهم فاعنا على الاستنان بسنته فيه
و نيل الشفاعة لديه اللهم و اجعله لي شفيعا مشفعا و طريقا اليك
مهيعا و اجعلني له متبعا حتى القاك يوم القيمة عني راضيا و عن
ذنوبي غاضيا قد اوجبت لي منك الرحمة و الرضوان و انزلتني دار القرار
و محل الاخيار و سيد بن طاوس به سند معتبر از ابن خالويه روايت
كرده است كه اين مناجات حضرت امير المؤمنين و امامان از فرزندان
اوست كه در ماه شعبان ميخواندند اللهم صل على محمد و آل محمد
و اسمع دعائي اذا دعوتك و اسمع ندائي اذا ناديتك و اقبل علي اذا ناجيتك
فقد هربت اليك و وقفت بين يديك مستكينا لك متضرعا اليك راجيا
لما لديك ثوابي و تعلم ما في نفسي و تخبر حاجتي و تعرف ضميري و لا يخفى
عليك امر منقلبي و مثواي و ما اريد ان ابدئ به من منطقي و اتفوه
به من طلبتي و ارجوه لعاقبتي و قد جرت مقاديرك علي يا سيدي فيما
يكون مني الى آخر عمري من سريرتي و علانيتي و بيدك لا بيد غيرك

زيادتي

زيادتي و نقصي و نفعي و ضري الهي ان حرمتني فمن ذا الذي يرزقني و
ان خذلتني فمن ذا الذي ينصرني الهي اعوذ بك من غضبك و حلول
سخطك الهي ان كنت غير مستاهل لرحمتك فانت اهل ان تجود
علي بفضل سعتك الهي كاني بنفسي واقفة بين يديك و قد اظلها
حسن توكلي عليك فقلت ما انت اهله و تغمدتني بعفوك الهي
ان عفوت فمن اولى منك بذلك و ان كان قد دنا اجلي و لم يدنني
منك عملي فقد جعلت الاقرار بالذنب اليك وسيلتي الهي قد جرت
على نفسي في النظر لها فلها الويل ان لم تغفر لها الهي لم يزل برك علي ايام
حياتي فلا تقطع برك عني في مماتي الهي كيف آيس من حسن نظرك
لي بعد مماتي و انت لم تولني الا الجميل في حياتي الهي تول من امري ما
انت اهله و عد بفضلك على مذنب قد غمره جهله الهي قد سترت علي
ذنوبا في الدنيا و انا احوج الى سترها علي منك في الاخرى الهي قد احسنت
الي اذ لم تظهرها لاحد من عبادك الصالحين فلا تفضحني يوم القيمة
على رؤوس الاشهاد الهي جودك بسط املي و عفوك افضل من عملي الهي
فسرني بلقائك يوم تقضي فيه بين عبادك الهي اعتذاري اليك
اعتذار من لم يستغن عن قبول عذره فاقبل عذري يا اكرم من اعتذر
اليه المسيئون الهي لا ترد حاجتي و لا تخيب طمعي و لا تقطع منك رجائي
و املي الهي لو اردت هواني لم تهدني و لو اردت فضيحتي لم تعافني الهي
ما اظنك تردني في حاجة قد افنيت عمري في طلبها منك الهي فلك

ابداً ابداً دائماً سرمداً يزيد ولا يبيد كما تحب وترضى الهي ان اخذتني
بجرمي اخذتك بعفوك وان اخذتني بذنوبي اخذتك بمغفرتك
وان ادخلتني النار اعلمت اهلها اني احبك الهي ان كان صغر في جنب
طاعتك عملي فقد كبر في جنب رجائك املي الهي كيف انقلب
من عندك بالخيبة محروما وقد كان حسن ظني بجودك ان تقلبني
بالنجاة مرحوما الهي وقد افنيت عمري في شرة السهو عنك وابليت
شبابي في سكرة التباعد منك الهي فلم استيقظ ايام اغتراري بك
وركوني الى سبيل سخطك الهي وانا عبدك وابن عبدك قائم
بين يديك متوسل بكرمك اليك الهي انا عبد اتنصل اليك مما
كنت اواجهك به من قلة استحيائي من نظرك واطلب العفو منك
اذ العفو نعت لكرمك الهي لم يكن لي حول فانتقل به عن معصيتك
الا في وقت ايقظتني لمحبتك وكما اردت ان اكون كنت فشكرتك
بادخالي في كرمك ولتطهير قلبي من اوساخ الغفلة عنك الهي انظر
الي نظر من ناديته فاجابك واستعملته بمعونتك فاطاعك يا قريبا
لا يبعد عن المغتر به ويا جوادا لا يبخل عمن رجا ثوابه الهي هب لي قلبا
يدنيه منك شوقه ولسانا يرفع اليك صدقه ونظرا يقربه
منك حقه الهي ان من تعرف بك غير مجهول ومن لاذ بك غير مخذول
ومن اقبلت عليه غير مملوك الهي ان من انتهج بك لمستنير وان
من اعتصم بك لمستجير وقد لذت بك يا الهي فلا تخيب ظني من رحمتك

ولا تحجبني عن رأفتك الهي اقمني في اهل ولايتك مقام من رجا الزيادة
في محبتك الهي والهمني ولها بذكرك الى ذكرك واجعل همتي في روح
نجاح اسمائك ومحل قدسك الهي بك عليك الا الحقتني بمحل اهل
طاعتك والمثوى الصالح من مرضاتك فاني لا اقدر لنفسي دفعا ولا
املك لها نفعا الهي انا عبدك الضعيف المذنب ومملوكك
المنيب فلا تجعلني ممن صرفت عنه وجهك وحجبه سهوه عن عفوك
الهي هب لي كمال الانقطاع اليك وانر ابصار قلوبنا بضياء نظرها
اليك حتى تخرق ابصار القلوب حجب النور فتصل الى معدن العظمة
وتصير ارواحنا معلقة بعز قدسك الهي واجعلني ممن ناديته فا
جابك ولاحظته فصعق لجلالك فناجيته سرا وعمل لك جهرا الهي
لم اسلط على حسن ظني قنوط الاياس ولا انقطع رجائي من جميل كرمك
الهي ان كانت الخطايا قد اسقطتني لديك فاصفح عني بحسن توكلي عليك
الهي ان حطتني الذنوب من مكارم لطفك فقد نبهني اليقين الى كرم
عطفك الهي ان انامتني الغفلة عن الاستعداد للقائك فقد نبهتني
المعرفة بكرم آلائك الهي ان دعاني الى النار عظيم عقابك فقد دعاني
الى الجنة جزيل ثوابك الهي فلك اسأل واليك ابتهل وارغب و
اسألك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعلني ممن يديم ذكرك
ولا ينقض عهدك ولا يغفل عن شكرك ولا يستخف بامرك الهي والحقني
بنور عزك الابهج فاكون لك عارفا وعن سواك منحرفا ومنك خائفا مراقبا

یا ذا الجلال و الاکرام و صلی الله علی محمد رسوله و آله الطاهرین
و سلّم تسلیماً کثیراً و این از مناجاتهای جلیل القدر است و مضامین
عالیه مشتمل است و در همه اوقات که حضور قلبی باشد خواندن مناسب
است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که در هر روز ماه شعبان
هفتاد مرتبه بگوید لا اله الا الله و لا نعبد الا ایاه مخلصین له الدین
و لو کره المشرکون حق تعالی عبادت هزار سال در نامه عمل او بنویسد
و گناه هزار ساله از او محو کند و از قبر بیرون آید با روئی نورانی مانند شب
چهارده و او را صدیق بنویسند و به سند معتبر منقولست که از حضرت
صادق علیه السلام سوال کردند از فضیلت روزه ماه رجب حضرت فرمود
که چرا غافلید از روزه ماه شعبان راوی گفت یابن رسول الله چه ثواب
دارد کسی که یک روز از ماه شعبان را روزه دارد گفت و الله بهشت ثواب
اوست گفت یابن رسول الله بهترین عملها در این ماه چیست فرمود تصدق
کردن و طلب آمرزش نمودن هر که در این ماه تصدق بکند حق تعالی او را تربیت
میکند چنانچه یکی از شما شتر بچه خود را تربیت میکند تا آنکه در قیامت
مانند کوه احد بصاحبش برسد فصل دوم در فضایل و اعمال مخصوصه
اول ماه است تا ایام البیض بسندهای معتبر از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که هر که روز اول ماه شعبان را روزه دارد بهشت او را واجب
گردد البته و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که
روزه سه روز اول ماه و سه روز میان و سه روز آخر و از حضرت امیر

المؤمنین

مؤمنین علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
فرمود که در هر پنجشنبه ماه شعبان زینت میکنند آسمانها را پس ملائکه
میگویند خداوندا بیامرز روزه داران این روز را و دعای ایشان را مستجاب
گردان و روز سیوم ماه شعبان روزیست بسیار مبارک و موافق مشهور
روز ولادت حضرت امام حسین علیه السلام است و از حضرت صاحب
الامر علیه السلام فرمانی بیرون آمد که روز سیوم ماه شعبان روز ولادت
حضرت امام حسین است پس روزه بدارید و این دعا را بخوانید اللهم
انی اسئلک بحق المولود فی هذا الیوم الموعود بشهادته قبل استهلاله
و ولادته بکته السماء و من فیها و الارض و من علیها و لما یطأ لابتیها
قتیل العبرة و سید الاسرة الممدود بالنصرة یوم الکرة المعوض من
قتله ان الائمة من نسله و الشفاء فی تربته و الفوز معه فی اوبته
و الاوصیاء من عترته بعد قائمهم و غیبته حتی یدرکوا الاوتار و
یثأروا الثار و یرضوا الجبار و یکونوا خیر انصار صلی الله علیهم مع
اختلاف اللیل و النهار اللهم فبحقهم الیک اتوسل و اسئل سؤال
مقترف و معترف مسیء الی نفسه مما فرط فی یومه و امسه یسئلک
العصمة الی محل رمسه اللهم فصل علی محمد و عترته و احشرنا فی
زمرته و بوئنا معه دار الکرامة و محل الاقامة اللهم و کما اکرمتنا
بمعرفته فاکرمنا بزلفته و ارزقنا مرافقته و سابقته و اجعلنا
ممن یسلم لامره و یکثر الصلوة علیه عند ذکره و علی جمیع اوصیائه

واهل اصفیائه الممدودین منک بالعدد الاثنی عشر النجوم الزهر
والحجج علی جمیع البشر اللهم وهب لنا فی هذا الیوم خیر موهبة وانجح
لنا فیه کل طلبة کما وهبت الحسین لمحمد جده وعاذ فطرس بمهده
فنحن عائذون بقبره من بعده نشهد تربته وننتظر اوبته آمین رب
العالمین وزیارت آنحضرت وغسل زیارت در این روز مستحب است
وکیفیت زیارت بعد از این مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی و
شیخ طوسی روایت کرده است که حضرت امام حسین علیه السلام
در روز پنجم ماه متولد شده است اکر اخبار ظاهر بود روزه خوب است بالله
وشمار آمدن این روز بعملی وزیارت خصوصی زیارت نشده است وایضا
شیخ بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در روز هفتم ماه متولد شده است
اکرچه خلاف مشهور است چنانچه در ماه رجب مذکور شد اما بروایت
این روایت اکر روزه وزیارت آنحضرت وسایر اعمال خیر در این روز بعمل
آورند مناسبست فصل در اعمال ایام البیض ماه شعبانست که
سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم که در اعمال ماه رجب مذکور شد سنت
است که در شب سیزدهم دو رکعت و در شب چهاردهم چهار رکعت
و در شب پانزدهم شش رکعت نماز بجا آورند در هر رکعت بعد از
حمد سوره یس و تبارک الذی بیده الملک و قل هو الله احد بخوانند
و در نماز سنتی سورها که از حفظ نتوانند خواند از روی قرآن میتوان

خواند و روزه هر سه روز سنت است و فضایل و اعمال شب پانزدهم
زیاده از آنست که در این رساله احصا توان نمود و اکتفا مینمایم بانچه
صحیح تر است از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که حضرت
رسول صلی الله علیه وآله فرمود که چون نصف شب شعبان شود
شب را بعبادت بایستید و روز را روزه بدارید بدرستیکه از اول
تا آخر این شب از جانب حق تعالی ندا میرسد که آیا استغفار کننده هست
که او را طلب آمرزش کند و کناهان او را بیامرزیم آیا کسی
هست که طلب روزی کند و ما روزی او را فراخ کردانیم و غسل در این
شب سنت است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که نیکو بدارید ماه شعبان را و در شب نیمه آن غسل کنید که باعث
تخفیف کناهان شما باشد و رحمت الهی شما را دریابد و از جمله اعمال
این شب زیارت حضرت امام حسین علیه السلام است و از حضرت امام
زین العابدین علیه السلام منقولست که هر که خواهد با او مصافحه کنند
روح صد و بیست و چهار هزار پیغمبر زیارت کند حضرت امام حسین
علیه السلام را در شب نصف شعبان زیرا که ملائکه و پیغمبران در
این شب از خدا رخصت میطلبند که بزیارت آنحضرت بیایند و خوشحال
میباشند پس خوشا حال کسی که این بزرکواران با او مصافحه کنند و از جمله
ایشانند پنج پیغمبر اولوا العزم نوح و ابرهیم و موسی و عیسی و محمد
صلی الله علیه وآله که مبعوث کردیده اند بمشرق و مغرب زمین

و جنیان و آدمیان و حضرت صادق علیه السلام منقولست که
در شب نیمه شعبان [illegible] جمیع گناهان [illegible] اگر زیارت مختصر
کند در آنشب و اقل زیارت آنحضرت آنست که بر بامی یا بصحرای گشاده
در آید و بجانب راست و بجانب چپ و بالای سر نظر کند
پس بانگشت اشاره کند بجانب راست قبله و بگوید السلام علیک
یا ابا عبد الله السلام علیک یا بن رسول الله السلام علیک و رحمة
الله و برکاته و اکمل از زیارات مبسوطه با اعمال او در جهات است و
ارجح و اعلا اینست السلام علیک یا وارث آدم صفوة الله السلام
علیک یا وارث نوح نبی الله السلام علیک یا وارث ابراهیم خلیل
الله السلام علیک یا وارث موسی کلیم الله السلام علیک یا وارث
عیسی روح الله السلام علیک یا وارث محمد حبیب الله السلام
علیک یا وارث امیر المؤمنین ولی الله السلام علیک یا بن محمد
المصطفی السلام علیک یا بن علی المرتضی السلام علیک یا بن فا
طمة الزهراء السلام علیک یا بن خدیجة الکبری السلام علیک
یا ثار الله و ابن ثاره و الوتر الموتور اشهد انک قد اقمت الصلوة
و آتیت الزکوة و امرت بالمعروف و نهیت عن المنکر و اطعت الله
و رسوله حتی اتاک الیقین فلعن الله امة قتلتک و لعن الله امة
ظلمتک و لعن الله امة سمعت بذلک فرضیت به یا مولای یا ابا
عبد الله اشهد انک کنت نورا فی الاصلاب الشامخة و

الارحام المطهرة لم تنجسک الجاهلیة بانجاسها و لم تلبسک من مدلهمات
ثیابها و اشهد انک من دعائم الدین و ارکان المؤمنین و اشهد
انک الامام البر التقی الرضی الزکی الهادی المهدی و اشهد ان
الائمة من ولدک کلمة التقوی و اعلام الهدی و العروة الوثقی
و الحجة علی اهل الدنیا و اشهد الله و ملائکته و انبیائه و
رسله انی بکم مؤمن و بایابکم موقن بشرایع دینی و خواتیم عملی
و قلبی لقلبکم سلم و امری لامرکم متبع صلوات الله علیکم
و علی ارواحکم و علی اجسادکم و علی اجسامکم و علی شاهدکم و
علی غائبکم و علی ظاهرکم و علی باطنکم پس دو رکعت نماز
زیارت بکند و اگر اینها را نیز زیارت بکند بهتر خواهد بود و اگر
از دور زیارت کند پس قصد زیارت علی بن الحسین علیه السلام
کند و بگوید السلام علیک یا بن رسول الله السلام علیک یا بن
نبی الله السلام علیک یا بن امیر المؤمنین السلام علیک یا بن الحسین
الشهید السلام علیک ایها الشهید و ابن الشهید السلام علیک
ایها المظلوم و ابن المظلوم لعن الله امة قتلتک و لعن الله امة
ظلمتک و لعن الله امة سمعت بذلک فرضیت به پس قصد زیارت
سایر شهدا رضی الله کند و بگوید السلام علیکم یا اولیاء الله و
احباءه السلام علیکم یا اصفیاء الله و اوداءه السلام علیکم
یا انصار دین الله السلام علیکم یا انصار رسول الله السلام

علیکم یا انصار امیر المؤمنین السلام علیکم یا انصار فاطمة سیدة
نساء العالمین السلام علیکم یا انصار ابی محمد الحسن بن علی
الزکی الناصح السلام علیکم یا انصار ابی عبد الله بابی انتم وامی
طبتم وطابت الارض التی فیها دفنتم وفزتم فوزا عظیما فیا لیتنی
کنت معکم فافوز معکم و در شب اول و یازدهم رجب و در
سیم و نیم ماه شعبان و شبهای ماه مبارک رمضان و شبهای عید
و سایر ایامی که زیارت آن حضرت مستحب است بهمین طریق زیارت
میتوان کرد و زیارت مبسوطه و مخصوصه زیاده در کتاب تحفة الزائر
ذکر کرده ام هر که خواهد بآن کتاب رجوع نماید و از جمله برکات این شب
آنست که ولادت با سعادت حضرت صاحب الامر علیه السلام
در این شب واقع شده و بدین سبب سنت است که این دعا را در این شب
بخوانند که بمنزلهٔ زیارت آن حضرت است اللهم بحق لیلتنا هذه ومولودها
وحجتک وموعودها التی قرنت الی فضلها فضلا فتمت کلمتک
صدقا وعدلا لا مبدل لکلماتک ولا معقب لآیاتک نورک
المتألق وضیاؤک المشرق والعلم النور فی طخیاء الدیجور الغائب
المستور جل مولده وکرم محتده والملائکة شهده والله ناصره
ومؤیده اذا آن میعاده والملائکة امداده سیف الله الذی
لا ینبو ونوره الذی لا یخبو وذو الحلم الذی لا یصبو مدار الدهر
ونوامیس العصر وولاة الامر والمنزل علیهم الذکر وما ینزل

فی

فی لیلة القدر واصحاب الحشر والنشر تراجمة وحیه وولاة امره
ونهیه اللهم فصل علی خاتمهم وقائمهم المستور عن عوالمهم
وادرک بنا ایامه وظهوره وقیامه واجعلنا من انصاره واقرن
ثارنا بثاره واکتبنا فی اعوانه وخلصائه واحینا فی دولته ناعمین
وبصحبته غانمین وبحقه قائمین ومن السوء سالمین یا ارحم
الراحمین والحمد لله رب العالمین وصلی الله علی محمد خاتم النبیین
والمرسلین وعلی اهل بیته الصادقین وعترته الناطقین و
العن جمیع الظالمین واحکم بیننا وبینهم یا احکم الحاکمین و
شهید روایت کرده که پدرم امام زین العابدین علیه السلام ما ها
را در شب نیمه شعبان نزد خود جمع میکرد و شب را سه حصه
میکرد در ثلث اول نماز میکرد و در ثلث دوم دعا میکرد و ما آمین
میگفتیم در دعای او و در ثلث آخر استغفار و طلب آمرزش میکرد و ما
نیز استغفار میکردیم تا صبح طالع میشد یعنی بعد از نماز شب و نماز
این شب بسیار است و از جمله آنها چهار رکعت است هر دو رکعت
بیک سلام و جمعی از اصحاب حضرت صادق علیه السلام این نماز را
از آن حضرت روایت کرده اند و در هر رکعت بعد از حمد صد مرتبه
قل هو الله احد بخوانند و بعد از نماز این دعا را بخوانند اللهم انی الیک
فقیر ومن عذابک خائف ومستجیر رب لا تبدل اسمی ولا
تغیر جسمی رب لا تجهد بلائی رب لا تشمت بی اعدائی اعوذ بعفوک

من عذابک واعوذ برضاک من سخطک واعوذ بک منک جل
ثناؤک انت کما اثنیت علی نفسک وفوق ما یقول القائلون فیک
و در روایت دیگر از پیغمبر دو رکعتست بدو سلام و در هر رکعت بعد از
حمد ده و بیست و پنجاه مرتبه قل هو الله احد یا صد مرتبه یا پنجاه مرتبه
بخواند و بعد از نماز این دعا بخواند اللهم انی الیک فقیر ولی
من عذابک خائف وبک مستجیر رب لا تبدل اسمی ولا تغیر
جسمی رب لا تجهد بلائی اللهم انی اعوذ بعفوک من عقوبتک
واعوذ برضاک من سخطک واعوذ برحمتک من عذابک واعوذ
بک منک لا اله الا انت جل ثناؤک ولا احصی مدحتک ولا
الثناء علیک انت کما اثنیت علی نفسک وفوق ما یقول القائلون
رب صل علی محمد وآل محمد وافعل بی کذا وکذا و بجای و
افعل بی کذا وکذا حاجت خود را یاد کند و اگر این نماز را با پنجاه مرتبه
قل هو الله احد بعمل آورد موافق میشود با نماز حضرت امیر المؤمنین ع
و در فضیلت این حادثه بسیار است و بسند معتبر از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام منقولست که شب نیمه شعبان بهترین
شبهاست بعد از شب قدر و حقتعالی فضل خود را در این شب
به بندگان عطا مینماید و احسان خود که احسان ایشان را امر زد
پس سعی کنید در عبادت این شب که شبیست که حقتعالی بذات
مقدس خود سوگند یاد کرده است که سائلی را از درگاه خود

رد نکند مگر آنکه معصیتی از خدا طلب نماید و این شب را خدا از برای
ما اهل بیت قرار داده است بازای شب قدر که از برای پیغمبر ما
قرار داده است پس اهتمام نمائید در این شب از دعا و ثنا کردن
بر خدا بدرستی که هر که در این شب صد مرتبه سبحان الله و صد
مرتبه الحمد لله و صد مرتبه الله اکبر و صد مرتبه لا اله
الا الله بگوید حق تعالی گناهان گذشته او را بیامرزد و حاجتهای
دنیا و آخرت او را برآورد خواه طلب نماید و خواه نخواهد و باید دعائی بسیار بخواند
که بهترین دعاها در این شب کدامست فرمود که بعد از نماز خفتن
دو رکعت نماز بکن و در رکعت اول بعد از حمد سوره قل یا ایها
الکافرون و در رکعت دوم سوره قل هو الله احد بخوان و بعد از
سلام سی و سه مرتبه سبحان الله و سی و سه مرتبه الحمد لله
و سی و چهار مرتبه الله اکبر بگو و اگر بترتیب تسبیح فاطمه علیها
السلام بخواند ظاهرا خوب باشد پس این دعا بخوان یا من الیه
ملجأ العباد فی المهمات والیه یفزع الخلق فی الملمات یا عالم الجهر
والخفیات یا من لا یخفی علیه خواطر الاوهام وتصرف الخطرات
یا رب الخلائق والبریات یا من بیده ملکوت الارضین والسموات
انت الله لا اله الا انت امت الیک بلا اله الا انت فیا لا اله الا انت
اجعلنی فی هذه اللیلة ممن نظرت الیه فرحمته وسمعت دعاءه
فاجبته وعلمت استقالته فاقلته وتجاوزت عن سالف خطیئته

وتطهيري به نفسا اجترحت من ذنوبي وما تتابع من
عيوبي اللهم جد على بكرمك وفضلك واحطط خطاياي
بحلمك وعفوك وتغمدني في هذه الليلة بسابغ كرامتك
واجعلني فيها من اوليائك الذين اجتبيتهم لطاعتك واخترتهم
لعبادتك وجعلتهم خالصتك وصفوتك اللهم اجعلني ممن
سعد جده وتوفر من الخيرات حظه واجعلني ممن سلم فنعم
وفاز فغنم واكفني شر ما اسلفت واعصمني من الازدياد
في معصيتك وحبب الي طاعتك وما يقربني منك ويزلفني
عندك سيدي اليك يلجأ الهارب ومنك يلتمس الطالب
وعلى كرمك يعول المستقيل التائب ادبت عبادك بالتكرم
وانت اكرم الاكرمين وامرت بالعفو عبادك وانت الغفور
الرحيم اللهم فلا تحرمني ما رجوت من كرمك ولا تؤيسني من سابغ
نعمك ولا تخيبني من جزيل قسمك في هذه الليلة لاهل طاعتك
واجعلني في جنة من شرار بريتك رب ان لم اكن من اهل ذلك
فانت اهل الكرم والعفو والمغفرة وجد علي بما انت اهله
لا بما استحقه فقد حسن ظني بك وتحقق رجائي لك وعلقت
نفسي بكرمك وانت ارحم الراحمين واكرم الاكرمين اللهم
واخصصني من كرمك بجزيل قسمك واعوذ بعفوك من
عقوبتك واغفر لي الذنب الذي يحبس علي الخلق ويضيق

علي ارزاقي حتى اتوخى مصالح رضاك وانعم بجزيل عطائك واسعدني
بسابغ نعمائك فقد لذت بحرمك وتعرضت لكرمك واستعذت
بعفوك من عقوبتك وبحلمك من غضبك فجد لي بما سالتك
وانل ما التمست منك اسئلك بك لا بشيء هو اعظم منك پس ده
مرتبه و سجده بگوئی یا رب بیست مرتبه و یا الله ده مرتبه لا حول
ولا قوة الا بالله ده مرتبه ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله
ده مرتبه لا قوة الا بالله ده مرتبه پس صلوات بر محمد و آل محمد
بفرست آنچه خواهی حاجت خود را از خدا طلب نما بسوگند که اگر
بعدد قطرات باران حاجت طلبی حق تعالی تو را بانعام برساند بکرم
و فضل خود و در روایت دیگر بعد از صد مرتبه یا الله صد مرتبه
بگو یا رب محمد و شیخ گفته است پس بگو الهی تعرض لك في هذا
الليل المتعرضون وقصدك القاصدون وامل فضلك ومعروفك
الطالبون ولك في هذا الليل نفحات وجوائز وعطايا ومواهب
تمن بها على من تشاء من عبادك وتمنعها من لم تسبق له العناية منك
وها انا ذا عبيدك الفقير اليك المؤمل فضلك ومعروفك فان
كنت يا مولاي تفضلت في هذه الليلة على احد من خلقك
وعدت عليه بعائدة من عطفك فصل على محمد وال محمد
الطيبين الطاهرين الخيرين الفاضلين وجد علي بطولك ومعروفك
يا رب العالمين وصلى الله على محمد خاتم النبيين واله الطاهرين

وسلم تسلیما ان الله سمیع مجیب اللهم انی دعوتک کما امرتنی فاستجب لی
کما وعدتنی انک لا تخلف المیعاد و [illegible]
نیست و از دعاهای این شب [illegible]
و ابن بابویه از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام روایت کرده است
که جبرئیل بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله نازل شد و گفت یا
محمد امت خود را امر کن که در شب نیمه شعبان ده رکعت نماز بکنند
هر دو رکعت به یک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره
قل هو الله احد بخوانند پس بسجده روند و در سجده بگویند اللهم لک
سجد سوادی و خیالی و آمن بک فؤادی یا عظیم کل عظیم اغفر ذنبی
العظیم فانه لا یغفر العظیم غیرک یا عظیم پس هر که این عمل را بجا آورد محو کند
حق تعالی از او هفتاد و دو هزار گناه او و مثل آن حسنه در نامه عمل
او بنویسد و محو کند از پدر و مادر او هفتاد و دو هزار گناه را و از جمله
نمازهاست که عایشه و جمعی دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
روایت کرده اند که حضرت فرمود که در شب نیمه شعبان در خواب
بودم جبرئیل بر من نازل شد و گفت ای محمد آیا بخواب میروی در این
شب گفتم این چه شب است گفت شب نیمه شعبان است برخیز
خیز پس مرا برد بسوی قبرستان بقیع و گفت سر بلند کن بسوی آسمان
بدرستی که این شبی است که درهای آسمان در این شب گشوده میشود
یعنی درهای رحمت و درهای خوشنودی خدا و درهای آمرزش گشاده

و درهای فضل و احسان و درگاه توبه و درگاه نعمت و درگاه جود و بخشش
می‌آمرزد حق تعالی از بندگان در این شب بعدد موهای چهارپایان
و پشمهای ایشان ای محمد هر که احیا کند این شب را بگفتن الله اکبر
و سبحان الله و لا اله الا الله و الحمد لله و دعا کردن و قرآن خواندن و
طلب آمرزش کردن و استغفار نمودن بهشت در آخرت جای او باشد
و گناهان گذشته و آینده او آمرزیده شود ای محمد هر که در این شب ده
رکعت نماز بکند هر دو رکعت به یک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده
مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند و چون از نماز فارغ شود ده مرتبه آیة
الکرسی و ده مرتبه سوره حمد بخواند و صد مرتبه سبحان الله بگوید حق
تعالی صد گناه کبیره او را بیامرزد و بعدد هر کسی و قصری
در بهشت باو عطا کند و شفاعت او را قبول کند در حق هفتاد نفر
از اهل خانه او و خویشان او و شریک گرداند او را در ثواب شهیدان و
روزه داران این ماه و عبادت کنندگان این ماه را باو عطا کند بی آنکه از ثواب
ایشان چیزی کم شود پس احیا کن این شب را ای محمد و امر کن امت خود را که احیا
کنند او را و تقرب جویند بسوی خدا بعبادت بدرستی که این شبی است
بسیار شریف یا محمد من چون نزد تو آمدم ملائکه اصحاب خود را
حفظ کرده بودند و نزد خدا بعبادت مشغول بودند و بعضی ایستاده
و بعضی در رکوع و بعضی در سجود بودند و بعضی مشغول بودند بدعا و
بعضی بتکبیر و بعضی بتسبیح و بعضی باستغفار یا محمد بدرستی که حق تعالی

در این شب نظر رحمت بسوی بندگان می‌افکند و می‌آمرزد هر مؤمنی
که دعا از اینها آمده باشد یا نشسته مشغول تسبیح باشد یا در رکوع و سجود
یا مشغول یاد خدا باشد و این شبی است که هر که دعا کند البته دعایش
مستجاب می‌شود و هر که سؤال کند با وعطا کرده می‌شود و هر که استغفار
کند آمرزیده می‌شود و هر که توبه کند توبه‌اش مقبول می‌گردد و محروم
کسی است که از خیر این شب محروم گردد و از حضرت امیرالمؤمنین علیه
السلام منقول است که هر که در شب نیمه شعبان صد رکعت نماز بکند
با هر یک مرتبه قل هو الله احد یعنی در هر رکعت ده مرتبه بخواند هر که چنین
او نمیرد مگر که عطا از ترس مرده باشد و خبر بدهد آنکه صد ملائکه
کاو را ایمن کردانند از عذاب الهی سی نفر ایشان بشارت دهند او را به بهشت
و سی نفر ایشان باشند که دور کنند او را از شر شیطان نگاه داشته باشند
و ده نفر ایشان باشند که شب و روز او را استغفار می‌کنند در شب نیمه
شب و روز و نه نفر که از استغفار می‌کنند از شر دشمنان و منقول است که
حضرت رسول صلی الله علیه و آله در این شب این دعا را می‌خواندند
اللّهمّ اقسم لنا من خشيتك ما يحول بيننا وبين معصيتك ومن طاعتك
ما تبلغنا به رضوانك ومن اليقين ما يهون علينا به مصيبات الدنيا
اللهمّ أمتعنا بأسماعنا وأبصارنا وقوّتنا ما أحييتنا واجعله الوارث
منّا واجعل ثأرنا على من ظلمنا وانصرنا على من عادانا ولا تجعل مصيبتنا
في ديننا ولا تجعل الدنيا أكبر همّنا ولا مبلغ علمنا ولا تسلّط

علينا

علينا من لا يرحمنا برحمتك يا ارحم الراحمين و این دعای جامع و کاملیست
و متضمن جمیع مطالب دنیا و آخرتست و چون دعای کمیل بن زیاد که از
خواص اصحاب امیرالمؤمنین است بهترین دعاهاست و از دعاهای این
شبست و در اوقات دیگر نیز می‌توان خواند با ترجمه در اینجا ایراد نموده
که در وقت خواندن متذکر معانی آن باشند تا فایده‌اش تمام‌تر و ثوابش
عظیم‌تر باشد بدانکه سید جلیل ابن طاوس در کتاب اقبال روایت کرده
است که کمیل بن زیاد گفت روزی با مولای خود حضرت امیرالمؤمنین
علیه السلام در مسجد بصره نشسته بودم شب نیمه شعبان مذکور
شد حضرت فرمود که هر بنده که این شب را بعبادت احیا کند و دعای
حضرت خضر را در این شب بخواند البته دعای او مستجاب گردد و چون
حضرت بمنزل خود مراجعت نمود شب بخدمت او رفتم چون مرا دید پرسید
بچه کار آمدی ای کمیل گفتم یا امیرالمؤمنین بطلب دعای خضر علیه السلام
آمدم فرمود بنشین ای کمیل چون این دعا را حفظ نمائی در هر شب جمعه
یا در ماهی یکمرتبه یا در سالی یکمرتبه یا در عمری یکمرتبه بخوان تا
کفایت شر دشمنان از تو بشود و یاری کرده شوی و روزی
داده شوی و البته آمرزیده شوی ای کمیل طول صحبت و خدمت
تو موجب آن شد که ترا چنین نعمتی و کرامتی ممتاز و سرافراز کردانم
پس گفت بنویس و دعا را تلقین بسم الله الرحمن الرحیم
من نمود و این است دعای کمیل

اللهم إني أسألك برحمتك التي وسعت كل شيء وبقوتك التي
قهرت بها كل شيء وخضع لها كل شيء وذل لها كل شيء وبجبروتك التي
غلبت بها كل شيء وبعزتك التي لا يقوم لها شيء وبعظمتك التي ملأت
كل شيء وبسلطانك الذي علا كل شيء وبوجهك الباقي
بعد فناء كل شيء وبأسمائك التي ملأت أركان كل شيء وبعلمك
الذي أحاط بكل شيء وبنور وجهك الذي أضاء له كل شيء
يا نور يا قدوس يا أول الأولين ويا آخر الآخرين اللهم اغفر لي الذنوب
التي تهتك العصم اللهم اغفر لي الذنوب التي تنزل النقم اللهم
اغفر لي الذنوب التي تغير النعم اللهم اغفر لي الذنوب التي تحبس
الدعاء اللهم اغفر لي الذنوب التي تنزل البلاء اللهم اغفر لي
الذنوب التي تقطع الرجاء اللهم اغفر لي كل ذنب أذنبته و
كل خطيئة أخطأتها اللهم إني أتقرب إليك بذكرك
واستشفع بك إلى نفسك وأسألك بجودك أن تدنيني من
قربك وأن توزعني شكرك وأن تلهمني ذكرك اللهم إني

أسألك سؤال خاضع متذلل خاشع أن تسامحني وترحمني وتجعلني
بقسمك راضيا قانعا وفي جميع الأحوال متواضعا اللهم و
أسألك سؤال من اشتدت فاقته وأنزل بك عند الشدائد
حاجته وعظم فيما عندك رغبته اللهم عظم سلطانك
وعلا مكانك وخفي مكرك وظهر أمرك وغلب قهرك وجرت
قدرتك ولا يمكن الفرار من حكومتك اللهم لا أجد لذنوبي غافرا
ولا لقبائحي ساترا ولا لشيء من عملي القبيح بالحسن مبدلا غيرك
لا إله إلا أنت سبحانك وبحمدك ظلمت نفسي وتجرأت بجهلي
وسكنت إلى قديم ذكرك لي ومنك علي اللهم مولاي كم من
قبيح سترته وكم من فادح من البلاء أقلته وكم من عثار وقيته و
كم من مكروه دفعته وكم من ثناء جميل لست أهلا له نشرته
اللهم عظم بلائي وأفرط بي سوء حالي وقصرت بي أعمالي وقعدت
بي أغلالي وحبسني عن نفعي بعد أملي وخدعتني الدنيا بغرورها
ونفسي بجنايتها ومطالي يا سيدي فأسألك بعزتك أن لا يحجب

عقابك وتأخر سوء عملي وفعالي ولا تفضحني بخفي ما اطلعت عليه
من سري ولا تعاجلني بالعقوبة على ما عملته في خلواتي من سوء
فعلي واسائتي ودوام تفريطي وجهالتي وكثرة شهواتي وغفلتي
وكن اللهم بعزتك لي في الاحوال كلها رؤوفا وعلي في جميع الامور
عطوفا الهي وربي من لي غيرك اسئله كشف ضري والنظر في امري
الهي ومولاي اجريت علي حكما اتبعت فيه هوى نفسي ولم احترس
فيه من تزيين عدوي فغرني بما اهوى واسعده على ذلك القضا
فتجاوزت بما جرى علي من ذلك بعض حدودك وخالفت بعض
اوامرك فلك الحمد علي في جميع ذلك ولا حجة لي فيما جرى علي فيه
قضاؤك والزمني فيه حكمك وبلاؤك وقد اتيتك يا الهي بعد
تقصيري واسرافي على نفسي معتذرا نادما منكسرا مستقيلا مستغفرا
منيبا مقرا مذعنا معترفا لا اجد مفرا مما كان مني ولا مفزعا اتوجه
اليه في امري غير قبولك عذري وادخالك اياي في سعة من
رحمتك اللهم فاقبل عذري وارحم شدة ضري وفكني من شد

وثاقي

وثاقي يا رب ارحم ضعف بدني ورقة جلدي ودقة عظمي يا من بدأ
خلقي وذكري وتربيتي وبري وتغذيتي هبني لابتداء كرمك
وسالف برك بي يا الهي وسيدي وربي اتراك معذبي بنارك بعد
توحيدك وبعد ما انطوى عليه قلبي من معرفتك ولهج به لساني
من ذكرك واعتقده ضميري من حبك وبعد صدق اعترافي و
دعائي خاضعا لربوبيتك هيهات انت اكرم من ان تضيع من
ربيته او تبعد من ادنيته او تشرد من آويته او تسلم الى البلاء
من كفيته ورحمته وليت شعري يا سيدي والهي ومولاي اتسلط
النار على وجوه خرت لعظمتك ساجدة وعلى السن نطقت بتوحيدك
صادقة وبشكرك مادحة وعلى قلوب اعترفت بالهيتك محققة
وعلى ضمائر حوت من العلم بك حتى صارت خاشعة وعلى جوارح
سعت الى اوطان تعبدك طائعة واشارت باستغفارك
مذعنة ما هكذا الظن بك ولا اخبرنا بفضلك عنك يا كريم
يا رب وانت تعلم ضعفي عن قليل من بلاء الدنيا وعقوباتها

يحل فيها المكاره على اهلها على ان ذلك بلاء ومكروه قليل
مكثه يسير بقاؤه قصير مدته فكيف احتمالي لبلاء الآخرة وجليل
وقوع المكاره فيها وهو بلاء تطول مدته ويدوم مقامه ولا يخفف
عن اهله لانه لا يكون الا عن غضبك وانتقامك وسخطك وهذا
ما لا تقوم له السموات والارض يا سيدي فكيف بي وانا عبدك
الضعيف الذليل الحقير المسكين المستكين يا الهي وربي وسيدي
ومولاي لاي الامور اليك اشكو ولما منها اضج وابكي لاليم العذاب
وشدته ام لطول البلاء ومدته فلئن صيرتني في العقوبات مع
اعدائك وجمعت بيني وبين اهل بلائك وفرقت بيني وبين احبائك
واوليائك فهبني يا الهي وسيدي ومولاي وربي صبرت على عذابك
فكيف اصبر على فراقك وهبني صبرت على حر نارك فكيف اصبر
عن النظر الى كرامتك ام كيف اسكن في النار ورجائي عفوك فبعزتك
يا سيدي ومولاي اقسم صادقا لئن تركتني ناطقا لاضجن اليك
بين اهلها ضجيج الآملين ولاصرخن اليك صراخ المستصرخين

ولابكين عليك بكاء الفاقدين ولانادينك اين كنت يا ولي
المؤمنين يا غاية آمال العارفين يا غياث المستغيثين يا حبيب قلوب
الصادقين ويا اله العالمين افتراك سبحانك يا الهي وبحمدك تسمع
فيها صوت عبد مسلم سجن فيها بمخالفته وذاق طعم عذابها بمعصيته
وحبس بين اطباقها بجرمه وجريرته وهو يضج اليك ضجيج مؤمل لرحمتك
ويناديك بلسان اهل توحيدك ويتوسل اليك بربوبيتك
يا مولاي فكيف يبقى في العذاب وهو يرجو ما سلف من حلمك
ورأفتك ورحمتك ام كيف تؤلمه النار وهو يأمل فضلك
ورحمتك ام كيف يحرقه لهيبها وانت تسمع صوته وترى مكانه ام كيف
يشتمل عليه زفيرها وانت تعلم ضعفه ام كيف يتغلغل
بين اطباقها وانت تعلم صدقه ام كيف تزجره زبانيتها وهو يناديك
يا ربه ام كيف يرجو فضلك في عتقه منها فتتركه فيها هيهات
ما ذلك الظن بك ولا المعروف من فضلك ولا مشبه لما عاملت
به الموحدين من برك واحسانك فباليقين اقطع لولا ما حكمت

به من تعذيب جاحديك وقضيت به من إخلاد معانديك لجعلت
النار كلها برداً وسلاماً وما كانت لأحد فيها مقراً ولا مقاماً لكنك
تقدست أسماؤك أقسمت أن تملأها من الكافرين من الجنة والناس
أجمعين وأن تخلد فيها المعاندين وأنت جل ثناؤك قلت مبتدئاً
وتطولت بالإنعام متكرماً أفمن كان مؤمناً كمن كان فاسقاً لا
يستوون إلهي وسيدي فأسألك بالقدرة التي قدرتها وبالقضية
التي حتمتها وحكمتها وغلبت من عليه أجريتها أن تهب لي في هذه
الليلة وفي هذه الساعة كل جرم أجرمته وكل ذنب أذنبته
وكل قبيح أسررته وكل جهل عملته كتمته أو أعلنته أخفيته أو
أظهرته وكل سيئة أمرت بإثباتها الكرام الكاتبين الذين
وكلتهم بحفظ ما يكون مني وجعلتهم شهوداً علي مع جوارحي
وكنت أنت الرقيب علي من ورائهم والشاهد لما خفي عنهم
وبرحمتك أخفيته وبفضلك سترته وأن توفر حظي من كل
خير تنزله أو إحسان تفضله أو بر تنشره أو رزق تبسطه أو ذنب

تغفره أو خطأ تستره يا رب يا رب يا رب يا إلهي وسيدي ومولاي
ومالك رقي يا من بيده ناصيتي يا عليماً بضري ومسكنتي يا خبيراً
بفقري وفاقتي يا رب يا رب يا رب أسألك بحقك وقدسك
وأعظم صفاتك وأسمائك أن تجعل أوقاتي في الليل والنهار
بذكرك معمورة وبخدمتك موصولة وأعمالي عندك مقبولة
حتى تكون أعمالي وأورادي كلها ورداً واحداً وحالي في خدمتك
سرمداً يا سيدي يا من عليه معولي يا من إليه شكوت أحوالي
يا رب يا رب يا رب قو على خدمتك جوارحي واشدد على
العزيمة جوانحي وهب لي الجد في خشيتك والدوام في الاتصال
بخدمتك حتى أسرح إليك في ميادين السابقين وأسرع إليك
في المبادرين وأشتاق إلى قربك في المشتاقين وأدنو منك دنو
المخلصين وأخافك مخافة الموقنين وأجتمع في جوارك مع المؤمنين
اللهم ومن أرادني بسوء فأرده ومن كادني فكده واجعلني من
أحسن عبادك نصيباً عندك وأقربهم منزلة منك وأخصهم

فإنه لا ينال ذلك إلا بفضلك وجد لي بجودك
واعطف علي بمجدك واحفظني برحمتك واجعل لساني بذكرك
لهجا وقلبي بحبك متيما ومن علي بحسن إجابتك وأقلني عثرتي
واغفر زلتي فإنك قضيت على عبادك بعبادتك وأمرتهم
بدعائك وضمنت لهم الإجابة فإليك يا رب نصبت وجهي
وإليك يا رب مددت يدي فبعزتك استجب لي دعائي وبلغني
مناي ولا تقطع من فضلك رجائي واكفني شر الجن والإنس
من أعدائي يا سريع الرضا اغفر لمن لا يملك إلا الدعاء فإنك
فعال لما تشاء يا من اسمه دواء وذكره شفاء وطاعته
غنى ارحم من رأس ماله الرجاء وسلاحه البكاء يا سابغ النعم
يا دافع النقم يا نور المستوحشين في الظلم يا عالما لا يعلم صل
على محمد وآل محمد وافعل بي ما أنت أهله وصلى الله على
رسوله والأئمة الميامين من آله وسلم تسليما كثيرا

فصل پنجم در بقیه اعمال ماه شعبان است از حضرت امام رضا علیه
السلام منقولست که هرکه سه روز از آخر ماه شعبان را روزه بدارد

و بماه مبارک رمضان وصل کند حق تعالی ثواب روزه دو ماه متتابع
برای او بنویسد و ابو الصلت هروی روایت کرده است که در جمعه
آخر ماه شعبان بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام رفتم حضرت
فرمود که ای ابا الصلت اکثر ماه شعبان رفت و این جمعه آخر آنست
پس تدارک و تلافی کن آنچه از این ماه مانده است تقصیرهایی که در ایام
گذشته اینجا کرده و بر تو باد که رو آوری بر آنچه نافع است برای تو
در آخرت و دعا و استغفار بسیار بکن و تلاوت قرآن مجید بسیار
بکن و توبه بکن بسوی حق تعالی از گناهان خود تا آنکه چون ماه مبارک
در آید خالص کرده باشی خود را از برای خدا و مگذار در گردن
خود امانتی و حقی کسی را مگر آنکه ادا کنی و مگذار در دل خود کینه
کسی را مگر آنکه بیرون کنی و مگذار گناهی را که میکردی مگر آنکه ترک
کنی و از خدا بترس و توکل کن بر خدا در پنهان و آشکارای خود و
هرکه بر خدا توکل کند خدا بس است او را و بسیار بخوان در بقیه
این ماه این دعا را اللهم إن لم تكن غفرت لنا فيما مضى من شعبان
فاغفر لنا فيما بقي منه بدرستیکه حق تعالی در این ماه آزاد میکند
بندهای بسیار از آتش جهنم برای حرمت ماه رمضان و بسند
بسیار معتبر منقولست که حضرت صادق علیه السلام در شب
آخر ماه شعبان و شب اول ماه رمضان این دعا میخواندند
اللهم إن هذا الشهر المبارك الذي أنزلت فيه القرآن و

جعلته هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان فقد صمنا
فسلّمنا فيه وسلّمه لنا وتسلّمه منا في يسر منك وعافية يا
آخذ القليل وشاكر الكثير اقبل منّي اليسير اللهم اني اسألك
ان تجعل لي الى كل خير سبيلا ومن كل ما لا تحب مانعا يا ارحم
الراحمين يا من عفا عني وعما خلوت به من السيئات يا من لم يؤاخذني
بارتكاب المعاصي عفوك عفوك عفوك يا كريم الهي وعظتني فلم
اتّعظ وزجرتني عن محارمك فلم انزجر فما عذري فاعف عني يا كريم
عفوك عفوك اللهم اني اسألك الراحة عند الموت والعفو
عند الحساب عظم الذنب من عبدك فليحسن العفو من عندك
يا اهل التقوى ويا اهل المغفرة عفوك عفوك اللهم اني عبدك
ابن عبدك ابن امتك ضعيف فقير الى رحمتك وانت منزل
الغنى والبركة على العباد قاهر مقتدر احصيت اعمالهم
وقسمت ارزاقهم وجعلتهم مختلفة السنتهم والوانهم خلقا
من بعد خلق لا يعلم العباد علمك ولا يقدر العباد قدرك
وكلنا فقير الى رحمتك فلا تصرف عني وجهك واجعلني
من صالحي خلقك في العمل والامل والقضاء والقدر اللهم ابقني
خير البقاء وافنني خير الفناء على موالاة اوليائك ومعاداة اعدائك
والرغبة اليك والرهبة منك والخشوع والوفاء والتسليم
لك والتصديق بكتابك واتباع سنة رسولك اللهم ما كان

في قلبي

في قلبي من شك او ريبة او جحود او قنوط او فرح او بذخ او بطر
او خيلاء او رياء او سمعة او شقاق او نفاق او كفر او فسوق
او عصيان او عظمة او شيء لا تحب فاسألك يا رب ان تبدلني
مكانه ايمانا بوعدك ووفاء بعهدك ورضى بقضائك وزهدا
في الدنيا ورغبة فيما عندك واثرة وطمأنينة وتوبة نصوحا
اسألك ذلك يا رب العالمين الهي انت من حلمك تعصى فكأنك
لم تر ومن كرمك وجودك تطاع فكأنك لم تعص وانا ومن
لم يعصك سكان ارضك فكن علينا بالفضل جوادا وبالخير عوادا
يا ارحم الراحمين وصلى الله على محمد وآله صلاة دائمة لا
تحصى ولا تعد ولا يقدر قدرها غيرك يا ارحم الراحمين ولنا
نمازهاى مخصوص شبها که باسانيد معتبره وارد شده و علما ذکر
کرده اند شب اول صد رکعت با حمد و توحيد يکمرتبه و بعد از فارغ
شدن سوره حمد هفتاد مرتبه شب دوم چهار رکعت با حمد و توحيد
و معوذتين هر يک يکمرتبه شب سوم دو رکعت در هر رکعت حمد و بيست
و پنج مرتبه توحيد شب چهارم چهار رکعت در هر رکعت حمد و بيست
و پنج مرتبه توحيد شب پنجم دو رکعت در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه
توحيد و بعد از نماز هفتاد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد
شب ششم چهار رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحيد شب هفتم دو
رکعت در هر رکعت حمد و سيزده مرتبه توحيد شب هشتم دو رکعت

دو رکعت اول حمد و آیه آمن الرسول تا آخر سوره و پانزده مرتبه
توحید و در دوم حمد و آیه قل انما انا بشر و پانزده مرتبه توحید
[illegible] چهار رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه اذا جاء نصر الله [illegible]
چهار رکعت در هر رکعت حمد و آیة الکرسی یکمرتبه و سوره انا
اعطیناک الکوثر سه مرتبه [illegible] هشت رکعت در هر رکعت
حمد و ده مرتبه قل یا ایها الکافرون [illegible] دوازده رکعت در هر
رکعت حمد و ده مرتبه سوره الهیکم التکاثر [illegible] دو رکعت
در هر رکعت حمد و یکمرتبه سوره والتین [illegible] چهار رکعت
در هر رکعت حمد و پنج مرتبه سوره والعصر [illegible] چهار رکعت
در میان نماز شام و خفتن در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید
و بعد از نماز ده مرتبه یا ربنا اغفر لنا و ده مرتبه یا ربنا ارحمنا و ده
مرتبه یا رب تب علینا و بیست و یکمرتبه توحید و ده مرتبه
سبحان الله الذی یحیی الموتی و یمیت الاحیاء و هو علی کل
شیء قدیر [illegible] دو رکعت در هر رکعت حمد و یکمرتبه آیة الکرسی
و پانزده مرتبه توحید [illegible] دو رکعت در هر رکعت حمد و هفتاد
و یکمرتبه توحید و بعد از نماز هفتاد مرتبه استغفار [illegible] ده
رکعت در هر رکعت حمد و پنج مرتبه توحید [illegible] دو رکعت در
هر رکعت حمد و پنج مرتبه آیه قل اللهم مالک الملک [illegible] چهار
رکعت در هر رکعت حمد و پانزده مرتبه سوره اذا جاء نصر الله

[illegible] هشت رکعت در هر رکعت حمد و یکمرتبه توحید و معوذتین
[illegible] دو رکعت در هر رکعت حمد و یکمرتبه قل یا ایها الکافرون
و پانزده مرتبه توحید [illegible] سی رکعت در هر رکعت حمد و یکمرتبه
سوره اذا زلزلت [illegible] دو رکعت در هر رکعت حمد و یکمرتبه سوره
اذا جاء نصر الله [illegible] دو رکعت در هر رکعت حمد و یکمرتبه سوره الهیکم
التکاثر [illegible] دو رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه آیه آمن الرسول
[illegible] دو رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه سبح اسم ربک الاعلی
[illegible] چهار رکعت در هر رکعت حمد و یکمرتبه توحید و معوذتین
[illegible] دو رکعت در هر رکعت حمد و یکمرتبه و هر یک از الهیکم التکاثر
و توحید و معوذتین ده مرتبه [illegible] دو رکعت در هر رکعت حمد و ده
مرتبه سبح اسم ربک الاعلی و بعد از سلام صد مرتبه اللهم صل
علی محمد و آل محمد باب سیوم در بیان مجملی از فضایل و اعمال ماه مبارک
رمضان است و در آن هشت فصل است فصل اول در بیان فضیلت
این ماه مبارک است باید دانست که ماه رمضان ماه خداوند عالمیانست
و شریفترین ماههاست چنانچه بسند معتبر از حضرت امام رضا
روایت کرده اند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در آخر جمعه ماه
شعبان خطبه خواندند و فرمودند که ایها الناس بدرستیکه رو
کرده است بسوی شما ماه خدا با برکت و رحمت و آمرزش ماهیست
که نزد خدا بهترین ماههاست و روزهایش بهترین روزهاست و شبهایش

بهترین شبها است و ساعتهای آن بهترین ساعتها است اینماهیست
که خوانده شده‌اید در آن بسوی ضیافت خدا و گردیده اید در آن از
اهل کرامت خدا نفسهای شما در آن ثواب تسبیح دارد و خواب
شما ثواب عبادت دارد و عملهای شما در آن مقبولست و دعاهای شما
در آن مستجابست پس سؤال کنید از پروردگار خود بنیتهای درست
و دلهای پاکیزه از گناهان و صفات ذمیمه که توفیق دهد شما را بر
روزه داشتن آن و تلاوت کردن قرآن در آن بدرستیکه شقی و بدبخت
کسی است که محروم گردد از آمرزش خدا در اینماه عظیم و یاد کنید
بگرسنگی و تشنگی شما در اینماه گرسنگی و تشنگی روز قیامت را و تصدق
کنید بر فقیران و مسکینان خود و تعظیم نمایید پیران خود را و رحم
کنید کودکان خود را و نوازش نمایید خویشان خود را و نگاه دارید
زبانهای خود را از آنچه نباید گفت و بپوشید دیدهای خود را از
آنچه حلال نیست شما را نظر کردن بسوی آن و بازدارید گوشهای
خود را از آنچه حلال نیست شما را شنیدن آن و مهربانی کنید
با یتیمان مردم تا مهربانی کنند بعد از شما با یتیمان شما و بازگشت
کنید بسوی خدا از گناهان خود و بلند کنید دستهای خود را بدعا
در اوقات نمازهای خود زیرا که وقت نماز فاضلترین ساعتها است
نظر میکند حقتعالی در این اوقات برحمت بسوی بندگان خود و
جواب میگوید ایشانرا هرگاه او را مناجات کنند و لبیک میگوید

ایشانرا

ایشانرا هرگاه او را ندا کنند و مستجاب میگرداند هرگاه او را دعا کنند
ای گروه مردمان بدرستیکه جانهای شما در گرو کردهای شما است
پس آزاد کنید آنها را بطلب آمرزش از خدا و پشتهای شما گرانبار
است از گناهان شما پس سبک گردانید آنها را بطول دادن سجدها
و بدانید که حقتعالی سوگند یاد کرده است بعزت خود که عذاب نکند
نمازکنندگان و سجده کنندگان را و نترساند ایشان را باتش جهنم
در روز قیامت ایها الناس هر که افطار نماید مؤمن روزه داری را در
اینماه از برای او خواهد بود نزد خدا ثواب بنده آزاد کردن و آمرزش
گناهان گذشته پس بعضی از صحابه گفتند یا رسول الله همه ما قدرت
بر این نداریم حضرت فرمود که بپرهیزید از آتش جهنم بافطار فرمودن
روزه داران اگرچه به نصف دانه خرما باشد و اگرچه بیک شربت آبی
باشد بدرستیکه خدا این ثواب را میدهد کسی را که چنین کند اگر
قادر نباشد از این بیشتر ایها الناس هر که خلق خود را در اینماه نیکو
گرداند بر صراط بگذرد در روزی که قدمها بر آن بلغزد و هر که سبک
گرداند خدمت کنیز و غلام خود را در اینماه حقتعالی در قیامت حساب
او را آسان گرداند و هر که در اینماه شر خود را از مردم بازدارد حقتعالی
غضب خود را در قیامت از او بازدارد و هر که در اینماه یتیم بی پدر را
گرامی دارد خدا او را در قیامت گرامی دارد و هر که در اینماه صلهٔ رحم
کند با خویشان خود خدا او را وصل کند او را برحمت خود در قیامت و

هرکه در اینماه قطع احسان خود از خویشان خود بکند ببرد خدا از او در
قیامت قطع رحمت خود از او بکند و هرکه نماز سنتی در اینماه بکند
حقتعالی برای او برات بیزاری از آتش جهنم بنویسد و هرکه در اینماه
نماز واجبی را ادا کند خدا عطا کند باو ثواب هفتاد نماز واجب که
در ماههای دیگر کرده شود و هرکه در اینماه بسیار صلوات بر محمد و
آل محمد فرستد خدا سنگین کرداند ترازوی عمل او را در روزی که سبک
ترازوهای اعمال سبک باشد و کسی که یک آیه از قرآن در اینماه بخواند
ثواب کسی دارد که در ماههای دیگر ختم قرآن کرده باشد ایها الناس
بدرستیکه درهای بهشت در اینماه گشاده است پس سؤال کنید
از پروردگار خود که بر روی شما نبندد و درهای جهنم در اینماه بسته
است پس سؤال کنید که بر شما نگشاید و شیاطین را در اینماه غل
میکنند پس سؤال کنید از خدا که هرگز بر شما مسلط نگرداند و ایضا
از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که روزی آنحضرت
خطبه خواندند و فرمودند ایها الناس اینماهیست که خدا آنرا بر
سایر ماهها فضیلت و زیادتی داده است مانند فضیلت ما اهل
بیت بر سایر مردم و در اینماه گشاده میشود درهای آسمان و درهای
بهشت و درهای رحمت و بسته میشود درهای جهنم و در اینماه
شنیده میشود دعاهای مؤمنان و مستجاب میگردد دعاهای
ایشان و رحم میکند گریهای ایشان را و در اینماه شبی هست که در

آن شب ملائکه از آسمان بزمین می‌آیند و سلام میکنند بر مردان
و زنان مؤمن باذن و رخصت پروردگار خود تا طلوع صبح و آن شب قدر
است که حقتعالی وصف کرده است در آن شب ولایت و امامت
مرا پیش از آنکه آدم علیه السلام را خلق کند بدو هزار سال و عمل در
آن شب بهتر است از عبادت هزار ماه و روزه روزش بهتر است از
روزه هزار ماه ایها الناس بدرستیکه آفتابهای ماه رمضان و ماه
مهتابهای او طالع میشوند بر مردان و زنان مؤمن با رحمت و اینماه
شما مانند ماههای دیگر نیست و روزهایش بهترین روزهاست
و شبهایش بهترین شبهاست و دیوان و شیاطین در اینماه غل کرده
در زندانند و زیاده میکند خدا در اینماه روزیها و عمرها را و میبخشد
و مقدر میکرداند در اینماه حاجیان بیت الله را و در اینماه حقتعالی
نظر میکند بسوی اهل ایمان با آمرزش و غفران و رحمت و مغفرت
و خوشنودی خدا را و تا نیز از دشمنی ای مؤمن دار پس تدبیر کار خود را
بکن بدرستیکه اینماه مهمان پروردگار خودی نظر کن و تامل نما که
چگونه خواهی بود در شب خود و در روز خود و چگونه نگاه میداری
اعضا و جوارح خود را از معصیتهای پروردگار خود پس نظر کن که
شبها در خواب نباشی و روزها غافل از یاد خدا نباشی پس بیرون رود
ماه و گناه تو بر تو باقی مانده باشد پس در هنگامی که روزه داران مزد
خود را بگیرند تو از جمله زیان کاران باشی و در وقتی که بکرامت

خود دفع نکردند تو انچه از تو طلب نمائی و حتی روزی که بعباداتت کنند
کردند تنها روزه در بهشتت پروردگار خود تو انچه از زندانی بشنوی بها
باشی ای روح دارا اگر تو داناتر خواهد کار خود بر کردن بکنم
پروردگار و خواهی او و داد اگر محروم کردی تو را پروردگار تو کی روزی
خواهد داد تو را اگر او تو را خوار کند کی تو را گرامی خواهد داشت
و اگر او تو را ذلیل کرداند کی تو را عزیز خواهد کرد و اگر او تو را وا
گذارد کی تو را یاری خواهد کرد و اگر او تو را از درگاه خود قبول
نکند بنده کی که او خدا او نه را اختیار میکنی و اگر او لغزشها و گناهان
تو را نیامرزد ایسا کی خواهی داشت برای امرزش گناهان خود و اگر حق
شود را که واجب کرده است از تو طلب نماید چه جواب در برابرش
گفت ای روزه دار تقرب بجوی بسوی خدا بتلاوت کردن کتاب
خدا در شبها و روزها ی اینها مزید اگر کتاب خدا شفاعت کننده است
که شفاعت او قبول می کنند و در قیامت شفاعت میکند برای
انها که تلاوت ان کرده اند بس بالا میروند بدرجات بهشت بعدد
تلاوت ایات قران ای روزه دار بشارت باد تو را که هر نفسی که بر میاری
میکشی ثواب تسبیح در نامه عمل تو مینویسند و خواب تو در اینما
عبادتست و طاعت تو در اینما مقبولست و گناهان تو در اینما
امرزیده است و از زاهد عابد روایت شنیده شده است بعد از اینما
و روایت کرده اند بسیکوئی و تو رحم میکنی بدرستیکه شنیدم از پیغمبر

خود حضرت رسول صلی الله علیه و اله که خداوند عالمیان را در هر
شب از شبهای ماه مبارک رمضان ازاد کردهاست از اتش جهنم
که همه ایشان را گوی بهراز خدا نمیدانند چون شب اخر ماه میشود در
ان شب هر امرزد مثل انچه در جمیع ماه امرزیده است و ایضا فرمود
که هر که ماه رمضان را روزه بدارد و نفس خود را از چیزها که خدا حرا
کرده است نگاه دارد بهشت البته او را واجب کردد و هر که در اینها
روزه دارد و در جمیع شب از شبهای این حرام افطار نکند البته
داخل بهشت شود پس حضرت امیر علیه السلام فرمود که شنیدم
از سید انبیا که فرمود بهترین اوصیای پیغمبران در بهترین ماهها شهید
خواهد شد گفتم بهترین ماهها کدامست و بهترین اوصیا کیست فرمود
که بهترین ماهها ماه رمضانست و بهترین اوصیا تو ئی یا علی گفتم یا رسول
الله این البته واقع خواهد شد فرمود بلی بحق پروردگار که من بدرستیکه
بر انگیخته میشود بدبخت ترین امت من بدبخت تر کسانی که ناقه صالح
را پی کرد ضربتی بر سر تو خواهد زد که ریش تو از خون سرت خضاب شود
پس مردم شروع بگریه و فغان کردند و حضرت از منبر بزیر امد و ایضا
از حضرت رسول صلی الله علیه و اله منقولست بسند معتبر
که فرمود ایها الناس هر که وارد شود بر او ماه رمضان پس روزه دارد
روزها از او بایستد بنماز و عبادت قدر مقرری از شب از او نماز
ازاد را و قات فضیلت بجا اورد و عبادت کند بنماز جمعه ان

و باید ادعیه از تعیین این ساعت خود کند درباقیه خواهد بود و تا
شب قدر که او فایز میگردد بجا رضا و بخششهای بزرگ خدا و
بخششهای خدا مانند بخششهای بندگان نیست فصل دوم
در بیان حقیقت روزه است و آنچه در آن معتبر است بدانکه
روزه بازداشتن خود است از چیزی چند که مذکور میشود از
طلوع صبح تا برطرف شدن سرخی از جانب مشرق بنابر مشهور یا تا
شدن قرص آفتاب یعنی برطرف شدن شعاع آن از کوهها و قلال
مرتفعه و قول اول احوط است و نیت قربت پس باید که اینها را بجا
نیاورد تا الله و در حقیقت میان علما اختلاف بسیار هست که اما
اگر قصد کند ترک همه را از برای رضای خدا ظاهر آن کافی باشد لیکن بهتر
آنست که آنچه متیقن شود وجوب ترک آنها قصد کند ترک آنها را بقصد
وجوب و آنچه خلافی باشد قصد ترک آنها کند احتیاطا و آنچه مستحب
مکروه باشد قصد ترک آنها کند مستحبا و اگر قصد ترک جمیع محرمات
هم کند بهتر است و اما آنها که واجب است ترک آنها کردن اول
چیزی خوردن و چیزی آشامیدن است چیزی که خوردن و آشامیدن
آن متعارف و معتاد باشد در آن خلافی نیست که مبطل صوم است
و موجب قضا و کفاره هر دو میشود اگر بعنوان معتاد بخورد و اگر
بغیر معتاد باشد مانند آنکه در دماغ یا گوش چکاند چیزی را و بحلق
داخل شود محل خلاف است و همچنین خلاف هست در خوردن و آشامیدن

چیزی چند که معتاد مردم نباشد خوردن و آشامیدن آن مانند
سنگ و چوب و خاک و گیاهها و آب درخت بسیار از گیاههای غیر
معتاد و ظاهر آنست که اگر بعنوان معتاد باشد اجتناب از آن واجب
است و احوط آنست که اگر بکند قضا و کفاره بعمل آورد دوم
جماع کردن در قبل زن است مطلقا خواه انزال بشود و خواه نشود
و فعل آن موجب قضا و کفاره میشود بی خلاف و جماع در دبر زن
هرگاه انزال شود روزه را باطل میکند و قضا و کفاره لازم میشود
و مشهور آنست که جماع کردن بی آنکه انزال شود نیز مبطل صوم و موجب
قضا و کفاره است و بعضی مبطل نمیدانند و الاقوی است سوم
باقی ماندن است بجنابت تا صبح و اشهر و اقوی آنست که مبطل است
و موجب قضا و کفاره است و بعضی مبطل ندانسته اند و بعضی قضا
تنها واجب دانسته اند و احوط آنست که اگر زن حایض پاک شود
پیش از صبح غسل بکند و اگر نکند احوط آنست که غسل کند بعد از صبح
و آن روز را روزه بدارد و قضا نیز بکند و اگر جنب را غسل متعذر باشد
احوط آنست که تیمم بکند و تیمم را نشکند تا صبح بشود و خواب اول
بعد از جنابت در حالی که نیت غسل کردن داشته باشد و احتمال
بیدار شدن در عادت جایز است و مشهور آنست که اگر تا صبح بیدار نشود
قضای آن روز بر او واجب نیست و بعضی واجب دانسته اند و
احوط آنست و مشهور آنست که اگر بخوابد تا صبح و نیت غسل داشته

باشد باو قضا و کفاره لازم است و این احوط است اگرچه که
خلاف هست و مشهور در خواب دوم وجوب قضاست و این قول
قویست بلکه خلافی در آن ظاهر نیست چه بعضی از اصحاب را اعتقاد
آنست که در خواب سیم جنب هرگاه صبح برسد قضا و کفاره هر
دو واجبست و اقوی عدم وجوب کفاره است و بعضی از متاخرین
اعتقادشان آنست که خواب بعد از بیدار شدن از احتلام حکم خواب
دوم دارد چنانچه والد بزرگوارم فقیر اختیار نموده و این احوط است
بلکه خالی از قوت نیست و بدانکه در روزهای دیگر غیر ماه رمضان
نیز خلافست که آیا باید مجموع آنها الحاق بآن داد و حق آنست که
در قضای ماه رمضان میباید جنب نباشد و در غیر قضا احوط
آنست که اگر صبح ظاهر نباشد و واجب معین نباشد از روزه روز
ندارد و اگر معین باشد از روزه روز بدارد و قضا نیز بکند اما اگر
عمدا جنب باشد دور نیست که کفاره در کار نباشد و اگر بدهد
احوط است و در روزه سنت اگر جنابت عمدا مانده تا صبح پیش
از زوال غسل کند و نیت روزه بکند بگمان فقیر روزه اش صحیح است
و در واجب معین اگر عمدا نیت زایل کند و پیش از زوال نیت
کند مشهور آنست که روزه اش باطل است و قضا میکند و کفاره
واجب نمیشود و اگر از روی فراموشی نیت زایل کند تا زوال نیت
میتواند کرد و در واجب غیر معین تا زوال نیت میتواند کرد و اگر که

قضای ماه رمضان باشد و در روزه سنت خلافی نیست که اگر در
شب نیت نکرده باشد و مفطری بعمل نیاورده باشد تا اول زوال
نیت میتواند کرد و بعد از زوال خلافست و بعضی گفته اند تا آخر
تمام نیت میتوان کرد و جمعی از محققین علما باین قائلند و نزد
فقیر اقوی است و بعضی گفته اند بعد از زوال نیت نمیتواند کرد
و بعضی گفته اند که اگر پیش از زوال نیت کند ثواب روزه تمام روز را
می یابد و اگر بعد از زوال نیت کند ثواب روزه بعد از نیت تا شام را
می یابد چهارم رسانیدن غبار غلیظ است بحلق و بعضی از موجب
قضا و کفاره میدانند و بعضی قضای تنها و بگمان فقیر باطل نیست
و احوط رعایت مشهور است و بعضی از متاخرین ملحق ساخته اند
بغبار غلیظ دود غلیظ و بخار غلیظ را که از آن اجزا منفصل شود
چون دود تنبو و بخار دیگ و اظهر عدم بطلان است و احوط اجتنا
بست حتی دود تنباکو پنجم استمنا است یعنی طلب نزول منی
کردن باحصول آن و موجب قضا و کفاره است و مشهور آنست
که هرگاه ملامسه و ملاعبه کند و انزال شود روزه او باطل میشود
قضا و کفاره لازم است و بعضی در این تامل نموده اند خصوصا و
قتی که بنیت انزال نبوده باشد و عادت او انزال نباشد و احوط بلکه
اقوی وجوب قضا و کفاره است مطلقا و در نظر کردن بزن حلال
یا حرام یا صدای او را شنیدن یا بخیال خود در آوردن هرگاه عادت

امدن منی شود و قصد انزال نداشته باشد و بان معتاد نباشد
خلاف است و اظهر عدم وجوب قضا و کفاره است مسئله فی
کردن تنها اکثر موجب قضای تنها دانسته اند و بعضی قضا
و کفاره هر دو را واجب دانسته اند و بعضی هیچیک را واجب ندانسته
اند و مسئله مشکل است و وجوب قضای تنها خالی از قوت
نیست و مشهور انست که هرگاه بی اختیار اید بر او قضا
نیست و بعضی قضا را واجب دانسته اند و این قول ضعیفست
مسئله حقنه است و بعضی موجب قضا و کفاره هر دو دانسته
اند و بعضی موجب قضای تنها و بعضی حرام دانسته اند و موجب
هیچ چیز ندانسته اند و بعضی حقنه مایع را موجب قضا دانسته
اند و حقنه جامد را مانند شیاف مکروه دانسته اند و بعضی
مطلقا مکروه دانسته اند و این قول اقوی است و احوط انست
که بدون ضرورت حقنه مایع نکند و اگر بکند قضا بکند و
اشهر و اقوی انست که چکانیدن دوا در گوش موجب فساد
نمیشود و سعوط در بینی هرگاه تعدی بحلق نکند ایضا اقوی انست
که جایز است و بعضی موجب قضا و کفاره دانسته اند و اگر
بحلق برسد احوط اجتناب است مسئله دروغ گفتن بر خدا و رسول
خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم است بانکه حدیثی
نقل کند یا مسئله بخلاف واقع بگوید بلکه کسی که اهلیت

مسئله گفتن نداشته باشد مسئله بگوید در ماه رمضان شکی نیست
و بعضی دروغ گفتن موجب قضا و کفاره دانسته اند و بعضی میگویند
موجب فساد روزه نمیشود و خالی از قوت نیست و احوط انست که
اگر بکند قضا کند و کفاره بدهد مسئله سر فرو بردن در اب است
و جمعی انرا موجب قضا و کفاره دانسته اند و بعضی موجب قضای
تنها دانسته اند و بعضی حرام دانسته اند و موجب هیچ چیز ندانسته اند
و بعضی مکروه دانسته اند و اظهر حرمت است و عدم وجوب قضا
و کفاره و بعضی گفته اند که اگر سر را در اب فرو برد تا گردن و بدن
بیرون اب باشد با انکه ارتماس دارد و این احوطست و بعضی گفته
اند که اگر فرو برد متعاقب سر را دفعه هر چند منابت موی بیرون باشد
با حکم ارتماس دارد و این احوطست و احوط انست که در روزه
سنت نیز سر را باب فرو نبرد و بعضی تجویز کرده اند و احوط ترک است
مسئله بلغمی که از سینه بر اید یا از دماغ فرود اید در فرو بردن ان
علما را سه قول است اول جواز ابتلاع انچه بیرون می اید از سینه
مادام که از دهن منفصل نشود و عدم جواز قسم دیگر دوم جواز
ابتلاع هر دو قسم مادام که بدهن نرسد و حرمت ابتلاع هر دو هرگاه بدهن
برسد سیم جواز کشیدن از سینه و سر و جواز فرو بردن مادام که
از دهن جدا نشود و جمعی که حکم بفساد کرده اند بعضی بقضای تنها
قائل شده اند و بعضی کفاره را نیز واجب میدانند و بعضی بکفاره

جمع قایل شده اند و گمان فقیر آنست که هیچیک لازم نمیشود و اما
احتیاط آنست که بعد از آنکه قضا این دو فعل بکند کفاره نیز بدهد
مسئله مشهور میان علما آنست که مکروهست زن روزه دار را در
آب بنشیند و بعضی گفته اند هرگاه اگر در آب بنشیند قضا بر او
لازم است و بعضی کفاره نیز لازم دانسته اند و اولی اظهر است
و کذا خاییدن قند و نان و مصطکی که ابتلاع نشود و بعضی حرام دانسته
اند و بعضی موجب قضا دانسته اند و اظهر جواز است و مشهور
میان علما آنست که اگر کسی گمان داشته باشد که شب باقیست
بلکه اگر شک هم داشته باشد جایز است خوردن و آشامیدن
تا صبح متحقق شود و اگر معلوم شود که صبح بوده است آن وقت که خورده
یا آشامیده اگر ملاحظه کرده باشد چیزی خورده باشد قضا واجب
نیست و اگر ملاحظه نکرده چیزی خورده باشد قضا واجبست و کفاره
واجب نیست و اگر کسی مضمضه کند جهة وضوی نماز واجب
و آب بی اختیار بحلق او رود قضا بر او واجب نیست و اگر جهة
نماز نافله باشد بعضی گفته اند قضا بر او واجبست و اگر بی جهت
مضمضه کند و آب بحلقش رود جمعی قضا را واجب دانسته
اند و این احوط است و اظهر عدم وجوبست مطلقا و در روایتی
وارد شده است که بعد از مضمضه سه مرتبه آب دهن را بیندازد
و این احوط است فصل ششم در سنتها و آداب روزه است

مکروهست روزه دار را بوسیدن زنان و دست ببدن ایشان ما
لیدن و دست بازی کردن با ایشان و قرب ایشان که کراهیت مخصوص
بصورتی نیست که بهیجان شهوت او باشد و خوف وقوع در جماع و اما نه
و مکروهست بچشم کشیدن چیزی که از طعم یابد که بحلق برسد یا
در آن شکی باشد و مشهور کراهیت بیرون آوردن خونست از بدن
که باعث ضعف شود و در حجامت احتیاط بیشتر باید کرد و همچنین
داخل شدن حمام که ضعف باشد و مکروهست بوییدن گلها
خصوصا نرجس و عنبر آنست که بشنوند و سایر بوهای خوش
مکروه نیست بلکه سنتست و از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که طیب تحفه صائم است و فرمود که هر کسی روزه دارد در اول روز خود را
خوشبو کند عقلش زایل نشود و اشهر و اقوی آنست که بوییدن عطرها
مفطر نیست و بعضی گفته اند که بوییدن رایحه غلیظه که بحلق
برسد موجب قضا و کفاره میشود و احوط آنست که بوی خوشی را
که بدماغ بالا رود نبوید چنانچه در روایتی وارد شده است و مکرو
هست که صائم جامه که ملاصق بدن است ترکند و مکروهست زن
صائمه را که در آب نشیند چنانچه گذشت و از حضرت صادق ع
منقول است که هر گاه روزه داری می باید که روزه باشد گوش تو و چشم
تو و موی تو و پوست تو و جمیع اعضای تو یعنی از محرمات بلکه از
مکروهات و فرمود که باید که روز روزه تو مانند روز افطار تو نباشد

وایضا از آنحضرت منقولست که فرمود روزه نه همین از خوردن
و آشامیدن است تنها بلکه باید که در روزه نگاه دارید زبان
خود را از دروغ و بپوشانید دیدهای خود را از حرام و باید که یکدیگر
نزاع مکنید و حسد مبرید و غیبت مکنید و مجادله مکنید و سوگند
دروغ مخورید بلکه سوگند راست نیز و دشنام مدهید و فحش
مگوئید و ستم مکنید و بیخردی مکنید و دلتنگ مشوید و غافل
مشوید از یاد خدا و از نماز و خاموش باشید از آنچه نباید گفت و صبر
کنید و راستگو باشید و دوری کنید از اهل شر و اجتناب کنید
از گفتار بد و دروغ و افترا و خصومت کردن با مردم و گمان بد بردن
و غیبت کردن و سخن چینی کردن و خود را مشرف بر آخرت بگردانید
و منتظر فرج و ظهور قائم آل محمد صلی الله علیه و آله باشید
و آرزومند ثوابهای آخرت باشید و توشه اعمال صالحه برای
سفر آخرت بردارید و بر شما باد بآرام دل داشتن و خضوع و خشوع
و شکستگی و مذلت مانند بنده که از آقای خود ترسد و ترسان باشید
از عذاب خدا و امیدوار باشید از رحمت او و باید که خالی باشد
ای روزه دار دل تو از عیبها و باطن تو از حیلها و مکرها و پاکیزه
باشد بدن تو از کثافتها و بیزاری بجوئی از خدا از آنچه غیر اوست
و در روزه ولایت خود را خالص گردانی از برای او و خاشع و شکسته حال
از آنچه حقتعالی نهی کرده است ترا از آن در آشکارا و در پنهان و

بترسی

بترسی از خدا چنانکه سزاوار ترسیدن از اوست در پنهان و آشکار
و ببخشی روح و بدن خود را بخدای عز و جل در ایام روزه خود و فارغ
گردانی دل خود را از برای محبت او و یاد او و بدن خود را بکار فرمائی
در آنچه خدا ترا امر کرده است بآن و خواندن است بسوی او اگر
همه اینها را بعمل آوری آنچه سزاوار روزه داشتن است بعمل آورده
و فرموده خدا را اطاعت کرده و آنچه کم کنی از آنچه بیان کردم از جمله
ترک بعضی از آنها از روزه تو کم میشود از فضل آن و ثواب آن بدرستیکه
پدرم گفت که رسول خدا شنید که زنی در روزه روزه جاریه خود را
دشنام داد حضرت طعامی طلبید و آن زن را گفت بخور زن گفت
من روزه ام حضرت فرمود چگونه روزه و جاریه خود را دشنام
دادی روزه از خوردن و آشامیدن تنها نیست بدرستیکه حقتعالی
روزه را حجابی گردانیده است از سایر امور قبیحه از کردار بد و گفتار
بد چه بسیار کمند روزه داران و بسیارند گرسنگی کشندگان
و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود که چه بسیار روزه دار
که بهره نیست او را از روزه بغیر تشنگی و گرسنگی و چه بسیار عبادت
کننده که بهره نیست او را از عبادت بغیر تعب ای خوشا خواب زیرکان
که بهتر است از بیداری و عبادت احمقان و خوشا افطار کردن
زیرکان که بهتر از روزه داشتن بیخردانست زیرا که خواب مقربان بجهت
نیت صحیح و قلب طاهر واقع میشود از جمله عبادات ایشانست

بلکه ارواح ایشان در عالم قدس با ارواح انبیا و اوصیا و خاصان حق
محشور میکردند و بر اسرار غیب بر زبان صادقه مطلع میکردند و
داعی از دواعیهای قرب ایشانست و اطعام روزه داران چون از ثنا
[illegible]
از روزهای ماه رمضان که روزی را دستگاه خود فروشی کرد که الله او
را [illegible] میکرداند و بیش [illegible] **فصل**
چهارم در بیان آداب دخول ماه مبارک رمضانست سنّتست
طلب هلال ماه رمضان و بعضی واجب دانسته اند و از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون هلال ماه
رمضان را دیدی اشاره بسوی هلال مکن و رو بقبله بکن و دستها
بسوی خدا بلند کن و خطاب کن ماه را و بگو ربّی و ربّک الله ربّ
العالمین اللّهمّ اهلّه علینا بالامن والایمان والسلامة و
الاسلام والمسارعة الی ما تحبّ وترضی اللّهمّ بارک لنا فی شهرنا
هذا وارزقنا خیره وعونه واصرف عنّا ضرّه وشرّه وبلاءه
وفتنته وبهترین دعاها دعای هلال صحیفهٔ کامله است و
ابن عقیل این دعا را در وقت رؤیت هلال ماه مبارک رمضان
واجب دانسته است الحمد لله الذی خلقنی وخلقک وقدّر
منازلک وجعلک مواقیت للناس اللّهمّ اهلّه علینا اهلالا
مبارکا اللّهمّ ادخله علینا بالسلامة والاسلام والیقین

والایمان والبرّ والتقوی والتوفیق لما تحبّ وترضی و در شب
اول ماه جماع با حلال خود سنتست و غسل در شب اول سنتست
و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که غسل کند
در شب اول ماه رمضان در نهر جاری و سی کف آب بر سر ریزد تا ماه آینده
معافی باشد تا ماه رمضان آینده و در حدیث دیگر فرمود که هر که
در شب اول ماه رمضان غسل کند خارش بدن در آن سال باو نرسد
و ایضا منقولست که چون ماه رمضان داخل میشد حضرت صادق
علیه السلام فرزندان خود را وصیت می فرمود که اهتمام کنید
تمام در این ماه در عبادت که در این ماه روزیها قسمت میشود و
اجلها و عمرها نوشته میشود و حاجیان در این ماه معین میشوند
که حج بکنند و در این ماه شبی هست که بهتر است از هزار ماه و از حضرت
امیرالمؤمنین علیه السلام منقولست که بر شما باد در ماه رمضان
باستغفار و دعا بدرستیکه دعا دفع میکند بلا را از شما و استغفار
محو میکند گناهان شما را و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام
در شب اول ماه سنتست و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که هر که در شب اول ماه رمضان یا شب میان یا شب آخر زیارت آن
حضرت بکند گناهان او بریزد مانند برگ از درختان و از گناه
بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد شده است و ثواب حج
و عمره خدا او را عطا کند و ایضا از آنحضرت منقولست که هر که

در هر شب بیضا سوره مبارکه انا فتحنا در نماز نافله بخواند که
انسال از بلاها محفوظ گردد و در روایت دیگر از آنحضرت منقول
که هر که در شب اول ماه مبارک دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت
بعد از حمد سوره انعام بخواند و سؤال کند که حق تعالی از او رفع بلا
شر و بکند و خدا او را کفایت کند از آنچه میترسد و در این ماه رحمتها
کند او را از آنچه میترسد از بیماریها و دردها و نماز را فشسته سعی
کرد که سوره را از روی قرآن میتوان خواند و اگر در شب اول ماه است
روزه تمام ماه را بکند و باز نیت کند بطریق سنت و نیت چنین کند که
قصد میکنم که فردا روزه رمضان بدارم واجب قربة الی الله و در
روز اول ماه سنت است که غسل کند در آب جاری و سی کف آب بر سر بریزد
و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون در اول سال چنین
کند از همه چیز دردها و بیماریها در تمام سال ایمن باشد و ایضا از آنحضرت
منقول است که هر که در روز اول ماه کفی از گلاب بر روی بزند از خواری
و پریشانی نجات یابد و اگر هر روز بکند در آن روز از این بلاها ایمن گردد
و هر که یک کف گلاب در روز اول ماه بر سر بریزد در انسال از برسام
ایمن گردد و بسند معتبر از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقول است
که هر که در اول هر ماه دو رکعت نماز بکند در رکعت اول بعد از حمد
سی مرتبه قل هو الله احد و در رکعت دوم بعد از حمد سی مرتبه انا
انزلناه بخواند و بعد از نماز تصدق بکند بآنچه میسر شود سلامتی تمام

گردان است و در روز اول این دعا سنت است اللهم قد حضر شهر رمضان
وقد افترضت علینا صیامه وانزلت فیه القرآن هدی للناس و
بینات من الهدی والفرقان اللهم اعنا علی صیامه وتقبله منا
وتسلمه منا وسلمه لنا فی یسر منک وعافیة انک علی کل
شیء قدیر و ایضا از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون
ماه مبارک داخل میشد حضرت رسول صلی الله علیه و آله این دعا
میخواندند اللهم انه قد دخل شهر رمضان اللهم رب شهر رمضان
الذی انزلت فیه القرآن وجعلته بینات من الهدی والفرقان
اللهم بارک لنا فی شهر رمضان واعنا علی صیامه وصلواته و
تقبله منا و ایضا بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که هر که در داخل شدن ماه رمضان یعنی روز اول یا شب اول دو رکعت
نماز بکند و در رکعت اول بعد از حمد سوره انا فتحنا بخواند و در رکعت
دوم هر سوره که خواهد حق تعالی جمیع بدیها را از او در انسال دور گرداند
و در حفظ خدا باشد تا سال آینده و در شب اول یا روز اول دعای
صحیفه کامله را بخوانند که چهل و چهارم دعا است و کلینی و شیخ طوسی
و دیگران بسند صحیح روایت کرده اند که حضرت امام موسی کاظم فرمود
که در ماه مبارک رمضان در اول سال یعنی روز اول ماه چنانچه علما
فهمیده اند این دعا را بخوان و فرمود که هر که این دعا را از برای رضای
حق تعالی و بدیشانیه اغراض فاسد دور بخواند در انسال یا او

فتنة وكذا ابو جعفر التي كثير من سائر بين ويأتي ومن وصفها الى وجه
كنت انظر اليهم من سائر واقع فيه ودائما ودعا اليك اللهم
اني اسألك باسمائك التي ملأت كل شيء وبرحمتك التي وسعت
كل شيء وبعظمتك التي تواضع لها كل شيء وبعزتك التي قهرت
كل شيء وبقوتك التي خضع لها كل شيء وبجبروتك التي غلبت
كل شيء وبعلمك الذي احاط بكل شيء يا نور يا قدوس يا اول قبل كل
شيء ويا باقي بعد كل شيء يا الله يا رحمن صل على محمد وآل محمد
واغفر لي الذنوب التي تغير النعم واغفر لي الذنوب التي تنزل النقم
واغفر لي الذنوب التي تقطع الرجاء واغفر لي الذنوب التي تديل
الاعداء واغفر لي الذنوب التي ترد الدعاء واغفر لي الذنوب
التي يستحق بها نزول البلاء واغفر لي الذنوب التي تحبس غيث
السماء واغفر لي الذنوب التي تكشف الغطاء واغفر لي الذنوب
التي تعجل الفناء واغفر لي الذنوب التي تورث الندم واغفر لي
الذنوب التي تهتك العصم والبسني درعك الحصينة التي
لا ترام وعافني من شر ما احاذر بالليل والنهار في مستقبل سنتي
هذه اللهم رب السموات السبع ورب الارضين السبع وما
فيهن وما بينهن ورب العرش العظيم ورب السبع المثاني والقرآن
العظيم ورب اسرافيل وميكائيل وجبرائيل ورب محمد صلى الله
عليه وآله سيد المرسلين وخاتم النبيين اسألك بك

وبما سميت به نفسك يا عظيم انت الذي تمن بالعظيم وتدفع كل محذور
وتعطي كل جزيل وتضاعف من الحسنات بالقليل وبالكثير
وتفعل ما تشاء يا قدير يا الله يا رحمن صل على محمد واهل بيته
والبسني في مستقبل سنتي هذه سترك ونضر وجهي بنورك واحببني
بمحبتك وبلغني رضوانك وشريف كرامتك وجسيم عطائك
واعطني من خير ما عندك ومن خير ما انت معطيه احدا من
خلقك والبسني مع ذلك عافيتك يا موضع كل شكوى
ويا شاهد كل نجوى ويا عالم كل خفية ويا دافع ما تشاء من
بلية يا كريم العفو يا حسن التجاوز توفني على ملة ابراهيم وفطرته
وعلى دين محمد صلى الله عليه وآله وسنته وعلى خير الوفاة فتوفني
مواليا لاوليائك معاديا لاعدائك اللهم وجنبني في هذه السنة
كل عمل او قول او فعل يباعدني منك واجلبني الى كل عمل او قول
او فعل يقربني منك في هذه السنة يا ارحم الراحمين وامنعني
من كل عمل او قول او فعل يكون مني اخاف ضرر عاقبته واخاف
مقتك اياي عليه حذرا ان تصرف وجهك الكريم عني فاستوجب
به نقصا من حظ لي عندك يا رؤوف يا رحيم اللهم اجعلني في مستقبل
سنتي هذه في حفظك وفي جوارك وفي كنفك وجللني ستر
عافيتك وهب لي كرامتك عز جارك وجل ثناؤك ولا اله
غيرك اللهم اجعلني تابعا لصالحي من مضى من اوليائك والحقني

بهم ... [illegible] ... عليك بهم ونعوذ
بك اللهم ان يحيط بي خطيئتي وظلمي واسرافي على نفسي واتباعي
لهواي واشتغالي بشهواتي فيحول ذلك بيني وبين رحمتك
ورضوانك فاكون منسيا عندك متعرضا لسخطك ونقمتك
اللهم وفقني لكل عمل صالح ترضى به عني وقربني اليك زلفى
اللهم كما كفيت نبيك محمدا صلى الله عليه وآله هول
عدوه وفرجت همه وكشفت غمه وصدقته وعدك وانجزت
له عهدك اللهم فبذلك فاكفني هول هذه السنة وآفاتها
واسقامها وفتنتها وشرورها واحزانها وضيق المعاش فيها وبلغني
برحمتك كمال العافية بتمام دوام النعمة عندي الى منتهى
اجلي اسألك سؤال من اساء وظلم واستكان واعترف واسألك
ان تغفر لي ما مضى من الذنوب التي حصرتها حفظتك واحصتها
كرام ملائكتك علي وان تعصمني اللهم من الذنوب فيما بقي
من عمري الى منتهى اجلي يا الله يا رحمن يا رحيم صل على محمد واهل
بيت محمد وآتني كل ما سألتك ورغبت اليك فيه فانك
امرتني بالدعاء وتكفلت لي بالاجابة يا ارحم الراحمين

فصل پنجم

در اعمال هر شب و هر روز ماه مبارک رمضان است که
حضرت صادق و کاظم علیهما السلام منقولست که بعد از هر نماز
در ماه مبارک این دعا بخوانند یا علی یا عظیم یا غفور یا رحیم انت

الرب العظيم الذي ليس كمثله شيء وهو السميع البصير وهذا شهر
عظمته وكرمته وشرفته وفضلته على الشهور وهو الشهر
الذي فرضت صيامه علي وهو شهر رمضان الذي انزلت فيه
القرآن هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان وجعلت فيه
ليلة القدر وجعلتها خيرا من الف شهر فيا ذا المن ولا يمن عليك
من علي بفكاك رقبتي من النار فيمن تمن عليه وادخلني الجنة برحمتك
يا ارحم الراحمين و دعای بسیار خوبیست و اقلا شبی یک مرتبه خوبست
خوانده شود و بسند صحیح منقولست که هر که در هر شب این ماه این
دعا بخواند گناه چهل ساله او آمرزیده شود اللهم رب شهر
رمضان الذي انزلت فيه القرآن وافترضت على عبادك فيه
الصيام صل على محمد وآل محمد وارزقني حج بيتك الحرام في عامي
هذا وفي كل عام واغفر لي تلك الذنوب العظام فانه لا يغفرها
غيرك يا رحمن يا علام و ایضا هر شب هزار مرتبه سوره انا انزلناه
سنتست خواندن و صد مرتبه سوره حم دخان اگر میسر شود و سحور
خوردن در سحر هر شب ماه مبارک مستحبست و از حضرت رسول صلی
الله علیه و آله منقولست که ترک نکنید امت من سحور خوردن را اگر
چه یک دانه خرمای زبون باشد و ایضا از آنحضرت منقول است
که حقتعالی و ملائکه صلوات میفرستند بر آنها که استغفار میکنند
در سحرها و سحور میخورانند پس سحور بخورید اگرچه بیک شربت آب باشد

مفطرین مشهور قاموس نیست وخرما وانجیر نیز بود که چون بخورند اگرچه
بجوع عادی باشند وضعف اصلاح اولیت وصحت میرسد بر شخص روزه دار اندکی
وازحضرت صادق علیه السلام منقولست که هرکه سوره انا انزلنا
دروقت سحور ودروقت افطار بخواند در ما بین اینها و سالت مثل ثواب
کسی داشته باشد که در راه خدا شهید شده باشد و در خون خود
غلطیده باشد و گفته اند که اگر نیت چنین را بجا آورد هر یکی بهتر است
واز اول شب تا آخر شب نیت میتوان کرد و چون که میخواند که قصد
دارد که فردا روزه میگیرد واز برای خدا میگیرد بس است واما اداب افطار
سنت است که اول نماز شام را بکند و بعد از آن افطار کند مگر آنکه جمعی
انتظار او برند یا آنکه گرسنگی و تشنگی بر او غالب باشد که مانع حضور
قلب او باشد در نماز که در این دو صورت افطار را مقدم داشتن بهتر است
و در وقت افطار سوره انا انزلنا خواندن سنت است چنانچه دانستی
واز حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که در وقت
افطار بگوید یا عظیم یا عظیم انت الهی لا اله غیرک اغفر لی الذنب
العظیم انه لا یغفر الذنب العظیم الا العظیم از گناهان بیرون آید
مانند روزی که از مادر متولد شده است واز حضرت امام حسن
علیه السلام منقولست که هر روزه داری را در وقت افطار دعای
مستجابی هست پس باید که در لقمه اول بگوید بسم الله الرحمن الرحیم
یا واسع المغفرة اغفر لی و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام محمد

علیه السلام منقولست که در وقت افطار بگو یا اللهم لک صمت
وعلی رزقک افطرت وعلیک توکلت تا خدا عطا کند بتو ثواب
هر کسی را که در این روز روزه داشته است و در روایت دیگر منقولست
که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در وقت افطار بدو زانو می‌نشست
و چون خوان را میگذاشتند میگفتند اللهم لک صمنا وعلی رزقک
افطرنا فتقبله منا انک انت السمیع العلیم و در احادیث معتبر
وارد شده است که حضرت رسالت پناه افطار میکردند بر خرما و یا
بر رطب و آب و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت در وقت
افطار ابتدا بحلوا مینمودند و اگر نمییافتند بنبات یا قند یا بخرما
افطار میکردند و اگر حاضر نبود با آب گرم افطار میکردند و میفرمودند
که آب نیم گرم پاک میکند معده را و قوت میدهد حدقه چشم و بینائی را
زیاد میکند و گناهان را میشوید و درد سر را ساکن میگرداند و صفرای را
فرو مینشاند و قطع میکند بلغم را و اطفای حرارت میکند و صفا
بصورت میکند و ایضا از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که هر که بچیزهای حلال افطار کند ثواب نماز چهار صد روز برای او حساب
کرده و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که افطار کردن با
گناهان دل را میشوید و در حدیث دیگر فرمود که حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام دوست میداشت که افطار فرماید بشیر و از حضرت
امام رضا علیه السلام منقولست که هر که در وقت افطار بیک

کرده‌اند تصدق کند بر مسکینی خدا کفاره آن روز را بیامرزد و ثواب
یک بنده آزاد کردن از فرزندان اسمعیل در نامه عمل او نوشته شود
و بهترین اعمال در روزها و شبهای ماه مبارک رمضان تلاوت قرآن
و دعا بسیار باید خواند چون قرآن در این ماه نازل شده است و در حدیث
است که هر چیزی را بهاری هست و بهار قرآن ماه رمضان است و در حدیث
دیگر هر ماهی یک ختم سنت است و اقلش شش روز است و در ماه مبارک
رمضان در هر سه روز یک ختم سنت است و اگر هر روز یک ختم تواند کرد
خوبست و در حدیث است که بعضی از ائمه صلوات الله علیهم در این ماه
چهل ختم زیاده میکردند و اگر هر ختمی ثوابش را بروح مقدس یکی از
ائمه و رسول خدا و فاطمه زهرا هدیه کند ثوابش مضاعف میگردد
و صلوات بر محمد و آل محمد بسیار باید فرستاد و استغفار بسیار باید
کرد و لا اله الا الله بسیار باید گفت و نافلهای شب و روز را ترک
نباید کرد و در شبهای طاق ماه مبارک رمضان غسل سنت است
خصوصا شب اول و پانزدهم و هفدهم و نوزدهم و بیست و یکم و بیست
و سیم و در دهه آخر در شبهای جفت نیز غسل سنت است خصوصا
شب آخر و در روایتی وارد شده است که در جمیع ماه در هر شب غسل
مستحب است و بسند معتبر از حضرت صاحب الامر علیه السلام
منقولست که شیعیان نوشته‌اند که در هر شب ماه مبارک رمضان
این دعا را بخوانید که دعای اینها را ملائکه میشنوند و برای صاحبش

استغفار

استغفار میکنند و دعا اینست اللهم انی افتتح الثناء بحمدک
وانت مسدد للصواب بمنک وایقنت انک انت ارحم الراحمین
فی موضع العفو والرحمة واشد المعاقبین فی موضع النکال والنقمة
واعظم المتجبرین فی موضع الکبریاء والعظمة اللهم اذنت لی فی
دعائک ومسألتک فاسمع یا سمیع مدحتی واجب یا رحیم دعوتی
واقل یا غفور عثرتی فکم یا الهی من کربة قد فرجتها وهموم قد کشفتها
وعثرة قد اقلتها ورحمة قد نشرتها وحلقة بلاء قد فککتها
الحمد لله الذی لم یتخذ صاحبة ولا ولدا ولم یکن له شریک فی الملک
ولم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیرا الحمد لله بجمیع محامده
کلها علی جمیع نعمه کلها الحمد لله الذی لا مضاد له فی ملکه
ولا منازع له فی امره الحمد لله الذی لا شریک له فی خلقه و
لا شبیه له فی عظمته الحمد لله الفاشی فی الخلق امره وحمده
الظاهر بالکرم مجده الباسط بالجود یده الذی لا تنقص خزائنه
ولا تزیده کثرة العطاء الا جودا وکرما انه هو العزیز الوهاب
اللهم انی اسألک قلیلا من کثیر مع حاجة بی الیه عظیمة وغناک
عنه قدیم وهو عندی کثیر وهو علیک سهل یسیر اللهم
ان عفوک عن ذنبی وتجاوزک عن خطیئتی وصفحک عن ظلمی و
سترک علی قبیح عملی وحلمک عن کثیر جرمی عند ما کان من خطائی
وعمدی اطمعنی فی ان اسألک ما لا استوجبه منک الذی

من رحمتك واريتني من قدرتك وعرفتني من اجابتك فصرت
ادعوك آمنا واسئلك مستأنسا لا خائفا ولا وجلا مدلا
عليك فيما قصدت فيه اليك فان ابطأ عني عتبت بجهلي
عليك ولعل الذي ابطأ عني هو خير لي لعلمك بعاقبة الامور
فلم ار مولى كريما اصبر على عبد لئيم منك علي يا رب انك تدعوني
فاولي عنك وتتحبب الي فاتبغض اليك وتتودد الي فلا اقبل
منك كأن لي التطول عليك فلم يمنعك ذلك من الرحمة لي
والاحسان الي والتفضل علي بجودك وكرمك فارحم عبدك
الجاهل وجد عليه بفضل احسانك انك جواد كريم الحمد
لله مالك الملك مجري الفلك مسخر الرياح فالق الاصباح ديان
الدين رب العالمين الحمد لله على حلمه بعد علمه والحمد لله على
عفوه بعد قدرته والحمد لله على طول اناته في غضبه وهو قادر
على ما يريد الحمد لله خالق الخلق باسط الرزق فالق الاصباح ذي
الجلال والاكرام والفضل والانعام الذي بعد فلا يرى و
قرب فشهد النجوى تبارك وتعالى الحمد لله الذي ليس له منازع
يعادله ولا شبيه يشاكله ولا ظهير يعاضده قهر بعزته الاعزاء
وتواضع لعظمته العظماء فبلغ بقدرته ما يشاء الحمد لله
الذي يجيبني حين اناديه ويستر علي كل عورة وانا اعصيه ويعظم
النعمة علي فلا اجازيه فكم من موهبة هنيئة قد اعطاني

وعظيمة مخوفة قد كفاني وبهجة مونقة قد اراني فاثني عليه حامدا
واذكره مسبحا الحمد لله الذي لا يهتك حجابه ولا يغلق
بابه ولا يرد سائله ولا يخيب آمله الحمد لله الذي يؤمن
الخائفين وينجي الصالحين ويرفع المستضعفين ويضع المستكبرين
ويهلك ملوكا ويستخلف آخرين والحمد لله قاصم الجبارين
مبير الظالمين مدرك الهاربين نكال الظالمين صريخ المستصرخين
موضع حاجات الطالبين معتمد المؤمنين الحمد لله الذي من
خشيته ترعد السماء وسكانها وترجف الارض وعمارها وتموج
البحار ومن يسبح في غمراتها الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا
لنهتدي لولا ان هدانا الله الحمد لله الذي يخلق ولم يخلق
ويرزق ولا يرزق ويطعم ولا يطعم ويميت الاحياء ويحيي الموتى
وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير اللهم صل
على محمد عبدك ورسولك وامينك وصفيك وحبيبك
وخيرتك من خلقك وحافظ سرك ومبلغ رسالاتك افضل
واحسن واجمل واكمل وازكى وانمى واطيب واطهر واسنى واكثر
ما صليت وباركت وترحمت وتحننت وسلمت على احد من
عبادك وانبيائك ورسلك وصفوتك واهل الكرامة عليك
من خلقك اللهم صل على علي امير المؤمنين ووصي رسول رب
العالمين عبدك ووليك واخي رسولك وحجتك على خلقك

وآيتك الكبرى والنبأ العظيم وصل على الصديقة الطاهرة فاطمة
الزهراء سيدة نساء العالمين وصل على سبطي الرحمة وامامي
الهدى الحسن والحسين سيدي شباب اهل الجنة وصل على
الائمة المسلمين علي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد
وموسى بن جعفر وعلي بن موسى ومحمد بن علي وعلي بن محمد والحسن
بن علي والخلف الهادي المهدي حججك على عبادك وامنائك
في بلادك صلاة كثيرة دائمة اللهم وصل على ولي امرك القائم
المؤمل والعدل المنتظر وحفه بملائكتك المقربين وايده بروح
القدس يا رب العالمين اللهم اجعله الداعي الى كتابك والقائم
بدينك واستخلفه في الارض كما استخلفت الذين من
قبله مكن له دينه الذي ارتضيته له ابدله من بعد خوفه
امنا يعبدك لا يشرك بك شيئا اللهم اعزه واعزز به وانصره
وانتصر به وانصره نصرا عزيزا وافتح له فتحا يسيرا واجعل له من
لدنك سلطانا نصيرا اللهم اظهر به دينك وسنة نبيك
حتى لا يستخفي بشيء من الحق مخافة احد من الخلق اللهم انا نرغب
اليك في دولة كريمة تعز بها الاسلام واهله وتذل بها
النفاق واهله وتجعلنا فيها من الدعاة الى طاعتك والقادة
الى سبيلك وترزقنا بها كرامة الدنيا والآخرة اللهم ما عرفتنا
من الحق فحملناه وما قصرنا عنه فبلغناه اللهم المم به شعثنا

واشعب به صدعنا وارتق به فتقنا وكثر به قلتنا واعزز به
ذلتنا واغن به عائلنا واقض به عن مغرمنا واجبر به فقرنا وسد
به خلتنا ويسر به عسرنا وبيض به وجوهنا وفك به اسرنا وانجح
به طلبتنا وانجز به مواعيدنا واستجب به دعوتنا واعطنا به سؤلنا
وبلغنا به من الدنيا والآخرة آمالنا واعطنا به فوق رغبتنا يا خير
المسؤولين واوسع المعطين اشف به صدورنا واذهب به غيظ
قلوبنا واهدنا به لما اختلف فيه من الحق باذنك انك تهدي
من تشاء الى صراط مستقيم وانصرنا به على عدوك وعدونا اله
الحق آمين اللهم انا نشكو اليك فقد نبينا صلواتك عليه
وآله وغيبة ولينا وكثرة عدونا وقلة عددنا وشدة الفتن
بنا وتظاهر الزمان علينا فصل على محمد وآله واعنا على ذلك
بفتح تعجله وبضر تكشفه ونصر تعزه وسلطان حق تظهره ورحمة
منك تجللناها وعافية منك تلبسناها برحمتك يا ارحم
الراحمين وبسند بسيار معتبر بلكه صحيح از حضرت صادق عليه السلام
منقولست كه در هر شب ماه مبارك اين دعا را بخوانند اللهم
اني اسئلك ان تجعل فيما تقضي وتقدر من الامر المحتوم في
الامر الحكيم من القضاء الذي لا يرد ولا يبدل ان تكتبني
من حجاج بيتك الحرام المبرور حجهم المشكور سعيهم المغفور
ذنوبهم المكفر عنهم سيئاتهم وان تجعل فيما تقضي وتقدر

ان تطيل عمري في خير وعافية وتوسع في رزقي وتجعلني ممن
تنتصر به لدينك ولا تستبدل بي غيري واین دعای عالیه
المضامین نیز در هر شب وارد شده است اللهم برحمتك في
الصالحين فادخلنا وفي عليين فارفعنا وبكأس من معين
من عين سلسبيل فاسقنا ومن الحور العين برحمتك فزوجنا ومن
الولدان المخلدين كانهم لؤلؤ مكنون فاخدمنا ومن ثمار الجنة
ولحوم الطير فاطعمنا ومن ثياب السندس والحرير والاستبرق
فالبسنا وليلة القدر وحج بيتك الحرام وقتلا في سبيلك فوفق
لنا وصالح الدعاء والمسألة فاستجب لنا واذا جمعت الاولين و
الآخرين يوم القيامة فارحمنا وبراءة من النار فاكتب لنا وفي جهنم
فلا تغلنا وفي عذابك وهوانك فلا تبتلنا ومن الزقوم والضريع
فلا تطعمنا ومع الشياطين فلا تجعلنا وفي النار على وجوهنا
فلا تكبنا ومن ثياب النار وسرابيل القطران فلا تلبسنا ومن
كل سوء يا لا اله الا انت بحق لا اله الا انت فنجنا و مأثور
بسند بسیار معتبر وارد شده است که حضرت امام رضا علیه
السلام فرمود که این دعائیست که حضرت امام محمد باقر علیه السلام
در سحرها میخواندند و میفرمودند که اگر مردم بدانند عظمت این مسائل
نزد خدا و سرعت اجابت از برای او هر آینه شمشیر برای طلب این دعا کشند
با یکدیگر قتال کنند و اگر سوگند یاد کنم که اسم اعظم خدا در این

دعاست

دعاست و است گفته‌اند هر چه توانید این دعا را بخوانید با اهتمام
تمام و تضرع بخوانید و از غیر اهلش پنهان دارید و دعا اینست اللهم
انی اسئلک من بهائک بابهاه و کل بهائک بهی اللهم انی اسئلک ببهائک
کله اللهم انی اسئلک من جمالک باجمله و کل جمالک جمیل اللهم انی اسئلک
بجمالک کله اللهم انی اسئلک من جلالک باجله و کل جلالک جلیل
اللهم انی اسئلک بجلالک کله اللهم انی اسئلک من عظمتک باعظمها
و کل عظمتک عظیمة اللهم انی اسئلک بعظمتک کلها اللهم انی اسئلک
من نورک بانوره و کل نورک نیر اللهم انی اسئلک بنورک کله اللهم انی اسئلک من
رحمتک باوسعها و کل رحمتک واسعة اللهم انی اسئلک
برحمتک کلها اللهم انی اسئلک من کلماتک باتمها و کل
کلماتک تامة اللهم انی اسئلک بکلماتک کلها اللهم انی
اسئلک من کمالک باکمله و کل کمالک کامل اللهم انی
اسئلک بکمالک کله اللهم انی اسئلک من اسمائک
باکبرها و کل اسمائک کبیرة اللهم انی اسئلک باسمائک
کلها اللهم انی اسئلک من عزتک باعزها و کل عزتک عزیزة
اللهم انی اسئلک بعزتک کلها اللهم انی اسئلک من مشیتک
بامضاها و کل مشیتک ماضیة اللهم انی اسئلک بمشیتک
کلها اللهم انی اسئلک من قدرتک بالقدرة التی استطلت
بها علی کل شیء و کل قدرتک مستطیلة اللهم انی اسئلک

بجلالك كلّه اللهم اني اسألك من علمك بانفذه وكل
علمك نافذ اللهم اني اسألك بعلمك كلّه اللهم اني اسألك
من قولك بارضاه وكل قولك رضيّ اللهم اني اسألك
بقولك كلّه اللهم اني اسألك من مسائلك باحبّها اليك و
كل مسائلك اليك حبيبة اللهم اني اسألك بمسائلك
كلها اللهم اني اسألك من شرفك باشرفه وكل شرفك
شريف اللهم اني اسألك بشرفك كلّه اللهم اني اسألك من
سلطانك بادومه وكل سلطانك دائم اللهم اني اسألك
بسلطانك كلّه اللهم اني اسألك من ملكك بافخره وكل
ملكك فاخر اللهم اني اسألك بملكك كلّه اللهم اني اسألك
من علوّك باعلاه وكل علوّك عالٍ اللهم اني اسألك بعلوّك
كلّه اللهم اني اسألك من منّك باقدمه وكل منّك قديم
اللهم اني اسألك بمنّك كلّه اللهم اني اسألك من آياتك
باكرمها وكل آياتك كريمة اللهم اني اسألك بآياتك كلها
اللهم اني اسألك بما انت فيه من الشأن والجبروت واسألك
بكل شأن وحده وجبروت وحدها اللهم اني اسألك بما تجيبني
حين اسألك فاجبني يا الله پس هر حاجت که خواهد از حقتعالی
بخواهد که البته برآورده است و از جمله ادعیه مشهوره سحرها
که شیخ طوسی و دیگران از ابو حمزه ثمالی روایت کرده اند که حضرت

امام زین العابدین علیه السلام در شبهای ماه مبارک رمضان اکثر
شب را نماز میکردند و چون سحر میشد این دعا را میخواندند
الهي لا تؤدبني بعقوبتك ولا تمكر بي في حيلتك من اين لي الخير
يا رب ولا يوجد الا من عندك ومن اين لي النجاة ولا تستطاع
الا بك لا الذي احسن استغنى عن عونك ورحمتك ولا الذي اساء
واجترأ عليك ولم يرضك خرج عن قدرتك يا رب يا رب يا رب
آنقدر بگوید که نفس منقطع شود بك عرفتك وانت دللتني
عليك ودعوتني اليك ولولا انت لم ادر ما انت الحمد لله الذي
ادعوه فيجيبني وان كنت بطيئا حين يدعوني والحمد لله الذي
اسأله فيعطيني وان كنت بخيلا حين يستقرضني والحمد لله الذي
اناديه كلما شئت لحاجتي واخلو به حيث شئت لسري بغير
شفيع فيقضي لي حاجتي والحمد لله الذي ادعوه ولا ادعو
غيره ولو دعوت غيره لم يستجب لي دعائي والحمد لله الذي ارجوه
ولا ارجو غيره ولو رجوت غيره لاخلف رجائي والحمد لله الذي
وكلني اليه فاكرمني ولم يكلني الى الناس فيهينوني والحمد لله
الذي تحبب الي وهو غني عني والحمد لله الذي يحلم عني حتى كأني
لا ذنب لي فربي احمد شيء عندي واحق بحمدي اللهم اني اجد
سبل المطالب اليك مشرعة ومناهل الرجاء اليك مترعة
والاستعانة بفضلك لمن املك مباحة وابواب الدعاء

إليك للصارخين مفتوحة واعلم أنّك للراجين بموضع إجابة
وللملهوفين بمرصد إغاثة وأنّ في اللهف إلى جودك والرضا
بقضائك عوضاً من منع الباخلين ومندوحة عمّا في أيدي
المستأثرين وأنّ الراحل إليك قريب المسافة وأنّك لا تحتجب
عن خلقك إلّا أن تحجبهم الأعمال دونك وقد قصدت إليك
بطلبتي وتوجّهت إليك بحاجتي وجعلت بك استغاثتي و
بدعائك توسّلي من غير استحقاق لاستماعك منّي ولا استيجاب
لعفوك عنّي بل لثقتي بكرمك وسكوني إلى صدق وعدك و
لجائي إلى الإيمان بتوحيدك ويقيني بمعرفتك منّي أن لا ربّ
لي غيرك ولا إله إلّا أنت وحدك لا شريك لك اللهمّ أنت
القائل وقولك حقّ ووعدك صدق واسألوا الله من فضله
إنّ الله كان بكم رحيماً وليس من صفاتك يا سيّدي أن تأمر
بالسؤال وتمنع العطيّة وأنت المنّان بالعطيّات على أهل مملكتك
والعائد عليهم بتحنّن رأفتك إلهي ربّيتني في نعمك وإحسانك
صغيراً ونوّهت باسمي كبيراً فيا من ربّاني في الدنيا بإحسانه
وتفضّله ونعمه وأشار لي في الآخرة إلى عفوه وكرمه معرفتي
يا مولاي دليلي عليك وحبّي لك شفيعي إليك وأنا واثق من
دليلي بدلالتك وساكن من شفيعي إلى شفاعتك أدعوك
يا سيّدي بلسان قد أخرسه ذنبه ربّ أناجيك بقلب قد

أوبقه

أوبقه جرمه أدعوك يا ربّ راهباً راغباً راجياً خائفاً إذا رأيت
مولاي ذنوبي فزعت وإذا رأيت كرمك طمعت فإن عفوت فخير
راحم وإن عذّبت فغير ظالم حجّتي يا الله في جرأتي على مسألتك مع
إتياني ما تكره جودك وكرمك وعدّتي في شدّتي مع قلّة حيائي
رأفتك ورحمتك وقد رجوت أن لا تخيب بين ذين وذين منيتي
فحقّق رجائي واسمع دعائي يا خير من دعاه داع وأفضل من رجاه
راج عظم يا سيّدي أملي وساء عملي فأعطني من عفوك بمقدار
أملي ولا تؤاخذني بأسوء عملي فإنّ كرمك يجلّ عن مجازاة
المذنبين وحلمك يكبر عن مكافاة المقصّرين وأنا يا سيّدي
عائذ بفضلك هارب منك إليك متنجّز ما وعدت من الصفح
عمّن أحسن بك ظنّاً وما أنا يا ربّ وما خطري هبني بفضلك
وتصدّق عليّ بعفوك أي ربّ جلّلني بسترك واعف عن توبيخي
بكرم وجهك فلو اطّلع اليوم على ذنبي غيرك ما فعلته
ولو خفت تعجيل العقوبة لاجتنبته لا لأنّك أهون الناظرين
إليّ وأخفّ المطّلعين عليّ بل لأنّك يا ربّ خير الساترين وأحكم
الحاكمين وأكرم الأكرمين ستّار العيوب غفّار الذنوب
علّام الغيوب تستر الذنب بكرمك وتؤخّر العقوبة بحلمك
فلك الحمد على حلمك بعد علمك وعلى عفوك بعد قدرتك
ويحملني ويجرّئني على معصيتك حلمك عنّي ويدعوني إلى قلّة

الحياء سترك علي ويسرعني الى التوثب على محارمك معرفتي بسعة
رحمتك وعظيم عفوك يا حليم يا كريم يا حي يا قيوم يا غافر
الذنب يا قابل التوب يا عظيم المن يا قديم الاحسان اين سترك
الجميل اين عفوك الجليل اين فرجك القريب اين غياثك السريع
اين رحمتك الواسعة اين عطاياك الفاضلة اين مواهبك
الهنيئة اين صنائعك السنية اين فضلك العظيم اين منك
الجسيم اين احسانك القديم اين كرمك يا كريم به وبمحمد
وآل محمد فاستنقذني وبرحمتك فخلصني يا محسن يا مجمل يا منعم
يا مفضل لست اتكل في النجاة من عقابك على اعمالنا بل بفضلك
علينا لانك اهل التقوى واهل المغفرة تبدئ بالاحسان
نعما وتعفو عن الذنب كرما فما ندري ما نشكر اجميل ما تنشر ام قبيح
ما تستر ام عظيم ما ابليت واوليت ام كثير ما منه نجيت وعافيت
يا حبيب من تحبب اليك ويا قرة عين من لاذ بك وانقطع اليك
انت المحسن ونحن المسيئون فتجاوز يا رب عن قبيح ما عندنا بجميل
ما عندك واي جهل يا رب لا يسعه جودك او اي زمان
اطول من اناتك وما قدر اعمالنا في جنب نعمك وكيف نستكثر
اعمالا نقابل بها كرمك بل كيف يضيق على المذنبين ما
وسعهم من رحمتك يا واسع المغفرة يا باسط اليدين بالرحمة
فوعزتك يا سيدي لو انتهرتني ما برحت من بابك ولا كففت

عن تملقك

عن تملقك لما انتهى الي من المعرفة بجودك وكرمك وانت الفاعل
لما تشاء تعذب من تشاء بما تشاء كيف تشاء وترحم من تشاء
بما تشاء كيف تشاء ولا تسأل عن فعلك ولا تنازع في
ملكك ولا تشارك في امرك ولا تضاد في حكمك ولا يعترض
عليك احد في تدبيرك لك الخلق والامر تبارك الله رب العالمين
يا رب هذا مقام من لاذ بك واستجار بكرمك والف احسانك
ونعمك وانت الجواد الذي لا يضيق عفوك ولا ينقص فضلك
ولا تقل رحمتك وقد توثقنا منك بالصفح القديم والفضل
العظيم والرحمة الواسعة افتراك يا رب تخلف ظنوننا او تخيب
آمالنا كلا يا كريم فليس هذا ظننا بك ولا هذا طمعنا فيك
يا رب ان لنا فيك املا طويلا كثيرا ان لنا فيك رجاء عظيما
عصيناك ونحن نرجو ان تستر علينا ودعوناك ونحن نرجو ان
تستجيب لنا فحقق رجاءنا مولانا فقد علمنا ما نستوجب باعمالنا
ولكن علمك فينا وعلمنا بانك لا تصرفنا عنك حثنا على
الرغبة اليك وان كنا غير مستوجبين لرحمتك فانت اهل
ان تجود علينا وعلى المذنبين بفضل سعتك فامنن علينا بما انت
اهله وجد علينا فانا محتاجون الى نيلك يا غفار بنورك اهتدينا
وبفضلك استغنينا وبنعمتك اصبحنا وامسينا ذنوبنا بين يديك
نستغفرك اللهم منها ونتوب اليك تتحبب الينا بالنعم ونعارضك

بالذنوب خيرك الينا نازل وشرنا اليك صاعد ولم يزل ولا يزال
ملك كريم يأتيك عنا بعمل قبيح فلا يمنعك ذلك
من ان تحوطنا بنعمك وتتفضل علينا بآلائك فسبحانك ما احلمك
واعظمك واكرمك مبدئاً ومعيداً تقدست اسماؤك و
جل ثناؤك وكرم صنائعك وفعالك انت الهي اوسع فضلاً و
اعظم حلماً من ان تقايسني بفعلي وخطيئتي فالعفو العفو العفو
سيدي سيدي سيدي اللهم اشغلنا بذكرك واعذنا من سخطك
واجرنا من عذابك وارزقنا من مواهبك وانعم علينا من فضلك
وارزقنا حج بيتك وزيارة قبر نبيك صلواتك ومغفرتك و
رحمتك وبركاتك ورضوانك عليه وعلى اهل بيته انك قريب
مجيب وارزقنا عملاً بطاعتك وتوفنا على ملتك وسنة نبيك
صلى الله عليه وآله اللهم اغفر لي ولوالدي وارحمهما كما ربياني
صغيراً واجزهما بالاحسان احساناً وبالسيئات غفراناً اللهم
اغفر للمؤمنين والمؤمنات الاحياء منهم والاموات وتابع بيننا
وبينهم بالخيرات اللهم اغفر لحينا وميتنا وشاهدنا وغائبنا
ذكرنا وانثانا صغيرنا وكبيرنا حرنا ومملوكنا كذب العادلون
بالله وضلوا ضلالاً بعيداً وخسروا خسراناً مبيناً اللهم صل
على محمد وآل محمد واختم لي بخير واكفني ما اهمني من امر دنياي
وآخرتي ولا تسلط علي من لا يرحمني واجعل علي منك واقية

واقية

باقية ولا تسلبني صالح ما انعمت به علي وارزقني من فضلك
رزقاً واسعاً حلالاً طيباً اللهم احرسني بحراستك واحفظني بحفظك
واكلأني بكلائتك وارزقني حج بيتك الحرام في عامنا هذا وفي
كل عام وزيارة قبر نبيك والائمة عليهم السلام ولا تخلني يا رب
من تلك المشاهد الشريفة والمواقف الكريمة اللهم تب علي حتى
لا اعصيك والهمني الخير والعمل به وخشيتك بالليل والنهار
ابداً ما ابقيتني يا رب العالمين اللهم اني كلما قلت قد تهيأت و
تعبأت وقمت للصلاة بين يديك وناجيتك القيت علي نعاساً
اذا انا صليت وسلبتني مناجاتك اذا انا ناجيت ما لي كلما
قلت قد صلحت سريرتي وقرب من مجالس التوابين مجلسي عرضت
لي بلية ازالت قدمي وحالت بيني وبين خدمتك سيدي
لعلك عن بابك طردتني وعن خدمتك نحيتني او لعلك
رأيتني مستخفاً بحقك فاقصيتني او لعلك رأيتني معرضاً عنك
فقليتني او لعلك وجدتني في مقام الكاذبين فرفضتني او لعلك
رأيتني غير شاكر لنعمائك فحرمتني او لعلك فقدتني من مجالس العلماء
فخذلتني او لعلك رأيتني في الغافلين فمن رحمتك آيستني او لعلك
رأيتني آلف مجالس البطالين فبيني وبينهم خليتني او لعلك لم تحب
ان تسمع دعائي فباعدتني او لعلك بجرمي وجريرتي كافيتني او لعلك
بقلة حيائي منك جازيتني فان عفوت يا رب فطال ما عفوت

عن المذنبين قبلي لأن كرمك أي رب يجل عن مجازاة المذنبين وحلمك
يكبر عن مكافاة المقصرين وأنا عائذ بفضلك هارب منك إليك
متنجز ما وعدت من الصفح عمن أحسن بك ظنا إلهي أنت أوسع فضلا
وأعظم حلما من أن تقايسني بعملي أو أن تستزلني بخطيئتي وما أنا يا رب
وما خطري هبني بفضلك وتصدق علي بعفوك و
جللني بسترك واعف عن توبيخي بكرم وجهك أنا الصغير
الذي ربيته وأنا الجاهل الذي علمته وأنا الضال الذي هديته
وأنا الوضيع الذي رفعته وأنا الخائف الذي آمنته وأنا الجائع
الذي أشبعته والعطشان الذي أرويته والعاري الذي كسوته
والفقير الذي أغنيته والضعيف الذي قويته والذليل الذي أعززته والسقيم
الذي شفيته والسائل الذي أعطيته والمذنب الذي سترته والخاطئ الذي
أقلته وأنا القليل الذي كثرته والمستضعف الذي نصرته وأنا الطريد الذي
آويته وأنا يا رب الذي لم أستحيك في الخلاء ولم أراقبك في الملاء أنا صاحب الدواهي
العظمى أنا الذي على سيده اجترى أنا الذي عصيت جبار السماء أنا الذي
أعطيت على معاصي الجليل الرشا أنا الذي حين بشرت بها خرجت إليها أسعى
أنا الذي أمهلتني فما ارعويت وسترت علي فما استحييت وعملت بالمعاصي
فتعديت وأسقطتني من عينك فما باليت فبحلمك أمهلتني وبسترك
سترتني حتى كأنك أغفلتني ومن عقوبات المعاصي جنبتني حتى كأنك
استحييتني إلهي لم أعصك حين عصيتك وأنا بربوبيتك جاحد

ولا بأمرك مستخف ولا لعقوبتك متعرض ولا لوعيدك متهاون لكن
خطيئة عرضت وسولت لي نفسي وغلبني هواي وأعانني عليها شقوتي
وغرني سترك المرخى علي فقد عصيتك وخالفتك بجهدي فالآن
من عذابك من يستنقذني ومن أيدي الخصماء غدا من يخلصني و
بحبل من أتصل إن أنت قطعت حبلك عني فوا سوأتا على ما أحصى
كتابك من عملي الذي لولا ما أرجو من كرمك وسعة رحمتك و
نهيك إياي عن القنوط لقنطت عندما أتذكرها يا خير من دعاه داع
وأفضل من رجاه راج اللهم بذمة الإسلام أتوسل إليك وبحرمة
القرآن أعتمد عليك وبحبي النبي الأمي القرشي الهاشمي العربي
التهامي المكي المدني أرجو الزلفة لديك فلا توحش استيناس إيماني
ولا تجعل ثوابي ثواب من عبد سواك فإن قوما آمنوا بألسنتهم ليحقنوا
به دماءهم فأدركوا ما أملوا وإنا آمنا بك بألسنتنا وقلوبنا لتعفو
عنا فأدركنا ما أملنا وثبت رجاءك في صدورنا ولا تزغ قلوبنا
بعد إذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة إنك أنت الوهاب فوعزتك
لو انتهرتني ما برحت من بابك ولا كففت عن تملقك لما ألهم قلبي
من المعرفة بكرمك وسعة رحمتك إلى من يذهب العبد إلا إلى
مولاه وإلى من يلتجئ المخلوق إلا إلى خالقه إلهي لو قرنتني بالأصفاد
ومنعتني سيبك من بين الأشهاد ودللت على فضائحي عيون
العباد وأمرت بي إلى النار وحلت بيني وبين الأبرار ما قطعت

رجائي منك وما صرفت تأميلي للعفو عنك ولا خرج حبك
من قلبي أنا لا أنسى أياديك عندي وسترك علي في دار الدنيا سيدي
صل على محمد وآل محمد وأخرج حب الدنيا من قلبي واجمع بيني وبين
المصطفى وآله خيرتك من خلقك وخاتم النبيين محمد صلى الله
عليه وآله وانقلني إلى درجة التوبة إليك وأعني بالبكاء على
نفسي فقد أفنيت بالتسويف والآمال عمري وقد نزلت منزلة
الآيسين من خيري فمن يكون أسوأ حالا مني إن أنا نقلت على مثل
حالي إلى قبر لم أمهده لرقدتي ولم أفرشه بالعمل الصالح لضجعتي
وما لي لا أبكي ولا أدري إلى ما يكون مصيري وأرى نفسي تخادعني
وأيامي تخاتلني وقد خفقت عند رأسي أجنحة الموت فما لي لا أبكي
أبكي لخروج نفسي أبكي لظلمة قبري أبكي لضيق لحدي أبكي لسؤال منكر
ونكير إياي أبكي لخروجي من قبري عريانا ذليلا حاملا ثقلي على ظهري
أنظر مرة عن يميني وأخرى عن شمالي إذ الخلائق في شأن غير شأني لكل
امرئ منهم يومئذ شأن يغنيه وجوه يومئذ مسفرة ضاحكة
مستبشرة ووجوه يومئذ عليها غبرة ترهقها قترة وذلة سيدي
عليك معولي ومعتمدي ورجائي وتوكلي وبرحمتك تعلقي تصيب
برحمتك من تشاء وتهدي بكرامتك من تحب فلك الحمد على
ما نقيت من الشرك قلبي ولك الحمد على بسط لساني أفبلساني هذا
الكال أشكرك أم بغاية جهدي في عملي أرضيك وما قدر لساني

يا رب في جنب شكرك وما قدر عملي في جنب نعمك وإحسانك إلهي إن
جودك بسط أملي وشكرك قبل عملي سيدي إليك رغبتي وإليك
رهبتي وإليك تأميلي وقد ساقني إليك أملي وعليك يا واحدي
عكفت همتي وفيما عندك انبسطت رغبتي ولك خالص رجائي
وخوفي وبك أنست محبتي وإليك ألقيت بيدي وبحبل طاعتك
مددت رهبتي يا مولاي بذكرك عاش قلبي وبمناجاتك بردت ألم
الخوف عني فيا مولاي ويا مؤملي ويا منتهى سؤلي صل على محمد وآل
محمد وفرق بيني وبين ذنبي المانع لي من لزوم طاعتك فإنما أسألك
لقديم الرجاء فيك وعظيم الطمع منك الذي أوجبته
على نفسك من الرأفة والرحمة فالأمر لك وحدك لا شريك لك
والخلق كلهم عيالك وفي قبضتك وكل شيء خاضع لك تباركت
يا رب العالمين إلهي ارحمني إذا انقطعت حجتي وكل عن جوابك لساني
وطاش عند سؤالك إياي لبي فيا عظيم رجائي لا تخيبني إذا اشتدت
فاقتي إليك ولا تردني لجهلي ولا تمنعني لقلة صبري أعطني لفقري
وارحمني لضعفي سيدي عليك معتمدي ومعولي ورجائي وتوكلي
وبرحمتك تعلقي وبفنائك أحط رحلي وبجودك أقصد طلبتي وبكرمك
أي رب أستفتح دعائي ولديك أرجو فاقتي وبغناك أجبر عيلتي وتحت
ظل عفوك قيامي وإلى جودك وكرمك أرفع بصري وإلى معروفك
أديم نظري فلا تحرقني بالنار وأنت موضع أملي ولا تسكني الهاوية

فإنك قرة عيني سيدي لا تكذب ظني بإحسانك ومعروفك فإنك
ثقتي ولا تحرمني ثوابك فإنك العارف بفقري إلهي إن كان
قد دنا أجلي ولم يقربني منك عملي فقد جعلت الاعتراف إليك بذنبي
وسائل عللي إلهي إن عفوت فمن أولى منك بالعفو وإن عذبت فمن
أعدل منك في الحكم ارحم في هذه الدنيا غربتي وعند الموت كربتي
وفي القبر وحدتي وفي اللحد وحشتي وإذا نشرت للحساب بين يديك
ذل موقفي واغفر لي ما خفي على الآدميين من عملي وأدم لي ما به سترتني
وارحمني صريعاً على الفراش تقلبني أيدي أحبتي وتفضل علي ممدوداً
على المغتسل يغسلني صالح جيرتي وتحنن علي محمولاً قد تناول
الأقرباء أطراف جنازتي وجد علي منقولاً قد نزلت بك وحيداً
في حفرتي وارحم في ذلك البيت الجديد غربتي حتى لا أستأنس بغيرك
يا سيدي فإنك إن وكلتني إلى نفسي هلكت سيدي فبمن أستغيث
إن لم تقلني عثرتي وإلى من أفزع إن فقدت عنايتك في ضجعتي
وإلى من ألتجئ إن لم تنفس كربتي سيدي من لي ومن يرحمني إن لم ترحمني
وفضل من أؤمل إن عدمت فضلك يوم فاقتي وإلى من الفرار
من الذنوب إذا انقضى أجلي سيدي لا تعذبني وأنا أرجوك إلهي
حقق رجائي وآمن خوفي فإن كثرة ذنوبي لا أرجو فيها إلا عفوك
سيدي أنا أسألك ما لا أستحق وأنت أهل التقوى وأهل
المغفرة فاغفر لي وألبسني من نظرك ثوباً يغطي علي الذنوب وتغفرها

وتغفرها لي ولا أطالب بها إنك ذو من قديم وصفح عظيم وتجاوز كريم
إلهي أنت الذي تفيض سيبك على من لا يسألك وعلى الجاحدين
بربوبيتك فكيف سيدي بمن سألك وأيقن أن الخلق لك والأمر
إليك تباركت وتعاليت يا رب العالمين إلهي وسيدي عبدك
ببابك أقامته الخصاصة بين يديك يقرع باب إحسانك بدعائه
واستعطف جميل نظرك بمكنون رجائه فلا تعرض بوجهك الكريم
عني واقبل مني ما أقول فقد دعوت بهذا الدعاء وأنا أرجو أن لا
تردني معرفة مني برأفتك ورحمتك إلهي أنت الذي لا يحفيك
سائل ولا ينقصك نائل أنت كما تقول وفوق ما نقول اللهم
إني أسألك صبراً جميلاً وفرجاً قريباً وقولاً صادقاً وأجراً عظيماً
أسألك يا رب من الخير كله ما علمت منه وما لم أعلم أسألك
اللهم من خير ما سألك منه عبادك الصالحون يا خير من
سئل وأجود من أعطى أعطني سؤلي في نفسي وأهلي ووالدي و
ولدي وأهل حزانتي وإخواني فيك وأرغد عيشي وأظهر مروتي
وأصلح جميع أحوالي واجعلني ممن أطلت عمره وحسنت عمله وأتممت
عليه نعمتك ورضيت عنه وأحييته حياة طيبة في أدوم
السرور وأسبغ الكرامة وأتم العيش إنك تفعل ما تشاء ولا يفعل
ما يشاء غيرك اللهم وخصني منك بخاصة ذكرك ولا تجعل
شيئاً مما أتقرب به في آناء الليل وأطراف النهار رياء ولا سمعة

ولا أشرٍ ولا بطرٍ واجعلني لك من الخاشعين اللهم أعطني السعة
في الرزق والأمن في الوطن وقرة العين في الأهل والمال والولد
والمقام في نعمك عندي والصحة في الجسم والقوة في البدن
والسلامة في الدين واستعملني بطاعتك وطاعة رسولك محمد
وأهل بيته صلى الله عليه وآله أبداً ما استعمرتني واجعلني
من أوفر عبادك عندك نصيباً في كل خير أنزلته وتنزله في شهر رمضان
في ليلة القدر وما أنت منزله في كل سنة من رحمة تنشرها
وعافية تلبسها وبلية تدفعها وحسنات تتقبلها وسيئات
تتجاوز عنها وارزقني حج بيتك الحرام في عامنا هذا وفي كل
عام وارزقني رزقاً واسعاً من فضلك الواسع واصرف عني يا سيدي
الأسواء واقض عني الدين والظلامات حتى لا أتأذى بشيء منه
وخذ عني بأسماع وأبصار أعدائي وحسادي والباغين علي وانصرني
عليهم وأقر عيني وحقق ظني وفرج قلبي واجعل لي من همي وكربي فرجاً و
مخرجاً واجعل من أرادني بسوء من جميع خلقك تحت قدمي واكفني
شر الشيطان وشر السلطان وسيئات عملي وطهرني من الذنوب
كلها وأجرني من النار بعفوك وأدخلني الجنة برحمتك وزوجني
من الحور العين بفضلك وألحقني بأوليائك الصالحين محمد وآله
الأبرار الطيبين الطاهرين الأخيار صلوات الله عليهم وعلى
أرواحهم وأجسادهم ورحمة الله وبركاته إلهي وسيدي وعزتك

وجلالك لئن طالبتني بذنوبي لأطالبنك بعفوك ولئن طالبتني
بلؤمي لأطالبنك بكرمك ولئن أدخلتني النار لأخبرن أهل النار
بحبي لك إلهي وسيدي إن كنت لا تغفر إلا لأوليائك وأهل طاعتك
فإلى من يفزع المذنبون وإن كنت لا تكرم إلا أهل الوفاء بك
فبمن يستغيث المسيئون إلهي إن أدخلتني النار ففي ذلك سرور عدوك
وإن أدخلتني الجنة ففي ذلك سرور نبيك وأنا والله أعلم أن سرور
نبيك أحب إليك من سرور عدوك اللهم إني أسألك أن تملأ
قلبي حباً لك وخشية منك وتصديقاً بكتابك وإيماناً بك
وفرقاً منك وشوقاً إليك يا ذا الجلال والإكرام حبب إلي
لقاءك وأحبب لقائي واجعل لي في لقائك الراحة والفرج والكرامة
اللهم ألحقني بصالح من مضى واجعلني من صالح من بقي وخذ بي سبيل
الصالحين وأعني على نفسي بما تعين به الصالحين على أنفسهم واختم
عملي بأحسنه واجعل ثوابي منه الجنة برحمتك يا رب العالمين و
أعني على صالح ما أعطيتني وثبتني يا رب ولا تردني في سوء استنقذتني
منه أبداً اللهم إني أسألك إيماناً لا أجل له دون لقائك أحيني
ما أحييتني عليه وتوفني إذا توفيتني عليه وابعثني إذا بعثتني عليه
وأبرئ قلبي من الرياء والشك والسمعة في دينك حتى يكون عملي
خالصاً لك اللهم أعطني بصيرة في دينك وفهماً في حكمك وفقهاً
في علمك وكفلين من رحمتك وورعاً يحجزني عن معاصيك وبيض

تحيي بنورك واجعل يقيني فيما عندك وتوفني في سبيلك وعلى
ملة رسولك صلى الله عليه وآله اللهم اني اعوذ بك من الكسل
والفشل والهم والحزن والجبن والبخل والغفلة والقسوة والذلة
والمسكنة والفقر والفاقة وكل بلية والفواحش ما ظهر منها
وما بطن واعوذ بك من نفس لا تقنع وبطن لا يشبع وقلب لا يخشع
ودعاء لا يسمع وعمل لا ينفع وصلاة لا ترفع واعوذ بك يا رب على
نفسي وديني ومالي وعلى جميع ما رزقتني من الشيطان الرجيم
انك انت السميع العليم اللهم انه لا يجيرني منك احد ولا اجد
من دونك ملتحدا فلا تجعل نفسي في شيء من عذابك ولا تردني بهلكة
ولا تردني بعذاب اليم اللهم تقبل مني واعل ذكري وارفع درجتي وحط وزري
ولا تذكرني بخطيئتي واجعل ثواب مجلسي وثواب منطقي وثواب
دعائي رضاك والجنة واعطني يا رب جميع ما سألتك وزدني
من فضلك اني اليك راغب يا رب العالمين اللهم انك انزلت
في كتابك العفو وامرتنا ان نعفو عمن ظلمنا وقد ظلمنا انفسنا فاعف
عنا فانك اولى بذلك منا وامرتنا ان لا نرد سائلا عن ابوابنا وقد
جئتك سائلا فلا تردني الا بقضاء حاجتي وامرتنا بالاحسان
الى ما ملكت ايماننا ونحن ارقاؤك فاعتق رقابنا من النار يا مفزعي
عند كربتي ويا غوثي عند شدتي اليك فزعت وبك استغثت
وبك لذت لا الوذ بسواك ولا اطلب الفرج الا منك فاغثني

وفرج عني يا من يقبل اليسير ويعفو عن الكثير اقبل مني اليسير واعف
عني الكثير انك انت الغفور الرحيم اللهم اني اسألك ايمانا تباشر
به قلبي ويقينا صادقا حتى اعلم انه لن يصيبني الا ما كتبت لي ورضني
من العيش بما قسمت لي يا ارحم الراحمين و مختصرترين دعاها در
اينست يا مفزعي عند كربتي ويا غوثي عند شدتي اليك فزعت
وبك استغثت وبك لذت لا الوذ بسواك ولا اطلب الفرج
الا منك فاغثني وفرج عني يا من يقبل اليسير ويعفو عن الكثير
اقبل مني اليسير واعف عني الكثير انك انت الغفور الرحيم اللهم
اني اسألك ايمانا تباشر به قلبي ويقينا صادقا حتى اعلم انه لن يصيبني
الا ما كتبت لي ورضني من العيش بما قسمت لي يا ارحم الراحمين يا
عدتي في كربتي ويا صاحبي في شدتي ويا وليي في نعمتي ويا غايتي
في رغبتي انت الساتر عورتي والآمن روعتي والمقيل عثرتي فاغفر لي
خطيئتي يا ارحم الراحمين و اما دعاهاى هر روز ماه مبارك رمضان
بسند معتبر منقولست كه حضرت امام زين العابدين و امام محمد باقر
عليهما السلام در هر روز از ماه مبارك ميخواندند اللهم هذا
شهر رمضان الذي انزلت فيه القرآن هدى للناس وبينات
من الهدى والفرقان وهذا شهر الصيام وهذا شهر القيام وهذا
شهر الانابة وهذا شهر التوبة وهذا شهر المغفرة والرحمة وهذا
شهر العتق من النار والفوز بالجنة وهذا شهر فيه ليلة القدر التي

هي خير من ألف شهر اللهم صل على محمد وآل محمد وأعني على صيامه
وقيامه وسلمه لي وسلمني فيه وأعني عليه بأفضل عونك ووفقني
فيه لطاعتك وطاعة رسولك وأوليائك صلوات الله عليهم
وفرغني فيه لعبادتك ودعائك وتلاوة كتابك وعظم لي فيه
البركة وأحسن لي فيه العافية وأصح لي فيه الصحة وأصح فيه
بدني وأوسع فيه رزقي واكفني فيه ما أهمني واستجب فيه دعائي
وبلغني فيه رجائي اللهم صل على محمد وآل محمد وأذهب عني فيه
النعاس والكسل والسأمة والفترة والقسوة والغفلة والغرة
وجنبني فيه العلل والأسقام والهموم والأحزان والأعراض
والأمراض والخطايا والذنوب واصرف عني فيه السوء والفحشاء
والجهد والبلاء والتعب والعناء إنك سميع الدعاء اللهم صل
على محمد وآل محمد وأعذني فيه من الشيطان الرجيم وهمزه ولمزه
ونفثه ونفخه ووسوسته وتثبيطه وبطشه وكيده ومكره وحبائله
وخدعه وأمانيه وغروره وفتنته وشركه وأحزابه وأتباعه
وأشياعه وأوليائه وشركائه وجميع مكائده اللهم صل على محمد
وآل محمد وارزقنا قيامه وصيامه وبلوغ الأمل فيه و
واستكمالنا بما يرضيك عني صبرا واحتسابا وإيمانا ويقينا ثم تقبل
ذلك مني بالأضعاف الكثيرة والأجر العظيم يا رب العالمين اللهم
صل على محمد وآل محمد وارزقني الحج والعمرة والجد والاجتهاد

والقوة

والقوة والنشاط والإنابة والتوبة والتوفيق والقربة والخير المقبول
والرغبة والرهبة والتضرع والخشوع والرقة والنية الصادقة
وصدق اللسان والوجل منك والرجاء لك والتوكل عليك
والثقة بك والورع عن محارمك مع صالح القول والمقبول
السعي والمرفوع العمل والمستجاب الدعوة ولا تحل بيني وبين شيء
من ذلك بعرض ولا مرض ولا هم ولا غم ولا سقم ولا غفلة ولا نسيان
بل بالتعاهد والتحفظ لك وفيك ورعاية لحقك والوفاء
بعهدك ووعدك برحمتك يا أرحم الراحمين اللهم صل على محمد وآل محمد
واقسم لي فيه أفضل ما تقسمه لعبادك الصالحين وأعطني فيه
أفضل ما تعطي أولياءك المقربين من الرحمة والمغفرة والتحنن و
الإجابة والعفو والمغفرة الدائمة والعافية والمعافاة والعتق
من النار والفوز بالجنة وخير الدنيا والآخرة اللهم صل على محمد
وآل محمد واجعل دعائي فيه إليك واصلا ورحمتك وخيرك
إلي فيه نازلا وعملي فيه مقبولا وسعيي فيه مشكورا وذنبي فيه
مغفورا حتى يكون نصيبي فيه الأكثر وحظي فيه الأوفر اللهم
صل على محمد وآل محمد ووفقني فيه لليلة القدر على أفضل
حال تحب أن يكون عليها أحد من أوليائك وأرضاها لك ثم
اجعلها لي خيرا من ألف شهر وارزقني فيها أفضل ما رزقت أحدا
ممن بلغته إياها وأكرمته بها واجعلني فيها من عتقائك

من نقمتك وطلقائك من النار وسعداء خلقك بمغفرتك ورضوانك
يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد وال محمد وارزقنا في شهرنا
هذا الجد والاجتهاد والقوة والنشاط وما تحب وترضى اللهم
رب الفجر وليال عشر والشفع والوتر ورب شهر رمضان وما انزلت
فيه من القرآن ورب جبرئيل وميكائيل واسرافيل وجميع الملائكة
المقربين ورب ابراهيم واسماعيل واسحق ويعقوب ورب موسى
وعيسى وجميع النبيين والمرسلين ورب محمد خاتم النبيين
صلواتك عليه وعليهم اجمعين واسألك بحقهم عليك و
بحقك العظيم عليهم لما صليت عليه واله وعليهم اجمعين و
نظرت الي نظرة رحيمة ترضى بها عني رضا لا سخط علي بعده ابدا
واعطيتني جميع سؤلي ورغبتي وامنيتي وارادتي وصرفت عني ما اكره
واحذر واخاف على نفسي وما لا اخاف وعن اهلي ومالي واخواني
واخواني وذريتي اللهم اليك فررنا من ذنوبنا فآونا تائبين وتب
علينا مستغفرين واغفر لنا متعوذين واعذنا مستجيرين واجرنا
مستسلمين ولا تخذلنا راهبين وآمنا راغبين وشفعنا سائلين
واعطنا انك سميع الدعاء قريب مجيب اللهم انت ربي وانا عبدك
واحق من سأل العبد ربه ولم يسأل العباد مثلك كرما وجودا
يا موضع شكوى السائلين ويا منتهى حاجة الراغبين ويا غياث
المستغيثين ويا مجيب دعوة المضطرين ويا ملجأ الهاربين و

يا صريخ

يا صريخ المستصرخين ويا رب المستضعفين ويا كاشف كرب
المكروبين ويا فارج هم المهمومين ويا كاشف الكرب العظيم
يا الله يا رحمن يا رحيم يا ارحم الراحمين صل على محمد وال محمد
واغفر لي ذنوبي وعيوبي واسائتي وظلمي وجرمي واسرافي على
نفسي وارزقني من فضلك ورحمتك فانه لا يملكها غيرك و
اعف عني واغفر لي كل ما سلف من ذنوبي واعصمني فيما بقي من
عمري واستر علي وعلى والدي وولدي وقرابتي واهل حزانتي
ومن كان مني بسبيل من المؤمنين والمؤمنات في الدنيا والآخرة
فان ذلك كله بيدك وانت واسع المغفرة فلا تخيبني يا سيدي
ولا ترد دعائي ولا يدي الى نحري حتى تفعل ذلك بي وتستجيب
لي جميع ما سألتك وتزيدني من فضلك فانك على كل شيء قدير
ونحن اليك راغبون اللهم لك الاسماء الحسنى والامثال العليا
والكبرياء والآلاء اسألك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم ان كنت
قضيت في هذه الليلة تنزل الملائكة والروح فيها ان تصلي
على محمد وال محمد وان تجعل اسمي في السعداء وروحي مع الشهداء
واحساني في عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر
به قلبي وايمانا لا يشوبه شك ورضا بما قسمت لي وآتني في الدنيا
حسنة وفي الآخرة حسنة وقني عذاب النار وان لم تكن قضيت
في هذه الليلة تنزل الملائكة والروح فيها فاخرني الى ذلك

وارزقني فيها ذكرك وشكرك وطاعتك وحسن عبادتك فصلّ على
محمد وال محمد بافضل صلواتك يا ارحم الراحمين يا احد يا صمد
يا رب محمد وال محمد اغضب اليوم لمحمد ولابرار عترته واقتل
اعداءهم بددا واحصهم عددا ولا تدع على ظهر الارض منهم
احدا ولا تغفر لهم ابدا يا حسن الصحبة يا خليفة النبيين انت
ارحم الراحمين البديء البديع الذي ليس كمثله شيء والدائم
غير الغافل والحي الذي لا يموت انت كل يوم في شأن انت خليفة
محمد وناصر محمد ومفضل محمد اسألك ان تنصر وصي محمد
وخليفة محمد والقائم بالقسط من اوصياء محمد صلواتك
عليه وعليهم اعطف عليهم نصرك يا لا اله الا انت بحق لا اله الا انت
صل على محمد وال محمد واجعلني معهم في الدنيا والآخرة واجعل
عاقبة امري الى غفرانك ورحمتك يا ارحم الراحمين وكذلك
نسبت نفسك يا سيدي باللطيف بلى انك لطيف فصل على
محمد وال محمد والطف لي لما تشاء اللهم صل
على محمد وال محمد وارزقني الحج والعمرة في عامنا هذا وفي كل
عام وتطول علي بجميع حوائجي للدنيا والآخرة پس سه مرتبه بگويد
استغفر الله ربي واتوب اليه ان ربي قريب مجيب استغفر الله
ربي واتوب اليه ان ربي رحيم ودود استغفر الله ربي واتوب
اليه انه كان غفارا اللهم اغفر لي انك ارحم الراحمين رب اني

عملت

عملت سوءا وظلمت نفسي فاغفر لي انه لا يغفر الذنوب الا انت
استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم الحليم العظيم العليم
الكريم الغفار للذنب العظيم واتوب اليه استغفر الله ان
الله كان غفورا رحيما سه مرتبه بگويد اللهم اني اسألك ان
تصلي على محمد وال محمد وان تجعل فيما تقضي وتقدر من الامر
العظيم المحتوم في ليلة القدر من القضاء الذي لا يرد ولا يبدل
ان تكتبني من حجاج بيتك الحرام المبرور حجهم المشكور سعيهم المغفور
ذنوبهم المكفر عنهم سيئاتهم وان تجعل فيما تقضي وتقدر
ان تطيل عمري وتوسع رزقي وتؤدي عني امانتي وديني امين رب
العالمين اللهم اجعل لي فرجا ومخرجا وارزقني من حيث احتسب
ومن حيث لا احتسب واحرسني من حيث احترس ومن حيث لا
احترس وصلى الله على محمد وآله وسلم كثيرا وازين تسبيحات
نيز بسند معتبر از حضرت صادق عليه السلام منقولست كه در هر روز
اين ماه بخواند سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان
الله خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان
الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله
خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله
رب العالمين سبحان الله السميع الذي ليس شيء اسمع منه يسمع
من فوق عرشه ما تحت سبع ارضين ويسمع ما في ظلمات البر و

البصر ويسمع الأنين والشكوى ويسمع السر وأخفى ويسمع وساوس
الصدور ولا يصم سمعه صوت سبحان الله بارئ النسم
سبحان الله المصور سبحان الله خالق الأزواج كلها سبحان الله
جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان
الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان
الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله البصير
الذي ليس يحجب بصره شيء يبصر من فوق عرشه ما تحت سبع
أرضين ويبصر ما في ظلمات البر والبحر لا تدركه الأبصار
وهو يدرك الأبصار وهو اللطيف الخبير لا تغشى بصره الظلمة
ولا يستتر منه بستر ولا يواري منه جدار ولا يغيب عنه بر ولا
بحر ولا يكن منه جبل ما في أصله ولا قلب ما فيه ولا جنب ما في
قلبه ولا يستتر منه صغير ولا كبير ولا يخفى عليه شيء في
الأرض ولا في السماء هو الذي يصوركم في الأرحام كيف يشاء
لا إله إلا هو العزيز الحكيم سبحان الله بارئ النسم سبحان
الله المصور سبحان الله خالق الأزواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات
والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء
سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته
سبحان الله رب العالمين سبحان الله الذي ينشئ السحاب الثقال
ويسبح الرعد بحمده والملائكة من خيفته ويرسل الصواعق

فيصيب بها من يشاء ويرسل الرياح بشرا بين يدي رحمته وينزل
الماء من السماء بكلمته وينبت النبات بقدرته ويسقط الورق
بعلمه سبحان الله الذي لا يعزب عنه مثقال ذرة في الأرض
ولا في السماء ولا أصغر من ذلك ولا أكبر إلا في كتاب مبين
سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق
الأزواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله
فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق
ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين
سبحان الله الذي يعلم ما تحمل كل أنثى وما تغيض الأرحام وما
تزداد وكل شيء عنده بمقدار عالم الغيب والشهادة الكبير المتعال
سواء منكم من أسر القول ومن جهر به ومن هو مستخف بالليل
وسارب بالنهار له معقبات من بين يديه ومن خلفه يحفظونه
من أمر الله سبحان الله الذي يميت الأحياء ويحيي الموتى ويعلم ما
تنقص الأرض منهم ويقر في الأرحام ما يشاء إلى أجل مسمى
سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الأزواج
كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق
الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق
ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب
العالمين سبحان الله مالك الملك تؤتي الملك من تشاء وتنزع

الملك ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء بيدك الخير إنك
على كل شيء قدير تولج الليل في النهار وتولج النهار في الليل
وتخرج الحي من الميت وتخرج الميت من الحي وترزق من تشاء بغير
حساب سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق
الأزواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق
الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى
وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين
سبحان الله الذي عنده مفاتح الغيب لا يعلمها إلا هو ويعلم
ما في البر والبحر وما تسقط من ورقة إلا يعلمها ولا حبة في ظلمات
الأرض ولا رطب ولا يابس إلا في كتاب مبين سبحان الله
بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الأزواج كلها
سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب و
النوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى و
ما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين
سبحان الله الذي لا يحصي مدحته القائلون ولا يجزي بآلائه الشاكرون
والعابدون وهو كما قال وفوق ما نقول والله سبحانه كما أثنى
على نفسه ولا يحيطون بشيء من علمه إلا بما شاء وسع كرسيه
السموات والأرض ولا يؤوده حفظهما وهو العلي العظيم سبحان
الله بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الأزواج

كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق
الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما
يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين
سبحان الله الذي يعلم ما يلج في الأرض وما يخرج منها وما ينزل
من السماء وما يعرج فيها ولا يشغله ما يلج في الأرض وما يخرج
منها عما ينزل من السماء وما يعرج فيها ولا يشغله ما ينزل من
السماء وما يعرج فيها عما يلج في الأرض وما يخرج منها ولا يشغله
علم شيء عن علم شيء ولا يشغله خلق شيء عن خلق شيء ولا حفظ
شيء عن حفظ شيء ولا يساويه شيء ولا يعدله شيء ليس
كمثله شيء وهو السميع العليم سبحان الله بارئ النسم
سبحان الله المصور سبحان الله خالق الأزواج كلها سبحان الله
جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان
الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان
الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله فاطر
السموات والأرض جاعل الملائكة رسلا أولي أجنحة مثنى وثلاث
ورباع يزيد في الخلق ما يشاء إن الله على كل شيء قدير ما يفتح
الله للناس من رحمة فلا ممسك لها وما يمسك فلا مرسل
له من بعده وهو العزيز الحكيم سبحان الله بارئ النسم سبحان
الله المصور سبحان الله خالق الأزواج كلها سبحان الله جاعل

الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق
كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد
كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله الذي يعلم ما في
السموات وما في الارض ما يكون من نجوى ثلاثة الا هو رابعهم ولا
خمسة الا هو سادسهم ولا ادنى من ذلك ولا اكثر الا هو معهم
اينما كانوا ثم ينبئهم بما عملوا يوم القيمة ان الله بكل شيء عليم
وانچه [illegible] یکبار این صلوات را در هر روز ایضا مبارک و مذکر
هر روز جمعه [illegible] ان الله وملائكته يصلون
على النبي يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه وسلموا تسليما لبيك يا
رب وسعديك وسبحانك اللهم صل على محمد وآل محمد
وبارك على محمد وآل محمد كما صليت وباركت على ابرهيم وآل
ابرهيم انك حميد مجيد اللهم ارحم محمدا وآل محمد كما رحمت
ابرهيم وآل ابرهيم انك حميد مجيد اللهم سلم على محمد وآل
محمد كما سلمت على نوح في العالمين اللهم امنن على محمد وآل
محمد كما مننت على موسى وهرون اللهم صل على محمد و
آل محمد كما هديتنا به اللهم صل على محمد وآل محمد وابعثه
مقاما محمودا يغبطه به الاولون والاخرون على محمد وآله
السلام كلما طلعت شمس او غربت على محمد وآله السلام كلما
طرفت عين او برقت على محمد وآله السلام كلما [illegible]

او ذرفت على محمد وآله السلام كلما ذكر السلام على محمد وآله
السلام كلما سبح الله ملك او قدسه السلام على محمد وآله
في الاولين السلام على محمد وآله في الاخرين السلام على محمد
وآله في الدنيا والآخرة السلام على محمد وآله ورحمة الله و
بركاته اللهم رب البلد الحرام ورب الركن والمقام ورب الحل
والحرام ابلغ نبيك محمدا وآله عنا السلام اللهم اعط محمدا
من البهاء والنضرة والسرور والكرامة والغبطة والوسيلة
والمنزلة والمقام والشرف والرفعة والشفاعة عندك يوم
القيمة افضل ما تعطي احدا من خلقك واعط محمدا فوق ما تعطي
الخلائق من الخير اضعافا كثيرة لا يحصيها غيرك اللهم صل
على محمد وآل محمد اطيب واطهر وازكى وانمى وافضل ما صليت
على احد من الاولين والاخرين وعلى احد من خلقك يا ارحم
الراحمين اللهم صل على علي امير المؤمنين ووال من والاه وعاد
من عاداه وضاعف العذاب على من شرك في دمه اللهم صل
على فاطمة بنت نبيك محمد عليه وآله السلام والعن من آذى
نبيك فيها اللهم صل على الحسن والحسين امامي المسلمين
ووال من والاهما وعاد من عاداهما وضاعف العذاب على
من شرك في دمهما اللهم صل على علي بن الحسين امام المسلمين
ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من

ظلمه اللهم صل علی محمد بن علی امام المسلمین و وال من والاه
و عاد من عاداه و ضاعف العذاب علی من ظلمه اللهم صل
علی جعفر بن محمد امام المسلمین و وال من والاه و عاد من عاداه
و ضاعف العذاب علی من شرک فی دمه اللهم صل علی موسی
ابن جعفر امام المسلمین و وال من والاه و عاد من عاداه و ضاعف
العذاب علی من شرک فی دمه اللهم صل علی علی بن موسی امام المسلمین
و وال من والاه و عاد من عاداه و ضاعف العذاب علی من شرک
فی دمه اللهم صل علی محمد بن علی امام المسلمین و وال من والاه
و عاد من عاداه و ضاعف العذاب علی من ظلمه اللهم صل علی
علی بن محمد امام المسلمین و وال من والاه و عاد من عاداه و ضاعف
العذاب علی من ظلمه اللهم صل علی الحسن بن علی امام المسلمین
و وال من والاه و عاد من عاداه و ضاعف العذاب علی من ظلمه
اللهم صل علی الخلف من بعده امام المسلمین و وال من والاه و عاد
من عاداه و عجل فرجه اللهم صل علی القاسم و الطاهر ابنی نبیک
اللهم صل علی رقیة بنت نبیک و العن من آذی نبیک فیها
اللهم صل علی ام کلثوم بنت نبیک و العن من آذی نبیک فیها
اللهم صل علی ذریة نبیک اللهم اخلف نبیک فی اهل بیته
اللهم مکن لهم فی الارض اللهم اجعلنا من عددهم و مددهم و
انصارهم علی الحق فی السر و العلانیة اللهم اطلب بذحلهم

و وترهم

و وترهم و دمائهم و کف عنا و عنهم و عن کل مؤمن و مؤمنة بأس
کل باغ و طاغ و کل دابة انت آخذ بناصیتها انک اشد بأسا
و اشد تنکیلا و دعای اقبال و بعضی از نسخهای دیگر این دعا از حضرت
علی بن الحسین علیه السلام تا حضرت امام حسن عسکری ع بجای
علی من ظلمه چنین است علی من شرک فی دمه و از جمله دعاهای
هر روز ماه مبارک رمضان دعائیست که سید ابن طاوس فضیلت
بسیار از ائمه ع روایت کرده است و در استجابت دعوات مجرب
و بر مضامین عالیه مشتمل است و دعا این است سه مرتبه بگوید
اللهم انی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی پس بگوید
اللهم انی اسئلک من بهائک بابهاه و کل بهائک بهی اللهم
انی اسئلک ببهائک کله اللهم انی اسئلک من جلالک باجله
و کل جلالک جلیل اللهم انی اسئلک بجلالک کله اللهم انی
اسئلک من جمالک باجمله و کل جمالک جمیل اللهم انی اسئلک
بجمالک کله پس سه مرتبه بگوید اللهم انی ادعوک کما امرتنی فا
ستجب لی کما وعدتنی پس بگوید اللهم انی اسئلک من عظمتک
باعظمها و کل عظمتک عظیمة اللهم انی اسئلک بعظمتک
کلها اللهم انی اسئلک من نورک بانوره و کل نورک نیر اللهم
انی اسئلک بنورک کله اللهم انی اسئلک من رحمتک
باوسعها و کل رحمتک واسعة اللهم انی اسئلک برحمتک

كلها پس سه مرتبه بگويد اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما
وعدتني پس بگويد اللهم اني اسئلك من كمالك باكمله وكل كمالك
كامل اللهم اني اسئلك بكمالك كله اللهم اني اسئلك
من كلماتك باتمها وكل كلماتك تامة اللهم اني اسئلك بكلماتك
كلها اللهم اني اسئلك من اسمائك باكبرها وكل اسمائك
كبيرة اللهم اني اسئلك باسمائك كلها پس سه مرتبه بگويد
اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بگويد
اللهم اني اسئلك من عزتك باعزها وكل عزتك عزيزة اللهم
اني اسئلك بعزتك كلها اللهم اني اسئلك من مشيتك
بامضاها وكل مشيتك ماضية اللهم اني اسئلك بمشيتك
كلها اللهم اني اسئلك بقدرتك التي استطلت بها على كل
شيء وكل قدرتك مستطيلة اللهم اني اسئلك بقدرتك
كلها پس سه مرتبه بگويد اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما
وعدتني پس بگويد اللهم اني اسئلك من علمك بانفذه وكل
علمك نافذ اللهم اني اسئلك بعلمك كله اللهم اني اسئلك
من قولك بارضاه وكل قولك رضي اللهم اني اسئلك بقولك
كله اللهم اني اسئلك من مسائلك باحبها اليك وكل
مسائلك حبيبة اليك اللهم اني اسئلك بمسائلك كلها
پس سه مرتبه بگويد اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما

وعدتني پس بگويد اللهم اني اسئلك من شرفك باشرفه وكل
شرفك شريف اللهم اني اسئلك بشرفك كله اللهم اني اسئلك
من سلطانك بادومه وكل سلطانك دائم اللهم اني اسئلك
بسلطانك كله اللهم اني اسئلك من ملكك بافخره وكل
ملكك فاخر اللهم اني اسئلك بملكك كله پس سه مرتبه بگويد
اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بگويد
اللهم اني اسئلك من علائك باعلاه وكل علائك عال
اللهم اني اسئلك بعلائك كله اللهم اني اسئلك من منك
باقدمه وكل منك قديم اللهم اني اسئلك بمنك كله
اللهم اني اسئلك من اياتك باعجبها وكل اياتك عجيبة اللهم
اني اسئلك باياتك كلها پس سه مرتبه بگويد اللهم اني ادعوك
كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بگويد اللهم اني اسئلك
من فضلك بافضله وكل فضلك فاضل اللهم اني اسئلك
بفضلك كله اللهم اني اسئلك من رزقك باعمه وكل رزقك
عام اللهم اني اسئلك برزقك كله اللهم اني اسئلك من عطائك
باهنئه وكل عطائك هني اللهم اني اسئلك بعطائك
كله اللهم اني اسئلك من خيرك باعجله وكل خيرك عاجل
اللهم اني اسئلك بخيرك كله اللهم اني اسئلك من احسانك
باحسنه وكل احسانك حسن اللهم اني اسئلك باحسانك

كلها اللهم اني اسئلك بما تجيبني به حين اسئلك فاجبني يا الله
يا الله اللهم اني اسئلك بما انت فيه من الشؤن والجبروت اللهم
اني اسئلك بكل شأن وجبروت اللهم اني اسئلك بشأنك
وجبروتك كلها اللهم اني اسئلك بما تجيبني به حين اسئلك
فاجبني يا الله صل على محمد وال محمد ثم سل حاجتك كما ذكرنا
بركتو اللهم صل على محمد وال محمد وابعثني على الايمان بك
والتصديق برسولك والولاية لعلي بن ابي طالب عليه السلام
والائتمام بالائمة من آل محمد والبراءة من اعدائهم فاني قد رضيت
بذلك يا رب اللهم صل على محمد وال محمد واسئلك خير
رضوانك والجنة واعوذ بك من شر سخطك والنار اللهم
صل على محمد وال محمد واحفظني من كل مصيبة ومن كل بلية
ومن كل عقوبة ومن كل فتنة ومن كل بلاء ومن كل شر ومن كل
مكروه ومن كل مصيبة ومن كل آفة نزلت او تنزل من السماء
الى الارض في هذه الساعة وفي هذه الليلة وفي هذا اليوم و
في هذا الشهر وفي هذه السنة اللهم صل على محمد وال محمد
واقسم لي من كل سرور ومن كل بهجة ومن كل استقامة ومن كل
فرج ومن كل عافية ومن كل سلامة ومن كل كرامة ومن كل
رزق واسع حلال طيب ومن كل نعمة ومن كل حسنة نزلت او تنزل
من السماء الى الارض في هذه الساعة وفي هذه الليلة وفي

هذا اليوم وفي هذا الشهر وفي هذه السنة اللهم ان كانت ذنوبي
قد اخلقت وجهي عندك وحالت بيني وبينك وغيرت حالي
عندك فاني اسئلك بنور وجهك الكريم الذي لم يطفأ وبوجه
حبيبك محمد المصطفى وبوجه وليك علي المرتضى وبحق اوليائك
الذين انتجبتهم ان تصلي على محمد وال محمد وان تغفر لي ولوالدي
وما ولدا وللمؤمنين والمؤمنات وما توالدوا ذنوبنا كلها صغيرها
وكبيرها وان تختم لنا بالصالحات وان تقضي لنا الحاجات و
المهمات وصالح الدعاء والمسئلة فاستجب لنا بحق محمد وآله
اللهم صل على محمد وال محمد آمين آمين آمين ما شاء الله كان لا
حول ولا قوة الا بالله سبحان ربك رب العزة عما يصفون وسلام
على المرسلين والحمد لله رب العالمين پس دستها را بجانب آسمان
بلند کن وسیل دو کردنترا بسوی روی خود و گریه بکن و اگر گریه
خود نیاید تباکی بکن و بگو یا لا اله الا انت اسئلك بحق من حقه
عليك عظيم يا لا اله الا انت اسئلك بهاءك يا لا اله الا انت يا
لا اله الا انت اسئلك بجلالك يا لا اله الا انت يا لا اله الا انت
اسئلك بجمالك يا لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسئلك بنور
لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسئلك بكمالك يا لا اله الا انت
يا لا اله الا انت اسئلك بعزتك لا اله الا انت يا لا اله الا
انت اسئلك بعظمتك لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسئلك

بقول لا اله الا انت و لا اله الا انت اسئلك بشرف لا اله الا
انت و لا اله الا انت اسئلك بعلاء لا اله الا انت و لا اله
الا انت اسئلك بعز لا اله الا انت و لا اله الا انت يا رباه يا رباه
انت الذي بكونك كل كون وما كان بكونك فان خالق كل كون
كل كون من حيث اسئلك يا سيدي بكونك يا الله يا رباه
انت الذي بكونك كل كون وما كان بكونك يا سيداه يا مولاه يا غياثاه
يا الهاه يا منتهى رغبتاه يا ارحم الراحمين اسئلك فليس كمثله
شيء واسئلك بكل دعوة مستجابة دعاك بها نبي مرسل او ملك
مقرب او عبد مؤمن امتحنت قلبه للايمان واستجبت دعوته
واتوجه اليك بمحمد حبيبك نبي الرحمة واقدمه بين يدي حوائجي
يا محمد يا رسول الله بابي انت وامي اتوجه بك الى الله ربك وربي
واقدمك بين يدي حوائجي يا رباه يا رباه يا رباه اسئلك بالكرم
كمثلك شيء واتوجه اليك بمحمد حبيبك وعترته الهادية
واقدمهم بين يدي حوائجي واسئلك اللهم يا حي الباقي لا يموت و
بنورك الذي لا يطفأ وعينك التي لا تنام واسئلك
من حقه عليك عظيم ان تصلي على محمد وال محمد عدد كل
شيء ونعمة كل شيء وعدد كل شيء وزنة كل شيء وملأ كل شيء
اللهم اني اسئلك ان تصلي على محمد عبدك المصطفى ورسولك
المرتضى وامينك المصطفى ونجيبك دون خلقك وحبيبك

ونجيبك

ونجيبك من خلقك اجمعين البشير النذير السراج المنير وعلى اهل بيته
الطيبين الطاهرين المطهرين الاخيار الابرار وعلى ملائكتك الذين
استخلصتهم لنفسك وحجبتهم عن خلقك وعلى انبيائك الذين
ينبؤن بالصدق عنك وعلى عبادك الصالحين الذين ادخلتهم
في رحمتك الائمة المهتدين الراشدين المطهرين وعلى جبرئيل
وميكائيل واسرافيل وملك الموت ورضوان خازن الجنة و
مالك خازن النار والروح القدس وحملة العرش ومنكر ونكير
وعلى الملكين الحافظين على بالصلوة التي تحب ان يصلي بها عليهم
صلوة كثيرة طيبة مباركة زاكية نامية طاهرة شريفة فا
ضلة تبين بها فضلهم على الاولين والاخرين اللهم اني اسئلك
ان تسمع صوتي وتجيب دعوتي وتغفر ذنوبي وتنجح طلبتي وتقضي
حاجتي وتصدق ظني وتنجز لي ما وعدتني وتقيلني عثرتي وتجاوز
عن خطيئتي وتصفح عن ظلمي وتعفو عن جرمي وتقبل علي ولا تعرض
عني وترحمني ولا تعذبني وتعافيني ولا تبتليني وترزقني من الطيب
الرزق واوسعه واهنئه وامرئه واسبغه واكثره ولا تحرمني يا رب
النظر الى وجهك الكريم والفوز بالجنة والعتق من النار واقض عني
يا رب ديني وامانتي وضع عني وزري ولا تحملني ما لا طاقة لي به
يا مولاي وادخلني في كل خير ادخلت فيه محمدا وال محمد
واخرجني من كل سوء اخرجتهم منه ولا تفرق بيني وبينهم طرفة

عونا في الدنيا والآخرة يا من هو كذلك لا اله الا انت دعوتك كما
امرتني فاستجب لي كما وعدتني انك لا تخلف الميعاد اللهم اني اسئلك قليلا من
كثير مع حاجتي اليه عظيمة وغناك عنه قديم وهو عندي كثير
وهو عليك سهل يسير فامنن علي به انك على كل شيء قدير اللهم
برحمتك في الصالحين فادخلنا وفي عليين فارفعنا وبكأس من
معين من عين سلسبيل فاسقنا ومن الحور العين برحمتك فزوجنا
ومن الولدان المخلدين كانهم لؤلؤ مكنون فاخدمنا ومن ثمار الجنة
ولحوم الطير فاطعمنا ومن ثياب السندس والحرير والاستبرق فالبسنا
وليلة القدر وحج بيتك الحرام وقتلا في سبيلك مع وليك فوفق
لنا وصالح الدعاء والمسألة فاستجب لنا يا خالقنا اسمع واستجب
لنا واذا جمعت الاولين والآخرين يوم القيمة فارحمنا وبراءة من
النار وامانا من العذاب فاكتب لنا وفي جهنم فلا تجعلنا ومع
الشياطين في النار فلا تجعلنا وفي هوانك وعذابك فلا تبتلنا
ومن الزقوم والضريع فلا تطعمنا وفي النار على وجوهنا فلا تكبنا
ومن ثياب النار وسرابيل القطران فلا تلبسنا ومن كل سوء
يا لا اله الا انت بحق لا اله الا انت فنجنا اللهم اني اسئلك
ولم يسئل مثلك وارغب اليك ولم يرغب الى مثلك يا رب
انت موضع مسألة السائلين ومنتهى رغبة الراغبين اسئلك
اللهم بافضل اسمائك كلها وانجحها يا الله يا رحمن وباسمائك

المعلوم الاعز الاجل الاعظم الذي تحبه وتهواه وترضى عمن
دعاك به وتستجيب له دعاءه وحق عليك يا رب ان لا تحرم
سائلك اللهم اني اسئلك بكل اسم هو لك دعاك به عبد هو
لك في بر او بحر او سهل او جبل او عند بيتك الحرام او في شيء
من سبلك فاني ادعوك يا رب دعاء من قد اشتدت فاقته وعظم
جرمه وضعفت كدحه فاشرف على الهلكة نفسه ولم يثق
بشيء من عمله ولم يجد لفاقته سادا ولا لذنبه غافرا ولا لعثرته
مقيلا غيرك هاربا اليك متعوذا بك متعبدا لك غير مستنكف
ولا مستكبر ولا مستحسر ولا متجبر ولا مستطيل بل بائس فقير خائف
مستجير اسئلك يا الله يا رحمن يا حنان يا منان يا بديع السموات
والارض يا ذا الجلال والاكرام ان تصلي على محمد وال محمد
صلوة كثيرة طيبة مباركة نامية زاكية شريفة واسئلك اللهم
ان تغفر لي في شهري هذا وترحمني وتعتق رقبتي من النار وتعطيني
فيه خير ما اعطيت احدا من خلقك وخير ما انت معطيه ولا
تجعله اخر شهر رمضان صمته لك منذ اسكنتني ارضك الى
يومي هذا بل اجعله علي اتم نعمة واعمه عافية واوسعه رزقا
واجزله واهناه اللهم اني اعوذ بك وبوجهك الكريم وملكك
العظيم ان تغرب الشمس من يومي هذا او ينقضي بقية هذا اليوم
او يطلع الفجر من ليلتي هذه او يخرج هذا الشهر ولك قبلي تبعة

او كرب او شدة لم تفرّجها عنّا بيننا او تجعلنا بها او توليها
موضع خزي في الدنيا والآخرة او تفضحني يوم القيامة يا ارحم
الراحمين اللهم اني ادعوك دعاء من لا يرجو غيرك ورحمتك لا تنال الا
بك والكرب لا يكشفه الا انت والشدة لا تنالها الا باب وجهك
لا تقضى دونك اللهم كما كان من شأنك ما اردتني به من مسألتك
ورحمتني به من ذكرك فليكن من شأنك الاجابة لي فيما دعوتك
به والنجاة لي فيما فزعت اليك منه يا امل المحلّ بلا ودافع
كاشف الضر والكرب العظام عن ايوب ومفرج غم يعقوب ومنفس
كرب يوسف صل على محمد وآل محمد وافعل بي ما انت اهله فانك
اهل التقوى واهل المغفرة اللهم انت ثقتي في كل كرب ورجائي
في كل شدة وانت لي في كل امر نزل بي ثقة وعدة كم من كرب يضعف
فيه الفؤاد وتقل فيه الحيلة ويخذل فيه الصديق ويشمت
فيه العدو وتعييني فيه الامور انزلته بك وشكوته اليك رغبة مني فيه اليك
عمن سواك ففرجته وكشفته وكفيتنيه فانت ولي كل نعمة وصاحب كل
حسنة ومنتهى كل رغبة اعوذ بكلمات الله التامات من شر ما خلق
اللهم طهرني بها من الخطايا اللهم اني اسألك التوبة والعافية
ومغفرة ورحمة ورضوان ورزق واسع حلال تبسطه علي وعلى
والديّ وولدي واهلي وعيالي واهل حزانتي ومن احببت واحبّ
ووالد وما ولد اللهم اني اعوذ بك من الشك والشرك والحسد

والبغي والحمية والغضب اللهم رب السماوات السبع ورب الا
رضين السبع وما فيهن وما بينهن ورب العرش العظيم صل على محمد
وآل محمد واكفني المهم من امري بما شئت وكيف شئت ومن حيث
شئت حسبنا الله الكريم وكفى اللهم انك قلت لنبيك صلى الله
عليه وآله لسوف يعطيك ربك فترضى اللهم اني نبيك ورسولك
وحبيبك ونجيك من خلقك لا يرضى بان تعذب بالنار احدا
من امته الا ان يكون الا من اهل بيته وان كان مذنبا
خاطئا يا محمد فرّج عنّي يا رب من همّي وغمّي يا محمد وآل
محمد يا ارحم الراحمين يا جامعا بين اهل الجنة على تآلف من
القلوب وشدة المحبة ونازع الغل من صدورهم وجاعلهم اخوانا
على سرر متقابلين يا جامعا بين اهل طاعته وبين من خلقها له
ويا مفرج حزن كل محزون ويا مسهل كل عسير ويا رحيم غربتي
في كل احوالي بحسن الحفظ والكلاءة ويا مفرج ما بي من الضيق
والخوف صل على محمد وآل محمد واجمع بيني وبين احبتي وقادب
بيني وبين ولدي ومواليّ يا مؤلفا بين الاحباء صل على محمد
وآل محمد ولا تفجعني بانقطاع رؤية محمد وآل محمد عني ولا
بانقطاع نظري عنهم بكل مسألة يا رب اعوذ اليك وما تجيب دعاء
الا انت يا ارحم الراحمين اللهم اني اسألك بانقطاع حجتي وعجزي
بجلالك ان تغفر لي اللهم اني اعوذ بك من خزي يوم المحشورين

شر ما یجری من الدهر و من شر الاعداء و صعوبة القضاء و غضب الله
و خیبة الرجاء و زوال النعمة و فجاءة النقمة اللهم اجعل لی قلبا
تخشاک کانه یراک الی یوم یلقاک و دور نیست که در اوقات
دیگر هرگاه شدتی روی دهد یا حاجت ضروری بهم رسد این دعا
توان خواند **فصل پنجم** در اعمال مخصوص شبها و روزهای مخصوص
این ماه مبارک است و در روز اول وارد شده است که انجیل بر حضرت
عیسی علیه السلام در همین ماه نازل شد و بروایت دیگر در ششم و
بروایت معتبر دیگر در دوازدهم و شیخ مفید نقل کرده است که در
روز ششم این ماه مأمون خلیفه ملعون با حضرت امام رضا علیه السلام
بیعت کرد و روایت شده است که هر که در آن روز دو رکعت نماز
بکند و در هر رکعت بعد از حمد بیست و پنج مرتبه سوره قل هو الله
احد بخواند شکر نعمت ظاهر شدن حق آنحضرت را ادا کرده خواهد
بود و بروایت معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که
در شب سیزدهم دو رکعت نماز بگذارند و در هر رکعت بعد از حمد
سوره یس و تبارک الذی بیده الملک و قل هو الله احد بخوانند
و در شب چهاردهم چهار رکعت بدو سلام باین صفت و در
پانزدهم شش رکعت بسه سلام بهمین کیفیت و شب پانزدهم از لیالی
متبرکه است و غسل و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام
مستحب است چنانچه مذکور شد و در حدیث معتبر از حضرت

صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه
و آله فرمود که هر که در شب نیمه ماه مبارک رمضان صد رکعت
نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده
مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند حق تعالی ده ملک فرو فرستد
بسوی او که دفع کنند از او ضرر دشمنان او را از جنیان و آدمیان و
در هنگام مرگ او سی ملک بفرستد که او را بشارت دهند به بهشت
و سی ملک که او را ایمن گردانند از آتش جهنم و ایضا از آنحضرت منقول
است که هر که در نصف ماه رمضان زیارت حضرت امام حسین ع
بکند و بعد از نماز عشا ده رکعت نماز نزد قبر آنحضرت بکند و در
هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند پیغمبر را در
خواب ببیند و ملکی چند بیایند که بشارت دهند او را به بهشت و ملکی چند
که ایمن گردانند او را از جهنم و شب هفدهم نیز شب بسیار با برکت است
و در آن شب لشکر حضرت رسول صلی الله علیه و آله با لشکر کفار در بدر
ملاقات کردند و در روز آن جنگ بدر شد و حقتعالی لشکر
حضرت را بر کفار ظفر داد و آن اعظم فتوحات اسلام بود و غسل و عبادت
در آن شب فضیلت عظیم دارد و شب نوزدهم اول شبهای قدر است و
حقتعالی میفرماید انا انزلناه فی لیلة القدر یعنی ما فرستادیم قرآن را در
شب قدر یعنی شبی که نزد حقتعالی قدر و منزلت عظیم دارد که تقدیر
امور سال در این شب میشود یا زمین تنگ میشود از بسیاری نزول

ما ادریک و ما ادریک ما لیلة القدر و تعبیر نمود اعلام کرده است که چه
چیز است شب قدر لیلة القدر خیر من الف شهر یعنی شب قدر بهتر است
از هزار ماه یعنی عبادت در آن بهتر است از عبادت هزار ماه تنزل الملائکة
والروح فیها فرود می آیند ملائکه و روح که از همه ملائکه اعظم است در
این شب باذن ربهم برخصت پروردگار ایشان من کل امر بسبب تقدیر
هر امری احادیث بسیار وارد شده است که ملائکه و روح در این شب
بر امام زمان نازل می شوند و آنچه از برای هر کس در این شب مقدّر شده
است بر امام علیه السلام عرض میکنند سلام هی حتی مطلع الفجر
یعنی سلام است این شب از جمیع بدیها تا طلوع صبح یا سلام میکنند
بر امام و مؤمنان که در این شب عبادت میکنند تا طلوع صبح و میان سنی
و شیعه در شب قدر اختلاف بسیار هست بعضی از سنیان گفته اند
که شب قدر در زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله بود و بعد از آن
حضرت برطرف شد و اکثر ایشان گفته اند که تا روز قیامت باقیست
پس بعضی گفته اند که در تمام سال پنهانست و در همه شبها عبادت
باید کرد تا فضیلت شب قدر را دریابند و بعضی گفته اند که در ماه
شعبان و رمضان پنهانست و بعضی گفته اند شب نیمه شعبان
است و بعضی گفته اند شب اول رمضان است و بعضی گفته اند شب
نیمه است و بعضی شب هفدهم و بعضی شب بیست و یکم و بعضی
بیست و سیم و بعضی شب بیست و نهم و بعضی شب آخر گفته اند و اکثر

شیعیان در این زمان اتفاق کرده اند که شب بیست و سیم و علمای شیعه
امامیه اجماع کرده اند بر آنکه از شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم
بیرون نیست و بعضی مردد میان شب بیست و یکم و بیست و سیم
اند و بسیاری از احادیث معتبره دلالت میکند بر آنکه از این سه شب
بیرون نیست و این سه شب یعنی نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم را
احیا باید کرد تا فضیلت شب قدر را دریابند و در بعضی احادیث
معتبره تعیین بیست و یکم و بیست و سیم شده است و بعضی تعیین
خصوص شب بیست و سیم واقع شده است و منقولست که از شب
جهنی است و او اعرابی بود بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله عرض
کرد که منزل من دور است از مدینه شبی را تعیین فرما که از برای من تعیین
کن که من در آن شب بیایم که در آن شب بخدمت تو برسم حضرت شب
بیست و سیم را تعیین فرمود و پیوسته در آن شب با خیل و اهل و خدم
و حشم داخل مدینه میشد و چون صبح میشد بر میگشت و از بعضی
احادیث ظاهر میشود که هر سه شب قدرند و در شب اول تقدیر
امور میشود و در شب دویم بکثرت دعا و عبادات ممکن است بعضی
تغییر بیابد و در شب سیم حتم میشود و تغییر نمی یابد یا بسیار کم تغییر
می یابد بلاتشبیه مانند ارقام پادشاهان که اول تعلیقه میشود
و تغییرش آسانست و بعد از آن ثبت دفتر میشود تغییرش دشوار
تر است اما تا مهر بر آن نکرده اند باز ممکنست تغییر یابد

وچون همه را شرف رسید قدر الهی ثابتست و تعیین او در غایت خفاست
و حق تعالی را حکمتها در ابهام بعضی امور هست مانند اسم اعظم
الهی که بر اکثر مردم مشتبه است و نماز وسطی که بهترین نمازهاست
و ساعت استجابت دعا در هر شب و در هر روز جمعه و عمل
مقبول در میان اعمال و امثال اینها و یک حکمت در مبهم ساختن اینها
آنست که چون همه را احتمال میدهند پس اولی مواظبت نمایند و اهتمام در همه
نمازها بکنند و در همه ساعات شب و روز جمعه دعا بکنند و در همه
در اعمال خیر بکنند شاید یکی قبول گردد و هم چنین در شب قدر
شبهائی که احتمال آن دارد همه را احیا کنند و حکمت دیگر در بعضی از
اینها میتواند بود مثل آنکه اگر اسم اعظم را همه کس بدانند که باشد
بعضی از نفوس شریره آنرا وسیله حصول مطالب دنیه کنند
از علما نقل کرده اند و همچنین شب قدر و ساعت استجابت دعا
اگر بخصوص اینها را دانند ممکن است که امور غیر مشروع علی الخصوص
عظیم نسبت ببعضی از مسلمانان استدعا کنند و اگر بخصوص
باید البته مستجاب گردد و دیگر آنکه مغرور باعمال خود نگردند و
حکمتهای دیگر بسیار است که این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد پس
باید مؤمن این سه شب را احیا کند و اهتمام در دعا و عبادت
بکند تا فضیلت شب قدر را در یابد و در دو شب آخر اهتمام
بیشتر کند و در شب بیست و سیم که احادیث بسیار در تخصیص

آن وارد شده است که شب قدر است سعی بیشتر کند و فواید عبادت
شب قدر بسیار است و از جمله آنکه چون عبادت شب قدر را در برابر
غیر قران زیاده از ثواب عبادت هزار ماه که زیاده از هشتاد سال
از برای او مقرر میفرمایند و دیگر آنکه چون تقدیرات جمیع امور از عمر و
مال و فرزند و عزت و صحت و توفیق اعمال خیر و سایر امور در این شب
میشود اصلاح احوال تمام سال خود را در این شب کرده خواهد بود
و ممکن است که نام او در دیوان اشقیا نوشته باشد و در این شب
تغییر یابد و از زمره سعادتمندان نوشته شود چنانچه این مضمون
در اکثر دعاها و احادیث معتبره وارد شده است و دیگر آنکه چون
حضرت صاحب الامر در تمام این شب با ملائکه مقربین محشور است
و فوج فوج بخدمت او می آیند و بر او سلام میکنند و تقدیرات که
از برای او و سایر خلق شده است بر او عرض میکنند منظور نیست
که کسی چنین شبی را بی امام خود نکنند و بغفلت بسر آورند و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقول است که چون شب قدر میشود
فرود می آیند ملائکه که در سدرة المنتهی ساکنند و از جمله ایشان
جبرئیل است و جبرئیل با خود علمها می آورد یک علم را در قبر منور آن حضرت
نصب میکنند و یکی را بر بیت المقدس و یکی را در مسجد الحرام و یکی را
در طور سینا و نمیگذارند هیچ مؤمن و زن مؤمنه را مگر آنکه بر او
سلام میکنند و ایضا از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول

است که بهشت را هرگاه الوانی داخل شدن ماه مبارک رمضان
زینت میکنند چون شب اول ماه میشود نسیمی از زیر عرش میوزد که
آنرا مثیره میگویند و صدای او برگ درختان و حلقهای درهای
بهشت را بی نغمه آواز میشنوند که هرگز شنوندگان آوازی خوش
اینگاه تر نغمه نشنیده اند پس حوریان از غرفهای بهشت بیرون می
آیند و ندا میکنند که آیا کسی هست که ما را خواستگاری کند از خدا
با اعمال صالحه خود پس از رضوان خازن بهشت میپرسند که این چه
شبیست رضوان میگوید لبیک این نیکو شبی است و نیکو کاران این شب
اول ماه رمضان است درهای بهشت گشوده شده است برای روزه
داران امت محمد پس حقتعالی میفرماید که ای رضوان بگشا درهای
بهشت را ای مالک به بند درهای جهنم را از روزه داران امت
محمد صلی الله علیه و آله ای جبرئیل برو بسوی زمین و در زنجیر
کن شیاطین متمرد را و غلها در گردن ایشان کن و ایشان را در میان
دریا بینداز تا فاسد نگردانند بر امت حبیب من محمد صلی الله علیه
و آله روزهای ایشان را و حضرت فرمود که حقتعالی در هر شب از
شبهای ماه رمضان سه مرتبه ندا میفرماید که آیا سؤال کننده
هست که سؤال کند او را عطا کنم آیا توبه کننده هست که توبه او را
قبول کنم آیا استغفار کننده هست که گناهانش را بیامرزم کیست که
بقرض دهد بخداوند مال داری که هرگز پریشان نمیشود و وفا کننده

است

است بوعدهای خود ستم نمیکند و فرمود که در آخر هر روز از روزهای
ماه رمضان در وقت افطار حقتعالی هزار هزار کس را از آتش جهنم
آزاد میکند چون شب جمعه و روز جمعه میشود در هر ساعت از آن
هزار هزار کس را از آتش جهنم آزاد میکند که همه مستوجب عذاب
شده باشند و در شب آخر و روز آخر ماه بعدد آنچه در تمام ماه آزاد
کرده است آزاد میکند و چون شب قدر میشود حقتعالی امر
میکند جبرئیل را که بزمین بیاید با لشکر عظیم از ملائکه و با خود
علم سبزی بیاورد و بر بالای کعبه معظمه نصب میکند و او
شش صد بال دارد و دو بال را نمیگشاید مگر شب قدر و چون شب
قدر آن دو بال را میگشاید از مشرق و مغرب میگذراند و پس میکند
جبرئیل آن ملائکه را در این شب در اطراف زمین پس سلام میکنند
بر هر ایستاده و نشسته که مشغول نماز و ذکر خدا باشند و با ایشان
مصافحه میکنند و چون دعا میکنند ملائکه آمین میگویند و
پیوسته مشغول این کارند تا طلوع صبح پس چون صبح طالع میشود
ندا میکند جبرئیل که ای گروه ملائکه روانه جانب آسمان شوید پس
ملائکه میگویند ای جبرئیل خدا چه کرد در حوایج مؤمنان از امت محمد
صلی الله علیه و آله جبرئیل میگوید خدا گناهان همه را آمرزید مگر
کسی که همیشه شراب خورد یا عاق پدر و مادر باشد یا قطع رحم
کند یا با مؤمنان عداوت کند و چون شب عید فطر میشود از آ

شب جوائز میگویند چون خدا اجر عمل کنندگان ماه رمضان را در این شب
و چون بامداد روز عید میشود حقتعالی ملائکه را بسوی جمیع شهرها
میفرستد که بزمین می آیند و بر سر کوچها و بازارها و راهها می ایستند
و میگویند بآوازی که همه خلق میشنوند بغیر جن و انس بسوی پروردگار کریمی که
عطاهای بزرگ می بخشد و گناهان عظیم را می آمرزد پس چون بمصلی
بجهت نماز عید حقتعالی بملائکه میگوید که ای ملائکه من چیست
جزای مزدور هرگاه عمل خود را بکند پس ملائکه میگویند ای خداوند ما
و آقای ما جزای او آنست که مزدش تمام داده شود حقتعالی میفرماید که
ای ملائکه من شما را گواه میگیرم که ثواب ایشان از روزه روزهای ماه
رمضان و عبادت شبهای آن عطا کردم که از ایشان راضی شدم و
گناهان ایشان را آمرزیدم پس ندا میفرماید ای مؤمنان که در این مجمع حاضر
شده اید که از من هرچه خواهید از من سؤال کنید بعزت و جلال
خود سوگند یاد میکنم که در این مجمع شما هر حاجتی که برای آخرت و دنیای
خود سؤال کنید البته عطا میکنم و عیبهای شما را میپوشانم تا از من بر
گردان نشوید و مزدهای شما را مضاعف میکنم و شما را در میان گناه
کاران رسوا نمیگردانم برگردید از مصلی آمرزیده بدرستیکه خوشنود کردید
مرا و خوشنود شدم از شما پس ملائکه خرم و شاد میشوند
و یکدیگر را مبارکباد میگویند با آنچه حقتعالی بامت محمد صلی الله علیه
و آله عطا کرده و بحدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام

منقولست که هر که احیا کند شب قدر را گناهان او آمرزیده شود هرچند
بعدد ستارهای آسمان و سنگینی کوهها و کیل دریاها باشد
اعمال این سه شب بر دو نوعست اول آنکه در هر سه شب باید
کرد دوم آنکه مخصوص است بهر شبی اول از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله منقولست که هر که در شب قدر دو رکعت نماز بجا آورد
و در هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه قل هو الله احد بخواند و بعد از
فارغ شدن هفتاد مرتبه استغفر الله و اتوب الیه بگوید از جای
خود برنخیزد تا حق تعالی او را و پدر و مادرش را بیامرزد و ملکی چند بفرستد
که حسنات برای او بنویسند تا سال آینده و ملکی چند بفرستد به بهشتها
که درختها برای او غرس نمایند و قصرها برای او بنا کنند و نهرها برای او
جاری گردانند و از دنیا بیرون نرود تا همه را مشاهده نماید و غسل
در این سه شب سنت موکد است و غسل این شبها را مقارن غروب
آفتاب کردن بهتر است که نماز شام را با غسل بکند و مستحب است که
در این شبها قرآن مجید را بدست بگیرد و بگشاید و این دعا را بخواند
اللّهُمَّ اِنّی اَسئَلُکَ بِکِتابِکَ المُنزَلِ وَما فیهِ وَفیهِ اسمُکَ الاَکبَرُ
وَاَسماؤُکَ الحُسنی وَما یُخافُ وَیُرجی اَن تَجعَلَنی مِن عُتَقائِکَ مِنَ النّارِ
وَتَقضِیَ حَوائِجی لِلدُّنیا وَالآخِرَةِ پس حاجات خود را از حقتعالی طلب
نماید که ان شاء الله برآورده است و این دعا از حضرت امام محمد باقر
منقولست و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست

که مصحف را بگیرد و سر بگشاید و بگوید اللهم بحق هذا القرآن و بحق من ارسلته
به و بحق کل مؤمن مدحته فیه و بحقک علیهم فلا احد اعرف
بحقک منک پس ده مرتبه بگوید بک یا الله و ده مرتبه بمحمد و ده مرتبه
بعلی و ده مرتبه بفاطمة و ده مرتبه بالحسن و ده مرتبه بالحسین و
ده مرتبه بعلی بن الحسین و ده مرتبه بمحمد بن علی و ده مرتبه بجعفر
بن محمد و ده مرتبه بموسی بن جعفر و ده مرتبه بعلی بن موسی و ده
مرتبه بمحمد بن علی و ده مرتبه بعلی بن محمد و ده مرتبه بالحسن بن
علی و ده مرتبه بالحجة پس هر حاجت که داری طلب کن و زیارت حضرت
امام حسین علیه السلام در هر یک از این سه شب سنت مؤکد است
و در هر یک خصوصا شب بیست و سیم صد رکعت نماز سنت است
هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه قل هو
الله احد بخواند و در بعضی از روایات معتبره وارد شده است که بعد
مرتبه یا پنج مرتبه یا سه مرتبه یا یک مرتبه قل هو الله احد اکتفا میتوان
کرد و احادیث بسیار در فضیلت این صد رکعت وارد شده است
و باید که این صد رکعت غیر نافله شب بوده باشد و اگر ضعیف
باشد نشسته هم میتواند کرد و بهترین اعمال در این شبها طلب آمرزش
و دعا از برای مطالب دنیا و آخرت خود است و برای والدین و خویشان
خود و برادران مؤمن مرده و زنده ایشان و اذکار و صلوات بر محمد و آل
محمد آنچه ممکن باشد میشود و در بعضی از روایات وارد شده است که

دعای جوشن کبیر را در هر یک از این سه شب بخوانند و اما اعمال مخصوصه پس اعمال
مخصوص شب نوزدهم آنست که صد مرتبه بگوید استغفر الله ربی و اتوب
الیه و صد مرتبه اللهم العن قتلة امیر المؤمنین و این دعا بخواند که
اللهم اجعل فیما تقضی و تقدر من الامر المحتوم و فیما تفرق من الامر
الحکیم فی لیلة القدر من القضاء الذی لا یرد و لا یبدل ان تکتبنی
من حجاج بیتک الحرام المبرور حجهم المشکور سعیهم المغفور ذنوبهم
المکفر عنهم سیئاتهم و اجعل فیما تقضی و تقدر ان تطیل عمری
و توسع علی فی رزقی و تفعل بی فی جمیع اموری ما هو خیر لی فی دنیای
و آخرتی یا ارحم الراحمین و بعد حوائج خود را از حقتعالی طلب نماید و
شب بیست و یکم فضیلتش زیاده از شب سابق است و غسل و احیا
سابقه در آنها بعمل آورد و در این دهه آخر اعتکاف در مساجد
جامعه سنت است و دهه اجابت دعا است و بسند معتبر از حضرت
امام موسی علیه السلام منقولست که در شب بیست و یکم و بیست و
سیم صد رکعت نماز بکن و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره قل
هو الله احد بخوان و در حدیث معتبر دیگر منقولست که حضرت امام محمد
باقر علیه السلام این دو شب را احیا میکرد و در نصف اول شب مشغول
دعا میشد و در نصف آخر مشغول نماز میشد و منقولست از حضرت صادق
علیه السلام که حرام نیست که اگر توانی در شب بیست و یکم و بیست و
سیم ماه رمضان در هر یک صد رکعت نماز بکنی بغیر نیز ده رکعت نماز

شب وفات حضرت سید اوصیاست که مشغول به ادعیه
و تضرع باید بود و نسبت امید شب قدر که یکی از اینهاست و شاید
قدر بهتر است از هزار ماه فرموده یعنی بهتر است از عمل هزار ماه و هر
امری که در آن سال واقع میشود در شب قدر مقدر میگردد و دعاها
این شب در ضمن دعاهای بعد از این مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی
ولیلة شب بیست و سیم اکثر احادیث معتبره دلالت میکند بر آنکه شب قدر
است و در آن دو غسل سنتست یکی در اول شب و دیگری در آخر
شب و حضرت صادق علیه السلام فرمود که شب بیست و سیم
شب جهنی است و در آن شب جمیع امور بر وفق حکمت مقدر میگردد
و در آن شب مقدر میگردد مرگها و بلاها و اجلها و روزیها و قضاها
و آنچه در آن سال واقع میشود تا شب قدر آینده پس خوشا حال کسی که
احیا کند آن شب را و بیدار باشد بعبادت گاه در رکوع باشد
و گاه در سجود و گناهان خود را در برابر دیدهای خود مثل کرده و بر
آنها بگرید چون چنین کند امید دارم که از فضیلت شب قدر محروم
نگردد انشاء الله تعالی و فرمود که حق تعالی امر میکند ملکی را که ندا
میکند که هر که روزه ماه رمضان داشت بشارت باد شما را ای بندگان
من که بخشیدیم گناهان گذشته شما را و در شب قدر شفاعت شما
در حق یکدیگر قبول میکنیم و دعاهای شما را در حق یکدیگر مستجاب
میگردانیم مگر کسی که روزه را افطار کند بر مست کننده یا کینه مومن

در دل داشته باشد و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که هر که سوره عنکبوت و روم را در شب بیست و سیم بخواند والله
که او از اهل بهشت است و استثنا نمیکنم در این حدیث و نمیترسم که خدا
در این سوگند بر من گناهی نویسد و این دو سوره را نزد حق تعالی مرتبه
عظیم هست و ایضا از آنحضرت بسند معتبر منقولست که هر که در شب
بیست و سیم ماه مبارک رمضان هزار مرتبه سوره انا انزلناه را بخواند
هر آینه صبح کند با یقین شدید باعتراف بآنچه مخصوص ماست از
کرامتها در این شب بسبب آنچه در خواب ببیند و سوره حم دخان نیز
سنتست که در این شب بخواند و از حضرت امام محمد تقی علیه السلام
منقولست که هر که زیارت کند حضرت امام حسین را در شب بیست و
سیم که امید شب قدر در آن هست و در آن هر امری مقدر میشود مصافحه
کنند با او روح صد و بیست و چهار هزار پیغمبر که همه در این شب رخصت
می طلبند از حق تعالی که بزیارت آنحضرت و بسند معتبر از حضرت امام
محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که هر که احیا کند شب بیست
و سیم ماه مبارک رمضان را و صد رکعت نماز بکند حق تعالی روزی او را
فراخ گرداند در دنیا و شر دشمنان را از او کفایت کند و پناه دهد او را
از غرق شدن و خانه بر سر خراب شدن و از لقمه درندگان و گرفتن و از شر
درندگان و دفع کند از او هول منکر و نکیر را و از قبر بیرون آید او را نوری
باشد که روشنی بخشد اهل محشر را و نامه اش را بدست راستش

بعضی از ماه رمضان بخوانند برای او برات بیزاری از آتش جهنم و گذشتن بر صراط
و ایمنی از عذاب را و داخل بهشت شود بی حساب و در بهشت او را
از رفیقان پیغمبران و صدیقان و شهیدان و صالحان گرداند و نیکو
رفیقانند ایشان و دعای این شب را از جمله دعاهای ائمه علیهم السلام
و ایضاً این دعا را بخوانند اللهم امدد لی فی عمری واوسع لی فی رزقی
واصح لی جسمی وبلغنی املی وان کنت من الاشقیاء فامحنی من الا
شقیاء واکتبنی من السعداء فانک قلت فی کتابک المنزل علی نبیک
صلواتک علیه وآله یمحو الله ما یشاء ویثبت وعنده ام الکتاب
و ایضاً بگویند اللهم اجعل لی [illegible] نصیباً من کل خیر تنزله
فی هذه اللیلة او انت منزله من نور تهدی به او رحمة تنشرها او رزق
تقسمه او بلاء تدفعه او ضر تکشفه واکتب لی ما کتبت
لاولیائک الصالحین الذین استوجبوا منک الثواب وامنوا برضاک
عنهم منک العقاب یا کریم یا کریم صل علی محمد وآل محمد
وافعل بی ذلک برحمتک یا ارحم الراحمین و هر قدر از قرآن که میسر
باشد در این شب بخوانند و دعاهای صحیفهٔ کامله بخوانند خصوصاً
دعای مکارم اخلاق و دعای توبه و روزهای این شبها را نیز گرامی
داشت و عبادت و تلاوت و دعا بسیار کرد زیرا که در احادیث معتبره
وارد شده است که روز قدر در فضیلت مثل شب قدر است و
در شب بیست و چهارم نیز خصوص غسل سنت است و در شب

بیست

بیست و پنجم نیز غسل سنت است و احادیث معتبره که استحباب غسل در
این شبها وارد شده است و منقول است که خدای عز و جل در این شب دفع مکر
بدیها و کافران و جمیع انواع بلاها از روزه داران ماه رمضان
میکند و حق تعالی بایشان نور بخشد در گوشها و دیدهای ایشان و در شب
بیست و هفتم نیز خصوص غسل وارد شده است و منقول است که حضرت
امام زین العابدین علیه السلام در این شب مکرر این دعا را میخواندند از
اول شب تا آخر شب اللهم ارزقنی التجافی عن دار الغرور والانابة
الی دار الخلود والاستعداد للموت قبل حلول الفوت و در شب
بیست و نهم نیز غسل وارد شده است و همچنین در شب آخر نیز غسل
سنت است و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام سنت است و وداع
ماه مبارک رمضان سنت موکد است برای آنها که روزه و عبادت
ایشان بر ایشان گران و دشوار نبود و ماخواهان آن بودیم و از مفارقت آن
و محزونیم و هر که لذت عبادت الهی را یافته است و فواید آن در دنیا
و عقبی دانسته است عاشق عبادت و بندگی میباشد پس میباید
این ماه وافر البرکات را بخوبی وداع کند که عزیزترین اهل خود را در هنگام
مفارقت وداع میکند که معلوم است که غلامی که از خدمت آقای خود
شاد و خوشحال باشد و از این خدمتها دلگیر باشد مثل غلامی نیست که
از ترک خدمت دلگیر و از نبودن راضی نباشد و دعاهای وداع را در شب آخر
سنت است بخوانند و اگر در روز آخر نیز بخوانند خوبست و در حدیث

است كه اگر انرا مشتبه باشد در شب عيد وفردا حتما طاعت
است خواندن اين دو دعاى وداع بسيار است وبهترين دعاها دعاى صحيفه
كامله است وسيد دعاى معتبر بسيار از حضرت امام جعفر صادق
نيز دعاى وداع منقولست بسم الله الرحمن الرحيم اللهم انك قلت فى
كتابك المنزل على لسان نبيك المرسل صلواتك عليه وآله وقولك
حق شهر رمضان الذى انزل فيه القرآن هدى للناس وبينات
من الهدى والفرقان وهذا شهر رمضان قد تصرم وانقضت
ايامه ولياليه فاسألك بوجهك الكريم وكلماتك التامة ان
كان بقى على ذنب لم تغفره لى او تريد ان تعذبنى عليه او تقايسنى
به ان يطلع فجر هذه الليلة او يتصرم هذا الشهر الا وقد غفرته
لى يا ارحم الراحمين اللهم لك الحمد بمحامدك كلها اولها وآخرها
ما قلت لنفسك منها وما قال الخلائق الحامدون المجتهدون
المعدودون الموقرون ذكرك والشكر لك الذين اعنتهم على اداء
حقك من اصناف خلقك من الملائكة المقربين والنبيين و
المرسلين واصناف الناطقين المسبحين لك من جميع العالمين على
انك بلغتنا شهر رمضان وعلينا من نعمك وعندنا من قسمك واحسانك
وتظاهر امتنانك فبذلك لك منتهى الحمد الخالد الدائم
الراكد المخلد السرمدى الذى لا ينفد طول الابد جل ثناؤك
اعنتنا عليه حتى قضيت عنا صيامه وقيامه من صلوة وما

كان

كان منا فيه من بر او شكر او ذكر اللهم فتقبله منا باحسن قبولك
وتجاوزك وعفوك وصفحك وغفرانك وحقيقة رضوانك حتى
تظفرنا فيه بكل خير مطلوب وجزيل عطاء موهوب وتوقينا
فيه من كل امر مرهوب وذنب مكتسب اللهم انى اسألك بعظيم
ما سألك به احد من خلقك من كريم اسمائك وجميل ثنائك
وخاصة دعائك ان تصلى على محمد وآل محمد وان تجعل شهرنا
هذا اعظم شهر رمضان مر علينا منذ انزلتنا الى الدنيا بركة فى
عصمة دينى وخلاص نفسى وقضاء حاجتى وتشفعنى فى مسائلى
وتمام النعمة على وصرف السوء عنى ولباس العافية لى وان تجعلنى
برحمتك ممن حزت له ليلة القدر وجعلتها له خيرا من الف شهر
فى اعظم الاجر وكرائم الذخر وطول العمر وحسن الشكر ودوام
اليسر اللهم واسألك برحمتك وطولك وعفوك ونعمائك
وجلالك وقديم احسانك وامتنانك ان لا تجعله آخر العهد
منا لشهر رمضان حتى تبلغناه من قابل على احسن حال وتعرفنى
هلاله مع الناظرين اليه والمعترفين له فى اعفى عافيتك وانعم
نعمتك واوسع رحمتك واجزل قسمك اللهم يا ربى الذى ليس
لى رب غيره لا يكون هذا الوداع منى وداع فناء ولا آخر العهد
من اللقاء حتى ترينيه من قابل فى اسبغ النعم وافضل الرجاء
وانا لك على احسن الوفاء انك سميع الدعاء اللهم اسمع دعائى

واجمع تفرقي وتحنن لي واستجب دعائي توكلت عليك وانا اللاجئ
لا ارجو لها سواك ولا امنعها فلا تنزعها ولا تسلبنا الايمان ومن
علينا بفضلك وقد نسبنا اليك بقبول شهر رمضان
وآمنا من كل مكروه ومحذور ومن جميع البوائق الحمد
لله الذي اعاننا على صيام هذا الشهر وقيامه حتى بلغنا آخر
ليلة منه اللهم اني اسألك باحب ما دعيت به وارضى ما رضيت
به عن محمد صلى الله عليه وآله ان تصلي على محمد وآل محمد
ولا تجعل وداعي شهر رمضان وداع خروجي من الدنيا ولا وداع
آخر عبادتي لك فيه ولا آخر صومي لك وارزقني العود فيه ثم العود
فيه برحمتك يا ولي المؤمنين ووفقني فيه لليلة القدر واجعلها
لي خيرا من الف شهر رب الليل والنهار والجبال والبحار والظلم
والانوار والارض والسماء يا بارئ يا مصور يا حنان يا منان يا
الله يا رحمن يا رحيم يا حي يا قيوم يا بديع السموات والارض لك الا
سماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والآلاء اسألك
باسمك بسم الله الرحمن الرحيم ان تصلي على محمد وآل محمد وان
تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء و
احساني في عليين واساءتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر
به قلبي وايمانا لا يشوبه شك ورضا بما قسمت لي وان تؤتيني
في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وان تقيني عذاب النار

الحريق اللهم اجعل فيما تقضي وتقدر من الامر المحتوم وفيما تفرق من
الامر الحكيم في ليلة القدر من القضاء الذي لا يرد ولا يبدل ان
تكتبني من حجاج بيتك الحرام المبرور حجهم المشكور سعيهم
المغفور ذنوبهم المكفر عنهم سيئاتهم واجعل فيما تقضي وتقدر ان
تطيل عمري وان تعتق رقبتي من النار يا ارحم الراحمين اللهم اني
اسألك ولا يسأل العباد مثلك جودا وكرما وارغب اليك و
لم يستقبل بالرغبات انت موضع مسألة السائلين ومنتهى رغبة
الراغبين اسألك باعظم المسائل كلها وافضلها وانجحها التي
ينبغي للعباد ان يسألوك بها يا الله يا رحمن وباسمائك ما علمت
منها وما لا اعلم وباسمائك الحسنى وامثالك العليا ونعمك
التي لا تحصى وباكرم اسمائك عليك واحبها اليك واشرفها
عندك منزلة واقربها منك وسيلة واجزلها منك ثوابا واسرعها
لديك اجابة وباسمك المكنون المخزون الحي القيوم الاكبر الاجل
الذي تحبه وتهواه وترضى به عمن دعاك به وتستجيب له دعاءه
وحق عليك ان لا تحرم سائلك واسألك بكل اسم هو لك في
التوراة والانجيل والزبور والفرقان وبكل اسم دعاك به حملة
عرشك وملائكة سمواتك وجميع الاصناف من خلقك من
نبي او صديق او شهيد وبحق الراغبين اليك القريبين منك
المتعوذين بك وبحق مجاوري بيتك الحرام حجاجا ومعتمرين و

متعلّمين والمجاهدين في سبيلك وبحق كل عبد متعبّد لك متعلّم للدين
يا اوجه اوسهل لي اوجب اليّ دعوتك دعاء من قد اشتدت فاقته وكثرت
ذنوبه وعظم جرمه وضعفت كدحه دعاء من لا يجد لغفرانه سواك
ولا لضعفه مقويا ولا لذنبه غافرا غيرك هاربا اليك متعوذا
بك متعبدا لك غير مستكبر ولا مستنكف خائفا بائسا فقيرا
مستجيرا بك اسألك بعزك وعظمتك وجودك وسلطانك
وبملكك وبهائك وجودك وكرمك وبآلائك وحسنك و
جمالك وبقوتك على ما اردت من خلقك ادعوك يا رب خوفا
وطمعا ورهبة ورغبة وتخشعا وتملقا وتضرعا والحافا والحاحا
خاضعا لك لا اله الا انت وحدك لا شريك لك يا قدوس
يا قدوس يا قدوس يا الله يا الله يا الله يا رحمن يا رحمن يا رحمن يا رحيم
يا رحيم يا رحيم يا رب يا رب يا رب اعوذ بك يا الله الواحد الاحد
الصمد الوتر المتكبر المتعال واسألك بجميع ما دعوتك به
وباسمائك التي تملأ اركانك كلها ان تصلي على محمد وآل
محمد وان تغفر لي ذنبي وترحمني وتوسع علي من فضلك العظيم وتقبل
مني شهر رمضان وصيامه وقيامه وفرضه ونوافله واغفر لي
وارحمني واعف عني ولا تجعله آخر شهر رمضان صمته لك
وعبدتك فيه ولا تجعله وداع خروجي من الدنيا اللهم اوجب
لي من رحمتك ومغفرتك ورضوانك وخشيتك افضل الآ

املا ممن عند لك فيه اللهم لا تجعلني اخسر من سألك فيه و
اجعلني من عتقائك في هذا الشهر من النار وغفرت له ما تقدم
من ذنبه وما تأخر واوجبت له افضل ما رجاك وأمل منك يا
ارحم الراحمين اللهم ارزقني العود في صيامه لك وعبادتك فيه
واجعلني ممن كتبته في هذا الشهر من حجاج بيتك الحرام المبرور
حجهم المشكور سعيهم المتقبل عملهم آمين آمين آمين رب العالمين
اللهم لا تدع لي فيه ذنبا الا غفرته ولا خطيئة الا محوتها ولا
عثرة الا اقلتها ولا دينا الا قضيته ولا عيلة الا اغنيتها
ولا همّا الا فرجته ولا فاقة الا سددتها ولا عريانا الا كسوته
ولا مريضا الا شفيته ولا داء الا اذهبته ولا حاجة من حوائج
الدنيا والآخرة الا قضيتها على افضل املي ورجائي فيك يا ارحم
الراحمين اللهم لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا ولا تذلنا بعد اذ
اعززتنا ولا تضعنا بعد اذ رفعتنا ولا تهنا بعد اذ اكرمتنا ولا تفقرنا
بعد اذ اغنيتنا ولا تمنعنا بعد اذ اعطيتنا ولا تحرمنا بعد اذ رزقتنا
ولا تغير شيئا من نعمك علينا واحسانك الينا لشيء كان من ذنوبنا
ولا لما هو كائن منا فان في كرامتك وعفوك وفضلك سعة
لمغفرة ذنوبنا فاغفر لنا وارحمنا ولا تعاقبنا عليها يا ارحم
الراحمين اللهم اكرمني فيه بمجلس فيه كرامة لا تهنّي بعدها
ابدا واعزني عزا لا تذلني بعده ابدا وعافني عافية لا تبتليني بعدها

ابدا او ارفعنی بعده لا تضعنی بعدها ابدا واعوذ بك من شر كل
شيطان مريد وشر كل جبار عنيد وشر كل قريب او بعيد ومن شر
كل صغير او كبير وشر كل ما اراد بنا سوءا او عنتا او غيظا او
مستهم اللهم ما كان فيه من ذنب مثقال ذرة او نعمة اوعيا او كره او
فرج او فرح او بطر او بطيء او خيلاء او رياء او سمعة او شقاق او
نفاق او كفر او فسوق او معصية او شيء لا تحب عليه ولا آلك ما
سئلتك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تمحو من قلبي وتبدلني
مكانه ايمانا بوعدك ورضا بقضائك وزهدا في الدنيا ورغبة
فيما عندك واثرة لما عندك وطمأنينة وتوبة نصوحا اليك وخشيتنا
بينة اليك وتوبة نصوحا اليك اللهم ان كنت بلغتنا
الا فاخرجنا الى ما انت لنا اهل حتى تبلغنا في يسر منك وعافية
يا ارحم الراحمين وصلى الله على محمد وآله اجمعين ورحمة الله
وبركاته عليهم وهو جمعة آخر ودلع جمعها ك بسند معتبر از جابر بن عبد
الله انصاری منقولست كه گفت رفتم بخدمت حضرت رسول صلى
الله عليه وآله در جمعه آخر ماه رمضان چون نظر آنحضرت بر من
افتاد فرمود كه اين آخر جمعه ايست از ماه مبارك رمضان پس او را وداع
كن و بگو اللهم لا تجعله آخر العهد من صيامنا اياه فان جعلته
فاجعلني مرحوما ولا تجعلني محروما پس هر كه اين دعا را در اين
روز بخواند بيكى از دو خصلت نيكو ظفر ميابد يا برسيدن ماه ومع

ايشان باد امرزش خدا و رحمت بر ايشان باد و بسند معتبر از حضرت صادق ع
منقولست كه هر كه در شب آخر ماه مبارك رمضان اين دعا بخواند اللهم لا تجعله
آخر العهد من صيامي لشهر رمضان واعوذ بك ان يطلع فجر هذه
الليلة الا وقد غفرت لي حق تعالى پيش از صبح او را بيامرزد و او را توفيق
و انابه روزى كند و رضا سنت كه اين دعا بخواند اللهم اني اسئلك
بحق ما مضى به وارضى ما رضيت به عن محمد ورضي اهل بيت
محمد عليه وعليهم السلام ان تصلي عليه وعليهم ولا تجعل وداع
شهري هذا وداع خروجي من الدنيا ولا وداع آخر عبادتك فيه ووفقني
فيه لليلة القدر واجعلها لي خيرا من الف شهر مع مضاعفة الاجر
والاعطاء العظيم من الذنب برضى الرب و از جمله چيزهايى كه سنت
در شب آخر ماه آزاد كردن بندهاست زيرا كه شبی است كه حق تعالى
بندگان بسيار را از آتش جهنم آزاد ميگرداند هر گاه بندگان ضعيف فرمايد
بندگان زرخريد را آزاد كند اميد هست كه خداوند فا دو بيرون آيد
بآن وسعت وكمال او را از آتش جهنم آزاد كرداند و نام او را از جرايد صحائف
محو نمايد چنانچه منقولست كه حضرت امام زين العابدين عليه السلام
بندهها كه در عرض سال تحصيل مينمود بايست نفر زياده و كم در شب
آخر ماه رمضان آزاد مينمود و ميفرمود شما هارا آزاد كردم باميد آنكه
خداوند رحيم از تقصير ايشان در گذرد و مرا از عذاب جهنم آزاد كند
و چون روز عيد ميشد جايزهاى عظيم بايشان مى بخشيد كه ايشان

بنیاز باشند از سؤال کردن از مردم و میگفت که حق تعالی در هر شب
ماه رمضان در هنگام افطار هفتاد هزار هزار کس را آزاد میکند از آتش
که همه واجب جهنم شده باشند و در شب آخر بعدد جمیع آنها آزاد
کرده است آزاد میکند و حضرت هیچ غلام و کنیز را نگاه نمیداشت زیاده از یکسال
نگه میداشت و در روز عید فطر نیز بمصرفات بندهای خود را آزاد میفرمود و
روایتی وارد شده است که بسند معتبر که در شب آخر سوره انعام و
کهف و یس بخواند و صد مرتبه بگوید استغفر الله و اتوب الیه بسند
معتبر دعاهای مخصوص دهه آخر ماه مبارک بسند معتبر
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حضرت در هر شب از
شبهای دهه آخر این دعا را میخواندند اللهم انک قلت فی کتابک
شهر رمضان الذی انزل فیه القرآن هدی للناس وبینات من الهدی
والفرقان فعظمت حرمة شهر رمضان بما انزلت فیه من القرآن وخصصته
بلیلة القدر وجعلتها خیرا من الف شهر اللهم وهذه ایام شهر
رمضان قد انقضت ولیالیه قد تصرمت وقد صرت یا الهی منه
الی ما انت اعلم به منی واحصی لعدده من الخلق اجمعین فاسألک
بما سألک به ملائکتک المقربون وانبیاؤک المرسلون وعبادک
الصالحون ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تفک رقبتی من
النار وتدخلنی الجنة برحمتک وان تتفضل علی بالامن یوم الخوف
من کل هول اعددته لیوم القیمة الهی واعوذ بوجهک الکریم

وبجلالک

وبجلالک العظیم ان ینقضی ایام شهر رمضان ولیالیه ولک قبلی
تبعة او ذنب تؤاخذنی به او خطیئة ترید ان تقتصها منی لم تغفرها
لی سیدی سیدی سیدی اسألک یا لا اله الا انت اذ لا اله
الا انت ان کنت رضیت عنی فی هذا الشهر فازدد عنی رضا وان لم تکن
رضیت عنی فمن الآن فارض عنی یا ارحم الراحمین یا الله یا احد یا
صمد یا من لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد و بسیار میگفت
یا ملین الحدید لداود علیه السلام یا کاشف الضر والکرب العظام
عن ایوب علیه السلام ای مفرج هم یعقوب علیه السلام ای
منفس غم یوسف علیه السلام صل علی محمد وآل محمد کما انت
اهله ان تصلی علیهم اجمعین وافعل بی ما انت اهله ولا تفعل
بی ما انا اهله و بسند معتبر از حضرت منقولست که در هر شب دهه
آخر این دعا را میخواند اعوذ بجلال وجهک الکریم ان ینقضی عنی شهر
رمضان او یطلع الفجر من لیلتی هذه ولک عندی تبعة او
ذنب تعذبنی به یوم القاک و بسندهای معتبر در هر شب از دهه آخر
دعای مخصوص از حضرت صادق علیه السلام وارد شده است
و در مطالب دنیا و آخرت مشتمل است دعای شب بیست و یکم یا مولج اللیل
فی النهار ومولج النهار فی اللیل ومخرج الحی من المیت ومخرج المیت
من الحی یا رازق من یشاء بغیر حساب یا الله یا رحمن یا الله یا رحیم
یا الله یا الله یا الله یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی و

الامثال العليا والكبرياء والآلاء اسألك ان تصلي على محمد وآل
محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء
واحساني في عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي
وايمانا يذهب الشك عني وترضيني بما قسمت لي وآتني في الدنيا حسنة
وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحريق وارزقني فيها ذكرك و
شكرك والرغبة اليك والانابة والتوبة والتوفيق لما وفقت له
محمدا وآل محمد عليه وعليهم السلام [illegible] يا سالخ
النهار من الليل فاذا نحن مظلمون ومجري الشمس لمستقرها بتقديرك
يا عزيز يا عليم ومقدر القمر منازل حتى عاد كالعرجون القديم يا نور
كل نور ويا منتهى كل رغبة وولي كل نعمة يا الله يا رحمن يا الله
قدوس يا احد يا واحد يا فرد يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى
والامثال العليا والكبرياء والآلاء اسألك ان تصلي على محمد
واهل بيته وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع
الشهداء واحساني في عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا
تباشر به قلبي وايمانا يذهب الشك عني وترضيني بما قسمت لي
وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحريق
وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك والانابة والتوبة
والتوفيق لما وفقت له محمدا وآل محمد عليه وعليهم السلام
[illegible] يا رب ليلة القدر وجاعلها خيرا من الف شهر

ورب الليل والنهار والجبال والبحار والظلم والانوار والارض
والسماء يا بارئ يا مصور يا حنان يا منان يا الله يا رحمن يا الله يا
قيوم يا الله يا بديع يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى و
الامثال العليا والكبرياء والآلاء اسألك ان تصلي على
محمد وآل محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء و
روحي مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي مغفورة وان تهب
لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب الشك عني وترضيني بما قسمت
لي وآتني في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحريق
وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك والانابة والتوبة و
التوفيق لما وفقت له محمدا وآل محمد صلواتك عليه وعليهم
[illegible] يا فالق الاصباح ويا جاعل الليل سكنا والشمس و
القمر حسبانا يا عزيز يا عليم يا ذا المن والطول والقوة والحول والفضل
والانعام يا ذا الجلال والاكرام يا الله يا رحمن يا الله يا فرد يا وتر
يا الله يا ظاهر يا باطن يا حي لا اله الا انت لك الاسماء الحسنى و
الامثال العليا والكبرياء والآلاء اسألك ان تصلي على محمد
وآل محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي
مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي
يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب الشك عني ورضا بما قسمت لي و
آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحريق و

وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك والانابة والتوبة والتوفيق
لما وفقت له محمدا وآل محمد صلواتك عليه وعليهم [illegible]
[illegible] يا جاعل الليل لباسا والنهار معاشا والارض مهادا
والجبال اوتادا يا الله يا قاهر يا الله يا جبار يا الله يا سميع يا الله يا قريب
يا الله يا مجيب يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال
العليا والكبرياء والآلاء اسالك ان تصلي على محمد وآل محمد
وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء و
احساني في عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي
وايمانا يذهب الشك عني وترضيني بما قسمت لي وآتنا في الدنيا حسنة
وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحريق وارزقني فيها ذكرك وشكرك
والرغبة اليك والانابة والتوبة والتوفيق لما وفقت له محمدا و
آل محمد عليه وعليهم السلام [illegible] يا خالق الليل و
النهار يا مبين يا من محى آية الليل وجعل آية النهار مبصرة لتبتغوا
فضلا منه ورضوانا يا مفصل كل شيء تفصيلا يا الله يا ماجد
يا وهاب يا الله يا جواد يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى و
الامثال العليا والكبرياء والآلاء اسالك ان تصلي على محمد
وآل محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي
مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي
يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب الشك عني وترضيني بما قسمت

لي وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحريق
وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك والانابة والتوبة
والتوفيق لما وفقت له محمدا وآل محمد عليه وعليهم السلام
[illegible] يا مادّ الظل ولو شئت جعلته ساكنا وجعلت
الشمس عليه دليلا ثم قبضته اليك قبضا يسيرا يا ذا الجود والطول
والكبرياء والآلاء لا اله الا انت عالم الغيب والشهادة الرحمن
الرحيم لا اله الا انت يا قدوس يا سلام يا مؤمن يا مهيمن يا عزيز يا جبار
يا متكبر يا الله يا خالق يا بارئ يا مصور يا الله يا الله يا الله لك الا
سماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والآلاء اسالك ان
تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل اسمي في هذه
الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي
مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب الشك عني
وترضيني بما قسمت لي وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب
النار الحريق وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك والانابة و
التوبة والتوفيق لما وفقت له محمدا وآل محمد صلى الله عليه وعليهم
[illegible] يا خازن الليل في الهواء وخازن النور في السماء ومانع
السماء ان تقع على الارض الا باذنه وحابسهما ان تزولا يا عليم يا عظيم
يا غفور يا دائم يا الله يا وارث يا باعث من في القبور يا الله يا الله يا الله
لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والآلاء اسالك

ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تجعل اسمی فی هذه اللیلة
فی السعداء و روحی مع الشهداء و احسانی فی علیین و اسائتی مغفورة
و ان تهب لی یقینا تباشر به قلبی و ایمانا یذهب الشک عنی و ترضینی
بما قسمت لی و آتنا فی الدنیا حسنة و فی الآخرة حسنة و قنا عذاب
النار الحریق و ارزقنی فیها ذکرک و شکرک و الرغبة الیک و الانابة
و التوبة و التوفیق لما وفقت له محمدا و آل محمد صلی الله علیه
و علیهم السلام و شب سیزدهم یا مکور اللیل علی النهار و مکور
النهار علی اللیل یا علیم یا حکیم یا رب الارباب و سید السادات لا
اله الا انت یا من هو اقرب الی من حبل الورید یا الله یا الله یا الله
لک الاسماء الحسنی و الامثال العلیا و الکبریاء و الآلاء اسئلک
ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی
السعداء و روحی مع الشهداء و احسانی فی علیین و اسائتی مغفورة
و ان تهب لی یقینا تباشر به قلبی و ایمانا یذهب الشک عنی و ترضینی
بما قسمت لی و آتنا فی الدنیا حسنة و فی الآخرة حسنة و قنا عذاب
النار الحریق و ارزقنی فیها ذکرک و شکرک و الرغبة الیک و الانابة
و التوبة و التوفیق لما وفقت له محمدا و آل محمد صلی الله علیه
و علیهم و شب چهاردهم الحمد لله لا شریک له الحمد لله کما ینبغی لکرم
وجهه و عز جلاله و کما هو اهله یا قدوس یا نور یا نور القدس یا سبوح
یا منتهی التسبیح یا رحمن یا فاعل الرحمة یا الله یا علیم یا کبیر یا الله یا

لطیف یا جلیل یا الله یا الله یا سمیع یا بصیر یا الله یا الله یا الله لک الا
سماء الحسنی و الامثال العلیا و الکبریاء و الآلاء اسئلک ان
تصلی علی محمد و آل محمد و ان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی
السعداء و روحی مع الشهداء و احسانی فی علیین و اسائتی مغفورة
و ان تهب لی یقینا تباشر به قلبی و ایمانا یذهب الشک عنی و ترضینی
بما قسمت لی و آتنا فی الدنیا حسنة و فی الآخرة حسنة و قنا عذاب
النار الحریق و ارزقنی فیها ذکرک و شکرک و الرغبة الیک و الانابة
و التوبة و التوفیق لما وفقت له محمدا و آل محمد صلی الله علیه
و علیهم اجمعین فصل ششم در بیان نمازهای شبها و دعاهای
روزها است که مشهور است و علما در کتب دعا ذکر کرده اند و نزد بعضی
معتبر نیست نماز شب اول چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد
پانزده مرتبه توحید دوم چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد
بیست مرتبه انا انزلناه سیم دو رکعت در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه
توحید چهارم هشت رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه
انا انزلناه پنجم دو رکعت در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه توحید
و بعد از سلام صد مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد ششم
چهار رکعت در هر رکعت حمد و سوره تبارک الذی بیده الملک
هفتم چهار رکعت در هر رکعت حمد و سیزده مرتبه انا انزلناه هشتم
دو رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید و بعد از سلام هزار

مرتبه سبحان الله شب [illegible] شش رکعت میان نماز شام و خفتن در هر رکعت
حمد و هفت مرتبه آیة الکرسی و بعد از تمام چهار مرتبه اللهم صل علی
محمد و آل محمد شب [illegible] بیست رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه توحید
شب [illegible] دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه انا اعطیناک الکوثر
شب [illegible] هشت رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه انا انزلناه شب [illegible]
چهار رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید شب [illegible]
شش رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه اذا زلزلت شب [illegible] چهار رکعت
در دو رکعت اول بعد از حمد صد مرتبه توحید و در دو رکعت دیگر
پنجاه مرتبه توحید شب [illegible] دوازده رکعت در هر رکعت حمد و ده
ده مرتبه الهاکم التکاثر شب [illegible] دو رکعت در رکعت اول حمد و هر
سوره که خواهد و در رکعت دوم حمد و صد مرتبه توحید و بعد
از سلام صد مرتبه لا اله الا الله شب [illegible] چهار رکعت در هر رکعت
حمد و بیست و پنج مرتبه انا اعطیناک الکوثر شب [illegible] چهار رکعت با
پنجاه مرتبه اذا زلزلت و گویا مراد آن باشد که در هر رکعت یک مرتبه خواند
زیرا که مشکل است در یک شب دویست مرتبه اذا زلزلت خواندن
شب [illegible] در هر رکعت
هشت رکعت هر سوره که میسر شود شب [illegible] هشت رکعت در
هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید شب [illegible] هشت رکعت در هر رکعت
حمد و صد مرتبه توحید شب [illegible] چهار رکعت در هر رکعت حمد و

تبارک الذی بیده الملک و اگر نتواند بیست و پنج مرتبه توحید شب [illegible]
شش رکعت در هر رکعت حمد و صد مرتبه آیة الکرسی و صد
مرتبه توحید و صد مرتبه کوثر و بعد از نماز صد مرتبه صلوات بر
محمد و آل محمد شب [illegible] دو رکعت در هر رکعت حمد و [illegible]
مرتبه توحید شب [illegible] دوازده رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه
توحید و بعد از فارغ شدن صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد
و این نمازهای شبها که مذکور شد هر دو رکعت به یک سلام است دعا
دعاهای روزها از ابن عباس روایت کرده اند که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله فضیلت بسیار از برای روزهای ماه مبارک رمضان
بیان فرموده و از برای هر روز دعای مخصوص با فضیلت و ثواب بسیار
روایت [illegible] ذکر [illegible] اکتفا [illegible] دعای روز اول اللهم
اجعل صیامی فیه صیام الصائمین و قیامی فیه قیام القائمین و نبهنی
فیه عن نومة الغافلین و هب لی جرمی فیه یا اله العالمین و اعف
عنی یا عافیا عن المجرمین روز دوم اللهم قربنی فیه الی مرضاتک و
جنبنی فیه من سخطک و نقماتک و وفقنی فیه لقراءة آیاتک برحمتک
یا ارحم الراحمین روز سوم اللهم ارزقنی فیه الذهن و التنبیه و باعدنی
فیه من السفاهة و التمویه و اجعل لی نصیبا من کل خیر تنزل فیه
بجودک یا اجود الاجودین روز چهارم اللهم قونی فیه علی اقامة
امرک و اذقنی فیه حلاوة ذکرک و اوزعنی فیه لاداء شکرک بکرمک

واحفظني فيه بحفظك وسترك يا أبصر الناظرين روز پنجم اللهم
اجعلني فيه من المستغفرين واجعلني فيه من عبادك الصالحين القانتين
واجعلني فيه من أوليائك المقربين برأفتك يا أرحم الراحمين روز ششم
اللهم لا تخذلني فيه لتعرض معصيتك ولا تضربني بسياط نقمتك
وزحزحني فيه من موجبات سخطك بمنك وأياديك يا منتهى رغبة
الراغبين روز هفتم اللهم أعني فيه على صيامه وقيامه وجنبني فيه
من هفواته وآثامه وارزقني فيه ذكرك بدوامه بتوفيقك يا هادي المضلين
روز هشتم اللهم ارزقني فيه رحمة الأيتام وإطعام الطعام وإفشاء
السلام وصحبة الكرام بطولك يا ملجأ الآملين روز نهم اللهم
اجعل لي فيه نصيبا من رحمتك الواسعة واهدني فيه لبراهينك
الساطعة وخذ بناصيتي إلى مرضاتك الجامعة بمحبتك يا أمل المشتاقين
روز دهم اللهم اجعلني فيه من المتوكلين عليك واجعلني فيه من
الفائزين لديك واجعلني فيه من المقربين إليك بإحسانك يا غاية
الطالبين روز یازدهم اللهم حبب إلي فيه الإحسان وكره إلي فيه الفسوق
والعصيان وحرم علي فيه السخط والنيران بعونك يا غياث المستغيثين
روز دوازدهم اللهم زيني فيه بالستر والعفاف واسترني فيه بلباس القنوع
والكفاف واحملني فيه على العدل والإنصاف وآمني
فيه من كل ما أخاف بعصمتك يا عصمة الخائفين روز سیزدهم اللهم
طهرني فيه من الدنس والأقذار وصبرني فيه على كائنات الأقدار

ووفقني فيه للتقى وصحبة الأبرار بعونك يا قرة عين المساكين روز
چهاردهم اللهم لا تؤاخذني فيه بالعثرات وأقلني فيه من الخطايا
والهفوات ولا تجعلني فيه غرضا للبلايا والآفات بعزتك يا عز
المسلمين روز پانزدهم اللهم ارزقني فيه طاعة الخاشعين واشرح
فيه صدري بإنابة المخبتين بأمانك يا أمان الخائفين روز شانزدهم
اللهم وفقني فيه لموافقة الأبرار وجنبني فيه مرافقة الأشرار و
آوني فيه برحمتك إلى دار القرار بإلهيتك يا إله العالمين روز هفدهم
اللهم اهدني فيه لصالح الأعمال واقض لي فيه الحوائج والآمال
يا من لا يحتاج إلى التفسير والسؤال يا عالما بما في صدور العالمين
صل على محمد وآله الطاهرين روز هجدهم اللهم نبهني فيه لبركات
أسحاره ونور فيه قلبي بضياء أنواره وخذ بكل أعضائي إلى اتباع آثاره
بنورك يا منور قلوب العارفين روز نوزدهم اللهم وفر فيه حظي من
بركاته وسهل سبيلي إلى خيراته ولا تحرمني قبول حسناته يا هاديا إلى
الحق المبين روز بیستم اللهم افتح لي فيه أبواب الجنان وأغلق عني
فيه أبواب النيران ووفقني فيه لتلاوة القرآن يا منزل السكينة في
قلوب المؤمنين روز بیست و یکم اللهم اجعل لي فيه إلى مرضاتك دليلا
ولا تجعل للشيطان فيه علي سبيلا واجعل الجنة لي منزلا ومقيلا
يا قاضي حوائج الطالبين روز بیست و دوم اللهم افتح لي فيه أبواب
فضلك وأنزل علي فيه بركاتك ووفقني فيه لموجبات مرضاتك

وأسكنّي فيه بحبوحات جنانك يا مجيب دعوة المضطرين [illegible]
اللهم غسّلني فيه من الذنوب وطهّرني فيه من العيوب وامتحن قلبي
فيه بتقوى القلوب يا مقيل عثرات المذنبين [illegible] اللهم
إني أسألك فيه ما يرضيك وأعوذ بك مما يؤذيك وأسألك التوفيق
فيه لأن أطيعك ولا أعصيك يا جواد السائلين [illegible] اللهم
اجعلني فيه محبا لأوليائك ومعاديا لأعدائك مستنا بسنة خاتم
أنبيائك يا عاصم قلوب النبيين [illegible] اللهم اجعل سعيي
فيه مشكورا وذنبي فيه مغفورا وعملي فيه مقبولا وعيبي فيه مستورا
يا أسمع السامعين [illegible] اللهم ارزقني فيه فضل ليلة
القدر وصيّر أموري فيه من العسر إلى اليسر واقبل معاذيري و
حطّ عني الذنب والوزر يا رؤوفا بعباده الصالحين [illegible]
اللهم وفّر حظي فيه من النوافل وأكرمني فيه بإحضار المسائل
وقرّب فيه وسيلتي إليك من بين الوسائل يا من لا يشغله إلحاح
الملحّين [illegible] اللهم غشّني فيه بالرحمة وارزقني فيه التوفيق
والعصمة وطهّر قلبي من غياهب التهمة يا رحيما بعباده المؤمنين
[illegible] اللهم اجعل صيامي فيه بالشكر والقبول على ما ترضاه
ويرضاه الرسول محكمة فروعه بالأصول بحق سيدنا محمد و
آله الطاهرين والحمد لله رب العالمين [illegible] ...
دعاها و عبارات هر يك در كتب دعوات مختلف ذكر كرده اند چون

روايتي از معتبر نبود از معرض ذكر افتاد و دعاي روز بيست و هفتم
را كفعمي در روز بيست و هفتم ذكر كرده است و موافق مذهب شيعه در روز
بيست و نهم خواندن دور نيست كه انسب باشد والله يعلم [illegible]
در اعمال ليالي و ايام متبركه ماه شوال و ماه ذي القعده است از جمله ليالي متبركه
ماه شوال روز عيد فطر است و شبش از جمله ليالي شريفه است و [illegible]
و ثواب عبادت و احياء آن شب بسيار است و از حضرت رسول صلى الله
عليه و آله منقول است كه هر كه احيا كند شب عيد را نميرد دل او در روزي
كه دلها از زمين بميرد و از حضرت امام محمد باقر عليه السلام روايت است كه گفت
پدرم علي بن الحسين شب عيد را احيا ميكرد بنماز تا صبح و تمام آن شب
در مسجد بماند و ميگفت اي فرزند اين شب كم از شب قدر نيست و غسل
در اين شب سنت است و شيخ طوسي [illegible] از حضرت صادق عليه السلام
روايت كرده كه هم سنت است [illegible] نازل ميشود بر كسي كه روزه داشته
[illegible] حضرت فرمود كه اگر [illegible]
بعد از فارغ شدن از كار در آن شب عيد است راوي گفت چه كار را
[illegible] كه در آن شب بكند فرمود كه چون آفتاب غروب كند غسل كن
و چون فريضه مغرب و نافله از آنجا [illegible] دستها را بسوي آسمان بلند
كن و بگو يا ذا المن والطول يا ذا الجود يا مصطفي محمد و ناصره صل
على محمد و آل محمد واغفر لي كل ذنب احصيته وهو عندك في
كتاب مبين پس بسجود برو و صد مرتبه در سجده بگو اتوب الى الله

برهر حاجت که داری از حق تعالی طلب کن که ان شاء الله برآورده شود و
نیز منقول است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در شب عید
فطر ده رکعت نماز میکردند در رکعت اول بعد از حمد هزار مرتبه
قل هو الله احد و در رکعت دوم یکمرتبه میخواندند بعد برکوع و سجود میرفتند
و بعد از سلام بسجده میرفتند و صد مرتبه میگفتند اتوب الی الله پس میگفتند
یا ذا المن والجود یا ذا المن یا ذا الطول یا مصطفی محمد صلی الله علیه و
آله صلّ علی محمد و آله پس حاجات خود را از خدا طلبید پس میگفتند
از جد بزرگوار خود شنیدم که هر که این نماز را بگذارد و حاجت طلبد
او مسئلت کند هر حاجت که از حق تعالی طلب کند البته او را
عطا کند و اگر بعد درین کار گناه کرده باشد حق تعالی بیامرزد
از امام منقول است که این دعا بخواند یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا الله یا ملک
یا الله یا قدوس یا الله یا سلام یا الله یا مؤمن یا الله یا مهیمن یا الله یا عزیز
یا الله یا جبار یا الله یا متکبر یا الله یا خالق یا الله یا بارئ یا الله یا مصور
یا الله یا عالم یا الله یا عظیم یا الله یا علیم یا الله یا کریم یا الله یا حلیم
یا الله یا حکیم یا الله یا سمیع یا الله یا بصیر یا الله یا قریب یا الله یا مجیب
یا الله یا جواد یا الله یا واسع یا الله یا ولی یا الله یا وفی یا الله یا مولی
یا الله یا قاضی یا الله یا سریع یا الله یا شدید یا الله یا رؤف یا الله یا رقیب
یا الله یا مجید یا الله یا جواد یا الله یا ماجد یا الله یا حق یا الله یا شهید
یا الله یا محیط یا الله یا سریع الطالب یا الله یا اول یا الله یا آخر

یا الله یا ظاهر یا الله یا باطن یا الله یا فاخر یا الله یا قاهر یا الله یا رب یا الله
یا رب یا الله یا رب یا الله یا رب یا الله یا رب یا الله یا ودود یا الله یا نور
یا الله یا رافع یا الله یا مانع یا الله یا فاتح یا الله یا نفاع یا الله یا جلیل
یا الله یا جمیل یا الله یا شهید یا الله یا شاهد یا الله یا حبیب یا الله
یا فاطر یا الله یا مطهر یا الله یا مالک یا الله یا مقتدر یا الله یا قابض
یا الله یا باسط یا الله یا محیی یا الله یا ممیت یا الله یا مجیب یا الله یا باعث
یا الله یا مفضل یا الله یا منعم یا الله یا حق یا الله یا مبین
یا الله یا طیب یا الله یا محسن یا الله یا مبدی یا الله یا معید یا الله
یا بارئ یا الله یا بدیع یا الله یا هادی یا الله یا کافی یا الله یا شافی یا الله
یا علی یا الله یا حنان یا الله یا منان یا الله یا ذا الطول یا الله یا متعالی
یا الله یا عدل یا الله یا ذا المعارج یا الله یا صادق یا الله یا دیان یا الله
یا باقی یا الله یا ذا الجلال یا الله یا ذا الاکرام یا الله یا محمود یا الله یا
معبود یا الله یا صانع یا الله یا معین یا الله یا مکوّن یا الله یا فعال
یا الله یا لطیف یا الله یا جلیل یا الله یا غفور یا الله یا شکور یا الله یا نور
یا الله یا قدیم یا الله یا قدیر یا الله یا رباه یا الله یا رباه یا الله یا رباه یا
الله یا رباه یا الله یا رباه یا الله یا رباه یا الله یا رباه یا الله اسئلک
ان تصلی علی محمد و آل محمد و تمن علی برضاک و تعفو عنی بحلمک و
توسع علیّ من رزقک الحلال الطیب من حیث احتسب و من حیث لا احتسب
فانی عبدک لیس لی احد سواک و لا احد اسئله غیرک یا ارحم الراحمین

ما شاء الله لا قوة الا بالله العلي العظيم پس بگوید هر چند میتوانی
يا الله يا الله يا الله يا ربّ يا الله يا ربّ يا الله يا ربّ يا الله يا منزل البركة
بك نزل كلّ شيء اسئلك بكلّ اسم في مخزون الغيب عندك و الا
سماء المشهورات عندك المكتوبة على سرادق عرشك ان تصلّي على
محمد وآل محمد وان تقبل منّي شهر رمضان وتكتبني من الوافدين الى
بيتك الحرام وتصفح لي عن الذنوب العظام وتستخرج يا ربّ كنوزك يا
رحمن و در روایت دیگر بجای هزار مرتبه قل هو الله احد ده مرتبه
وارد شده است و ایضا سنت مؤکد است که بعد از نماز شام و خفتن
و صبح شب عید و نماز عید این تکبیر را بخواند الله اکبر الله اکبر لا
اله الا الله و الله اکبر الله اکبر و لله الحمد الله اکبر علی ما هدانا
وامّا اعمال روز عید پس زکوة فطره واجب مؤکد است و ترکش بالاتفاق
با شرایط موجب گناه کبیره است و شرط قبول روزه ماه مبارک است چنانچه
از حضرت صادق علیه السلام منقول است که از تمامی روزه دادن زکوة
یعنی فطره چنانچه صلوات بر محمد و آل محمد از تمامی نماز است زیرا که
هر که روزه بدارد و زکوة فطره ندهد روزه او مقبول نیست هرگاه عمداً
ترک کند و اگر صلوات بر محمد و آل محمد را ترک کند در تشهد نمازش
مقبول نیست و مقدم داشتن زکوة را پیش از نماز ذکر کرده است در آنجا که فرموده
است قد افلح من تزکی و ذکر اسم ربه فصلی یعنی بتحقیق که رستگاری
یافت هر که زکوة فطره داد و پروردگار خود را یاد کرد بآن تکبیرات که مکرر

شد پس نماز عید را بجا آورد و چنانچه زکوة مال باعث پاکی مال میشود
یعنی مال او از تلف محفوظ میماند چنانچه منقول است که هیچ مال در دریا و صحرا
تلف نمیشود مگر بنداشتن زکوة و همچنین فطره زکوة بدن است و بدن آدمی را
میگرداند از جمیع آفات و حفظ میکند و او را تا سال دیگر از بلاها حفظ
میکند چنانچه در حدیث معتبر منقول است که حضرت صادق علیه السلام
بمعتب که وکیل خرج خود بود گفت برو فطره جمیع عیال ما را از غلامان و کنیزان
ما را بده و یکی از ایشان را فراموش مکن که زکوة او را ندهی زیرا اگر یکی را از
آن فطره ندهی میترسم که در عرض سال بمیرد وبدانکه زکوة فطره بر مالک بالغ عاقل و
غنی واجب نمیشود و اگر نابالغ و دیوانه عیال دیگری باشد بر او
واجب است که فطره ایشان را بدهند و زکوة بندگان را آقایشان میدهند بنابر
مشهور مگر آنکه در آن شب عیال دیگری باشد و اشهر و اقوی آنست
که در وجوب فطره توانگری شرط است و آن موافق مشهور آنست که قوت
سال بالفعل یا بالقوه خود و عیال خود را داشته باشد یا آنکه در کسبی باشد که وفا
نماید بقوت او و عیال او کند و بعضی گفته اند که اگر در شب عید زیاده
از قوت خود و عیال خود بقدر فطره داشته باشد بر او واجب است
و اظهر آنست که بر او سنت است و اگر فقیر یک صاع عیال خود را دست بدست
بگردانند و بعد از آن بفقیر دیگر بدهند همه ثواب فطره را می یابند و
باید که حق اخراج فطره کند از خود و از هر کس که واجب النفقه او باشد
بشرط آنکه عیال دیگری نباشد در شب فطر که اگر عیال دیگری

شده باشد که او واجب است و همچنین باید بدهد از هر کسی که در شب عید نان خور او
باشد از مهمان غیر آن که این معنی در ماه رمضان پیش از شام که افطار
باشد و افطار کند و اگر بعد از شام داخل شود و افطار کند یا آنکه نزد او
نیست بر صاحب خانه و اگر پیش از شام داخل خانه شود و افطار نکند
از مال او احوط آنست که هر یک بدهد یا یکی از ایشان باذن دیگری
مستحق بدهد که فریضه الله و اگر شخصی عیال او نباشد اما نفقه و کسوه
او را بدهد و نان خوار دیگری باشد زکوه او بر صاحبش نیست و همچنین
اگر شب عید پیش از جهة غصب یا جهة اخرا در خانه باشد با قهر او همچنین
بدهد یا شخصی که در ماه رمضان مهمان باشد و در شب عید نزد یا
دیگر افطار کند یا بعد از شام عید افطار کرده نخواند او را بیابد چیزی
نخورده باشد و بعد از شام بیاید زکوه بر او واجب نیست و احوط آنست
که در این صورت ها هر دو بدهند بلکه مطلق مهمان اگر غنی باشد خود
نیز بدهد بهتر است و وقت بیرون کردن فطره موافق مشهور شام شب
عید است تا ظهر روز عید و بعضی گفته اند که تا شام روز عید و
احوط آنست که در شب جدا نکند و پیش از نماز عید بدهد و اگر در
صبح جدا کند نیز خوب است و اگر پیش از نماز جدا کند و بعد از نماز دو
از روز یا روز دیگر به جهة حاضر نبودن مستحق یا علتی دیگر تاخیر کند قصد
ندارد و اگر جدا نکند تا ظهر احوط آنست که بی نیت قصد ادا و قضا
نکند و اگر از روز عید بگذرد بقصد قربت بدهد و قصد قضا نکند

قضا نکند یا آنکه قصد کند که این واجب را بدهد اگر قضای فطره من واجب است
قضا باشد والا قصد ادا باشد و پدر و مادر و جد و جده و فرزندان و
فرزند زادگان هر گاه فقیر باشند نفقه ایشان بر او واجب است پس اگر
نفقه خود را بخورند فطره بر اوست و اگر عیال شخص دیگر باشند بر
آن شخص دیگر است و اگر عیال دیگری نیز نباشند اظهر و احوط آنست
که جو یا گندم یا خرما یا مویز یا کشک بدهد بهتر است که خرما بدهد
و بعد از آن مویز است و بعد از هر جنسی قوت غالب او باشد چنانچه
مردم شهر ها که غالب قوت ایشان نان گندم است بهتر است که گندم
بدهند و مردم دهات که غالبا نان جو میخورند جو بدهند و در هر باب
که از این صاع خرما بدهد که فطره درست ترهست یا از آنکه یک صاع
بدهد و امثال آن فطره هر شخصی یک صاع باید که داد و صاع موافق حساب
مشهور یکمن تبریز و چهار ده مثقال و ربع مثقال است و احوط آنست که
یکمن و نیم تبریز بدهند و فقها احتیاط آنست که یکمن شاه بدهند و باید
بکسی بدهند که قوت سال خود و عیال خود را نداشته باشد و
سائل بکف نباشد و احوط آنست که ظاهر الفسق نباشد و طالع
باشد و احوط آنست که در زمان غیبت امام علیه السلام بمجتهد جامع
الشرائط عادل بدهد که او به مستحقان رساند چون ضعفا و فقرا او بهتر یابد
و بعضی از علما این را واجب دانسته اند و احوط آنست که فقیر را یک
صاع کمتر ندهند و بیشتر چند که خواهد بدهد و فطره را باید که با قصد

بپوشان و او بخورانيان غير واجب النفقه دادن بهتر است و بعد از آن
بعينه ايشان پيشان بعد از آن بکسانی که فاضل و صالح و پرهيزکار
نباشند و فطره غير سيد را بسيد نتوان داد و فطره سيد را بسيد و
غير سيد هر دو میتوان داد و سنت است که در روز عيد پيش از نماز عيد
در اول روز افطار کنند و سنت است که به خرما افطار کنند و غسل روز عيد
سنت مؤکد است و بعضی واجب دانسته‌اند و از حضرت صادق عليه
السلام منقول است که غسل را در زير سقفی بکن و در وقت غسل بگو پيش
از غسل بگو اللهم ايمانا بك وتصديقا بكتابك واتباع سنة نبيك
صلى الله عليه وآله پس بسم الله بگو و غسل بکن و چون از غسل فارغ شوی
بگو اللهم اجعله كفارة لذنوبي وطهر ديني اللهم اذهب عني الدنس
و زيارت حضرت امام حسين عليه السلام سنت مؤکد است در روز عيد
و ثواب بسيار از آن وارد شده است و نماز عيد در زمان حضور امام عليه
السلام واجب است و در زمان غيبت امام عليه السلام اکثر علما سنت
و جماعت را در آن شرط ندانسته‌اند و میگويند تنها نيز میتوان کرد و بعضی
فقها واجب است که بجماعت بکنند و نماز جمعه اگر عادل حاضر شود و اگر
نتوانند حاضر شدن تنها کردن سنت است و نماز عيد دو رکعت است
و در رکعت اول بعد از قرائت پنج تکبير میگويد و بعد از هر تکبيری يک
قنوت میخوانند و در رکعت دوم بعد از قرائت چهار تکبير و بعد از هر تکبيری قنوت
میخوانند و قنوت مخصوصی ندارد که اگر کسی از اذکار بخواند در قنوت نماز عيد

هر کس بخواند و هرگاه بجماعت کنند پيش نماز دو خطبه بعد از نماز
بخواند و قنوت مخصوص نماز عيد اين است اللهم اهل الكبرياء والعظمة
واهل الجود والجبروت واهل العفو والرحمة واهل التقوى والمغفرة
اسئلك بحق هذا اليوم الذي جعلته للمسلمين عيدا ولمحمد صلى الله
عليه وآله ذخرا وشرفا وكرامة ومزيدا ان تصلي على محمد وآل
محمد وان تدخلني في كل خير ادخلت فيه محمدا وآل محمد وان
تخرجني من كل سوء اخرجت منه محمدا وآل محمد صلواتك
عليه وعليهم اللهم اني اسئلك خير ما سئلك به عبادك الصالحون
واعوذ بك مما استعاذ منه عبادك المخلصون و بعد از نماز عيد
دعاهای بسياری وارد شده است و بهترين دعاها دعای صحيفه کامله
است و بسند صحيح از حضرت امام محمد باقر عليه السلام منقول است که
در روز جمعه و عيد فطر و عيد قربان در هنگامی که مهيای رفتن
بسوی نماز جمعه و عيد فطر و عيد قربان میشوی اين دعا بخوان
اللهم من تهيأ في هذا اليوم او تعبأ او اعد واستعد لوفادة الى
مخلوق رجاء رفده ونوافله وفواضله وعطاياه فان اليك يا سيدي
تهيئتي وتعبئتي واعدادي واستعدادي رجاء رفدك وجوائزك
ونوافلك وفواضلك وعطاياك وقد غدوت الى عيد
من اعياد امة نبيك محمد صلواتك عليه وآله ولم افد اليك
اليوم بعمل صالح اثق به قدمته ولا توجهت بمخلوق امّلته ولكن

اليك فان ذنوبي قد عظمت ولا يأتي الى نفسي ما اعظم باعظم العفو الى
العظيم من ذنوبي فانه لا يغفر الذنوب العظام الا انت يا لا اله الا انت
يا ارحم الراحمين وقد صحبت معشر الخطيئة بصاحب الامر الى
متوليك كيف لي ان اصبح من ذنوبي وانا [illegible] الا [illegible] توكلت
فلا ادري [illegible] على رضاك ومن [illegible] الى [illegible] من
عذابك واغفر لنا [illegible] لا [illegible] الى [illegible]
[illegible] من عذابك وعطائك و[illegible]
عبادك الصالحين صحبت يا الله مؤمنا موقنا مخلصا على دين محمد
وسنته وعلى دين علي ومنهجه وعلى دين الاوصياء وسنتهم انتسب
بسرهم وعلانيتهم وارغب الى الله فيما رغب فيه اليه محمد وعلي
والاوصياء ولا حول ولا قوة الا بالله ولا عزة ولا منعة ولا سلطان
الا لله الواحد القهار العزيز الجبار توكلت على الله ومن يتوكل على
الله فهو حسبه ان الله بالغ امره اللهم اني [illegible] واطلب ما
عندك فيسر لي قضاء حوائجي فانك قلت في كتابك و
قولك الحق شهر رمضان الذي انزل فيه القرآن هدى للناس و
بينات من الهدى والفرقان فعظمت حرمة شهر رمضان بما انزلت
فيه من القرآن وخصصته وعظمته بتصييرك فيه ليلة القدر
فقلت ليلة القدر خير من الف شهر تنزل الملائكة والروح فيها
باذن ربهم من كل امر سلام هي حتى مطلع الفجر اللهم وهذه ايام

شهر رمضان قد انقضت ولياليه قد تصرمت وقد صرت منه
يا الهي الى ما انت اعلم به مني واحصى لعدده من عددي فاسألك
يا الهي بما سألك به عبادك الصالحون ان تصلي على محمد وآل
محمد واهل بيت محمد وان تتقبل مني ما تقربت به اليك وتتفضل
علي بتضعيف عملي وقبول تقربي وقرباتي واستجابة دعائي وهب لي
منك عتق رقبتي من النار ومن علي بالفوز بالجنة والامن يوم الخوف
من كل روع ومن كل هول اعددته ليوم القيامة اعوذ بحرمة وجهك
الكريم وبحرمة نبيك وحرمة الصالحين ان ينصرم هذا اليوم و
لك قبلي تبعة تريد ان تؤاخذني بها او ذنب تريد ان تقايسني به و
ذنبي وتقتضيني به او خطيئة تريد ان تقايسني بها وتقتضيها مني لم
تغفرها لي واسألك بحرمة وجهك الكريم الفعال لما يريد
الذي يقول للشيء كن فيكون لا اله الا هو اللهم اني اسألك بلا
اله الا انت ان كنت رضيت عني في هذا الشهر ان تزيدني فيما بقي من
عمري رضا وان كنت لم ترض عني في هذا الشهر فمن الان فارض
عني الساعة الساعة الساعة واجعلني في هذه الساعة وفي هذا
المجلس من عتقائك من النار وطلقائك من جهنم وسعداء خلقك
بمغفرتك ورحمتك يا ارحم الراحمين اللهم اني اسألك بحرمة وجهك
الكريم ان تجعل شهري هذا خير شهر رمضان عبدتك فيه
وصمته لك وتقربت به اليك منذ اسكنتني فيه اعظمه اجرا و

اتمام نعمة واتمام مغفرة وكمال رضوانك والقربة اليك يا مجيب وترضى
اللهم لا تجعله آخر شهر رمضان صمته لك وارزقني العود فيه
ثم العود فيه حتى ترضى وبعد الرضا حتى تخرجني من الدنيا سالما
وانت عني راض وانا لك مرضي اللهم اجعل فيما تقضي و
تقدر من الامر المحتوم الذي لا يرد ولا يبدل ان تكتبني من
حجاج بيتك الحرام في هذا العام وفي كل عام المبرور حجهم المشكور
سعيهم المغفور ذنوبهم المتقبل مناسكهم المعافين على اسفارهم
المقبلين على نسكهم المحفوظين في انفسهم واموالهم وذراريهم و
كل ما انعمت به عليهم اللهم اقلبني من مجلسي هذا في شهري
هذا في يومي هذا في ساعتي هذه مفلحا منجحا مستجابا لي مغفورا ذنبي
معافا من النار ومعتقا منها عتقا لا رق بعده ابدا ولا رهبة بعده
الا ربا اللهم اني اسئلك ان تجعل فيما شئت واردت وقضيت و
قدرت وحتمت وانفذت ان تطيل عمري وتنسئ في اجلي وان تقوي
ضعفي وان تغني فقري وان تجبر فاقتي وان ترحم مسكنتي وان تعز ذلي
وان ترفع ضعتي وان تغني عائلتي وان تؤنس وحشتي وان تكثر قلتي
وان تدر رزقي في عافية ويسر وخفض وان تكفيني ما اهمني من
امر دنياي وآخرتي ولا تكلني الى نفسي فاعجز عنها ولا الى الناس فيرفضوني
وان تعافيني في ديني وبدني وجسدي وروحي وولدي
واهلي واهل مودتي واخواني وجيراني من المؤمنين والمؤمنات

المسلمين

المسلمين والمسلمات الاحياء منهم والاموات وان تمن علي بالامن و
الايمان ما ابقيتني فانك وليي ومولاي وثقتي ورجائي ومعدن
مسئلتي وموضع شكواي ومنتهى رغبتي فلا تخيبني في رجائي يا سيدي
ولا تبطل طمعي ورجائي منك فقد توجهت اليك بمحمد وآل محمد وقدمتهم
اليك امامي وامام حاجتي وطلبتي وتضرعي ومسئلتي فاجعلني
بهم وجيها في الدنيا والآخرة ومن المقربين فانك مننت علي بمعرفتهم
فاختم لي بالسعادة والسلامة والامن والايمان والمغفرة والرضوان
والسعادة والحفظ يا الله انت لكل حاجة لنا فصل على محمد و
آل محمد وعافنا ولا تسلط علينا احدا من خلقك بما لا طاقة لنا به و
اكفنا كل امر من امر الدنيا والآخرة يا ذا الجلال والاكرام صل
على محمد وآل محمد وارحم محمدا وآل محمد وسلم على محمد و
آل محمد كافضل ما صليت وباركت وترحمت وتحننت على ابرهيم
وآل ابرهيم انك حميد مجيد واستحباب روزه داشتن شش روز بعد
از عید فطر بعضی از روایات وارد شده است وبعضی از آن نهی وارد شده
ظاهر اولی روزه داشتن وحمل بر تقیه کرده است چنانچه در میان سنیان
مشهور است وترک کند بهتر است ومشهور کراهت نکاح کردن در میان
عید فطر وعید قربان اصلی ندارد وشاید بعلتش این باشد که
در ماه شوال چون عقد عایشه در آن واقع شده است و آن مفاسد
اسلام بر آن مترتب شد واز بعضی روایات کراهت مستفاد میشود که

دیگر مخصوص شوال نمی‌کنیم که بسیار است [illegible]
اول ماههای حرام است که حق تعالی در قرآن یاد فرموده است و آنها
ذوالقعده و ذوالحجه و محرم و رجب است و در این ماهها ابتدا به جنگ
با کافران نباید کرد و شیخ مفید و غیر او از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله روایت کرده‌اند که هر که در یکی از ماههای حرام پنجشنبه
و جمعه و شنبه را متوالی روزه بدارد ثواب عبادت نهصد سال از برای
او نوشته شود و در روایتی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول
است که در شب پانزدهم ماه ذی القعده حق تعالی بسوی بندگان خود
نظر رحمت می‌کند و کسی که عبادت کند در این شب ثواب صد عابد
عطا کند که در یک چشم زدن معصیت نکرده باشند چون نصف
شب بگذرد شروع کن به طاعت و نماز و طلب حاجات خود از حق تعالی طلب
کن که هر حاجت که طلب کنی مستجاب می‌گردد و بعضی از علما گفته‌اند
که در روز بیست و سیوم ماه ذی القعده زیارت حضرت امام رضا علیه
السلام از نزدیک و دور سنت است و در روز بیست و پنجم ذی القعده
روز دحو الارض است یعنی پهن شدن زمین از زیر کعبه و روز بسیار
بسیار مبارکیست و کلینی از محمد بن عبد الله روایت کرده است
که حضرت امام رضا علیه السلام در شهر مرو در روز بیست و پنجم ذی
القعده بیرون آمدند و فرمودند که امروز را روزه بدارید که من روزه
ام گفتیم فدای تو شویم امروز چه روز است فرمود که امروز روزیست که

رحمت خدا در این روز منتشر گردیده است و زمین در این روز پهن شده است
و کعبه که در این روز نصب شده است و حضرت آدم علیه السلام
در این روز بر زمین فرود آمده است و ابن بابویه روایت کرده از حسن بن وشا
که گفت من با پدرم در خدمت حضرت امام رضا علیه السلام شام خوردیم
در شب بیست و پنجم ذی القعده پس فرمود که امشب ابراهیم علیه
السلام و عیسی علیه السلام متولد شده‌اند و زمین از زیر کعبه پهن
شده است پس هر که روزه این روز را بدارد چنان است که شصت ماه
روزه داشته است و در این روز حضرت قائم علیه السلام ظاهر خواهد
شد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که حق تعالی رحمت
خود را پهن کرد در این روز و ثواب روزه اش مثل روزه هفتاد
سال است و روایت است که رحمت از آسمان در این شب نازل شده است
و تعظیم کعبه برای آدم علیه السلام در این روز نازل شده است و هر که در
این روز روزه بدارد هر چه در میان آسمان و زمین است برای او استغفار کنند
و طالب ... از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت است که
اول رحمتی که از آسمان بسوی زمین نازل شد در بیست و پنجم ماه ذی القعده
بود هر که این روز را روزه بدارد و شب آن را به عبادت بایستد از برای او عبادت
صد سال نوشته شود که روزها را روزه داشته باشد و شبها عبادت
بسر برده باشد و هر جماعتی که در این روز جمع شوند برای ذکر پروردگار
خویش پیش از آنکه متفرق شوند حاجات ایشان برآورده شود و در این روز

هزار هزار درجه است از ثواب کسی که مشغول بوده باشد و در آن روز هرکه
از آنها مخصوص حکمی است که جمیع کرده اند و ذکر خدا اشتغال کرده و روزه
شرایط آن بدارد و شب را به عبادت کند و مستحب است روزه داشتن
که مستحب است که این روزه ... در وقت چاشت دو رکعت نماز بگذارد
در هر رکعت بعد از حمد پنج مرتبه والشمس بخواند و بعد از
سلام این دعا بخواند لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم یا مقیل
العثرات اقلنی عثرتی یا مجیب الدعوات اجب دعوتی یا سامع الاصوات
اسمع صوتی وارحمنی وتجاوز عن سیئاتی وما عندی یا ذا الجلال والاکرام
و شیخ طوسی گفته است که خواندن این دعا را مستحب است اللهم داحی
الکعبة وفالق الحبة وصارف اللزبة وکاشف کل کربة اسئلک
فی هذا الیوم من ایامک التی اعظمت حقها واقدمت سبقها وجعلتها
عند المؤمنین ودیعة والیک ذریعة وبرحمتک الوسیعة ان تصلی
علی محمد عبدک المنتجب فی المیثاق القریب یوم التلاق فاتق کل رتق
وداع الی کل حق وعلی اهل بیته الاطهار الهداة المنار دعائم الجبار
وولاة الجنة والنار واعطنا فی یومنا هذا من عطائک المخزون غیر
مقطوع ولا ممنوع تجمع لنا به التوبة وحسن الاوبة یا خیر مدعو واکرم
مرجو یا کفی یا وفی یا من لطفه خفی الطف لی بلطفک واسعدنی
بعفوک وایدنی بنصرک ولا تنسنی کریم ذکرک بولاة امرک وحفظة سرک
واحفظنی من شوائب الدهر الی یوم الحشر والنشر واشهدنی اولیائک عند

عند خروج نفسی وحلول رمسی وانقطاع عملی وانقضاء اجلی اللهم واذکرنی
علی طول البلی اذا حللت بین اطباق الثری ونسینی الناسون من الوری
واحللنی دار المقامة وبوئنی منزل الکرامة واجعلنی من مرافقی اولیائک
واهل اجتبائک واصطفائک وبارک لی فی لقائک وارزقنی حسن
العمل قبل حلول الاجل بریئا من الزلل وسوء الخطل اللهم واوردنی
حوض نبیک محمد صلی الله علیه وآله واسقنی منه مشربا رویا سائغا
هنیئا لا اظمأ بعده ولا احلأ ورده ولا عنه اذاد واجعله لی خیر
زاد واوفی میعاد یوم یقوم الاشهاد اللهم والعن جبابرة الاولین
والآخرین وبحقوق اولیائک المستأثرین اللهم واقصم دعائمهم و
اهلک اشیاعهم وعاملهم وعجل مهالکهم واسلبهم ممالکهم وضیق
علیهم مسالکهم والعن مساهمهم ومشارکهم اللهم وعجل
فرج اولیائک واردد علیهم مظالمهم واظهر بالحق قائمهم واجعله
لدینک منتصرا وبامرک فی اعدائک مؤتمرا اللهم احففه بملائکة
النصر وبما القیت الیه من الامر فی لیلة القدر منتقما لک حتی
ترضی ویعود دینک به وعلی یدیه جدیدا غضا ویمحض الحق محضا
ویرفض الباطل رفضا اللهم صل علیه وعلی جمیع آبائه واجعلنا
من صحبه واسرته وابعثنا فی کرته حتی نکون فی زمانه من اعوانه
اللهم ادرک بنا قیامه واشهدنا ایامه وصل علیه واردد الینا سلامه
والسلام علیه ورحمة الله وبرکاته [illegible] در بیان فضائل و

ماه مبارک ذی الحجه است و در آن نیز فضل است **فصل اول** در بیان
فضایل ماه ذی الحجه و دهه اول و اعمال آنست بدانکه دهه اول
فضیلت و برکت بسیار دارد و حق تعالی فرموده و اذکروا الله فی ایام معدودات
یعنی یاد کنید خدا را در روزی چند شمرده شده یعنی که و بار دیگر فرموده است
که و یذکروا اسم الله فی ایام معلومات علی ما رزقهم من بهیمة الانعام
یعنی اعلام کن مردم را که بیایند بحج تا آنکه بیابند منفعتهای دنیا و آخرت
و یاد کنند خدا را در روزی چند معلوم برای آنکه روزی کرده است
ایشان را از گوشت چهارپایان که گاو و شتر و گوسفند است و در
احادیث معتبر بسیار از ائمه منقولست که ایام معلومات دهه اول
ذی الحجه است و ایام معدودات روز عید و یازدهم و دوازدهم و سیزدهم
ماه ذی الحجه است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که عمل خیر و عبادت در هیچ ایامی نزد حق تعالی محبوبتر نیست از ده روز
اول ذی الحجه و چون این ماه داخل میشد [illegible]
[illegible] در عبادت [illegible] و بسند معتبر منقولست از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام که پدر بزرگوارم امام محمد باقر علیه السلام میفرمود
که [illegible] در هر شب دهه اول ذی الحجه در میان
نماز مغرب و عشا [illegible] دو رکعت در هر رکعت بعد از سوره
حمد و سوره قل هو الله احد این آیه بخوان و واعدنا موسی ثلاثین لیلة
و اتممناها بعشر فتم میقات ربه اربعین لیلة و قال موسی لاخیه

هرون اخلفنی فی قومی و اصلح و لا تتبع سبیل المفسدین چون چنین کنی با ثواب
[illegible] شریک ثواب حاجیان بوده [illegible] روزه روز اول ذی الحجه
روزه [illegible] و روایتی وارد شده است که حضرت ابراهیم خلیل
در آن روز متولد شده است و در این روز حق تعالی حضرت ابراهیم را خلیل
خود کرد [illegible] بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام
منقولست که هر که روز اول ذی الحجه را روزه بدارد حق تعالی برای او
ثواب هشتاد ماه روزه بنویسد و از حضرت امام موسی علیه السلام
منقولست که هر که نه روز از اول ذی الحجه را روزه بدارد حق تعالی
ثواب روزه تمام عمر را برای او بنویسد و شیخ طوسی گفته که از روز اول
ذی الحجه تا نهم روزه مستحبست و اگر نتواند روز اول را روزه بدارد
و در روز اول ذی الحجه حضرت رسول حضرت فاطمه را بحضرت امیر
المؤمنین علیه السلام تزویج نمود و بروایتی روز ششم تزویج نمود
بدانکه روزه قضای ماه مبارک رمضان را از اول ماه تا روز عرفه بجا
آوردن چنانچه علما گفته اند و احادیث صحیحه بران دلالت دارد و
بعضی از روایات [illegible] وارد شده است [illegible]
[illegible] چنانچه در کتب مبسوطه دلایل [illegible] ایراد نموده ام [illegible]
[illegible] مستحب است در روز اول نماز حضرت فاطمه علیها السلام
بجا آورد و روایت شده است که آن چهار رکعت است مثل نماز حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام و در هر رکعت بعد از حمد پنجاه مرتبه سوره

قل هو الله احد بخوانند و بعد از سلام تسبیح حضرت فاطمه را بخوانند
و تسبیح اینست سبحان ذی العز الشامخ المنیف سبحان ذی الجلال
الباذخ العظیم سبحان ذی الملک الفاخر القدیم سبحان من یری
اثر النمل فی الصفا سبحان من یری وقع الطیر فی الهواء سبحان
من هو هکذا و لا هکذا غیره مؤلف گوید که بعضی از علما افاده
کرده اند که شب نماز حضرت فاطمه علیها السلام دو رکعت است
و در رکعت اول بعد از حمد صد مرتبه انا انزلناه و در رکعت دوم
صد مرتبه قل هو الله و اگر میسر نشود بعمل اول بخوانند بعد از نماز آیة
بخوانند بهتر است و آنکه بعد از سلام اول تسبیح شهیر حضرت فاطمه
را بخوانند و بعد از آن بعد نماز را شاید بهتر باشد و در بعضی از روایات
وارد شده است که مستحب است در روز اول ماه پیش از زوال
دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد یک مرتبه سوره فتح
و یک مرتبه آیة الکرسی و یک مرتبه انا انزلناه بخواند و در روایت دیگر
وارد شده است که هرگاه بر تصدق کند و اول ذی الحجه بگوید
حسبی حسبی حسبی من سؤالی علمک بحالی حق تعالی کفایت امور
ظالم از او بکند و شیخ عسکری و سید بن طاوس بسندهای معتبر
روایت کرده اند که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در روز
اول ذی الحجه تا روز دهم هر روز بعد از نماز صبح و در وقت غروب
پیش از نماز شام این دعا بخوانند اللهم هذه الایام التی فضلتها

علی غیرها من الایام و شرفتها و قد بلغتنیها بمنک و رحمتک فانزل
علینا من برکاتک و اسبغ علینا فیها من نعمائک اللهم انی اسألک
ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تهدینا فیها لسبیل الهدی
و ترزقنا فیها التقوی و العفاف و الغنی و العمل فیها بما تحب و ترضی
اللهم انی اسألک یا موضع کل شکوی و یا سامع کل نجوی و یا شاهد
کل ملاء و یا عالم کل خفیة ان تصلی علی محمد و آل محمد و
ان تکشف عنا فیها البلاء و تستجیب لنا فیها الدعاء و تقوینا فیها
و تعیننا و توفقنا فیها لما تحب ربنا و ترضی و علی ما افترضت علینا
من طاعتک و طاعة رسولک و اهل ولایتک اللهم انی اسألک
یا ارحم الراحمین ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تهب لنا فیها
الرضا انک سمیع الدعاء و لا تحرمنا خیر ما انزلت فیها من السماء و
طهرنا من الذنوب یا علام الغیوب و اوجب لنا فیها دار الخلود
اللهم صل علی محمد و آل محمد و لا تترک لنا فیها ذنبا الا غفرته
و لا هما الا فرجته و لا دینا الا قضیته و لا غائبا الا ادیته و لا
حاجة من حوائج الدنیا و الآخرة الا سهلتها و یسرتها انک علی
کل شیء قدیر اللهم یا عالم الخفیات یا راحم العبرات یا مجیب
الدعوات یا رب الارضین و السموات یا من لا تتشابه علیه
الاصوات صل علی محمد و آل محمد و اجعلنا فیها من عتقائک
و طلقائک من النار و الفائزین بجنتک الناجین برحمتک یا ارحم الراحمین

وصلی الله علی محمد و آله اجمعین و سلم تسلیما و شیخ مفید و سید
بن طاوس بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت
کرده اند که جبرئیل از جانب خداوند جلیل برای حضرت عیسی علیه
السلام پنج دعا هدیه آورد و گفت یا عیسی این پنج دعا را در دهه اول
ماه ذی الحجه بخوان بدرستی که هیچ عبادتی نزد حقتعالی محبوبتر
از عبادت کردن در این دهه نیست اول اشهد ان لا اله الا الله وحده لا
شریک له له الملک وله الحمد بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر
دوم اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له احدا صمدا لم
یتخذ صاحبة ولا ولدا سیم اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک
له احدا صمدا لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد چهارم اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت
وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر پنجم حسبی
الله وکفی سمع الله لمن دعا لیس وراء الله منتهی اشهد لله بما دعا
وانه بریء ممن تبرء وان لله الآخرة والاولی پس حواریون گفتند یا روح
الله چه ثواب دارد کسی که این کلمات را بگوید حضرت عیسی گفت که هر که
دعای اول را صد مرتبه بخواند عمل هیچیک از اهل زمین بهتر از عمل
او نباشد که آن روز و دیگر روز قیامت حسنات او زیاده از همه کس [illegible]
و هر که صد مرتبه دعای دوم را بخواند چنان باشد که ده هزار مرتبه
توریه و انجیل را خوانده باشد و ثواب آنها را باو بدهند حضرت عیسی

گفت ای جبرئیل ثواب خواندن توریه و انجیل چیست گفت خالق بی
[illegible] بهر حرفی از توریه و انجیل [illegible] هر که در اسماعیل [illegible]
[illegible] آنکه [illegible] و اسرافیل [illegible]
[illegible] گفت لا حول ولا قوة الا بالله و هر که دعای سیم را صد مرتبه بخواند
حقتعالی ثواب [illegible] ده هزار هزار حسنه و محو کند از او
ده هزار هزار گناه و بلند کند از برای او [illegible] ده هزار هزار درجه [illegible]
[illegible] آسمان [illegible] باشد و صلوات
فرستد بر کسی که این کلمات را [illegible] خوانده است پس عیسی گفت ای جبرئیل
ایا ملائکه صلوات میفرستند بر پیغمبران جبرئیل گفت که هر که ایمان
آورد با آنچه پیغمبران از جانب خدا آورده اند و تصدیق [illegible] شریف [illegible]
حقتعالی ثواب پیغمبران باو عطا فرماید و هر که دعای چهارم را صد مرتبه
بخواند [illegible] استقبال نماید [illegible] حقتعالی [illegible]
نظر کند بسوی [illegible] نظر رحمت [illegible]
هرگز شقی و بدعاقبت نشود پس حضرت عیسی علیه السلام گفت ای جبرئیل
ثواب دعای پنجم چیست گفت این دعای منست و حقتعالی مرا رخصت
نداده است که ثواب آن بگویم [illegible] که هر روز ده مرتبه این دعاها
بخواند [illegible] که عمل باین روایت کرده باشد و اگر هر یک را صد
مرتبه بخواند بهتر خواهد بود و شیخ و ابن بابویه و سید بن طاوس از حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده اند که هر که در هر روز از دهه اول

روز الجهاد این عمل را روزه بدارد حق تعالی عطا کند او را در بهشت قصر
سفید در بهشت از مروارید و یاقوت و از میان هر قصری تا قصر دیگر
صد سال راه باشد به رفتار سواری که بتازد و در هر قصری شهری
بوده باشد و در آن شهر قصری باشد از یاقوت سرخ که در آن قصر
و در هر شهری از آن شهرها از انواع جواهر و فرشها و بالشها و فرشهای که
و تختها و حوریان و خادمان و متکاها و خدمتکاران و درختها و
ظرفها و نورها و ساقیها بوده باشد که وصف کنندگان قادر نیستند بر وصف آنها
و چون از قبر بیرون آید از هر موئی بدنش نوری ساطع باشد و سوار بر اسبی
نماید که بسوی او هفتاد هزار ملک از پیش رو و جانب چپ او باشند او را
روند تا او را به بهشت برسانند و چون داخل بهشت شود او را استقبال
نمایند [illegible] تا آنکه شهری به او دهند که بر آن از یاقوت
سرخ باشد و اندرونش از زبرجد سبز و در آن شهر بوده باشد هر نعمتی که
حق تعالی در بهشت خلق کرده است پس بیاید و بگوید ای دوست خدا
میدانی که این شهر چیست گوید نه [illegible]
بودی در هنگامی که [illegible] در دنیا و این شهر و آنچه در آن
هست از نعمتهای الهی ثواب تو است [illegible]
باد تو را بهتر از این ثوابها [illegible] رحمت الهی خواهی بود [illegible]
السلام که [illegible] و مکروهی [illegible] نعمتها [illegible]
هرگز از تو منقطع نمیگردد [illegible] لا اله الا الله عدد

الليالي والدهور لا اله الا الله عدد امواج البحور لا اله الا الله ورحمته
خير مما يجمعون لا اله الا الله عدد الشوك والشجر لا اله الا الله عدد
الشعر والوبر لا اله الا الله عدد الحجر والمدر لا اله الا الله عدد لمح
العيون لا اله الا الله في الليل اذا عسعس والصبح اذا تنفس لا اله الا الله
عدد الرياح في البراري والصخور لا اله الا الله من اليوم الى يوم ينفخ في
الصور [illegible]
[illegible] روز [illegible] روزه [illegible]
در ایام [illegible] و ابن بابویه از حضرت امام موسی کاظم
علیه السلام روایت کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
که حق تعالی [illegible] کرده است از روزها چهار روز را [illegible]
روز [illegible] از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده
است که [illegible] کفاره شصت سال است و شب [illegible] از لیالی
متبرکه است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که [illegible]
[illegible] و کسی که [illegible] عبادت [illegible] هفتاد
سال عبادت [illegible] مناجات با قاضی الحاجات است و هر که [illegible]
[illegible] و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که هر که [illegible] این دعا را بخواند حق تعالی [illegible]
[illegible] اللهم یا شاهد کل نجوی و موضع کل شکوی و عالم کل
خفية ومنتهى كل حاجة يا مبتدئا بالنعم على العباد يا كريم العفو

بالحسنى الحاوي ابتداؤه من لا يواري منه ليل داج ولا بحر عجاج ولا سماء
ذات أبراج ولا ظلم ذات ارتاج يا من الظلمة عنده ضياء أسألك اللهم بنور
وجهك الكريم الذي تجليت به للجبل فجعلته دكا وخر موسى صعقا
وباسمك الذي رفعت به السموات بلا عمد وسطحت به الأرض على
وجه ماء جمد وباسمك المكنون المخزون المكتوب الطاهر الذي إذا دعيت
به أجبت وإذا سئلت به أعطيت وباسمك السبوح القدوس البرهان
الذي هو نور على كل نور ونور من نور يضيء منه كل نور إذا بلغ الأرض
انشقت وإذا بلغ السموات فتحت وإذا بلغ العرش اهتز وباسمك الذي
ترتعد منه فرائص ملائكتك وأسألك بحق جبرئيل وميكائيل و
إسرافيل وبحق محمد المصطفى صلى الله عليه وآله وعلى جميع الأنبياء
وجميع الملائكة وبالاسم الذي مشى به الخضر على قلل الماء كما
مشى به على جدد الأرض وباسمك الذي فلقت به البحر لموسى وأغرقت
فرعون وقومه وأنجيت به موسى بن عمران ومن معه وباسمك الذي
دعاك به موسى بن عمران من جانب الطور الأيمن فاستجبت له وألقيت
عليه محبة منك وباسمك الذي أحيى به عيسى بن مريم الموتى و
تكلم في المهد صبيا وأبرأ الأكمه والأبرص بإذنك وباسمك
الذي دعاك به حملة عرشك وجبرئيل وميكائيل وإسرافيل وحبيبك
محمد صلى الله عليه وآله وملائكتك المقربون وأنبياؤك المرسلون و
عبادك الصالحون من أهل السموات والأرضين وباسمك الذي

دعاك به ذو النون إذ ذهب مغاضبا فظن أن لن نقدر عليه فنادى
في الظلمات أن لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الظالمين فاستجبت
له ونجيته من الغم وكذلك ننجي المؤمنين وباسمك العظيم
الذي دعاك به داود وخر لك ساجدا فغفرت له ذنبه وباسمك
الذي دعتك به آسية امرأة فرعون إذ قالت رب ابن لي عندك
بيتا في الجنة ونجني من فرعون وعمله ونجني من القوم الظالمين
فاستجبت لها دعاءها وباسمك الذي دعاك به أيوب إذ حل به
البلاء فعافيته وآتيته أهله ومثلهم معهم رحمة من عندك
وذكرى للعابدين وباسمك الذي دعاك به يعقوب فرددت
عليه بصره وقرة عينه يوسف وجمعت شمله وباسمك الذي
دعاك به سليمان فوهبت له ملكا لا ينبغي لأحد من بعده إنك
أنت الوهاب وباسمك الذي سخرت به البراق لمحمد صلى الله عليه
وآله وسلم إذ قال تعالى سبحان الذي أسرى بعبده ليلا من المسجد
الحرام إلى المسجد الأقصى وقوله سبحان الذي سخر لنا هذا وما كنا له
مقرنين وإنا إلى ربنا لمنقلبون وباسمك الذي تنزل به جبرئيل
على محمد صلى الله عليه وآله وباسمك الذي دعاك به آدم فغفرت
له ذنبه وأسكنته جنتك وأسألك بحق القرآن العظيم وبحق محمد
خاتم النبيين وبحق إبراهيم وبحق فصلك يوم القضاء وبحق الموازين
إذا نصبت والصحف إذا نشرت وبحق القلم وما جرى واللوح وما أحصى

وبحق الاسم الذي كتبته على سرادق العرش قبل خلقك الخلق و
الدنيا والشمس والقمر بالفي عام واشهد ان لا اله الا الله وحده
لا شريك له وان محمدا عبده ورسوله واسئلك باسمك المخزون
في خزائنك الذي استأثرت به في علم الغيب عندك لم يظهر على
احد من خلقك لا ملك مقرب ولا نبي مرسل ولا عبد مصطفى
واسئلك باسمك الذي شققت به البحار وقامت به الجبال و
اختلف به الليل والنهار وبحق السبع المثاني والقرآن العظيم و
بحق الكرام الكاتبين وبحق طه ويس وكهيعص وحمعسق
وبحق توراة موسى وانجيل عيسى وزبور داود وفرقان محمد صلى الله
عليه وآله وعلى جميع الرسل واهيا شراهيا اللهم اني اسئلك
بحق تلك المناجات التي كانت بينك وبين موسى بن عمران فوق جبل
طور سيناء واسئلك باسمك الذي علمته ملك الموت لقبض
الارواح واسئلك باسمك الذي كتب على ورق الزيتون فخضعت
النيران لتلك الورقة فقلت يا نار كوني بردا وسلاما واسئلك
باسمك الذي كتبته على سرادق المجد والكرامة يا من لا يحفيه
سائل ولا ينقصه نائل يا من به يستغاث واليه يلجأ اسئلك بمعاقد
العز من عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك وباسمك الاعظم وجدك
الاعلى وكلماتك التامات العلى اللهم رب الرياح وما ذرت والسماء
وما اظلت والارض وما اقلت والشياطين وما اضلت والبحار

وما جرت وبحق كل حق هو عليك حق وبحق الملائكة المقربين و
الروحانيين والكروبيين والمسبحين لك بالليل والنهار لا يفترون
وبحق ابراهيم خليلك وبحق كل ولي يناديك بين الصفا والمروة
وتستجيب له دعاءه يا مجيب اسئلك بهذه الاسماء وبهذه الدعوات
ان تغفر لنا ما قدمنا وما اخرنا وما اسررنا وما اعلنا وما ابدينا وما
اخفينا وما انت اعلم به منا انك على كل شيء قدير برحمتك يا ارحم
الراحمين يا حافظ كل غريب يا مونس كل وحيد يا قوة كل ضعيف
يا ناصر كل مظلوم يا رازق كل محروم يا مونس كل مستوحش يا صاحب
كل مسافر يا عماد كل حاضر يا غافر كل ذنب وخطيئة يا غياث
المستغيثين يا صريخ المستصرخين يا كاشف كرب المكروبين يا
فارج هم المهمومين يا بديع السموات والارضين يا منتهى غاية الطالبين
يا مجيب دعوة المضطرين يا ارحم الراحمين يا رب العالمين يا ديان يوم
الدين يا اجود الاجودين يا اكرم الاكرمين يا اسمع السامعين يا
ابصر الناظرين يا اقدر القادرين اغفر لي الذنوب التي تغير النعم
واغفر لي الذنوب التي تورث الندم واغفر لي الذنوب التي تورث السقم
واغفر لي الذنوب التي تهتك العصم واغفر لي الذنوب التي ترد الدعاء
واغفر لي الذنوب التي تحبس قطر السماء واغفر لي الذنوب التي تعجل الفناء واغفر
لي الذنوب التي تجلب الشقاء واغفر لي الذنوب التي تظلم الهواء واغفر لي الذنوب
التي تكشف الغطاء واغفر لي الذنوب التي لا يغفرها غيرك يا الله واحمل

عن كل تبعة لاحد من خلقك واجعل لي من امرك فرجا ومخرجا
وابدا وازل هيبتك في صدري وما القيت في قلبي حتى لا ارجو غيرك
اللهم احفظني وعافني في مقامي هذا واصحبني في ليلي ونهاري ومن
بين يدي ومن خلفي وعن يميني وعن شمالي ومن فوقي ومن تحتي ويسر
لي السبيل واحسن لي التيسير ولا تخذلني في العسير واهدني يا خير
دليل ولا تكلني الى نفسي في الامور ولقني كل سرور واقلبني الى
اهلي بالفلاح والنجاح محبورا في العاجل والآجل انك على كل شيء
قدير وارزقني من فضلك واوسع علي من طيبات رزقك واستعملني
في طاعتك واجرني من عذابك ونارك واقلبني اذا توفيتني الى جنتك
برحمتك اللهم اني اعوذ بك من زوال نعمتك ومن تحويل عافيتك
ومن حلول نقمتك ومن نزول عذابك واعوذ بك من جهد البلاء
ودرك الشقاء ومن سوء القضاء وشماتة الاعداء ومن شر ما
ينزل من السماء ومن شر ما في الكتاب المنزل اللهم لا تجعلني من
الاشرار ولا من اصحاب النار ولا تحرمني صحبة الاخيار واحيني حياة
طيبة وتوفني وفاة طيبة تلحقني بالابرار وارزقني مرافقة الا
نبياء في مقعد صدق عند مليك مقتدر اللهم لك الحمد على
حسن بلائك وصنعك ولك الحمد على الاسلام واتباع السنة يا رب
كما هديتهم لدينك وعلمتهم كتابك فاهدنا وعلمنا ولك الحمد على
حسن بلائك وصنعك عندي خاصة كما خلقتني فاحسنت خلقي

وعلمتني فاحسنت تعليمي وهديتني فاحسنت هدايتي فلك الحمد على
انعامك علي قديما وحديثا فكم من كرب يا سيدي قد فرجته
وكم من غم يا سيدي قد نفسته وكم من هم يا سيدي قد كشفته و
كم من بلاء يا سيدي قد صرفته وكم من عيب يا سيدي قد
سترته فلك الحمد على كل حال في كل مثوى وزمان ومنقلب
ومقام وعلى هذه الحال وكل حال اللهم اجعلني من افضل عبادك
نصيبا في هذا اليوم من خير تقسمه او ضر تكشفه او سوء تصرفه
او بلاء تدفعه او خير تسوقه او رحمة تنشرها او عافية تلبسها فانك
على كل شيء قدير وبيدك خزائن السموات والارض وانت الواحد
الكريم المعطي الذي لا يرد سائله ولا يخيب امله ولا ينقص نائله
ولا ينفد ما عنده بل يزداد كثرة وطيبا وعطاء وجودا وارزقني
من خزائنك التي لا تفنى ومن رحمتك الواسعة ان عطاءك لم يكن
محظورا وانت على كل شيء قدير برحمتك يا ارحم الراحمين و
احاديث بسيار در فضيلت زيارت حضرت امام حسين عليه السلام
در شب و روز عرفه وارد شده است و زيارت نزديك را در كتاب تحفة
الزائر ذكر كرده ام و زيارت دور ان شاء الله بعد از اين مذكور خواهد
شد و بهترين زيارات آن حضرت مذكور شد (ع) و روز عرفه از اعياد
عظيمه است و كسي كه توفيق يابد كه در عرفات باشد دعاء مولانا
بسيار دارد و بهترين اعمال در اين روز دعاست حتي مستحب است كه

کنند میان نماز ظهر و عصر در اول وقت و نافله و اذان عصر را ساقط باشد

و بعد از نماز عصر مشغول دعا باید شد تا شام و دعا از برای برادران

مؤمن از زنده و مرده بسیار باید کرد چنانچه در حدیث صحیح منقولست که

ابراهیم بن هاشم گفت که دیدم عبدالله بن جندب را در موقف عرفات در

حالی که هیچکس را بهتر از او ندیدم پیوسته دستهای خود را بسوی آسمان

بلند کرده بود و آب دیده‌هایش بر رویش جاری بود تا بزمین میرسید چون

مردم فارغ شدند گفتم وقوف هیچکس را بهتر از وقوف تو ندیدم گفت بخدا

سوگند که دعا نکردم مگر از برای برادران مؤمن خود زیرا که از حضرت امام

موسی علیه السلام شنیدم که هر که دعا کند از برای برادران مؤمن خود

در غیبت او از عرش ندا رسد که از برای تو صد هزار برابر این باد پس

نخواستم که دست بردارم از صد هزار برابر دعای ضمانت کرده البته مستجاب

برای یک دعای خود که نمیدانم مستجاب خواهد شد یا نه و اگر کسی توفیق

که در روز عرفه در تحت قبه مقدسه حضرت امام حسین علیه السلام

باشد ثوابش کمتر نیست از کسی که در عرفات باشد بلکه زیاده است چنانچه

از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که در روز عرفه بزیارت

آنحضرت برود و عارف بحق او باشد و او را امام واجب الاطاعه داند حق

تعالی از برای او ثواب دو هزار حج و دو هزار عمره مقبول و هزار جهاد

که با پیغمبر مرسل کرده باشد یا امام عادل راوی گفت کجاست ثواب

وقوف عرفات حضرت از روی غضب بسوی او نظر کرد و فرمود که بدرستی

که بنده مؤمن چون در روز عرفه نزد قبر آنحضرت حاضر شود و در نهر فرات غسل

کند و متوجه زیارت شود هر گام که بر میدارد ثواب یک حج و عمره برای او

نوشته شود و در روایت دیگر فرمود که در روز عرفه حق تعالی اول نظر رحمت

بسوی زوار حضرت امام حسین علیه السلام میکند و گناهان ایشانرا

می‌آمرزد و حاجات ایشانرا برمی‌آورد و بعد از آن متوجه اهل عرفات

میگردد و اگر در میان زوار آنحضرت حرامزاده و فرزند زنا نیست و

در میان اهل عرفات هست و کسی که توفیق هیچیک از اینها را نیافته

باشد باید که در بلاد غسل بکند و در مجمع مؤمنان حاضر شود

و زیارت آنحضرت بکند و اگر در بام بلندی یا صحرای گشاده باشد

بهتر است پس مشغول دعا شوند و تا شام مشغول ذکر و دعا باشند تا در

ثواب اهل عرفات شریک گردند چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقولست

و احادیث در ثواب روزه روز عرفه مختلف است و اکثر علما جمع میان احادیث

باین روش کرده‌اند که اگر اشتباهی در ماه نباشد و او را از دعا کردن

ضعیف نکند سنت است و الا مکروه است یعنی ثوابش کمتر است و

در روایتی واقع شده است که روزه روز عرفه برابر است با روزه یکساله

و اگر اشتباه در ماه باشد یا روزه از دعا خواندن ضعیف شود روزه

نگرفتن بهتر است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که

در روز عرفه پیش از آنکه متوجه دعا شود دو رکعت نماز بجا آورد در

زیر آسمان و اعتراف کند نزد خدا بگناهان خود و اقرار کند بخطاهای

خود را ذکر کند بثواب اهل عرفات و گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده
شود شیخ مفید ایمان از امام عصر ذکر کرده است و گفته
است که ایمان مخصوص جمعی است که در اطراف باشند و در عرفات
نباشند و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که چون خواهد مشغول دعا شود اول صد مرتبه الله اکبر و صد
مرتبه الحمد لله و صد مرتبه سبحان الله و صد مرتبه لا اله الا الله
و صد مرتبه قل هو الله احد و صد مرتبه سوره انا انزلناه بخواند
و در روایت دیگر فرموده که صد مرتبه آیة الکرسی و صد مرتبه لا
حول و لا قوة الا بالله بگوید و صد مرتبه اللهم صل علی محمد و
آل محمد بگوید پس مشغول دعا شود و بهترین دعاها دعای صحیفه کامله
است و با خشوع و خضوع و تأنی و رقت بخواند که مشتمل است بر جمیع
مطالب دنیا و آخرت و شیخ طوسی بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام
روایت کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به امیر المؤمنین
علیه السلام گفت میخواهی ترا تعلیم کنم دعای روز عرفه را و آن دعای پیغمبران
پیش از منست میگوئی لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک
وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء
قدیر اللهم لک الحمد کالذی تقول وخیرا مما نقول وفوق ما یقول
القائلون اللهم لک صلاتی ونسکی ومحیای ومماتی ولک براءتی و
بک حولی ومنک قوتی اللهم انی اعوذ بک من الفقر ومن وسواس الصدر

ومن شتات

ومن شتات الامر ومن عذاب القبر اللهم انی اسألک خیر الریاح واعوذ
بک من شر ما تجیء به الریاح واسألک خیر اللیل وخیر النهار اللهم اجعل
فی قلبی نورا وفی سمعی نورا وفی بصری نورا وفی لحمی نورا وفی دمی وفی عظامی
وعروقی ومقعدی ومقامی ومدخلی ومخرجی نورا واعظم لی النور یا رب
یوم القاک انک علی کل شیء قدیر و از حضرت امام رضا علیه السلام
منقولست که ابتدا دعا در روز عرفه بخوانند اللهم کما سترت علی ما لم
اعلم فاغفر لی ما تعلم وکما وسعنی علمک فلیسعنی عفوک وکما بدأتنی بالاحسان
فاتمم نعمتک بالغفران وکما اکرمتنی بمعرفتک فاشفعها بمغفرتک
کما عرفتنی وحدانیتک فاکرمنی بطاعتک وکما عصمتنی مما لم اکن
اعتصم منه الا بعصمتک فاغفر لی ما لو شئت عصمتنی منه یا جواد
یا کریم یا ذا الجلال والاکرام و از حضرت امام موسی علیه السلام
این دعا منقولست اللهم انی عبدک وابن عبدک ان تعذبنی فبامور
قد سلفت منی وانا بین یدیک رهینتی وان تعف عنی فاهل العفو انت
یا اهل العفو یا احق من عفی اغفر لی ولاخوانی و از جمله دعاهای مشهور
روز عرفه دعای حضرت سید الشهداء امام حسین است که بشر و بشیر
پسران غالب اسدی روایت کرده اند که پسین روز عرفه در عرفات در خدمت
آنحضرت بودیم پس از خیمه خود بیرون آمدند با گروهی از اهل بیت و فرزندان
و شیعیان خود با نهایت تذلل و خشوع پس در جانب چپ کوه ایستادند
و روی مبارک خود را بسوی کعبه گردانیدند و دستها را برابر رو برداشتند

ماشاء بسكينة خاشعا طالبا وابتهل خاشعا لله بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي ليس لقضائه دافع ولا لعطائه مانع ولا كصنعه صنع
صانع وهو الجواد الواسع فطر أجناس البدائع وأتقن بحكمته الصنائع
ولا تخفى عليه الطلائع ولا تضيع عنده الودائع جازي كل صانع و
رائش كل قانع وراحم كل ضارع ومنزل المنافع والكتاب الجامع و
بالنور الساطع وهو للدعوات سامع وللمطيعين نافع وللدرجات
رافع وللكربات دافع وللجبابرة قامع وراحم عبرة كل ضارع ودافع
ضرعة كل ضارع فلا إله غيره ولا شيء يعدله وليس كمثله شيء وهو
السميع البصير اللطيف الخبير وهو على كل شيء قدير اللهم إني أرغب
إليك وأشهد بالربوبية لك مقرا بأنك ربي وأن إليك مردي ابتدأتني
بنعمتك قبل أن أكون شيئا مذكورا وخلقتني من التراب ثم أسكنتني
الأصلاب آمنا لريب المنون واختلاف الدهور فلم أزل ظاعنا من
صلب إلى رحم في تقادم الأيام الماضية والقرون الخالية لم تخرجني
لرأفتك بي ولطفك لي وإحسانك إلي في دولة أيام الكفرة الذين
نقضوا عهدك وكذبوا رسلك لكنك أخرجتني رأفة منك وتحننا
علي للذي سبق لي من الهدى الذي يسرتني وفيه أنشأتني ومن قبل
ذلك رؤفت بي بجميل صنعك وسوابغ نعمتك فابتدعت خلقي من
مني يمنى ثم أسكنتني في ظلمات ثلاث بين لحم وجلد ودم ولم تشهدني
خلقي ولم تجعل إلي شيئا من أمري ثم أخرجتني إلى الدنيا تاما سويا و

وحفظتني في المهد طفلا صبيا ورزقتني من الغذاء لبنا طريا وعطفت
علي قلوب الحواضن وكفلتني الأمهات الرحائم وكلأتني من طوارق الجان
وسلمتني من الزيادة والنقصان فتعاليت يا رحيم يا رحمن حتى إذا استهللت
ناطقا بالكلام أتممت علي سوابغ الإنعام فربيتني زائدا في كل
عام حتى إذا اكتملت فطرتي واعتدلت مرتي أوجبت علي حجتك
بأن ألهمتني معرفتك وروعتني بعجائب فطرتك وأنطقتني لما ذرأت
في سمائك وأرضك من بدائع خلقك ونبهتني لذكرك وشكرك وأوجبت علي
طاعتك وعبادتك وفهمتني ما جاءت به رسلك ويسرت لي تقبل
مرضاتك ومننت علي في جميع ذلك بعونك ولطفك ثم إذ خلقتني
من خير الثرى لم ترض لي يا إلهي بنعمة دون أخرى ورزقتني من أنواع المعاش
وصنوف الرياش بمنك العظيم علي وإحسانك القديم إلي حتى إذا أتممت
علي جميع النعم وصرفت عني كل النقم لم يمنعك جهلي وجرأتي عليك
أن دللتني على ما يقربني إليك ووفقتني لما يزلفني لديك فإن دعوتك
أجبتني وإن سألتك أعطيتني وإن أطعتك شكرتني وإن شكرتك زدتني كل
ذلك إكمالا لأنعمك علي وإحسانك إلي فسبحانك سبحانك من مبدئ
معيد حميد مجيد تقدست أسماؤك وعظمت آلاؤك فأي نعمك
يا إلهي أحصي عددا وذكرا أم أي عطاياك أقوم بها شكرا وهي
يا رب أكثر من أن يحصيها العادون أو يبلغ علما بها الحافظون
ثم ما درأت وصرفت عني اللهم من الضر والضراء أكثر مما ظهر

ابن العافية والسراء وأنا أشهد يا إلهي بحقيقة إيماني وعقد عزمات
يقيني وخالص صريح توحيدي وباطن مكنون ضميري وعلائق مجاري
نور بصري وأسارير صفحة جبيني وخرق مسارب نفسي وخذاريف
مارن عرنيني ومسارب صماخ سمعي وما ضمت وأطبقت عليه
شفتاي وحركات لفظ لساني ومغرز حنك فمي وفكي ومنابت أضراسي
وبلوغ حبائل بارع عنقي ومساغ مأكلي ومشربي وحمالة أم رأسي وجمل
حمائل حبل وتيني وما اشتمل عليه تامور صدري ونياط حجاب قلبي
وأفلاذ حواشي كبدي وما حوته شراسيف أضلاعي وحقاق مفاصلي
وأطراف أناملي وقبض عواملي ولحمي ودمي وشعري وبشري وعصبي
وقصبي وعظامي ومخي وعروقي وجميع جوارحي وما انتسج على ذلك
أيام رضاعي وما أقلت الأرض مني ونومي ويقظتي وسكوني
وحركات ركوعي وسجودي أن لو حاولت واجتهدت مدى الأعصار
والأحقاب لو عمرتها أن أؤدي شكر واحدة من أنعمك ما استطعت
ذلك إلا بمنك الموجب علي به شكرك أبدا جديدا وثناء طارفا عتيدا
أجل ولو حرصت أنا والعادون من أنامك أن نحصي مدى إنعامك
سالفه وآنفه لما حصرناه عددا ولا أحصيناه أمدا هيهات
أنى ذلك وأنت المخبر في كتابك الناطق والنبأ الصادق
وإن تعدوا نعمة الله لا تحصوها صدق كتابك اللهم وإنباؤك
وبلغت أنبياؤك ورسلك ما أنزلت عليهم من وحيك وشرعت

لهم به من دينك غير أني يا إلهي أشهد بجهدي وجدي ومبلغ طاقتي ووسعي
وأقول مؤمنا موقنا الحمد لله الذي لم يتخذ ولدا فيكون موروثا
ولم يكن له شريك في الملك فيضاده فيما ابتدع ولا ولي من الذل
فيرفده فيما صنع سبحانه سبحانه لو كان فيهما آلهة إلا الله
لفسدتا وتفطرتا سبحان الله الواحد الحق الأحد الصمد الذي لم يلد
ولم يولد ولم يكن له كفوا أحد الحمد لله حمدا يعادل حمد ملائكته
المقربين وأنبيائه المرسلين وصلى الله على خيرته من خلقه محمد خاتم
النبيين وآله الطيبين الطاهرين المخلصين پس شروع فرمود آن حضرت
در سؤال واهتمام نمود در دعا و آب از دیدهای مبارکش جاری بود و گفت
اللهم اجعلني أخشاك كأني أراك وأسعدني بتقواك ولا تشقني
بمعصيتك وخر لي في قضائك وبارك لي في قدرك حتى لا أحب تعجيل
ما أخرت ولا تأخير ما عجلت اللهم اجعل غناي في نفسي واليقين
في قلبي والإخلاص في عملي والنور في بصري والبصيرة في ديني ومتعني
بجوارحي واجعل سمعي وبصري الوارثين مني وانصرني على من ظلمني
وأرني فيه مآربي وثاري وأقر بذلك عيني اللهم اكشف كربتي
واستر عورتي واغفر لي خطيئتي واخسأ شيطاني وفك رهاني
واجعل لي يا إلهي الدرجة العليا في الآخرة والأولى اللهم لك
الحمد كما خلقتني فجعلتني سميعا بصيرا ولك الحمد كما خلقتني فجعلتني
خلقا سويا رحمة بي وكنت عن خلقي غنيا رب بما برأتني فعدلت

فطرتني ربّ بما أنشأتني فأحسنت صورتي يا ربّ بما أحسنت بي وفي
نفسي عافيتني ربّ بما كلأتني ووفّقتني ربّ بما أنعمت عليّ فهديتني
ربّ بما أويتني ومن كلّ خير آتيتني وأعطيتني ربّ بما أطعمتني و
سقيتني ربّ بما أغنيتني وأقنيتني ربّ بما أعنتني وأعززتني ربّ بما
ألبستني من ذكرك الصافي ويسّرت لي من صنعك الكافي صلّ
على محمّد وآل محمّد وأعنّي على بوائق الدهر وصروف الأيّام والليالي
ونجّني من أهوال الدنيا وكربات الآخرة واكفني شرّ ما يعمل الظالمون
في الأرض اللّهمّ ما أخاف فاكفني وما أحذر فقني وفي نفسي وديني
فاحرسني وفي سفري فاحفظني وفي أهلي ومالي وولدي فاخلفني
وفيما رزقتني فبارك لي وفي نفسي فذلّلني وفي أعين الناس فعظّمني
ومن شرّ الجنّ والإنس فسلّمني وبذنوبي فلا تفضحني وبسريرتي فلا
تخزني وبعملي فلا تبتلني ونعمك فلا تسلبني وإلى غيرك فلا تكلني
إلهي إلى من تكلني إلى القريب يقطعني أم إلى البعيد يتجهّمني
أم إلى المستضعفين لي وأنت ربّي ومليك أمري أشكو إليك
غربتي وبعد داري وهواني على من ملّكته أمري إلهي فلا تحلل بي
غضبك فإن لم تكن غضبت عليّ فلا أبالي سواك غير أنّ عافيتك
أوسع لي يا ربّ فأسألك بنور وجهك الذي أشرقت له الأرض
والسماوات وكشفت به الظلمات وصلح عليه أمر الأوّلين
والآخرين أن لا تميتني على غضبك ولا تنزل بي سخطك لك

العتبى

العتبى حتّى ترضى قبل ذلك لا إله إلّا أنت ربّ البلد الحرام والمشعر
الحرام والبيت العتيق الذي أحللته البركة وجعلته للناس
أمنة يا من عفا عن العظيم من الذنوب بحلمه يا من أسبغ النعمة بفضله
يا من أعطى الجزيل بكرمه يا عدّتي في شدّتي يا صاحبي في وحدتي
يا غياثي في كربتي يا مونسي في غربتي يا وليّ نعمتي يا إلهي وإله آبائي
إبراهيم وإسماعيل وإسحاق ويعقوب وربّ جبرئيل وميكائيل و
إسرافيل وربّ محمّد خاتم النبيّين وآله المنتجبين ومنزل التوراة
والإنجيل والزبور والفرقان ومنزل كهيعص وطه ويس والقرآن
الحكيم أنت كهفي حين تعييني المذاهب في سعتها وتضيق عليّ
الأرض برحبها ولولا رحمتك لكنت من الهالكين وأنت مقيل عثرتي
ولولا سترك إيّاي لكنت من المفضوحين وأنت مؤيّدي بالنصر
على الأعداء ولولا نصرك إيّاي لكنت من المغلوبين يا من خصّ
نفسه بالسموّ والرفعة فأولياؤه بعزّه يعتزّون يا من جعلت له
الملوك نير المذلّة على أعناقهم فهم من سطواته خائفون يعلم خائنة
الأعين وما تخفي الصدور وغيب ما تأتي به الأزمان والدهور يا من
لا يعلم كيف هو إلّا هو يا من لا يعلم ما يعلمه إلّا هو يا من كبس
الأرض على الماء وسدّ الهواء بالسماء يا من له أكرم الأسماء
يا ذا المعروف الذي لا ينقطع أبدا يا مقيّض الركب ليوسف في البلد
القفر ومخرجه من الجبّ وجاعله بعد العبوديّة ملكا يا رادّ

يوسف على يعقوب بعد ان ابيضت عيناه من الحزن فهو كظيم
يا كاشف الضر والبلاء عن ايوب يا ممسك يدي ابرهيم عن ذبح
ابنه بعد كبر سنه وفناء عمره يا من استجاب لزكريا
فوهب له يحيى ولم يدعه فردا وحيدا يا من اخرج يونس من بطن
الحوت يا من فرق البحر لبني اسرائيل فانجاهم وجعل فرعون وجنوده
من المغرقين يا من ارسل الرياح مبشرات بين يدي رحمته يا
من لم يعجل على من عصاه من خلقه يا من استنقذ السحرة من بعد
طول الجحود وقد غدوا في نعمته ياكلون رزقه ويعبدون غيره
وقد حادوه ونادوه وكذبوا رسله يا الله يا بدئ لا بدء لك
يا دائما لا نفاد لك يا حي حين لا حي يا محيي الموتى يا من هو قائم
على كل نفس بما كسبت يا من قل له شكري فلم يحرمني وعظمت
عنده خطيئتي فلم يفضحني ورآني على المعاصي فلم يخذلني يا من حفظني
في صغري يا من رزقني في كبري يا من اياديه عندي لا تحصى يا من
نعمه عندي لا تجازى يا من عارضني بالخير والاحسان وعارضته
بالاساءة والعصيان يا من هداني بالايمان قبل ان اعرف شكر
الامتنان يا من دعوته مريضا فشفاني وعريانا فكساني وجائعا
فاطعمني وعطشانا فارواني وذليلا فاعزني وجاهلا فعرفني ووحيدا
فكثرني وغائبا فردني ومقلا فاغناني ومنتصرا فنصرني وغنيا
فلم يسلبني وامسكت عن جميع ذلك فابتدأني فلك الحمد يا من

اقال عثرتي ونفس كربتي واجاب دعوتي وستر عورتي وغفر
ذنوبي وبلغني طلبتي ونصرني على عدوي وان اعد نعمك ومننك
وكرائم منحك لا احصيها يا مولاي انت الذي انعمت انت الذي
احسنت انت الذي اجملت انت الذي افضلت انت الذي مننت
انت الذي اكملت انت الذي رزقت انت الذي وفقت انت الذي
اعطيت انت الذي اغنيت انت الذي اقنيت انت الذي آويت
انت الذي كفيت انت الذي هديت انت الذي عصمت انت
الذي سترت انت الذي غفرت انت الذي اقلت انت الذي مكنت
انت الذي اعززت انت الذي اعنت انت الذي عضدت انت الذي
ايدت انت الذي نصرت انت الذي شفيت انت الذي عافيت انت
الذي اكرمت تباركت ربي وتعاليت فلك الحمد دائما ولك
الشكر واصبا ابدا ثم انا يا الهي المعترف بذنوبي فاغفرها لي انا الذي اسأت
انا الذي اخطأت انا الذي هممت انا الذي جهلت انا الذي غفلت
انا الذي سهوت انا الذي اعتمدت انا الذي تعمدت انا الذي
وعدت انا الذي اخلفت انا الذي نكثت انا الذي اقررت انا
يا الهي اعترف بنعمتك عندي وابوء بذنوبي فاغفرها لي يا من
لا تضره ذنوب عباده وهو الغني عن طاعتهم والموفق من عمل
منهم صالحا بمعونته ورحمته فلك الحمد الهي امرتني فعصيتك
ونهيتني فارتكبت نهيك فاصبحت لا ذا براءة فاعتذر ولا ذا قوة

فبأي شيء أستقبلك يا مولاي أبسمعي أم ببصري أم بلساني
أم بيدي أم برجلي أليس كلها نعمك عندي وبكلها عصيتك
يا مولاي فلك الحجة والسبيل علي يا من سترني من الآباء و
الأمهات أن يزجروني ومن العشائر والإخوان أن يعيروني و
من السلاطين أن يعاقبوني ولو اطلعوا يا مولاي على ما اطلعت
عليه مني إذاً ما أنظروني ولرفضوني وقطعوني فها أنا ذا بين يديك
يا سيدي خاضعاً ذليلاً حصيراً حقيراً لا ذو براءة فأعتذر ولا
ذو قوة فأنتصر ولا حجة لي فأحتج بها ولا قائل لم أجترح ولم أعمل
سوءاً وما عسى الجحود ولو جحدت يا مولاي ينفعني كيف وأنى ذلك
وجوارحي كلها شاهدة علي بما قد عملت وعلمت يقيناً غير ذي
شك أنك سائلي عن عظائم الأمور وأنك الحكم العدل الذي
لا يجور وعدلك مهلكي ومن كل عدلك مهربي فإن تعذبني
فبذنوبي يا إلهي بعد حجتك علي وإن تعف عني فبحلمك وجودك وكرمك
لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الظالمين لا إله إلا أنت سبحانك إني
كنت من المستغفرين لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الموحدين لا إله
إلا أنت سبحانك إني كنت من الخائفين لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت
من الوجلين لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من السائلين لا إله إلا
أنت سبحانك إني كنت من الراجين الراغبين لا إله إلا أنت سبحانك
إني كنت من المهللين المسبحين لا إله إلا أنت ربي ورب آبائي

الاولين

الأولين اللهم هذا ثنائي عليك ممجداً وإخلاصي لذكرك موحداً
وإقراري بآلائك معدداً وإن كنت مقراً أني لا أحصيها لكثرتها
وسبوغها وتظاهرها وتقادمها إلى حادث ما لم تزل تتعهدني
به معها منذ خلقتني وبرأتني من أول العمر من الإغناء بعد الفقر
وكشف الضر وتسبيب اليسر ودفع العسر وتفريج الكرب و
العافية في البدن والسلامة في الدين ولو رفدني على قدر
ذكر نعمتك علي جميع العالمين من الأولين والآخرين لما قدرت
ولا هم على ذلك تقدست وتعاليت من رب عظيم كريم
رحيم لا تحصى آلاؤك ولا يبلغ ثناؤك ولا تكافى نعماؤك
صل على محمد وآل محمد وأتمم علينا نعمك وأسعدنا بطاعتك
سبحانك لا إله إلا أنت اللهم إنك تجيب دعوة المضطر إذا
دعاك وتكشف السوء وتغيث المكروب وتشفي السقيم و
تغني الفقير وتجبر الكسير وترحم الصغير وتعين الكبير وليس دونك
ظهير ولا فوقك قدير وأنت العلي الكبير يا مطلق المكبل
الأسير يا رازق الطفل الصغير يا عصمة الخائف المستجير يا من
لا شريك له ولا وزير صل على محمد وآل محمد وأعطني في هذه
العشية أفضل ما أعطيت وأنلت أحداً من عبادك من نعمة
توليها وآلاء تجددها وبلية تصرفها وكربة تكشفها و
دعوة تسمعها وحسنة تتقبلها وسيئة تتغمدها إنك لطيف

خبير وعلى كل شيء قدير اللهم إنك أقرب من دعي وأسرع من أجاب
وأكرم من عفا وأوسع من أعطى وأسمع من سئل يا رحمن الدنيا
والآخرة ورحيمهما ليس كمثلك مسؤول ولا سواك مأمول
دعوتك فأجبتني وسألتك فأعطيتني ورغبت إليك فرحمتني ووثقت
بك فنجيتني وفزعت إليك فكفيتني اللهم فصل على محمد عبدك
ورسولك ونبيك وعلى آله الطيبين الطاهرين أجمعين وتمم لنا
نعماءك وهنئنا عطاءك واجعلنا لك شاكرين ولآلائك
ذاكرين آمين آمين رب العالمين اللهم يا من ملك فقدر وقدر
فقهر وعصي فستر واستغفر فغفر يا غاية رغبة الراغبين ومنتهى
أمل الراجين يا من أحاط بكل شيء علما ووسع المستقيلين رأفة
ورحمة وحلما اللهم إنا نتوجه إليك في هذه العشية التي شرفتها
وعظمتها بمحمد نبيك ورسولك وخيرتك من خلقك وأمينك
على وحيك اللهم صل على البشير النذير السراج المنير الذي أنعمت
على المسلمين وجعلته رحمة للعالمين اللهم فصل على محمد وآل
كما هو محمد أهل ذلك يا عظيم صل عليه وعلى آله المنتجبين الطيبين
الطاهرين أجمعين وتغمدنا بعفوك عنا فإليك عجت الأصوات
بصنوف اللغات واجعل لنا في هذه العشية نصيبا من كل خير
تقسمه ونور تهدي به ورحمة تنشرها وعافية تجللها وبركة
تنزلها ورزق تبسطه يا أرحم الراحمين اللهم اقلبنا في هذا اليوم

منجحين

منجحين مفلحين مبرورين غانمين ولا تجعلنا من القانطين ولا تخلنا
من رحمتك ولا تحرمنا ما نؤمله من فضلك ولا تردنا خائبين ولا
من بابك مطرودين ولا تجعلنا من رحمتك محرومين ولا لفضل
ما نؤمله من عطاياك قانطين يا أجود الأجودين ويا أكرم الأكرمين
إليك أقبلنا موقنين ولبيتك الحرام آمين قاصدين فأعنا على
مناسكنا وأكمل لنا حجنا واعف اللهم عنا وعافنا فقد مددنا
إليك أيدينا وهي بذلة الاعتراف موسومة اللهم فأعطنا في
هذه العشية ما سألناك واكفنا ما استكفيناك فلا كافي
لنا سواك ولا رب لنا غيرك نافذ فينا حكمك محيط بنا علمك
عدل فينا قضاؤك اقض لنا الخير واجعلنا من أهل الخير اللهم
أوجب لنا بجودك عظيم الأجر وكريم الذخر ودوام اليسر واغفر
لنا ذنوبنا أجمعين ولا تهلكنا مع الهالكين ولا تصرف عنا رأفتك
ورحمتك يا أرحم الراحمين اللهم اجعلنا في هذا الوقت ممن سألك
فأعطيته وشكرك فزدته وتاب إليك فقبلته وتنصل إليك من
ذنوبه كلها فغفرتها له يا ذا الجلال والإكرام اللهم ونقنا وسددنا
واعصمنا واقبل تضرعنا يا خير من سئل ويا أرحم من استرحم يا من لا
يخفى عليه إغماض الجفون ولا لحظ العيون ولا ما استقر في المكنون
ولا ما انطوت عليه مضمرات القلوب ألا كل ذلك قد أحصاه
علمك ووسعه حلمك سبحانك وتعاليت عما يقول الظالمون

علواً کبیراً تسبح له السموات السبع والارض ومن فیهن وان من
شیء الا یسبح بحمده لك الحمد والمجد وعلو الجد یا ذا الجلال والا
کرام والفضل والانعام والایادی الجسام انت الجواد الکریم
الرؤف الرحیم اللهم اوسع علی من رزقك الحلال وعافنی فی بدنی
وآمن خوفی واعتق رقبتی من النار اللهم لا تمکر بی ولا تستدرجنی
لا تخذلنی وادرأ عنی شر فسقة الجن والانس پس سر و پا برهنه خود را به
آسمان بلند کرد و از دیدها آب بسیار کن ابرهه جفت ... دوشانه
و صدای بلند کند یا اسمع السامعین ویا ابصر الناظرین ویا اسرع
الحاسبین ویا ارحم الراحمین صل علی محمد وآل محمد السادة المیامین
واسئلك اللهم حاجتی التی ان اعطیتنیها لم یضرنی ما منعتنی
وان منعتنیها لم ینفعنی ما اعطیتنی اسئلك فکاك رقبتی من النار
لا اله الا انت وحدك لا شریك لك لك الملك ولك الحمد وانت
علی کل شیء قدیر یا رب یا رب یا رب پس مکرر میکند یا رب و فقا
بگرید بلند کشد و بار کرده کند و روانه جانب مشعر الحرام شود و سید
بن طاوس رحمه علیه روایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام که روز عرفه چون زوال شمس بشود نماز ظهر و عصر
بکن پس بر محل وقوف و صد مرتبه الله اکبر و صد مرتبه الحمد لله
و صد مرتبه سبحان الله و صد مرتبه لا اله الا الله و صد مرتبه
سوره قل هو الله احد و صد مرتبه سوره انا انزلنا بخوان پس اینها

بخوان لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم
سبحان الله رب السموات السبع ورب الارضین السبع وما فیهن وما
بینهن ورب العرش العظیم والحمد لله رب العالمین اللهم ایاك
نعبد وایاك نستعین اللهم انی لا ابلغ ان اثنی علیك وما عسی ان ابلغ
من مدحتك مع قلة عملی وقصر رأیی وانت الخالق وانا المخلوق وانت
المالك وانا المملوك وانت الرب وانا العبد وانت العزیز وانا
الذلیل وانت القوی وانا الضعیف وانت الغنی وانا الفقیر و
انت المعطی وانا السائل وانت الغفور وانا الخاطئ وانت الحی الذی
لا یموت وانا خلق اموت اللهم انت الله لا اله الا انت رب العزة
وانت الله لا اله الا انت العزیز الحکیم وانت الله لا اله الا انت العلی
العظیم وانت الله لا اله الا انت الغفور الرحیم وانت الله لا اله
الا انت مالك یوم الدین وانت الله لا اله الا انت منك بدء
الخلق والیك یعود وانت الله لا اله الا انت لم تزل ولا تزال وانت
الله لا اله الا انت خالق الجنة والنار وانت الله لا اله الا انت خالق
الخیر والشر وانت الله لا اله الا انت الواحد الاحد الفرد الصمد
لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد وانت الله لا اله الا انت
عالم الغیب والشهادة الرحمن الرحیم وانت الله لا اله الا انت الملك
القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر سبحان الله
عما یشرکون وانت الله لا اله الا انت الخالق البارئ المصور

لك الاسماء الحسنى يسبح لك ما في السموات والارض وانت العزيز
الحكيم انت الله لا اله الا انت الكبير المتعال والكبرياء ردائك
اللهم انك سابغ النعماء حسن البلاء جزيل العطاء مقسط القضاء
باسط اليدين بالرحمة نفاع بالخيرات كاشف الكربات رفيع الدرجات
منزل الآيات من فوق سبع سموات عظيم البركات مخرج من الظلمات
الى النور مبدل السيئات حسنات وجاعل الحسنات درجات
اللهم انك دنوت في علوك وعلوت في دنوك فدنوت فليس دونك
شيء وارتفعت فليس فوقك شيء ترى ولا ترى وانت بالمنظر الاعلى
فالق الحب والنوى لك ما في السموات العلى ولك الكبرياء في
الآخرة والاولى اللهم انك غافر الذنب شديد العقاب ذو الطول
لا اله الا انت اليك المصير وسعت رحمتك كل شيء وبلغت حجتك
ولا معقب لحكمك وانت لا تخيب سائلك انت الذي لا رافع لما
ضعت ولا واضع لما رفعت انت الذي اتقنت كل شيء بحكمتك
واحصيت كل شيء بعلمك وابرمت كل شيء بحكمتك ولا يفوتك
شيء بعلمك ولا يمتنع عنك شيء انت الذي لا يعجزك هارب ولا
يرتفع صريعك ولا يحيى قتيلك انت علوت فقهرت وملكت
فقدرت وبطنت فخبرت وعلى كل شيء ظهرت علمت خائنة
الاعين وما تخفي الصدور وتعلم ما تحمل كل انثى وما تغيض
الارحام وما تزداد وكل شيء عندك بمقدار انت الذي لا تغشى

ذا الذلة ولا تضيع من توكل عليك انت الذي لا يشغلك ما في
جو ارضيك عما في جو سمواتك ولا يشغلك ما في جو سمواتك عما
في جو ارضيك انت الذي لم تعز انت في ملكك ولم يشركك احد في
جبروتك انت الذي على كل شيء ملكت وملكت كل شيء ادرك
انت الذي ملكت الملوك بعد ذلك واستعبدت الارباب بعزتك
وانت الذي قهرت كل شيء بقوتك وعلوت كل شيء بفضلك
انت الذي لا يستطاع كنه وصفك ولا منتهى لما عندك انت
الذي لا يصف الواصفون عظمتك ولا يستطيع الزائلون تحويلك
انت شفاء لما في الصدور وهدى ورحمة للمؤمنين انت الذي
لا تخيب سائل ولا ينقصك نائل ولا يبلغ مدحتك مادح ولا
قائل انت الكائن قبل كل شيء والمكون لكل شيء والكائن
بعد كل شيء انت الواحد الصمد الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن لك
كفوا احد ولم تتخذ صاحبة ولا ولدا السموات ومن فيهن
لك والارضون ومن فيهن لك وما بينهن وما تحت الثرى لك
كل شيء واحطت به علما وانت تزيد في الخلق ما تشاء وانت
لا تسأل عما تفعل وهم يسألون وانت الفعال لما تريد وانت القريب
وانت البعيد وانت السميع وانت البصير وانت الماجد وانت الولي
وانت العليم وانت الحكيم وانت الغني وانت الكريم وانت البار وانت الرحيم
انت القادر وانت القاهر لك الاسماء الحسنى كلها وانت الجواد الذي

لا تحول وانت العزيز الذي لا تزول وانت ممتنع لا ترام سبحانك ما في
السموات والارض وانت الحليم الجواد منك بالمغفرة ربي ورب آبائنا
الاولين انت مجيب المضطر اذا دعاك انت نجيت نوحا من الغرق و
انت غفرت لداود ذنبه وانت نفست عن ذي النون كربه وانت
كشفت عن ايوب ضره وانت رددت موسى على امه وانت صرفت
قلوب السحرة اليك حتى قالوا آمنا برب العالمين وانت ولي
الصالحين لا تذكر منا الا الحسن الجميل وما لا تذكر اكثر
لنا الا لانعم النعم وانت المحسن الجميل لا نبلغ مدحتك و لا
الثناء عليك انت كما اثنيت على نفسك سبحانك وبحمدك تبارك
اسماؤك وجل ثناؤك ما اعظم شانك واجل مكانك وما اولى
من عبادك والطفك بخلقك واسمعك بقولك انت اعز و
اجل واسمع وابصر واعلى واكبر واظهر واشكر واقدر و
اعلم واجبر واكبر واعظم واقرب واملك واوسع وامنع و
اعطى واحكم وافضل واحمد من ان يدرك الهنا عظمتك او يصف
الواصفون صفتك او يبلغوا غايتك اللهم انت الله الذي لا اله
الا انت اجل من ذكر واشكر من عبد وارأف من ملك واجود من
سئل واوسع من اعطى تحلم بعد ما تعلم وتعفو وتغفر بعد ما
تقدر لم تطع قط الا باذنك ولم تعص قط الا بعلمك تطاع
ربنا فتشكر وتعصى ربنا فتغفر اللهم انت اقرب حفيظ وادنى

شهيد

شهيد حلت بين القلوب واخذت بالنواصي واحصيت الاعمال و
علمت الاخبار وبيدك المقادير والقلوب لك مفضاة و
السر عندك علانية والهدى من هديت والحلال ما احللت
والحرام ما حرمت والدين ما شرعت والامر ما قضيت تقضي و
لا يقضى عليك اللهم انت الاول فليس قبلك شيء وانت الآخر
فليس بعدك شيء وانت الظاهر فليس فوقك شيء وانت الباطن
فليس دونك شيء وانت العزيز الحكيم اللهم بيدك المقادير
الليل والنهار وبيدك مقادير الشمس والقمر وبيدك مقادير
النصر والخذلان وبيدك مقادير الدنيا والآخرة وبيدك
مقادير الموت والحياة وبيدك مقادير الخير والشر صل على محمد
وآل محمد واغفر لي كل ذنب اذنبته في ظلم الليل وضوء النهار
عمدا او خطأ سرا او علانية انك على كل شيء قدير وهو عليك
سهل يسير ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم اللهم اني اثني
عليك باحسن ما اقدر عليه واشكرك بما مننت به علي وعلى
من شكرك اللهم لك الحمد بمحامدك كلها على نعمائك كلها
وعلى جميع خلقك حتى ينتهي الحمد الى ما تحب ربنا وترضى
اللهم لك الحمد عدد ما خلقت وعدد ما ذرأت ولك الحمد عدد
ما برأت ولك الحمد عدد ما احصيت ولك الحمد عدد ما في السموات
والارضين ولك الحمد ملء الدنيا والآخرة يزيد ومزيده بكلا اله

إلا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت وهو
حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير ده مرتبه بگو
استغفر الله الذي لا إله إلا هو الحي القيوم وأتوب إليه پس بگو
يا الله يا الله ده مرتبه يا رحمن يا رحمن ده مرتبه يا رحيم يا رحيم ده مرتبه
يا بديع السموات والأرض ده مرتبه يا ذا الجلال والإكرام ده
مرتبه يا حنان يا منان ده مرتبه يا حي يا قيوم ده مرتبه بسم الله الرحمن
الرحيم ده مرتبه اللهم صل على محمد وآل محمد ده مرتبه پس بگو
اللهم لك الحمد ولي الحمد ومنتهى الحمد ولي العهد عزيز الجند
قديم المجد الحمد لله الذي كان عرشه على الماء حين لا شمس تضيء
ولا قمر يسري ولا نجم يجري ولا رياح تذري ولا سماء مبنية ولا أرض
مدحية ولا ليل يجن ولا نهار يضحك ولا عين تدمع ولا صوت
يسمع ولا جبل مرسي ولا سحاب منشئ ولا إنس مبرء ولا جن مخلوق
ولا ملك كريم ولا شيطان رجيم ولا ظل ممدود ولا شيء معدود
الحمد لله الذي استحمد من أفضل محامده لحمده على ما بدأ من
نوافله الذي فاق مدح المادحين مآثر محامده وعلا وصف
الواصفين هيبة جلاله فهو أهل لكل حمد ومنتهى كل رغبة
وقاضي كل حاجة الواحد الذي لا بدء له المالك الذي لا زوال له
الرفيع الذي ليس فوقه ناظر ذو المغفرة والرحمة المحمود لبذل
نوافله المعبود لهيبة جلاله المذكور بحسن الآلاء المنان بعظم

فواضله المرغوب إليه في تمام المواهب من خزائنه العظيم الثناء
الكريم في سلطانه العلي في مكانه المحسن في امتنانه المتطول
في فواضله الحمد لله بارئ خلق المخلوقين بعلمه ومصور أجساد
العباد بقدرته ومخالف صور من خلق من خلقه وبارئ الأرواح
في خلقته بعلمه ومعلم من خلق من عباده اسمه ومدبر خلق
السموات والأرض بعظمته الذي وسع كل شيء خلقه كرسيه
وعلا بعظمته فوق الأعلين وقهر الملوك بجبروته الجبار الأعلى
المعبود في سلطانه المتسلط بقوته المتعالي في دنوه المتداني من
كل شيء في ارتفاعه الذي نفذ بصره في خلقه وحارت الأ
بصار لسطوع نوره الحمد لله الحليم الرشيد القوي الشديد المبدئ
المعيد الفعال لما يريد الحمد لله منزل الآيات كاشف الكربات و
موفي السؤلات الحمد لله في كل مكان وفي كل زمان وفي كل أوان
الحمد لله الذي لا ينسى من ذكره ولا يخيب من دعاه ولا يهمل من دعاه
الذي يجزي بالإحسان إحسانا وبالصبر نجاة الحمد لله الذي له
ما في السموات وما في الأرض وله الحمد في الآخرة وهو الحكيم الخبير
الحمد لله فاطر السموات والأرض جاعل الملائكة رسلا أولي
أجنحة مثنى وثلاث ورباع يزيد في الخلق ما يشاء إن الله على كل
شيء قدير سبحان الله والحمد لله ولا إله إلا الله والله أكبر ولا
حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم وسبحان الله حين تمسون

تصفون وله الحمد في السموات والارض وعشيا وحين تظهرون و
سبحان الله اناء الليل واطراف النهار وسبحان الله بالغدو و
الاصال وسبحان ربك رب العزة عما يصفون وسلام على المرسلين
والحمد لله رب العالمين والحمد لله كما يحب ربنا ويرضى حمدا كثيرا
طيبا وسبحان الله كلما سبح الله شيء وكما يحب الله ان يسبح والحمد
لله كلما حمد الله شيء وكما يحب الله ان يحمد ولا اله الا الله كلما
هلل الله شيء وكما يحب الله ان يهلل والله اكبر كلما كبر الله
شيء وكما يحب الله ان يكبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم
پس بخوان این دعای مخزون را اللهم اني اسئلك يا الله يا رحمن بحق [?]
مرتبة اسمائك العجيبة المخزونة المكنونة يا الله اللهم اني اسئلك
باسمائك الكبيرة الكبرى آمين اللهم اني اسئلك باسمائك العزيزة
المنيعة واسئلك باسمائك التامة الكاملة المشهورة يا الله
واسئلك باسمائك التي هي رضاك يا الله واسئلك باسمائك
التي لا يرد بها دونك احد يا الله واسئلك من مسائلك بما هو
اوفى العهد يا الله ان لا تخيب سائلك يا الله واسئلك بجلال
مسائلك التي لا يقوم بحملها شيء غيرك يا الله بحق مرتبه واسئلك
بكل اسم واحد [?] وكل اسم هو لك وكل مسئلة حتى ينتهي الى اسمك
الاعظم الاكبر العلي الاعلى الذي استويت به على
عرشك واستقللت به على كرسيك وهو اسمك الفاضل

الكامل

الكامل الذي فضلته على جميع اسمائك يا رحمن بحق مرتبه واسئلك
بالاسماء التي لو علمها سائلك يا الله وبكل اسم استأثرت
به في علم الغيب عندك يا رحمن ان تصلي على محمد عبدك
ورسولك وامينك وصفوتك من خلقك وخاصتك من بريتك
ونجيك ونجيبك وحبيبك وصفيك وعلى اهل بيت محمد وترحم
على محمد واهل بيت محمد كافضل واكمل وازكى واطهر واعظم
واكثر واتم ما صليت على احد من انبيائك ورسلك يا ذا الجلال
والاكرام اللهم صل على محمد وآل محمد في الاولين وصل على
محمد وآل محمد في الآخرين وصل على محمد وآل محمد في الملأ الاعلى
وصل على محمد وآله في النبيين والمرسلين اللهم اعط محمدا صلواتك
عليه وآله الوسيلة والفضيلة والشرف والدرجة الرفيعة اللهم
اكرم مقامه وشرف بنيانه وعظم نوره وبرهانه وبيض وجهه
واعل كعبه وافلج حجته واظهر عذره ودعوته وتقبل شفاعته
كما بلغ رسالاتك وتلا آياتك وامر بطاعتك ونهى عن
معصيتك وانقذ عبادك [?] في سره وعلانيته وجاهد حق الجهاد في
وعبدك مخلصا حتى اتاه اليقين صلواتك عليه وعلى اهله
اللهم ابعثه مقاما محمودا يغبطه عليه الاولون والآخرون من
النبيين والمرسلين اللهم استعملنا بسنته وتوفنا على ملته و
ابعثنا في شيعته واحشرنا في زمرته واجعلنا من تبعه ولا تحجبنا

عن تعذيبه ولا تخزنا بما افتنه ولا تسلكنا فرقه وشغلنا بالتوبة
ومنازل الجنة فاحيني اذا احييتني ولا تضرني في طغي وبذنبه طرفة عين
في الدنيا والآخرة اللهم صل على محمد وآل محمد الذين أذهبت
عنهم الرجس وطهرتهم تطهيرا اللهم وافتح لهم فتحا يسيرا وانصرهم
نصرا عزيزا واجعل لهم من لدنك سلطانا نصيرا اللهم مكن لهم
في الأرض واجعلهم أئمة واجعلهم الوارثين اللهم أرهم في عدوهم
ما يأملون وارحم وقهم منهم ما يحذرون اللهم اجمع بيننا وبينهم في خير
وعافية اللهم عجل الروح والفرج لآل محمد اللهم اجمع على الهدى
أمرهم واجعل قلوبهم على قلوب خيارهم واصلح ذات بينهم إنك
حميد مجيد اللهم إني أسألك أن تصلي على محمد وآل محمد وأن
تغفر لي ولوالدي وما ولدا واعتقهما من النار وارحمهما وارضهما
عني واغفر لكل والد لي دخل في الإسلام ولأهلي وولدي
جميع قراباتي إنك على كل شيء قدير اللهم اجعلني وجميع ذريتي
واخواني فيك من أهل ولايتك ومحبتك فإنه لا يقدر على ذلك
غيرك يا رحمن اللهم أوزعني أن أشكرك وأشكر نعمتك التي أنعمت
علي وعلى والدي وأن أعمل صالحا ترضاه وأصلح لي في ذريتي إني
تبت إليك وإني من المسلمين واجز والدي خير ما جزيت والدا
عن ولد واجعل لهما عن جنات النعيم واغفر لنا ولإخواننا الذين
سبقونا بالإيمان ولا تجعل في قلوبنا غلا للذين آمنوا ربنا إنك

رؤف رحيم واغفر لنا وللمؤمنين والمؤمنات الأحياء منهم والأموات
اللهم أصلح ذات بينهم واجمع على الهدى أمرهم واجعلني وإياهم
على طاعتك وعجل لنا الجنة والمشيعتهم واحقن دماءهم وول
أمرهم خيارهم أهل الرأفة والرحمة والعدل لهم عليهم إنك على
كل شيء قدير يا رب يا رب يا ربنا اللهم بديع السموات والأرض
عالم الغيب والشهادة ذا الجلال والإكرام والجود والقوة
والسلطان والجبروت والملكوت والكبرياء والعظمة والقدرة
والمن والحمد والرهبة والرغبة والجود والعلو والمجد والهدى
والطاعة والعبادة والأمر والخلق وكل شيء لك يا رب الغفار
يا رب يا رب يا ربنا أسألك يا رب سؤال الضارعين المتضرعين
السائلين المستكينين الراغبين الراهبين الذين لا يجدون سواك
يا من يجيب المضطر ويكشف الضر ويجيب الداعي ويعطي السائل
أسألك يا رب سؤال من لم يجد لضعفه مقويا ولا لذنبه غافرا
ولا لفقره مغنيا أسألك سؤال من اشتدت فاقته وضعفت
قوته وكثرت ذنوبه يا ذا الجلال والإكرام يا رب يا رب يا رب
أسألك يا رب مسألة كل سائل ورغبة كل راغب تبذل
إذا دعيت أجبت وحق السائلين عليك وبحق صفوتك من خلقك
وبمعاقد العز من عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك أن لا تشد
رحمتي بخطيئتي ولا تجعل مصيبتي في ديني واذكرني يا رب برضاك

ولا تنسني حين تنظر رحمتك واقبل علي بوجهك الكريم وامنن علي
بكرامتك بكرمك العفو واستجب دعائي وارحم تضرعي فاني اكثر
فقير خائف مستجير من عذابك لا اثق بعملي ولكني اثق برحمتك
يا رب يا رب يا ربنا اللهم كن بي حفيا ولا تجعلني بدعائك
رب شقيا وامنن علي بعافيتك واعتق رقبتي من النار فاني لا
استجير بغيرك واستجيرك فاجرني من كل هول ومشقة ومخوف
وآمن خوفي ونجح حاجتي وقو ضعفي وسد فاقتي واصلح جميع امري
يا ربنا اعوذ بك من هول المطلع ومن شدة الموقف يوم الدين
فانك تجير ولا يجار عليك يا رب يا رب يا ربنا اللهم لا تعرض
عني حين ادعوك ولا تصرف عني وجهك حين اسألك فلا ترد
لي سؤالك واعطني مسألتي وآمن خوفي يوم القاك اللهم اني اعوذ
بك فاعذني فاني ضعيف فانت مستجير باهل عفوك يا رب يا رب
يا ربنا اللهم اكفني شر ما استعذت بك منه والبسني رحمتك و
جللني عافيتك وامني رحمتك فانك تجير ولا يجار عليك اللهم
اني اعوذ بك من وحشة القبر ومن خلوته ومن ظلمته ومن ضيقه
وعذابه ومن هول ما اخوف بعده يا رب العالمين يا رب يا
رب يا ربنا اللهم اني اسألك ان تصلي على محمد واهل بيته
صفوتك وخيرتك من خلقك وان تستجيب لي دعائي وتعطي
سؤلي واكفني امر آخرتي ودنياي وارحم فاقتي واغفر ذنوبي ما

تقدم وما تأخر وآتني في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقني
برحمتك عذاب النار اللهم ارزقني صلاة قرائتي وحجا مقبولا و
عملا صالحا متقبلا ورضا من عمل به واصلح اهلي وولدي واسألك
ان تجعل لي حجا مبرورا صالحا مقبولا من دعائهم رضوانا ومغفرة ورزقا
في كرامتك انك على كل شيء قدير وانت ارحم الراحمين يا رب
يا رب يا ربنا اللهم وكلما كان في قلبي من شك او ريبة او جحود
او قنوط او فرح او مرح او بطر او فخر او خيلاء او جبن او جهل او
او رياء او سمعة او شقاق او نفاق او كفر او فسوق او عصيان
او عظمة او شيء مما لا تحب عليه او ليا آلة فاسألك ان تمحو
[illegible] ان تمحو ذلك من قلبي وان تبدل لي مكانه ايمانا
وعدلا او رضا بقضائك ووفاء بعهدك ووجلا منك وزهدا
في الدنيا ورغبة فيما عندك وثقة بك وطمأنينة اليك و
توبة اليك نصوحا يا رب يا رب يا ربنا اللهم لك الحمد كما
خلقتني ولم اك شيئا مذكورا فاعني على اهوال الدنيا وبوائق
الدهر ونكبات الزمان وكربات الآخرة ومصيبات الليالي
والايام واكفني شر ما يعمل الظالمون في الارض اللهم يا رب
الحق قدرك ورضني بقضائك اللهم افتح مسامع قلبي لذكرك
وارزقني شكرا وتوفيقا وعبادة وخشية يا رب العالمين
يا رب يا رب يا ربنا اللهم اطلع علي اليوم اطلاعة تدخلني بها

اجعلنا اللهم استجب دعائي واقبل مني واجعل دعائي جامعا
موافقا بعضه بعضا فانك كل شيء عندك بمقدار اللهم وانك
من شأنك الذي قلت كل يوم هو في شأن اللهم اكتب لي عندك
في كتاب لا يمحى ولا يبدل بأن تقول قد غفرت لعبدي ما تقدم
من ذنبه وما تأخر واستجبت له دعوته ووفقته واصطفيته
لنفسي كرامته وفضلته وعصمته وهديته وزكيته واجتبيته
واستخلصته وقربته لديه ويعفو عنه آمين يا رب يا رب يا
ربنا اللهم اني اتوجه اليك بنبيك نبي الرحمة محمد صلى الله عليه
وآله في خلاصي وخلاص والدي وما ولدا واهلي وولدي وجميع
ذريتي واخواني فيك وجميع المؤمنين والمؤمنات من كل بلاء
لي حملت الاسلام من اهوال يوم القيمة ومن شر عذاب القبر
ومن هموم الدنيا والآخرة واهوالها واسألك ان تؤمنني منها
وتصرف عني شرها وتثبتني بالقول الثابت في الحيوة الدنيا
والآخرة انك رؤف رحيم وصلى الله على محمد وآله وسلم كثيرا
وحسبنا الله ونعم الوكيل يا رب يا رب يا ربنا اللهم اني اسألك
ان تصرف عني شر كل جبار عنيد وشيطان مريد وشر كل
ضعيف من خلقك وشديد ومن شر الشاكة والماشية واللامة
والخاصة والعامة ومن شر كل دابة صغيرة او كبيرة بالليل
والنهار ومن شر فسقة العرب والعجم ومن شر فسقة الجن

الارض

الارض انك على كل شيء قدير ولا حول ولا قوة الا بالله العلي
العظيم وصلى الله على محمد وآله خير مخلوق دعا الى خير معبود
اللهم ربنا وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا برحمتك
عذاب النار يا رب يا رب يا ربنا اللهم وما كان من خير او عمل
صالح اسألك به واكون في رضوانك وعافيتك وما اصلح
من ذلك الذين الرضا من علي به اني اليك راغب وبك مستجير
اللهم ما استغفرتك منه وما لم استغفرك منه واوجب علي
به النار وسخطك فعافني منه وما عذبت به المغارين يوم القيمة
وسوء المطلع الى ما في القبور فاعفني منه اللهم وما انت عالم
من فعل له والجاني عليه يوم المعاد او في الدنيا على
الحال التي تورث سخطك فاسألك بوجهك الكريم ان تعظم
عافيتي من جميع ذلك يا ولي العافية يا رب يا رب ويا الله
يا رب مع ذلك العافية من جهد البلاء وسوء القضاء وشماتة
الاعداء وان تحملني ما لا طاقة لي به وان تسلط علي ظالما
او تبتليني بما لا طاقة لي به وتناقشني الحساب يوم الحساب فتنتنا
بمساوي حتى ما اكون الى عفوك وتجاوزك اسألك بوجهك
الكريم ان تعظم عافيتي في جميع ذلك يا ولي العافية اي من تعفو
عن السيئات ولم تجازيها ارحم عبدك يا رب يا رب يا رب يا
الله يا الله تعني عفوك ارحم عبدك يا سيداه عبدك بين

بذلك يا رباه يا رباه يا رباه يا منتهى رغبتاه يا مجري الدم في عروقي
عبدك عبدك يا سيداه يا مالك عبده يا سيداه يا مالكي
يا هو يا رباه لا حيلة لي ولا غناء بي عن نفسي ولا استطيع لها ضرا ولا
نفعا ولا رجاء لي ولا اجد احدا اصانعه تقطعت اسباب
الخدائع واضمحل عني كل باطل افردني الدهر اليك فقمت هذا
المقام الهي بعلمك فكيف انت صانع بي ليت شعري ولا اشعر
كيف تقول لدعائي اتقول نعم او تقول لا فان قلت لا فيا ويلتا
يا ويلتاه يا ويلتاه يا عولتاه يا عولتاه يا عولتاه يا شقوتاه يا شقوتاه
يا شقوتاه يا ذلاه يا ذلاه يا ذلاه الى من والى عند من او كيف او
بماذا او الى اي شيء ومن ارجوا ومن يعود علي ان رفضتني يا واسع
المغفرة وان قلت نعم كما الظن بك فطوبى لي انا السعيد فطوبى
لي انا المرحوم يا مترحم يا مترئف يا متعطف يا متجبر يا متمالك
يا متسلط لا عمل لي ارجوا به نجاح حاجتي ولا احدا نفع الا منك
يا من عرفني نفسه يا من امرني بطاعته يا من دعوا يا مسؤول
يا مطلوب اليه رفضت وصيتك التي وصيتني ولم اطعك
لكفتني ما قمت اليك فيه من قبل ان اقوم وانا مع معصيتي لك
راج فلا تحل بيني وبين ما رجوت واردد يدي ملأى من خيرك بجاهك
يا سيدي يا مولاي يا من قد عرفت شرحه وانت خير رب يا محسن
الانقطاع يا رب يا رب يا الله يا الله يا الله يا محيطا بملكوت

السموات والارض اصلح لي دنياي واصلح لي ديني واصلح لي اخرتي
واصلح لي اهلي واصلح لي ولدي فاصلح لي ما خولتني يا الهي واصلحني
من خطاياي يا حنان يا منان تفضل علي برحمتك وامنن علي يا مليك
صل اللهم على محمد النبي واهل بيته وسلم وحل بيني وبين ما حلت بينه و
قلب يعقوب محمد من الباطل واتنا في الدنيا حسنة وفي الاخرة حسنة يا ارحم
الراحمين بين يديكم بسم الله الرحمن الرحيم والهكم اله واحد لا اله الا هو الرحمن
الرحيم الله لا اله الا هو الحي القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم له ما
في السموات وما في الارض من ذا الذي يشفع عنده الا باذنه يعلم ما
بين ايديهم وما خلفهم ولا يحيطون بشيء من علمه الا بما شاء وسع
كرسيه السموات والارض ولا يؤده حفظهما وهو العلي
العظيم الم الله لا اله الا هو الحي القيوم هو الذي يصوركم في الا
رحام كيف يشاء لا اله الا هو العزيز الحكيم الذين يقولون ربنا
اننا امنا فاغفر لنا ذنوبنا وقنا عذاب النار الصابرين والصادقين
والقانتين والمنفقين والمستغفرين بالاسحار شهد الله انه لا
اله الا هو والملائكة واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو
العزيز الحكيم ان الدين عند الله الاسلام الله لا اله الا هو ليجمعنكم
الى يوم القيامة لا ريب فيه ومن اصدق من الله حديثا ذلكم الله
ربكم لا اله الا هو خالق كل شيء فاعبدوه وهو على كل شيء
وكيل اتبع ما اوحي اليك من ربك لا اله الا هو واعرض عن

المشركين قل يا ايها الناس اني رسول الله اليكم جميعا الذي له ملك
السموات والارض لا اله الا هو يحيي ويميت فآمنوا بالله ورسوله النبي
الامي الذي يؤمن بالله وكلماته واتبعوه لعلكم تهتدون وما
امروا الا ليعبدوا الها واحدا لا اله الا هو سبحانه عما يشركون
لقد جاءكم رسول من انفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص عليكم بالمؤمنين
رؤف رحيم فان تولوا فقل حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت
وهو رب العرش العظيم حتى اذا ادركه الغرق قال آمنت انه لا اله
الا الذي آمنت به بنوا اسرائيل وانا من المسلمين فان لم يستجيبوا
لكم فاعلموا انما انزل بعلم الله وان لا اله الا هو فهل انتم مسلمون
قل هو ربي لا اله الا هو عليه توكلت واليه متاب ان انذروا
انه لا اله الا انا فاتقون الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنى
فاستمع لما يوحى انني انا الله لا اله الا انا فاعبدني واقم الصلوة
لذكري انما الهكم الله الذي لا اله الا هو وسع كل شيء علما
وما ارسلنا من قبلك من رسول الا نوحي اليه انه لا اله الا انا
فاعبدون وذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر عليه
فنادى في الظلمات ان لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين
فاستجبنا له ونجيناه من الغم وكذلك ننجي المؤمنين فتعالى
الله الملك الحق لا اله الا هو رب العرش الكريم الله لا اله الا
هو رب العرش العظيم وهو الله لا اله الا هو له الحمد في الاولى و

الآخرة

الآخرة وله الحكم واليه ترجعون يا ايها الناس اذكروا نعمة الله
عليكم هل من خالق غير الله يرزقكم من السماء والارض لا اله الا
هو فانى تؤفكون انهم كانوا اذا قيل لهم لا اله الا الله يستكبرون
ذلكم الله ربكم له الملك لا اله الا هو فانى تصرفون غافر
الذنب وقابل التوب شديد العقاب ذي الطول لا اله الا
هو اليه المصير ذلكم الله ربكم خالق كل شيء لا اله الا هو
فانى تؤفكون تبارك الله رب العالمين لا اله الا هو يحيي ويميت
ربكم ورب آبائكم الاولين فاعلم انه لا اله الا الله واستغفر
لذنبك وللمؤمنين والمؤمنات والله يعلم متقلبكم ومثويكم
لو انزلنا هذا القرآن على جبل لرايته خاشعا متصدعا من خشية
الله وتلك الامثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون هو الله
الذي لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم هو
الله الذي لا اله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن
العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون هو الله الخالق
البارئ المصور له الاسماء الحسنى يسبح له ما في السموات والارض
وهو العزيز الحكيم الله لا اله الا هو وعلى الله فليتوكل المؤمنون
رب المشرق والمغرب لا اله الا هو فاتخذه وكيلا ان الذين كفروا
بالذكر لما جاءهم وانه لكتاب عزيز لا ياتيه الباطل من بين يديه و
لا من خلفه تنزيل من حكيم حميد قولوا آمنا بالله وما انزل الينا

وما انزل الى ابرهيم واسمعيل واسحق ويعقوب والاسباط وما
اوتى موسى وعيسى وما اوتى النبيون من ربهم لا نفرق بين احد
منهم ونحن له مسلمون ربنا رب السموات والارض لن ندعو من
دونه الها لقد قلنا اذا شططا الحمد لله الذى هدينا لهذا
وما كنا لنهتدى لولا ان هدينا الله لقد جاءت رسل ربنا بالحق
صلى الله عليهم اجمعين [illegible] السلام عليك يا رسول الله
السلام عليك يا نبى الله السلام عليك يا خيرة الله من خلقه و
امينه على وحيه السلام عليك يا مولاى يا امير المؤمنين يا حجة
الله على خلقه وامينه على وحيه وباب علمه ووصى نبيه
والخليفة من بعده فى امته لعن الله امة غصبتك حقك و
قعدت مقعدك انا برئ منهم ومن شيعتهم اليك السلام عليك
يا فاطمة البتول السلام عليك يا زين نساء العالمين السلام عليك
يا بنت رسول الله رب العالمين صلى الله عليك وعليه السلام
عليك يا ام السبطين الحسن والحسين لعن الله امة غصبتك
حقك ومنعتك ما جعله الله لك حلالا انا برئ اليك منهم
ومن شيعتهم السلام عليك يا مولاى يا ابا محمد الحسن الزكى
لعن الله امة قتلتك وبايعت فى امرك وشايعت انا برئ اليك
منهم ومن شيعتهم السلام عليك يا مولاى يا ابا عبد الله الحسين
ابن على صلوات الله عليك وعلى ابيك وجدك محمد المصطفى

صلى الله عليه وآله لعن الله امة استحلت دمك ولعن الله امة قتلتك
واستباحت حريمك ولعن الله اشياعهم واتباعهم ولعن الله الممهدين
لهم بالتمكين من قتالكم انا برئ الى الله واليك منهم السلام عليك
يا مولاى يا ابا محمد على ابن الحسين السلام عليك يا مولاى يا ابا جعفر
محمد ابن على السلام عليك يا مولاى يا ابا عبد الله جعفر بن محمد
السلام عليك يا مولاى يا ابا الحسن موسى بن جعفر السلام عليك
يا مولاى يا ابا الحسن على بن موسى الرضا السلام عليك يا مولاى يا ابا
جعفر محمد بن على السلام عليك يا مولاى يا ابا الحسن على بن محمد
السلام عليك يا مولاى يا ابا محمد الحسن بن على السلام عليك يا مولاى
يا ابا القاسم الحجة بن الحسن صاحب الزمان صلى الله عليك وعلى
عترتك الطاهرة الطيبة يا موالى كونوا شفعائى عند الله فى
حط وزرى وخطاياى آمنت بالله وبما انزل اليكم واتوالى آخركم
بما اتوالى اولكم وبرئت من الجبت والطاغوت واللات والعزى
يا موالى انا سلم لمن سالمكم وحرب لمن حاربكم وعدو لمن عاداكم
وولى لمن والاكم الى يوم القيمة ولعن الله ظالميكم وغاصبيكم
ولعن الله اشياعهم واتباعهم واهل مذهبهم وابرأ الى الله واليكم
منهم اللهم انى اشهدك وكفى بك شهيدا واشهد محمدا صلى
الله عليه وآله وعليا والائمة من ذريتهما والثمانية حملة
عرشك والاربعة الاملاك خزنة علمك انى برئ من اعدائهم

صلّ على محمد وعلى أهل بيته الطيبين الطاهرين الصلوة والسلام
اللهم أقر عيني بصلواته وصلوة أهل بيته واجعل ما صدّقني
البعث الحق والمعرفة بهم مستقرا لا مستودعا يا أرحم الراحمين اللهم
وعرفني نفسك وعرفني رسولك وعرفني ملائكتك وعرفني ولاة
أمرك اللهم إني لا آخذ إلا ما أعطيت ولا أوقى إلا ما وقيت اللهم
لا تحرمني منازل أوليائك ولا تزغ قلبي بعد إذ هديتني وهب لي من
لدنك رحمة إنك أنت الوهاب وهيئ لي من أمري رشدا اللهم
دلّني بأهدى السبيل وخلصني من الهالك والآثام وخلصني من الشيطان
وحزبه ومن السلطان وجنده ومن الحرب والضرار بحق محمد
المحمود وبعلي المقصود وبحق شبر وشبير وبحق إمام آل الحسنى
صلّ على محمد أفضل الصلوة إنك على كل شيء قدير وأنت بكل
شيء محيط يا رب يا رب يا رب يا الله يا الله يا الله يا رباه يا رباه يا رباه
يا سيداه يا سيداه يا سيداه يا مولاه يا مولاه يا مولاه يا عماد
من لا عماد له يا سند من لا سند له ويا ذخر من لا ذخر له أنت ربي
وأنا عبدك على عهدك ووعدك اللهم اجعله موقفا محمودا ولا
تجعله آخر العهد منا وأشركنا في صالح دعاء من دعاك في بيتك وحرمك
ومن دعا عند قبر نبيك عليه السلام وعند زمزم والمقام
اللهم لك الحمد حيث رفعت أقدارنا عن شتى آثار بيوتنا الأوساط
الخوالي في الإعناق ولك الحمد حيث لم تجعلنا زنادقة مضلين

ولا ملحدين شاكين مرتابين ولا معاندين ولا عن أهل بيت
نبيك صلى الله عليه وآله منحرفين اللهم كما بلغتنا هذا اليوم
المبارك من شهرنا وسنتنا هذه المباركة فبلغنا أمثاله في عافية
وبلغنا أعواما كثيرة برحمتك يا أرحم الراحمين يا رب يا رب يا
رب يا الله يا الله يا الله يا رباه يا رباه يا رباه يا سيداه يا سيداه يا
سيداه يا مولاه يا مولاه يا مولاه اللهم وما قسمت لي في هذه
الساعة وفي هذا اليوم وفي هذا الشهر وفي هذه السنة من خير
أو بركة أو عافية أو مغفرة أو رزق أو رحمة أو عتق من النار أو رزق
واسع حلال طيب أو توبة نصوح فاجعل لنا في ذلك أوفر النصيب
وأجزل الحظ اللهم وما أنزلت في هذه الساعة وفي هذا اليوم و
في هذا الشهر وفي هذه السنة من حرق أو شرق أو غرق أو هدم أو
ردم أو خسف أو قذف أو رجف أو مسخ أو صيحة أو زلزلة أو عقبة أو
صاعقة أو برد أو جنون أو جذام أو برص أو أكل سبع أو ميتة
سوء وجميع أنواع البلاء في الدنيا والآخرة فاصرفه عنا كيف شئت
وأنى شئت وعن جميع المؤمنين من كل دار ومنزل في شرق الأرض
وغربها عز جارك وجل ثناؤك ولا إله غيرك وحدك لا شريك لك
فاطر السماوات والأرض عالم الغيب والشهادة رب كل شيء ومليكه
أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأشهد أن محمدا صلى
الله عليه وآله عبده ورسوله وأشهد أن الجنة حق والنار حق

وأنّ الساعة آتية لا ريب فيها وأنّ الله يبعث من في القبور وأشهد
أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له عليها أحيا وعليها أموت
وعليها أبعث حيا إن شاء الله بعد الموت رضيت بالله ربا وبالإسلام
دينا وبمحمد صلى الله عليه وآله نبيا وبعلي وليا وبالقرآن كتابا
وبالكعبة قبلة وبإبراهيم عليه السلام لنبينا أبا وبمحمد صلى
الله عليه وآله نبيا وبأمير المؤمنين صلوات الله عليه للحق موجها
والجنة والنار قاسما وبالمؤمنين من شيعته إخوانا لا أشرك بالله
شيئا ولا أتخذ من دونه وليا ولا أدعو معه إلها لا إله إلا الله
وحده لا شريك له إلها واحدا أحدا فردا صمدا لم يتخذ صاحبة
ولا ولدا اللهم إني أسألك بالعظيم من الآلاء والعظيم من نعمائك
والمخزون من أسمائك وما وارته الحجب من بهائك ومعاقد العز من
عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك ووحدك لا شريك لك أن
تصلي على محمد وآل محمد وأن ترحم هذه النفس الجزوعة وهذا البدن
الهلوع الذي لا يطيق حر شمسك فكيف حر نارك إن تعاقبني لا تزد
في ملكك شيئا وإن تعف عني لا ينقص من ملكك شيء أنت يا رب
بخلقك أرحم وبعبادك أعلم وبخطايانا أعرف وملكك أقدم وعفوك
أكرم وعلى عبادك أنعم لا تزيد في ملكك طاعة المطيعين ولا ينقص
منه معصية العاصين واعف عني يا أكرم الأكرمين ويا أرحم
الراحمين أعوذ بعزتك واستظل بفنائك واستجير بحلمك واستعيذ

برحمتك واعتصم بحبالك ولا أثق إلا بك ولا ألجأ إلا إليك بأعظم
الرجاء يا كاشف البلاء ويا أحق من تجاوز وعفى اللهم إن ظلمي مستجير
بعفوك وخوفي مستجير بأمانك وفقري مستجير بغناك ووجهي البالي
الفاني مستجير بوجهك الدائم الباقي الذي لا يفنى ولا يزول يا من لا
يشغله شأن عن شأن لا تجعل مصيبتنا في ديننا ولا تجعل الدنيا
أكبر همنا ولا تسلط علينا من لا يرحمنا وعد بحلمك على جهلنا
وبإحسانك على إساءتنا وبقوتك على ضعفنا وبغناك على فقرنا
وأعذني من الأذى والقذف والظن وسوء القضاء وشماتة الأعداء
وسوء المنظر في المال والدين والأهل والولد وعند معاينة ملك
الموت اللهم يا رب نشكو إليك غيبة نبينا عنا وقلة ناصرنا وكثرة عدونا
وشدة الزمان علينا ووقوع الفتن بنا وتظاهر الخلق علينا اللهم
صل على محمد وآل محمد وافرج ذلك بفتح منك تعجله ونصر تعزه
وحق تظهره اللهم وابعث بقائم آل محمد صلى الله عليه وآله لإحياء
لدينك وإظهار لحقك والقيام بأمرك وتطهير أرضك من أرجاسها
برحمتك يا أرحم الراحمين اللهم إني أعوذ بك أن أوالي لك عدوا أو
أعادي لك وليا أو أسخط لك رضا أو أرضى لك سخطا أو أقول
للحق هذا باطل أو أقول للباطل هذا حق أو أقول للذين كفروا هؤلاء
أهدى من الذين آمنوا سبيلا اللهم صل على محمد وآله وآتنا في
الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا برحمتك عذاب النار

و سابقاً مذکور شد که عمل استفتاح این روز بعمل آوردن سنت است

فصل نهم در بیان اعمال ضروریه شب عید قربان و روزش و ایام تشریق است که روز یازدهم و دوازدهم و سیزدهم باشد بدانکه شب عید اضحی از جملهٔ چهار شبیست که احیای آنها سنت موکد است و منقول شد که در این شب درهای آسمان گشوده میشود برای آنکه صدای دعای حاجیان بالا رود و صدای ایشان در آسمان چنین است مانند دوی نحل مکرر عمل در شبان کنند و حق تعالی حاجیان را ندا میکند که منم پروردگار شما و شما بندگان من و حق مرا ادا کردید و بر من لازم است که دعای شما را مستجاب گردانم پس هر که مستحق آمرزش است همه گناهان او را بیامرزد و هر که سزاوار زیادتیست گناهان او را کم میکند پس هر که با ایشان در دعا و عبادت شریک شود در ثواب با ایشان شریک خواهد بود و غسل و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام در این شب سنت است و منقولست که هر که آنحضرت را در این شب زیارت کند گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده شود اعمال روز عید غسل در آن سنت موکد است و بعضی واجب دانسته اند و بهتر است که پیش از نماز غسل کند و نماز عید در زمان غیبت امام بنا بر مشهور سنت موکد است و بعضی فقیر واجبست بشرایط مذکوره و نمازش همان کیفیت است که در عید فطر مذکور شد و دعای پیش از رفتن بنماز عید در آنجا مذکور شد و سنت بسیار پیش از نماز و بعد از آن وارد شده است و انشاء الله بجایش ذکر خواهد

نماز گزاردن دعاها و دعای چهل و هشتم صحیفه کامله است که اولش اینست اللهم هذا یوم مبارک و اگر دعای چهل و ششم که اولش یا من یرحم من لا یرحمه العباد است نیز بخواند بهتر است زیرا که در بعضی نسخ قدیمهٔ صحیفه باستحباب خواندن این دعا نیز وارد شده است و دعای ندبه نیز بخواند و در این روز زیارت را اعاده نماید بنحوی چنانچه انشاء الله بعد از این در ضمن زیارت مذکور خواهد شد و روز عید سنت است که افطار بعد از نماز از گوشت قربان بشود و از جمله احکام این عید قربانیست و از سنت موکد است و بعضی از علما واجب دانسته اند اگر قدرت بر آن داشته باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که اضحیه واجب است بر هر مسلمانی که فقیر نبود که البته از برای خود بکند و از برای عیال خود اگر خواهی بکن و اگر خواهی مکن و از ام سلمه زوجه حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که بآنحضرت عرض کرد که عید اضحی حاضر میشود و من قیمت اضحیه ندارم آیا قرض کنم و اضحیه بخرم حضرت فرمود که قرض کن این قرض را خدا ادا میکند و بهتر است که در روز عید بکشد و در روز یازدهم و دوازدهم نیز میتواند کشت و اگر در منی باشد روز سیزدهم میتواند کشت و بهتر است که در دهه ذی الحجه خریده باشد و مکروه است قربانی کردن حیوانی که در خانه تربیت کرده باشد و می باید شتر یا گاو یا گوسفند یا بز بوده باشد و حیوانات دیگر را قربانی نمیتوان کرد و اگر شتر باشد می باید پنج سال تمام داشته باشد

یا زیاده و اگر گاو یا بز بوده باشد می‌باید که یکسال تمامش شده و داخل در سال
دوم شده باشد و اگر دو سال تمام داشته باشد بهتر است و اگر
گوسفند باشد شش ماهه کافیست و اگر هفت ماه تمام داشته باشد
بهتر است و باید عضوی از اعضایش ناقص نباشد و کور یک چشم یا دو چشم بوده
باشد و بسیار لاغر نباشد که راه رفتن بر آن دشوار باشد و گوشش
بریده نباشد و اگر شق شده و جدا نشده باشد باکی نیست و اگر شق نشده باشد
بهتر است و باید که شاخ اندرونش نشکسته باشد و اگر بیرونش نشکسته
باشد بهتر است و بهتر است که بسیار فربه بوده باشد و سنت
است که نر بوده باشد و باید که بسیار لاغر نبوده باشد که پیه بر گرده‌اش
نباشد و باید که خصی نباشد یعنی خصیه‌اش را بیرون نیاورده باشند و مکروه است
اگر خصیه‌اش را مالیده باشند و اگر بغیر خصی میسر نشود خصی را قربانی
میتوان کرد و سنت است که اگر قربانی شتر یا گاو باشد ماده باشد و اگر گوسفند
یا بز باشد نر باشد و سنت است که خود بکشد و اگر نتواند دست بر روی
دست قصاب بگذارد و عمده در یکشنبه و طریق کشتن آنست که اگر شتر باشد
نحر کند یعنی حربه را مانند کارد بر آن گودال بالای سینه فرو برد و اگر
بعوض آن ذبح کند حرام میشود و واجب است که رو بقبله بدارد و نام
خدا ببرد و سنت است که ایستاده بدارد و دستهایش و هر دو دستش را از زیر
با نانها تا ابریهمان با تسمه ببندد و آنکه نحر میکند در جانب
راست شتر بایستد و حربه را در نحرش فرو برد و اگر گاو یا گوسفند یا بز

باشد

باشد باید چهار رگ را از گردنش ببرد یعنی حلقوم و دو رگ بزرگ که در دو
جانب حلقوم است و رگی که در پیش حلقوم است که راه آب و علف از آن
داخل جوف آن میشود و اگر اینها را نحر کند حرام میشود و سنت است که دعاها
در وقت کشتن چنانکه بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که چون قربانی را بخری روی او را بقبله کن و در وقت نحر یا ذبح بگو وجهت
وجهی للذی فطر السموات والارض حنیفا مسلما وما انا من المشرکین
ان صلاتی ونسکی ومحیای ومماتی لله رب العالمین لا شریک له و
بذلک امرت وانا من المسلمین اللهم منک ولک بسم الله والله اکبر
پس نحر یا ذبح کند و بگوید اللهم تقبل منی و فرمود که تا نمیرد سرش را جدا
مکن و چون پوست بکند سنت است که یک حصه را خود و اهل خانه‌اش
بخورند و بهتر است که خود با آن افطار کنند و یک حصه را برای همسایگان
بفرستند و اگر پریشان باشند بهتر است و یک حصه را بفقرا و
سؤال کنندگان بدهند و اگر اکثر را تصدق کند ثوابش بیشتر باشد و سنت
است که پوست و کله و جمیع اعضای حلال را تصدق کنند و صرف
نکنند و بقصاب ندهند مگر آنکه قصاب پریشان باشد و بتصدق باو
بدهند و در حدیث صحیح وارد شده است که پوستش را میتوانند دباغت
کنند و بر روی آن نماز کنند و بفروشند و اگر گوسفند بفروشند سنت
است که قیمتش را تصدق کنند و اگر یک حیوان برای خود و عیال
خود و عیال خود بکشد کافیست و اگر یکی از برای خود و یکی از برای

عیال خود بکشد بهتر است و اگر بعد عیال بکشد ثوابش بیشتر خواهد
بود و از برای پدر و مادر و اولاد و خویشان که مرده باشند قربانی کردن نیکو است
و اگر از برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله و ائمه قربانی کند ظاهرا
خوبست چه منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله دو گوسفند
قربانی کردند و در اول فرمودند که خداوندا این از من و از هر که قربانی نکرده
است از اهل بیت من و در دوم فرمودند خداوندا این از من و از هر که
قربانی نکرده باشد از امت من و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام هر سال
اول یک گوسفند قربانی میکرد و میفرمودند خداوندا این از پیغمبر تو است
پس یک گوسفند دیگر از برای خود قربانی میفرمود و اگر جمعی با هم شریک شوند
که هر یک قربانی جدا بکنند جایز است که اگر یک بکر یک یکشوند اما افضل
بلکه افضل دهد و حق تعالی فرموده است که خدا را یاد کنید در ایام معدودات
بعضی گفته اند روزی چند شمرده شده و در احادیث معتبره منقول است که مراد
تکبیر گفتن است در ایام تشریق پس هر که در منی باشد در عقب پانزده نماز
بگوید که اولش ظهر روز عید است و آخرش صبح روز سیزدهم و در سایر بلاد
عقب ده نماز که از ظهر روز عید است تا صبح روز دوازدهم و مشهور
استحباب است و بعضی واجب دانسته اند و اولش بعد از هر نمازی که فریضه
است و اگر مکرر بگوید بهتر است و بعد از نمازهای نافله نیز اگر بگوید خوبست
و طریق تکبیر موافق صحیحه این است الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله
والله اکبر الله اکبر و لله الحمد الله اکبر علی ما هدانا الله

اکبر علی ما رزقنا من بهیمة الانعام والحمد لله علی ما ابلانا **فصل ششم**
در فضایل و اعمال شب و روز عید غدیر است و عید غدیر از جمله عظیم
اعیاد است و عظیم ترین اعیاد است و احادیث از طریق عامه و خاصه
در فضیلت این روز و اعمال آن زیاده از حد و احصا است و در این مقام
بچند حدیث اکتفا مینمایم بسند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام
منقول است که چون روز قیامت شود چهار روز را بسوی عرش الهی برند
مانند عروس که او را بخانه داماد برند روز عید اضحی و روز
عید فطر و روز جمعه و روز عید غدیر و روز عید غدیر در میان اینها
مانند ماه باشد در میان ستارگان و آن روزیست که حق تعالی ابراهیم
خلیل را از آتش نجات داد و ابراهیم آن روز را روزه داشت برای شکر حق تعالی
و آن روزیست که خدا کامل گردانید دین را در آن روز به اینکه حضرت رسول
صلی الله علیه و آله حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را نصب
کرد بخلافت و فضیلتهای او را و وصی بودن او را ظاهر گردانید و موسی
پیغمبر روزه داشت این روز را و این روز کامل شدن دین است و روزیست
که بینی شیطان بخاک مالیده شده است و روزیست که اعمال شیعیان
و دوستان در این روز مقبول میشود و این روزیست که حق تعالی
عملهای مخالفان و سنتها را باطل میگرداند مانند ذره‌ها که در میان
هوا پراکنده میشود و این روزیست که خدای عز و جل امر میکند جبرئیل را
که نصب کند کرسی کرامت خدا را در برابر بیت المعمور و جبرئیل

بر آنکه جمیع الامر و کوه ها و ملائکه جمیع آسمانها در آن جمع میشوند و ثنا میکنند
بر محمد و آل محمد و استغفار میکنند برای شیعیان امیرالمؤمنین و ائمه طاهرین
و دوستان ایشان از فرزندان آدم و این روزیست که امر میکند حق تعالی
ملائکه نویسندگان اعمال را که قلم بردارند از محبان اهل بیت و شیعیان
ایشان تا سه روز از روز غدیر و ننویسند هیچ خطا و گناه ایشان را برای کرامت
محمد و علی و ائمه صلوات الله علیهم و این روزیست که خدا مخصوص محمد
و آل او و شیعیان ایشان کرده است و این روزیست که خدا زیاد میکرداند
مال کسی را که عبادت خدا کند در این روز و توسعه دهد در روز بر عیال
خود و برادران مؤمن خود و او را آزاد میکرداند از آتش جهنم و این روزیست
که خدا سعی شیعیان را شکر میکند یعنی مزد میدهد و گناه ایشان را می آمرزد
و عمل ایشان را قبول میکند و این روزیست که خدا غمهای شیعیان را زایل
میکرداند و گناه ایشان را کم میکند و روز بخشش است و روز عطیه است
و روز طی کردن علم است و روز بشارتست و روز عید بزرگست و روزی
که دعاها در آن مستجاب میکردد و روز موقف بزرگست و روز پوشیدن
جامه های نیکوست و روز کندن کلاهای شیعیان امیرالمؤمنین است
و روزیست که بسیار صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد و روز خوشنودیست
و روز عید اهل بیت محمد است و روز قبول اعمال است و روز طلب زیادتی
ثوابست و روز استراحت مؤمنانست و روز سوداگری ایشانست
و روز دوستی کردن شیعیانست با یکدیگر و روز رسیدن به رحمت

خدا

خدایست و روز ترک کبایر و گناهانست و روز عبادتست و روز افطار روزه
داران است پس هر که روزه دار را در این روز افطار دهد و فرموده اند چنانست
که ده فئام را طعام کرده است و هر فئامی صد هزار کس است یعنی فرمود
و بسیار کار داشت پس هر مؤمنی که دیگری را ملاقات کند چنین بگوید
الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بولایة امیر المؤمنین والائمة
علیهم السلام یعنی حمد و سپاس خداوندی را سزاست که گردانید ما را
از آنها که چنگ زده اند در ولایت و محبت پادشاه مؤمنان و ائمه علیهم
السلام و این روز تبسم است در روی مؤمنان پس هر که تبسم کند در روی
برادر مؤمن خود در روز غدیر حق تعالی نظر کند بسوی او در روز قیامت
برحمت و برآورد هزار حاجت او را و بنا کند در بهشت از برای او قصری
از مروارید سفید و روی او را نورانی گرداند و این روز زینت است پس
هر که زینت کند در روز غدیر حق تعالی بیامرزد از برای او هر گناهی
که کرده است از صغیره و کبیره و بفرستد حق تعالی بسوی او ملکی چند را که
بنویسند برای او حسنات و بلند کنند برای او درجات تا سال آینده مثل
این روز پس اگر بمیرد شهید مرده باشد و ثواب شهیدان داشته باشد
و اگر زنده باشد سعادتمند زندگانی کند و هر که طعام بدهد در این
روز مؤمنی را چنان باشد که طعام داده باشد جمیع پیغمبران و صدیقان را
و هر که دیدن کند در این روز مؤمنی را داخل کرداند خدا در قبر او هفتاد
نور و قبرش را گشاده کرداند و زیارت کنند او را در قبر او هر روز هفتاد هزار

ملائکه و بشارت دهند او را بهشت و در روز غدیر حق تعالی عرض کرد
ولایت و امامت و محبت ما اهل بیت را بر اهل آسمانهای هفت گانه
پیشی گرفتند باقرار آن اهل آسمان هفتم پس زینت داد او را بعرش بعد
از آن سبقت گرفتند اهل آسمان چهارم پس زینت داد او را به بیت
المعمور پس سبقت گرفتند اهل آسمان اول پس او را زینت داد بستارها
پس حق تعالی عرض کرد ولایت ما را بر زمینها پس پیشی گرفت باقرار آن
مکه معظمه پس زینت داد او را بکعبه پس پیشی گرفت مدینه طیبه
پس زینت داد او را بقبر مصطفی پس پیشی گرفت کوفه پس زینت
داد او را بقبر حضرت امیر المؤمنین پس عرض کرد ولایت ما را بر کوهها پس
اول کوهی که اقرار کرد سه کوه بود کوه عقیق و کوه فیروزه و کوه یاقوت
و باین سبب این جواهرها در انها بهترند از کوههای دیگر پس سبقت گرفتند
و باین سبب معدن طلا و نقره و سایر معدنها گردیدند و هر اینکه
اقرار نکردند معدن هیچ چیز نگردیدند و باز در روز غدیر عرض کرد
ولایت ما را بر ابها هر چه قبول کرد شیرین شد و هر چه قبول نکرد شور
و تلخ شد پس عرض کرد ولایت ما را بر گیاهان هر چه که قبول کرد بعضی
گوش خوش او از کرد [illegible] و هر اینکه قبول نکرد [illegible] مثل
مؤمن در قبول کردن ولایت امیر المؤمنین علیه السلام در روز غدیر
مانند مثل ملائکه است در قبول کردن سجده حضرت آدم و مثل انها
که قبول ولایت آنحضرت نکردند در روز غدیر مانند مثل شیطانست

در قبول نکردن سجده آدم و در روز غدیر این آیه نازل شد الیوم اکملت
لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا
یعنی امروز کامل کردانیدم از برای شما دین شما را و تمام کردانیدم
بر شما نعمت خود را و پسندیدم اسلام را برای دین شما پس حضرت فرمود
که فرستاده است خدا بپیغمبر امکه بگوید و خلیفه شود در آن
امروز نصب کرده است و کاملی بستند منبرها بکرده است کار
حضرت صادق علیه السلام پرسید که ایا مسلمانانرا عیدی
هست غیر جمعه و اضحی و فطر فرمود بلی عیدی هست که از همه حرمتش
بیشتر است راوی گفت کدام عید است فرمود که آن روزیست که نصب
کرد رسول خدا امیر المؤمنین را بخلافت خود و فرمود که هر که من مولای
اقای اویم علی مولا و اقا و پیشوای او است و آن روز هجدهم ذی الحجه است
راوی گفت چه کار باید کرد در آن روز فرمود که باید روزه بدارید و
عبادت کنید و محمد و آل محمد را یاد کنید و بر ایشان صلوات بفرستید
و وصیت کرد رسول خدا امیر المؤمنین را که این روز را عید گردانند
و هر پیغمبری وصی خود را وصیت میکرد که این روز را عید گردانند
و بروایت دیگر فرمود که روزه روز غدیر کفارهٔ شصت سالست
و بروایت دیگر منقولست که مفضل از حضرت صادق علیه السلام
پرسید که کدام مرتبکی مراکه روز غدیر را روزه بدارد فرمود ای والله
ای والله ای والله بدرستیکه خدا در این روز توبه حضرت آدم را

قبول کرد و شکر آن این روز را روزه داشت و در این روز حضرت موسی
هرون را وصی خود گردانید و این روز را بشکر این نعمت روزه داشت
و در این روز حضرت عیسی وصی خود شمعون الصفا را ظاهر
کردانید و این روز را بشکر حقتعالی روزه داشت و در این روز حضرت
رسول حضرت امیر المؤمنین را خلیفه و جانشین خود کردانید و
فضیلت و رضای او را بر خلق ظاهر کردانید این روز را بشکر
این نعمتها روزه داشت و این روز روزه داشتن راحت و روز عبادت
و روز طعام دادن است و روز نیکی کردن است با برادران مؤمن و روزی
که خدا از مؤمنان خوشنود میکردد و روزی که شیطان بر خاک مالیده
میشود و بسند معتبر از ابن ابی نصر منقولست که گفت روزی در
خدمت امام رضا علیه السلام بودم و جماعت بسیار حاضر بودند
پس فضیلت روز غدیر مذکور شد و بعضی از حاضران انکار کردند
حضرت فرمود که پدرم از پدرانش روایت کرده که روز غدیر در آسمان
مشهورتر است از زمین و بدرستیکه خدا را در فردوس اعلی قصری
هست که یک خشت آن از طلا و یک خشت آن از نقره و در آن قصر صد
هزار قبه است از یاقوت سرخ و صد هزار خیمه است از یاقوت سبز
و خاکش مشک و عنبر است و در آن چهار نهر جاریست نهری از شراب
و نهری از آب و نهری از شیر و نهری از عسل و در دور آن درختها
هست از انواع میوها و بر آن درختان مرغان خوش الحان هستند

بدنهای

بدنهای آنها از مروارید است و بالها از یاقوت و بانواع نغمها خوانندگی
میکنند و چون روز غدیر میشود در آن قصر جمع میشوند جمیع اهل
آسمانها و تسبیح و تهلیل و تقدیس حقتعالی میکنند و آن مرغان پرواز
میکنند و خود را در آن آب فرو میبرند و بر آن مشک و عنبر میغلطند و چون
ملائکه جمع شدند پرواز میکنند و مشک و عنبر بر ایشان می افشانند
و در این روز نثار حضرت فاطمه علیها السلام را که در شب زفاف حضرت
سدرة المنتهی و درختان طوبی نثار کردند برای یکدیگر هدیه میفرستند
و چون آخر این روز میشود ندا از جانب رب العزه بایشان میرسد که برگردید
بسوی درجها و مرتبهای خود پس بتحقیق که ایمن کردید از کناه و خطا و لغزش
تا مثل این روز از سال آینده برای کرامت محمد و علی پس حضرت فرمود ای پسر
ابی نصر هر جا که باشی سعی کن که نزد قبر مطهر حضرت امیر المؤمنین علیه
السلام حاضر شوی بدرستیکه خدای امرزد از هر مرد مؤمن و زن مؤمنه
گناه شصت ساله ایشان را و در این روز آزاد میکند از آتش جهنم دو برابر
آنچه آزاد کرده است در ماه رمضان و شب قدر و شب فطر و یکدرهم
که در این روز به برادر مؤمن بدهی برابر است با هزار درهم که در اوقات دیگر
بدهی و احسان کن در این روز برادران مؤمن خود و شاد گردان هر مرد
مؤمن و زن مؤمنه را بخدا سوگند که اگر مردم فضیلت این روز را بدانند
چنانچه باید هر آینه هر روزی ده مرتبه ملائکه با ایشان مصافحه کنند و
زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در این روز فضیلت بسیار

بار دارند رد بلب و دو ره موافق روایت صفوان و غیر آن اگر اراده زیارت
کند دو رکعت نماز زیارت بجا آورد در رکعت اول سوره انا انزلناه و
در رکعت دوم سوره قل هو الله احد بخواند پس این دعا را بخواند
اللهم صل على وليك وأخي نبيك ووزيره وحبيبه وخليله و
موضع سره وخيرته من أسرته ووصيه وصفوته وخالصته وأمينه
ووليه وأشرف عترته الذين آمنوا به وأبي ذريته وباب حكمته و
الناطق بحجته والداعي إلى شريعته والماضي على سنته وخليفته على
أمته سيد المسلمين وأمير المؤمنين وقائد الغر المحجلين أفضل ما
صليت على أحد من خلقك وأصفيائك وأوصياء أنبيائك اللهم
إني أشهد أنه قد بلغ عن نبيك صلى الله عليه وآله ما حمل ورعى ما
استحفظ وحفظ ما استودع وحلل حلالك وحرم حرامك وأقام
أحكامك ودعا إلى سبيلك ووالى أولياءك وعادى أعداءك و
جاهد الناكثين عن سبيلك والقاسطين والمارقين عن أمرك صابرا
محتسبا مقبلا غير مدبر لا تأخذه في الله لومة لائم حتى بلغ في ذلك
الرضا وسلم إليك القضاء وعبدك مخلصا ونصح لك مجتهدا
حتى أتاه اليقين فقبضته إليك شهيدا سعيدا وليا تقيا رضيا
زكيا هاديا مهديا اللهم صل على محمد وعليه أفضل ما صليت
على أحد من أنبيائك وأصفيائك يا رب العالمين و اگر ایشان کند
بانگشت شهادت بجانب قبر شریف آنحضرت و این زیارت را نیز بخواند

السلام عليك يا أمير المؤمنين ورحمة الله وبركاته السلام عليك
يا أمين الله في أرضه وحجته على عباده أشهد أنك جاهدت يا
أمير المؤمنين في الله حق جهاده وعملت بكتابه واتبعت سنن نبيه
صلى الله عليه وآله حتى دعاك الله إلى جواره فقبضك إليه
باختياره وألزم أعداءك الحجة في قتلهم إياك
مع ما لك من الحجج البالغة على جميع خلقه اللهم صل على محمد
وآله واجعل نفسي مطمئنة بقدرك راضية بقضائك مولعة
بذكرك ودعائك محبة لصفوة أوليائك محبوبة في أرضك
وسمائك صابرة عند نزول بلائك شاكرة لفواضل نعمائك
ذاكرة لسوابغ آلائك مشتاقة إلى فرحة لقائك متزودة
التقوى ليوم جزائك مستنة بسنن أوليائك مفارقة لأخلاق
أعدائك مشغولة عن الدنيا بحمدك وثنائك اللهم إن قلوب
المخبتين إليك والهة وسبل الراغبين إليك شارعة وأعلام
القاصدين إليك واضحة وأفئدة العارفين منك فازعة وأصوات
الداعين إليك صاعدة وأبواب الإجابة لهم مفتحة ودعوة من
ناجاك مستجابة وتوبة من أناب إليك مقبولة وعبرة من بكى
من خوفك مرحومة والإغاثة لمن استغاث بك موجودة والإعانة
لمن استعان بك مبذولة وعداتك لعبادك منجزة وزلل من
استقالك مقالة وأعمال العاملين لديك محفوظة وأرزاق

الخالق من لدنك لا بد له وعوائد المزيد إليهم واصلة وذنوب المستغفرين
مغفورة وحوائج خلقك عندك مقضية وعوائد السائلين عندك
موفرة وعوائد المزيد متواترة وموائد المستطعمين معدة و
مناهل الظماء لديك مترعة اللهم فاستجب دعائي واقبل ثنائي
واجمع بيني وبين أوليائي بحق محمد وعلي وفاطمة والحسن
والحسين والأئمة من ذريتهم إنك ولي نعمائي و
منتهى مناي وغاية رجائي في منقلبي ومثواي واگر بعد از تمام
اول اين دعا را بعمل آورد واخر اين دعا را بخواند شايد بهتر باشد و
عيد غدير نيز شب بارها گذشت وذكر اين شب نيز مناسبت
كه اين زيارت را بعمل آورند ونماز روز را اين شب وارد شده است چون
سندش معتبر نبود ايراد ننموديم واما فضيلت روزه داشتن و تهيه
كردن وافطار روزه دار نمودن در اين روز در اين باب احاديث بسيار
است از جمله اينها اين روايت است كه حضرت صادق عليه السلام فرمود
كه روزه روز عيد غدير برابر است با روزه عمر دنيا كه اگر كسي بقدر
تمام عمر دنيا عمر يابد و روزه بدارد روزه اين روز برابر است با ثواب
او وروزه اش برابر است با صد حج وصد عمره مبرور و عيد بزرگ خدا
وخدا نفرستاده است پيغمبري را مگر آنكه اين روز را عيد كرده است
و حرمت آن را دانسته است ونامش در آسمان روز عهد معهود است
ونامش در زمين روز ميثاق ماخوذ وجمع مشهود است وهركه در اين

روز مؤمني را افطار فرمايد ثواب كسي دارد كه فئامي را طعام دهد كه هر
فئامي صد هزار كس است وثواب كسي دارد كه طعام دهد وآب دهد
با اين عدد كه مذكور شد از پيغمبران واوصياي ايشان وشهيدان
وصالحان در سال قحط وتنگي درهم كه در اين روز تصدق كنند برابر
است با صد هزار درهم كه در روزهاي ديگر تصدق كنند پس فرمود
كه شايد گمان كني كه خدا روزي خلق كرده است كه حرمتش از اين روز
بيشتر باشد نه والله نه والله نه والله وبروايت ديگر فرمود كه
روزه اش برابر است با شصت ماه از ماههاي حرام كه روزه بدارند
وفرمود كه روز عيد وسرور وشادي است وبسند معتبر از فياض بن
محمد منقول است كه گفت در روز عيد غدير در خدمت حضرت
امام رضا عليه السلام بودم وآنحضرت در آن روز مخصوصان
خويشان واصحاب خود را جمع كرده بود وايشان را نگاه داشته بود
كه در شب افطار كنند وبخانهاي ايشان طعام وزرها وخلعتها
فرستاده بود حتى انگشتر وكفش نيز فرستاد واز ايشان خلعتهاي
فاخر شفقت فرمود وملازمان وخدمتكارهاي خود را جامهاي نو
بسيار نفيس پوشانيده بود وفضيلت اين روز را براي مردم نقل ميفرمود
از جمله آنها گفت كه در بعضي از سالهاي خلافت حضرت امير المؤمنين
عليه السلام روز جمعه با عيد غدير در يك روز جمع شدند پس بعد
از پنج ساعت كه از روز گذشت حضرت بر منبر بالا رفت وخطبه

طولانی خوانده وخدا با اهل روز غدیر را بسیار بیان فرموده وثنا‌ها بسیار
از برای این روز ذکر کرده فرمود که بعد از انقضای این مجمع برگردید بجانهای
خود وتوسعه کنید بر عیال خود واحسان ونیکی کنید نسبت ببرادران
مؤمن خود ودوستان خود برادران مؤمن خود را جمع کنید ونیکویی
کنید نسبت بایشان ویکدیگر را تهنیت ومبارکباد بگوئید ونیکی
واحسان کردن در این روز عمر ومال را زیاده میکند ومهربانی با یکدیگر
موجب رحمت الهی است وتا توانید بخشش واحسان کنید باهل
خود وبرادران مؤمن خود واظهار شادی وخوشحالی کنید وهر که امید
احسان از شما دارد دریغ وتقصیر مکنید وضعیفان وفقیران وغلامان
وکنیزان را با خود برابر کنید بدرستیکه دادن یکدرهم در این روز برابر است
با دویست هزار درهم وحقتعالی زیاده بر عطا میکند وروزه این
روز را حقتعالی سنت گردانیده وثوابش را مانند کسی گردانیده که از
اول دنیا تا آخر دنیا عبادت کند بانکه روزها روزه بدارد وشبها
بعبادت بایستد وکسی که برآورد حاجت برادر مؤمن خود را پیش
از آنکه او اظهار کند واز روی رغبت وخواهش با او نیکی کند چنان
باشد که این روز را روزه داشته باشد وشبش را عبادت کرده باشد
وهر که در شبش مؤمنی را افطار فرماید چنان باشد که هزار هزار
پیغمبر وصدیق وشهید را افطار فرموده باشد پس چگونه باشد
ثواب کسی که متکفل احوال چندین نفر از مردان مؤمن وزنان مؤمنه

شود وهر که اینچنین کند من ضامنم بر خدا که امان یابد از کافر شدن و
فقیر شدن واگر بمیرد در آنشب یا در آن روز یا بعد از آن تا عید غدیر
آینده بمیرد بانکه کبیره بسیار بجای بکند البته آمرزیده است واگر
قرض بکند که این روز برای برادران خود من ضامنم بر خدا که اگر او را
زنده بدارد یا بمیراند آن قرض را از او متحمل شود واز دوش او بردارد وچون
با یکدیگر ملاقات کنید مصافحه نمائید وبزبانها یکدیگر را تهنیت
بگوئید وآنچه گفتم حاضران بغایبان بگوئید وتوانگران رعایت کنند
فقیران را واقویا دستگیری کنند ضعیفان را آنحضرت رسول خدا مرا
بمثل اینها امر فرموده وبدانکه غسل در اول این روز سنت موکد است
واما کیفیت نماز روز عید غدیر نماز مشهورش آنست که از حضرت
صادق علیه السلام روایت کرده اند که هر که در این روز نیم ساعت
پیش از زوال شمس دو رکعت نماز بجا آورد ودر هر رکعت سوره حمد
یکمرتبه وقل هو الله احد وانا انزلناه وآیة الکرسی تا هم فیها خالدون
هر یک را ده مرتبه بخواند برابر باشد نزد حقتعالی با صد هزار حج وصد
هزار عمره وهر حاجت که از حاجتهای دنیا وآخرت که از خداوند کریم
سؤال کند البته باسانی وعافیت برآورده شود وچون برادر مؤمن را
ملاقات کنی بگو الحمد لله الذی اکرمنا بهذا الیوم وجعلنا من
الموفین بعهده الذی عهده الینا ومیثاقه الذی واثقنا به من
ولایة ولاة امره والقوام بقسطه ولم یجعلنا من الجاحدین

المكذبين بيوم الدين يعنی سپاس خداوندی را سزاست كه ما را كرامی
داشت باین روز و كردانید ما را از ایمان آورندكان و كردانید ما را از
وفا كنندكان بعهد خود كه عهد كرفته است بر ما و پیمان كه محكم
كردانیده است بر ما كه ولایت والیان امر او است و آنانكه حكم می
كنند بعدالت در میان خلق و نكردانید ما را از انكار كنندكان و
تكذیب كنندكان بروز جزا و فرمود كه بعد از نماز این دعا بخواند ربنا
اننا سمعنا مناديا ينادي للايمان ان آمنوا بربكم فآمنا ربنا فاغفر لنا
ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا وتوفنا مع الابرار ربنا وآتنا ما وعدتنا
على رسلك ولا تخزنا يوم القيمة انك لا تخلف الميعاد اللهم
انا نشهدك وكفى بك شهيدا واشهد ملائكتك وانبياءك
وحملة عرشك وسكان سمواتك وارضك بانك انت الله لا اله
الا انت المعبود فلا نعبد سواك فتعاليت عما يقول الظالمون
علوا كبيرا واشهد ان محمدا عبدك ورسولك واشهد ان امير
المؤمنين عبدك ومولانا ربنا سمعنا واجبنا وصدقنا المنادي
رسولك صلى الله عليه وآله اذ نادى نداء عنك بالذي
امرته ان يبلغ ما انزلت اليه من ولاية ولي امرك وحذرته
وانذرته ان لم يبلغ ما امرته به ان تسخط عليه ولما بلغ
رسالاتك عصمته من الناس فنادى مبلغا عنك الا من
كنت مولاه فعلي مولاه ومن كنت وليه فعلي وليه

ومن كنت نبيه فعلي اميره ربنا قد اجبنا داعيك النذير محمدا
عبدك ورسولك الى الهادي المهدي عبدك الذي انعمت
عليه وجعلته مثلا لبني اسرائيل علي امير المؤمنين ومولى
ووليهم ربنا واتبعنا مولينا وولينا وهادينا وداعينا وداعي
الانام وصراطك المستقيم وحجتك البيضاء وسبيلك الداعي
اليك على بصيرة هو ومن اتبعه وسبحان الله عما يشركون
واشهد انه الامام الهادي الرشيد امير المؤمنين الذي ذكرته
في كتابك وقولك الحق وانك قلت وانه في ام الكتاب
لدينا لعلي حكيم اللهم فانا نشهد بانه عبدك والهادي
بعد نبيك النذير المنذر وصراطك المستقيم وامير المؤمنين
وقائد الغر المحجلين وحجتك البالغة ولسانك المعبر عنك
في خلقك وانه القائم بالقسط في بريتك وديان دينك وخازن
علمك وامينك المأمون المأخوذ ميثاقه وميثاق رسولك
عليهما السلام من جميع خلقك وبريتك شاهدا بالاخلاص لك
والوحدانية والربوبية بانك انت الله لا اله الا انت وان محمدا
عبدك ورسولك وان عليا امير المؤمنين جعلته وليك و
الاقرار بولايته تمام توحيدك وكمال دينك وتمام نعمتك
على جميع خلقك وبريتك فقلت وقولك الحق اليوم اكملت لكم
دينكم واتممت عليكم نعمتي ورضيت لكم الاسلام دينا

فلك الحمد دائماً أبداً وتمام نعمتك علينا بالذي جددت من عهدك
وميثاقك وذكرتنا ذلك وجعلتنا من أهل الإخلاص والتصديق
بميثاقك ومن أهل الوفاء بذلك ولم تجعلنا من أتباع المغيرين
والمبدلين والمحرفين والمبتكين آذان الأنعام والمغيرين خلق الله
ومن الذين استحوذ عليهم الشيطان فأنساهم ذكر الله وصدهم
عن السبيل والصراط المستقيم اللهم العن الجاحدين والناكثين
والمغيرين والمبدلين والمكذبين بيوم الدين من الأولين والآخرين
اللهم فلك الحمد على إنعامك علينا بالهدى الذي هديتنا به
إلى ولاة أمرك من بعد نبيك صلى الله عليه وآله الأئمة الهداة
الراشدين وأعلام الهدى ومنار القلوب والتقوى والعروة الوثقى
وكمال دينك وتمام نعمتك ومن بهم وبموالاتهم رضيت لنا الإسلام
ديناً ربنا فلك الحمد آمنا وصدقنا بمنك علينا بالرسول النذير
المنذر ووالينا وليهم وعادينا عدوهم وبرئنا من الجاحدين والمكذبين
بيوم الدين اللهم فكما كان ذلك من شأنك يا صادق الوعد يا من
لا يخلف الميعاد يا من هو كل يوم في شأن إذ أتممت علينا نعمتك
بموالاة أوليائك المسؤول عنهم عبادك فإنك قلت ثم لتسألن
يومئذ عن النعيم وقلت وقفوهم إنهم مسؤولون
ومننت علينا بشهادة الإخلاص لك بموالاة أوليائك الهداة من بعد
النذير المنذر السراج المنير وأكملت لنا الدين بهم وأتممت

علينا النعمة وجددت لنا عهدك وذكرتنا ميثاقك المأخوذ منا
في ابتداء خلقك إيانا وجعلتنا من أهل الإجابة ولم تنسنا ذكرك
فإنك قلت وإذ أخذ ربك من بني آدم من ظهورهم ذريتهم و
أشهدهم على أنفسهم ألست بربكم قالوا بلى شهدنا بمنك ولطفك
بأنك أنت الله لا إله إلا أنت ربنا ومحمد عبدك ورسولك و
نبينا وعلي أمير المؤمنين عبدك الذي أنعمت به علينا وجعلته
آية لنبيك صلى الله عليه وآله وآيتك الكبرى والصراط
المستقيم والنبأ العظيم الذي هم فيه مختلفون وعنه مسؤولون
اللهم فكما كان من شأنك أن أنعمت علينا بالهداية إلى
معرفتهم فليكن من شأنك أن تصلي على محمد وآل محمد وأن
تبارك لنا في يومنا هذا الذي أكرمتنا به وذكرتنا فيه عهدك
وميثاقك وأكملت ديننا وأتممت علينا نعمتك وجعلتنا بمنك
من أهل الإجابة لك والبراءة من أعدائك وأعداء أوليائك
المكذبين بيوم الدين فأسألك يا رب تمام ما أنعمت وأن
تجعلنا من الموفين ولا تلحقنا بالمكذبين واجعل لنا قدم
صدق مع المتقين واجعل لنا مع المتقين إماماً يوم تدعو كل
أناس بإمامهم واحشرنا في زمرة أهل بيت نبيك الأئمة الصادقين
واجعلنا من البرآء من الذين هم دعاة إلى النار ويوم القيامة
هم من المقبوحين وأحينا على ذلك ما أحييتنا واجعل لنا

مع الرسول سبیلا واجعل لنا قدم صدق فی الهجرة الیهم واجعل
محیانا خیر المحیا ومماتنا خیر الممات ومنقلبنا خیر المنقلب علی
موالاة اولیائک ومعاداة اعدائک حتی توفانا وانت عنا
راض قد اوجبت لنا الجنات برحمتک یا ارحم الراحمین والمثوی
فی جوارک فی دار المقامة من فضلک لا یمسنا فیها نصب ولا یمسنا
فیها لغوب ربنا اغفر لنا ذنوبنا وکفر عنا سیئاتنا وتوفنا
مع الابرار ربنا واتنا ما وعدتنا علی رسلک ولا تخزنا یوم القیمة
انک لا تخلف المیعاد اللهم احشرنا مع الائمة الهدی من ال
رسولک نؤمن بسرهم وعلانیتهم وشاهدهم وغائبهم اللهم
انی اسالک بالحق الذی جعلته عندهم وبالذی فضلتهم به
علی العالمین جمیعا ان تبارک لنا فی یومنا هذا الذی اکرمتنا
فیه بالموافاة بعهدک الذی عهدته الینا والمیثاق الذی
واثقتنا به من موالاة اولیائک والبراءة من اعدائک ان تتم علینا
نعمتک ولا تجعله مستودعا واجعله مستقرا ولا تسلبناه
ابدا ولا تجعله مستعارا وارزقنا مرافقة ولیک الهادی المهدی
الی الهدی وتحت لوائه وفی زمرته شهداء صادقین علی بصیرة
من دینک انک علی کل شیء قدیر واگر این عمل براو دشوار باشد
باین روایت عمل کند که شیخ مفید ودیگران از حضرت صادق علیه
السلام روایت کرده اند که هر که در روز غدیر دو رکعت نماز بکند هر وقت

که خواهد واگر نزدیک بزوال بکند که در آن ساعت حضرت رسول
صلی الله علیه وآله حضرت امیر المؤمنین را در روز غدیر خم برای
مردم بامامت وخلافت نصب کرد بهتر است بعد از حمد ده مرتبه
وآیة الکرسی وانا انزلناه وده مرتبه قل هو الله احد
چنانچه در روایت معتبر دیگر وارد شده است بعد از آن بسجده
رود وصد مرتبه شکرا لله بگوید وچون سر از سجده
بردارد این دعا را بخواند اللهم انی اسالک بان لک الحمد وحدک
لا شریک لک وانک واحد احد صمد لم تلد ولم تولد ولم یکن
لک کفوا احد وان محمدا عبدک ورسولک صلواتک
علیه واله یا من هو کل یوم فی شان کما کان من شانک ان
تفضلت علی بان جعلتنی من اهل اجابتک واهل دینک و
اهل دعوتک ووفقتنی لذلک فی مبتدء خلقی تفضلا منک
وکرما وجودا ثم اردفت الفضل فضلا والجود جودا والکرم
کرما رافة منک ورحمة الی ان جددت ذلک العهد لی
تجدیدا بعد تجدیدک خلقی وکنت نسیا منسیا ناسیا ساهیا
غافلا فاتممت نعمتک بان ذکرتنی ذلک ومننت به علی
وهدیتنی له فلیکن من شانک یا الهی وسیدی ومولای ان تتم
لی ذلک ولا تسلبنیه حتی تتوفانی علی ذلک وانت عنی راض
فانک احق المنعمین ان تتم نعمتک علی اللهم سمعنا واطعنا

واجبنا داعيك ومننا فانا نحمد غفرانك ربنا واليك المصير آمنا
بالله وحده لا شريك له وبرسوله محمد صلى الله عليه وآله
وصدقنا واجبنا داعي الله واتبعنا الرسول في موالاة مولانا
ومولى المؤمنين امير المؤمنين علي بن ابي طالب عبد الله واخي
رسوله والصديق الاكبر والحجة على بريته المؤيد به نبيه
ودينه الحق المبين علما لدين الله وخازنا لعلمه وعيبة غيب
الله وموضع سر الله وامين الله على خلقه وشاهده في بريته
اللهم ربنا اننا سمعنا مناديا ينادي للايمان ان آمنوا بربكم
فآمنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا وتوفنا مع الابرار
ربنا وآتنا ما وعدتنا على رسلك ولا تخزنا يوم القيمة انك
لا تخلف الميعاد فانا ربنا بمنك ولطفك وجودك اجبنا داعيك
واتبعنا الرسول وصدقناه وصدقنا مولى المؤمنين وكفرنا
بالجبت والطاغوت فولنا ما تولينا واحشرنا مع ائمتنا فانا بهم
مؤمنون موقنون ولهم مسلمون آمنا بسرهم وعلانيتهم وشاهدهم
وغائبهم وحيهم وميتهم ورضينا بهم ائمة وقادة وسادة و
حسبنا بهم بيننا وبين الله دون خلقه لا نبتغي بهم بدلا ولا
نتخذ من دونهم وليجة وبرئنا الى الله من كل من نصب لهم
حربا من الجن والانس من الاولين والآخرين وكفرنا بالجبت
والطاغوت والاوثان الاربعة واشياعهم واتباعهم وكل

من والاهم من الجن والانس من اول الدهر الى آخره اللهم انا نشهدك
انا ندين بما دان به محمد وآل محمد صلى الله عليه وعليهم
وقولنا ما قالوا وديننا ما دانوا به ما قالوا به قلنا وما دانوا
به دنا وما انكروا انكرنا ومن والوا والينا ومن عادوا عادينا
ومن لعنوا لعنا ومن تبرؤا منه تبرأنا منه ومن ترحموا عليه
ترحمنا عليه آمنا وسلمنا ورضينا واتبعنا موالينا صلوات
الله عليهم اللهم فتمم لنا ذلك ولا تسلبناه واجعله مستقرا
ثابتا عندنا ولا تجعله مستعارا واحينا ما احييتنا عليه
وامتنا اذا امتنا عليه آل محمد ائمتنا فبهم نأتم واياهم نوالي
وعدوهم عدو الله نعادي فاجعلنا معهم في الدنيا والآخرة
ومن المقربين فانا بذلك راضون يا ارحم الراحمين پس از بعد
یکد و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه شکرا لله بگوید پس حضرت
فرموده که هر که این عمل را بجا آورد ثواب کسی داشته باشد که در
روز غدیر در خدمت حضرت رسول خدا حاضر شده باشد و با حضرت
رسول و حضرت امیر بولایت حضرت بیعت کرده باشد و درجه
او در بهشت با درجه راستگویان و تصدیق کنندگان باشد که
تصدیق خدا و رسول خدا در آن روز از روی اخلاص کرده‌اند مانند سلمان
و ابو ذر و مقداد و مانند کسی باشد که شهید شده باشد با حضرت
رسول صلى الله عليه وآله و امير المؤمنين و حسن و حسين صلوات

الله علیهم و مانند کسی باشد که در زیر علم حضرت صاحب الامر علیه
السلام و در زیر خیمه آن حضرت بوده باشد با شهیدان و قتیلان معرکه
کربلا که از اصحاب آن حضرت و ایضا شیخ مفید روایت کرده است که بعد
از نماز این دعا را بخواند اللّهمّ انّی اسئلک بحقّ محمّد نبیّک
وعلی ولیّک والشّأن والقدر الّذی خصصتهما به دون خلقک
ان تصلّی علی محمّد وعلیّ وان تبدأ بهما فی کلّ خیر عاجل اللّهمّ
صلّ علی محمّد وآل محمّد الائمّة القادة والدّعاة السّادة والنّجوم
الزّاهرة والاعلام الباهرة وساسة العباد وارکان البلاد والنّاقة
المرسلة والسّفینة النّاجیة الجاریة فی اللّجج الغامرة اللّهمّ صلّ
علی محمّد وآل محمّد خزّان علمک وارکان توحیدک ودعائم دینک
ومعادن کرامتک وصفوتک من بریّتک وخیرتک من خلقک
الاتقیاء الانقیاء النّجباء الابرار والباب المبتلی به النّاس من اتاه
نجا ومن اباه هوی اللّهمّ صلّ علی محمّد وآل محمّد اهل الذّکر الّذین
امرت بمسئلتهم وذوی القربی الّذین امرت بمودّتهم وفرضت
حقّهم وجعلت الجنّة معاد من اقتصّ آثارهم اللّهمّ صلّ علی محمّد
وآل محمّد کما امروا بطاعتک ونهوا عن معصیتک ودلّوا عبادک
علی وحدانیّتک اللّهمّ انّی اسئلک بحقّ محمّد نبیّک ونجیبک
وصفوتک وامینک ورسولک الی خلقک وبحقّ امیر المؤمنین و
یعسوب الدّین وقائد الغرّ المحجّلین الوصیّ الوفیّ والصّدّیق الاکبر

والفاروق بین الحقّ والباطل والشّاهد لک والدّالّ علیک و
الصّادع بامرک والمجاهد فی سبیلک لم تأخذه فیک لومة لائم
ان تصلّی علی محمّد وآل محمّد وان تجعلنی فی هذا الیوم الّذی
عقدت فیه لولیّک العهد فی اعناق خلقک واکملت لهم الدّین
من العارفین بحرمته والمقرّین بفضله ومن عتقائک وطلقائک
من النّار ولا تشمت بی حاسدی النّعم اللّهمّ فکما جعلته عیدک الاکبر
وسمّیته فی السّماء یوم العهد المعهود وفی الارض یوم المیثاق المأخوذ
والجمع المسئول صلّ علی محمّد وآل محمّد واقرر به عیوننا واجمع به
شملنا ولا تضلّنا بعد اذ هدیتنا واجعلنا لانعمک من الشّاکرین
یا ارحم الرّاحمین الحمد لله الّذی عرّفنا فضل هذا الیوم وبصّرنا حرمته و
کرّمنا به وشرّفنا بمعرفته وهدانا بنوره یا رسول الله یا امیر
المؤمنین علیکما وعلی عترتکما وعلی محبّیکما منّی افضل السّلام ما بقی
اللّیل والنّهار وبکما اتوجّه الی الله ربّی وربّکما فی نجاح طلبتی وقضاء
حوائجی وتیسیر اموری اللّهمّ انّی اسئلک بحقّ محمّد وآل محمّد ان
تصلّی علی محمّد وآل محمّد وان تلعن من جحد حقّ هذا الیوم وانکر
حرمته فصدّ عن سبیلک لاطفاء نورک فابی الله الّا ان یتمّ نوره
اللّهمّ فرّج عن اهل بیت محمّد نبیّک واکشف عنهم وبهم عن المؤمنین
الکربات اللّهمّ املأ الارض بهم عدلا کما ملئت ظلما وجورا و
انجز لهم ما وعدتهم انّک لا تخلف المیعاد واگر بعد از [illegible]

بود و صد مرتبه شکر او صد مرتبه الحمد لله بگوید و صد مرتبه یا الحمد
تواند بگوید الحمد لله علی کمال الدین و اتمام النعمة و رضی الرب الکریم
والحمد لله رب العالمین والصلوة علی خیر خلقه محمد و عترته
الطاهرین بهتر خواهد بود چنانکه سید بن طاوس و کفعمی روایت کرده
اند اما شیخ مفید و ابن زهره این عمل نکرده است **فصل نهم** در ذکر
فضیلت و اعمال روز مباهله است تا آخر ماه و در تعیین روز مباهله
میان علما اختلاف است و اشهر و اقوی آنست که روز بیست و چهارم
و بعضی بیست و پنجم و بعضی بیست و هفتم و بعضی بیست و یکم نیز گفته
اند و اگر در هر یک از اینها اعمال مستحبه را بعمل آورند بهترست و آنچه
مشهورست بیست و چهارم است و سبب فضیلت روز مباهله
آنست که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسولان فرستاد
بسوی نصارای نجران که اعظم ترسایان عرب بودند و ایشان بکتب خود
رجوع کردند و اوصاف حضرت رسالت صلی الله علیه و آله را در
کتب انبیا مشاهده کردند حب دنیا بر اکثر علمای ایشان غالب
شد و ایمان نیاوردند و هفتاد نفر از علما و عظمای خود فرستادند
که صفاتی که در کتب سابقه برای حضرت دیده اند مشاهده نمایند
و بمدینه داخل شدند و صفات را موافق یافتند و حضرت رسول حجتها
شافی بر ایشان تمام کرد و بعضی از ایشان بسبب حب ریاست
و اغراض باطل مضایقه کردند از ایمان آوردن و حقتعالی این آیه

کریمه را فرستاد فمن حاجّک فیه من بعد ما جاءک من العلم فقل
تعالوا ندع ابناءنا و ابناءکم و نساءنا و نساءکم و انفسنا و
انفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله علی الکاذبین یعنی هرکه
با تو مجادله کند در امر عیسی بعد از آنچه آمده است بسوی تو از علم
و برهان و الزام کردی بر ایشان و قبول نکردند پس بگو ای محمد بیایید
بخوانیم پسران خود را و پسران شما را و زنان خود را و زنان شما را و جانها
خود را و جانهای شما را یعنی آنهائی که بمنزله جان ما اند و آنهائی که
بمنزله جان شما اند پس تضرع کنیم و دعا کنیم پس بگردانیم لعنت خدا را
و دوری از رحمت خدا را بر آنها که دروغ گویند از ما و شما پس حضرت
رسول صلی الله علیه و آله عبائی بر دوش مبارک گرفت و حضرت
امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را در زیر عبا
داخل کرد و گفت پروردگارا هر پیغمبری را اهل بیتی بوده است که
مخصوص ترین خلق بوده اند باو خداوندا اینها اهل بیت منند
پس از ایشان بر طرف کن شک و گناه را و پاک کن ایشان را پاک کردنی
پس جبرئیل نازل شد و این آیه کریمه را در شان ایشان آورد انما
یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا
یعنی نیست جز این که اراده دارد حقتعالی که زایل گرداند از شما اهل
بیت بدی و شک و گناه را و پاک گرداند شما را از گناهان پاک گردانیدنی
پس حضرت رسول و علی و فاطمه و حسن و حسین صلوات الله

علیهم را با خود بیرون بردند از قبل بنده برای مباهله و چون نصاری
حقیقت آنحضرت را دانسته بودند و بعضی از ایشان دیدن آنحضرت با آن
بزرگواران در مقام مباهله آثار نزول عذاب در زمین و آسمان ظاهر
شد و علما و بزرگان ایشان گفتند بخدا سوگند که روئی چند می‌بینیم که
اگر دعا کنند که کوهی از جا کنده شود کنده خواهد شد پس مباهله نکردند
و قبول جزیه کردند و آنحضرت از ایشان صلح کرده و قبول کرد که هر سال
جزیه بدهند و حضرت ایشان را نفرین نکرد و با مراجعت ایشان جزیه قرار داد
و حضرت فرمود بخدا سوگند که هلاک و عذاب و نقمت بر اهل نجران
و اگر مباهله میکردند هر آینه همه از جا خفت بودند و خوک میشدند و
این وادی بر ایشان آتش میشد و سرایت میکرد به نجران و همه ساکنان
نجران بسوختند حتی پیش از آنکه سال تمام شود جمیع نصاری میمردند
و بکمال ... زمین و زمان تمیز ... و از این سبب چند امر عظیم
ظاهر شد اول حقیقت آنحضرت زیرا که اگر اعتقاد در حقیقت خود نمیداشت
خود را و عزیزترین اهل خود را در معرض مباهله بدر نمی‌آورد و اگر آنکه
حقیقت آنحضرت بر ایشان ظاهر نشده بود مباهله میکردند و نمیترسیدند
و خواری جزیه بر خود قرار نمیدادند دوم آنکه ظاهر شد که اهل عبا
بزرگوارترین خلق بودند که ایشان را آنحضرت از همه با خود شریک کرد
سوم آنکه ایشان عزیزترین خلق بودند نزد آنحضرت که برای اظهار حق
خود ایشان را در معرض نفرین بدر آورد زیرا که دنیا را ... که از کسی

خود را مثل ایشان ... عزیز باشد خود را راضی نمیشود که در محل
خطر در آورد چنانچه صاحب کشاف و غیر او از متعصبان سنیان
اعتراف باین نموده‌اند چهارم آنکه حسن و حسین فرزند حقیقی آنحضرت‌اند
و رتبهٔ ایشان از سایر صحابه بیشتر بوده است نزد خدا و رسول با آن
صغر سن پنجم آنکه حضرت فاطمه علیها السلام بهترین زنان بوده و از
سایر قرابت با آنحضرت نزدیکتر بوده و منزلتش نزد حق تعالی از
همه بیشتر ششم آنکه باتفاق عامه و خاصه حضرت امیرالمؤمنین علیه
السلام در مباهله داخل بوده و داخل ابناء و نساء نیست پس باید داخل
انفسنا باشد و حقیقت در اینجا مراد نمیتواند بود زیرا که اتحاد دو شخص
محال است پس مراد آنست که اختصاص آنحضرت بحضرت رسالت در
کمالات و صفات بمرتبه بود که بمنزلهٔ نفس و جان آنحضرت بود پس هر
کمالی که در حضرت رسول بود باید که در آنحضرت باشد بغیر پیغمبری
پس باید که افضل باشد از جمیع صحابه و جمیع پیغمبران بغیر آنحضرت
و باید که مخصوص‌ترین خلق باشد بآنحضرت و اعز خلق باشد نزد او
و روایت مفصلهٔ این قصهٔ شریفه و فوایدی که از آن مستفاد میشود
در کتاب حیات القلوب ذکر کرده‌ام و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد
و از جملهٔ اموری که در روز بیست و چهارم واقع شده و موجب مزید
فضل است آنکه در این روز حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
در رکوع نماز انگشتری خود را بسائل بخشید و این آیه کریمه نازل شد

و امامت آنحضرت را خطاب بحرف حصر فرموده که انّما ولیّکم الله و رسوله
والّذین آمنوا الّذین یقیمون الصّلاة و یؤتون الزّکاة و هم راکعون
یعنی نیست والی بامر شما و صاحب اختیار شما مگر خدا و رسول او و آنها
که ایمان آورده‌اند و نماز را بپا میدارند و چنانچه باید بجای می‌آورند و
زکوة میدهند در حالتی که در رکوعند و این آیه نص صریح است بر امامت آنحضرت
چنانچه در رسائل ذکر کرده‌ام و در این روز غسل سنّتست و روزه و
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را در این روز ذکر کرده‌اند و خواندن
زیارت جامعه مناسبست و روزه این روز مستحب است و باید که مؤمن
خود را بامیر المؤمنین شبیه کرده تصدق بفقرا و ارباب حاجات بانچه ممکنش
و میسّر باشد مطلوبست و اعمال این روز بسیار است و از آنجمله
طوسی روایت کرده است که در این روز پیش از زوال بیک ساعت دو
رکعت نماز بکند برای شکر نعمت مباهله و در هر رکعت بعد از حمد ده بار
از سوره قل هو الله احد و آیة الکرسی تا هم فیها خالدون و سوره انّا انزلناه
بخواند اگر اینها را بعمل آورد نزد خدا برابر است با صد هزار حج و صد هزار
عمره و هر حاجتی از حاجتهای دنیا و آخرت از حق تعالی سؤال کند البته بر
آورده شود و هر چند عظیم باشد انشاء الله و این نماز همان نماز است که در
اعمال روز عید غدیر مذکور شد و عمل دیگر از اعمال این روز دعائیست که
شیخ طوسی و سید بن طاوس قدس الله روحهما باسند های معتبر از حضرت
صادق علیه السلام روایت کرده‌اند و آنحضرت از پدر بزرگوار خود

امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که آنحضرت فرمود که
اگر مردم میدانستند که این دعا اسم اعظم حق تعالی هست هر آینه راست گفته
و اگر مردم بدانستند که این دعا را اجابت چگونه تأثیری نمایند البته هر
چه که متعذر باشد سعی مینمایند در تحصیل آن هر چند که باید قتال
کنند و مرا هر حاجت که عارض میشود این دعا را میخوانم و بعد از آن حاجت
خود را مطلب البته مستجاب میکردد و این دعائیست که در روز
آیه مباهله نازل شد جبرئیل از جانب خداوند جلیل بحضرت
سید رسل صلی الله علیه و آله نازل شد این دعا را آورد و گفت که با
مباهله بیرون رو و نفس خود علی بن ابیطالب و زنان خود فاطمه
زهرا و دو نور دیده و فرزندان دلبند خود حسن و حسین علیهم السلام
با خود ببر و این دعا را بخوان و با ترسایان مباهله کن و برایشان نفرین کن
پس حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گفت که هر گاه این دعا را
خواهید بخوانید سعی کنید در دعا و تضرع و این دعا را شفیع خود کردانید
در حاجتها و از کسی که امانتی باشد از سفیهان و منافقان پنهان دارید
و بایشان تعلیم منمائید که از علمهای مخزونست و هر کسی قابل این
کرامت نیست دعا اینست اللّهمّ انّی اسئلک من بهائک بأبهاه
وکلّ بهائک بهیّ اللّهمّ انّی اسئلک ببهائک کلّه اللّهمّ انّی
اسئلک من جلالک بأجلّه و کلّ جلالک جلیل اللّهمّ انّی
اسئلک بجلالک کلّه اللّهمّ انّی اسئلک من جمالک بأجمله و

كل جمالك جميل اللهم إني أسألك بجمالك كله اللهم إني أدعوك
كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم إني أسألك من
عظمتك بأعظمها وكل عظمتك عظيمة اللهم إني أسألك
بعظمتك كلها اللهم إني أسألك من نورك بأنوره وكل
نورك نير اللهم إني أسألك بنورك كله اللهم إني أسألك من رحمتك
بأوسعها وكل رحمتك واسعة اللهم إني أسألك برحمتك كلها
اللهم إني أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم إني
أسألك من كمالك بأكمله وكل كمالك كامل اللهم إني أسألك
بكمالك كله اللهم إني أسألك من كلماتك بأتمها وكل
كلماتك تامة اللهم إني أسألك بكلماتك كلها اللهم إني أسألك
من أسمائك بأكبرها وكل أسمائك كبيرة اللهم إني أسألك بأسمائك
كلها اللهم إني أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم
إني أسألك من عزتك بأعزها وكل عزتك عزيزة اللهم إني أسألك
بعزتك كلها اللهم إني أسألك من مشيتك بأمضاها وكل مشيتك
ماضية اللهم إني أسألك بمشيتك كلها اللهم إني أسألك بقدرتك
التي استطلت بها على كل شيء وكل قدرتك مستطيلة اللهم
إني أسألك بقدرتك كلها اللهم إني أدعوك كما أمرتني فاستجب لي
كما وعدتني اللهم إني أسألك من علمك بأنفذه وكل علمك
نافذ اللهم إني أسألك بعلمك كله اللهم إني أسألك من قولك

بأرضاه

بأرضاه وكل قولك رضي اللهم إني أسألك بقولك كله اللهم
إني أسألك من مسائلك بأحبها وكل مسائلك حبيبة اللهم
إني أسألك بمسائلك كلها اللهم إني أدعوك كما أمرتني فاستجب
لي كما وعدتني اللهم إني أسألك من شرفك بأشرفه وكل شرفك
شريف اللهم إني أسألك بشرفك كله اللهم إني أسألك من سلطانك
بأدومه وكل سلطانك دائم اللهم إني أسألك بسلطانك
كله اللهم إني أسألك من ملكك بأفخره وكل ملكك فاخر
اللهم إني أسألك بملكك كله اللهم إني أدعوك كما أمرتني فا
ستجب لي كما وعدتني اللهم إني أسألك من علائك بأعلاه وكل
علائك عال اللهم إني أسألك بعلائك كله اللهم إني أسألك
من آياتك بأعجبها وكل آياتك عجيبة اللهم إني أسألك بآياتك
كلها اللهم إني أسألك من منك بأقدمه وكل منك قديم
اللهم إني أسألك بمنك كله اللهم إني أدعوك كما أمرتني فا
ستجب لي كما وعدتني اللهم وإني أسألك بما أنت فيه من الشؤون
والجبروت اللهم وإني أسألك بكل شأن وكل جبروت لك
اللهم وإني أسألك بما تجيبني به حين أسألك يا الله يا لا إله
إلا أنت أسألك ببهاء لا إله إلا أنت يا لا إله إلا أنت أسألك
بجلال لا إله إلا أنت يا لا إله إلا أنت أسألك بلا إله إلا أنت
اللهم إني أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم إني

أسألك من رزقك بأعمه وكل رزقك عام اللهم إني أسألك
برزقك كله اللهم إني أسألك من عطائك بأهنئه وكل عطائك
هنيء اللهم إني أسألك بعطائك كله اللهم إني أسألك من خيرك
بأعجله وكل خيرك عاجل اللهم إني أسألك بخيرك كله اللهم إني
أسألك من فضلك بأفضله وكل فضلك فاضل اللهم إني أسألك
بفضلك كله اللهم إني أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني
اللهم صل على محمد وآل محمد وابعثني على الإيمان بك والتصديق
برسولك عليه وآله السلام والولاية لعلي بن أبي طالب والبراءة
من عدوه والائتمام بالأئمة من آل محمد عليهم السلام فإني قد رضيت
بذلك يا رب اللهم صل على محمد عبدك ورسولك في الأولين
وصل على محمد وآل محمد في الآخرين وصل على محمد وآله في
الملإ الأعلى وصل على محمد وآله في المرسلين اللهم أعط محمدا
الوسيلة والشرف والفضيلة والدرجة الكبيرة اللهم صل
على محمد وآل محمد وقنعني بما رزقتني وبارك لي فيما أعطيتني و
احفظني في غيبتي وفي كل غائب هو لي اللهم صل على محمد
وآل محمد وأسألك خير الخير رضوانك والجنة وأعوذ بك من
شر الشر سخطك والنار اللهم صل على محمد وآل محمد واحفظني
ومن كل مصيبة ومن كل بلية ومن كل عقوبة ومن كل
فتنة ومن كل بلاء ومن كل شر ومن كل مكروه ومن كل

نزل أو ينزل من السماء إلى الأرض في هذه الساعة وفي كل [illegible]
وفي هذه الليلة وفي هذا اليوم وفي هذا الشهر وفي هذه السنة
اللهم صل على محمد وآل محمد واقسم لي من كل سرور ومن كل بهجة
ومن كل استقامة ومن كل فرج ومن كل عافية ومن كل سلامة
ومن كل كرامة ومن كل رزق واسع حلال طيب ومن كل نعمة
ومن كل حسنة نزلت أو تنزل من السماء إلى الأرض في هذه الساعة
وفي هذه الليلة وفي هذا اليوم وفي هذا الشهر وفي هذه السنة
اللهم إن كانت ذنوبي قد أخلقت وجهي عندك وحالت بيني وبينك
وغيرت حالي عندك فإني أسألك بنور وجهك الذي لا يطفأ و
بوجه محمد حبيبك المصطفى وبوجه وليك علي المرتضى وبحق أوليائك
الذين انتجبتهم أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تغفر لي ما مضى
من ذنوبي وأن تعصمني فيما بقي من عمري وأعوذ بك اللهم أن أعود
في شيء من معاصيك أبدا ما أبقيتني حتى تتوفاني وأنا لك مطيع
وأنت عني راض وأن تختم لي بحسنة وتجعل لي ثوابها الجنة
وأن تفعل بي ما أنت أهله يا أهل التقوى ويا أهل المغفرة صل
على محمد وآل محمد وارحمني برحمتك يا أرحم الراحمين وبعد از
آن هر حاجت كه دارى از حق تعالى طلب كن كه انشاء الله برآورده است
[illegible] كه خواندن اينها عادت ... و مباهات انشاء ... شيخ طوسى
... روايت كرده است و از روايت مذكور معلوم ميشود

که همه وقت میتوان خواند و در دعا اختلاف هست میان علما
و آنچه در اینجا ذکر شده است موافق روایت شیخ است و روایت
دیگر را با ترجمه در زاد المعاد ذکر کرده‌ام و شبیه باین دعا
در بعضی از ماه مبارک رمضان و در روزهای این نیز وارد شده است
با فضیلت بسیار و از عظیم‌ترین دعاهاست دوم غسل است که شیخ
طوسی و دیگران بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر روایت کرده
اند که روز مباهله روز بیست و چهارم ماه ذی الحجه است و در این
انچه خواهی از نماز بکن و در هر دو رکعت نماز که بکنی بعد از آن هفتاد
مرتبه استغفر الله ربی و اتوب الیه بگوئی حاجت طلبی و موضع سجود
خود نظر میکنی و این عمل را میخوانی و باید که با غسل باشی و در روایت دیگر
فرموده که روز بیست و چهارم روز مباهله است و باید که این روز را روزه
بداری برای شکر نعمت حق تعالی و غسل بکن و پاکیزه‌ترین جامه‌های
خود را بپوش و آنچه توانی از بوی خوش خود را خوشبو کن و باید که با آرام
دل و آرام تن باشی و اگر در یکی از مشاهد مشرفه باشی نزد آن ضریح مقدس
حاضر شوی و الا بجای خلوتی بروی یا بر کوه بلندی یا به صحرا
بروی و باید که از منزل خود بیرون برود و غسل کند و طاهرترین جامه‌های
خود را بپوشد و چون محل دعا خواندن داخل شود دو رکعت نماز بکند
با آداب و شرایط و بعد از سلام هفتاد مرتبه استغفار کند پس ایستاده
و بجانب آسمان نظر کند و این دعا را بخواند و بعد از آن فرمود که پس

هر دعائی که خواهی بکنی یا از دو رکعت نماز بکن و دعا بکن و دعا این است
الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ فَاطِرِ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ
الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي خَلَقَ
السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا
بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي عَرَّفَنِي مَا كُنْتُ بِهِ جَاهِلًا وَلَوْلَا
تَعْرِيفُهُ إِيَّايَ لَكُنْتُ هَالِكًا إِذْ قَالَ وَقَوْلُهُ الْحَقُّ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ
أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ فَبَيَّنَ لِيَ الْقَرَابَةَ وَقَالَ سُبْحَانَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ
اللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا فَبَيَّنَ
لِي أَهْلَ الْبَيْتِ بَعْدَ الْقَرَابَةِ ثُمَّ قَالَ تَعَالَىٰ مُبَيِّنًا عَنِ الصَّادِقِينَ
الَّذِينَ أَمَرَنَا بِالْكَوْنِ مَعَهُمْ وَالرَّدِّ إِلَيْهِمْ بِقَوْلِهِ سُبْحَانَهُ يَا أَيُّهَا
الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ فَأَوْضَحَ عَنْهُمْ وَأَبَانَ
عَنْ صِفَتِهِمْ بِقَوْلِهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ
وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ
اللّٰهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ فَلَكَ الشُّكْرُ يَا رَبِّ وَلَكَ الْمَنُّ حَيْثُ هَدَيْتَنِي
وَأَرْشَدْتَنِي حَتَّىٰ لَمْ يَخْفَ عَلَيَّ الْأَهْلُ وَالْبَيْتُ وَالْقَرَابَةُ فَعَرَّفْتَنِي
نِسَاءَهُمْ وَأَوْلَادَهُمْ وَرِجَالَهُمْ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِذٰلِكَ
الْمَقَامِ الَّذِي لَا يَكُونُ أَعْظَمَ مِنْهُ فَضْلًا لِلْمُؤْمِنِينَ وَلَا أَكْثَرَ
رَحْمَةً لَهُمْ بِتَعْرِيفِكَ إِيَّاهُمْ شَأْنَهُ وَإِبَانَتِكَ فَضْلَ أَهْلِ الذِّكْرِ
الَّذِينَ أَدْحَضْتَ بَاطِلَ أَعْدَائِكَ وَثَبَّتَّ بِهِمْ قَوَاعِدَ دِينِكَ وَلَوْلَا

هذا المقام المحمود الذي افتخرنا به ودللتنا على اتباع الحجج
من اهل بيت نبينا الصادق من عترته الذين عصمتهم من لغو
المقال ومدانس الافعال بحسم اهل الاسلام وظهرت كلمة اهل
الالحاد وعجّل اولي العناد فلك الحمد ولك المن ولك الشكر على
ما اوليت وابديت اللهم صل على محمد وال محمد الذين فرضت علينا
طاعتهم وعقدت في رقابنا ولايتهم واكرمتنا بمعرفتهم وشرفتنا
باتباع آثارهم وثبتنا بالقول الثابت الذي عرّفوناه فاعنا على الاخذ
بما بصّرونا وادّ الى محمد عنا افضل الجزاء بما نصح لخلقك وبذل وسعه
في ابلاغ رسالاتك واخطر بنفسه في اقامة دينك وعلى اخيه و
وصيه والهادي من بعده الى دينه والقيم بسنته علي امير المؤمنين
صلوات الله عليه وصل على الائمة من ابنائهما الصادقين الذين و
صلت طاعتهم بطاعتك وادخلنا بشفاعتهم دار الكرامة يا ارحم
الراحمين اللهم هؤلاء اصحاب الكساء والعباء يوم المباهلة اللهم
اجعلهم شفعاءنا واسئلك بحق ذلك المقام المحمود واليوم المشهود
ان تغفر لي وتتوب علي انك انت التواب الرحيم اللهم اني اسئلك بهم
وطينتهم واحدة وهي الشجرة التي طاب اصلها وفرعها واغصانها و
اوراقها اللهم ارحمنا بحقهم واجرنا من مواقف الخزي في الدنيا و
الاخرة بولايتهم واوردنا موارد الامن من اهوال يوم القيامة بحبهم
واقرارنا بفضلهم واتباعنا آثارهم واهتدائنا بهداهم واعتقادنا

ما عرّفونا من توحيدك وعرّفونا عليه من تعظيم شأنك وتقديس
اسمائك وشكر آلائك ونفي الصفات ان تحلّك والعلم ان
يحيط بك والوهم ان يقع عليك فانك اقمتهم حججا على خلقك
ودلائل على توحيدك وهداة تنبّه على امرك وتهدي الى دينك
وتوضح ما اشكل على عبادك وبابا للمعجزات التي يعجز عنها غيرك و
بها تبين حجتك وتدعو الى تعظيم السفير بينك وبين خلقك وانت
المتفضل عليهم حيث قرّبتهم من ملكوتك واختصصتهم بسرّك و
اصطفيتهم لوحيك واورثتهم غوامض تأويلك رحمة بخلقك و
لطفا بعبادك وحنانا على بريتك وعلما بما تنطوي عليه ضمائر
امنائك وما يكون من شأن صفوتك وطهرتهم في منشئهم ومبتدئهم
وحرستهم من نفث نافث اليهم واريتهم برهانا على من عرّض بسوء لهم
فاستجابوا لامرك وشغلوا انفسهم بطاعتك وملؤوا اجزاءهم
من ذكرك وعمّروا قلوبهم بتعظيم امرك وجزّؤوا اوقاتهم فيما يرضيك
واخلوا دخائلهم من معاريض الخطرات الشاغلة عنك فجعلت
قلوبهم مكامن لارادتك وعقولهم مناصب لامرك ونهيك
والسنتهم تراجمة لسنتك ثم اكرمتهم بنورك حتى فضلتهم
من بين اهل زمانهم والاقربين اليهم فخصصتهم بوحيك وانزلت اليهم
كتابك وامرتنا بالتمسك بهم والرد اليهم والاستنباط منهم
اللهم انا قد تمسكنا بكتابك وبعترة نبيك صلواتك عليهم الذين

اقتهم لنا دلیلا وعلما وامرتنا باتباعهم اللهم فانا قد تمسکنا بهم
فارزقنا شفاعتهم حین یقول الخائبون فما لنا من شافعین ولا صدیق
حمیم واجعلنا من الصادقین المصدقین لهم المنتظرین لایامهم
الناظرین الی شفاعتهم ولا تضلنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا من
لدنک رحمة انک انت الوهاب آمین رب العالمین اللهم صل علی محمد
نبیک وعلی النجیب وصنوه امیر المؤمنین وقبلة العارفین وعلم
المهتدین وثانی الخمسة المیامین الذین فخر بهم الروح الامین و
باهل الله تعالی بهم المباهلین فقال وهو احکم الحاکمین فمن
حاجک فیه من بعد ما جاءک من العلم فقل تعالوا ندع ابنائنا و
ابنائکم ونساءنا ونساءکم وانفسنا وانفسکم ثم نبتهل فنجعل
لعنة الله علی الکاذبین ذلک الامام المخصوص بمواخاته یوم الا
خاء والمؤثر بالقوت بعد ضر الطوی ومن شکر الله سعیه فی
هل اتی ومن شهد بفضله معادوه واقر بمناقبه جاحدوه
مولی الانام ومکسر الاصنام ومن لم تأخذه فی الله لومة لائم
صلی الله علیه وآله ما طلعت شمس النهار واورقت الاشجار
وعلی النجوم المشرقات من عترته والحجج الواضحات من ذریته و
ابند غایبست سنه انجه تا صبح ادعیه است ودیگر ایام متبرکه ذی
بیست وپنجم است ومشهور آنست که در این روز سوره هل
اتی در شان حضرت امیر المؤمنین وفاطمه زهرا وامام حسن واما

صبر

حسین علیهم السلام نازل شد بسبب آنکه حسن وحسین علیهم
السلام بیمار شدند وحضرت سید رسل صلی الله علیه واله
بعیادت ایشان رفت وامر فرمود که حضرت امیر المؤمنین وفاطمه
وحسن وحسین علیهم السلام نذر کردند که اگر خدا ایشان را شفا
دهد سه روز روزه بگیرند وچون شفا یافتند کرامت کردگار جهان و
بزرگوار با فضل مبادرت ایشان روزه گرفتند ونداشتند چیزی
که با آن افطار نمایند پس حضرت امیر قدری پشم از شمعون یهودی
گرفت باسه صاع جو که حضرت فاطمه علیها السلام مزد رشتن
آن پشم را بر بسید واین صاع از آن جو را بمزد خود بردارد پس فاطمه
در روز اول قدر ثلث آن پشم را گرفت ورشت وبمزد آن صاعی از جو
برداشت وآرد کرد وپنج گرده نان پخت وچون حضرت امیر با حضرت
رسول صلی الله علیه واله نماز شام کرد وبخانه برگشت وحضرت
فاطمه پنج گرده نان را حاضر کرد وخواستند افطار نمایند مسکینی بدر
خانه آمد که السلام علیکم ای اهل بیت محمد من مسکینم از مساکین
مسلمانان مرا طعام دهید تا خدا شما را از مائده های بهشت
طعام دهد پس حضرت امیر ابتدا کرد وفرمود که من نان خود را به او
وسایر اهل بیت با فضه با آنحضرت موافقت کردند ونانهای خود را
بسائل دادند وبآب افطار کردند وروز دیگر را روزه داشتند وباز
حضرت فاطمه علیها السلام بمزد رشتن ثلث دیگر از پشم یک صاع

دیگر را از جو برداشت و آرد کرد و پنج گرده دیگر پخت و چون خواستند
افطار کنند سائلی بر در خانه آمد و صدا زد که السلام علیکم ای اهل
بیت محمد من یتیمی ام از اولاد مهاجرین و پدرم در روز عقبه شهید شده
است مرا طعام دهید خدا شما را از خوانهای بهشت طعام دهد
پس حضرت امیر مؤمنان نان خود را اول داد و بعد فاطمه زهرا و بعد
از او دو گوشوار عرش خدا و بعد از ایشان فضه سعادتمند همگی نان
خود را بیتیم دادند و با آب افطار نمودند و دیگر روز سیم روزه داشتند و
باز حضرت سیدة النساء در روز سیم جو باقیمانده را برداشت و بقیه جو
گرفت و آرد کرد و باز پنج گرده نان پخت و چون حضرت امیر
که از نماز برگشت حضرت فاطمه طعام را حاضر ساخت که افطار نمایند
ناگاه اسیری از اسیران کافران ندا کرد که السلام علیکم ای اهل بیت محمد
ما را اسیر میکنید و در بند می‌کنید و طعام نمیدهید بخوریم پس بخوش همه
سابق همه گرده‌های نان را باسائل دادند و با آب محض افطار فرمودند تا
صبح شد سوره کریمه هل اتی نازل در شان ایشان فرستاد و در آن
سوره ایشان باین قصه نمود که یُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ
شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا
إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا إِنَّا نَخَافُ مِنْ
رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا یعنی وفا میکنند بنذر و میترسند از روزی
که شرّ آن اکثر خلق را فرا گرفته است و میخورانند طعام را با خواهش و

محبت آن را از برای محض محبت خدا به مسکین و یتیم و اسیر و میگویند بلغت
در دل خود و بزبان ایشان نیست که ما طعام میدهیم شما را مگر از
برای رضای خدا نمیخواهیم از شما نه جزا و پاداشی را و نه شکر و ثنائی را
ما میترسیم از روز قیامت که در نهایت شدت و هول است و چون
در روز چهارم که بیست و پنجم ماه ذی الحجه بود سوره هل اتی در
مدح ایشان نازل شد حضرت رسول بخانه اهل بیت آمد و
ایشان را بآن شدت گرسنگی و آن حالت غریب مشاهده نمود که بیت
و فرمود که این چه حالتست که در شما مشاهده می‌نمایم و امام حسن
و امام حسین علیهما السلام را دید که از نقاهت بیماری و از گرسنگی
مانند جوجه که از تخم بیرون آید می‌لرزند و حضرت فاطمه علیها السلام
دید در محراب عبادت ایستاده بود و از گرسنگی شکم مبارکش به پشت
چسبیده بود و چشمهایش فرو رفته بود و چون از نماز فارغ شد حق تعالی
خوانی از بهشت برای فاطمه فرستاد که در آن کاسه بود و گوشت و
ثرید گرم در میان آن بود که مجوش بود و بوی عطر از بوی مشک از آن
ساطع بود پس حضرت فاطمه آن خوان آورد حضرت رسول و در حضرت
فرمود که ای فاطمه این را از کجا آوردی گفت که از جانب خدا آمده است
خدا هر کرا که خواهد روزی میدهد بی حساب حضرت فرمود
الحمد لله که از دنیا نرفتم تا در اهل بیت خود شبیه مریم مادر عیسی را
دیدم پس از آن تناول نمودند و تا هفت روز از آن میخوردند و اخر

نبشد و حضرت صادق علیه السلام فرمود که این کاسه نزد ما است
و حضرت صاحب الامر آن را ظاهر خواهد کرد و طعام بهشت از آن تناول
خواهد نمود و سنیان نیز این و این را بار نزول مائده بطریق دیگر نقل
کرده اند و تفصیل این قصه را در سایر کتب ذکر کرده ام پس مناسب
که شیعیان اهل بیت در این ایام تأسی نمایند بموالی خود در تصدق
کردن بر مساکین و یتیمان و شکر نمایند در اطعام ایشان و شیخ مفید
ره گفته است که مستحب است که این روز را روزه بدارند برای شکر نزول
هل اتی در شأن آل عبا علیهم السلام و ایضا مناسب است غسل و
زیارت و زیارت ائمه و زیارت جامعه را خواندن در این روز و مناسب است
و چون بعضی از علما این روز را روز مباهله میدانند دعاهای مباهله
را در این روز نیز خواندن خوبست و روز بیست و ششم بنا بر مشهور
عمر علیه اللعنه را خنجر بشکمش زده اند و باین سبب نهایت برکت دارد
و در روز بیست و هفتم مروان که آخر خلفای بنی امیه است بجهنم
واصل شد و دولت ملعونه بنی امیه لعنهم الله برطرف شد پس در
این روز شکر این نعمت باید کرد و بعضی گفته اند که حضرت امام علی نقی
علیه السلام در این روز متولد شده است و در روز بیست و نهم بنا
بر مشهور عمر باسفل درک منتقل شده است و باین سبب فضیلت عظیم
دارد و در روز آخر ذی الحجه که آخر سال عربیست روایت کرده اند که
سنت است که دو رکعت نماز بجا آورند و در هر رکعت یک مرتبه سوره

حمد

حمد و ده مرتبه قل هو الله احد و ده مرتبه آیة الکرسی بخوانند و بعد از سلام
این دعا را بخوانند اللهم ما عملت فی هذه السنة من عمل نهیتنی عنه
ولم ترضه ونسیته ولم تنسه ودعوتنی الی التوبة بعد اجترائی
علیک اللهم فانی استغفرک منه فاغفر لی وما عملت من عمل یقربنی
الیک فاقبله منی ولا تقطع رجائی منک یا کریم **باب چهاردهم** در
بیان اعمال ماه محرم است و در آن سه فصل است **فصل اول** در اعمال
دهه اول محرم است از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که
رسول صلی الله علیه و آله در روز اول محرم دو رکعت نماز میکردند و
چون از نماز فارغ میشدند دست بدعا بر میداشتند و این دعا را سه
مرتبه میخواندند اللهم انت الاله القدیم وهذه سنة جدیدة فا
سألک فیها العصمة من الشیطان والقوة علی هذه النفس الامارة
بالسوء والاشتغال بما یقربنی الیک یا کریم یا ذا الجلال والاکرام
یا عماد من لا عماد له یا ذخیرة من لا ذخیرة له یا حرز من لا حرز له
یا غیاث من لا غیاث له یا سند من لا سند له یا کنز من لا کنز
له یا حسن البلاء یا عظیم الرجاء یا عز الضعفاء یا منقذ الغرقی
یا منجی الهلکی یا منعم یا مجمل یا مفضل یا محسن انت الذی سجد
لک سواد اللیل ونور النهار وضوء القمر وشعاع الشمس ودوی
الماء وحفیف الشجر یا الله لا شریک لک اللهم اجعلنا خیرا مما
یظنون واغفر لنا ما لا یعلمون ولا تؤاخذنا بما یقولون حسبی الله

لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم امنا به کل من
عند ربنا وما یذکر الا اولوا الالباب ربنا لا تزغ قلوبنا بعد
اذ هدیتنا وهب لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب و چون
حضرت سید الشهدا علیه السلام در دهم این ماه بسعادت
شهادة فایز گردید و در اکثر این دهه محزون و غمگین بودند و انبیا
موحشه با ایشان میرسید باید که شیعیان ایشان در مجموع این ده
روز بلوازم تعزیه آنحضرت قیام نمایند و محزون و اندوهناک باشند
و اخبار و احادیث که مشتمل بر ذکر مصایب ایشان باشد بخوانند
و بعضی از علما گفته اند که ترک بعضی از لذات بکنند و از حضرت امام
رضا علیه السلام منقولست که ماه محرم ماهی بود که کافران در ایام
جاهلیت احترام میداشتند و منافقان این امت در این ماه خون
ما را حلال دانستند و هتک حرمت ما کردند و زنان و فرزندان ما را
اسیر کردند و آتش در خیمهای ما زدند و اموال و اسباب ما را غارت
کردند و حرمت حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله را در باب
ما رعایت نکردند بدرستیکه مصیبت امام حسین صلوات الله علیه
چشمهای ما را مجروح گردانید و آب دیدهای ما را جاری ساخت
و عزیزان ما را ذلیل گردانید و واقعه کربلا کرب و بلا برای ما مهیا کرد
تا روز قیامت پس باید که بر مصیبت آنحضرت گریه کنندگان بگریند
بدرستیکه گریه بر آنحضرت گناهان بزرگ را برطرف میکند پس فرمود

که پدرم امام موسی علیه السلام چون ماه محرم داخل میشد کسی آنحضرت را
خندان نمیدید و اثر حزن و اندوه بر آنحضرت ظاهر میشد در جمیع
دهه اول ماه و چون روز دهم میشد روز مصیبت و گریه و اندوه
او بود و میگفت امروز روز شهادت امام حسین علیه السلام است
و در حدیث دیگر فرمود که چون جدم حسین شهید شد آسمان خون
و خاک سرخ بارید اگر بر آنحضرت اندوه و گریه کنی که آب از دیده بر روی
تو جاری گردد حقتعالی جمیع گناهان کوچک و بزرگ ترا بیامرزد پس
فرمود که اگر خواهی چون که بمیری هیچ گناه بر تو نباشد زیارت کن امام
حسین علیه السلام را و اگر خواهی که در غرفهای بهشت با حضرت
رسول و آل او باشی لعنت کن قاتلان حسین را و اگر خواهی که ثواب
شهیدان کربلا داشته باشی هر وقت که مصیبت آنحضرت را یاد آوری
بگو یا لیتنی کنت معهم فافوز فوزا عظیما یعنی ای کاشکی میبودم
با ایشان پس رستگاری مییافتم رستگاری بزرگ و اگر خواهی که
در درجات عالیه بهشت با ما باشی از برای اندوه ما اندوهناک
و از برای شادی ما شاد باش و بدانکه روزه روز اول محرم مستحب
است و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که در روز
اول محرم حضرت زکریا دعا کرد و از خدا فرزند طلبید و حقتعالی
دعای او را مستجاب گردانید و حضرت یحیی را باو عطا کرد پس هر که
امروز را روزه دارد و دعا کند حقتعالی دعای او را مستجاب گرداند

چنانکه دعای زکریا را مستجاب کرد و شیخ مفید ره گفته که روز
سیم محرم روز مبارکیست و در آن روز حضرت یوسف از چاه
بیرون آمد هر که آن روز را روزه دارد حق تعالی کارهای صعب را
بر او آسان گرداند و غمهای او را زایل گرداند و بهتر آنست که روز
نهم و دهم را روزه ندارد زیرا که بنی امیه این دو روز را برای برکت
و شماتت بر قتل آنحضرت روزه میداشته اند و احادیث بسیار
در فضیلت این دو روز و روزه این دو روز افترا بر حضرت رسول بسته اند
و از طریق اهل بیت علیهم السلام احادیث بسیار در مذمت
این دو روز خصوصا روز عاشورا وارد شده است و ایضا بنی امیه
علیهم اللعنه از برای برکت آذوقه سال را در روز عاشورا در خانه
ذخیره میکردند لهذا از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است
که هر که ترک کند سعی در حوائج خود را در روز عاشورا و پی کار نرود
حق تعالی حوائج دنیا و آخرت او را برآورد و هر که روز عاشورا روز
مصیبت و اندوه و گریه او باشد حق تعالی روز قیامت را روز فرح
و سرور و شادی او گرداند و دیده اش در بهشت بما روشن گردد و
هر که روز عاشورا را روز برکت نامد و از برای منزل خود در آن روز چیزی
ذخیره کند خدا آن ذخیره را بر او مبارک نگرداند و در روز قیامت
با یزید و عبید الله بن زیاد و عمر بن سعد علیهم اللعنه محشور
کرده شود پس باید که در روز عاشورا آدمی مشغول کاری از کارهای دنیا

نگردد

نگردد و مشغول گریه و نوحه و مصیبت باشد و امر کند اهل خانه خود را
که تعزیه آنحضرت را بدارند و مشغول ماتم باشند چنانکه در ماتم عزیزترین
فرزندان و اولاد و اقارب خود میباشند و در آن روز امساک از خوردن
و آشامیدن بکند بی آنکه قصد روزه کند و در آخر روز بعد از عصر افطار کند
اگرچه به شربتی باشد و روزه تمام ندارد مگر آنکه نذر خصوص این روز
روزه و امثال آن داشته باشد که بنذر یا مثل آن بر او واجب شده باشد
که آن روز را روزه بدارد و در آن روز آذوقه در خانه ذخیره نکنند و خندان
و مشغول لهو و لعب نگردد و هزار مرتبه بر قاتلان آنحضرت لعنت کند
و بگوید اللهم العن قتلة الحسین و در روایتی وارد شده است از
حضرت صادق علیه السلام که هر که در روز عاشورا هزار مرتبه
سوره قل هو الله احد بخواند خداوند رحمن نظر رحمت بسوی او بکند
و هر که خدا نظر رحمت بسوی او بکند هرگز او را عذاب نکند و در شب
عاشورا نیز باید که احیا کند بگریه و اندوه و حزن برای تعزیه حضرت
امام حسین و اصحاب او که در آن شب در صحرای کربلا در میان بیابان بی آب
گرفتار کافران بجفا تا صباح احیا کردند بعبادت و طلب سعادت
شهادت میکردند **فصل دوم** در زیارت مشهور آنحضرت که در روز
عاشورا و فضیلت زیارت آنحضرت در شب و روز عاشورا بسند
معتبر از حضرت صادق منقولست که هر که در شب عاشورا نزد قبر
شریف آنحضرت باشد و آنحضرت را زیارت کند در روز قیامت محشور

گردید چون خود آلوده بخون شهدای کربلا در میان ایشان محشور گردید
و هر که در شب و روز عاشورا زیارت کند آنحضرت را چنان باشد که در پیش
روی آنحضرت شهید شده باشد و بسند صحیح از آنحضرت منقولست که
هر که حضرت امام حسین علیه السلام را در روز عاشورا زیارت کند بهشت
او را واجب گردد و اما زیارت مشهور آنحضرت شیخ طوسی و ابن قولویه
و غیر ایشان روایت کرده اند از سیف بن عمیره و صالح بن عقبه و هر دو
از محمد بن اسمعیل و علقمه بن محمد حضرمی و هر دو از مالک جهنی که حضرت
امام محمد باقر علیه السلام فرمود که هر که زیارت کند حضرت امام
حسین علیه السلام را در روز دهم محرم تا نزد قبر آنحضرت گریان شود
ملاقات کند خدا را در روز قیامت با ثواب دو هزار هزار حج و دو هزار
هزار عمره و دو هزار هزار جهاد که همه را با رسول خدا صلی الله علیه و آله
و ائمه طاهرین علیهم السلام کرده باشد مالک گفت فدای تو شوم
چه ثوابست برای کسی که در شهرهای دور باشد و ممکن نباشد او را
رفتن بسوی قبر آنحضرت فرمود که چون روز عاشورا در آید بیرون رود
بسوی صحرا یا بالا رود بر بام بلندی در خانه خود و اشاره کند بسوی
قبر آنحضرت بسلام و جهد کند در نفرین بر قاتل آنحضرت و بعد از آن
دو رکعت نماز بکند و بکند اینکار را در اول روز پیش از زوال پس
ندبه و نوحه و گریه کند بر حسین و امر کند هر که در خانه او است و از
او تقیه نکند بگریه کردن بر آنحضرت و در خانه خود مصیبت برپا دارد

اظهار جزع بر آنحضرت و ملاقات کنند بعضی از ایشان بعضی را در خانهای
خود بگریه کردن و تعزیت گویند بعضی از ایشان بعضی را بمصیبت آنحضرت
پس من ضامنم بر خدا که هر که این کارها را بکند حقتعالی جمیع این ثوابها
با ایشان عطا فرماید مالک گفت تو ضامنی و کفیلی از برای ایشان این
ثواب فرمود که بلی پرسید که چگونه یکدیگر را تعزیت بگویند فرمود که
میگویند عَظَّمَ اللهُ اُجُورَنا بِمُصابِنا بِالحُسَیْنِ عَلَیْهِ السَّلامُ وَ
جَعَلَنا وَاِیّاکُمْ مِنَ الطّالِبینَ بِثارِهِ مَعَ وَلِیِّهِ الاِمامِ المَهْدِیِّ
مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِمُ السَّلامُ و اگر توانی در آنروز از پی هیچ کار از خانه
بیرون مرو که آنروز نحسی است که حاجت هیچ مؤمنی در آنروز بر آورده
نمیشود و اگر بر آورده شود از برای او مبارک نیست و نمی بیند در آن خیری و رشدی
نیست و ذخیره مکن از برای منزل خود چیزی که هر که در این روز ذخیره
کند از برای او مبارک نیست آنچه ذخیره کرده است و اهلش که از برای
ایشان ذخیره کرده است مبارک نخواهد بود از برای ایشان پس کسی که چنین
کند از برای او نوشته شود ثواب هزار هزار حج و هزار هزار عمره و هزار هزار
جهاد که همه را با رسول خدا کرده باشد و از برای او خواهد بود ثواب
مصیبت هر پیغمبری و رسولی و صدیقی و شهیدی که مرده باشد یا کشته
شده باشد از وقتی که خدا دنیا را خلق کرده است تا روز قیامت علقمه
ابن محمد گفت که من گفتم بحضرت امام محمد باقر علیه السلام که تعلیم
نما مرا دعائی که بخوانم در این روز هرگاه که خواهم آنحضرت را زیارت کنم از

نزدیک و دعائی که هرگاه در شهرهای دور یا نزدیک خواهم که اشاره کنم بسوی آنحضرت
زیارت کنم بخوانم فرمود که ای علقمه هرگاه بکنی این دو رکعت را بعد از
آنکه اشاره کرده باشی بجانب آنحضرت بسلام و گفته باشی بعد از اشاره
و نماز این قول را که مذکور خواهد شد پس دعا کرده خواهی بود بآنچه
ملائکه میخوانند چون که زیارت آنحضرت میکنند و مینویسد خدا
برای تو بآن زیارت هزار هزار حسنه و محو میکند از تو هزار هزار گناه
بلند میکند از برای تو هشت هزار هزار درجه و خواهی بود از آنها که
شهید شده باشند با حسین بن علی تا آنکه شریک شوی با ایشان در
درجات ایشان و شناخته نشوی مگر از آنها که با آنحضرت شهید شده
باشند و نوشته شود برای تو ثواب هر پیغمبری و رسولی و ثواب زیارت
هرکه آنحضرت را زیارت کرده است از روزی که شهید شده است میگوی
السلام علیک یا ابا عبد الله السلام علیک یا ابن رسول الله السلام
علیک یا ابن امیر المؤمنین و ابن سید الوصیین السلام علیک یا ابن
فاطمة سیدة نساء العالمین السلام علیک یا ثار الله و ابن ثاره
و الوتر الموتور السلام علیک و علی الارواح التی حلت بفنائک
علیکم منی جمیعا سلام الله ابدا ما بقیت و بقی اللیل و النهار
یا ابا عبد الله لقد عظمت الرزیة و جلت المصیبة بک علینا و
علی جمیع اهل الاسلام و جلت و عظمت مصیبتک فی السموات
علی جمیع اهل السموات فلعن الله امة اسست اساس الظلم و

الجور

الجور علیکم اهل البیت و لعن الله امة دفعتکم عن مقامکم
و ازالتکم عن مراتبکم التی رتبکم الله فیها و لعن الله امة قتلتکم و لعن
الله الممهدین لهم بالتمکین من قتالکم برئت الی الله و الیکم منهم
و من اشیاعهم و اتباعهم و اولیائهم یا ابا عبد الله انی سلم لمن سالمکم
و حرب لمن حاربکم الی یوم القیمة و لعن الله آل زیاد و آل مروان و
لعن الله بنی امیة قاطبة و لعن الله ابن مرجانة و لعن الله عمر بن سعد
و لعن الله شمرا و لعن الله امة اسرجت و الجمت و تنقبت و تهیأت
لقتالک بابی انت و امی لقد عظم مصابی بک فاسئل الله الذی
اکرم مقامک و اکرمنی بک ان یرزقنی طلب ثارک مع امام
منصور من اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله اللهم اجعلنی عندک
وجیها بالحسین فی الدنیا و الآخرة یا ابا عبد الله انی اتقرب الی الله
و الی رسوله و الی امیر المؤمنین و الی فاطمة و الی الحسن و الیک
بموالاتک و بالبرائة ممن قاتلک و نصب لک الحرب و بالبرائة ممن
اسس اساس الظلم و الجور علیکم و ابرء الی الله و الی رسوله ممن
اسس اساس ذلک و بنی علیه بنیانه و جری فی ظلمه و جوره علیکم
و علی اشیاعکم برئت الی الله و الیکم منهم و اتقرب الی الله ثم الیکم
بموالاتکم و موالاة ولیکم و بالبرائة من اعدائکم و الناصبین
لکم الحرب و بالبرائة من اشیاعهم و اتباعهم انی سلم لمن سالمکم و حرب
لمن حاربکم و ولی لمن والاکم و عدو لمن عاداکم فاسئل الله

الذي اكرمني بمعرفتكم ومعرفة اوليائكم ورزقني البرائة من اعدائكم
ان يجعلني معكم في الدنيا والآخرة وان يثبت لي عندكم قدم
صدق في الدنيا والآخرة واسئله ان يبلغني المقام المحمود
لكم عند الله وان يرزقني طلب ثاري مع امام مهدي ظاهر ناطق
منكم واسئل الله بحقكم وبالشأن الذي لكم عنده ان يعطيني
بمصابي بكم افضل ما يعطي مصابا بمصيبته مصيبة ما اعظمها
واعظم رزيتها في الاسلام وفي جميع اهل السموات والارض
اللهم اجعلني في مقامي هذا ممن تناله منك صلوات ورحمة
ومغفرة اللهم اجعل محياي محيا محمد وآل محمد ومماتي ممات محمد
وآل محمد اللهم ان هذا يوم تبركت به بنو امية وابن آكلة
الاكباد اللعين ابن اللعين على لسانك ولسان نبيك صلى الله عليه وآله
في كل موطن وموقف وقف فيه نبيك صلى الله عليه وآله اللهم
العن ابا سفيان ومعوية بن ابي سفيان ويزيد بن معوية عليهم منك
اللعنة ابد الآبدين وهذا يوم فرحت به آل زياد وآل مروان بقتلهم
الحسين صلوات الله عليه اللهم فضاعف عليهم اللعن منك
والعذاب اللهم اني اتقرب اليك في هذا اليوم وفي موقفي هذا و
ايام حيوتي بالبرائة منهم واللعنة عليهم وبالموالاة لنبيك وآل
نبيك عليهم السلام پس صد مرتبه میگوئی اللهم العن اول ظالم ظلم
حق محمد وآل محمد وآخر تابع له على ذلك اللهم العن العصابة

التي جاهدت الحسين عليه السلام وشايعت وبايعت على قتله
اللهم العنهم جميعا پس صد مرتبه میگوئی السلام عليك يا ابا عبد
الله وعلى الارواح التي حلت بفنائك عليك مني سلام الله ابدا
ما بقيت وبقي الليل والنهار ولا جعله الله آخر العهد مني لزيارتكم
السلام على الحسين وعلى علي بن الحسين وعلى اولاد الحسين وعلى
اصحاب الحسين پس میگوئی اللهم خص انت اول ظالم باللعن مني وابدا
به اولا ثم الثاني ثم الثالث ثم الرابع اللهم العن يزيد بن معوية خامسا
والعن عبيد الله بن زياد وابن مرجانة وعمر بن سعد وشمرا وآل ابي سفيان
وآل زياد وآل مروان الى يوم القيمة پس بسجده میروی ومیگوئی اللهم
لك الحمد حمد الشاكرين لك على مصابهم الحمد لله على عظيم رزيتي اللهم
ارزقني شفاعة الحسين عليه السلام يوم الورود وثبت لي قدم
صدق عندك مع الحسين واصحاب الحسين الذين بذلوا مهجهم
دون الحسين عليه السلام علقمه گفت که حضرت امام باقر علیه السلام
فرمود که اگر توانی هر روز آنحضرت را باین کیفیت زیارت کنی بکن که جمیع این
ثوابها از برای تو خواهد بود و روایت کرده محمد بن خالد طیالسی از سیف
بن عمیره که گفت که رفتیم با صفوان جمال و جماعتی از اصحاب خود بسوی
نجف بعد از آنکه حضرت صادق علیه السلام بیرون رفته بود از
حیره بمدینه پیش از ما پس چون از زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه
السلام فارغ شدیم صفوان روی خود را گردانید بسوی قبر حضرت

نماز حسین دو رکعت کن زیارت کنی حضرت امام حسین علیه السلام را
از این مکان بالای سر امیر المؤمنین کرد حضرت امام جعفر صادق علیه
السلام چنین کرد و دو رکعت کرد من در خدمت آن حضرت بودم این چنین که آن حضرت
امدن بودم پس خواند صفوان آن زیارت را که علقمه از حضرت امام محمد باقر
برای روز عاشورا روایت کرده است پس دو رکعت نماز کرد نزد سر امیر
المؤمنین و وداع کرد بعد از نماز امیر المؤمنین علیه السلام و رو
بجانب قبر امام حسین کرد و آنحضرت را نیز وداع کرد و از جمله دعاها که
بعد از آن دو رکعت خواند این دعا بود یا اللهُ یا اللهُ یا اللهُ یا مُجیبَ
دَعوَةِ المُضطَرّینَ یا کاشِفَ کُرَبِ المَکروبینَ یا غِیاثَ المُستَغیثینَ وَ
یا صَریخَ المُستَصرِخینَ وَیا مَن هُوَ أقرَبُ إلَیَّ مِن حَبلِ الوَریدِ وَیا مَن
یَحولُ بَینَ المَرءِ وَقَلبِهِ وَیا مَن هُوَ بِالمَنظَرِ الأعلی وَبِالأُفُقِ المُبینِ
وَیا مَن هُوَ الرَّحمنُ الرَّحیمُ عَلَی العَرشِ استَوی وَیا مَن یَعلَمُ خائِنَةَ الأ
عیُنِ وَما تُخفِی الصُّدورُ وَیا مَن لا یَخفی عَلَیهِ خافِیَةٌ وَیا مَن لا
تَشتَبِهُ عَلَیهِ الأصواتُ وَیا مَن لا تُغَلِّطُهُ الحاجاتُ وَیا مَن لا یُبرِمُهُ
إلحاحُ المُلِحّینَ یا مُدرِکَ کُلِّ فَوتٍ وَیا جامِعَ کُلِّ شَملٍ وَیا بارِئَ
النُّفوسِ بَعدَ المَوتِ وَیا مَن هُوَ کُلَّ یَومٍ فی شَأنٍ یا قاضِیَ الحاجاتِ یا مُنَفِّسَ
الکُرُباتِ یا مُعطِیَ السُّؤُلاتِ یا وَلِیَّ الرَّغَباتِ یا کافِیَ المُهِمّاتِ یا مَن
یَکفی مِن کُلِّ شَیءٍ وَلا یَکفی مِنهُ شَیءٌ فِی السَّماواتِ وَالأرضِ أسألُکَ
بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِیٍّ وَبِحَقِّ فاطِمَةَ بِنتِ نَبِیِّکَ وَبِحَقِّ الحَسَنِ وَالحُسَینِ

فَإنّی بِهِم أتَوَجَّهُ إلَیکَ فی مَقامی هذا وَبِهِم أتَوَسَّلُ وَبِهِم أتَشَفَّعُ إلَیکَ
وَبِحَقِّهِم أسألُکَ وَاُقسِمُ وَأعزِمُ عَلَیکَ وَبِالشَّأنِ الَّذی لَهُم عِندَکَ
وَبِالقَدرِ الَّذی لَهُم عِندَکَ وَبِالَّذی فَضَّلتَهُم عَلَی العالَمینَ وَ
بِاسمِکَ الَّذی جَعَلتَهُ عِندَهُم وَبِهِ خَصَصتَهُم دونَ العالَمینَ وَ
بِهِ أبَنتَهُم وَأبَنتَ فَضلَهُم مِن فَضلِ العالَمینَ حَتّی فاقَ فَضلُهُم
فَضلَ العالَمینَ أن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأن تَکشِفَ عَنّی
غَمّی وَهَمّی وَکَربی وَتَکفِیَنِی المُهِمَّ مِن اُموری وَتَقضِیَ عَنّی دَینی وَتُجیرَنی
مِنَ الفَقرِ وَتُجیرَنی مِنَ الفاقَةِ وَتُغنِیَنی عَنِ المَسألَةِ إلَی المَخلوقینَ
وَتَکفِیَنی هَمَّ مَن أخافُ هَمَّهُ وَعُسرَ مَن أخافُ عُسرَهُ وَحُزونَةَ مَن
أخافُ حُزونَتَهُ وَشَرَّ مَن أخافُ شَرَّهُ وَمَکرَ مَن أخافُ مَکرَهُ وَ
بَغیَ مَن أخافُ بَغیَهُ وَجَورَ مَن أخافُ جَورَهُ وَسُلطانَ مَن أخافُ
سُلطانَهُ وَکَیدَ مَن أخافُ کَیدَهُ وَمَقدُرَةَ مَن أخافُ بَلاءَ مَقدُرَتِهِ
عَلَیَّ وَتَرُدَّ عَنّی کَیدَ الکَیَدَةِ وَمَکرَ المَکَرَةِ اللّهُمَّ مَن أرادَنی فَأرِدهُ
وَمَن کادَنی فَکِدهُ وَاصرِف عَنّی کَیدَهُ وَمَکرَهُ وَبَأسَهُ وَأمانِیَّهُ
وَامنَعهُ عَنّی کَیفَ شِئتَ وَأنّی شِئتَ اللّهُمَّ اشغَلهُ عَنّی بِفَقرٍ
لا تَجبُرُهُ وَبِبَلاءٍ لا تَستُرُهُ وَبِفاقَةٍ لا تَسُدُّها وَبِسُقمٍ لا تُعافیهِ
وَذُلٍّ لا تُعِزُّهُ وَبِمَسکَنَةٍ لا تَجبُرُها اللّهُمَّ اضرِب بِالذُّلِّ نَصبَ
عَینَیهِ وَأدخِل عَلَیهِ الفَقرَ فی مَنزِلِهِ وَالعِلَّةَ وَالسُّقمَ فی بَدَنِهِ
حَتّی تَشغَلَهُ عَنّی بِشُغلٍ شاغِلٍ لا فَراغَ لَهُ وَأنسِهِ ذِکری کَما

انسيته ذكرك وخذ عني بسمعه وبصره ولسانه ويده ورجله
وقلبه وجميع جوارحه وادخل عليه في جميع ذلك السقم
ولا تشفه حتى تجعل ذلك له شغلا شاغلا به عني وعن ذكري
واكفني يا كافي ما لا يكفي سواك فانك الكافي لا كافي سواك
ومفرج لا مفرج سواك ومغيث لا مغيث سواك وجار لا جار
سواك خاب من كان جاره سواك ومغيثه سواك ومفزعه
الى سواك ومهربه وملجاه الى غيرك ومنجاه من مخلوق غيرك
فانت ثقتي ورجائي ومفزعي ومهربي وملجاي ومنجاي فبك
استفتح وبك استنجح وبمحمد وآل محمد اتوجه اليك واتوسل
واتشفع فاسئلك يا الله يا الله يا الله فلك الحمد ولك الشكر
واليك المشتكى وانت المستعان فاسئلك يا الله بحق محمد
وآل محمد ان تصلي على محمد وآل محمد وان تكشف عني غمي و
همي وكربي في مقامي هذا كما كشفت عن نبيك همه وغمه و
كربه وكفيته هول عدوه فاكشف عني كما كشفت عنه
وفرج عني كما فرجت عنه واكفني كما كفيته واصرف عني هول
ما اخاف هوله ومؤنة ما اخاف مؤنته وهم ما اخاف همه
بلا مؤنة على نفسي من ذلك واصرفني بقضاء حوائجي وكفاية
ما اهمني همه من امر آخرتي ودنياي يا امير المؤمنين ويا ابا عبد
الله عليكما مني سلام الله ابدا ما بقيت وبقي الليل والنهار ولا جعله

الله آخر العهد من زيارتكما ولا فرق الله بيني وبينكما اللهم احيني حياة
محمد وذريته وامتني مماتهم وتوفني على ملتهم واحشرني في زمرتهم
ولا تفرق بيني وبينهم طرفة عين ابدا في الدنيا والآخرة يا امير المؤمنين
ويا ابا عبد الله اتيتكما زائرا ومتوسلا الى ربكما
بكما زائرا ومتوسلا الى الله ربي وربكما ومتوجها اليه بكما
ومستشفعا بكما الى الله في حاجتي هذه فاشفعا لي فان لكما عند
الله المقام المحمود والجاه الوجيه والمنزل الرفيع والوسيلة اني
انقلب عنكما منتظرا لتنجز الحاجة وقضائها ونجاحها من الله بشفاعتكما
لي الى الله في ذلك فلا اخيب ولا يكون منقلبي منقلبا خائبا
خاسرا بل يكون منقلبي منقلبا راجحا مفلحا منجحا مستجابا بقضاء
جميع حوائجي وتشفعا لي الى الله انقلبت على ما شاء الله ولا حول ولا
قوة الا بالله مفوضا امري الى الله ملجئا ظهري الى الله متوكلا على
الله واقول حسبي الله وكفى سمع الله لمن دعا ليس لي وراء الله ووراءكم
يا سادتي منتهى ما شاء ربي كان وما لم يشأ لم يكن ولا حول ولا
قوة الا بالله استودعكما الله ولا جعله الله آخر العهد مني اليكما
انصرفت يا سيدي يا امير المؤمنين ومولاي وانت يا ابا عبد
الله يا سيدي وسلامي عليكما متصل ما اتصل الليل والنهار
واصل ذلك اليكما غير محجوب عنكما سلامي ان شاء الله و
اسأله بحقكما ان يشاء ذلك ويفعل فانه حميد مجيد انقلبت

يا سيدي عنكما تائبا حامدا لله شاكرا راجيا للاجابة غير آيس و
لا قانط آئبا عائدا راجعا الى زيارتكما غير راغب عنكما ولا من
زيارتكما بل راجع عائد ان شاء الله ولا حول ولا قوة الا بالله يا
سادتي رغبت اليكما والى زيارتكما بعد ان زهد فيكما وفي
زيارتكما اهل الدنيا فلا خيبني الله مما رجوت وما املت في
زيارتكما انه قريب مجيب سیف بن عمیره گفت که من بصفوان
گفتم که علقمه این زیارت را از امام محمد باقر روایت کرد این دعا را
نقل نکرد صفوان گفت که من وارد شدم با سید خود امام جعفر صادق
علیه السلام باین مکان پس کرد مثل آنچه ما کردیم در زیارت و این دعا را
خواند در هنگام وداع بعد از آنکه دو رکعت نماز را کرد چنانکه ما وداع
آورد بعد از آن صفوان گفت که حضرت صادق علیه السلام بمن گفت
که تعاهد نما این زیارت را و بخوان این دعا را و این زیارت را بکن که من
ضامنم بر خدا که هر که این زیارت را بکند و این دعا را بخواند از نزدیک یا
دور آنکه زیارتش مقبول باشد و سعیش جزا داده شود و سلامش بآنحضرت
برسد و محجوب نگردد و هر حاجت که از خدا طلب بر آورده شود هر چند
حاجتش بزرگ باشد ای صفوان این زیارت را یافتم بضمان از پدرم و
پدرم از علی بن الحسین علیه السلام یافته بضمان و او از امام حسین
یافته بضمان و او از امام حسن علیه السلام یافته بضمان و او
از پدرش امیر المؤمنین علیه السلام یافته بضمان و امیر المؤمنین

از رسول خدا صلی الله علیه و آله یافته بضمان و رسول خدا از جبرئیل
یافته بضمان و جبرئیل از خداوند عالمیان یافته بضمان و بتحقیق
که حق تعالی قسم یاد کرده است بذات مقدس خود که هر که حضرت امام حسین
علیه السلام را باین روش زیارت کند از نزدیک یا دور و این دعا را
بخواند زیارتش را قبول کنم و هر حاجت که طلبد برآورم هر چند بزرگ
باشد و هر سؤال که بکند عطا کنم و او را از درگاه خود نا امید بر نگردانم و
او را بر گردانم شاد و خوشحال بروا شدن حاجتش و فایز شدن به بهشت
و آزاد شدن از جهنم و او را در هر که شفاعت کند شفاعتش قبول کنم
مگر کسی که دشمن ما اهل بیت باشد و گواه گرفت خدا ملائکه را بر
گواه گرفتن بر این قسم ملائکه خود را پس جبرئیل گفت یا رسول
الله حق تعالی مرا بسوی تو فرستاده است برای بشارت و سرور و
خوشحالی تو و بشارت و شادی علی بن ابی طالب و فاطمه و حسن و
حسین و امامان از فرزندان تو تا روز قیامت پس حضرت صادق
علیه السلام فرمود که ای صفوان هر گاه ترا حاجتی بسوی خدا بهم
رسد این زیارت را بکن هر جا که باشی و این دعا را بخوان و از پروردگار
خود حاجت خود را طلب کن البته بر آورده میشود و حق تعالی خلف
وعده خود نمیفرماید مؤلف گوید که چون عبارت حدیث تشویش
عظیمی دارد و قابل احتمال بسیار هست اگر اول زیارت السلام علیک
یا ابا عبد الله تا والی دینک علیهم السلام بخواند و نماز زیارت

بکند و نماز همان زیارت را اعاده بکند بهتر است و اگر بعد از صد
مرتبه لعنت بار دیگر نماز بکند و بعد از صد مرتبه سلام بار دیگر
نماز کند و متصل بسجده رود و بعد از سجده نیز نماز بکند شاید
بجمیع احتمالات عمل کرده شود و اگر اول یکی از این زیارات بعید را
بعمل آورد و دو نماز بکند و بعد از فراغ از این اعمال را بعمل آورد ظاهر آنکه کافی
باشد و اگر زیارت امیر المؤمنین را با این زیارت ضم کند بهتر است
خصوصا هرگاه این زیارت را در نزد ضریح امیر المؤمنین علیه السلام
بعمل آورد و چون در حدیث تجویز کرده اند که این زیارت در هر وقت وارد
شده است اگر در غیر روز عاشورا کند بجای اللهم ان هذا یوم تبرکت
به بنو امیة بگوید اللهم ان یوم قتل الحسین صلوات الله علیه
یوم تبرکت به بنو امیة فصل پنجم در سایر زیارات این روز
است و از جمله آنها زیارتیست که شیخ عبد الله بن سنان
روایت کرده است که رفتم بخدمت حضرت صادق علیه السلام
در روز عاشورا و آنحضرت را شکسته رنگ و اندوهناک یافتم و آب
از دیدهای مبارک آنحضرت مانند مروارید میریخت گفتم یا ابن رسول
الله سبب گریه شما چیست خدا هرگز دیدهای شما را گریان
نگرداند حضرت فرمود که مگر غافلی و نمیدانی که در مثل این روز حضرت
امام حسین علیه السلام شهید شده است گفتم ای سید من
چه میفرمائید در روزه اش فرمود که روزه بدار بی آنکه شب نیت

روزه

روزه بکنی و افطار بکنی از روی شماتت و بگیر و تمام روزه مگیر و باید که
افطار تو بعد از نماز عصر باشد بیک ساعت بشربتی از آب زیرا که در این
وقت جنگ برطرف شد از آل رسول و در زمین سی نفر از اهل بیت
و موالیان ایشان افتاده بود که صاحب مصیبت گران است حضرت
رسالت بود اگر آنحضرت در دنیا میبود بایست آنحضرت را بر ایشان
تعزیت بگویند پس آنحضرت چندان گریست که ریش مبارکش از
آب دیده اش تر شد پس حضرت فرمود که بهترین کاری که در این روز بکنی
آنست که جامهای پاکیزه بپوشی و بند ازار را بگشائی و آستینها را تا مرفق
بالا کنی و مانند صاحب مصیبت زدگان بی سر برهنه و پابرهنه بیابان برآئی یا جائی
که کسی ترا نه بیند یا خانه خالی از برای تعزیه ایشان در وقت چاشت
پس چهار رکعت نماز بجا آوری با خشوع و خضوع و رکوع نیکو و بعد
از هر دو رکعت سلام بگوئی و در رکعت اول بعد از حمد سوره قل
یا ایها الکافرون بخوانی و در رکعت دوم سوره قل هو الله احد و
در دو رکعت دوم در رکعت اول سوره احزاب بخوانی و در رکعت
دوم سوره اذا جاءک المنافقون و اگر اینها را ندانی هر سوره که توانی
پس بگردانی روی خود را بجانب روضه مقدسه آنحضرت و بخاطر
آوری شهادت آن مظلوم و اولاد و اقارب و اصحاب آنجناب را و سلام
بگو بر او و صلوات بفرست بر او و لعنت کن بر قاتلان ایشان و بروایت
دیگر هزار مرتبه لعنت کنی بر قاتلان آنحضرت که حق تعالی هزار حسنه

برای تو نوشته شود و در رکعات نماز تو صحیح شود و در هر دو رکعت از برای تو
ثواب هشت باشد و بعد از آن ... که هر مرتبه بگوید اللهم العن
قتلة الحسين واصحابه پس برخیزد و بعد از آن از موضعی که ایستاده
چند گام پیش رود و بگوید انا لله وانا اليه راجعون رضا بقضائه
وتسليما لامره و این را سه مرتبه چنین کند مثل اینکه در وقوف دیگر
در هر مرتبه از احوال با ... ذکر ... بجای خود
کرده و بگوید اللهم عذب الفجرة الذين شاقوا رسولك وحاربوا
اولياءك وعبدوا غيرك واستحلوا محارمك والعن القادة
والاتباع ومن كان منهم فخب واوضع معهم او رضي بفعلهم
لعنا كثيرا اللهم وعجل فرج آل محمد واجعل صلواتك عليه
وعليهم واستنقذهم من ايدي المنافقين المضلين والكفرة
الجاحدين وافتح لهم فتحا يسيرا واتح لهم روحا وفرجا قريبا واجعل
لهم من لدنك على عدوك وعدوهم سلطانا نصيرا پس دست
بدعا بردارد و قنوت کند ... بگوید اللهم ان كثيرا من الامة
ناصبت المستحفظين من الائمة وكفرت بالكلمة وعكفت على
القادة الظلمة وهجرت الكتاب والسنة وعدلت عن الحبلين
اللذين امرت بطاعتهما والتمسك بهما فاماتت الحق وحادت
عن القصد ومالأت الاحزاب وحرفت الكتاب وكفرت بالحق لما
جاءها وتمسكت بالباطل لما اعترضها وضيعت حقك واضلت

خلقك وقتلت اولاد نبيك وخيرة عبادك وحملة علمك
وورثة حكمتك ووحيك اللهم فزلزل اقدام اعدائك واعداء
رسولك واهل بيت رسولك اللهم واخرب ديارهم وافلل
سلاحهم وخالف بين كلمتهم وفت في اعضادهم واوهن
كيدهم واضربهم بسيفك القاطع وارمهم بحجرك الدامغ وطمهم
بالبلاء طما وقمهم بالعذاب قما وعذبهم عذابا نكرا وخذهم
بالسنين والمثلات التي اهلكت بها اعداءك انك ذو نقمة
من المجرمين اللهم ان سنتك ضائعة واحكامك معطلة و
عترة نبيك في الارض هائمة اللهم فاعن الحق واهله واقمع
الباطل واهله ومن علينا بالنجاة واهدنا الى الايمان وعجل
فرجنا وانظمه بفرج اوليائك واجعلهم لنا ودا واجعلنا لهم
وفدا اللهم واهلك من جعل يوم قتل ابن نبيك وخيرتك عيدا
واستهل به فرحا ومرحا وخذ آخرهم كما اخذت اولهم وضاعف
اللهم العذاب والتنكيل على ظالمي اهل بيت نبيك واهلك
اشياعهم وقادتهم وابر حماتهم وجماعتهم اللهم وضاعف
صلواتك ورحمتك وبركاتك على عترة نبيك العترة الضائعة
الخائفة المستذلة بقية من الشجرة الطيبة الزاكية المباركة
واعل اللهم كلمتهم وافلج حجتهم واكشف البلاء واللأواء
وحنادس الاباطيل والعمى عنهم وثبت قلوب شيعتهم على

على طاعتك وولايتهم ونصرتهم وموالاتهم واعنهم وافرغ
الصبر على الاذى فيك واجعل لهم اياما مشهودة واوقاتا
محمودة مسعودة توشك فيها فرجهم وتوجب فيها تمكينهم
ونصرهم كما ضمنت لاوليائك في كتابك المنزل فانك
قلت وقولك الحق وعد الله الذين آمنوا منكم وعملوا الصالحات
ليستخلفنهم في الارض كما استخلف الذين من قبلهم وليمكنن
لهم دينهم الذي ارتضى لهم وليبدلنهم من بعد خوفهم
امنا يعبدونني لا يشركون بي شيئا اللهم فاكشف غمتهم
يا من لا يملك كشف الضر الا هو يا واحد يا احد يا حي يا قيوم
وانا يا الهي عبدك الخائف منك والراجع اليك السائل لك
المقبل عليك اللاجئ الى فنائك العالم بانه لا ملجأ منك
الا اليك اللهم فتقبل دعائي واسمع ندائي يا الهي علانيتي
ونجواي واجعلني ممن رضيت عمله وقبلت نسكه ونجيته
برحمتك انك انت العزيز الكريم اللهم وصل اولا وآخرا على
محمد وآل محمد وبارك على محمد وآل محمد وارحم محمدا وآل
محمد باكمل وافضل ما صليت وباركت وترحمت على انبيائك
ورسلك وملائكتك وحملة عرشك بلا اله الا انت
اللهم ولا تفرق بيني وبين محمد وآل محمد صلواتك عليه
وعليهم واجعلني يا مولاي من شيعة محمد وعلي وفاطمة و

الحسن

الحسن والحسين وذريتهم الطاهرة المنتجبة وهب لي التمسك
بحبلهم والرضا بسبيلهم والاخذ بطريقتهم انك جواد كريم
پس بجبهه برو رو و طرف روی خود را بر خاک بگذار و بگو یا من
يحكم ما يشاء ويفعل ما يريد انت حكمت فلك الحمد محمودا
مشكورا فعجل يا مولاي فرجهم وفرجنا بهم فانك ضمنت اعزا
زهم بعد الذلة وتكثيرهم بعد القلة واظهارهم بعد
الخمول يا اصدق الصادقين ويا ارحم الراحمين فاسئلك
يا الهي وسيدي متضرعا اليك بجودك وكرمك بسط
املي والتجاوز عني وقبول قليل عملي وكثيره والزيادة في ايامي وتبليغ
ذلك المشهد وان تجعلني ممن يدعى فيجيب الى طاعتهم وموالاتهم
ونصرهم وتريني ذلك قريبا سريعا في عافية انك على كل
شيء قدير پس سر خود را بسوی آسمان کن و بگو اعوذ بك ان اكون من
الذين لا يرجون ايامك فاعذني يا الهي برحمتك من ذلك چون این
کار این عمل بهتر است از برای تو از حجهای بسیار و عمرهای بسیار که مال
بسیار در آن صرف نمائی و بدن خود را در آن بتعب افکنی و از اهل و عیال
و فرزندان خود جدا شوی و بدانکه کسی که اینها را از دور و نزدیک بخواند و این
دعا را از روی اخلاص بخواند و این عمل را با یقین و تصدیق بجا آورد
حقتعالی ده خصلت باو عطا کند که از جمله آنها آنست که او را از حق
بحفظ کند یا از غرق شدن و سوختن و در زیر عمارت ماندن

وامثال اینها و نامردن دشمنی با او سلطانکرد و نگاه دارد او را از
بیانکی و خوف و بیم در خود و فرزندان و اتباع و احباب و شیطان
و دوستان و یاوران شیطان را مسلط نکرداند برا او و فرزندان او و پس
پس زیارت دیگر زیارتیست که مشتمل است بر زیارت شهدا و
متضمن تعزیت حضرت رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم
هست و مناسبست که در این روز خوانده شود و اگر در اول روز خوانده
شود شاید انسب باشد و زیارت اینست اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا وارِثَ
آدَمَ صِفْوَةِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا وارِثَ نُوحٍ نَبِیِّ اللهِ اَلسَّلامُ
عَلَیْكَ یا وارِثَ اِبْرٰهیمَ خَلیلِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا وارِثَ مُوسٰی
كَلیمِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا وارِثَ عیسٰی رُوحِ اللهِ اَلسَّلامُ
عَلَیْكَ یا وارِثَ مُحَمَّدٍ حَبیبِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا وارِثَ عَلِیٍّ اَمیرِ
الْمُؤْمِنینَ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا وارِثَ حَسَنٍ الشَّهیدِ سِبْطِ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ
یَا بْنَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یَا بْنَ الْبَشیرِ النَّذیرِ وَابْنَ سَیِّدِ
الْوَصِیّینَ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یَا بْنَ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ سَیِّدَةِ نِساءِ الْعالَمینَ
اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا اَبا عَبْدِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا خِیَرَةَ اللهِ وَابْنَ
خِیَرَتِهِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا ثارَ اللهِ وَابْنَ ثارِهِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا
الْوِتْرُ الْمَوْتُورُ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الْاِمامُ الْهادِی الزَّكِیُّ وَعَلٰی
اَرْواحٍ حَلَّتْ بِفِنائِكَ وَاَقامَتْ فی جِوارِكَ وَوَفَدَتْ مَعَ زُوّارِكَ
اَلسَّلامُ عَلَیْكَ مِنّی ما بَقیتُ وَبَقِیَ اللَّیْلُ وَالنَّهارُ فَلَقَدْ

عظمت

عَظُمَتْ بِكَ الرَّزِیَّةُ وَجَلَّ الْمُصابُ فِی الْمُؤْمِنینَ وَالْمُسْلِمینَ وَفی اَهْلِ
السَّمٰواتِ اَجْمَعینَ وَفی سُكّانِ الْاَرَضینَ فَاِنّا لِلّٰهِ وَاِنّا اِلَیْهِ راجِعُونَ
وَصَلَواتُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ وَتَحِیّاتُهُ عَلَیْكَ وَعَلٰی آبائِكَ الطَّیِّبینَ
الْمُنْتَجَبینَ وَعَلٰی ذَراریهِمُ الْهُداةِ الْمَهْدِیّینَ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ
یا مَوْلایَ وَعَلَیْهِمْ وَعَلٰی رُوحِكَ وَعَلٰی اَرْواحِهِمْ وَعَلٰی تُرْبَتِكَ
وَعَلٰی تُرْبَتِهِمْ اَللّٰهُمَّ لَقِّهِمْ رَحْمَةً وَرِضْواناً وَرَوْحاً وَرَیْحاناً اَلسَّلامُ
عَلَیْكَ یا مَوْلایَ یا اَبا عَبْدِ اللهِ یَا بْنَ خاتَمِ النَّبِیّینَ وَیَا بْنَ سَیِّدِ
الْوَصِیّینَ وَیَا بْنَ سَیِّدَةِ نِساءِ الْعالَمینَ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا شَهیدُ
یَا بْنَ الشَّهیدِ یا اَخَ الشَّهیدِ یا اَبَا الشُّهَداءِ اَللّٰهُمَّ بَلِّغْهُ عَنّی فی
هٰذِهِ السّاعَةِ وَفی هٰذَا الْیَوْمِ وَفی هٰذَا الْوَقْتِ وَفی كُلِّ وَقْتٍ
تَحِیَّةً كَثیرَةً وَسَلاماً سَلامُ اللهِ عَلَیْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ
یَا بْنَ سَیِّدِ الْعالَمینَ وَعَلَی الْمُسْتَشْهَدینَ مَعَكَ سَلاماً مُتَّصِلاً
مَا اتَّصَلَ اللَّیْلُ وَالنَّهارُ اَلسَّلامُ عَلَی الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ الشَّهیدِ
اَلسَّلامُ عَلٰی عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ الشَّهیدِ اَلسَّلامُ عَلَی الْعَبّاسِ بْنِ اَمیرِ
الْمُؤْمِنینَ الشَّهیدِ اَلسَّلامُ عَلَی الشُّهَداءِ مِنْ وُلْدِ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ
اَلسَّلامُ عَلَی الشُّهَداءِ مِنْ وُلْدِ الْحَسَنِ اَلسَّلامُ عَلَی الشُّهَداءِ مِنْ وُلْدِ
الْحُسَیْنِ اَلسَّلامُ عَلَی الشُّهَداءِ مِنْ وُلْدِ جَعْفَرٍ وَعَقیلٍ اَلسَّلامُ
عَلٰی كُلِّ مُسْتَشْهَدٍ مَعَهُمْ مِنَ الْمُؤْمِنینَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ
آلِ مُحَمَّدٍ وَبَلِّغْهُمْ عَنّی تَحِیَّةً كَثیرَةً وَسَلاماً اَلسَّلامُ عَلَیْكَ

یا رسول الله احسن الله لک العزاء فی ولدک الحسین السلام علیک
یا فاطمة احسن الله لک العزاء فی ولدک الحسین السلام علیک
یا امیر المؤمنین احسن الله لک العزاء فی ولدک الحسین السلام
علیک یا ابا محمد الحسن احسن الله لک العزاء فی اخیک الحسین
یا مولای یا ابا عبد الله انا ضیفا الله وضیفاک وجار الله و
جارک ولکل ضیف وجار قری وقرای فی هذا الوقت ان تسئل
الله سبحانه وتعالی ان یرزقنی فکاک رقبتی من النار انه سمیع
الدعاء قریب مجیب و شیخ مفید گفته است که در شب بیست
یکم زفاف حضرت فاطمه و امیر المؤمنین واقع شد باید که امروز برای
شکر این نعمت عظمی شیعیان روزه بدارند و شیخ طوسی گفته است که
در روز هفدهم محرم اصحاب فیل که بجهت خراب کردن کعبه آمده
بودند برگشتند و عذاب بر ایشان نازل شد و در روز بیست پنجم
این ماه حضرت امام زین العابدین علیه السلام بعالم اعلی ارتحال
نمودند باب هفتم در اعمال ماه صفر است و این ماه مشهور بنحوست و
دو وجه میتوان داشت اول آنکه موافق قول علمای شیعه وفات حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و آله در این ماه واقع شده دوم آنکه
در سه ماه متوالی که اشهر حرم اند چون عرب قتال نمیکرده اند و در
این ماه شروع بقتال میکرده اند لهذا نحس شمرده اند و در احادیث
شیعه ندیده ام چیزی که دلالت بر نحوست کند و در روز اول این ماه

معتبره خاصه وارد شده است و سید ابن طاوس از بعضی کتب معتبره
روایت کرده است که در روز سیم این ماه مستحب است که دو رکعت نماز بجا
آورند و در رکعت اول بعد از حمد سوره انا فتحنا بخوانند و در رکعت
دوم سوره توحید و بعد از سلام صد مرتبه بگویند اللهم صل علی
محمد و آل محمد و صد مرتبه اللهم العن آل ابی سفیان و صد مرتبه
استغفر الله ربی و اتوب الیه و در روز بیستم این ماه مشهور است که
اربعین یعنی چهلم شهادت حضرت امام حسین علیه السلام و در
کتب معتبره از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام روایت کرده
اند که علامات مؤمن پنج چیز است نماز پنجاه و یک رکعت از فریضه و نافله
در شب و روز و زیارت اربعین و انگشتر در دست راست کردن و
جبین را در سجده بر خاک گذاشتن و بسم الله الرحمن الرحیم را بلند
گفتن و کیفیت زیارت بسند معتبر منقول است از صفوان جمال که گفت
مولای من حضرت صادق علیه السلام بمن گفت که در زیارت اربعین
که زیارت میکنی در هنگامی که روز بلند شده باشد و میگوئی السلام
علی ولی الله و حبیبه السلام علی خلیل الله و نجیبه السلام علی
صفی الله و ابن صفیه السلام علی الحسین المظلوم الشهید السلام
علی اسیر الکربات و قتیل العبرات اللهم انی اشهد انه ولیک
وابن ولیک و صفیک وابن صفیک الفائز بکرامتک اکرمته بالشهادة
و حبوته بالسعادة واجتبیته بطیب الولادة وجعلته سیدا

من السادة وقائدا من القادة وذائدا من الذادة واعطیته مواریث
الانبیاء وجعلته حجة علی خلقک من الاوصیاء فاعذر
فی الدعاء ومنح النصح وبذل مهجته فیک لیستنقذ عبادک
من الجهالة وحیرة الضلالة وقد توازر علیه من غرته الدنیا
وباع حظه بالارذل الادنی وشری آخرته بالثمن الاوکس وتغطرس
وتردی فی هواه واسخطک واسخط نبیک واطاع من عبادک
اهل الشقاق والنفاق وحملة الاوزار المستوجبین النار فجاهدهم
فیک صابرا محتسبا حتی سفک فی طاعتک دمه واستبیح
حریمه اللهم فالعنهم لعنا وبیلا وعذبهم عذابا الیما السلام
علیک یا بن رسول الله السلام علیک یا بن سید الاوصیاء
اشهد انک امین الله وابن امینه عشت سعیدا ومضیت
حمیدا ومت فقیدا مظلوما شهیدا واشهد ان الله منجز لک ما
وعدک ومهلک من خذلک ومعذب من قتلک واشهد
انک وفیت بعهد الله وجاهدت فی سبیل الله حتی اتاک الیقین
فلعن الله من قتلک ولعن الله من ظلمک ولعن الله امة سمعت
بذلک فرضیت به اللهم انی اشهدک انی ولی لمن والاه وعدو
لمن عاداه بابی انت وامی یا بن رسول الله اشهد انک کنت نورا
فی الاصلاب الشامخة والارحام الطاهرة لم تنجسک الجاهلیة
بانجاسها ولم تلبسک المدلهمات من ثیابها واشهد انک

من دعائم الدین وارکان المسلمین ومعقل المؤمنین واشهد انک الامام
البر التقی الرضی الزکی الهادی المهدی واشهد ان الائمة من
ولدک کلمة التقوی واعلام الهدی والعروة الوثقی والحجة
علی اهل الدنیا واشهد انی بکم مؤمن وبایابکم موقن بشرایع
دینی وخواتیم عملی وقلبی لقلبکم سلم وامری لامرکم متبع
ونصرتی لکم معدة حتی یاذن الله لکم فمعکم معکم لا مع
عدوکم صلوات الله علیکم وعلی ارواحکم واجسادکم وشاهدکم
وغائبکم وظاهرکم وباطنکم آمین رب العالمین و دو رکعت
نماز میکنی و هر دعا که خواهی میکنی و برمیگردی سید بن طاوس گفته
که چون اراده زیارت وداع آن امام کنی بمخصوص است باید
که بایستی پیش روی ضریح و بگوئی السلام علیک یا بن رسول
الله السلام علیک یا بن علی المرتضی وصی رسول الله السلام
علیک یا بن فاطمة الزهراء سیدة نساء العالمین السلام علیک
یا وارث حسن الزکی السلام علیک یا حجة الله فی ارضه و
شاهده علی خلقه السلام علیک یا ابا عبد الله الشهید السلام
علیک یا مولای وابن مولای اشهد انک قد اقمت الصلوة و
آتیت الزکوة وامرت بالمعروف ونهیت عن المنکر وجاهدت
فی سبیل الله حتی اتاک الیقین واشهد انک علی بینة من ربک
اتیتک واگر از دور زیارت کنند بگوید توجهت الیک یا مولای

ولا فعلنا واطعنا سؤالك بالاذنب فما بنا الهلكة من الخطايا
بذنقطع بجعنة رتك يا رسول الله صلى الله عليك حيا وميتا
فان لك عند الله مقاما معلوما وشفاعة مقبولة لعن الله
من ظلمك لعن الله من حرمك وغصب حقك ولعن الله من قاتلك
ولعن الله من خذلك ولعن الله من دعوته فلم يجبك ولم يعنك
ولعن الله من منعك من حرم الله وحرم رسوله وحرم ابيك
واخيك ولعن الله من منعك من شرب ماء الفرات لعنا كثيرا
يتبع بعضها بعضا اللهم فاطر السموات والارض عالم الغيب
والشهادة انت تحكم بين عبادك فيما كانوا فيه يختلفون
وسيعلم الذين ظلموا اي منقلب ينقلبون اللهم لا تجعله
اخر العهد من زيارته وارزقنيه ابدا ما ابقيتني وحييت يا رب
وان مت فاحشرني في زمرته يا ارحم الراحمين واكر زيارت اين
روز عاشورا را امروز در اين روز بخوانند مناسبتست وبدانكه مشهور
انستكه سبب تاكيد زيارت انحضرت در اين روز انستكه حضرت
امام زين العابدين با ساير اهل بيت عليهم السلام در اين روز بعد
از مراجعت شام بكربلاى معلى وارد شده اند وسرهاى مقدس
شهدا را ببدنهاى مطهر ايشان ملحق كردند واين بنا بر بعضي
از جهات بسيار كه ذكر انها موجب تطويلست وبعضي گفته اند
كه در اين روز اهل بيت وارد مدينه طيبه شده اند واين نيز بنا

بعيد

بعيد است وبعضي گفته اند كه شايد حضرت امام زين العابدين باعجاز
وطي الارض بكربلا رفته باشند از شام وسرها را بجسدها ملحق
كرده باشند واين ممكنست اما روايتي در اين باب بنظر نرسيده است
بلكه بعضي از روايات منافي اين احتمال دارد وانچه كه از احاديث
ظاهر ميشود انستكه اول كسي كه از صحابه حضرت رسالت بزيارت
انحضرت مشرف شد جابر بن عبد الله انصاري بود واو در اين روز بكربلا
رسيد وانحضرت را با شهدا زيارت كرد وچون جابر از اكابر صحابه
بود وشان اين امر عظيم است ميتواند بود كه سبب مزيد فضل
زيارت انحضرت شده باشد كه در اين روز شايد چون ديگر باشند
باشد كه بنا هم باشد چون فرموده اند كه در اين روز زيارت كنيم
بايد كرد وبخصوص سبب شرعي نيست ومشهور ميان علماى اماميه
انستكه وفات حضرت رسالت صلى الله عليه واله در روز بيست
هشتم ماه صفر واقع شد وشيخ طوسي وجمع ديگر گفته اند كه شهادت
امام حسن مجتبى عليه السلام نيز در اين روز واقع شد پس قيام بمراسم
تعزيه بايد نمود كه اين روز بزيارت ايشان از نزديك ودور مناسبست
وبدانكه در ميان عوام بلكه خواص مشهور است كه نحوست ماه صفر
شهرت دارد ودر كتب عامه وخاصه چيزي كه دلالت بر اين كند بنظر
نرسيده واحاديث در نحوست مطلق چهارشنبه خصوصا چهار
شنبه اخر هر ماه وارد شده است وچون اينها مبنا بر اسبابي كه

شدن فی الجمله خوبست و وارد شده است که چهارشنبه آخر آن نحوستش
از سایر چهارشنبها بیشتر باشد اگر شوم بودن از قبیل استدلال نجومی
استدفاع آن با بتصدقات و ادعیه و استعاذات که از ائمه
وارد شده است بکند و توکل نماید بر جناب مقدس الهی که
اینکه فاعل طیره است مناسبست و اگر بلائی متوجه باشد با اینها
رفع میشود نه آنکه بروش جهال عجم متابعت مجوسان کنند و بلهو
و لعب و تفرج و شادی و سایر اعمال قبیحه مشغول شوند که موجب
مزید استحکام قضاهای آسمانی و تقدیرات ربانی گردد باب
هشتم در ذکر فضایل ایام و اعمال ماه ربیع الاولست و در آن دو فصل
است فصل اول در فضیلت و اعمال روز اول تا روز شانزدهم
است شیخ مفید و شیخ طوسی و دیگران گفته اند که حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و آله در شب اول ماه ربیع الاول
اراده هجرت نمود از مکه معظمه بسوی مدینه مشرفه و در اول شب
بغار رفت و حضرت امیرالمؤمنین جان شریف خود را فدای
جان مقدس حضرت رسول کرده در جای آنحضرت خوابید و
از شمشیرهای کین قبایل مشرکین پروا نکرده فضل او بر جمیع امت
بلکه بر جمیع عالمیان بر همگان ظاهر گردید و حق تعالی با ملائکه
سموات با آنحضرت مباهات نمود و آیه کریمه و من الناس من
یشری نفسه ابتغاء مرضات الله در شان او نازل شد و

تفصیلش

تفصیلش در حیات القلوب مذکور است و چون حق تعالی
جان مقدس پیغمبر را از کید کافران حفظ کرد گفته اند که بنابرین
که روز اول ماه ربیع الاول مستحبست که برای شکر این نعمت
عظمی روزه بدارند و هرچند علما در این روز زیارت ذکر نکرده اند
اما زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و حضرت امیر
در این روز مناسبست بجهاتی که مذکور شد و شیخ طوسی در
مصباح گفته که در روز اول این ماه حضرت امام حسن عسکری
بعالم بقا رحلت نمود و حضرت صاحب الامر علیه السلام بخبر
جلیل امامت فائز گردید بدین زیارت ائمه و امام عالیمقدار در این روز
نیز مناسبست و اما شیخ در تهذیب و کلینی و محمد بن جریر طبری
و ابن الخشاب و شیخ مفید و غیر ایشان گفته اند که وفات حضرت
امام حسن عسکری در روز هشتم این ماه بود پس در آن روز زیارت
آنحضرت و امام زمان مناسبست و اما روز نهم این ماه بدانکه میان علمای شیعه
و عامه در تاریخ قتل عمر بن الخطاب علیه اللعنة خلافست و
مشهور میان فریقین آنست که قتل آن ملعون در روز بیست و
ششم ماه ذی الحجه واقع شده چنانچه سابقا اشاره بان شد و بعضی
بیست و هفتم نیز گفته اند و مستند این دو قول نقل مورخانست
و از کتب معتبره چنان معلوم میشود که چنانچه الحال میان عوام
شیعه مشهور است قتل او در روز نهم ربیع الاول واقع شده

وسایر علما بیان جمعی از محدثین شیعه نیز چنین مشهور بوده است
و سید بزرگوار علی بن طاوس در کتاب اقبال اشاره نموده است بانکه
ابن بابویه روایتی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام ذکر
کرده است که ... در روز نهم ماه ربیع الاول بدرستی که ...
متوجه شده است و از نقل او چنان مفهوم میشود که شیخ صدوق
چنین اعتقاد داشته است و همچنین سید نیز این حدیث را روایت
نموده است و ایضا سید ذکر کرده است که جماعتی از شیعیان عجم
پیوسته این روز را بسبب تعظیم و تکریم نموده اند و خلف بزرگوا
ر سید علی بن طاوس در کتاب زوائد الفوائد این مذهب را تقویت کرده است
و روایت معتبری در این باب ایراد نموده است چنانچه گفته است
که روایت کرده اند که محمد بن ابی العلاء همدانی و یحیی بن محمد بن جریح
بغدادی که روزی ما منازعه میکردیم در باب قتل عمر بن الخطاب
علیه اللعنة و العذاب و رفتیم بشهر قم نزد احمد بن اسحق قمی
که از خواص اصحاب حضرت امام علی نقی علیه السلام و امام حسن
عسکری علیه السلام بود و بخدمت حضرت صاحب الامر علیه
نیز رسیده بود چون در را کوبیدیم دختر عراقیه بیرون آمد و
احوال احمد را از او پرسیدیم گفت که او امروز مشغول اعمال عید است
و این روز نهم ماه ربیع الاول بود گفتیم سبحان الله عیدهای مؤمنان
چهار است عید فطر و عید اضحی و عید غدیر و روز جمعه آن

دختر گفت که احمد بن اسحق از حضرت امام علی نقی علیه السلام روایت
میکند که امروز روز عید است و بهترین عیدها است نزد اهل بیت
رسالت و شیعیان ایشان ما گفتیم که رخصت بطلب تا نزد او رویم
او دختر او را خبر کرد بیرون آمد بسوی ما و لنگی بسته بود و متضمخ
بعبیر بود و بوی مشک از او ساطع بود ما گفتیم که اینچه حالت است
که ما در تو مشاهده میکنیم گفت الحال از غسل عید فارغ شده ام گفتیم
امروز عید است گفت بلی و ما را بخانه درآورد و بر روی کرسیها
نشانید گفت روزی با جمعی از برادران خود بنزد مولای خود امام حسن
عسکری علیه السلام در سر من رای رفتیم امروز که شما نزد من آمدید
آمدیم چون رخصت یافتیم و بخدمت آنحضرت رسیدیم دیدیم که آنحضرت
مجلس خود را آراسته و جمیع خدم پیش خود گذاشته است و ...
بسیار ... و مجلس خود را مزین گردانیده اند
و بر غلامان و خدمتکاران خود جامهای فاخر پوشانیده است گفتیم
یا بن رسول الله پدران و مادران ما فدای تو باد آیا از برای اهل بیت
امروز فرحی تازه روی داده است حضرت فرمود که امروز نزد اهل
بیت حرمتش از این روز عظیم تر است بدرستی که خبر داد پدرم که حذیفه
یمان در روز نهم ماه ربیع الاول داخل شد بر جدم حضرت رسول خدا
حذیفه گفت که دیدم حضرت امیر المؤمنین و امام حسن و امام حسین
علیهم السلام را که با حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله

علما بتاویل بغیر حق فتوی دهند و قضات بعد از ایشان تابع ایشان شوند و با آنها
حق و امام حسین علیه السلام میگفت بخورید گوارا بادا بر
شما برکت و سعادت این روز عید و سنت که این روز بیست که حق تعالی
هلاک میکند دشمن خود و دشمن جد شما را و مستجاب میگرداند
در این روز دعای جد شما را بخورید که این روز بیست که حق تعالی در
این روز قبول میکند اعمال محبان و شیعیان شما را بخورید که این
روز بیست که ظاهر میشود راستی گفته خدا که فرموده فتلک
بیوتهم خاویة بما ظلموا یعنی این است خانهای ایشان که خالی گردید
بسبب ستمهای ایشان بخورید که این روز بیست که شکسته میشود
در این روز شوکت دشمنان جد شما و یاری کننده دشمن شما بخورید که
این روز بیست که در این روز هلاک میشود فرعون اهل بیت من و ظلم
کننده ایشان و غصب کننده حق ایشان بخورید که این روز بیست که عملهای
دشمنان شما را باطل و هبا میگرداند خدا پس گفت که من گفتم یا رسول
الله آیا در امت تو کسی خواهد بود که حرمتهای ترا بشکند
فرمود که ای حذیفه بتی از منافقان بر ایشان سر کرده خواهد شد
و دعوی ریاست در میان ایشان خواهد کرد و مردم را بسوی
خود دعوت خواهد کرد و تازیانه ظلم و ستم را بر دوش خواهد کشید
و مردم را از راه خدا منع خواهد کرد و کتاب خدا تحریف خواهد نمود
و سنت مرا تغییر خواهد داد و میراث فرزندان مرا متصرف خواهد شد

و خود را پیشوای مردم خواهد خواند و زیادتی بر وصی من علی بن ابی
طالب خواهد کرد و مالهای خدا را بناحق بر خود حلال خواهد کرد
و در غیر طاعت خدا صرف خواهد کرد و برادر و وزیر من
علی را تکذیب خواهد کرد و دختر مرا از حق خود محروم خواهد
کرد پس دختر من او را نفرین خواهد کرد و حق تعالی نفرین او را در آن
روز مستجاب خواهد کرد پس حذیفه گفت یا رسول الله چرا
نمیکنی که حق تعالی او را در حیات تو هلاک گرداند حضرت فرمود
که ای حذیفه دوست نمیدارم که جرات کنم بر قضای خدا و اراده او
که تغییر امری که در علم او گذشته است ولیکن از حق تعالی سوال
کردم که فضیلت دهد آن روز را که در آن روز او بجهنم برود بر سایر روزها
تا آنکه احترام آن روز سنتی گردد در میان دوستان و شیعیان اهل
بیت من پس حق تعالی وحی کرد بسوی من که ای محمد در علم سابق
من گذشته است که در یابد ترا و اهل بیت ترا محنتهای دنیا
و بلاها و ستمهای منافقان و غصب کنندگان از بندگان من
آن منافقانی که تو خیرخواهی ایشان کردی و با تو خیانت کردند و
تو با ایشان راستی کردی و ایشان با تو مکر کردند و تو با ایشان
صاف بودی و ایشان دشمنی ترا بدل گرفتند و تو ایشان را خوشنود
گردانیدی و ایشان ترا تکذیب کردند و تو ایشان را برگزیدی و
ایشان ترا در بلیه گذاشتند و سوگند یاد میکنم بحول و قوه و

پادشاهی خود کند البته میکشانم روح کسی که غصب کند حق علی را که
وصی تو است بعد از تو و فرود آرم او را از پست ترین طبقهای جهنم که از آن
فیلوق میگویند و او را و اصحاب او را در قعر جهنم جا دهم که شیطان از
مرتبه خود بر او مشرف شود و او را لعنت کند و آن منافق را در قیامت
عبرت کردانم برای فرعونها که در زمان پیغمبران دیگر بودند و برای
سایر دشمنان دین و ایشان را و دوستان ایشان را بجهنم برم با دسته
های کبود و رویهای ترش با نهایت مذلت و خواری و پشیمانی و
ایشان ابد الآباد در عذاب خود باشند ای محمد خبر شد علی بن
تو مکر بانچه برسید باو از بلاها از فرعون او و غصب کنند حق
او که جرأت میکند بر من و کلام مرا بدل میکند و شرک بمن می آورد
و مردم را منع میکند از راه رضای من و کوساله از برای امت تو
برپا میکند که ابوبکر است و کافر میشود بمن بعزت و عظمت
و جلال من بدرستیکه امر کردم ملائکه هفت آسمان خود که
برای شیعیان و محبان دین شما عید کنند آن روز را که ملعون
کشته میشود و امر کردم ایشان را که کرسی کرامت مرا نصب کنند
در برابر بیت المعمور و ثنا کنند بر من و طلب آمرزش نمایند از برای
شیعیان و محبان شما از فرزندان آدم و امر کردم ملائکه نو
یسندگان اعمال را که از این روز تا سه روز قلم از مردم بردارند
و ننویسند گناهان ایشان را برای کرامت تو و وصی تو ای محمد

این روز را عید کردانیدم برای تو و اهل بیت تو و اهل بیت تو و
برای هرکه تابع ایشان باشد از مؤمنان و شیعیان ایشان و
سوگند یاد میکنم بخود بعزت و جلال خود و علو و منزلت و مکان
خود که عطا کنم کسی را که عید کند این روز را از برای من ثواب آنها
که بدور عرش احاطه کرده اند و قبول کنم شفاعت او را در خویشان
او و زیاد کنم مال او را اگر گشادگی دهد بر خود و عیال خود در این روز
و هر سال این روز صد هزار و هزار کس از موالیان و شیعیان شما را
از آتش جهنم آزاد کردانم و اعمال ایشان را قبول کنم و گناهان ایشان را
بیامرزم حذیفه گفت که پس برخاست رسول خدا صلی الله علیه و آله
و بخانه ام سلمه رفت و من برگشتم و صاحب یقین بودم در کفر عمر
تا آنکه بعد از وفات رسول خدا دیدم که او چه فتنها بر انگیخت و کفر اصلی
خود را اظهار نمود و از دین برگشت و دامان [illegible] و وقاحت برای
غصب امامت و خلافت بر زد و قرآن را تحریف کرد و آتش در خانه
وحی و رسالت زد و بدعتها در دین خدا پیدا کرد و ملت پیغمبر را تغییر
داد و سنت آنحضرت را بدل کرد و شهادت حضرت امیرالمؤمنین علیه
السلام را رد کرد و فاطمه دختر رسول خدا را به دروغ نسبت داد و فدک
غصب کرد و یهود و نصاری و مجوس را از خود راضی کرد و نور دیده [illegible]
بخشم آورد و رضا جوئی اهل بیت رسالت نکرد و جمیع سنتهای رسول
خدا را برطرف کرد و تدبیر کشتن امیرالمؤمنین کرد و جور و ستم را در دنیا

مردم را غارت کرد و هرچه خدا حلال کرده بود حرام کرد و هرچه خدا
حرام کرده بود حلال کرد و حکم کرد که از پوست شتر درهم و دینار بسازند
و ضرب کنند و در پهلوی بر شکم فاطمه زهرا زد و بر منبر حضرت رسالت
بغصب جای گرفت و با الاوفی و بحضرت امیرالمؤمنین علیه السلام افترا
بست و با آنحضرت معارضه کرد و رای آنحضرت را بسفاهت نسبت
داد حذیفه گفت که پس خدا دعای بر کرده نبی خود و دختر پیغمبر خود را
در حق آن منافق مستجاب کرد و قتل او را بدست کشنده او رحمة الله
جاری ساخت پس رفتم بخدمت حضرت امیرالمؤمنین که آنحضرت را تهنیت
و مبارکباد بگویم بآنکه آن منافق کشته شد و بعذاب حق تعالی واصل
گردید چون حضرت مرا دید گفت ای حذیفه آیا در خاطر داری آن روز را
که آمدی بنزد سید من رسول خدا و من و دو سبط او حسن و حسین
نزد او نشسته بودیم و با او طعام میخوردیم پس ترا دلالت کرد بر فضیلت
این روز گفتم بلی ای برادر رسول خدا حضرت فرمود که بخدا سوگند که این
روزیست که حق تعالی در آن دیده آل رسول را روشن گردانید و من
برای این روز هفتاد و دو نام میدانم حذیفه گفت یا امیرالمؤمنین
میخواهم که این نامها را از تو بشنوم حضرت فرمود که این روز استراحت است
که مؤمنان از شر آن منافق امان یافتند و روز زایل شدن کرب و غم
است و روز غدیر دوم است و روز تخفیف گناهان شیعیان است
و روز اختیار نیکوئی برای مؤمنان است و روز برداشتن قلم از شیعیان

و روز شکستن کمر دشمنان است و روز عافیت است و روز برکت است و روز
طلب خونهای مؤمنان است و روز عید بزرگ است و روز مستجاب
شدن دعاست و روز موقف اعظم است و روز وفای بعهدهاست
و روز شرط است و روز کندن جامه سیاه است و روز ندامت ظالمان
است و روز شکسته شدن شوکت مخالفان است و روز نفی هموم
است و روز فتح است و روز عرض کار است و روز ظهور قدرت
خداست و روز عفو از گناه شیعیان است و روز فرح ایشان است
و روز توبه است و روز انابت بسوی حق تعالی است و روز زکوة
بزرگ است و روز فطر دوم است و روز کرم شدن ناب دهن در کام
مخالفان است و روز خوشنودی مؤمنان است و روز عید اهل بیت
است و روز ظفر یافتن بنی اسرائیل بر فرعون است و روز مقبول شدن
اعمال شیعیان است و روز پیش فرستادن صدقات است و روز زیارت
مؤمنان است و روز قتال منافقان است و روز وقت معلوم است و
روز سرور اهل بیت است و روز شهود است و روز قهر بر دشمنان است
و روز خراب شدن بنیان ظلالت است و روز پست کردن ظالمان است
ندامت بندگان میکردند و روز تنبیه است و روز شرف است و روز
خلاص شدن دلهای مؤمنان است و روز شهادت است و روز در
گذشتن از گناه مؤمنان است و روز تازگی بوستان اهل ایمان است
و روز شیرینی کام ایشان است و روز خوشی دلهای مؤمنان است

و روز بر طرف شدن پادشاهی منافقانست و روز توفیق اهل ایمانست
و روز رهائی مؤمنان از شر کافرانست و روز ظاهر شدنست و روز
مباهاتست و روز قبول اعمالست و روز تحصیل و تعظیم است و
روز نحله و عطاست و روز شکر حقتعالی است و روز یاری
خلایقانست و روز زیارت کردن مؤمنانست و روز محبت کردن
ایشانست و روز رسیدن برحمتهای الهی است و روز پاک کردن
بدنهاست و روز فاش کردن رازهاست و روز بر طرف شدن
بدعتهاست و روز ترک گناهان کبیره است و روز ندا کردن بحق است
و روز عبادتست و روز موعظه و نصیحت است و روز انقیاد دینست
در حدیث حذیفه گفت که چون بخدمت امیر المؤمنین علیه السلام
برخاستم و گفتم اگر دنیا را از افضال خیر و آنچه امید ثواب از آن دارم
مگر محبت این روز و دانستن فضیلت این روز را امروز بمنتهای آن
من خواهد بود پس محمد و یحیی او را با ما حدیث کردند که چون این
حدیث را از احمد بن اسحق شنیدیم هر یک برخواستیم و سر او را بوسیدیم
و گفتیم که حمد و شکر میکنیم خداوند را که بر آنچه ...
فضیلت این روز را آشنا کرد پس بنزد ... خود برگشتیم و این روز را
عید کردیم و صاحب کتاب زوائد الفوائد گفته است که ...
از خط علی بن محمد ... رحمه الله نوشته بود در کتب دیگر تتبع کردم
روایت دیگر موافق این یافتم پس اعتماد بر این روایات نمودم و سزاوار

است شیعیان را که این روز را تعظیم نمایند و اظهار سرور و شادی بکنند
و شیخ علی ابراهیم کفعمی در کتاب مصباح گفته است که صاحب
کتاب مسار الشیعه روایت کرده است که هر که در روز نهم ربیع
الاول چیزی انفاق کند حقتعالی گناهان او را بیامرزد و مستحب
است در این روز اطعام برادران مؤمن و خوشبو کردن بدن ایشان
و توسعه بر عیال خود و دیگران و پوشیدن جامههای نو و شکر
و عبادت حقتعالی در این روز بر طرف شدن غمهاست و روز روزه
داشتن نیست ... که از فعل این بزرگواران معلوم شد
که فضیلت این روز بوقوع این قضیه مبارکه در آن احادیث بسیار
وارد شده است و در اعصار سابقه میان شیعه مشهور بوده
است و بر خلافش روایتی بنظر این قاصر نرسیده و اتفاق مورخان
عامه با احادیث معتبره معارضه نمیکند و اگر کسی استبعاد کند
که چنین واقعه عظیمی که سبب سرور جمیع گردید چون ...
بود که مضبوط نماند جواب آنست که این واقعه از واقعه وفات
حضرت رسالت و شهادت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام عظیم
تر نیست و در هر دو از اینها اختلاف میان خاصه و عامه هست و
و در واقعه اول اتفاق دارند عامه بر خلاف آنچه مختار شیعه
است و اگر گویند که باعث افترای ایشان در اینجا چیست جواب گوئیم
که شبهه در هر دو جا نیست و باعث قوی در اینجا هست زیرا که

ممکن است که برای رفع شماتت شیعیان اخفای این نموده باشند و علی
ای حال چون مدار علمای خاصه و عامه بر آنست که در مستحبات
باحادیث ضعیفه متمسک میشوند بنا بر احادیث صحیحه که از ائمه
طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین وارد شده است که هر که ثوابی
از خدا باو رسید بر عملی و او بجا آورد آن ثواب باو داده میشود هر چند
چنان نباشد که باو رسیده است پس اگر اعمال این روز را کسی بنوعی
که شایع و وارد شده باشد بجا آورد یا بات و اخبار نداشته باشد
کسی عمل آورد خوب خواهد بود و مستحق ثواب خواهد گردید و بعضی
گویند عمر بن سعد علیه اللعنه در این روز بجهنم واصل شده است
و اگر چنین باشد این شرافت نیز برای او کافیست و شیخ مفید ره
گفته است که در نوزدهم این ماه حضرت رسول خدیجه کبری رضی
الله عنها را تزویج نمود و حقیقت برای شکر این وصال عظیم البرکه
شیعیان روزه بدارند و گفته است که در دوازدهم این ماه حضرت
رسول صلی الله علیه و آله داخل مدینه طیبه شد و از شر دشمنان
ایمن گردید و باین جهت روز مبارکیست و ایضا دولت بنی مروان که از
بقیه بنی امیه و از دشمنان اهل بیت بودند در این روز دولت ایشان
بنهایت رسید و زایل گردید و این نیز فضیلت دیگر است برای
این روز و اکثر سنیان ولادت با سعادت حضرت رسول را در این روز
میدانند و محمد بن یعقوب کلینی از علمای امامیه نیز در کتاب

کافی چنین قایل شده است و بعضی از ارباب حساب موافق قواعد نجوم
انتساب این اظهر پیدا نموده و اگر چه خلاف مشهور میان علمای ما
است اما اگر روزه و غسل و زیارت و سایر اعمال که در هفدهم مذکور خواهد
شد در این روز نیز بعمل آورند احتیاط اقربست و سید بن طاوس ره از
بعضی علمای عجم روایت کرده است که سنتست که در روز دوازدهم
این ماه دو رکعت نماز بجا آورند و در رکعت اول بعد از حمد سه مرتبه
قل یا ایها الکافرون و در رکعت دوم سه مرتبه قل هو الله احد
بخوانند و ایضا شیخ مفید و شیخ طوسی روایت کرده اند که یزید پلید
علیه اللعنة و العذاب الشدید در روز چهاردهم این ماه باسفل
درکات جهنم منتقل شد باید که شیعیان این روز را بر خود مبارک دانند
و شکر حق تعالی بر این نعمت عظمی ادا کنند و بعضی روز اول این ماه را
دانسته اند فصل دویم در فضایل و اعمال روز هفدهم این ماهست
و مشهور میان علمای شیعه آنست که ولادت کثیر السعادت حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و آله در روز جمعه هفدهم ماه ربیع
الاول واقع شده و در بعضی از روایات وارد شده است که عروج
آنحضرت باسمانها نیز در شب هفدهم واقع شده است و شب
و روز هفدهم بسیار مبارکست و در هفدهم زیارت حضرت رسالت صلی
الله علیه و آله و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مناسبست
و علما ذکر کرده اند و روزه این روز فضیلت بسیار دارد و شیخ مفید

ن گفته اند که این روز شریفیست و پیوسته فرقه محقه شیعه
از قدیم الایام الی الان تعظیم آن میکرده اند و حق آن را نگاه
و روزه میداشته اند و از ائمه معصومین علیهم السلام روایت کرده اند
که هر که این روز را روزه بدارد ثواب روزه یکساله برای او نوشته شود
و مستحب است که تصدق کند بر ارباب حاجات به قدر وسع و مومنان
و مومنات را شاد گرداند و زیارت مشاهد مشرفه بود خصوصا
مرقد مطهر حضرت رسالت پناه و مضجع منور حضرت امیر المومنین
و شیخ مفید و شیخ شهید و سید بن طاوس گفته اند که چون اراده
نمایی در غیر مدینه طیبه خواهی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله را
زیارت کنی غسل بکن و شبیه قبری پیش روی خود بساز و اسم مبارک
آنحضرت را بر آن بنویس و بایست و دل خود را متوجه آنحضرت گردان و
بگو اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا
عبده و رسوله و انه سید الاولین والآخرین و انه سید الا
نبیاء والمرسلین اللهم صل علیه وعلى اهل بیته الائمة
الطیبین پس بگو السلام علیک یا رسول الله السلام علیک
یا خلیل الله السلام علیک یا نبی الله السلام علیک یا صفی
الله السلام علیک یا رحمة الله السلام علیک یا خیرة الله
السلام علیک یا حبیب الله السلام علیک یا نجیب الله
السلام علیک یا خاتم النبیین السلام علیک یا سید المرسلین

السلام عليك يا قائما بالقسط السلام عليك يا فاتح الخير السلام
عليك يا معدن الوحي والتنزيل السلام عليك يا مبلغا عن
الله السلام عليك ايها السراج المنير السلام عليك يا مبشر
السلام عليك يا نذير السلام عليك يا منذر السلام عليك
يا نور الله الذي يستضاء به السلام عليك وعلى اهل بيتك
الطيبين الطاهرين الهادين المهديين السلام عليك وعلى جدك عبد
المطلب وعلى ابيك عبد الله السلام على امك آمنة بنت وهب السلام
عليك وعلى عمك حمزة سيد الشهداء السلام على عمك وكفيلك
ابي طالب السلام على ابن عمك جعفر الطيار في جنان الخلد السلام
عليك يا محمد السلام عليك يا احمد السلام عليك يا حجة
الله على الاولين والآخرين والسابق الى طاعة رب العالمين والمهيمن
على رسله والخاتم لانبيائه والشاهد على خلقه والشفيع اليه
والمكين لديه والمطاع في ملكوته الاحمد من الاوصاف المحمد
لسائر الاشراف الكريم عند الرب والمكلم من وراء الحجب الفائز
بالسباق والفائت عن اللحاق تسليم عارف بحقك معترف
بالتقصير في قيامه بواجبك غير منكر ما انتهى اليه من فضلك
موقن بالمزيدات من ربك مؤمن بالكتاب المنزل عليك محلل حلالك
محرم حرامك اشهد يا رسول الله مع كل شاهد واتحملها عن
كل جاحد انك قد بلغت رسالات ربك ونصحت لامتك

وجاهدت في سبيل ربك وصدعت بامره واحتملت الاذى
في جنبه ودعوت الى سبيله بالحكمة والموعظة الحسنة الجميلة
وأديت الحق الذي كان عليك وانك قد رؤفت بالمؤمنين
وغلظت على الكافرين وعبدت الله مخلصا حتى اتاك اليقين
فبلغ الله بك اشرف محل المكرمين واعلى منازل المقربين وارفع
درجات المرسلين حيث لا يلحقك لاحق ولا يفوقك فائق
ولا يسبقك سابق ولا يطمع في ادراكك طامع الحمد لله الذي
استنقذنا بك من الهلكة وهدانا بك من الضلالة ونورنا
بك من الظلمة فجزاك الله يا رسول الله من مبعوث افضل ما جزى
نبيا عن امته ورسولا عمن ارسل اليه بابي انت وامي يا رسول
الله زرتك عارفا بحقك مقرا بفضلك مستبصرا بضلالة
من خالفك وخالف اهل بيتك عارفا بالهدى الذي انتم عليه
بابي انت وامي ونفسي واهلي ومالي وولدي انا اصلي عليك كما
صلى الله عليك وصلى عليك ملائكته وانبياؤه ورسله
صلاة متتابعة وافرة متواصلة لا انقطاع لها ولا امد ولا
اجل صلى الله عليك وعلى اهل بيتك الطيبين الطاهرين
كما انتم اهله [illegible] اللهم اجعل جوامع صلواتك
ونوامي بركاتك وفواضل خيراتك وشرائف تحياتك وتسليماتك
وكراماتك ورحماتك وصلوات ملائكتك المقربين

وانبيائك المرسلين وائمتك المنتجبين وعبادك الصالحين واهل
السموات والارضين ومن سبح لك يا رب العالمين من الاولين
والآخرين على محمد عبدك ورسولك وشاهدك ونبيك و
نذيرك وامينك ومكينك ونجيك ونجيبك وحبيبك وخليلك
وصفيك وصفوتك وخاصتك وخالصتك ورحمتك وخير
خيرتك من خلقك نبي الرحمة وخازن المغفرة وقائد الخير والبركة
ومنقذ العباد من الهلكة باذنك وداعيهم الى دينك القيم
بامرك اول النبيين ميثاقا وآخرهم مبعثا الذي غمسته في بحر
الفضيلة والمنزلة الجليلة والدرجة الرفيعة والمرتبة الخطيرة
واودعته الاصلاب الطاهرة ونقلته منها الى الارحام المطهرة
لطفا منك له وتحننا منك عليه اذ وكلت لصونه وحراسته
وحفظه وحياطته من قدرتك عينا عاصمة حجبت بها عنه
مدانس العهر ومعائب السفاح حتى رفعت به نواظر العباد واحييت
به ميت البلاد بان كشفت عن نور ولادته ظلم الاستار والبست
حرمك به حلل الانوار اللهم فكما خصصته بشرف هذه المرتبة
الكريمة وذخر هذه المنقبة العظيمة صل عليه كما وفى
بعهدك وبلغ رسالاتك وقاتل اهل الجحود على توحيدك و
قطع رحم الكفر في اعزاز دينك ولبس ثوب البلوى في مجاهدة
اعدائك واوجبت له بكل اذى مسه او كيد احس به من الفئة

التي حاولت قبله فضيلة تفوق الفضائل وكمالك بدا الجهل
من نوالك وقد سر الحسنى واخص الزهرة ويخرج العصمة ولم
يخطئها مثل اله وسبيلك اللهم صل عليه وعلى اهل بيته صلاة
رضا لهم وبلغهم منا تحية كثيرة وسلاما واتنا من لدنك
في موالاتهم فضلا واحسانا ورحمة وغفرانا انك ذو الفضل
العظيم پس چهار رکعت نماز زیارت بکن به دو سلام و هرگاه
فارغ شوی تسبیح حضرت فاطمه زهرا بخوان پس بگو اللهم
انك قلت لنبيك محمد صلى الله عليه وآله ولو انهم اذ ظلموا
انفسهم جاؤوك فاستغفروا الله واستغفر لهم الرسول لوجدوا
الله توابا رحيما ولم احضر زمان رسولك عليه وآله السلام
اللهم وقد زرته راغبا تائبا من سيئ عملي ومستغفرا لك من
ذنوبي ومقرا لك بها وانت اعلم بها مني ومتوجها اليك بنبيك
نبي الرحمة صلواتك عليه وآله فاجعلني اللهم بمحمد و
اهل بيته عندك وجيها في الدنيا والآخرة ومن المقربين يا محمد
يا رسول الله بابي انت وامي يا نبي الله يا سيد خلق الله اني اتوجه
بك الى الله ربك وربي ليغفر لي ذنوبي ويتقبل مني عملي ويقضي
لي حوائجي فكن لي شفيعا عند ربك وربي فنعم المسؤول
المولى ربي ونعم الشفيع انت يا محمد عليك وعلى اهل بيتك
السلام اللهم واوجب لي منك المغفرة والرحمة والرزق الواسع

الطيب النافع كما اوجبت لمن اتى نبيك محمدا صلواتك عليه وآله
وهو حي فاقر له بذنوبه واستغفر له رسولك عليه وآله السلام
فغفرت له برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم وقد املتك ورجوتك
وقمت بين يديك ورغبت اليك عمن سواك وقد املت جزيل
ثوابك واني لمقر غير منكر وتائب اليك مما اقترفت وعائذ بك
في هذا المقام مما قدمت من الاعمال التي تقدمت الي فيها ونهيتني
عنها واوعدت عليها العقاب واعوذ بكرم وجهك ان تقيمني
مقام الخزي والذل يوم تهتك فيه الاستار وتبدو فيه الا
سرار والفضائح وترعد فيه الفرائص يوم الحسرة والندامة يوم
الآفكة يوم الآزفة يوم التغابن يوم الفصل يوم الجزاء يوما كان
مقداره خمسين الف سنة يوم النفخة يوم ترجف الراجفة تتبعها
الرادفة يوم النشر يوم العرض يوم يقوم الناس لرب العالمين يوم يفر
المرء من اخيه وامه وابيه وصاحبته وبنيه يوم تشقق الارض واكناف
السماء يوم تأتي كل نفس تجادل عن نفسها يوم يردون الى الله فينبئهم بما
عملوا يوم لا يغني مولى عن مولى شيئا ولا هم ينصرون الا من رحم الله انه
هو العزيز الرحيم يوم يردون الى عالم الغيب والشهادة يوم يردون الى
الله مولاهم الحق يوم يخرجون من الاجداث سراعا كأنهم الى نصب
يوفضون وكأنهم جراد منتشر مهطعين الى الداع الى الله يوم الواقعة
يوم ترج الارض رجا يوم تكون السماء كالمهل وتكون الجبال

كالوجوه ولا بشاشتهم جميعا يوم الشاهد والمشهود يوم تكون
الملائكة صفا صفا اللهم ارحم موقفي في ذلك اليوم بموقفي
في هذا اليوم ولا تخزني في ذلك الموقف بما جنيت على نفسي
اجعل يا رب في ذلك اليوم مع اوليائك منطلقي وفي زمرة
محمد واهل بيته عليهم السلام محشري واجعل حوضه موردي
وفي الغر الكرام مصدري واعطني كتابي بيميني حتى افوز بحسناتي
وتبيض به وجهي وتيسر به حسابي وترجح به ميزاني وامضي مع
الفائزين من عبادك الصالحين الى رضوانك وجنانك اله
العالمين اللهم اني اعوذ بك من ان تفضحني في ذلك اليوم بين
يدي الخلائق بجريرتي او ان القى الخزي والندامة بخطيئتي او
ان تظهر فيه سيئاتي على حسناتي او ان تنوه بين الخلائق باسمي
يا كريم يا كريم العفو العفو الستر الستر اللهم واعوذ بك
من ان يكون في ذلك اليوم في مواقف الاشرار موقفي او في مقام
الاشقياء مقامي واذا ميزت بين خلقك فسقت كلا باعمالهم
زمرا الى منازلهم فسقني برحمتك في عبادك الصالحين وفي
زمرة اوليائك المتقين الى جناتك يا رب العالمين ثم ودعه
الخضر واتبكوا السلام عليك يا رسول الله السلام عليك ايها
البشير النذير السلام عليك ايها السراج المنير السلام عليك
ايها السفير بين الله وبين خلقه اشهد يا رسول الله انك

كنت نورا في الاصلاب الشامخة والارحام المطهرة لم تنجسك
الجاهلية بانجاسها ولم تلبسك من مدلهمات ثيابها واشهد
يا رسول الله اني مؤمن بك وبالائمة من اهل بيتك موقن بجميع
ما اتيت به راض مؤمن واشهد ان الائمة من اهل بيتك اعلام
الهدى والعروة الوثقى والحجة على اهل الدنيا اللهم لا تجعله
آخر العهد من زيارة نبيك عليه وآله السلام وان توفيتني
فاني اشهد في مماتي على ما اشهد عليه في حياتي انك انت الله
لا اله الا انت وحدك لا شريك لك وان محمدا عبدك و
رسولك وان الائمة من اهل بيته اولياؤك وانصارك وحججك
على خلقك وخلفاؤك في عبادك واعلامك في بلادك وخزان
علمك وحفظة سرك وتراجمة وحيك اللهم صل على محمد
وآل محمد وبلغ روح نبيك محمد وآله في ساعتي هذه وفي كل
ساعة تحية مني وسلاما والسلام عليك يا رسول الله ورحمة
الله وبركاته لا جعله الله آخر تسليمي عليك مؤلف گوید که اگر چه
سند شیخ ظاهر در سیاق ولهذا در تحفة الزائر ایراد نکرده اما
زیارت جامع کاملیست و در همه اوقات میتوان بجا آورد و اگر کسی خواهد
زیارت مختصری بکند بعد از این ان شاء الله مذکور خواهد شد و جمعی از
علما ذکر کرده‌اند که زیارت حضرت امیر علیه السلام در این روز سنت
است و خصوص این زیارت را در این روز ذکر کرده‌اند و از بعضی روایات

خصوص این روز معلوم نمیشود و فضیلت زیارت آنحضرت از حد لفظ و حصر
و بسند بسیار معتبر منقولست و در همه ایام و اوقات از نزدیک و دور
میتوان کرد خصوصا در این روز چنانکه شیخ مفید و شیخ شهید و سید
بن طاوس رضی الله عنهم روایت کرده اند که حضرت امام جعفر صادق
زیارت کرد حضرت امیر المؤمنین را در هفدهم ماه ربیع الاول باین زیارت
و تعلیم فرمود این زیارت را براوی ثقه عظیم الشان محمد بن مسلم ثقفی که
فرمود که چون بیائی بمشهد امیر المؤمنین علیه السلام غسل زیارت بکن
و پاکیزه ترین جامههای خود را بپوش و بعضی بوی خوش خود را خوشبو
کن و برو با وقار و آرام دل و آرام تن چون برسی بباب السلام نظر کن بجانب
روضه مقدسه که ضریح مقدس در آن میباشد و رو بقبله بایست
و سی مرتبه الله اکبر بگو و بگو السلام علی رسول الله السلام علی
خیرة الله السلام علی البشیر النذیر السراج المنیر ورحمة الله و
برکاته السلام علی انبیاء الله المرسلین وعباد الله الصالحین
السلام علی ملائکة الله الحافین بهذا الحرم وبهذا الضریح اللائذین
به پس نزدیک قبر برو و بگو السلام علیک یا وصی الاوصیاء السلام
علیک یا عماد الاتقیاء السلام علیک یا ولی الاولیاء السلام
علیک یا سید الشهداء السلام علیک یا آیة الله العظمی
السلام علیک یا خامس اهل العباء السلام علیک یا قائد
الغر المحجلین الاتقیاء السلام علیک یا عصمة الاولیاء

السلام علیک یا زین الموحدین النجباء السلام علیک یا خالص
الاخلاء السلام علیک یا والد الائمة الامناء السلام علیک یا
صاحب الحوض وحامل اللواء السلام علیک یا قسیم الجنة ولظی
السلام علیک یا من شرفت به مکة ومنی السلام علیک یا بحر
العلوم وکهف الفقراء السلام علیک یا من ولد فی الکعبة و
زوج فی السماء بسیدة النساء وکان شهودها الملائکة
الاصفیاء السلام علیک یا مصباح الضیاء السلام علیک
یا من خصه النبی بجزیل الحباء السلام علیک یا من بات علی فراش
خاتم الانبیاء ووقاه بنفسه شر الاعداء السلام علیک یا من
ردت له الشمس فسامی شمعون الصفا السلام علیک یا من انجی الله
سفینة نوح باسمه واسم اخیه حیث التطم الماء حولها وطمی السلام
علیک یا من تاب الله به وباخیه علی آدم اذ غوی السلام علیک
یا فلک النجاة الذی من رکبه نجی ومن تأخر عنه هوی السلام علیک
یا من خاطب الثعبان وذئب الفلاة السلام علیک یا امیر المؤمنین
ورحمة الله وبرکاته السلام علیک یا حجة الله علی من کفر و
اناب السلام علیک یا امام ذوی الالباب السلام علیک یا
معدن الحکمة وفصل الخطاب السلام علیک یا من عنده علم
الکتاب السلام علیک یا میزان یوم الحساب السلام علیک یا
فاصل الحکم الناطق بالصواب السلام علیک ایها المتصدق

الخلق في الجواب السلام عليك يا من كفى الله المؤمنين القتال به
يوم الاحزاب السلام عليك يا من أخلص لله الوحدانية وأناب
السلام عليك يا فاتح خيبر وقالع الباب السلام عليك يا من دعاه
خير الانام للمبيت على فراشه فأسلم نفسه للمنية وأجاب السلام عليك
يا من له طوبى وحسن مآب ورحمة الله وبركاته السلام عليك
يا ولي عصمة الدين يا سيد السادات السلام عليك يا صاحب
المعجزات السلام عليك يا من نزلت في فضله سورة العاديات
السلام عليك يا من كتب اسمه في السماء على السرادقات السلام
عليك يا مظهر العجائب والآيات السلام عليك يا أمير الغزوات
السلام عليك يا مخبرا بما غبر وبما هو آت السلام عليك يا مخاطب
ذئب الفلوات السلام عليك يا خاتم الحصى ومبين المشكلات
السلام عليك يا من عجبت من حملاته في الوغى ملائكة السموات
السلام عليك يا من ناجى الرسول فقدم بين يدي نجواه الصدقات
السلام عليك يا والد الأئمة البررة السادات ورحمة الله و
بركاته السلام عليك يا تالي المبعوث السلام عليك يا وارث
علم خير موروث ورحمة الله وبركاته السلام عليك يا إمام
المتقين السلام عليك يا غياث المكروبين السلام عليك يا
عصمة المؤمنين السلام عليك يا مظهر البراهين السلام
عليك يا طه ويس السلام عليك يا حبل الله المتين السلام

عليك يا من تصدق في صلاته بخاتمه على المسكين السلام عليك
يا قالع الصخرة عن فم القليب ومظهر الماء المعين السلام عليك
يا عين الله الناظرة ويده الباسطة ولسانه المعبر عنه في بريته
أجمعين السلام عليك يا وارث علم النبيين ومستودع علم
الأولين والآخرين وصاحب لواء الحمد وساقي أوليائه من
حوض خاتم النبيين السلام عليك يا يعسوب الدين وقائد الغر
المحجلين ووالد الأئمة المرضيين ورحمة الله وبركاته السلام على
اسم الله الرضي ووجهه المضيء وجنبه القوي وصراطه السوي
السلام على الإمام التقي المخلص الصفي السلام على الكوكب
الدري السلام على الإمام أبي الحسن علي ورحمة الله وبركاته
السلام على أئمة الهدى ومصابيح الدجى وأعلام التقى ومنار الهدى
وذوي النهى وكهف الورى والعروة الوثقى والحجة على أهل الدنيا
ورحمة الله وبركاته السلام على نور الأنوار وحجة الجبار ووالد
الأئمة الأطهار وقسيم الجنة والنار المخبر عن الآثار المدمر
على الكفار مستنقذ الشيعة المخلصين من عظيم الأوزار السلام
على المخصوص بالطاهرة التقية ابنة المختار المولود في البيت
ذي الأستار المزوج في السماء بالبرة الطاهرة الرضية المرضية
ابنة الأطهار ورحمة الله وبركاته السلام على النبأ العظيم
الذي هم فيه مختلفون وعليه يعرضون وعنه يسألون

السلام على نور الله الانور وضيائه الازهر ورحمة الله وبركاته
السلام عليك يا ولي الله وحجته وخالصة الله وخاصته اشهد
يا ولي الله لقد جاهدت في سبيل الله حق جهاده واتبعت منهاج
رسول الله صلى الله عليه وآله وحللت حلال الله وحرمت حرامه
وشرعت احكامه واقمت الصلوة وآتيت الزكوة وامرت بالمعروف
ونهيت عن المنكر وجاهدت في سبيل الله صابرا ناصحا مجتهدا محتسبا
عند الله عظيم الاجر حتى اتاك اليقين فلعن الله من دفعك عن
حقك وازالك عن مقامك ولعن الله من بلغه ذلك فرضي به
اشهد الله وملائكته وانبيائه ورسله اني ولي لمن والاك
وعدو لمن عاداك السلام عليك ورحمة الله وبركاته ثم تجودا
بقبر حسبان وقبر ابيوس وبكو اشهد انك تسمع كلامي وتشهد
مقامي واشهد لك يا ولي الله بالبلاغ والاداء يا مولاي يا حجة
الله يا امين الله يا ولي الله ان بيني وبين الله عز وجل ذنوبا قد اثقلت
ظهري ومنعتني من الرقاد وذكرها يقلقل احشائي وقد
هربت الى الله عز وجل واليك فبحق من ائتمنك على سره واسترعاك
امر خلقه وقرن طاعتك بطاعته وموالاتك بموالاته كن
لي الى الله شفيعا ومن النار مجيرا وعلى الدهر ظهيرا ثم انكب
على القبر وقبل وبكو يا ولي الله يا حجة الله يا باب حطة
الله وليك وزائرك واللائذ بقبرك والنازل بفنائك و

النبي وصاحبه ونجوار الجنة ان تشفع لي الى الله في قضاء حوائجي
ونجح طلبتي في الدنيا والآخرة فان لك عند الله الجاه العظيم
والشفاعة المقبولة فاجعلني يا مولاي من همك وادخلني في حزبك
والسلام عليك وعلى ضجيعيك آدم ونوح والسلام عليك و
على ولديك الحسن والحسين وعلى الائمة الطاهرين من ذريتك
ورحمة الله وبركاته پس ابتدا بتضرع وخشوع هر حاجت که داری از
حق تعالی بطلب **مؤلف گوید** که چون از دو زیارت کند در هذا الحرام
وبهذا الضریح قصد کند وضریح حضرت امیر المؤمنین میکند
وزیارتها ودعاها را متصل بیکدیگر بخواند ونزد یکدیگر قرین وپیوسته
نماید یعنی بعوض اینها در کتابت که جزئی بعمل آورد سید
بن طاوس گفته است که مستحب است که شش رکعت نماز بکند
ودر هر رکعت بعد از حمد در مرتبه سوره انا انزلناه ودر مرتبه سوره
قل هو الله احد بخواند وچون سلام بگوید بجای نماز خود بنشیند
واین دعا را بخواند انت حي لا تموت وخالق لا تغلب وبدیء لا
تنفد وقريب لا تبعد وقادر لا تضاد وغافر لا تظلم وصمد لا
تطعم وقيوم لا تنام وعالم لا تعلم وقوي لا تضعف وعظيم لا
توصف ووفي لا تخلف وغني لا تفتقر وحكيم لا تجور ومنيع لا
تقهر ومعروف لا تنكر ووكيل لا تخفى وغالب لا تغلب
وفرد لا تستشير ووهاب لا تمل وسريع لا تذهل وجواد لا

تحول وعزا لا يذل وعافية لا تغفل وقارا لا يزول ومحبوبا لا يبلى
وثناء لا يفنى وناصرا لا يخذل وواحدا لا تشبيه ومعتمدا لا انتهاء
اللهم إني أسألك بعلم الغيب عندك وقدرتك على الخلق
أجمعين أن تحييني ما علمت الحياة خيرا لي وأن تتوفاني إذا كانت
الوفاة خيرا لي وأسألك الخشية في الغيب والشهادة وأسألك
اللهم كلمة الحق في الغضب والرضا وأسألك نعيما لا ينفد
وأسألك الرضا بعد القضاء وأسألك برد العيش بعد الموت
وأسألك لذة النظر إلى وجهك الكريم يا رب العالمين اللهم
إني أسألك بجمالك الكريم وفضلك العظيم أن تغفر لي وترحمني
يا لطيف الطف بي في كل ما تحب وترضى اللهم إني أسألك فعل
الخيرات وترك المنكرات وحب المساكين ومطاعة الصالحين
وأن تغفر لي وترحمني وإذا أردت بقوم فتنة فتوفني غير مفتون و
أسألك حبك وحب من يحبك وحب كل عمل يقربني إلى حبك
اللهم بحق محمد صلى الله عليه وآله حبيبك وبحق إبراهيم خليلك
وصفيك وبحق موسى كليمك وبحق عيسى روحك وأسألك
بصحف إبراهيم وتوراة موسى وإنجيل عيسى وزبور داود وفرقان
محمد صلى الله عليه وآله وأسألك بكل وحي أوحيته وبكل
قضاء قضيته وبكل سائل أعطيته وأسألك بكل
اسم أنزلته في كتابك وأسألك بأسمائك التي استقل بها

عرشك وأسألك بأسمائك التي وضعتها على النار فاستنارت
وأسألك بأسمائك التي وضعتها على الليل فأظلم وأسألك
بأسمائك التي وضعتها على النهار فأضاء وأسألك بأسمائك
التي وضعتها على الأرض فاستقرت وأسألك باسمك الأعظم
الذي ملأ أركان كل شيء وأسألك باسمك الطهر الطاهر
المبارك الحي القيوم لا إله إلا هو الرحمن الرحيم وأسألك بمعاقد
العز من عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك وبأسمائك العظام
وبجلالك الأعلى وكلماتك التامات أن ترزقنا حفظ القرآن و
العمل بما فيه لطاعتك والعمل الصالح وأن تثبت ذلك في
أسماعنا وأبصارنا وأن تخالط ذلك بلحمي ودمي ومخي وأن
تستعمل بذلك بدني وقوتي فإنه لا يقوى على ذلك إلا أنت
وحدك لا شريك لك يا الله الواحد الرب العتيد يا الله الخالق
البارئ المصور يا الله الباعث الوارث يا الله الفتاح الحق
العليم يا الله الملك القادر المقتدر اغفر لي وارحمني إنك
أرحم الراحمين اللهم أنت قلت وقولك الحق ادعوني أستجب لكم
فأسألك يا الله بأسمائك التي دعاك بها آدم صلى الله عليه
فأوجبت له الجنة وأسألك بأسمائك التي دعاك بها شيث
بن آدم فجعلته وصي أبيه بعده أن تستجيب دعاءنا وأن
ترزقنا أيضا ذكر كل وصية لأحد عندنا وأن تعلمنا

آمنّا وأسئلك باسمك الذي دعاك به إدريس فرفعته مكاناً عليّاً
أن ترفعنا إلى أحب البقاع إليك وتمنّ علينا برضاك وتدخلنا
الجنة برحمتك وأسئلك باسمك الذي دعاك به
نوح فنجّيته من الغرق وأهلكت القوم الظالمين أن تنجّينا من
جميع البلاء وأسئلك باسمك الذي دعاك به هود عليه
السلام فنجّيته من الريح العقيم أن تنجّينا من بلاء الدنيا والآخرة
وعذابهما وأسئلك باسمك الذي دعاك به صالح فنجّيته من خزي يومئذ
أن تنجّينا من خزي الدنيا والآخرة وعذابها وأسئلك باسمك الذي دعاك به
لوط فنجّيته من المؤتفكة والمطر السوء أن تنجّينا من عذاب الدنيا والآخرة وأ
سئلك باسمك الذي دعاك به شعيب فنجّيته من عذاب يوم الظلّة أن تنجّينا
من العذاب إلى رحمتك ورضوانك وأسئلك باسمك الذي دعاك به إبراهيم
فجعلت النار عليه برداً وسلاماً أن تخلّصنا كما خلّصته وأن تجعل نار
جهنم برداً وسلاماً كما جعلتها عليه وأسئلك باسمك الذي دعاك به إسماعيل
عند العطش وأخرجت من زمزم الماء الروي أن تجعل مخرجنا
إلى الخير وأن ترزقنا المال الواسع برحمتك وأسئلك باسمك
الذي دعاك به يعقوب فرددت عليه بصره وولده وقرّة عينه
أن تخلّصنا وتجمع بيننا وبين أولادنا وأهالينا وأسئلك باسمك
الذي دعاك به يوسف فأخرجته من السجن أن تخرجنا من السجن
وتملّكنا نعمتك التي أنعمت بها علينا وأسئلك باسمك الذي

دعاك به الأسباط فتبت عليهم وجعلتهم أنبياء أن تتوب علينا
وترزقنا طاعتك وعبادتك والخلاص مما نحن فيه وأسئلك
باسمك الذي دعاك به أيوب إذ حلّ به البلاء فقال ربّ إني
مسّني الضرّ وأنت أرحم الراحمين فاستجبت له وكشفت عنه
ضرّه ورددت عليه أهله ومثلهم معهم رحمة منك و
ذكرى للعابدين يا الله إني أقول كما قال ربّ إني مسّني الضرّ
أنت أرحم الراحمين فاستجب لنا وارحمنا وخلّصنا وردّ علينا
أهلنا ومالنا ومثلهم معهم رحمة منك واجعلنا من العابدين
لك وأسئلك باسمك الذي دعاك به موسى وهرون فقلت
عزّ من قائل قد أجيبت دعوتكما أن تستجيب دعاءنا وتنجّينا
كما نجّيتهما وأسئلك باسمك الذي دعاك به داود فغفرت
ذنبه وتبت عليه أن تغفر ذنبي وتتوب عليّ إنك أنت التوّاب
الرحيم وأسئلك باسمك الذي دعاك به سليمان فرددت
عليه ملكه وأمكنته من عدوّه وسخّرت له الجنّ والإنس
والطير أن تخلّصنا من عدوّنا وتردّ علينا نعمتك وتستخرج
لنا من أيديهم حقّنا وتخلّصنا منهم إنك على كلّ شيء قدير
وأسئلك باسمك الذي دعاك به الذي عنده علم من الكتاب
على عرش ملكة سبا أن يحمل إليه فإذا هو مستقرّ عنده أن
تحملنا من عامنا هذا إلى بيتك الحرام حجّاجاً وزوّاراً لقبر

نبيك عليه وآله السلام واسئلك باسمك الذي دعاك به
يونس بن متى في الظلمات ان لا اله الا انت سبحانك اني كنت
من الظالمين فاستجبت له ونجيته من بطن الحوت ومن الغم
وقلت عز من قائل وكذلك ننجي المؤمنين فنحن ايضاً
مؤمنون ونقول كما قال لا اله الا انت سبحانك اني كنت من
الظالمين فاستجب لنا ونجنا من غم الدنيا والآخرة كما ضمنت ان
تنجي المؤمنين واسئلك باسمك الذي دعاك به زكريا وقال
رب لا تذرني فرداً وانت خير الوارثين فاستجبت له ووهبت له
يحيى واصلحت له زوجه وجعلتهم يسارعون في الخيرات و
يدعونك رغباً ورهباً وكانوا لك خاشعين فاني اقول كما
قال رب لا تذرني فرداً وانت خير الوارثين فاستجب لي واصلح
لي شأني وجميع ما انعمت به علي وخلصني مما انا فيه وهب لي
كرامة الدنيا والآخرة واولاداً صالحين بررة واجعلنا
ممن يدعوك رغباً ورهباً ومن الخاشعين المطيعين لك واسئلك
باسمك الذي دعاك به يحيى فجعلته براً تقياً ولم يعمل
معصية ولم يهم بها ان تعصمنا من اقتراف المعاصي حتى نلقاك
طاهرين لم نكن لك قبلنا معصية واسئلك باسمك الذي دعتك
به مريم فنطق ولدها بحجتها ان توفقنا وتلقننا حجتنا عند الموت
وعند كل ملمة حتى تظهر حجتنا على ظالمينا واسئلك باسمك

الذي دعاك به عيسى بن مريم فاحيى به الموتى وابرأ الاكمه
والابرص ان تخلصنا وتبرئنا من كل سوء وافة والم وتحيينا
حيوة طيبة في الدنيا والآخرة وان ترزقنا العافية في ابداننا
واسئلك باسمك الذي دعاك به الحواريون فاعنتهم حتى
بلغوا عن عيسى ما امرتهم به وصرفت عنهم كيد الجبارين وتؤيدنا
ان تخلصنا وتجعلنا من الدعاة الى طاعتك واسئلك باسمك
الذي دعاك به جرجيس فرفعت عنه الم العذاب ان ترفع عنا
الم العذاب في الدنيا والآخرة وان لا تبتلينا وان ابتليتنا
فصبرنا والعافية احب الينا واسئلك باسمك الذي دعاك
به الخضر حتى اعتبته ان تفرج عنا وتنصرنا على من ظلمنا وتردنا
الى امانيك واسئلك باسمك الذي دعاك به حبيبك
محمد صلى الله عليه وآله فجعلته سيد المرسلين وايدته
بعلي سيد الوصيين ان تصلي عليهما وعلى ذريتهما الطاهرين
وان تقيلني في هذا اليوم عثرتي وتغفر لي ما سلف من ذنوبي
وخطاياي ولا تصرفني من مقامي هذا الا بسعي مشكور وذنب
مغفور وعمل مقبول ورحمة ومغفرة ونعيم موصول بنعيم
الآخرة برحمتك يا حنان يا منان يا ذا الجلال والاكرام
انك على كل شيء قدير ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم
باب ششم در بيان اعمال ماه ربيع الثاني وجمادى الاولى وجمادى

الثانی است ودران سه فصلست فصل اول در اعمال ماه ربیع
الثانی است سید بن طاوس روایت کرده است که در روز اول
این ماه مستحب است که این دعا بخوانند اللهم انت اله کل شیء و
خالق کل حی ورب کل شیء اسئلک بالعروة الوثقی والغایة
والمنتهی وبما انت بینه من الانوار والظلمات والجنة والنار
والدنیا والاخرة وباعظم اسمائک فی اللوح المحفوظ وازکی اسمائک
فی التورية نسبا واذهر اسمائک فی الزبور عزا واجل اسمائک
فی الانجیل قدرا وارفع اسمائک فی القرآن ذکرا واعظم اسمائک
فی الکتب المنزلة وافضلها واکبر اسمائک فی فضلنا النعم الاکبر
کمثله شیء واسئلک بعزتک وقدرتک وبالعرش العظیم وما
حمل وبالکرسی الکریم وما وسع ان تصلی علی محمد وآل محمد
وتنجح لی من عندک الفرجات القریب العظیم الاعظم اللهم انی
علی اجتبائک العذب بالاقدم ونابع الی معرفتک الدالة الاولی
والنفس بعزتک الی الکریم الاکرم والملک الله الواحد لا
اله الا هو الرحمن الرحیم الله لا اله الا هو الحی القیوم لا تاخذه
سنة ولا نوم الم الله لا اله الا هو الحی القیوم هو الذی یصورکم
فی الارحام کیف یشاء لا اله الا هو العزیز الحکیم شهد الله
انه لا اله الا هو والملئکة واولوا العلم قائما بالقسط لا
اله الا هو العزیز الحکیم الله لا اله الا هو لیجمعنکم الی یوم

القیمة

القیمة لاریب فیه ذلکم الله ربکم لا اله الا هو خالق کل شیء
فاعبدوه وهو علی کل شیء وکیل اتبع ما اوحی الیک من
ربک لا اله الا هو واعرض عن المشرکین قل یا ایها الناس
انی رسول الله الیکم جمیعا الذی له ملک السموات والارض
لا اله الا هو یحیی ویمیت فامنوا بالله ورسوله النبی الامی
الذی یؤمن بالله وکلماته واتبعوه لعلکم تهتدون وما
امروا الا لیعبدوا الها واحدا لا اله الا هو سبحانه عما
یشرکون فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت
وهو رب العرش العظیم حتی اذا ادرکه الغرق قال آمنت انه لا اله
الا الذی آمنت به بنوا اسرائیل وانا من المسلمین قل هو ربی
لا اله الا هو علیه توکلت والیه متاب ینزل الملئکة
بالروح من امره علی من یشاء من عباده ان انذروا انه لا اله الا
انا فاتقون وان تجهر بالقول فانه یعلم السر واخفی الله لا اله
الا هو له الاسماء الحسنی وانا اخترتک فاستمع لما یوحی اننی انا
الله لا اله الا انا فاعبدنی واقم الصلوة لذکری انما الهکم
الله الذی لا اله الا هو وسع کل شیء علما وما ارسلنا
من قبلک من رسول الا نوحی الیه انه لا اله الا انا فاعبدون
وذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادی
فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین

فتعالى الله الملك الحق لا إله إلا هو رب العرش الكريم الله
لا إله إلا هو رب العرش العظيم وهو الله لا إله إلا هو له الحمد
في الأولى والآخرة وله الحكم وإليه ترجعون ولا تدع مع الله
إلها آخر لا إله إلا هو كل شيء هالك إلا وجهه له الحكم
وإليه ترجعون يا أيها الناس اذكروا نعمة الله عليكم هل
من خالق غير الله يرزقكم من السماء والأرض لا إله إلا هو
فأنى تؤفكون ذلكم الله ربكم له الملك لا إله إلا هو فأنى
تصرفون غافر الذنب وقابل التوب شديد العقاب ذي الطول
لا إله إلا هو إليه المصير ذلكم الله ربكم خالق كل شيء
لا إله إلا هو فأنى تؤفكون ذلكم الله ربكم فتبارك الله رب
العالمين هو الحي لا إله إلا هو فادعوه مخلصين له الدين الحمد لله
رب العالمين رب السماوات والأرض وما بينهما إن كنتم
موقنين لا إله إلا هو يحيي ويميت ربكم ورب آبائكم الأولين
فأنى لهم إذا جاءتهم ذكراهم فاعلم أنه لا إله إلا الله واستغفر
لذنبك وللمؤمنين والمؤمنات هو الله الذي لا إله إلا هو
عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم هو الله الذي لا إله
إلا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار
المتكبر سبحان الله عما يشركون الله لا إله إلا هو وعلى الله
فليتوكل المؤمنون اللهم إني أسألك عفوا ليس بعده عقوبة

ورضا ليس بعده سخط وعافية ليس بعدها بلاء وسعادة ليس
بعدها شقاء وهدى لا يكون بعده ضلالة وإيمانا لا يخالطه
كفر وقلبا لا يخالطه فتنة اللهم إني أسألك السعة في القبر
الحجة البالغة والقول الثابت وأن تمن علي بالأمان والفرج و
السرور ودخول النعيم اللهم صل على محمد وآل محمد وعرفني بركة
هذا الشهر ويمنه وارزقني خيره واصرف عني شره واجعلني فيه
من الفائزين برحمتك يا أرحم الراحمين اللهم انت وهاب الخير
لي شوقا إلى لقائك وإشفاقا من عذابك ورجاء نعمتك وتوقرا و
إجلالا لا حق يدخل من ذلك قلبي ويقشعر منه جلدي ويجافي الجنب
ويدمع منه عيني ولا أغفل من ذكرك في ليل ونهار يا أرحم الراحمين
اللهم إني عبدك وما عسى أن يبلغ مدحي وثنائي مع قلة عملي
وقصر رأيي أنت الخالق وأنا المخلوق وأنت المالك وأنا المملوك
وأنت الرب وأنا العبد وأنت العزيز وأنا الذليل وأنت القوي
وأنا الضعيف وأنت الغني وأنا الفقير وأنت المعطي وأنا السائل
وأنت الحي الذي لا تموت وأنا خلق أموت فاغفر لي وارحمني وأعطني
سؤلي في دنياي وآخرتي ومحياي وعني وعن جميع المؤمنين والمؤمنات
والمسلمين والمسلمات الأحياء منهم والأموات اللهم صل على
محمد عبدك ورسولك وأمينك وصفيك وخيرتك من خلقك
اللهم ارفع درجته وكرم مقامه وأجزل ثوابه وأفلح حجته

وأظهر عذره وعظم نوره وأدم كرامته وألحق به أمته وذريته
وأقرر بذلك عينه اللهم اجعل محمدا أكرم النبيين تبعا
وأعظمهم منزلة وأشرفهم كرامة وأعلاهم درجة وأفسحهم في
الجنة منزلا اللهم بلغ محمدا درجة الوسيلة وشرف بنيانه
وعظم نوره وبرهانه وتقبل شفاعته في أمته وتقبل صلاة
أمته عليه اللهم صل على محمد كما بلغ رسالاتك وتلا آياتك
ونصح لعبادك وجاهد في سبيلك حتى أتاه اليقين اللهم
زد محمدا مع كل شرف شرفا ومع كل فضل فضلا ومع كل كرامة
كرامة ومع كل سعادة سعادة حتى تجعل محمدا في الشرف
الأعلى من الدرجات العلى اللهم صل على محمد وآل محمد وعجل
لي فرجي وبلغني أملي ووسع علي في رزقي واقض عني ديني وفرج
عني غمي وهمي وكربي وبلغها إذا دعي واتصل الى بغيتي سريعا
عاجلا يا ارحم الراحمين و شیخ مفید گفته است که در روز هشتم ربیع
الثانی سال دویست و سی و دو از هجرت نبوی صلی الله علیه وآله حضرت
امام حسن عسکری علیه السلام متولد شده است و روز شریف بسیار با برکت
و سعیدیست که بشکر این نعمت عظمی روزه بدارند و ... بزیارت
آنحضرت و سایر اعمال این روز و زیارت که مناسب است **فصل دوم**
در اعمال ماه جمادی الاولی است سید بن طاوس رضی الله عنه از
بعضی کتب معتبره نقل کرده است که در روز اول این ماه مستحب است

که این دعا را بخوانند اللهم انت الله وانت الرحمن الرحيم وانت الملك
القدوس وانت السلام المؤمن وانت المهيمن وانت العزيز وانت
الجبار وانت المتكبر وانت الخالق وانت البارئ وانت المصور
وانت العزيز الحكيم وانت الاول والآخر والظاهر والباطن لك
الاسماء الحسنى اسئلك يا رب بحق هذه الاسماء وبحق اسمائك
كلها ان تصلي على محمد وآل محمد وآتنا اللهم في الدنيا
حسنة وفي الآخرة حسنة واختم لنا بالسعادة والشهادة في
سبيلك وعرفنا بركة شهرنا هذا ويمنه وارزقنا
خيره واصرف عنا شره واجعلنا فيه من الفائزين وقنا برحمتك
عذاب النار يا ارحم الراحمين انك على كل شيء قدير پس این آیات را
بخواند الحمد لله رب العالمين الحمد لله الذي خلق السموات و
الارض وجعل الظلمات والنور ثم الذين كفروا بربهم يعدلون هو
الذي خلقكم من طين ثم قضى اجلا واجل مسمى عنده ثم انتم تمترون
وهو الله في السموات وفي الارض يعلم سركم وجهركم ويعلم ما
تكسبون الحمد لله الذي انزل على عبده الكتاب ولم يجعل له عوجا
قيما لينذر بأسا شديدا من لدنه الحمد لله الذي له ما في السموات
وما في الارض وله الحمد في الآخرة وهو الحكيم الخبير الحمد لله فاطر
السموات والارض جاعل الملائكة رسلا اولي اجنحة مثنى وثلاث
ورباع يزيد في الخلق ما يشاء ان الله على كل شيء قدير ما يفتح الله

للناس من رحمة فلا ممسك لها وما يمسك فلا مرسل له من بعده
وهو العزيز الحكيم الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي
لولا أن هدانا الله لقد جاءت رسل ربنا بالحق الحمد لله الذي
وهب لي على الكبر إسماعيل وإسحاق إن ربي لسميع الدعاء الحمد لله
بل أكثرهم لا يعلمون الحمد لله الذي نجانا من القوم الظالمين
الحمد لله الذي فضلنا على كثير من عباده المؤمنين الحمد لله سيريكم
آياته فتعرفونها وما ربك بغافل عما تعملون الحمد لله الذي أذهب
عنا الحزن إن ربنا لغفور شكور الحمد لله الذي صدقنا وعده
وأورثنا الأرض نتبوأ من الجنة حيث نشاء فنعم أجر العاملين
وترى الملائكة حافين من حول العرش يسبحون بحمد ربهم وقضي
بينهم بالحق وقيل الحمد لله رب العالمين فلله الحمد رب السموات
ورب الأرض رب العالمين وله الكبرياء في السموات والأرض
وهو العزيز الحكيم الحمد لله الذي لم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك
في الملك ولم يكن له ولي من الذل وكبره تكبيرا اللهم اغفر لي
ما سلف من ذنوبي وتداركني فيما بقي من عمري وتوضعني للذي
خلقتني وحبب إلي الإيمان وزينه في قلبي وقد دعوتك كما أمرتني
فاستجب لي كما وعدتني اللهم أصبحت لك عبدا لا أستطيع
دفع ما أكره ولا أملك ما أرجوا وأصبحت مرتهنا بعملي فلا فقير
أفقر مني إليك يا رب العالمين أسألك أن تستعملني على

حضور أجلي لا بل عمل من قد مات فرأى عمله ونظر إلى ثواب عمله
إنك على كل شيء قدير اللهم هذا مكان العائذ برحمتك من
عذابك وهذا مكان العائذ بمعافاتك من غضبك اللهم
أنت الذي من دعاك فأجبته وسألك فأعطيته وآمن بك فهديته
وتوكل عليك فكفيته وتقرب إليك فأدنيته وافتقر إليك
فأغنيته واستغفرك فغفرت له ورضيت عنه وأحببته
وهديته إلى مرضاتك واستعملته بطاعتك ولذلك فوفقه
أبدا ما أحييته فتب علي يا ربي وأعطني سؤلي ولا تحرمني شيئا
مما سألتك واكفني شر ما يعمل الظالمون في الأرض وأستغفر
الله الذي لا إله إلا هو الذي لا يغفر الذنوب إلا هو اللهم صل
على محمد وآل محمد وأعني على الدنيا وارزقني خيرها وكره إلي
الكفر والفسوق والعصيان واجعلني من الراشدين اللهم
وفقني لعبادتك واستعملني في طاعتك وبلغني الذي أرجو من
رحمتك يا أرحم الراحمين اللهم إني أسألك الروح يوم القضاء والنجاة
يوم الفزع الأكبر والفوز يوم الحساب والأمن يوم الخوف
وأسألك النظر إلى وجهك الكريم والخلود في جنتك في دار
المقامة من فضلك والسجود يوم يكشف عن ساق والظل يوم
لا ظل إلا ظلك ومرافقة أنبيائك ورسلك وأوليائك
اللهم اغفر لي ما قدمت من ذنوبي وما أخرت وما أسررت وما

وما أعلنت وما أسرفت على نفسي وما أنت أعلم به مني وارزقني
التقى والهدى والعفاف والغنى ووفقني للعمل بما تحب وترضى
اللهم أصلح لي ديني الذي هو عصمة أمري وأصلح لي دنياي التي
فيها معاشي وأصلح لي آخرتي التي إليها منقلبي واجعل الحياة زيادة
لي في كل خير واجعل الموت راحة لي من كل سوء اللهم إني أسألك
يا رب الأرباب ويا سيد السادات ويا مالك الملوك أن ترحمني
وتستجيب لي وتصلحني فإنه لا يصلح من صلح من عبادك إلا أنت
فإنك أنت ربي وثقتي ورجائي ومولاي وملجأي ولا راحم لي غيرك
ولا مغيث لي سواك ولا مالك سواك ولا مجيب إلا أنت أنا عبدك
وابن عبدك ومن أسراء الخاطئ الذي وسعته رحمتك وأنت
العالم بحالي وحاجتي وكثرة ذنوبي والمطلع على أموري كلها فأسألك
يا لا إله إلا أنت أن تغفر لي ما تقدم من ذنبي وما تأخر اللهم لا تدع
لي ذنبا إلا غفرته ولا هما إلا فرجته ولا حاجة هي لك رضا إلا
قضيتها ولا عيبا إلا أصلحته اللهم آتنا في الدنيا حسنة وفي
الآخرة حسنة وقنا عذاب النار اللهم نجني من أهوال الدنيا ونوائب
الدهور ومصيبات الليالي والأيام اللهم واحرسني من شر ما يعمل
الظالمون في الأرض فإنه لا حول ولا قوة إلا بك اللهم إني أسألك
إيمانا ثابتا وعملا متقبلا ودعاء مستجابا ويقينا صادقا وقولا
طيبا وقلبا شاكرا وبدنا صابرا ولسانا ذاكرا اللهم انزع

حب الدنيا ومعاصيها وذكرها وشهوتها من قلبي اللهم إنك بكرمك
تشكر اليسير من عملي فاغفر لي الكثير من ذنوبي وكن لي وليا ونصيرا
وشفيعا وحافظا اللهم هب لي قلبا أشد رهبة لك من قلبي و
لسانا أدوم لك ذكرا من لساني وجسما أقوى على طاعتك و
عبادتك من جسمي اللهم إني أعوذ بك من زوال نعمتك ومن فجاءة
نقمتك ومن تحويل عافيتك ومن حلول غضبك وأعوذ بك من
جهد البلاء ودرك الشقاء ومن شماتة الأعداء وسوء القضاء
في الدنيا والآخرة اللهم إني أسألك باسمك الكريم وعرشك العظيم
وملكك القديم يا وهاب العطايا ويا مطلق الأسارى ويا فكاك
الرقاب ويا كاشف العذاب أسألك أن تخرجني من الدنيا سالما
غانما وأن تدخلني الجنة برحمتك آمنا وأن تجعل أول شهري هذا
صلاحا وأوسطه فلاحا وآخره نجاحا إنك أنت علام الغيوب

مؤلف گوید که کلینی بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت
کرده است که حضرت فاطمه صلوات الله علیها هفتاد و پنج روز بعد
از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله زنده بود پس بنا بر مشهور که وفات
حضرت رسول در بیست و هشتم ماه صفر بود باید که وفات حضرت
فاطمه سیزدهم یا چهاردهم یا پانزدهم جمادی الاولی باشد پس زیارت
آن حضرت در این ایام مناسبست خصوصا در چهاردهم که ظاهرتر است
و شیخ مفید در گفته است که در شب پانزدهم ایضا حضرت امام

العابدین علیه السلام متولد شده است و روز شریفیست و مستحب
است که روزه بدارند و اعمال خیر از عبادات و تصدقات بجا آورند و
شیخ طوسی گفته است که فتح بصره برای امیر المؤمنین علیه السلام
نیز در این روز واقع شد [illegible] که زیارت هر دو امام در این روز سنت است
و اگر زیارت جامعه در این قسم با بخوانند چنانچه مذکور خواهد
شد ان شاء الله تعالی بهتر است فصل نهم در اعمال ماه جمادی الثانیه
است سید بن طاوس روایت کرده است که در این ماه هر روز که
خواهد سنت است که چهار رکعت نماز بکند یعنی بدو سلام و در رکعت
اول بعد از حمد یکمرتبه آیة الکرسی و بیست و پنج مرتبه انا انزلناه و
در رکعت دوم یکمرتبه الهیکم التکاثر و بیست و پنج مرتبه قل هو الله احد
و در رکعت سیم یکمرتبه قل یا ایها الکافرون و بیست و پنج مرتبه قل
اعوذ برب الفلق و در رکعت چهارم یکمرتبه اذا جاء نصر الله و بیست
و پنج مرتبه قل اعوذ برب الناس و بعد از سلام رکعت چهارم هفتاد
مرتبه بگوید سُبحانَ اللهِ وَالحمدُ لِلّهِ وَلا اِلهَ اِلّا اللهُ وَاللهُ اَکبَر
و هفتاد مرتبه اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ پس سه مرتبه بگوید
اَللّهُمَّ اغفِر لِلمُؤمِنینَ وَالمُؤمِناتِ پس بسجده رود و سه مرتبه
بگوید یا حَیُّ یا قَیّومُ یا ذَا الجَلالِ وَالاِکرامِ یا اَللهُ یا رَحمنُ یا رَحیمُ
یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ پس هر حاجت که دارد از حق تعالی طلب نماید هر که چنین
کند خدای تعالی خود شرا و مال شرا و زنان و فرزندان او را و دین و دنیا

او را حفظ کند و اگر در این سال بمیرد بر شهادت بمیرد یعنی ثواب شهدا
داشته باشد و شیخ بزرگوار محمد بن جریر طبری در کتاب دلائل الامامة
بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که
ولادت با سعادت حضرت فاطمه علیها السلام در بیستم ماه جمادی
الثانیه واقع شد و شهادت آن حضرت نیز در سیم این ماه واقع شد و شیخ
طوسی و سید بن طاوس و دیگران چنین ذکر کرده اند و اگر چه موافق نیست
روایتی است که سابقا ذکر کردیم اما چون مشهور است و روایت
معتبر وارد شده که در روز سیم این ماه مراسم تعزیت آن حضرت قیام نمایند
و زیارت آن حضرت بکنند و لعن بسیار بر قاتلان و غاصبان حق
آن حضرت بکنند خصوصا ابو بکر و عمر و قنفذ غلام عمر و در روز بیستم
آن حضرت را باز زیارت کنند و چنانچه شیخ مفید گفته است اظهار
سرور و خوشحالی بکنند و روزه بدارند و تصدقات و اعمال خیر بکنند
و زیارت آن حضرت بدو طریق وارد شده است اول آنکه سید بن طاوس
روایت کرده است که هر که آن حضرت را زیارت کند باین زیارت که بگوید
اَلسَّلامُ عَلَیکِ یا سَیِّدَةَ نِساءِ العالَمینَ اَلسَّلامُ عَلَیکِ یا والِدَةَ
الحُجَجِ عَلَی النّاسِ اَجمَعینَ اَلسَّلامُ عَلَیکِ اَیَّتُهَا المَظلومَةُ المَمنوعَةُ
حَقُّها پس بگوید اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی اَمَتِکَ وَابنَةِ نَبِیِّکَ وَزَوجَةِ
وَصِیِّ نَبِیِّکَ صَلوةً تُزلِفُها فَوقَ زُلفی عِبادِکَ المُکرَمینَ مِن اَهلِ
السَّمواتِ وَاَهلِ الاَرَضینَ پس طلب آمرزش کند از خدای تعالی و

حق تعالی کافران او را بآمرزد و او را داخل بهشت کرداند و این زیارت
مختصر معتبر نیست و هر وقت میتوان کرد و این زیارت مبسوط است
که علما ذکر کرده اند در کتب زیارت و سندش بنظر فقیر نرسیده و آن
زیارت اینست السلام علیك یا بنت رسول الله السلام علیك
یا بنت نبی الله السلام علیك یا بنت حبیب الله السلام علیك
یا بنت خلیل الله السلام علیك یا بنت صفی الله السلام علیك
یا بنت امین الله السلام علیك یا بنت خیر خلق الله السلام علیك
یا بنت افضل انبیاء الله السلام علیك یا بنت خیر البریة السلام
علیك یا سیدة نساء العالمین من الاولین والآخرین السلام
علیك یا زوجة ولی الله وخیر خلقه بعد رسول الله السلام
علیك یا ام الحسن والحسین سیدی شباب اهل الجنة السلام
علیك یا ام المؤمنین السلام علیك ایتها الصدیقة الشهیدة
السلام علیك ایتها الرضیة المرضیة السلام علیك ایتها
الصادقة الرشیدة السلام علیك ایتها الفاضلة الزکیة
السلام علیك ایتها الحوراء الانسیة السلام علیك ایتها
التقیة النقیة السلام علیك ایتها المحدثة العلیمة السلام
علیك ایتها المعصومة المظلومة السلام علیك ایتها الطاهرة
المطهرة السلام علیك ایتها المضطهدة المغصوبة السلام
علیك ایتها الغراء الزهراء السلام علیك یا فاطمة بنت

محمد رسول الله ورحمة الله وبرکاته صلی الله علیك یا مولاتی وابنة
مولای وعلی روحك وبدنك اشهد انك مضیت علی بینة
من ربك وان من سرك فقد سر رسول الله ومن جفاك فقد جفا
رسول الله صلی الله علیه وآله ومن آذاك فقد آذی رسول الله و
من وصلك فقد وصل رسول الله ومن قطعك فقد قطع رسول
الله لانك بضعة منه وروحه التی بین جنبیه کما قال علیه
افضل الصلوة واکمل السلام اشهد الله وملائکته انی ولی
لمن والاك وعدو لمن عاداك وحرب لمن حاربك انا یا مولاتی بك
وبابیك وبعلك والائمة من ولدك موقن وبولایتهم مؤمن
ولطاعتهم ملتزم اشهد ان الدین دینهم والحکم حکمهم وهم قد
بلغوا عن الله عز وجل ودعوا الی سبیل الله بالحکمة والموعظة
الحسنة لا تأخذهم فی الله لومة لائم وصلوات الله علیك و
علی ابیك وبعلك وذریتك الائمة الطاهرین اللهم صل علی
محمد واهل بیته وصل علی البتول الطاهرة الصدیقة المعصومة
التقیة النقیة الرضیة الزکیة الرشیدة المظلومة المقهورة
المغصوبة حقها الممنوعة ارثها المکسور ضلعها المظلوم بعلها
المقتول ولدها فاطمة بنت رسولك وبضعة لحمه وصمیم قلبه
وفلذة کبده والنخبة منك له والتحفة خصصت بها وصیه
وحبیبة المصطفی وقرینة المرتضی وسیدة النساء ومبشرة

الاولياء حليفة الورع والزهد وتفاحة الفردوس والخلد التي شرفت
مولدها بنساء الجنة وسللت منها انوار الائمة وارخيت دونها
حجاب النبوة اللهم صل عليها صلاة تزيد في محلها عندك وشرفها
لديك ومنزلتها من رضاك وبلغها منا تحية وسلاما وآتنا من
لدنك في حبها فضلا واحسانا ورحمة وغفرانا انك ذو العفو
الكريم وسيد بن طاوس ره گفته است پس نماز زیارت بکن و اگر توانی
نماز خضر را بجا آور و آن دو رکعت است و در هر دو رکعت بعد از قرائة
شصت مرتبه سوره قل هو الله احد بخوان و اگر نتوانی دو رکعت بکن
و در رکعت اول بعد از فاتحه یکمرتبه سوره قل هو الله احد بخوان و در
رکعت دویم یکمرتبه سوره قل یا ایها الکافرون و بعد از نماز تسبیح
حضرت را بگو و بعد از آن بخوان اللهم انی اتوجه الیک بنبینا محمد
وباهل بيته صلواتك عليهم واسالك بحقك العظيم عليهم
الذي لا يعلم كنهه سواك واسالك بحق من حقه عندك عظيم
وباسمائك الحسنى التي امرتني ان ادعوك بها واسالك باسمك
الاعظم الذي امرت به ابرهيم ان يدعو به الطير فاجابته وباسمك
العظيم الذي قلت للنار به كوني بردا وسلاما على ابرهيم
فكانت وباحب الاسماء اليك واشرفها واعظمها لديك
واسرعها اجابة وانجحها طلبة وبما انت اهله ومستحقه و
مستوجبه واتوسل اليك وارغب اليك واتضرع والح عليك

عليك

واسالك بكتبك التي انزلتها على انبيائك ورسلك صلواتك
عليهم من التورية والانجيل والزبور والقرآن العظيم فان فيها
اسمك الاعظم وبما فيها من اسمائك العظمى ان تصلي على
محمد وآل محمد وان تفرج عن آل محمد وشيعتهم ومحبيهم و
عني وتفتح ابواب السماء لدعائي وترفعه في عليين وتاذن في
هذا اليوم وفي هذه الساعة بفرجي واعطائي املي وسؤلي في
الدنيا والآخرة يا من لا يعلم احد كيف هو وقدرته الا هو يا من
سد الهواء بالسماء وكبس الارض على الماء واختار لنفسه احسن
الاسماء يا من سمى نفسه بالاسم الذي تقضى به حاجة من يدعوه
اسالك بحق ذلك الاسم فلا شفيع اقوى لي منه ان تصلي على
محمد وآل محمد وتقضي لي حوائجي وتسمع بمحمد وعلي وفاطمة
والحسن والحسين وعلي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد
وموسى بن جعفر وعلي بن موسى ومحمد بن علي وعلي بن محمد و
الحسن بن علي والحجة المنتظر لاذنك صلواتك وسلامك و
رحمتك وبركاتك عليهم صوتي ليشفعوا لي اليك وتشفعهم
في ولا تردني خائبا بحق لا اله الا انت پس حاجتهای خود را طلب
کن که برآورده است باب [illegible] در اعمال هر ماهست بدانکه در وقت
دیدن ماه نو خواه در شب اول و خواه در دویم و خواه در سیم مستحب
استکه دعاهای منقول را بخواند و بهتر از همه دعای هلال صحیفه

کاملا است که دعای جمال وهم است و وقت ترتیب سوره حمد بخواند
برای دفع درد چشم منقولست و اندکی پنیر خوردن کمتر مانع مضرت
است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که نیکوئی ابرهت
پنیر دهان از اشبهن و خوشبو میکند و اشتهای طعام می آورد و باعث
هضم طعام میشود و هر که در اول ماه بخورد حاجت او روا میشود و از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که در شب اول ماه
دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد از فاتحه سوره انعام بخواند
و از حقتعالی سؤال کند که او را از هر ترسی و هر دردی ایمن کرداند و هر چه
در آن ماه امر باو کند مکروهی او باشد و از حضرت امام محمد تقی علیه السلام
منقولست که چون ماه تازه کردد باید در روز اول ماه دو رکعت نماز بکن و
در رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه سوره قل هو الله احد بخوان و در رکعت
دوم بعد از حمد سی مرتبه سوره انا انزلناه بخوان و بعد از نماز تصدق
بکن چون چنان کنی سلامتی انماه را از حقتعالی خریده و در روایت
دیگر وارد شده است که مستحب است که بعد از این دو رکعت این آیات
بخوانند بسم الله الرحمن الرحیم وما من دابة فی الارض الا علی الله
رزقها ویعلم مستقرها ومستودعها کل فی کتاب مبین
بسم الله الرحمن الرحیم وان یمسسک الله بضر فلا کاشف له الا
هو وان یردک بخیر فلا راد لفضله یصیب به من یشاء من
عباده وهو الغفور الرحیم بسم الله الرحمن الرحیم سیجعل الله

بعد

بعد عسر یسرا ما شاء الله لا قوة الا بالله حسبنا الله ونعم الوکیل
وافوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد لا اله الا انت سبحانک
انی کنت من الظالمین رب انی لما انزلت الی من خیر فقیر رب لا تذرنی
فردا وانت خیر الوارثین و بدانکه از جمله سنتهای مؤکده که حضرت
رسول بران مواظبت نمودند تا از دنیا رفت روزه سه روز در هر ماهست
و آن موافق مشهور پنجشنبه اول ماه و پنجشنبه آخر ماه و چهارشنبه اول
از دهه میان ماه بود و بعضی از روایات عکس این نیز وارد شده است یعنی
چهارشنبه اول و چهارشنبه آخر و پنجشنبه اول از دهه میان و
اول اشهر و بهتر است و سنن آنحضرت تالی واجبات است در فضیلت
و تاکید و آنحضرت نماز سنت در هر شب و هر روز دو برابر نماز واجب مقرر
فرمود هشت رکعت نافله پیش از نماز ظهر و هشت رکعت پیش از
نماز عصر و چهار رکعت بعد از نماز شام و دو رکعت و تیره بعد از
نماز خفتن و چون نشسته کرده میشود برابر یک رکعت است و یازده رکعت
نماز شب و دو رکعت پیش از نماز صبح و اینها متمم فریضه اند و در ثواب
و تاکید مثل اند و مانند فریضه اکر ترک کند سنت است که قضا
کند و از برای ایشان کفاره بکند که یک مد طعام بجهت هر نافله روز و یک مد
از برای نافله شب مقرر کرده اند و همچنین روزه سنت که مذکور شد
است که تمام ماه شعبانست و در هر ماه دیگر هر ماه سه روز و اکر
فوت شود سنت است که قضا کنند و اکر در تابستان دشوار باشد تا

است که در زمستان قضا کند و اگر دشوار باشد بدل هر روزی یک مد طعام
بفقیر بدهد که ثواب روزه داری سه روز بدنی و سه ناریات و ثواب روزها
ناقص نیز بما احوط چهار ده ... است یا یک مد که ثواب
صد درهم بوزن قدیم اصفهان باشد و اگر صد درهم شاهی باشد احوط
و در همه دادن بهتر است و بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در اول روزه سنت اختیار کرده
که مردم گمان کردند که هرگز افطار نخواهد کرد و مدتی افطار کرد که گمان
کردند که دیگر روزه سنت نخواهد گرفت پس مدتی روزه حضرت داود
علیه السلام را گرفت که یک روز روزه میداشت و یک روز افطار میکرد پس
در آخر عمر اکتفا نمود بروزه سه روز در هر ماه بنحوی که گذشت تا آنکه
برحمت الهی واصل شد باید متابعت آنحضرت و فرمود که این روزه ثواب برابر است
با روزه تمام سال و وسوسه شیطان را از سینه برطرف میکند و راوی
پرسید که کدام روزها است فرمود که پنجشنبه اول و چهارشنبه اول
دهه دوم و پنجشنبه آخر پرسید که چرا این روزها را روزه میدارند فرمود
برای آنکه عذاب امتهای سابق در این روزها نازل میشده است پس
کرده که در این روزها روزه بدارند برای دفع عذاب و در روایت دیگر
فرمود که پنجشنبه را برای این روزه میدارند که اعمال بندگان در این روز
بر خدا عرض میکنند و چهارشنبه میان را برای این روزه میدارند که آتش
جهنم در روز چهارشنبه خلق شده است و روزه سپر آتش جهنم است

و در روایت دیگر هر عذابی که بر امتهای گذشته نازل شده است در چهار
شنبه میان ماه نازل شده و اگر در دهه اول دو پنجشنبه بوده
باشد پنجشنبه اول گرفتن بهتر است و اگر میسر نشود پنجشنبه دوم را
بگیرد و اگر در دهه آخر دو پنجشنبه بوده باشد و اقوی مشهور پنجشنبه
دوم را افضل است چنانکه در حدیث صحیح وارد شده است و در
روایت دیگر وارد شده است که پنجشنبه اول بهتر است و بعضی
حمل کرده اند بر صورتی که محتمل باشد که پنجشنبه دوم اول ماه دیگر
باشد و بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که
کسی که در هر ماه این سه روز را روزه دارد باید که با هیچ کس مجادله نکند
و سفاهت و تندخوئی و بیخردی نکند و مبادرت نکند بسوگند خوردن
بخدا و اگر کسی سفاهت و بیخردی با او کند در گذرد و متعارض نگردد
و اگر در این ایام روزه باشد و بخانه برادر مؤمن خود وارد شود و او را
تکلیف کند افطار کردن بهتر است از روزه داشتن هفتاد برابر
برابر چنانکه در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است
و در حدیث صحیح دیگر فرمود که هر که داخل شود بخانه برادر مؤمن خود و
روزه باشد و افطار کند و اظهار نکند که من روزه ام که بر او منت گذارد
حقتعالی ثواب روزه یکسال برای او بنویسد و اگر این سه روز را در اول ماه
یا میان ماه یا آخر ماه بعمل آورد خوبست و فی الجمله متابعت سنت
کرده است و ثواب روزه سال را میابد چنانکه حقتعالی فرموده است

که من جاء بالحسنة فله عشر امثالها یعنی هر که حسنه بدرگاه
خدا بیاورد از برای او هست ده برابر آن و بمضمون این احادیث
بسیار وارد شده است اما بهتر اینست که عوض باشد که اول ماه که
شد و از جمله روزهای سنت هر ماه روز ایام البیض است یعنی سیزدهم
و چهاردهم و پانزدهم و احادیث در فضیلت این سه روز از طرق
عامه و خاصه منقولست و در بعضی از روایات وارد شده که چون
حضرت آدم مرتکب ترک اولی شد از بهشت او را بزمین فرستادند
بدنش سیاه بود یا بعد از قبول توبه خط سیاهی از سر تا پای او ماند پس
چون ملائکه این حال را دیدند داد و خروش برآوردند و گریستند و ناله
کردند بدرگاه حق تعالی پس منادی از آسمان ندا کرد که امروز را روزه
بدار و آن روز سیزدهم ماه بود چون روزه داشت ثلث آن سیاهی بر
طرف شد پس روز چهاردهم ندا رسید که امروز را نیز روزه بدار
چون روزه داشت یک ثلث دیگر برطرف شد پس روز پانزدهم
باز باو ندا رسید چون روزه داشت تمام سیاهی برطرف شد پس باو
ندا رسید از آسمان که ای آدم روزه این سه روز را برای تو و فرزندان تو
مقرر کردم هر که در هر ماه این سه روز را روزه بدارد چنان باشد که
در تمام عمر خود روزه باشد و ابن بابویه گفته است که روزه پنجشنبه
و چهارشنبه بدل ایام البیض مقرر شده است و منافاتی ندارد که هر
دو سنت باشد و دو پنجشنبه اول و آخر و چهارشنبه میان بجهت

بش

باشد اما اکثر احادیث ایام البیض از طرق عامه است و ابن طاوس ره
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده است که جبرئیل
بزمین نازل شد و گفت بگو بعلی که بگیر روزه هر ماه سه روز را نوشته
شود برای تو بسبب روزه اول روزه ده هزار سال و بروزه روز دویم
هزار سال و بروزه روز سیم صد هزار سال حضرت امیر علیه السلام
گفت یا رسول الله این مخصوص منست یا برای همه کس است حضرت
فرمود که هر که از شیعیان تو این روزها را روزه بدارد این ثواب برای او
خواهد بود گفت کدام روزهاست از ماه فرمود سیزدهم و چهاردهم
و پانزدهم است و از جمله روزهای مرغوب روزه روز چهارشنبه و پنج
شنبه و جمعه است برای کسی که حاجت داشته باشد چنانکه در جمال
الاسابیع در ضمن نمازهای حاجت ذکر کرده ام و مشهور میان علما آنست که
در پنجشنبه و جمعه روزه گرفتن سنتست مگر آنکه موافق یکی از ایام
معروفه یا مکروهه واقع شود و بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که کسی که اراده عمل خیری داشته باشد مانند تصدق
کردن و روزه داشتن و امثال اینها باید که در روز جمعه بعمل آورد
زیرا که ثواب عمل در روز جمعه مضاعف است و ابن جنید ره گفته است
که مستحب نیست روزه جمعه را تنها روزه گرفتن و اگر ملحق سازد بآن
یک روز پیش یا یک روز بعد را جایز است و گفته است که استحباب روزه
روز دوشنبه و پنجشنبه منسوخ است و روزه شنبه نیز ازان و

شده است مؤلف گوید که اکثر قدما و ابن جنید گفته است خلاف مشهور
است میان علمای ما و شیخ طوسی در مصباح گفته است که روزه‌ی
روز جمعه وارد شده است و فقیر از ایشان که از آنها روزه ندارد
مگر آنکه یک روز پیش یا روز بعد از آن بدارد و کان فقیر ایشان که از آنها که روزه
روز جمعه محمول بر تقیه است زیرا که سنیان حدیثی از ابو هریره نقل
کرده‌اند و بعضی از علمای ایشان روزه روز جمعه را حرام کرده‌اند بلکه گفته
اند که صوم ثابت نگردد و اضعف کرده‌اند از فرایض و نوافل و دعا
روز جمعه را مواظبت باید نمود و اما روز دوشنبه احادیث بر فضل آن روز
ان واقع شده است و فقیر ترک آن خصوصا هرگاه به قصد برکت روز
دوشنبه باشد مگر آنکه با روز متبرکی از روزهای ما موافق شود مثل
غدیر و مبعث و مولد و امثال اینها و فقیر از روزه روز دوشنبه بنظر فقیر
نرسیده اما فضیلت قسم دیگر از آن بخاطر ندارم مگر اینکه شیخ مفید
قدس سره روایت کرده است که هرکه در یکی از ماههای حرام یعنی رجب
و ذی القعده و ذی الحجه و محرم پنجشنبه و جمعه و شنبه را روزه
بدارد حق تعالی برای او ثواب عبادت نهصد سال بنویسد باب
یازدهم در بیان زیارات حضرت رسول خدا و ائمه هدی صلوات
الله علیهم است بغیر آنچه سابقا مذکور شد بدانکه زیارت حضرت
رسول خدا و ائمه هدی در همه اوقات از نزدیک و دور مستحب است
و اگر بعد از غسل باشد افضل است خصوصا در شب و روز جمعه

و شبهای ماه و لیالی متبرکه و در کتاب تحفة الزائر به تفصیل ذکر کرده‌ام
و در این مقام به ذکر چند زیارت به عنوان زیارت جامعه و دعا
و صلوات فرستادن بر ایشان اکتفا می‌نمایم اما زیارت حضرت رسالت
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که خدا را ملکی
چند هست که می‌گردند در زمین و هرکه از امت من بر من سلام می
فرستد به من می‌رسانند و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه
السلام منقول است که ملکی از ملائکه از خدا سؤال نمود که هرچه بنده
خدا گوید او بشنود و حق تعالی با او عطا کرد پس آن ملک ایستاده
است تا روز قیامت و هرکه از مؤمنان بگوید صلی الله علی محمد و آله
و سلم البته آن ملک میگوید و علیک یعنی بر تو باد سلام پس آن
ملک میگوید یا رسول الله فلان شخص سلام رسانید بر شما پس
حضرت میفرماید و علیه السلام یعنی بر او باد سلام و به سند معتبر
از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله فرمود که هرکه در هر جای زمین بر من سلام کند به من میرسد
و هرکه نزد قبر من بر من سلام کند من میشنوم و در حدیث حسن از حضرت
منقول است که حضرت صادق علیه السلام مرا امر فرمود که در
مسجد رسول خدا بسیار نماز کنم تا توانم و فرمود که همیشه توانا
نمیشود که در این مکان شریف باشی و فرمود که نزد قبر رسول صلی الله علیه
و آله رفتی گفتم بلی فرمود بدرستی که سلام از نزدیک میرسانی آنحضرت

میشنوی و اگر چه دور باشی سلام مرا بآنحضرت میرسد و در حدیث معتبر
دیگر از آنحضرت منقولست که بر قبر من بسیار صلوات و سلام کنید بر رسول
خدا هر چند صلوات مؤمنان در هر جا که بفرستند بآنحضرت میرسد
و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که صلوات فرستید بر حضرت
رسول که در پهلوی قبر آنحضرت هر چند صلوات مؤمنان هر جا که باشند
بآنحضرت میرسد و افضلیت احتمال آن دارد که نزد قبر باید
و دور کنند و احادیث صلوات و سلام بر آنحضرت و زیارت آنحضرت
در شهرهای دور بسیار است و بسند صحیح منقولست که ابن ابی نصر از
حضرت امام رضا علیه السلام پرسید که بعد از نماز چگونه صلوات
و سلام بر حضرت رسول باید فرستاد فرمود که میگوئی السلام علیک
یا رسول الله و رحمة الله و برکاته السلام علیک یا محمد بن
عبد الله السلام علیک یا خیرة الله السلام علیک یا حبیب الله
السلام علیک یا صفوة الله السلام علیک یا امین الله اشهد
انک رسول الله و اشهد انک محمد بن عبد الله و اشهد انک قد نصحت
لامتک و جاهدت فی سبیل ربک و عبدته حتی اتاک الیقین
فجزاک الله یا رسول الله افضل ما جزی نبیا عن امته اللهم صل علی
محمد و آل محمد افضل ما صلیت علی ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید
مجید و در روایت معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که هر که خواهد زیارت کند قبر حضرت رسول و قبر امیر المؤمنین و فاطمه

و حسن و حسین و قبرهای حجتهای خدا صلوات الله علیهم را و در
شهرهای خود باشد پس غسل کند در روز جمعه و دو جامه پاکیزه بپوشد
و بیرون رود بصحرا پس چهار رکعت نماز بگذارد با هر سوره که میسر
شود پس بایستد رو بقبله و بگوید السلام علیک ایها النبی و رحمة
الله و برکاته السلام علیک ایها النبی المرسل و الوصی المرتضی
و السیدة الزهراء و السبطان المنتجبان و الاولاد الاعلام و
الامناء المنتجبون جئت انقطاعا الیکم و الی آبائکم و ولدکم
الخلف علی برکة الحق فقلبی لکم مسلم و نصرتی لکم معدة
حتی یحکم الله لدینه فمعکم معکم لا مع عدوکم انی لمن القائلین
بفضلکم مقر برجعتکم لا انکر لله قدرة و لا ازعم الا ما شاء
الله سبحان الله ذی الملک و الملکوت یسبح الله باسمائه جمیع
خلقه و السلام علی ارواحکم و اجسادکم و السلام علیکم و
رحمة الله و برکاته و در روایت دیگر وارد است که از بام
خانه خود بکن و زیارت حضرت فاطمه بعد مذکور شد و اما زیارت
حضرت امام حسین علیه السلام بسندهای معتبر بسیار
منقولست که گفت که حضرت صادق بمن فرمود که چه مانع است
ترا از آنکه زیارت کنی قبر امام حسین را در هر هفته پنجشنبه یا در
هر روز یکمرتبه گفتم فدای تو شوم میان من و آنحضرت فرسخهای بسیار
هست فرمود که بالا میروی بر بام خانه خود پس ملتفت میشوی

بجانب راست و چپ خود پس سر خود را بسوی آسمان بلند میکنی پس رو
بجانب قبر آنحضرت میکردانی و میکوئی السلام علیک یا ابا عبد الله
السلام علیک یا بن رسول الله السلام علیک و رحمة الله و
برکاته تا نوشته شود برای تو ثواب حج و عمره سدیر کفت بسیار است
که من در روزی یا در ماه زیاده از بیست مرتبه چنین زیارت میکنم و بسند صحیح
از آنحضرت منقولست که کسیکه ناخوش باشد بعید و خانه اش دور باشد
از ما پس بالا رود بر بام خانه خود و دو رکعت نماز بکذارد و اشاره کند
بسلام بسوی قبرهای ما اثر آن سلام بما میرسد و در حدیث معتبر از
سلیمان بن عیسی منقولست که کفت بپدرم عرض کرد بخدمت حضرت
صادق علیه السلام که چکونه ترا زیارت کنم هر کاه قادر نباشم بخدمت
تو رسیدن فرمود که ای عیسی هر کاه قادر بر آمدن نباشی چون روز جمعه
شود غسل کن یا وضو بساز و بالا رو بر بام خانه خود و دو رکعت نماز
بکن و متوجه شو بسوی من بدرستیکه هر که مرا زیارت کند در حیات
من چنانست که مرا زیارت کرده است بعد از موت من و کسیکه زیارت
کند مرا بعد از موت چنانست که مرا زیارت کرده است در حیات من
مؤلف گوید که این حدیث دلالت میکند بر اینکه دور از حضرت
صاحب الامر در هر موضع زیارت توانکرد و اکر روز بشام کند در
وقت زیارت بهتر است و بعضی از زیارات مخصوصه آنحضرت مذکور
خواهد شد انشاء الله و در حدیث معتبر دیکر مرویست که حضرت

صادق بسدیر کفت که بسیار زیارت میکنی قبر حسین بن علی علیه السلام
را کفت از بسیاری شغلها میسر نمیشود فرمود که میخواهی ترا چیزی
تعلیم نمایم که هر کاه بکنی از برای تو ثواب زیارت آنحضرت نوشته شود
کفتم بلی فدای تو شوم فرمود که غسل بکن در خانه خود و بالا رو بر بام
خانه خود و اشاره کن بجانب آنحضرت بسلام کردن تا نوشته شود از
برای تو ثواب زیارت و در حدیث معتبر دیکر منقولست که حنان بن سدیر
رفت بخدمت حضرت صادق علیه السلام و نزد آنحضرت جماعتی از
اصحاب او حاضر بودند پس فرمود که ای حنان زیارت حضرت امام حسین
میکنی هر ماه یکمرتبه کفت نه فرمود که هر دو ماه یکمرتبه کفت نه فرمود که
هر سال یکمرتبه کفت نه فرمود که چه بسیار جفاکارید بسید و مولای
خود کفت یا بن رسول الله مانع من کمی توشه و دوری مسافتست
فرمود که میخواهی ترا دلالت کنم بر زیارتی که مقبول باشد هر چند زیارت
کننده دور باشد کفت چکونه زیارت کنم یا بن رسول الله فرمود که غسل
کن در روز جمعه یا هر روز که خواهی و بپوش پاکیزه ترین جامهای خود را
و بالا رو بر بلندترین بامهای خانه خود پس رو بجانب قبر
آنحضرت کن و بکو السلام علیک یا مولای و ابن مولای و سیدی
و ابن سیدی السلام علیک یا مولای یا قتیل بن القتیل الشهید
بن الشهید السلام علیک و رحمة الله و برکاته انا زائرک یا بن
رسول الله بقلبی و لسانی و جوارحی و ان لم ازرک بنفسی و المشاهدة

بقتلك فعليك السلام يا وارث آدم صفوة الله يا وارث نوح
نبي الله يا وارث ابراهيم خليل الله يا وارث موسى كليم الله يا وارث
عيسى روح الله وكلمته يا وارث محمد حبيب الله ونبيه ورسوله
يا وارث علي امير المؤمنين ووصي رسول الله وخليفته يا وارث
الحسن بن علي وصي امير المؤمنين لعن الله قاتليك وجدد
عليهم العذاب في هذه الساعة وفي كل ساعة انا يا سيدي
متقرب الى الله جل وعز والى جدك رسول الله والى ابيك امير
المؤمنين والى اخيك الحسن واليك يا مولاي عليك سلام
الله ورحمته وبركاته بزيارتي لك بقلبي ولساني وجميع جوارحي
فكن يا سيدي شفيعي لقبول ذلك مني وانا بالبراءة من اعدائك
واللعنة لهم وعليهم اتقرب الى الله واليكم اجمعين فعليك
صلوات الله ورضوانه ورحمته پس آنگاه ميگردي بجانب چپ
خود و رو ميگرداني بسوي قبر علي بن الحسين كه او نزد پاي پدر خود مدفونست
و سلام ميكني بر او مثل اين سلام پس دعا ميكني و ميطلبي حاجتهاي
دنيا و آخرت خود را پس چهار ركعت نماز ميگذاري كه نماز زيارت هشت
ركعتست يا شش ركعت يا چهار ركعت يا دو ركعت و بهتر هشت
ركعتست پس رو ميكني بجانب قبر امام حسين و ميگوئي انا مودع لك
يا مولاي وابن مولاي وسيدي وابن سيدي ومودع لك يا
سيدي وابن سيدي يا علي بن الحسين ومودعكم يا ساداتي يا معشر

الشهداء فعليكم سلام الله ورحمته وبركاته ورضوانه مؤلف
گويد كه چون عبارت حديث تشويش و اضطرابي دارد و چند
احتمال دارد بهتر آنست كه اين زيارت را با وداع چنانچه در حديث مذكور است
بخوانند و بعد از آن نيز مكرر كنند و بخوانند تا آنكه به جميع احتمالات عمل
كرده باشد و در زيارت علي بن الحسين بجاي يا وارث ذريه
يا ابن وارث بخوانند يا از وارث قصد وراثت امامت و خلافت
نكنند زيرا كه آن حضرت امام نبوده است و بدانكه اين حديث دلالت
ميكند بر آنكه از دور كه زيارت كنند نماز زيارت را بعد از زيارت بجا
بياورند و احاديث پيش دلالت كرد بر اينكه پيش بايد بكنند و دور
نيست كه مخير باشد و اگر اين زيارت را كنند بهتر آنست كه وارد شده است
بكنند و از اين احاديث معلوم شد كه غسل از براي زيارت از دور
مستحبست و از بعضي هم مفهوم شد كه بي غسل نيز ميتوان كرد و از
بعضي عمومات مستفاد ميشود كه بر هر حالي ميتوان كرد چنانكه اكثر
علما گفته اند و اگر در بام خانه يا صحرايي واقع سازد احوط و اولي
است و در حديث معتبر از حسين بن ثوير منقولست كه بخدمت
حضرت صادق عرض كرد كه من بسيار امام حسين عليه السلام
ياد ميكنم در آنوقت چه بگويم فرمود كه سه مرتبه بگو صلى الله عليك
يا ابا عبد الله كه سلام بآنحضرت ميرسد از نزديك و دور و شيخ
طوسي ذكر كرده است كه زيارت ميتوان كرد ائمه را از دور چنانكه

از نزدیک ایشان زیارت میکنند اما دو سه زیارت که ایشانرا از دور زیارت کنی
بلکه بکوید قصدتك بقلبي زائرا اذ عجزت عن حضور مشهدك
ووجهت اليك سلامي لعلمي انه يبلغك صلى الله عليك
فاشفع لي عند ربك جل وعز و دعا کن آنچه خواهی و بعضی از اکابر
علما روایت کرده اند از ابو الحسن فارسی که گفت من بسیار بزیارت
امام حسین میرفتم پس چند وقتی بسبب پیری ترک کردم آن توفیق زیارت
آنحضرت نیافتم پس شبی حضرت رسول صلی الله علیه و آله را در خواب
دیدم که حضرت امام حسن و امام حسین در خدمت آنحضرت بودند
چون من نزدیک ایشان رسیدم امام حسین گفت یا رسول الله این
مرد بسیار بزیارت میکرد و اکنون ترک کرده است حضرت رسول
متوجه من گردید و فرمود که ترک زیارت مثل حسین بتوان کرد گفتم
یا رسول الله ضعف حال و پیری مرا مانع از این عبادت گردیده
است حضرت فرمود که هر شب بر بام خانه خود برو و بانگشت
شهادت بسوی قبر آنحضرت اشاره بکن و بکو السلام عليك و
على جدك وابيك السلام عليك وعلى امك واخيك السلام
عليك وعلى الائمة من بنيك السلام عليك يا صاحب
الدمعة الساكبة السلام عليك يا صاحب المصيبة الراتبة
لقد اصبح كتاب الله فيك مهجورا ورسول الله فيك موتورا
السلام عليك ورحمة الله وبركاته السلام على انصار الله

وخلفائه السلام على امناء الله واحبائه السلام على محال
معرفة الله ومعادن حكمة الله وحفظة سر الله وحملة كتاب الله
واوصياء نبي الله وذرية رسول الله صلى الله عليه وآله ورحمة
الله وبركاته پس هر حاجت که خواهی از خدا سؤال کن پس اگر چنین کنی
زیارت تو از نزدیک و دور همه مقبول است و اما زیارت سایر ائمه
از نزدیک و دور بهترین آنها زیارت جامعه است که ابن بابویه
و دیگران بسند معتبر روایت کرده اند که شخصی از حضرت امام علی
نقی سؤال نمود که ای فرزند رسول خدا مرا تعلیم نما سخنی بلیغ کاملی
که آنرا بخوانم هرگاه زیارت کنم یکی از شما را فرمود که چون بدرگاه رسی
بایست و بگو اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد
ان محمدا عبده ورسوله و باید که با غسل باشی پس چون داخل
شوی و قبر را ببینی بایست و سی مرتبه الله اکبر بگو پس اندکی برو با آرام
دل و آرام و گامها را نزدیک بیکدیگر بگذار پس بایست و سی مرتبه
الله اکبر بگو پس نزدیک قبر برو و چهل مرتبه الله اکبر بگو که صد مرتبه تکبیر
تمام شود پس بگو السلام عليكم يا اهل بيت النبوة وموضع
الرسالة ومختلف الملائكة ومهبط الوحي ومعدن الرحمة
وخزان العلم ومنتهى الحلم واصول الكرم وقادة الامم واولياء النعم
وعناصر الابرار ودعائم الاخيار وساسة العباد واركان
البلاد وابواب الايمان وامناء الرحمن وسلالة النبيين وصفوة

المرسلين وعترة خيرة رب العالمين ورحمة الله وبركاته السلام
على أئمة الهدى ومصابيح الدجى وأعلام التقى وذوي النهى وأولي
الحجى وكهف الورى وورثة الأنبياء والمثل الأعلى والدعوة
الحسنى وحجج الله على أهل الدنيا والآخرة والأولى ورحمة الله
وبركاته السلام على محال معرفة الله ومساكن بركة الله
ومعادن حكمة الله وحفظة سر الله وحملة كتاب الله وأو
صياء نبي الله وذرية رسول الله صلى الله عليه وآله ورحمة
الله وبركاته السلام على الدعاة إلى الله والأدلاء على مرضات
الله والمستقرين في أمر الله والتامين في محبة الله والمخلصين
في توحيد الله والمظهرين لأمر الله ونهيه وعباده المكرمين
الذين لا يسبقونه بالقول وهم بأمره يعملون ورحمة الله
وبركاته السلام على الأئمة الدعاة والقادة الهداة والسادة
الولاة والذادة الحماة وأهل الذكر وأولي الأمر وبقية الله
وخيرته وحزبه وعيبة علمه وحجته وصراطه ونوره وبرهانه
ورحمة الله وبركاته أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك
له كما شهد الله لنفسه وشهدت له ملائكته وأولو العلم
من خلقه لا إله إلا هو العزيز الحكيم وأشهد أن محمدا عبده
المنتجب ورسوله المرتضى أرسله بالهدى ودين الحق ليظهره
على الدين كله ولو كره المشركون وأشهد أنكم الأئمة

الراشدون المهديون المعصومون المكرمون المقربون المتقون
الصادقون المصطفون المطيعون لله القوامون بأمره العاملون
بإرادته الفائزون بكرامته اصطفاكم بعلمه وارتضاكم لغيبه
واختاركم لسره واجتباكم بقدرته وأعزكم بهداه وخصكم
ببرهانه وانتجبكم لنوره وأيدكم بروحه ورضيكم خلفاء في أرضه
وحججا على بريته وأنصارا لدينه وحفظة لسره وخزنة لعلمه و
مستودعا لحكمته وتراجمة لوحيه وأركانا لتوحيده وشهداء
على خلقه وأعلاما لعباده ومنارا في بلاده وأدلاء على صراطه
عصمكم الله من الزلل وآمنكم من الفتن وطهركم من الدنس
وأذهب عنكم الرجس أهل البيت وطهركم تطهيرا فعظمتم جلاله
وأكبرتم شأنه ومجدتم كرمه وأدمتم ذكره ووكدتم ميثاقه وأحكمتم
عقد طاعته ونصحتم له في السر والعلانية ودعوتم إلى سبيله
بالحكمة والموعظة الحسنة وبذلتم أنفسكم في مرضاته وصبرتم على
ما أصابكم في جنبه وأقمتم الصلاة وآتيتم الزكاة وأمرتم بالمعروف
ونهيتم عن المنكر وجاهدتم في الله حق جهاده حتى أعلنتم دعوته
وبينتم فرائضه وأقمتم حدوده ونشرتم شرائع أحكامه وسننتم
سنته وصرتم في ذلك منه إلى الرضا وسلمتم له القضاء وصدقتم
من رسله من مضى فالراغب عنكم مارق واللازم لكم لاحق
والمقصر في حقكم زاهق والحق معكم وفيكم ومنكم وإليكم

وانتم اهله ومعدنه وميراث النبوة عندكم واياب الخلق اليكم
وحسابهم عليكم وفصل الخطاب عندكم وآيات الله لديكم و
عزائمه فيكم ونوره وبرهانه عندكم وامره اليكم من والاكم
فقد والى الله ومن عاداكم فقد عادى الله ومن احبكم فقد احب
الله ومن ابغضكم فقد ابغض الله ومن اعتصم بكم فقد اعتصم بالله
انتم السبيل الاعظم والصراط الاقوم وشهداء دار الفناء و
شفعاء دار البقاء والرحمة الموصولة والآية المخزونة والاما
نة المحفوظة والباب المبتلى به الناس من اتاكم فقد نجى ومن لم
يأتكم فقد هلك الى الله تدعون وعليه تدلون وبه تؤمنون
وله تسلمون وبامره تعملون والى سبيله ترشدون وبقوله
تحكمون سعد والله من والاكم وهلك من عاداكم وخاب من جحدكم
وضل من فارقكم وفاز من تمسك بكم وامن من لجأ اليكم وسلم
من صدقكم وهدي من اعتصم بكم من اتبعكم فالجنة ماويه ومن
خالفكم فالنار مثويه ومن جحدكم كافر ومن حاربكم مشرك
ومن رد عليكم في اسفل درك من الجحيم اشهد ان هذا سابق لكم
فيما مضى وجار لكم فيما بقي وان ارواحكم ونوركم وطينتكم واحدة
طابت وطهرت بعضها من بعض خلقكم الله انوارا فجعلكم
بعرشه محدقين حتى من علينا بكم فجعلكم في بيوت اذن الله ان ترفع
ويذكر فيها اسمه وجعل صلواتنا عليكم وما خصنا به من

ولايتكم

ولايتكم طيبا لخلقنا وطهارة لانفسنا وتزكية لنا وكفارة لذنوبنا
فكنا عنده مسلمين بفضلكم ومعروفين بتصديقنا اياكم فبلغ
الله بكم اشرف محل المكرمين واعلى منازل المقربين وارفع درجات
المرسلين حيث لا يلحقه لاحق ولا يفوقه فائق ولا يسبقه
سابق ولا يطمع في ادراكه طامع حتى لا يبقى ملك مقرب
ولا نبي مرسل ولا صديق ولا شهيد ولا عالم ولا جاهل ولا
دني ولا فاضل ولا مؤمن صالح ولا فاجر طالح ولا جبار عنيد و
لا شيطان مريد ولا خلق فيما بين ذلك شهيد الا عرفهم جلالة
امركم وعظم خطركم وكبر شانكم وتمام نوركم وصدق مقا
عدكم وثبات مقامكم وشرف محلكم ومنزلتكم عنده وكرامتكم
عليه وخاصتكم لديه وقرب منزلتكم منه بابي انتم وامي ونفسي
واهلي ومالي واسرتي اشهد الله واشهدكم اني مؤمن بكم وبما
آمنتم به كافر بعدوكم وبما كفرتم به مستبصر بشانكم وبضلالة
من خالفكم موال لكم ولاوليائكم مبغض لاعدائكم ومعاد
لهم سلم لمن سالمكم وحرب لمن حاربكم محقق لما حققتم مبطل
لما ابطلتم مطيع لكم عارف بحقكم مقر بفضلكم محتمل
لعلمكم محتجب بذمتكم معترف بكم مؤمن بايابكم مصدق
برجعتكم منتظر لامركم مرتقب لدولتكم آخذ بقولكم عامل
بامركم مستجير بكم زائر لكم عائذ بكم لائذ بقبوركم مستشفع

إلى الله عزّ وجلّ بكم ومتقرّب بكم إليه ومقدّمكم أمام طلبتي و
حوائجي وإرادتي في كلّ أحوالي وأموري مؤمن بسرّكم وعلانيتكم
وشاهدكم وغائبكم وأوّلكم وآخركم ومفوّض في ذلك كلّه
إليكم ومسلّم فيه معكم وقلبي لكم مسلّم ورأيي لكم تبع ونصرتي
لكم معدّة حتّى يحيي الله تعالى دينه بكم ويردّكم في أيّامه و
يظهركم لعدله ويمكّنكم في أرضه فمعكم معكم لا مع غيركم
آمنت بكم وتولّيت آخركم بما تولّيت به أوّلكم وبرئت إلى الله عزّ و
جلّ من أعدائكم ومن الجبت والطاغوت والشياطين وحزبهم
الظالمين لكم والجاحدين لحقّكم والمارقين من ولايتكم والغاصبين
لإرثكم والشاكّين فيكم والمنحرفين عنكم ومن كلّ وليجة دونكم
وكلّ مطاع سواكم ومن الأئمّة الذين يدعون إلى النار فثبّتني الله
أبدا ما حييت على موالاتكم ومحبّتكم ودينكم ووفّقني لطاعتكم
ورزقني شفاعتكم وجعلني من خيار مواليكم التابعين لما دعوتم
إليه وجعلني ممّن يقتصّ آثاركم ويسلك سبيلكم ويهتدي
بهداكم ويحشر في زمرتكم ويكرّ في رجعتكم ويملّك في دولتكم
ويشرّف في عافيتكم ويمكّن في أيّامكم وتقرّ عينه غدا برؤيتكم
بأبي أنتم وأمّي ونفسي وأهلي ومالي من أراد الله بدأ بكم ومن و
حّده قبل عنكم ومن قصده توجّه بكم موالي لا أحصي ثناءكم
ولا أبلغ من المدح كنهكم ومن الوصف قدركم وأنتم نور

الأخيار وهداة الأبرار وحجج الجبّار بكم فتح الله وبكم يختم وبكم
ينزّل الغيث وبكم يمسك السماء أن تقع على الأرض إلّا
بإذنه وبكم ينفّس الهمّ ويكشف الضرّ وعندكم ما نزلت
به رسله وهبطت به ملائكته وإلى جدّكم بعث الروح الأكبر
وأكرم بها رسله وراث نجاتي وإلى جدّكم بعث الروح الأمين
بكم وإلى أخيك بعث الروح الأمين بربّكم آتاكم الله ما لم يؤت
أحدا من العالمين طأطأ كلّ شريف لشرفكم وبخع كلّ متكبّر
لطاعتكم وخضع كلّ جبّار لفضلكم وذلّ كلّ شيء لكم و
أشرقت الأرض بنوركم وفاز الفائزون بولايتكم بكم يسلك
إلى الرضوان وعلى من جحد ولايتكم غضب الرحمن بأبي أنتم و
أمّي ونفسي وأهلي ومالي ذكركم في الذاكرين وأسماؤكم في الأسماء
وأجسادكم في الأجساد وأرواحكم في الأرواح وأنفسكم في النفوس
وآثاركم في الآثار وقبوركم في القبور فما أحلى أسماءكم وأكرم
أنفسكم وأعظم شأنكم وأجلّ خطركم وأوفى عهدكم وأصدق
وعدكم كلامكم نور وأمركم رشد ووصيّتكم التقوى وفعلكم
الخير وعادتكم الإحسان وسجيّتكم الكرم وشأنكم الحقّ والصدق
والرفق وقولكم حكم وحتم ورأيكم علم وحلم وحزم إن ذكر
الخير كنتم أوّله وأصله وفرعه ومعدنه ومأواه ومنتهاه بأبي
أنتم وأمّي ونفسي كيف أصف حسن ثنائكم وأحصي جميل بلائكم

وبكم اخرجنا الله من الذل وفرج عنا غمرات الكروب وانقذنا
بكم من شفا جرف الهلكات ومن النار بابي انتم وامي ونفسي بموا
لاتكم علمنا الله معالم ديننا واصلح ما كان فسد من دنيانا و
بموالاتكم تمت الكلمة وعظمت النعمة وائتلفت الفرقة وبموالا
تكم تقبل الطاعة المفترضة ولكم المودة الواجبة والدرجات
الرفيعة والمقام المحمود والمكان المعلوم عند الله عز وجل
والجاه العظيم والشان الكبير والشفاعة المقبولة ربنا آمنا بما
انزلت واتبعنا الرسول فاكتبنا مع الشاهدين ربنا لا تزغ
قلوبنا بعد اذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة انك
انت الوهاب سبحان ربنا ان كان وعد ربنا لمفعولا يا ولي الله
ان بيني وبين الله عز وجل ذنوبا لا ياتي عليها الا رضاكم فبحق
من ائتمنكم على سره واسترعاكم امر خلقه وقرن طاعتكم بطاعته
لما استوهبتم ذنوبي وكنتم شفعائي فاني لكم مطيع من اطاعكم فقد
اطاع الله ومن عصاكم فقد عصى الله ومن احبكم فقد احب
الله ومن ابغضكم فقد ابغض الله اللهم اني لو وجدت شفعاء
اقرب اليك من محمد واهل بيته الاخيار الائمة الابرار
لجعلتهم شفعائي فبحقهم الذي اوجبت لهم عليك اسالك
ان تدخلني في جملة العارفين بهم وبحقهم وفي زمرة المرحومين
بشفاعتهم انك ارحم الراحمين وصلى الله على محمد وآله

الطاهرين وسلم تسليما كثيرا وحسبنا الله ونعم الوكيل **مؤلف
گويد** كه اين زيارت كاملترين زيارات است از براى چند دليل و وجوه چون
منظور بود در اين زيارت المزور بعبد است زيارت ودعا از ذكر كرد
وچون اين زيارت مشتمل بر مجمل از جميع احاديثى كه در زمان قبل از آن شده
است اگر در هر هفته يك كرت بعد اين زيارت را بخوانند وتدبر وتفكر
در معانى آن بكنند موافق انصيحت مجملا ترجمه كرده ام ووالد مرحوم عليه
الرحمه مفصلا شرح نموده براى كمال معرفت ايشان بسيار نافع خواهد
بود وچون اركان ايمان معرفت ايشان است وزيارت حضرت صاحب
الامر عليه السلام بطرق بسيار منقول شده ودر كتاب تحفة الزائر
ذكر كرده ام ودر اين مقام زيارت مختصرى با تجديد عهد امامت
ولايت آنحضرت را ياد مينمايد كه امام خود را پيوسته ياد نمايند واز
بركات هدايات آنحضرت بهره مند گردند سيد ابن طاوس ذكر
كرده است كه سنت است كه هر روز بعد از نماز صبح حضرت صاحب
عليه السلام را چنين زيارت كند اللهم بلغ مولاي صاحب الزمان
صلوات الله عليه عن جميع المؤمنين والمؤمنات في مشارق الا
رض ومغاربها وبرها وبحرها وسهلها وجبلها حيهم وميتهم
وعن والدي وولدي وعني من الصلوات والتحيات زنة عرش
الله ومداد كلماته ومنتهى رضاه وعدد ما احصاه كتابه
واحاط به علمه اللهم اني اجدد له في هذا اليوم وفي كل يوم

عهداً وعقداً وبيعةً له في رقبتي اللهم كما شرفتني بهذا التشريف
وفضلتني بهذه الفضيلة وخصصتني بهذه النعمة فصل على
مولاي وسيدي صاحب الزمان واجعلني من انصاره واشياعه
والذابين عنه واجعلني من المستشهدين بين يديه طائعاً
غير مكره في الصف الذي نعتّ اهله في كتابك فقلت
صفاً كانهم بنيان مرصوص على طاعتك وطاعة رسولك
وآله عليهم السلام اللهم هذه بيعة له في عنقي الى يوم
القيمة وبسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که هر که چهل صباح این عهد را بخواند از یاوران قائم ما باشد و اگر
پیش از ظهور آنحضرت بمیرد خدا او را از قبر بیرون آورد که در خدمت
آنحضرت باشد و حقتعالی بهر کلمه هزار حسنه کرامت فرماید
و هزار گناه از او محو کند و آنها اینست اللهم رب النور العظيم
ورب الكرسي الرفيع ورب البحر المسجور ومنزل التورية والانجيل
والزبور ورب الظل والحرور ومنزل القرآن العظيم ورب الملائكة
المقربين والانبياء والمرسلين اللهم اني اسئلك بوجهك
الكريم وبنور وجهك المنير وملكك القديم يا حي يا قيوم
اسئلك باسمك الذي اشرقت به السموات والارضون
وباسمك الذي يصلح به الاولون والآخرون يا حياً قبل كل
حي ويا حياً بعد كل حي ويا حياً حين لا حي يا محيي الموتى

ومميت الاحياء يا حي لا اله الا انت اللهم بلغ مولانا الامام
الهادي المهدي القائم بامرك صلوات الله عليه وعلى آبائه
الطاهرين عن جميع المؤمنين والمؤمنات في مشارق الارض و
مغاربها سهلها وجبلها وبرها وبحرها وعني وعن والديّ و
ولدي واخواني من الصلوات زنة عرش الله ومداد كلماته وما
احصاه علمه واحاط به كتابه اللهم اني اجدد له في صبيحة
يومي هذا وما عشت من ايامي عهداً وعقداً وبيعةً له في عنقي
لا احول عنها ولا ازول ابداً اللهم اجعلني من انصاره واعوانه
والذابين عنه والمسارعين اليه في قضاء حوائجه والممتثلين
لاوامره والمحامين عنه والسابقين الى ارادته والمستشهدين
بين يديه اللهم ان حال بيني وبينه الموت الذي جعلته على
عبادك حتماً فاخرجني من قبري مؤتزراً كفني شاهراً سيفي
مجرداً قناتي ملبياً دعوة الداعي في الحاضر والبادي اللهم ارني
الطلعة الرشيدة والغرة الحميدة واكحل ناظري بنظرة مني اليه
وعجل فرجه وسهل مخرجه واوسع منهجه واسلك بي محجته
وانفذ امره واشدد ازره واعمر اللهم به بلادك واحي به عبادك
فانك قلت وقولك الحق ظهر الفساد في البر والبحر بما كسبت
ايدي الناس فاظهر اللهم لنا وليك وابن بنت نبيك المسمى
باسم رسولك حتى لا يظفر بشيء من الباطل الا مزقه ويحق الحق

بحقیقته واجعلنا اللهم مفزعا للمظلوم من عبادک وناصرا لمن لا یجد
له ناصرا غیرک ومجددا لما عطل من احکام کتابک ومشیدا لما
ورد من اعلام دینک وسنن نبیک صلی الله علیه وآله و
اجعله اللهم ممن حصنته من بأس المعتدین اللهم وسر نبیک
محمدا صلی الله علیه وآله برؤیته ومن تبعه علی دعوته
وارحم استکانتنا بعده اللهم اکشف هذه الغمة عن الامة
بحضوره وعجل لنا ظهوره انهم یرونه بعیدا ونریه قریبا برحمتک
یا ارحم الراحمین پس بسه مرتبه دست بران راست خود بزنید و
در هر مرتبه بگوئید العجل یا مولای یا صاحب الزمان و اما دعای ندبه
که مشتمل است بر عقاید حقه و تاسف بر غیبت آن حضرت است و بسند
معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که سنت
است این دعا را در چهار عید بخوانند در روز جمعه و روز عید
فطر و روز عید قربان و روز عید غدیر الحمد لله الذی لا اله الا هو
وله الحمد رب العالمین وصلی الله علی محمد نبیه وآله وسلم
تسلیما اللهم لک الحمد علی ما جری به قضاؤک فی اولیائک
الذین استخلصتهم لنفسک ودینک اذ اخترت لهم جزیل ما
عندک من النعیم المقیم الذی لا زوال له ولا اضمحلال بعد
ان شرطت علیهم الزهد فی درجات هذه الدنیا الدنیة
وزخرفها وزبرجها فشرطوا لک ذلک وعلمت منهم الوفاء

به فقبلتهم وقربتهم وقدمت لهم الذکر العلی والثناء
الجلی واهبطت علیهم ملائکتک وکرمتهم بوحیک ورفدتهم
بعلمک وجعلتهم الذرائع الیک والوسیلة الی رضوانک
فبعض اسکنته جنتک الی ان اخرجته منها وبعض حملته فی
فلکک ونجیته ومن آمن معه من الهلکة برحمتک وبعض
اتخذته لنفسک خلیلا وسألک لسان صدق فی الآخرین
فاجبته وجعلت ذلک علیا وبعض کلمته من شجرة تکلیما
وجعلت له من اخیه ردءا ووزیرا وبعض اولدته من غیر اب
وآتیته البینات وایدته بروح القدس وکل شرعت له
شریعة ونهجت له منهاجا وتخیرت له اوصیاء مستحفظا بعد
مستحفظ من مدة الی مدة اقامة لدینک وحجة علی عبادک
ولئلا یزول الحق عن مقره ویغلب الباطل علی اهله ولا یقول
احد لولا ارسلت الینا رسولا منذرا واقمت لنا علما هادیا
فنتبع آیاتک من قبل ان نذل ونخزی الی ان انتهیت بالامر
الی حبیبک ونجیبک محمد صلی الله علیه وآله فکان کما
انتجبته سید من خلقته وصفوة من اصطفیته وافضل من
اجتبیته واکرم من اعتمدته قدمته علی انبیائک و
بعثته الی الثقلین من عبادک واوطأته مشارقک ومغاربک
وسخرت له البراق وعرجت بروحه الی سمائک واودعته

بما ما كان وما يكون الى انقضاء خلقك ثم نصرته بالرعب وحففته
بجبرئيل وميكائيل والمسومين من ملائكتك ووعدته ان تظهر
دينه على الدين كله ولو كره المشركون وذلك بعد ان بوّأته
مبوّأ صدق من اهله وجعلت له ولهم اول بيت وضع للناس
للذي ببكة مباركا وهدى للعالمين فيه آيات بينات مقام
ابراهيم ومن دخله كان آمنا وقلت انما يريد الله ليذهب عنكم
الرجس اهل البيت ويطهركم تطهيرا ثم جعلت اجر محمد
صلواتك عليه وآله مودتهم في كتابك فقلت قل لا اسئلكم
عليه اجرا الا المودة في القربى وقلت ما سألتكم من اجر فهو
لكم وقلت ما اسئلكم عليه من اجر الا من شاء ان يتخذ الى ربه
سبيلا فكانوا هم السبيل اليك والمسلك الى رضوانك فلما
انقضت ايامه اقام وليه علي بن ابي طالب صلواتك عليهما
وآلهما هاديا اذ كان هو المنذر ولكل قوم هاد فقال والملأ
امامه من كنت مولاه فعلي مولاه اللهم وال من والاه وعاد من
عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله وقال من كنت انا
نبيه فعلي اميره وقال انا وعلي من شجرة واحدة وسائر الناس
من شجر شتى واحله محل هارون من موسى فقال له انت مني بمنزلة
هارون من موسى الا انه لا نبي بعدي وزوجه ابنته سيدة نساء
العالمين واحل له من مسجده ما حل له وسد الابواب الا بابه

ثم

ثم اودعه علمه وحكمته فقال انا مدينة العلم وعلي بابها فمن
اراد الحكمة فليأتها من بابها ثم قال له انت اخي ووصيي ووارثي
لحمك من لحمي ودمك من دمي وسلمك سلمي وحربك حربي والايمان
مخالط لحمك ودمك كما خالط لحمي ودمي وانت غدا على الحوض
خليفتي وانت تقضي ديني وتنجز عداتي وشيعتك على منابر من
نور مبيضة وجوههم حولي في الجنة وهم جيراني ولولا انت
يا علي لم يعرف المؤمنون بعدي وكان بعده هدى من الضلال
ونورا من العمى وحبل الله المتين وصراطه المستقيم لا يسبق
بقرابة في رحم ولا بسابقة في دين ولا يلحق في منقبة من مناقبه
يحذو حذو الرسول صلى الله عليهما وآلهما ويقاتل على التأويل
ولا تأخذه في الله لومة لائم قد وتر فيه صناديد العرب وقتل
ابطالهم وناوش ذؤبانهم فاودع قلوبهم احقادا بدرية وخيبرية
وحنينية وغيرهن فاضبت على عداوته واكبت على منابذته
حتى قتل الناكثين والقاسطين والمارقين ولما قضى نحبه و
قتله اشقى الاشقياء من الاولين والآخرين يتبع اشقى الاولين
لم يمتثل امر الرسول صلى الله عليه وآله في الهادين بعد الهادين
والامة مصرة على مقته مجتمعة على قطيعة رحمه واقصاء
ولده الا القليل ممن وفى لرعاية الحق فيهم فقتل من قتل و
سبي من سبي واقصي من اقصي وجرى القضاء لهم بما يرجى له

حُسْنُ الْمَثُوبَةِ اِذْ كانَتِ الأَرْضُ لِلّهِ يُورِثُها مَنْ يَشاءُ مِنْ عِبادِهِ
وَالْعاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَسُبْحانَ رَبِّنا اِنْ كانَ وَعْدُ رَبِّنا لَمَفْعُولاً
وَلَنْ يُخْلِفَ اللّهُ وَعْدَهُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ فَعَلَى الأَطائِبِ مِنْ اَهْلِ
بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِما وَآلِهِما فَلْيَبْكِ الْباكُونَ وَ
اِيّاهُمْ فَلْيَنْدُبِ النّادِبُونَ وَلِمِثْلِهِمْ فَلْتُذْرَفِ الدُّمُوعُ وَلْيَصْرُخِ
الصّارِخُونَ وَيَضِجَّ الضّاجُّونَ وَيَعِجَّ الْعاجُّونَ اَيْنَ الْحَسَنُ وَاَيْنَ
الْحُسَيْنُ وَاَيْنَ اَبْناءُ الْحُسَيْنِ صالِحٌ بَعْدَ صالِحٍ وَصادِقٌ بَعْدَ
صادِقٍ وَاَيْنَ السَّبِيلُ بَعْدَ السَّبِيلِ اَيْنَ الْخِيَرَةُ بَعْدَ الْخِيَرَةِ وَ
اَيْنَ الشُّمُوسُ الطّالِعَةُ اَيْنَ الأَقْمارُ الْمُنِيرَةُ اَيْنَ الأَنْجُمُ الزّاهِرَةُ
اَيْنَ اَعْلامُ الدِّينِ وَقَواعِدُ الْعِلْمِ اَيْنَ بَقِيَّةُ اللّهِ الَّتِي لا تَخْلُو مِنَ
الْعِتْرَةِ الطّاهِرَةِ اَيْنَ الْمُعَدُّ لِقَطْعِ دابِرِ الظَّلَمَةِ اَيْنَ الْمُنْتَظَرُ لاِقامَةِ
الأَمْتِ وَالْعِوَجِ اَيْنَ الْمُرْتَجى لاِزالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوانِ اَيْنَ الْمُدَّخَرُ
لِتَجْدِيدِ الْفَرائِضِ وَالسُّنَنِ اَيْنَ الْمُتَخَيَّرُ لاِعادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ
اَيْنَ الْمُؤَمَّلُ لاِحْياءِ الْكِتابِ وَحُدُودِهِ اَيْنَ مُحْيِي مَعالِمِ الدِّينِ وَاَهْلِهِ
اَيْنَ قاصِمُ شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ اَيْنَ هادِمُ اَبْنِيَةِ الشِّرْكِ وَالنِّفاقِ اَيْنَ
مُبِيدُ اَهْلِ الْفُسُوقِ وَالْعِصْيانِ اَيْنَ حاصِدُ فُرُوعِ الْغَيِّ وَالشِّقاقِ
اَيْنَ طامِسُ آثارِ الزَّيْغِ وَالأَهْواءِ اَيْنَ قاطِعُ حَبائِلِ الْكِذْبِ وَالاِ
فْتِراءِ اَيْنَ مُبِيدُ الْعُتاةِ وَالْمَرَدَةِ اَيْنَ مُسْتَأْصِلُ اَهْلِ الْعِنادِ
وَالتَّضْلِيلِ وَالإِلْحادِ اَيْنَ مُعِزُّ الأَوْلِياءِ وَمُذِلُّ الأَعْداءِ اَيْنَ

جامِعُ الْكَلِمِ عَلَى التَّقْوى اَيْنَ بابُ اللّهِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتى اَيْنَ وَجْهُ اللّهِ
الَّذِي اِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الأَوْلِياءُ اَيْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ اَهْلِ الأَرْضِ وَالسَّماءِ
اَيْنَ صاحِبُ يَوْمِ الْفَتْحِ وَناشِرُ رايَةِ الْهُدى اَيْنَ مُؤَلِّفُ شَمْلِ الصَّلاحِ
وَالرِّضا اَيْنَ الطّالِبُ بِذُحُولِ الأَنْبِياءِ وَاَبْناءِ الأَنْبِياءِ اَيْنَ الطّالِبُ
بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلاءَ اَيْنَ الْمَنْصُورُ عَلى مَنِ اعْتَدى عَلَيْهِ وَافْتَرى اَيْنَ
الْمُضْطَرُّ الَّذِي يُجابُ اِذا دَعا اَيْنَ صَدْرُ الْخَلائِقِ ذُو الْبِرِّ وَالتَّقْوى
اَيْنَ ابْنُ النَّبِيِّ الْمُصْطَفى وَابْنُ عَلِيٍّ الْمُرْتَضى وَابْنُ خَدِيجَةَ الْغَرّاءِ وَابْنُ
فاطِمَةَ الزَّهْراءِ الْكُبْرى بِاَبِي اَنْتَ وَاُمِّي وَنَفْسِي لَكَ الْوِقاءُ وَالْحِمى
يَا بْنَ السّادَةِ الْمُقَرَّبِينَ يَا بْنَ النُّجَباءِ الأَكْرَمِينَ يَا بْنَ الْهُداةِ
الْمَهْدِيِّينَ يَا بْنَ الْخِيَرَةِ الْمُهَذَّبِينَ يَا بْنَ الْغَطارِفَةِ الأَنْجَبِينَ يَا بْنَ
الْخَضارِمَةِ الْمُنْتَجَبِينَ يَا بْنَ الْقَماقِمَةِ الأَكْرَمِينَ يَا بْنَ الأَطائِبِ الْمُطَهَّرِينَ
يَا بْنَ الْبُدُورِ الْمُنِيرَةِ يَا بْنَ السُّرُجِ الْمُضِيئَةِ يَا بْنَ الشُّهُبِ
الثّاقِبَةِ يَا بْنَ الأَنْجُمِ الزّاهِرَةِ يَا بْنَ السُّبُلِ الْواضِحَةِ يَا بْنَ الأَعْلامِ
اللاّئِحَةِ يَا بْنَ الْعُلُومِ الْكامِلَةِ يَا بْنَ السُّنَنِ الْمَشْهُورَةِ يَا بْنَ الْمَعالِمِ
الْمَأْثُورَةِ يَا بْنَ الْمُعْجِزاتِ الْمَوْجُودَةِ يَا بْنَ الدَّلائِلِ الْمَشْهُودَةِ يَا بْنَ الصِّراطِ
الْمُسْتَقِيمِ يَا بْنَ النَّبَاِ الْعَظِيمِ يَا بْنَ مَنْ هُوَ فِي اُمِّ الْكِتابِ لَدَى اللّهِ
عَلِيٌّ حَكِيمٌ يَا بْنَ الآياتِ وَالْبَيِّناتِ يَا بْنَ الدَّلائِلِ الظّاهِراتِ يَا بْنَ
الْبَراهِينِ الْواضِحاتِ الْباهِراتِ يَا بْنَ الْحُجَجِ الْبالِغاتِ يَا بْنَ النِّعَمِ
السّابِغاتِ يَا بْنَ طه وَالْمُحْكَماتِ يَا بْنَ يس وَالذّارِياتِ يَا بْنَ

القوى والعادات يا ابن من دنى فتدلى فكان قاب قوسين
أو أدنى دنواً واقتراباً من العلي الأعلى ليت شعري أين استقرت
بك النوى بل أي أرض تقلك أو ثرى أبرضوى أم غيرها أم
ذي طوى عزيز علي أن أرى الخلق ولا ترى ولا أسمع لك حسيساً
ولا نجوى عزيز علي أن لا تحيط بك دوني البلوى ولا ينالك
مني ضجيج ولا شكوى بنفسي أنت من مغيب لم يخل منا بنفسي
أنت من نازح ما نزح عنا بنفسي أنت أمنية شائق يتمنى من مؤمن
ومؤمنة ذكرا فحنا بنفسي أنت من عقيد عز لا يسامى
بنفسي أنت من أثيل مجد لا يجارى بنفسي أنت من تلاد نعم
لا تضاهى بنفسي أنت من نصيف شرف لا يساوى إلى متى
أحار فيك يا مولاي وإلى متى وأي خطاب أصف فيك وأي نجوى
عزيز علي أن أجاب دونك وأناغى عزيز علي أن أبكيك
ويخذلك الورى عزيز علي أن يجري عليك دونهم ما جرى
هل من معين فأطيل معه العويل والبكاء هل من جزوع
فأساعد جزعه إذا خلا هل قذيت عين فساعدتها عيني
على القذى هل إليك يا ابن أحمد سبيل فتلقى هل يتصل
يومنا منك بغده فنحظى متى نرد مناهلك الروية فنروى
متى ننتقع من عذب مائك فقد طال الصدى متى نغاديك
ونراوحك فنقر عيوننا متى ترانا ونراك وقد نشرت لواء

النصر

النصر ترى أترانا نحف بك وأنت تأم الملأ وقد ملأت الأرض
عدلاً وأذقت أعداءك هواناً وعقاباً وأبرت العتاة وجحدة
الحق وقطعت دابر المتكبرين واجتثثت أصول الظالمين ونحن
نقول الحمد لله رب العالمين اللهم أنت كشاف الكرب والبلوى
وإليك أستعدي فعندك العدوى وأنت رب الآخرة
والأولى فأغث يا غياث المستغيثين عبيدك المبتلى وأره
سيده يا شديد القوى وأزل عنه به الأسى والجوى وبرد
غليله يا من على العرش استوى ومن إليه الرجعى والمنتهى
اللهم ونحن عبيدك التائقون إلى وليك المذكر بك وبنبيك
خلقته لنا عصمة وملاذاً وأقمته لنا قواماً ومعاذاً وجعلته
للمؤمنين منا إماماً فبلغه منا تحية وسلاماً وزدنا بذلك
يا رب إكراماً واجعل مستقره لنا مستقراً ومقاماً وأتمم
نعمتك بتقديمك إياه أمامنا حتى توردنا جنانك ومرافقة
الشهداء من خلصائك اللهم صل على حجتك وولي أمرك
وصل على جده محمد رسولك السيد الأكبر وصل على
علي أبيه السيد القسور وحامل اللواء في المحشر وساقي أوليائه
من نهر الكوثر والأمير على سائر البشر الذي من آمن به فقد
ظفر ومن لم يؤمن به فقد خطر وكفر صلى الله عليه وعلى
أخيه وعلى نجله الميامين الغرر ما طلعت شمس وما أضاء

قُرَّةِ عَيْنِ سَيِّدَةِ النِّساءِ بَضْعَةِ الكُبْرى فاطِمَةَ الزَّهْراءِ بِنْتِ مُحَمَّدٍ المُصْطَفى
وَعَلى مَنِ اصْطَفَيْتَ مِنْ آبائِهِ البَرَرَةِ وَعَلَيْهِ أَفْضَلَ وَأَكْمَلَ وَأَتَمَّ وَأَدْوَمَ
وَأَكْثَرَ وَأَوْفَرَ ما صَلَّيْتَ عَلى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيائِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ
وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلاةً لا غايَةَ لِعَدَدِها وَلا نِهايَةَ لِمَدَدِها وَلا
نَفادَ لِأَمَدِها اللّهُمَّ وَأَقِمْ بِهِ الحَقَّ وَأَدْحِضْ بِهِ الباطِلَ وَأَدِلْ بِهِ
أَوْلِياءَكَ وَأَذْلِلْ بِهِ أَعْداءَكَ وَصِلِ اللّهُمَّ بَيْنَنا وَبَيْنَهُ وُصْلَةً
تُؤَدّي إِلى مُرافَقَةِ سَلَفِهِ وَاجْعَلْنا مِمَّنْ يَأْخُذُ بِحُجْزَتِهِمْ وَيَمْكُثُ في
ظِلِّهِمْ وَأَعِنّا عَلى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ وَالاجْتِهادِ في طاعَتِهِ وَ
الاجْتِنابِ عَنْ مَعْصِيَتِهِ وَامْنُنْ عَلَيْنا بِرِضاهُ وَهَبْ لَنا رَأْفَتَهُ
وَرَحْمَتَهُ وَدُعاءَهُ وَخَيْرَهُ ما نَنالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ وَفَوْزاً
عِنْدَكَ وَاجْعَلْ صَلاتَنا بِهِ مَقْبُولَةً وَذُنُوبَنا بِهِ مَغْفُورَةً وَ
دُعاءَنا بِهِ مُسْتَجاباً وَاجْعَلْ أَرْزاقَنا بِهِ مَبْسُوطَةً وَهُمُومَنا بِهِ
مَكْفِيَّةً وَحَوائِجَنا بِهِ مَقْضِيَّةً وَأَقْبِلْ إِلَيْنا بِوَجْهِكَ الكَرِيمِ وَ
اقْبَلْ تَقَرُّبَنا إِلَيْكَ وَانْظُرْ إِلَيْنا نَظْرَةً رَحِيمَةً نَسْتَكْمِلُ بِهَا الكَرامَةَ
عِنْدَكَ ثُمَّ لا تَصْرِفْها عَنّا بِجُودِكَ وَاسْقِنا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى
اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِكَأْسِهِ وَبِيَدِهِ رِيّاً رَوِيّاً هَنِيئاً سائِغاً لا ظَمَأَ
بَعْدَهُ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ واما طریق صلوات فرستادن بر ایشان شیخ
طوسی بسند معتبر روایت کرده است که عبدالله بن محمد گفت که من
سؤال کردم از حضرت امام عسکری که ادا نماید بر من کیفیت صلوات

فرستادن بر حضرت رسول و اوصیای آنحضرت و با خود حاضر کرده
بود که آنقدر بزرگی داشت پس بمن املا فرمود بی آنکه از کتابی املا کند باین نحو
اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما حَمَلَ وَحْيَكَ وَبَلَّغَ رِسالاتِكَ
وَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما أَحَلَّ حَلالَكَ وَحَرَّمَ حَرامَكَ وَعَلَّمَ
كِتابَكَ وَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما أَقامَ الصَّلاةَ وَآتَى
الزَّكاةَ وَدَعا إِلى دِينِكَ وَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما صَدَّقَ
بِوَعْدِكَ وَأَشْفَقَ مِنْ وَعِيدِكَ وَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما
غَفَرْتَ بِهِ الذُّنُوبَ وَسَتَرْتَ بِهِ العُيُوبَ وَفَرَّجْتَ بِهِ الكُرُوبَ
وَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما دَفَعْتَ بِهِ الشَّقاءَ وَكَشَفْتَ بِهِ
الغَمّاءَ وَأَجَبْتَ بِهِ الدُّعاءَ وَنَجَّيْتَ بِهِ مِنَ البَلاءِ وَصَلِّ عَلى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما رَحِمْتَ بِهِ العِبادَ وَأَحْيَيْتَ بِهِ البِلادَ وَقَصَمْتَ بِهِ الجَبابِرَةَ
وَأَهْلَكْتَ بِهِ الفَراعِنَةَ وَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما أَضْعَفْتَ بِهِ الأَمْوالَ
وَأَحْرَزْتَ بِهِ مِنَ الأَهْوالِ وَكَسَرْتَ بِهِ الأَصْنامَ وَرَحِمْتَ بِهِ الأَنامَ وَصَلِّ
عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما بَعَثْتَهُ بِخَيْرِ الأَدْيانِ وَأَعْزَزْتَ بِهِ الإِيمانَ وَتَبَّرْتَ بِهِ
الأَوْثانَ وَعَظَّمْتَ بِهِ البَيْتَ الحَرامَ وَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطّاهِرِينَ
الأَخْيارِ وَسَلِّمْ تَسْلِيماً اللّهُمَّ صَلِّ عَلى أَمِيرِ المُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبي طالِبٍ أَخي نَبِيِّكَ
وَوَلِيِّهِ وَوَصِيِّهِ وَوَزِيرِهِ وَمُسْتَوْدَعِ عِلْمِهِ وَمَوْضِعِ سِرِّهِ وَبابِ
حِكْمَتِهِ وَالنّاطِقِ بِحُجَّتِهِ وَالدّاعي إِلى شَرِيعَتِهِ وَخَلِيفَتِهِ
في أُمَّتِهِ وَمُفَرِّجِ الكَرْبِ عَنْ وَجْهِهِ قاصِمِ الكَفَرَةِ وَمُرْغِمِ الفَجَرَةِ

والذي جعلته من نفسك بمنزلة هارون من موسى اللهم وال
من والاه وعاد من عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله
والعن من نصب له من الاولين والآخرين وصل عليه افضل
ما صليت على احد من اوصياء انبيائك يا رب العالمين اللهم
صل على الصديقة فاطمة الزكية حبيبة حبيبك ونبيك
وام احبائك واصفيائك التي انتجبتها وفضلتها واخترتها على
نساء العالمين اللهم كن الطالب لها ممن ظلمها واستخف بحقها
وكن الثائر اللهم بدم اولادها اللهم وكما جعلتها ام ائمة الهدى
وحليلة صاحب اللواء والكريمة عند الملأ الاعلى فصل
عليها وعلى امها صلاة تكرم بها وجه ابيها محمد صلى الله عليه
وآله وتقر بها اعين ذريتها وابلغهم عني في هذه الساعة افضل
التحية والسلام اللهم صل على الحسن والحسين عبديك و
امينيك وابني رسولك وسبطي الرحمة وسيدي شباب اهل
الجنة افضل ما صليت على احد من اولاد النبيين والمرسلين
اللهم صل على الحسن بن سيد النبيين ووصي امير المؤمنين السلام
عليك يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن سيد الوصيين
اشهد انك يا ابن امير المؤمنين امين الله وابن امينه عشت مظلوما
ومضيت شهيدا واشهد انك الامام الزكي الهادي المهدي
اللهم صل عليه وبلغ روحه وجسده عني في هذه الساعة

افضل

افضل التحية والسلام اللهم صل على الحسين بن علي المظلوم
الشهيد قتيل الكفرة وطريح الفجرة والسلام عليك يا ابا
عبد الله السلام عليك يا ابن رسول الله السلام عليك
يا ابن امير المؤمنين اشهد موقنا انك امين الله وابن امينه قتلت
مظلوما ومضيت شهيدا واشهد ان الله تعالى الطالب
بثارك ومنجز ما وعدك من النصر والتأييد في هلاك عدوك
واظهار دعوتك واشهد انك وفيت بعهد الله وجاهدت
في سبيل الله وعبدت الله مخلصا حتى اتاك اليقين لعن الله
امة قتلتك ولعن الله امة خذلتك ولعن الله امة البت
عليك وابرأ الى الله تعالى ممن اكذبك واستخف بحقك
واستحل دمك بابي انت وامي يا ابا عبد الله لعن الله قاتلك
ولعن الله خاذلك ولعن الله من سمع واعيتك فلم يجبك ولم
ينصرك ولعن الله من سبى نساءك انا الى الله منهم برئ وممن
والاهم ومالأهم واعانهم عليه واشهد انك والائمة من ولدك
كلمة التقوى وباب الهدى والعروة الوثقى والحجة على
اهل الدنيا واشهد اني بكم مؤمن وبمنزلتكم موقن ولكم تابع بذات
نفسي وشرائع ديني وخواتيم عملي ومنقلبي في دنياي وآخرتي
اللهم صل على علي بن الحسين سيد العابدين الذي استخلصته
لنفسك وجعلت منه ائمة الهدى الذين يهدون بالحق

وبه يعدلون اخترته لنفسك وطهرته من الرجس واصطفيته و
جعلته هادياً مهدياً اللهم فصل عليه افضل ما صليت على
احد من ذرية انبيائك حتى تبلغ به ما تقر به عينه في الدنيا
والآخرة انك عزيز حكيم اللهم صل على محمد بن علي باقر العلم
وامام الهدى وقائد اهل التقوى والمنتجب من عبادك اللهم
وكما جعلته علماً لعبادك ومناراً لبلادك ومستودعاً لحكمتك
ومترجماً لوحيك وامرت بطاعته وحذرت من معصيته
فصل عليه افضل ما صليت على احد من ذرية انبيائك
واصفيائك ورسلك وامنائك يا رب العالمين اللهم
صل على جعفر بن محمد الصادق خازن العلم الداعي اليك
بالحق النور المبين اللهم وكما جعلته معدن كلامك ووحيك
وخازن علمك ولسان توحيدك وولي امرك ومستحفظ دينك
فصل عليه افضل ما صليت على احد من اصفيائك وحججك
انك حميد مجيد اللهم صل على الامين المؤتمن موسى بن جعفر
البر الوفي الطاهر الزكي النور المبين المجتهد المحتسب الصابر
على الاذى فيك اللهم وكما بلغ عن آبائه ما استودع من امرك
ونهيك وحمل على المحجة وكابد اهل العزة والشدة فيما كان
يلقى من جهال قومه رب فصل عليه افضل واكمل ما صليت
على احد ممن اطاعك ونصح لعبادك انك غفور رحيم اللهم

صل على علي بن موسى الذي ارتضيته ورضيت به من شئت من خلقك
اللهم وكما جعلته حجة على خلقك وقائماً بامرك وناصراً لدينك
وشاهداً على عبادك وكما نصح لهم في السر والعلانية ودعا
الى سبيلك بالحكمة والموعظة الحسنة فصل عليه افضل
ما صليت على احد من اوليائك وخيرتك من خلقك انك جواد
كريم اللهم صل على محمد بن علي بن موسى علم التقى ونور الهدى
ومعدن الوفاء وفرع الازكياء وخليفة الاوصياء وامينك
على وحيك اللهم وكما هديت به من الضلالة واستنقذت به
من الحيرة وارشدت به من اهتدى وزكيت به من تزكى فصل
عليه افضل ما صليت على احد من اوليائك وبقية اوصيائك
انك عزيز حكيم اللهم صل على علي بن محمد وصي الاوصياء
وامام الاتقياء وخلف ائمة الدين والحجة على الخلائق اجمعين
اللهم كما جعلته نوراً يستضيء به المؤمنون فبشر بالجزيل من
ثوابك وانذر بالاليم من عقابك وحذر باسك وذكر بآياتك
واحل حلالك وحرم حرامك وبين شرائعك وفرائضك
وحض على عبادتك وامر بطاعتك ونهى عن معصيتك فصل
عليه افضل ما صليت على احد من اوليائك وذرية انبيائك
يا اله العالمين اللهم صل على الحسن بن علي البر التقي الصادق
الوفي النور المضيء خازن علمك والمذكر بتوحيدك

وَقَوِّ أَمْرَكَ وَخَاطِفًا بِهِمَّةِ الدِّينِ الْهُدَاةِ الرَّاشِدِينَ وَالْجُهْدِ عَلَى
أَهْلِ الدُّنْيَا وَصَلِّ عَلَيْهِ إِذَنْبًا أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ
أَصْفِيَائِكَ وَخِيَرَتِكَ وَأَوْلَادِ رُسُلِكَ يَا إِلٰهَ الْعَالَمِينَ اللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَأَوْجَبْتَ
حَقَّهُمْ وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا اللّٰهُمَّ انْصُرْهُ
وَانْتَصِرْ بِهِ لِدِينِكَ وَانْصُرْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَأَوْلِيَاءَهُ وَشِيعَتَهُ
وَأَنْصَارَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ اللّٰهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ وَمِنْ
شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ
وَعَنْ شِمَالِهِ وَاحْرُسْهُ وَامْنَعْهُ مِنْ أَنْ يُوصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ وَاحْفَظْ
فِيهِ رَسُولَكَ وَآلَ رَسُولِكَ وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ
وَانْصُرْ نَاصِرِيهِ وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ وَاقْصِمْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ
وَاقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ كَانُوا
مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَامْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ
عَدْلًا وَأَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ وَاجْعَلْنِي
اللّٰهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَأَتْبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ وَأَرِنِي فِي آلِ
مُحَمَّدٍ مَا يَأْمُلُونَ وَفِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ إِلٰهَ الْحَقِّ آمِينَ

باب الرابع در بیان نمازهای واجبست که مخصوص روزی
و ماهی نیست و نمازهایی که اختصاص بوقتی ندارد و احکامی
که بغیر از اینها تعلق دارند و در او هشت فصل است

فصل اول در بیان نماز آیاتست بدانکه این نماز واجبست نزد
کسوف آفتاب و خسوف ماه خواه کل بگیرد و خواه بعض و نزد زلزله
که زمین بلرزد و مشهور آنست که هر آیتی که از جانب آسمان حادث
شود که موجب خوف غالب خلق گردد نماز واجب میشود مانند
بادهای بسیار شدید که بر خلاف عادت باشد خواه رنگین باشد
و خواه نباشد و صاعقهای عظیم و رعدهای بسیار شدید و تاریک
شدن هوا و امثال اینها و این قول اقوی است و کیفیت این نماز آنست
که قصد کند که نماز آفتاب گرفتن یا ماه گرفتن یا زلزله یا آیات میکنم
ادا از جهت آنکه واجبست برای خدا بالقربة الی الله پس تکبیر احرام
بگوید و حمد و یک سوره بخواند پس رکوع کند پس سر بردارد و راست
گردد هر سر برداشتن الله اکبر بگوید پس حمد و سوره بخواند پس رکوع
کند تا آنکه پنج رکوع بعمل آورد و از رکوع پنجم که سر بردارد سمع الله
لمن حمده بگوید و بعد از آن بسجود رود و دو سجده بجا آورد پس بر
خیزد و یک رکعت دیگر بجا آورد بدستور رکعت اولی و در سر برداشتن
از رکوع دهم بجای تکبیر سمع الله لمن حمده بگوید و اگر در رکوع اول
بعد از حمد بعضی از سوره را بخواند و برکوع رود و بعد از سر بر
داشتن ما بقی سوره را بخواند اعادهٔ حمد نمیکند و اگر سوره که پنج
آیه باشد تفریق کند بر رکوعها بنحوی که در رکوع اول خوانده اکتفا
میکند و همچنین در رکعت دویم بحمد و سوره که تفریق کند اکتفا

میتوان کرد و بهتر آنست که بطریق اول بکند و بعد حمد و بعد سوره بجا
آورد مگر آنکه وقت تنگ باشد و اول وقت نماز کسوف و خسوف ابتدا
گرفتنست و آخر وقت بقول مشهور ابتدای منجلی شدنست و آخر
نزد فقیر بهتر آنست که تا تمام منجلی نشود وقتش باقیست
و نماز زلزله و آیات که وقتش وفا بنماز نکند موافق مشهور تمام
عمر اداست و اگر کسی ترک کند نماز مذکور را باعث یکی از اسباب
مذکوره مشهور میان علما آنست که قضا میکند آن نماز را مطلقا
و بعضی گفته اند که ناسی که فراموش کرده باشد قضا نیست مادام
که تمام قرص نگرفته باشد و عمل بمشهور احوطست و اگر مطلع نشود
تا وقت بدر رود مشهور میان اصحاب آنست که قضای کسوفین
واجب نیست مگر آنکه تمام قرص گرفته باشد و جمعی گفته اند
واجبست مطلقا و قول اول اقوی و ثانی احوطست و مستحب
است که این نماز را بجماعت بجا آورند و طول بدهند بقدر زمان
کسوف و خسوف و هرگاه از نماز فارغ شود و انجلا نشده باشد
اشهر و اقوی آنست که اعاده نماز مستحبست و بعضی واجب دانسته اند
و مستحبست خواندن سورهای طولانی با وسعت وقت و برابر
ساختن رکوع و سجود با قرائت و مستحبست قنوت خواندن پیش
از رکوع دوم و چهارم و ششم و هشتم و دهم و اگر در ایام زلزله مکرر
این آیه را بخواند مناسبست إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ
حَلِيمًا غَفُورًا و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که
هر که در وقت خواب این آیه را بخواند خانه بر سرش خراب نشود
فصل ششم نماز استسقاست یعنی نماز طلب باران در وقتی که باران
کم آید و آب چشمها و چاهها کم شود و کیفیت این نماز مثل نماز عید
است که بنا بر مذهب مذکور شد و بجماعت باید کرد و در قنوتهایش
طلب رحمت و استغفار از گناهان و طلب باران باید کرد و
بهترین دعاها دعای نوزدهم صحیفه کامله است و اکثر گفته اند
وقتش طلوع آفتاب است تا زوال و باید که امام امر کند مردم را که
سه روز روزه بدارند و روز سیم ایشان را بیرون برد و بهتر آنست که روز
سیم جمعه باشد یا دوشنبه و بصحرا بیرون روند پای برهنه
و با سکینه و وقار و مؤذنان عصاها بدست گرفته پیش روی امام
بروند و چون امام از نماز فارغ شود بر منبر بالا رود و ردا را بگرداند
با آنکه جانب راستش بجانب چپ و جانب چپ را بجانب راست پس
رو بقبله کند و با آواز بلند صد مرتبه الله اکبر بگوید و بجانب
راست بگردد و صد مرتبه سبحان الله بگوید پس بجانب چپ بگردد
و صد مرتبه لا اله الا الله بگوید پس رو بمردم کند و صد مرتبه الحمد
لله بگوید و گفته اند مردم در ذکرها موافقت کنند با او و بعد از آن
پس دو خطبه بخواند و مبالغه کند در استغفار و دعا و طلب رحمت

و خطبهای منقوله بغیر این شده و دو نیست که اگر اینها را بعد از خطبه
بخواند باز خوب باشد **فصل پنجم** در بیان نماز حضرت رسول صلی الله
علیه و آله سید بن طاوس بسند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام
روایت کرده است که از آنحضرت سؤال کردم از نماز جعفر طیار حضرت
فرمود که چرا غافلید از نماز حضرت رسول شاید حضرت رسول نماز جعفر
نکرده باشد و شاید جعفر نماز آنحضرت را کرده باشد راوی گفت پس آن
نماز را تعلیم کن بمن حضرت فرمود که دو رکعت نماز میکنی و در هر رکعت
یک مرتبه فاتحه و پانزده مرتبه سوره انا انزلنا میخوانی پس در رکوع نیز
و بعد از سر برداشتن و در سجده اول و سر برداشتن و در سجده دوم
و سر برداشتن از هر یک پانزده مرتبه همه را میخوانی پس تشهد میخوانی و سلام
میکوئی و چون فارغ شوی میان تو و خدا گناهی نمانده مگر آنکه آمرزیده
شده است و هر حاجت که بطلبی روا است و بعد از آن این دعا را
میخوانی لا اله الا الله ربنا و رب آبائنا الاولین لا اله الا الله
الها واحدا و نحن له مسلمون لا اله الا الله لا نعبد الا ایاه
مخلصین له الدین و لو کره الکافرون لا اله الا الله وحده
وحده انجز وعده و نصر عبده و اعز جنده و هزم الاحزاب
وحده فله الملک و له الحمد و هو علی کل شیء قدیر اللهم
انت نور السموات و الارض و من فیهن فلک الحمد و انت قیام
السموات و الارض و من فیهن فلک الحمد و انت الحق و وعدک

الحق و قولک الحق و النار حق و الجنة حق و الساعة حق اللهم لک اسلمت
و بک آمنت و علیک توکلت و بک خاصمت و الیک حاکمت
یا رب یا رب یا رب اغفر لی ما قدمت و ما اخرت و اسررت و
اعلنت انت الهی لا اله الا انت صل علی محمد و آل محمد و اغفر لی
و ارحمنی و تب علی انک انت التواب الرحیم **فصل ششم** بدانکه این نمازها از
نمازهای مشهور است و عامه و خاصه در کتب خود ذکر کرده اند و بعضی
ابرار از نمازهای روز جمعه شمرده اند و از روایت اختصاص بجمعه
نمیشود و ظاهرا در شبها و ایام توان کرد **فصل هفتم** در بیان نماز حضرت
امیر است ابن بابویه و عیاشی و کلینی و دیگران بسندهای صحیح و حسن
و معتبر بسیار از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که هر که
چهار رکعت نماز بگذارد دو بیک سلام و در هر رکعت بعد از سوره فاتحه
پنجاه مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند چون فارغ گردد میان او و خدا
گناهی نماند مگر آنکه آمرزیده شده باشد و سید و شیخ از حضرت صادق
روایت کرده اند که هر که چهار رکعت نماز حضرت امیر بجا آورد از گناهان بیرون
آید مانند روزی که از مادر متولد شده است و حاجتهای او برآورده
شود و در هر رکعت بعد از حمد پنجاه مرتبه سوره توحید بخواند و چون
فارغ شود این دعا را بخواند که تسبیح آنحضرت است سبحان من لا تبید
معالمه سبحان من لا تنقص خزائنه سبحان من لا اضمحلال لفخره
سبحان من لا ینفد ما عنده سبحان من لا انقطاع لمدته سبحان

من لا يشاركه احد في امره سبحان من لا اله غيره بل بيده غاية امره
يا من عفا عن السيئات ولم يجازبها ارحم عبدك يا الله نفسي
نفسي انا عبدك يا سيداه انا عبدك بين يديك يا رباه بإلهيّ
بكينونيتك يا املاه يا رحماناه يا غياثاه عبدك عبدك لا
حيلة له يا منتهى رغبتاه يا مجري الدم في عروقي عبدك عبدك يا سيداه
يا مالكاه ايا هو ايا هو يا رباه عبدك عبدك لا حيلة لي ولا غنى
عن نفسي ولا استطيع لها ضرا ولا نفعا ولا اجد من اصانعه
تقطعت اسباب الخدائع عني واضمحل كل مظنون عني افردني
الدهر اليك فمثلت بين يديك هذا المقام يا الهي بعلمك
هذا كان كله فكيف انت صانع بي وليت شعري كيف تقول
لدعائي اتقول نعم ام تقول لا فان قلت لا فيا ويلي يا ويلي يا ويلي
يا عولي يا عولي يا عولي يا شقوتي يا شقوتي يا شقوتي يا ذلي يا ذلي
يا ذلي الى من وممن وعند من او كيف وماذا والى اي شيء الجا
ومن ارجو ومن يجود علي بفضله حين ترفضني يا واسع المغفرة و
ان قلت نعم كما هو الظن بك والرجاء لك فطوبى لي انا السعيد
وانا المسعود فطوبى لي وانا المرحوم يا مترحم يا مترئف يا متعطف
يا متجبر يا متملك يا مقسط لا عمل لي ابلغ به نجاح حاجتي اسالك باسمك
الذي جعلته في مكنون غيبك واستقر عندك فلا يخرج
منك الى شيء سواك اسالك به وبك وبه فانه اجل و

اشرف اسمائك لا شيء لي غير هذا ولا احد اعود علي منك يا كينون
يا مكون يا من عرفني نفسه يا من امرني بطاعته يا من نهاني عن
معصيته ويا مدعو ويا مسئول يا مطلوبا اليه رفضت و
صيتك التي اوصيتني بها ولم اطعك ولو اطعتك فيما امرتني
لكفيتني ما قمت اليك فيه وانا مع معصيتي لك راج فلا تحل
بيني وبين ما رجوت يا مترحما لي اعذني من بين يدي ومن خلفي
ومن فوقي ومن تحتي ومن كل جهات الاحاطة بي اللهم بمحمد
سيدي وبعلي وليي وبالائمة الراشدين عليهم السلام
اجعل علينا صلواتك ورافتك ورحمتك واوسع علينا
من رزقك واقض عنا الدين وجميع حوائجنا يا الله يا الله يا الله
انك على كل شيء قدير پس حضرت فرمود که هر که این نماز را بکند
واین دعا را بخواند هیچ گناهی بر او نماند مگر آنکه آمرزیده
شود **فصل** در بیان فضیلت و کیفیت نماز حضرت فاطمه علیها
السلام است سید بن طاوس بسند معتبر از حضرت صادق روایت
کرده است که فرمود که مادرم فاطمه دو رکعت نماز میکرد که جبرئیل تعلیم
او کرده بود در رکعت اول بعد از حمد صد مرتبه سوره قدر و در
رکعت دوم صد مرتبه توحید میخواند و چون سلام میگفت این تسبیح را
میخواند سبحان ذي العز الشامخ المنيف سبحان ذي الجلال الباذخ
العظيم سبحان ذي الملك الفاخر القديم سبحان من لبس البهجة

وَالجَمالَ سُبحانَ مَن تَرَدّی بِالنّورِ وَالوَقارِ سُبحانَ مَن یَری اَثَرَ
النَّملِ فِی الصَّفا سُبحانَ مَن یَری وَقعَ الطَّیرِ فِی الهَواءِ سُبحانَ
مَن هُوَ هٰکَذا وَلا هٰکَذا غَیرُهُ و سید گفته است که در روایت
دیگر وارد شده است که بعد از این نماز تسبیح مشهور حضرت فاطمه
را که بعد از هر نماز خوانده میشود بخوانند و بعد از آن صد مرتبه
صلوات بر محمد و آل محمد بفرستند و شیخ در مصباح این
نماز را مرسل روایت کرده و گفته است که چون سلام بگوید تسبیح
فاطمه را بخوان و این دعا را بخوان بعوض دعائی که پیش مذکور شد
پس گفته است که سزاوار است و اولی که این نماز را بکنند و از این
دعا فارغ شود زانوها و ذراعهای خود را برهنه کند و بچسباند
جمیع مساجد سجده را بخاک برساند که جامه در میان مانع نشود
و دعا کند و حاجات خود را از خدا طلب نماید و در سجده این دعا
بخواند یا مَن لَیسَ غَیرُهُ رَبٌّ یُدعی یا مَن لَیسَ فَوقَهُ اِلٰهٌ یُخشی یا
مَن لَیسَ دونَهُ مَلِکٌ یُتَّقی یا مَن لَیسَ لَهُ وَزیرٌ یُؤتی یا مَن لَیسَ
لَهُ حاجِبٌ یُرشی یا مَن لَیسَ لَهُ بَوّابٌ یُغشی یا مَن لا یَزدادُ عَلی
کَثرَةِ السُّؤالِ اِلّا کَرَماً وَجوداً وَعَلی کَثرَةِ الذُّنوبِ اِلّا عَفواً
وَصَفحاً صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافعَل بی کَذا وَکَذا و بجای
وافعل بی کذا و کذا حاجتهای خود را یاد کند فصل ششم در بیان
کیفیت و فضیلت و احکام نماز حضرت جعفر طیار است بدانکه

این نماز از جمله متواتر است و خاصه و عامه بسندهای بسیار
روایت کرده‌اند و مخالفان نیز این نماز را مستحب میدانند مگر
نادری از ایشان اما اکثر ایشان باعتبار عداوت باطنی که با
امیرالمؤمنین و اقارب آنحضرت دارند این نماز را بعباس عم پیغمبر
نسبت داده‌اند و بعد از نوافل شبانه‌روزی نمازی بصحت
سند و کثرت ثواب این نماز نمیرسد و بسند معتبر از حضرت امام
زین العابدین علیه السلام منقولست که چون جعفر طیار برادر
حضرت امیرالمؤمنین از هجرت حبشه مراجعت نمود روزی آمد
که فتح خیبر بدست امیرالمؤمنین شده بود حضرت رسول بقدر
مسافت یک تیر پرتاب باستقبال او شتافت چون جعفر نظرش بر
جمال عدیم المثال آنحضرت افتاد مشتاقانه بجانب آنحضرت دوید
حضرت او را در بر گرفت و دست در گردن او کرد او و ساعتی
با او سخن گفت پس بر ناقه عضبا سوار شد و جعفر را در عقب خود سوار
پس چون ناقه براه افتاد حضرت فرمود که ای جعفر ای برادر میخواهی
بخشش بتو بکنم نسبت بتو میخواهی تو را عطا کنم آیا میخواهی بدهم
میخواهی تو را برگزینم مردم گمان کردند که مال جزیلی از غنایم خیبر
باو عطا خواهد فرمود جعفر گفت بلی پدر و مادرم فدای تو باد
پس حضرت نماز تسبیح را باو تعلیم نمود و حضرت صادق علیه
السلام فرمود که صفتش اینست که چهار رکعت بدو تشهد

و دو سلام و در رکعت اول بعد از حمد سوره اذا زلزلت بخواند و در رکعت
دویم بعد از حمد سوره والعادیات و در رکعت سیم بعد از حمد
سوره اذا جاء نصر الله و در رکعت چهارم بعد از حمد سوره قل
هو الله و در هر رکعت بعد از فراغ از قرائت پانزده مرتبه میگوید
سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و در رکوع همین تسبیحها
ده مرتبه میگوید و چون سر از رکوع بردارد ده مرتبه و در سجده اول
ده مرتبه و بعد از سر برداشتن ده مرتبه و در سجده دویم ده مرتبه و
در سر برداشتن پیش از آنکه برخیزد ده مرتبه و در چهار رکعت چنین
کند که مجموع سیصد مرتبه شود و هزار و دویست تسبیح بوده باشد
و بروایت معتبر دیگر حضرت رسول فرمود که اگر هر روز بکنی بهتر است
از برای تو از دنیا و آنچه در آن هست و اگر هر دو روز یکبار بکنی گناهی که
در میان دو نماز کرده آمرزیده شود و اگر در هر جمعه بکنی یا در هر ماهی
یا در سالی یک مرتبه بکنی هر گناهی که در میان دو نماز کرده باشی آمرزیده
شود و بروایت معتبر دیگر اگر بعدد ریگ دریاها و ریگ بیابانها گناه
بر تو باشد خدا بیامرزد و اگر از جنگ گریخته باشی که بدترین گناهها
است خدا از برای آمرزد و بروایت دیگر اگر توانی هر روز بکن و اگر نتوانی
هفته یکبار و اگر نتوانی ماهی یکبار و اگر نتوانی سالی یکبار و اگر نتوانی
در عمر خود یکبار بکن تا خدا گناهان کبیره و صغیره و تازه و کهنه و عمد
و خطای ترا بیامرزد و اما دعاهائی که در اثنا از سنت کلینی

بسند

بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که در
سجده آخر نماز جعفر چون از تسبیحات فارغ شوی بگو سبحان من لبس
العز و الوقار سبحان من تعطف بالمجد و تکرم به سبحان من
لا ینبغی التسبیح الا له سبحان من احصی کل شیء علمه سبحان
ذی المن و النعم سبحان ذی القدرة و الکرم اللهم انی اسئلک
بمعاقد العز من عرشک و منتهی الرحمة من کتابک و اسمک الاعظم
الاعظم و کلماتک التامة التی تمت صدقا و عدلا صل علی محمد
و اهل بیته و بعد از آن حاجات خود را ذکر کند و شیخ در مصباح اینچنین دعا را
روایت کرده باین زیادتی سبحان ذی العزة و الکرم سبحان ذی
العز و الفضل سبحان ذی القوة و الطول اللهم انی اسئلک تا آخر
دعا و ایضا شیخ و سید از مفضل بن عمر روایت کرده اند که گفت
دیدم روزی که حضرت امام جعفر صادق نماز جعفر را بجا آورده
پس ایستاد دعا خواند یا رب یا رب بقدر یک نفس و گفت یا رباه یا
رباه بقدر یک نفس رب رب باز بقدر یک نفس یا الله یا الله باز بقدر
یک نفس یا رحیم یا رحیم بقدر یک نفس یا رحمن یا رحمن هفت مرتبه
یا ارحم الراحمین هفت مرتبه پس ایستاد دعا خواند اللهم انی افتتح
القول بحمدک و انطق بالثناء علیک و امجدک و لا غایة لمجدک
و اثنی علیک و من یبلغ غایة ثنائک و امد مجدک و انی لخلیقتک
کنه معرفة مجدک و ای زمن لم تکن ممدوحا بفضلک موصوفا

يجدك عوادًا على المذنبين بحلمك تخالفت سكان أرضك عن
طاعتك فكنت عليهم عطوفًا بجودك جوادًا بفضلك عوادًا
بكرمك يا لا إله إلا أنت المنان ذو الجلال والإكرام پس
حضرت فرمود که ای مفضل هرگاه ترا حاجت ضروری بوده باشد
نماز جعفر را بکن و این دعا را بخوان و حاجت خود را از خدا طلب کن
که برآورده میشود ان شاء الله تعالی دعای دیگر بعد از این نماز بروایت
شیخ و سید سبحان من لبس العز وترفع به سبحان من تعطف
بالمجد وتكرم به سبحان من لا ينبغي التسبيح إلا له جل جلاله
سبحان من أحصى كل شيء بعلمه وخلقه بقدرته سبحان ذي
المن والنعم سبحان ذي القدرة والكرم اللهم إني أسألك بمعاقد
العز من عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك وباسمك الأعظم
وكلماتك التامات التي تمت صدقًا وعدلاً أن تصلي على محمد
وآل محمد الطيبين الطاهرين وأن تجمع لي خير الدنيا والآخرة
بعد عمر طويل اللهم أنت الحي القيوم العلي العظيم الخالق الرازق
المحيي المميت البدئ البديع لك الكرم ولك الحمد ولك المن ولك
الجود ولك الأمر وحدك لا شريك لك يا واحد يا أحد يا صمد
يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوًا أحد يا أهل التقوى
ويا أهل المغفرة يا أرحم الراحمين يا عفو يا غفور يا ودود يا شكور
اغفر لي ولوالدي وارحم بي من نفسي ومن الناس أجمعين يا

كريم

كريم يا جواد اللهم إني صليت هذه الصلاة ابتغاء مرضاتك
وطلب نائلك ومعروفك ورجاء رفدك وجائزتك وعظيم
عفوك وقديم غفرانك اللهم فصل على محمد وآل محمد وارفعها
في عليين وتقبلها مني واجعل نائلك ومعروفك ورجاء ما أرجو
منك فكاك رقبتي من النار والفوز بالجنة وما جمعت من أنواع
النعيم ومن حسن الحور العين واجعل جائزتي منك العتق من النار
وغفران ذنوبي وذنوب والدي وما ولدا وجميع إخواني وأخواتي
المؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات الأحياء منهم و
الأموات وأن تستجيب دعائي وترحم صرختي وندائي ولا تردني
خائبًا خاسرًا واقلبني منجحًا مفلحًا مرحومًا مستجابًا دعائي مغفورًا
لي يا أرحم الراحمين يا عظيم يا عظيم يا عظيم قد عظم الذنب من
عبدك فليحسن العفو منك يا حسن التجاوز يا واسع المغفرة
يا باسط اليدين بالرحمة يا نفاحًا بالخيرات يا معطي المسؤول
يا فكاك الرقاب من النار صل على محمد وآل محمد وفك رقبتي
من النار وأعطني سؤلي واستجب دعائي وارحم صرختي وتضرعي
وندائي واقض لي حوائجي كلها الدنياوي والأخروي وديني ما
ذكرت منها وما لم أذكر واجعل لي في ذلك الخيرة ولا تردني
خائبًا خاسرًا واقلبني مفلحًا منجحًا مستجابًا لي دعائي مغفورًا لي
مرحومًا يا أرحم الراحمين يا محمد يا أبا القاسم يا رسول الله

یا امیری المؤمنین انا عبدکما ومولاکما غیر مستنکف ولا مستکبر
بل خاضع ذلیل عبد مقر متمسک بحبلکما معتصم من ذنوبی
بولایتکما اتقرب الی الله تعالی بکما واتوسل الی الله بکما
واقدمکما بین یدی حوائجی الی الله عز وجل فاشفعا لی فی
فکاک رقبتی من النار وغفران ذنوبی واجابة دعائی اللهم
فصل علی محمد وآله وتقبل دعائی واغفرلی یا ارحم الراحمین
اما احکام اینها زیاده شش مقصد مراد مبتهماید اول بدانکه
مشهور میان علما اقوی آنست که نماز جعفر از جمله نوافل شبانه
روزی میتوان کرد که از آن حساب شود وهم چنین بنیت قضای
نافله میتوان کرد واحادیث باین مضامین وارد شده است وبعضی
تجویز کرده اند که نماز فریضه را ادا وقضا بکیفیت نماز جعفر بکنند
وخالی از قوتی نیست ولیکن احوط ترک است دوم روایات وارد
شده واکثر علما گفته اند که کسی که ضرورتی وتعجیل داشته باشد
میتواند نماز جعفر را بی تسبیحات بجا آورد وتسبیحها را در راه بخواند
سیم حدیث صحیح وارد شده است که کسی که دو رکعت از نماز جعفر را
بکند واو را امر ضروری روی دهد میتواند که آنها را بگذارد ودو
رکعت دیگر را در وقت دیگر کند واگر بدون عذر چنین بکند
هم ظاهرا باکی نیست چهارم روایت معتبر از حضرت امام
گرفته که کسی که تسبیحات نماز جعفر را در موضعی فراموش کند هر وقت

بعضی

که خاطرش آید بخواند واز علما کسی متعرض این حکم نشده اگر باین روایت عمل
کند ظاهرا بأسی نباشد پنجم خلافست در تعیین سورها که مستحب
است که در این نماز خوانده شود ومشهور آنست که در رکعت اول اذا
زلزلت ودر دوم والعادیات ودر سیم اذا جاء نصر الله ودر چهارم
قل هو الله احد بخوانند وابن بابویه وبعضی در رکعت اول والعادیات
ودر دوم اذا زلزلت گفته اند ودر روایتی در اول اذا زلزلت ودر دوم
اذا جاء ودر سیم انا انزلناه ودر چهارم توحید وارد شده است ودر
روایت صحیح وارد شده است که در هر رکعت قل یا ایها الکافرون
وقل هو الله احد بخوانند ودر روایتی وارد شده است که هر سوره که خواهد
بخوانند وابن بابویه گفته است که همه را با سوره توحید میتوان کرد و
ظاهر این است که همه اولی وسیم افضل است ششم مشهور
آنست که تسبیحات بعد از حمد وسوره در رکعت اول وسیم آنست که بخوانند
وبعضی گفته اند بعد از برخواستن برکعت دیگر پیش از قرائت بخوانند
وعمل مشهور اولیست هفتم بعضی گفته اند که چهار رکعت را بیک سلام
میکنند ومشهور واقوی دو سلام است چنانچه گذشت هشتم مشهور
میان علما آنست که تسبیحات این نماز که پیش از رکوع خوانند بعد از
قرائت میباید خواند وابن بابویه موافق بعضی روایات قایل شده است
که مخیر است میان آنکه پیش از قرائت بخواند یا بعد از قرائت وعمل
مشهور اقوی واولیست فصل هفتم در بیان فضیلت واعمال

روز نوروز است بدانکه میان علما در تعیین روز نوروز اختلاف بسیار
هست بعضی گفته‌اند دهم ایار است از ماههای رومی و بعضی گفته‌اند
فرس باطل است و مشهور انست که اول انتقال شمس است به برج حمل چنانچه
در این زمانه معمول است و این مطلب را در کتاب بحار الانوار بسط عظیم
داده‌ام و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد و بگمان فقیر همین نوروز که در
این زمان مشهور است اقرب است بصواب و احوط است در حساب
اگر بنای اعمال را بر این بگذارند ظاهر آن بهتر است و اما فضایل و اعمال
این روز بسیار است و معلی بن خنیس که از خواص حضرت صادق ع
بوده است منقول است که گفت در روز نوروز بخدمت امام جعفر صادق
علیه السلام رفتم فرمود ایا میشناسی این روز را گفتم فدای تو شوم این روزیست
که عجم انرا تعظیم میکنند و در این روز تحفها و هدیها برای یکدیگر
میفرستند حضرت فرمود که سوگند یاد میکنم بحق خانه کعبه که در مکه
معظمه است که این تعظیم کردن نیست مگر برای امر قدیمی که تفسیر کنم
از برای تو تا بفهمی گفتم ای سید و اقای من دانستن این از برکت شما محبوب
ترا است نزد من از انکه مردگان من زنده شوند و دشمنان من بمیرند حضرت
فرمود که ای معلی روز نوروز روزیست که حق تعالی در این روز
پیمان گرفت از ارواح ایشان در روز الست که او را بیگانگی
بپرستند و برای او شریکی قرار ندهند و بگروند و گواهی دهند که هیچ
چیز را شریک او نگردانند و ایمان بیاورند به پیغمبران و رسولان و بحجتها

امیر خلق و امامان و پیشوایان دین و ائمه معصومین و این اول روزیست
که در ان افتاب طلوع کرده است و بادهای ابستن کننده درختان
وزیده است و گلها و شکوفهای زمین افریده شده و در این روز کشتی
نوح علیه السلام بعد از طوفان بر کوه جودی قرار گرفته است و این
روزیست که حق تعالی حیات بخشید چندین هزار کس را که از ترس
گریختند یعنی از طاعون و بیک دفعه خداوند قهار همه را میرانید
پس بعد از مدتها که استخوان شده بودند پیغمبری از پیغمبران خدا بر
ان استخوانها گذشت و از پروردگار خود سوال کرد که باو بنماید که
چگونه این استخوانهای پوسیده را زنده میکند پس حق تعالی وحی
فرستاد بسوی او که اب بریز بر استخوانهای ایشان در همان جاهای
خود که مرده‌اند پس چنین کرد و همه بقدرت الهی زنده شدند و این اول
سال فرس عجم است و از این سبب سنت شد که اب بر یکدیگر بریزند
یا اب بر خود بریزند و غسل کنند و حق تعالی در قران مجید اشارت
باین قصه نموده است در انجا که فرموده است الم تر الی الذین خرجوا
من دیارهم وهم الوف حذر الموت فقال لهم الله موتوا ثم احیاهم
و مفسرین گفته‌اند که ان پیغمبر حضرت حزقیل بود و حضرت فرمود که
ایشان سی هزار کس بودند و فرمود که جبرئیل بر حضرت رسول
صلی الله علیه و اله بوحی نازل شد یعنی روز نوروز موافق بعثت بود
که بیست و هفتم ماه مبارک رجب است و فرمود که این روزیست که حضرت

رسالت پناه صلی الله علیه و آله بتهای کفار قریش را در مکه شکست
و حضرت ابراهیم نیز در این روز بتهای کفار را شکست و اول انشاء امر
آنکه سنی و شیعه روایت کرده‌اند بطرق بسیار که حضرت رسالت
حضرت امیر را با خود بجهت اخراج اوثان و حضرت امیر را امر کرد که بر دوش
آنحضرت بالا رفت و بتهای کفار را بزیر انداخت و شکست و چون ادا اینست
که در شب این روز بود و فرمود که در این روز حضرت رسول امر کرد اصحاب
خود را که بیعت کنند با امیرالمؤمنین علیه السلام و اقرار کنند که
او پادشاه مؤمنانست این روز روز غدیر نیز بوده با آن روز که امر
کرد های صحابه را گفت بروید و بر علی سلام کنید و بگویید السلام
علیک یا امیرالمؤمنین این روز بود و فرمود که در این روز حضرت رسول
حضرت امیر را فرستاد بوادی جنیان که از ایشان بیعت از برای او
بگیرد و فرمود که در این روز حق خلافت با امیرالمؤمنین علیه السلام
برگشت و بار دیگر بعد از کشته شدن عثمان با آنحضرت بیعت
کردند و در این روز حضرت امیرالمؤمنین با خارجیان نهروان جنگ
کرد و بر ایشان ظفر یافت و بزرگ ایشان را که ذوالثدیه بود بکشتند
کشت و در این روز قائم آل محمد ظاهر خواهد شد و در این روز امامان
دیگر بدنیا رجعت خواهند کرد و در این روز قائم ظفر خواهد یافت
بر دجال و در کناسه که محله ایست از محلات کوفه او را بدار خواهد
کشید و در هیچ روز نوروزی نیست مگر آنکه ما انتظار فرج میکشیم

زیرا که از روزهای ما و روزهای شیعیان ماست نوروز را عجمیان حفظ
کردند و حرمتش را رعایت کردند و شما عربان آنرا ضایع کردید پس حضرت
فرمود عمل کن چون روز نوروز شود غسل کن و پاکیزه‌ترین جامه‌های
خود را بپوش و بهترین بوهای خوش خود را خوشبو کن و در آن روز روزه
بدار پس چون از نماز پیشین و پسین و نافله‌های آن فارغ شوی چهار رکعت
نماز بکن با دو سلام و در رکعت اول بعد از حمد ده مرتبه سوره انا
انزلناه بخوان و در رکعت دوم ده مرتبه قل یا ایها الکافرون و در رکعت
سیم بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد و در رکعت چهارم ده
مرتبه سوره قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس بخوان و بعد
از نماز سجده شکر بجا آور و این دعا را بخوان اللهم صل علی محمد و آل محمد
الاوصیاء المرضیین و علی جمیع انبیائک و رسلک بافضل صلواتک
و بارک علیهم بافضل برکاتک و صل علی ارواحهم و اجسادهم اللهم
بارک علی محمد و آل محمد و بارک لنا فی یومنا هذا الذی فضلته
و کرمته و شرفته و عظمت خطره اللهم بارک لی فیما اعطیتنی
حتی لا اشکر احدا غیرک و وسع علی فی رزقی یا ذا الجلال و الاکرام
اللهم ما غاب عنی فلا یغیبن عنی عونک و حفظک و ما فقدت
من شیء فلا تفقدنی عونک علیه حتی لا اتکلف ما لا احتاج
الیه یا ذا الجلال و الاکرام چون چنین کنی گناهان پنجاه ساله تو
آمرزیده شود و بسیار بگو یا ذا الجلال و الاکرام و در غیر کتب مشهوره

روایت کرده اند که در وقت تحویل آب نماز بسیار خوانند و بعضی چنده
شصت و شش مرتبه گفته اند یا محول الحول و الاحوال حول حالنا
الی احسن الحال و بروایت دیگر یا مقلب القلوب و الابصار یا مدبر
اللیل و النهار یا محول الحول و الاحوال حول حالنا الی احسن الحال
و بعضی روایت کرده اند که این دعا را در روز نوروز بعد از نماز
بخوانند اللهم ان هذه سنة جدیدة و انت ملک قدیم اسئلک
خیرها و خیر ما فیها و اعوذ بک من شرها و شر ما فیها و استکفیک
مؤنتها و شغلها یا ذا الجلال و الاکرام اگر بهم رسد دعاهایت اینها
لفظهای اول را خواندن هر چند تمام ذکر کرده شود چون سند معتبر زیاد
نیافت **فصل ششم** در اعمال ماههای رومیست و سید جلیل
علی بن طاوس روایت کرده است که روزی جمعی از اصحاب نشسته بودند
حضرت رسالت پناه داخل شد و بر ایشان سلام فرمود و ایشان جواب
سلام گفتند پس حضرت فرمود که میخواهی تعلیم نمایم شما را دعائی که جبرئیل
مرا تعلیم کرده است که محتاج بدوای اطبا نبوده باشد پس حضرت امیر
علیه السلام و سلمان و دیگران سؤال نمودند که آن دعا چیست حضرت
رسول صلی الله علیه و آله بحضرت امیر علیه السلام خطاب نمود که
در ماه نیسان رومی باران میبارد پس سوره فاتحة الکتاب و آیة الکرسی
و قل هو الله و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل یا ایها الکافرون
هر یک را هفتاد مرتبه بخوانی و بروایت دیگر سوره انا انزلناه را نیز هفتاد

مرتبه بخوانی و هفتاد مرتبه الله اکبر و هفتاد مرتبه لا اله الا الله میگوئی
و هفتاد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد میفرستی پس قسم بروردگاری که
و بنوشی از آن آب باران بحق آن خداوندی که مرا براستی بخلق مبعوث کرده
است سوگند یاد میکنم که جبرئیل گفت که حق تعالی بردارد از کسی
که این آب را بیاشامد هر دردی که در بدن او باشد شفا بخشد او را و بیرون
کند دردها را از بدن او و استخوانهای او و اگر در لوح دعوی او برای
مدت کرده باشد محو نماید و بحق پروردگاری که مرا بحق فرستاده که اگر
فرزند نداشته باشد و فرزند خواهد آب نیسان را با این نیت بیاشامد
او را فرزند روزی کرده و اگر زن عقیم باشد و فرزند نیاورد و از این آب
با این نیت بیاشامد فرزند از او بوجود آید و اگر مرد و زن پسر خواهند یا
دختر از این آب بیاشامند مقصود ایشان بعمل آید چنانچه حق تعالی میفرماید
یهب لمن یشاء اناثا و یهب لمن یشاء الذکور او یزوجهم ذکرانا و اناثا
و یجعل من یشاء عقیما یعنی حق تعالی میبخشد هر کرا خواهد دختر
و هر کرا خواهد پسر و جفت میگرداند برای ایشان پسران و دختران
یعنی هر دو را با ایشان عطا میکند و هر کرا خواهد عقیم و بیفرزند میکند
پس حضرت فرمود که اگر درد سر داشته باشد و از این آب بیاشامد صداع
او ساکن گردد بقدرت الهی و اگر درد چشم داشته باشد و در چشمهای
خود قطره از آن آب بچکاند و بیاشامد و چشمهای خود را از آن آب بشوید
باذن خدای تعالی شفا یابد و آشامیدن این آب بن دندانها را محکم کرده

و دفع آزار خود کند و اعصاب بدن دفع آزار از گرسنگی و تشنگی و امثال این بخورند
طعام و آشامیدنی این اسم رسانند و از بادهای قولنج و ضربان مفاصل
نگذارد و درد پشت و درد اشکم رسانند و از کام و از زبان نکشد و درد
دندان هم رسانند و درد معده و کرم معده را زایل گرداند و محتاج حجامت
نگردد و مرض بواسیر و خوارش بدن و آبله و دمل و اکله و خون و صیحی و
رعاف و عرق نجات یابد و کوری و لال و کری و دیوانگی نشود و آب سیاه در
دیده اش نزول نکند و دردی که موجب افطار روزه و نقصان نماز او
باشد او را عارض نگردد و از وسوسه های جنیان و شیاطین ایذا نمی
نگردد پس حضرت رسالت صلی الله علیه و آله فرمود که جبرئیل گفت
هر که از این آب بیاشامد و جمیع دردها که در مردم باشد مبتلا باشد
موجب شفا از جمیع آنها گردد پس جبرئیل گفت بحق خداوندی که تو را
فرستاده هر که این آیات را بر این آب بخواند و بیاشامد حق تعالی دلش را مملو
گرداند از نور و روشنی و الهام نموده در دل او و او را دانا و حکمت بر زبان
او جاری گرداند و پر کند دل او را از فهم و بینایی و باو عطا کند از کرامتها
آنچه با احدی از عالمیان عطا نکرده باشد و هزار مغفرت و هزار رحمت
او فرستد و غش و خیانت و غیبت و حسد و بغی و کبر و بخل و حرص و غضب
از دل او بردارد و از عداوت و دشمنی مردم و بدگوئی ایشان نجات یابد
و موجب شفای جمیع امراض او گردد [illegible] که این روایت مشهور
به عبدالله بن عمر منتهی میشود و این سند از شیخ شهید و غیر آنها

شیخ شهید رحمه الله که این روایت از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
روایت کرده بود با همین خواص فی سوره ها اما آیات و اذکار را باین روش
روایت کرده است بخواند بر آب نیسان فاتحة الکتاب و آیة الکرسی و
سبح اسم ربک الاعلی و قل یا ایها الکافرون و قل اعوذ برب الفلق و قل
اعوذ برب الناس و قل هو الله احد هر یک را هفتاد مرتبه و بگوید هفتاد مرتبه
لا اله الا الله و هفتاد مرتبه الله اکبر و هفتاد مرتبه اللهم صل
علی محمد و آل محمد و هفتاد مرتبه سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و
الله اکبر و در خواص آن مذکور است که اگر هفت روز از این آب
بیاشامد از حبس نجات یابد و شرحی در طلب او غالب نگردد و اکثر از
خواص که مذکور شد در این روایت نیز مذکور است و آب باران مطلقا
مبارک است و منفعت دارد خواه در نیسان و خواه در غیر آن چنانچه در
حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین منقولست که بیاشامید آب باران را
که پاک کننده بدن شماست و دردها را دفع کند چنانچه حق تعالی
میفرماید و ینزل علیکم من السماء ماء لیطهرکم به و یذهب عنکم رجز
الشیطان و لیربط علی قلوبکم و یثبت به الاقدام یعنی میفرستد حق
تعالی برای شما از آسمان آبی که پاک گرداند شما را بآن و ببرد از شما
وسوسه شیطان را و دلهای شما را محکم گرداند و ثابت گرداند بآن قدمهای
شما را و در عمل نیسان خبر است که اگر جمعی بخوانند هر یک مجموع این سوره
ها را و اذکار را هفتاد مرتبه بخوانند و از برای آنها اگر بخوانند هر

این مظهر و ثواب بسیار است و ابتدای ماه بعد از بیست و سه روز
کذا از نوروز بکند داخل نیسان ماه رومی می‌شود و ماه نیسان
رومی است و از حضرت صادق منقول است که در هفتم نیسان البته حجامت
بکن و اگر میسر نشود در چهاردهم بکن و الا در بیست و یکم باشد تا هشتاد
نوروز است و این بیست و دو ... است و حزیران ماه مفضل است چنانچه
در حدیث معتبر منقول است که در خدمت حضرت صادق علیه السلام
ماه حزیران مذکور شد حضرت فرمود که این ماهی است که حضرت موسی
در این ماه نفرین کرد بر بنی اسرائیل و در یک شب و یک روز سیصد هزار کس
ایشان مردند و باز بسند معتبر از آن حضرت منقول است که حق تعالی ابا
زاده ماه حزیران نزدیک است میکرد الله بر حق موت در آن بسیار می‌باشد
و بدانکه ماههای رومی بنابر حرکت آفتاب است و عدد آنها دوازده است
باین ترتیب تشرین الاول تشرین الآخر کانون الاول کانون الآخر شباط
آذار نیسان ایار حزیران تموز آب ایلول و چهار ماه از اینها سی روز است که
الآخر و نیسان و حزیران و ایلول اند و هفت دیگر سی و یک روز است و شباط
میکرد و شباط در هر سه سال متوالی بیست و هشت میباشد و در
سال چهارم که سال کبیسه ایشان است بیست و نه میباشد و سال ایشان
سیصد و شصت و پنج روز و ربع است و تشرین الاول که اول سال ایشان
در این سالها موافق نوزده دی ماه است و تفصیلش در کتاب بحار
الانوار مذکور است و چون اینها را اینجا احادیث مذکور شد است

محل ذکر اینها ایراد نمودیم **باب چهاردهم** در بیان احکام اموات و در آن
پنج فصل است **فصل اول** در بیان آداب و احکام حال احتضار و مردن
میت است بدانکه چون در بیمار آثار موت ظاهر شود مستحب است که او
گریه کند و از گناهان خود توبه کند و بر گذشتها نادم و پشیمان گردد و
عازم گردد که اگر زنده بماند مرتکب معصیت الهی نگردد پس وصیت کند
بحقوق خدا و خلق الهی که در ذمه او باشد ادا کنند و بعد از آن نگاه کند اگر چیزی
بیشتر از ثلث مال خود وصیت کند که بخویشان بی‌میراث و فقرا و مساکین
بدهند و بوجوه خیر صرف نمایند پس از جمیع برادران مؤمن حلالیت طلبد و هر که
را غیبت کرده باشد یا اذیت رسانیده باشد اگر حاضر باشند از ایشان
التماس نماید که او را عفو کنند و اگر غایب باشد از حاضران التماس
نماید که از او عفو کنند و ایشان را از او راضی گردانند و از برای ایشان
استغفار نماید پس امور اطفال صغار خود را بعد از توکل بر جناب
اقدس الهی باین بگذارد و وصی برای اولاد صغیر خود تعیین نماید پس کفن
خود را حاضر سازد و شهادتین و اقرار بائمه و ادعیه که وارد شده است
گفته است که بر کفن نوشته شود بهتر آنکه بتربت حضرت امام حسین
بر آن بنویسند و اگر پیشتر کفن مهیا کرده باشد اما مؤمن را ثواب است که
کفن پوشیده با او باشد چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که هر که کفنش با او باشد در خانه اش او را از غافلان ننویسند و
هر گاه نظرش بر آن کفن افتد برای او حسنه نوشته می‌شود و بدانکه چون

ان وقت اینها حاضر و محمد مصطفی را شفاعت رسول خدا و ائمه هدی علیهم
السلام بوده باشد و بسند معتبر از حضرت رسالت پناه منقولست که هر که
در وقت مرگ وصیت نیکو نکند علامت کمی عقل و نقص مروت او است
گفتند یا رسول الله چگونه وصیت کند فرمود که چون نزدیک وفات او شود
و مردم نزد او جمع شوند بگوید اللهم فاطر السموات والارض عالم الغيب
والشهادة الرحمن الرحيم اني اعهد اليك اني اشهد ان لا اله الا انت وحدك
لا شريك لك وان محمدا صلى الله عليه وآله عبدك ورسولك وان
الساعة آتية لا ريب فيها وانك تبعث من في القبور وان الحساب حق
وان الجنة حق وما وعد فيها من النعيم من المأكل والمشرب والنكاح
حق وان النار حق وان الايمان حق وان الدين كما وصفت وان الاسلام
كما شرعت وان القول كما قلت وان القرآن كما انزلت وانك انت الله
الحق المبين واني اعهد اليك في دار الدنيا اني رضيت بك ربا وبا
الاسلام دينا وبمحمد صلى الله عليه وآله نبيا وبعلي اماما وبالقرآن
كتابا وان اهل بيت نبيك عليه وعليهم السلام ائمتي اللهم انت ثقتي
عند شدتي ورجائي عند كربتي وعدتي عند الامور التي تنزل بي
وانت وليي في نعمتي والهي واله آبائي صل على محمد وآله ولا تكلني
الى نفسي طرفة عين ابدا وآنس في قبري وحشتي واجعل لي عندك
عهدا يوم القاك منشورا پس حضرت رسول صلى الله عليه وآله فرمود
که این عهد میان میت با خدا در روزی که بخواهد وصیت کند

واجب و لازمست بر هر مسلمان و صحیح اعتقادات را چنانکه در کتاب حق
الیقین ذکر کرده ام درست کند و همه را بگواهان برساند و دعاها که در
بگذارند و چون آثار احتضار ظاهر شود باید که مکرر بخواند اللهم اغفر لي
الكثير من معاصيك واقبل مني اليسير من طاعتك و تا جان کندن
او آسان گردد مستحب است که اولاد و خویشان و برادران مؤمن کنار او
تنها نگذارند و نزد او قرآن بخوانند خصوص سوره یس و والصافات را نزد
او بخوانند و اعتقاد به یگانگی خدا و صفات کمالیه الهی و رسالت حضرت
رسالت و امامت ائمه هدی بتفصیل و اعتقاد معاد و بهشت و دوزخ
و سؤال قبر و سایر اعتقادات حق را مکرر بالقین او کنند که بگوید و یاد او
آورند و اگر نتواند بخوانند دعای عدیله را برای او بخوانند
و اگر چیزی نداند نزد احتضار او را القا کنند که در این وقت شیطان براو
دست نیابد که او را از دین برگرداند و باید که کلمه طیبه لا اله الا الله
بسیار بگوید و مکرر بالقین او کنند زیرا که در حدیث معتبر وارد شده
که هر که آخر کلامش لا اله الا الله باشد داخل بهشت شود و در سند صحیح
وارد شده از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که تلقین کنید مردگان خود را
لا اله الا الله بدرستیکه کافر از دم مرگش کند و مؤمن مؤمنست نزد
حال حیات و نزد مردن و نزد مبعوث گردیدن و هر که در هنگام مردن این
کلمه طیبه را بگوید داخل بهشت گردد و احوط آنست که در حال نزع
او را بجانب قبله بگردانند تا ملائکه رحمت بر او نازل شوند و در این وقت تا

وجنب نداشته باشد که ملائکه از ایشان نفرت میکنند و اگر غیر ایشان
کسی نباشد جایز است که برای ضرورت پرستاری او نمایند و چون نزدیک
شود که جانش برآید بیرون روند و در احادیث معتبره وارد شده است
که اگر جان کندن بر او دشوار باشد او را بجائی که همیشه نماز میکرده
است بخوابانند و یا بر روی جامه‌ای که بر او نماز میکرده است بخوابانند
که اگر اجلش هست شفا مییابد والا جانش باسانی بیرون میآید و از
حضرت امام رضا منقولست که فرمود در حال احتضار دست بر او مگذارید
و اگر دست و پا حرکت دهد مانع نشوید چنانچه جاهلان میکنند و نزد
او قرآن بخوانید و یاد خدا بکنید و صلوات بر رسول و آل او بفرستید و
در حدیث دیگر منقولست که فرزندی از حضرت صادق علیه السلام
در احتضار بود و حضرت امام محمد باقر علیه السلام در کنار خانه نشسته
بود هرگاه نزدیک بود باو و ضیق میکرد و میفرمود که دست بر او مگذارید که
او در این حال در نهایت ناتوانیست و هرگاه دست بر او بگذارید چنانست
که او را کشته است و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
منقولست که هرگاه کسی را وقت جان کندن برسد کلمات فرج را تلقین
او کنید و کلمات فرج اینست لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا
الله العلی العظیم سبحان الله رب السموات السبع و رب الارضین
السبع و ما فیهن و ما بینهن و رب العرش العظیم والحمد لله رب العالمین
و در حدیث دیگر منقولست که چون این کلمات را تلقین کسی میکردند حضرت

امیر المؤمنین علیه السلام میفرمود که و میگوید تو را باکی نیست و حضرت
رسول این کلمات را تلقین شخصی کرد و چون او خواند حضرت فرمود که الحمد
لله خدا او را از آتش جهنم نجات داد و از حضرت صادق منقولست که
هیچکس نیست مگر آنکه شیطان در وقت مردن جمعی از شیاطین را حاضر
میکند که او را در شک اندازند و در دین خود تا ایمانش مفارقت کند
و اگر مؤمن کامل باشد بر او دست نیابند پس چون در احوال محتضر
بکنید کلمات فرج و شهادتین بر او تلقین کنید و اقرار بحضرت رسالت
و ائمه طاهرین یک یک بخصوص را از تعیین کنید تا بمیرد و ایضاً منقولست
که با این دعا و این کلمات را تلقین او کنید یا من یقبل الیسیر
ویعفو عن الکثیر اقبل منی الیسیر واعف عنی الکثیر انک انت
العفو الرحیم و در روایت دیگر انک انت العفو الغفور و چون روح
او مفارقت کند سنت است که چشمهایش را بر هم گذارند و دهانش ببندند و
چشمهایش را برهم گذارند و دستهایش را بر پهلوهایش بکشند و او را بجانب قبله
با جامه بپوشانند و قرآن نزد او بخوانند و نزد میت بسیار یاد خدا کنند و اگر
جمع شدن مؤمنان از برای تشییع او در نظر باشد و اگر شب بمیرد تا
تا صبح شود دفن نکنند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که ولی او را سنت است که برادران مؤمن را خبر کنند که بر جنازه او حاضر
گردند و بر او نماز کنند و از برای او استغفار کنند و میت و ایشان
ثواب ببرند و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست

چون مؤمن را قبض روح کنند ایشان او را اعلام میکنند که اول عطائی که ترا داده بهشت
بهشت است و اول عطائی که داده اند آنکه جنازه ترا امر تو خواهند آمرزش
کاها است و در حدیث دیگر فرمود که اول تحفه که مؤمن میدهند
در قبر آنست که جمیع آمرزند هر کسی که همراه جنازه او بوده است و در حدیث
دیگر فرمود که هر که همراهی جنازه مؤمنی کند تا او را دفن کنند حق تعالی
در قیامت هفتاد ملک بر او بگمارد که همراهی او نمایند و استغفار
برای او کنند از قبر تا موقف حساب و فرمود که هر که یک طرف جنازه را
بگیرد بیست و پنج گناه کبیره اش آمرزیده شود و اگر چهار طرف را بگیرد از گنا
هان بیرون آید و باید که جنازه را چهار کس بردارند و خلاف است که از کجا
کسی ابتدا به تربیع جنازه کند که اول دست راست جنازه را که جانب چپ
جنازه بود بدوش راست خود بردارد پس پای راست میت را بدوش راست
بردارد پس از پشت جنازه بر گردد و پای چپ میت را بدوش چپ بردارد
پس دست چپ میت را که جانب راست جنازه است بدوش چپ
و چون خواهد که باز دیگر تربیع کند از پیش جنازه نرود بلکه از جانب پشت
جنازه بگردد و باز بهمان روش تربیع کند و اکثر علما بر عکس گفته اند
که اول ابتدا به دست راست جنازه میکند و پس پای راست پس پای
چپ پس دست چپ و اول موافق احادیث معتبره اولی است و اکر میت
دور از محل او بود بهتر است و افضل آنست که عقب جنازه یا پهلوها
راه رود و پیش جنازه نرود و ظاهر اکثر احادیث آنست که اگر جنازه مخا

باشد پیش از او رفتن خوبست و در جنازه خلاف مذهب خوب نیست
پهلوها نکند و از استقبال جنازه بگذرند و با جنازه سوار رفتن
مکروه است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چون
جنازه را ببیند بخواند الله اکبر هذا ما وعدنا الله و رسوله
و صدق الله و رسوله اللهم زدنا ایمانا و تسلیما الحمد لله الذی تعزز
بالقدرة و قهر العباد بالموت هیچ ملکی در آسمان نماند مگر آنکه گریه
کنند از برای رحم او و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که
در حال برداشتن جنازه بخواند بسم الله و بالله اللهم صل علی
محمد و آل محمد و اغفر للمؤمنین و المؤمنات و منقولست که حضرت امام
زین العابدین علیه السلام هر گاه جنازه را میدید میگفت الحمد لله الذی
لم یجعلنی من السواد المخترم و در تشییع جنازه نشستن خوب نیست و بعضی
گفته اند که جنازه را بسیار تند بردن مکروه است و مجمر بردن با جنازه
که آتش دارد و سخن دنیا گفتن خوب نیست و اسراف است و در شب شمع
و مکروه است کسی که بجنازه حاضر شود خنده کند و حرف باطل گوید
فصل دوم در غسل دادن میت بدانکه احکام میت از غسل و کفن کردن
و نماز کردن و دفن کردن و احکام پیش همه واجب کفائی است یعنی بر همه
است و اگر یکی بکند از همه ساقط میشود و اگر همه ترک کنند همه معاقب
میشوند و مشهور میان علما آنست که ولایت این عمل تعلق بوارث میت
دارد و بر ... خصوصا و دیگری متوجه اینها نمیتواند شد مگر باذن ورثه او

لابد از زنان و شوهر او نیست از دیگران و احوط آنست که بیضرورت [illegible]
غسل ندهند و غسل و نماز و سایر احکام میت واجب است [illegible]
[illegible] جنب و حائض و نفسا و غیر ایشان از اطفال و ظاهر آنست که واجب است
مگر در اطفال کفار و شهید کسی که در جهاد با امام زمان کشته شده باشد
و در معرکه مرده باشد او را غسل نمیدهند و کفن نمیکنند و با جامه ها
پوشیده باشد دفن کنند و بعضی گفته اند که هر که در جهاد حق کشته شود
چنین است و خالی از قوتی نیست و مشهور میان اصحاب آنست که هرگاه
میت عضوی یافت شود که در آن استخوان باشد غسل میدهند و کفن میکنند
و دفن میکنند و بعضی گفته اند [illegible] واجب دانسته اند و اگر جنین
باشد که حمل در آن باشد نماز هم بر او بکنند و احوط آنست که اگر سینه تنها
تنها باشد [illegible] کنند و همچنین اگر جمیع استخوانها [illegible]
که با استخوان باشد مشهور آنست که در لته پیچیده دفن میکنند
و بعضی لته پیچیدن را واجب ندانسته اند و بچه که از شکم ساقط شود
هرگاه که چهار ماه و زیاده داشته باشد غسل میدهند و کفن میکنند
و دفن میکنند و نماز او نیست و بعضی گفته اند [illegible] کفن میکنند
و هرگاه چهار ماه نداشته باشد مشهور آنست که در لته پیچیده دفن
میکنند و در روایتی [illegible] مذکور نیست و بعضی تمام شدن
خلقت طفل را اعتبار کرده اند در غسل و کفن نه چهار ماه و این
احوط است و اگر عضوی استخوان دار [illegible] باشد احوط آنست

غسل

که غسل و کفن [illegible] اگرچه اظهر عدم وجوب است و اگر طفل در شکم مادر
مرده باشد و مادر زنده باشد اگر تواند درست بیرون می آورند و الا
پاره پاره میکنند و بیرون می آورند و اگر مادر بمیرد و طفل زنده باشد
شکم مادر را میشکافند از جانب چپ و طفل را بیرون می آورند و
بهتر آنست که شکم را بدوزند و واجب است که مرد را مرد غسل دهد و زن را
زن الا چند موضع اول زن و شوهر که بقول اشهر و اقوی هر یک دیگری را
غسل میتوانند داد و احوط آنست که از زیر جامه غسل دهند و نگاه [illegible]
نکنند و بهتر آنست که بدون ضرورت غسل ندهند خصوصا مرد زن را
دوم [illegible] آنست که [illegible] غسل دهد هرگاه زن [illegible]
باشد [illegible] آنست که غسل دهد [illegible]
و [illegible] محرم [illegible]
[illegible] هرگاه مرد [illegible] فوت شود و مردی نباشد
که او را غسل دهد [illegible] میتوانند او را غسل داد از زیر جامه و همچنین
است هرگاه زن فوت شده باشد و ظاهر [illegible]
غسل میتوانند داد و احوط آنست که تا ممکن شود زن زن را و مرد مرد را
غسل دهند و اما کیفیت غسل بهتر آنست که پیش از غسل کفن را مهیا کنند
و اول [illegible] بعد از آن [illegible] بعد از آن [illegible]
بالای [illegible]
متوجه غسل شود و اگر [illegible] باشد که میت را در وقت غسل [illegible]

یا تخته بخوابانند بطرزی [illegible] و مستحب است که در وقت غسل پای میت
بسوی قبله باشد بطریق حال احتضار و بعضی واجب دانسته اند و
[illegible] احوال باید چنین باشد [illegible] حال نماز و حال دفن و باید [illegible]
بیرون کنند و اگر خواهند با پیراهن غسل دهند و اگر خواهند [illegible] ببندند
و پیراهن را بکنند و عورت او [illegible] واجب است که در وقت غسل دادن عورت میت
پوشیده باشد [illegible] اولی آنست [illegible]
میت بکنند و سنت است که [illegible] از طرف پا بیرون کنند
و اگر [illegible] باشد [illegible] سنت است که [illegible]
غسل دهنده [illegible] غسل
[illegible] مستحب است [illegible]
نرم کنند و اگر دشوار باشد [illegible]
است که [illegible] غسل دهند اول آب سدر و بعد از آن آب کافور
و بعد از آن آب خالص و سنت است که اول دستهای میت را [illegible]
بشویند [illegible] بشویند و احوط آنست که
خواهند [illegible] بشویند [illegible]
چپ بشویند [illegible] و سنت است که اول عورت میت را [illegible]
اشنان سه مرتبه بشویند و آب [illegible] خوب پاک شود پس
[illegible]
[illegible] اگر [illegible] باشد [illegible]

الا آنکه [illegible] باشد [illegible] و علما گفته اند سنت است
که [illegible] پیش از غسل [illegible] بشویند [illegible]
خود [illegible] بشوید [illegible] سه مرتبه [illegible] وضو
میت را [illegible] از آب خالص و بعضی واجب دانسته اند و نیت
کنند که وضو میدهم این میت را قربة الی الله پس [illegible] دستهای میت را بشویند [illegible]
و [illegible] ابتدا کنند بغسل و احوط آنست [illegible]
[illegible] اگر [illegible] باشند [illegible] نیت کنند [illegible]
اول بکنند و [illegible] غسل کافور و قراح نیز نیت جدا کنند پس اول نیت
میکنند که این میت را غسل میدهم بآب سدر و کافور و قراح [illegible]
است از برای رضای خدا و قربة الی الله پس سر میت را بشویند بآب سدر و
احوط آنست که اول بجانب راست سر آب بریزد و بعد از آن بجانب چپ
و سنت است که سر را و هر جانب را سه مرتبه بشویند پس [illegible] پهلوی
[illegible] جانب راست را بشویند و سنت است که سه مرتبه بشویند و
[illegible] قطع نکنند [illegible]
آب [illegible] دست [illegible] و شکم [illegible] که آب خوب [illegible]
است و دست میت را از پهلو جدا کنند تا آنکه آب بزیر [illegible]
کنند که آب بزیر بغل و عورت و ران و سایر اعضا خوب برسد پس میت را
بگردانند و پهلوی راست [illegible] و پهلوی چپ را بهمان طریق که
مذکور شد سه مرتبه بشویند و آب سدر [illegible]

آنست که سدر نباشد و بعضی گفته اند که باید هفت ورق سدر باشد
و بعضی یک رطل و بعضی یک رطل و نیم گفته اند که نزدیک به بیست و پنج
درم و زیاده تا باشد و باید که بر بدنها برای شستن فرج و سایر اعضا پیش
از غسل یکدم باشد و احوط آنست که در آب غسل اول داخل نکنند که
مضاف شود و اینرا نگویند و بعضی دانسته اند که شستن هر دو دست میت تا
نصف ساعد زیاده شده آنست و شاید که نباشد اگر چه مشهور
آنست پس سر را بپشت بخوابانند و طرفها را راست کنند که بیشتر از اطراف
طرف نشود و باید که کافور با پنبه [illegible] پنهان کنند و داخل آب بکنند و غسل
دهند و دستها را خود تا المرفق بشوید و بهتر آنست که دست میت را نیز
تا نصف ذراع با آب کافور بشوید سه مرتبه و فرج را سه مرتبه بشوید
بهمان نحو که [illegible] بعد از آن [illegible] دست بر شکم میت بکشد
بهواری و بهتر آنست که دست بر شکم بکشد [illegible] کند
که فضلات از آن طرف بیرون رود پس احتیاطا آب ریخته و گردانیدن [illegible]
دو بیت کند که [illegible] غسل میدهم با آب کافور از برای آنکه واجبست
از برای رضای خدا پس سر را بشوید و سنتست که سه مرتبه بشوید و در
هر مرتبه ابتدا بجانب راست سر کند و گردن را [illegible]
جانب راست را سه مرتبه و جانب چپ را سه مرتبه بنحوی که در غسل
سدر مذکور شد بشوید پس میت را بپشت بخوابانند و باید دستهای خود را
تا مرفقین بشوید و ظرفها را خوب بشوید که اثر سدر و کافور زایل شود

و اگر سدر پیدا نکرد برای ابتدای غسل [illegible] و احوط آنست که آب غسل
قراح را از خوشبو که آب سدر و کافور در آن ریخته شده است [illegible]
و از این [illegible] که اینها را اطلاقا در آن داخل نشده باشد پس دستهای میت را
تا نصف ذراع سه مرتبه با آب خالص بشوید استحبابا و فرج میت را نیز
با آب خالص سه مرتبه بشویند و اگر در اینوقت نیز باز دیگر میت را وضو دهند
شاید بهتر باشد پس احتیاطا نیت کند که غسل میدهم این میت را با آب قراح
از جهت آنکه واجبست قربة الی الله پس سر را سه مرتبه و جانب راست را
سه مرتبه و جانب چپ را سه مرتبه بشوید یکمرتبه واجبست و دو
مرتبه سنت و بهتر آنست که گردانیدن میت [illegible]
[illegible] از این غسل و در اثنای این غسل دست بر شکم میت بکشد
و چون از این [illegible] غسل فارغ شود اگر خوف خروج نجاستی بوده باشد [illegible]
[illegible] داخل کند [illegible] اوقات
[illegible] داخل کند اگر خوف بیرون آمدن خون یا نجاستی بوده باشد
پس سنتست که [illegible] بعد از آن او را [illegible]
کفن بگذارد و سنتست که هر مرتبه که [illegible] کرده باشد [illegible]
بخواند اللهم ان هذا بدن عبدک المؤمن وقد اخرجت روحه منه
وفرقت بینهما فعفوک عفوک پس اگر زن باشد بگوید اللهم ان هذا
بدن امتک المؤمنة و اگر [illegible] بگوید بهتر است و در سایر احوال
غسل مکرر بگوید رب عفوک عفوک [illegible] مرد و [illegible]

که هرچه از عیوب میت باو ظاهر شود بکسی نقل نکند و احتمال دارد که اظهار او را
بیامرزد و چنانچه از نیکوئیها ظاهر شود مستحب است که غسل دهند از جانب راست
باشند و کودال در برابر قبله بکنند و حفیره نیز باشد که آب غسل در
آن کودال رود و مکروه است که آب غسل را بچاه اندازند که در آن بول و غایط کنند
بریزند و اگر جا نباشد که کودال باشد در آن بریزند و قصور ندارد و مکروه است
میت را بایستگی غسل دادن مکر در حال ضرورت و مکروه است که میت را در میان
پاهای خود بگیرد و مکروه است که ناخن میت را بچیند و موی او را بکند یا شانه
بکنند و اگر چیزی از ناخن و موی او بیفتد در کفن او بگذارند و اگر تا بعد از غسل جدا شود باید که در میان
کفن او بگذارند و روایت دفن کردن موی منقول است که ساقی از حضرت امام باقر علیه
السلام که چون شهید شد حضرت صادق علیه السلام فرمود که با من دفن کن و اگر
سدر و کافور بهم نرسد بگذارند به آب خالص غسل دهند و احوط آنست که سه
مرتبه غسل دهند و اگر یکی از آنها بهم نرسد احوط آنست که مرتبه دیگر را
به آب خالص دهند و اگر آب بهم نرسد یا میسر نشود غسل دادن که خوف آن باشد
که بدن میت از هم بپاشد تیمم دهند او را و ظاهر آنست که کافی است یک
تیمم و احوط آنست که سه تیمم بدهند که نیت کند که تیمم میدهم
این میت را بدل از غسلهای سدر و کافور و آب خالص از جهة آنکه واجبست
برای رضای خدا و بعضی دیگر را اعتقاد آنست که بنیت تیمم بدل از
غسل کافور و احتیاط در آنست که هر چند پیش از آن چون نیت کند و دست
خود را بر خاک زند و بیشانی میت بکشد و دیگر بر پشت دست راست

میت بکشد و بعد از آن پشت دست چپ و اگر باو ضربه بزند یکی
برای رو و یکی برای دستها نیز کافیست و اگر میت محرم باشد او را غسل کافور
ندهند و حنوط نکنند **فصل دوم** در کفن کردن میت واجبست که
میت را سه کفن کنند و اکثر علما گفته اند که اول لنگی است که از ناف
تا ساق را بپوشد و بعضی گفته اند که سینه او را بپوشد و تا پاها
بپوشد و دوم پیراهن است و سیم سرتاسری که جمیع بدن را بپوشد و بعضی از علما
گفته اند که پیراهن است و دو سرتاسری و جایز است که بجای پیراهن یک
[illegible] دیگر بکند که مجموع سه سرتاسری بوده باشد و این قول اظهر است
و احادیث معتبره بر این دلالت دارد و احوط آنست که با اینها نیز لنگ
بکنند و باید که بپوشاند سرتاسری که واجبست و باید که کفن حریر محض نباشد
و احوط آنست که کفن زنان نیز حریر محض نباشد و احوط آنست که کفن
از پوست نبوده باشد و بهتر آنست که از پشم و موی نیز نبوده باشد و مستحب
است که از پنبه سفید بوده باشد و سنت است که سرتاسری بالای
جمله دو سرتاسری حبره باشد و آن جامه بود که از یمن می آورده اند و
الحال معلوم نیست و دور نیست که اگر بجای آن قطنی سفید بکنند بد
نباشد و علما گفته اند سنت است که اول جانب چپ لفافه را بر جانب
راست میت اندازند و بعد از آن جانب راست لفافه را بر جانب چپ
میت و بهتر آنست که چنین کنند اگر چه مستندش بنظر نرسیده و سنت
که خرقه طویلی که عرضش یک شبر و نیم و طولش قریب سه ذرع و نیم تا سه ذرع

زیاده کنند برای زنان چیزی که سر را از بشکافند و بر کمر ببندند و پنبه
بسیار در دبر و فرج بگذارند و اگر نترسد باشد پنبه بیشتر بگذارند و
اگر پنبه نیابند کافور بپاشند شاید نباشد و سنتست که دو ران او را از بالا
تا پاها بند داد و نبند را آنچه کرباس بسته اند بیرون آورند و محکم بکشند
که فرج را پنبه که گذاشته اند محکم کرده پاها را جمع کنند و آنرا [illegible]
بان خرقه سفت ببندند و به پیچند تا زانوها هر جا که منتهی شود سر او را
در آنچه پیچیده اند فرو برند و سنتست که عمامه از برای مرد زیاد کنند که
بر دور سر او بگردانند و موافق مشهور به زیر حنک بگذرانند و سر دو طرف عمامه
را از هر طرف بیندازند و بر سینه بیندازند [illegible] از جانب راست و [illegible]
بجانب چپ [illegible] از عمامه مرد زیادتی از برای زن [illegible] سینه
زن به بندند که پستانهای او را [illegible] ببندند و مکروهست
که کفن از کتان باشد یا پیراهن را آستین کنند که آستین [illegible] باشد اما
اگر پیراهن خودش را کفن کنند [illegible]
پاک [illegible] و بندها [illegible] و سنتست که پیراهن کفن کنند
در پیراهنی که در آن نماز بسیار کرده است و اگر در پیراهن بعضی از علما و صلحا
نیز کفن کنند شاید [illegible] باشد و مستحب است [illegible] که در آن احرام
بسته است [illegible] کفن کنند و مستحب است که کفن خوش قماش و
صاحب قیمت باشد چنانچه در حدیث وارد شده که نیکو کنید کفنهای
مردگان خود را که زینت ایشانست و بان کفنها در قیامت مبعوث خواهند شد

و سنتست که قیمت کفن را مضایقه و بیصرفی نکنند و کفن از مال طیب و
حلال بی شبهه باشد و سنتست موافق مشهور که بر کفن اقرار بشهادتین
و اقرار بائمه بنویسند و دعای جوشن و غیر آن در بعضی روایات وارد شده
است و سنتست که بتربت حضرت امام حسین علیه السلام بنویسند و
علما گفته اند سنتست که کفن را [illegible]
مکروهست که [illegible] و سنتست در وقتیکه غسل دهنده خواهد
که میت را کفن کند دستها را تا دوش یا تا مرفق بشوید و بعد از آن شروع کند
در کفن کردن و واجبست حنوط کردن میت را و واجبست که در هفت
موضع سجده یعنی پیشانی و کف دستها و زانوها و انگشت مهین پاها را
کافور بمالند اگر چه اندکی باشد و احوط آنست که [illegible]
[illegible] و اگر [illegible] و بندهای [illegible]
دست و [illegible] و بند انگشتان [illegible]
احوط است و بهتر آنست که کافور حنوط کافور خام [illegible] باشد و مقدار
[illegible] باشد که چهار دانگ و نیم مثقال است و بهتر از آن
که سه مثقال بوده باشد و بهتر از این آنست که سیزده درهم و ثلثی بوده باشد
موافق حنوط حضرت رسول صلی الله علیه و آله که تقریبا هفت مثقال
صیرفی بوده باشد و بهتر آنست که کافور غسل از این مقدار [illegible] باشد
و سنت مؤکد است که [illegible] بگذارند و در اخبار بسیار
وارد شده است که تا این چوبها [illegible] عذاب نمیکنند و [illegible]

اینست که از چوب درخت خرما باشد و اگر یافت نشود چوب سدر کنند
و اگر یافت نشود چوب بید و اگر یافت نشود چوب درخت انار و اگر هم
نرسد هر چوب تری که خواهند باشد و باید تر باشد و از درخت بریده باشند
و چوب خشک هر چند از درخت خرما باشد اگر شکسته بوده باشد فایده
ندارد و باید هر یک به قدر شبر بوده باشد یا یک ذراع دست و بعضی
گفته اند که به قدر استخوان ذراع که از یک شبر بیشتر است و ظاهرا
همه خوبست و بعضی گفته اند که باید پنبه بر آنها پیچید تا رطوبتشان بیشتر
بماند و یکی را از جانب راست گذارند و سرش را چسبیده گذارند تا متصل
ببدن سازند و دیگری را از جانب چپ میان پیراهن و ازار سرش گذارند
و بعضی گفته اند که سنت است بر جریدتین شهادتین بنویسند بتربت حضرت
و اگر تقیه باشد که جریدتین نتوان در کفن گذاشت در میان قبر بیندازند
و اگر بعد از دفن کردن فراموش شده باشد در میان قبر فرو برند و بدانکه کفن
میت از اصل مال اوست مقدم بر دین و وصیت و میراث و اگر چیزی نداشته
شده باشد خوبست از زکات او را تطهیر کنند و با آن کفن کنند و اگر هم نباشد
برهنه دفن کنند و بعضی گفته اند که از زکوة واجب کفن میت را میتوان
کرد و خالی از قوتی نیست و سنت موکد است که مسلمانان او را کفن کنند
چنانچه در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست
که هر که کفن کند مومنی را چنانست که ضامن جامه او شده باشد تا روز
قیامت و هر که بکند از برای مومنی قبری چنانست که او را در خانه موافق

نکوئی جا داده باشد تا روز قیامت و کفن زن بر شوهر واجبست هر چند
زن مالدار باشد و همچنین کفن بنده بر صاحبش واجبست و اگر از
میت نجاستی بیرون آید بعد از غسل باید بشویند و اگر کفن آلوده شده باشد
تا در قبر نگذاشته اند او را بشویند و اگر در قبر گذارده باشند مشهور آنست
که آن موضع را مقراض میکنند و کفن را از یکدیگر میکشند تا بدن میت
پوشیده شود و بعضی گفته اند که اگر ممکن شود شستن خوانند آن را
با آنکه طشت و آفتابه ببرند و بشویند بهتر است خصوصا هرگاه بدن
میت نجس شده باشد و تطهیر آن لازم باشد و کفن ایشان بعنوان تجوز
و این احوط است و جمعی گفته اند مکروهست کفن را با آهن بریدن و گفته
اند از مشایخ چنین شنیده ام و گفتن این حال کفن بریدن سنت که با او
قبله باشد و کسیکه در غیر جهاد با امام کشته باشد و جراحتها بسیار
از او سرکند و غسل میدهند و اگر سر جدا باشد در هر غسل اول
سر را میشویند و بعد بدن او و بعضی گفته اند که اگر خون بند نشود گل بر
جراحتها بند شود و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که حکم چنین کسی اول خونها را میشویند و آب بر او میریزند در غسل و
دست بر بدنش نمی مالند و جراحتها را با پنبه و کافور میگذارند و محکم
می بندند و همچنین اگر گردنش بریده باشد و جدا شده باشد کافور
می پاشند بر موضع جراحت و پنبه را بر آن میگذارند و محکم میبندند
که خون بیرون نیاید و اگر سر از بدن جدا شده باشد در غسل اول سر را

میشویند و بعد از آن بدن او را بالای کردن بکذارند و دو زبان کفن
می‌چیند و در هنگام دفن سر را باید برهنه کرد و در لحد بگذارند و روی او را
بجانب قبله میکردانند **فصل چهارم** در نماز میت است و این نماز واجب
است بر همه مسلمانان که علم بموت شخص بهم رسانند و اگر یکی از ایشان
بجا آورد از دیگران ساقط میشود و واجبست نماز بر شیعه اثنا عشری
که بالغ باشد بی خلاف و اشهر و اقوی آنست که بر طفلی که شش ساله تمام
شده باشد نماز واجبست و ظاهر ابن بابویه آنست که نماز میتوان کرد و کمتر
از شش ساله را اگر زنده متولد شده باشد بعضی گفته‌اند که سنت است و
بعضی بدعت و احوط نماز نکردنست و جایز نیست نماز کردن بر کفار و
خوارج و ناصبیان که عداوت اهل بیت داشته باشند و غالیان که ائمه را
خدا میدانند یا گویند خدا در ایشان حلول کرده است و مجسمه و آنها
که خدا را جسم میدانند و بر غیر ایشان از مخالفان خلافست و ظاهر عدم
باشد و بنا بر آنکه نماز کنند باید که چهار تکبیر بگویند و در تکبیر چهارم نفرین
و لعنت کنند بر او و در موضع تقیه ترک نباید کرد و سزاوار نیست نماز
میت خواندن در مسجد بنا بر مشهور و بعضی گفته‌اند که مکروه است و ایشان نماز
جماعت میتوانکرد و بانفراد میتوان کرد و احوط آنست که اولیای او از ایشان
رخصت گیرند و بی رخصت نکنند و شوهر از همه خویشان اولی است
بزن و مردان اولی‌اند از زنان و وارث اگر قابلیت پیشنمازی نداشته باشد
هرکه را اعتقاد داشته باشد رخصت دهد و جایز است که زن

پیشنماز زنان بکند و با ایشان در یک صف بایستد و مرد باید که پیش
بایستد اگرچه مأموم یکنفر باشد و اگر زنان با مردان جمع شوند زنان در
عقب مردان بایستند و اگر حایض باشد سنتست که در صفی جدا
بایستد و واجبست که نماز گذارنده رو بقبله بایستد و سر جنازه بجانب
راست او باشد اگر امام باشد و در مأموم در کار نیست و احوط در غیر
آنست که از برابر جنازه بیرون نباشد و واجبست که میت را بپشت خوابانیده باشند
و در این نماز طهارت از حدث شرط نیست و جنب و حایض و بی وضو این
نماز را میتوانکرد و احوط آنست که سایر شرایط نماز بوجه ... در این نماز بجا
آورد از پوشانیدن عورت و نجس نبودن جامه و بدن و غصبی نبودن جا
و غیر اینها اگرچه اظهر آنست که هیچیک در کار نیست مگر چیزی چند
که حرام باشد و ازاله آنها منافی نماز باشد مانند طلا و حریر برای مردان
و جامه غصبی و سنتست که با وضو باشد و اگر آب بهم نرسد یا مانعی
داشته باشد یا وقت تنگ باشد سنتست که تیمم کند و ظاهر بعضی
آنست که بدون عذر نیز تیمم مستحب است و می‌باید که از جنازه بسیار
دور نباشد مگر آنکه در نماز جماعت باشد و صفها در میان باشد و
نماز میت نمیتوانکرد تا او را غسل و کفن نکنند اگر ممکن باشد و اگر کفن
نداشته باشد او را در قبر گذارند و عورتش را بپوشانند و نماز کنند و سنت
آنست که پیشنماز برابر میان مرد بایستد و برابر سینه زن بنابر مشهور و سنت
آنست که کفش را بکنند و اگر موزه در پا داشته باشد در کار نیست کندن

واگر بار وقته باشد بهتر است و واجب است که نیت کند و بهتر است که
چنین نیت کند که نماز میت میگذارم برای اینکه واجب است
قربة الی الله پس تکبیر بگوید و سنت است که در هر تکبیر دستها را بردارد
تا محاذی گوشها و بعضی در غیر تکبیر اول سنت نمیدانند دست برداشتن را
و اول اولی است و در وجوب دعا در میان تکبیرها اختلاف است و احوط
وجوب است و نماز امر بر غالب بهتر است و مشهور آنست که بعد از تکبیر اول
بگوید اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله و بعد از
تکبیر دویم بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد و بعد از تکبیر سیم بگوید
اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات و بعد از تکبیر چهارم بگوید اللهم اغفر
لهذا المیت و تکبیر پنجم بگوید و فارغ شود و بهتر است موافق مشهور
آنکه چنین کند بعد از نیت بگوید الله اکبر اشهد ان لا اله
الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله ارسله
بالحق بشیرا و نذیرا بین یدی الساعة پس بگوید الله اکبر اللهم
صل علی محمد و آل محمد و بارک علی محمد و آل محمد و ارحم محمدا
و آل محمد کافضل ما صلیت و بارکت و ترحمت علی ابراهیم و آل ابراهیم
انک حمید مجید و صل علی جمیع الانبیاء و المرسلین پس بگوید الله
اکبر اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات الاحیاء
منهم و الاموات تابع بیننا و بینهم بالخیرات انک مجیب الدعوات
انک علی کل شیء قدیر پس بگوید الله اکبر اللهم ان هذا عبدک

وابن عبدک وابن امتک نزل بک وانت خیر منزول به اللهم انا لا نعلم
منه الا خیرا وانت اعلم به منا اللهم ان کان محسنا فزد فی احسانه و
ان کان مسیئا فتجاوز عنه واغفر له اللهم اجعله عندک فی اعلی
علیین واخلف علی اهله فی الغابرین وارحمه برحمتک یا ارحم
الراحمین پس بگوید الله اکبر و فارغ میشود و اگر زن باشد میگوید اللهم
ان هذه امتک وابنة عبدک وابنة امتک نزلت بک وانت خیر
منزول به اللهم انا لا نعلم منها الا خیرا وانت اعلم بها منا اللهم ان
کانت محسنة فزد فی احسانها وان کانت مسیئة فتجاوز عنها و
اغفر لها اللهم اجعلها عندک فی اعلی علیین واخلف علی اهلها
فی الغابرین وارحمها برحمتک یا ارحم الراحمین و اگر بعد از چهار
تکبیر دعا بخواند نیز خوبست اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له
و اشهد ان محمدا عبده و رسوله اللهم صل علی محمد و آل محمد واغفر
للمؤمنین و المؤمنات اللهم ان هذا المسجی قدامنا عبدک وابن عبدک
وقد قبضت روحه الیک وقد احتاج الی رحمتک وانت غنی عن
عذابه اللهم انا لا نعلم من ظاهره الا خیرا وانت اعلم بسریرته اللهم
ان کان محسنا فزد فی احسانه وان کان مسیئا فتجاوز عن سیئاته
و اگر زن باشد بگوید اللهم ان هذه المسجاة قدامنا امتک وابنة
عبدک وقد قبضت روحها الیک وقد احتاجت الی رحمتک و
انت غنی عن عذابها اللهم انا لا نعلم من ظاهرها الا خیرا وانت

اعلم بسرّيهما اللهم ان كانت محسنة فزد في احسانها وان كانت
مسيئة فتجاوز عن سيئاتها بالكرم واگر جمع بينها الاحاديث ظاهر نيست
واگر بعد از هر تکبیر این دعا را بخواند خوبست اشهد ان لا اله الا الله
وحده لا شريك له واشهد ان محمدا عبده ورسوله اللهم صل على
محمد وآل محمد وعلى الائمة الهداة واغفر لنا ولاخواننا الذين
سبقونا بالايمان ولا تجعل في قلوبنا غلا للذين آمنوا ربنا انك
غفور رحيم اللهم اغفر لاحيائنا وامواتنا من المؤمنين والمؤمنات
والف قلوبنا على قلوب اخيارنا واهدنا لما اختلف فيه من
الحق باذنك انك تهدي من تشاء الى صراط مستقيم اللهم عبدك
ابن عبدك ابن امتك انت اعلم به افتقر الى رحمتك واستغنيت
عنه اللهم فتجاوز عن سيئاته وزد في حسناته واغفر له وارحمه
ونور له في قبره ولقنه حجته والحقه بنبيه صلى الله عليه
وآله ولا تحرمنا اجره ولا تفتنا بعده واگر زن باشد از اول دعا
بخواند تا آنجا که الی صراط مستقیم است پس بگوید اللهم امتك ابنة
عبدك ابنة امتك انت اعلم بها افتقرت الى رحمتك واستغنيت
عنها اللهم فتجاوز عن سيئاتها وزد في حسناتها واغفر لها وارحمها
ونور لها في قبرها ولقنها حجتها والحقها بنبيها صلى الله عليه
وآله ولا تحرمنا اجرها ولا تفتنا بعدها ودر روایتی وارد شده است
که بعد از فارغ شدن از نماز بگوید ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي

الاخرة

الآخرة حسنة وقنا عذاب النار واگر سنی و خلاف مذهب نماز کند
بضرورت بعد از تکبیر چهارم بلکه بعد از هر تکبیر او را نفرین و لعنت کند
و دعا اینست که چنین بگوید اللهم اخز عبدك في عبادك وبلادك
اللهم اصله حر نارك اللهم اذقه اشد عذابك فانه كان يوالي اعداءك
ويعادي اولياءك ويبغض اهل بيت نبيك صلى الله عليه وآله
واگر مستضعف باشد که ضعیف العقل باشد و تمیز میان حق و باطل
نکند یا از جهت سنی یا خالف حق باشد و عناد با شیعیان نداشته
باشد یا اعتقاد با اهل بیت داشته باشد و با دشمنان ایشان بد
نباشد بعد نماز برا او بگوید اللهم اغفر للذين تابوا واتبعوا سبيلك و
قهم عذاب الجحيم واگر مذهب میت معلوم نباشد بگوید اللهم
ان هذه النفس انت احييتها وانت امتها اللهم ولها ما تولت و
احشرها مع من احبت واگر میت طفل نابالغ باشد بگوید اللهم اجعله
لابويه ولنا سلفا وفرطا واجرا و مشهور در میان علما آنست که دعاهای
سه تکبیر اول را بخوانند بنحوی که گذشت و اینها را بعد از تکبیر چهارم
بخوانند و سنی اگر نماز کند تکبیر پنجم را نگوید و سنت است که بر جای خود
باشد تا جنازه را بردارند خصوصا پیشنماز و نماز جنازه را در
مسجد بجا نیاورد و مشهور آنست که اگر در مسجد بکند جایز است و بر یک
جنازه دو مرتبه نماز کردن خلاف است در جواز آن و دور نیست که
کسی که نماز نکرده باشد تواند کرد و کسی که در اثنای نماز رسیده

میت ملحق میشود و دعاها که خود میباید بخواند میخواند و چون
پیشنماز فارغ شود مقتدیها باید دعاهای مختصر بخوانند اگر چه جنازه
بردارند و اگر دیر شود تکبیرها را پی در پی بگوید و اگر میت را
بی نماز دفن کرده باشند احوط آنست که بر قبر او نماز کنند هر چند دفن
کرده شده باشد و هر وقت نماز جنازه میتوان کرد مگر آنکه وقت نماز
تنگ شود که حاضره را مقدم میباید داشت و بهتر آنست که در وسعت وقت
نماز اول حاضره را مقدم دارد مگر آنکه خوف فوت نماز جنازه بوده باشد
یا خوف ضایع شدن میت **فصل پنجم** در آداب دفن میت است
آداب بعد از آن سنتست که او را نزد قبر بگذارند نه نشینند
است که نایب دفن کردن میت و فقها واجب دانسته اند که او را در گودی
پنهان کنند بعمقی که بوی او از مردم مستور گردد و جسد او از
درندگان ایمن باشد و خوابانیدن او بر جانب راست رو بقبله لازم
است بقول مشهور و بعضی مستحب دانسته اند و مستحب است که
قبر بقدر قامتی یا تا چنبر گردن و سنتست که لحد از طرف قبله
و مستحب است که لحد بقدر فراخ باشد که کسی در آن تواند نشست و
اگر زمین سست باشد و لحد نتوان کند بعضی گفته اند که مانند
لحد بسازند و اگر نتوانند قبر را شق کنند یعنی آنکه در میان قبر بقدر جسد
میت حفره کنند که توان نشست و دو طرف داشته باشد که
خشت بر روی آن توان گذاشت که خاک بر میت ریخته نشود و احوط

آنست که در زمانی سر را بدون تابوت و صندوق بگذارند و شخصی که در لحد
میرود اگر ممکن باشد بخشکی برسانند والا در زمانی که بگذارند و سر او را
به بندند و در آن اندازند اگر ممکن شود والا او را سنگین کنند که
رو بقبله باب اندازند و چون جنازه نزدیک قبر شد سنتست
که او را نزد پای قبر بگذارند و اگر مرد باشد و اگر زن باشد برابر قبله قبر
بگذارند و مشهور آنست که در زمانی میگذارند و سه مرتبه او را نقل میکنند
و مرتبه چهارم بقبر بگذارند و آنچه در روایات معتبره وارد شده است
آنست که چون میت را نزدیک قبر رسانند او را ناگاه بقبر فرو نبرند
مکث و یا پیش تر از قبر یک دو ذراع یا سه ذراع بگذارند و ساعتی صبر کنند تا میت
مستعد شود از برای سؤال قبر زیرا که قبر را هولهای عظیم است و
دعا کنند که خدا او را پناه دهد از اهوال قبر و سنتست که سر میت را
کنند پیش پای قبر و سر او را بقبر برند و جمعی از علما گفته اند که او را
از پیش قبله بگیرند و بعرض قبر ببرند و سر او را نکنند چنانچه در
بعضی از روایات وارد شده است و سنتست شخصی که بقبر فرو رود
که سر را برهنه کند و بندهای قبا را بگشاید و بالاپوش و دستار را بگذارد
و موزه از پا بکند و پا برهنه باشد و جایز است بلکه بودنش زیاده خواه
باشد و خواه بخشت و اکثر علما گفته اند که مکروهست که اگر میت
مرد باشد خویش او او را بقبر برد و آنچه از احادیث ظاهر میشود آنست
که پدر را مکروهست که در قبر فرزند داخل شود و فرزند و سایر

باکی نیست واکر میت زن بوده باشد احوط آنست که محرم او را بقبر ببرد و
اکر محرم نبوده باشد زن حنا کند و اکر زن نبوده باشد مرد صالح پیر
ودفن کند و بیرون نیامدن سنتست که از پیش پای قبر باشد و سنتست
که چون میت را زد میت قبر بگذارد بکوید اللهم عبدك و ابن عبدك
و ابن امتك نزل بك وانت خیر منزول به و چون میت را بر دارد که
بقبر بگذارد بکوید بسم الله وبالله وعلی ملة رسول الله صلی الله علیه
و آله اللهم الی رحمتك لا الی عذابك اللهم افسح له فی قبره ولقنه
حجته وثبته بالقول الثابت وقنا واياه عذاب القبر و چون میت را
در قبر بگذارد سنتست که بند های کفن را بکشاید و روی میت را باز
کند و طرف راست روی او را بر زمین رساند و اکر بر سر او از خاك
بلند کرده کنند بد نیست و خشتی در پشتش بگذارد که بر پشت نیفتد
و سنتست که در قبر از تربت امام حسین علیه السلام در برابر روی
او بگذارد و اکر تربت مخصوص را در کفن نیز بگذارد بهتر است و بکوید
اعوذ بالله من الشیطان الرجیم پس سوره فاتحه و قل اعوذ برب الفلق
و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و آیة الکرسی بخواند و اکر خاضرین
هم بخوانند بهتر است پس بکوید بسم الله وبالله وفی سبیل الله وعلی
ملة رسول الله صلی الله علیه و آله اللهم صل علی محمد و آل
محمد اللهم افسح له فی قبره والحقه بنبیه صلی الله علیه و آله
اللهم ان کان محسنا فزد فی احسانه وان کان مسیئا فاغفر له

وارحمه وتجاوز عنه پس بکوید اللهم جاف الارض عن جنبیه وصاعد
عمله ولقه منك رضوانا پس بکوید اللهم عبدك وابن عبدك و
ابن امتك نزل بك وانت خیر منزول به اللهم افسح له فی قبره ولقنه
حجته والحقه بنبیه وقه شر منکر ونکیر و ایضا بکوید بسم الله
وبالله وفی سبیل الله وعلی ملة رسول الله صلی الله علیه و آله اللهم
عبدك ابن عبدك نزل بك وانت خیر منزول به اللهم افسح له فی
قبره والحقه بنبیه اللهم انا لا نعلم منه الا خیرا وانت اعلم به و
بروایت دیکر بکوید اللهم ارب عبدك ابن عبدك نزل بك وانت
خیر منزول به اللهم ان کان محسنا فزد فی احسانه وان کان مسیئا
فتجاوز عنه والحقه بنبیه محمد صلی الله علیه و آله وصالح شیعته
واهدنا واياه الی صراط مستقیم اللهم عفوك عفوك و بروایت بعضی
دیکر باید بخواند اللهم ان هذا عبدك فلان و بجای فلان نام او را بکوید
وابن عبدك قد نزل بك وانت خیر منزول به قد احتاج الی رحمتك
اللهم ولا نعلم منه الا خیرا وانت اعلم بسریرته ونحن الشهداء بعلانیته
اللهم جاف الارض عن جنبیه ولقنه حجته واجعل هذا الیوم
خیر یوم اتی علیه واجعل هذا القبر خیر بیت نزل فیه وصیره الی
خیر مما کان فیه ووسع له فی مدخله وآنس وحشته واغفر ذنبه
ولا تحرمنا اجره ولا تضلنا بعده و سنتست که دو انکشت عقیق
نام او کنند خصوصا و لا بنام معصومین علیهم السلام و بهتر انست که

بدست راست دوش راست میت را بگیرد و بدست چپ دوش چپ او را
و او را حرکت دهد و تلقین کند و اگر باین نحو بگوید جامع تر است اسمع
افهم اسمع افهم اسمع افهم یا فلان بن فلان ونام او و پدرش را بگوید
هل انت على العهد الذي فارقتنا عليه من شهادة ان لا اله الا
الله وحده لا شريك له وان محمدا صلى الله عليه وآله عبده و
رسوله وسيد النبيين وخاتم المرسلين وان عليا امير المؤمنين
وسيد الوصيين وامام افترض الله طاعته على العالمين وان
الحسن والحسين وعلي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد
وموسى بن جعفر وعلي بن موسى ومحمد بن علي وعلي بن محمد والحسن
بن علي والقائم الحجة المهدي صلوات الله عليهم ائمة المؤمنين
وحجج الله على الخلق اجمعين وائمتك ائمة هدى ابرار يا فلان ابن
فلان اذا اتاك الملكان المقربان رسولين من عند الله تبارك وتعالى
وسألاك عن ربك وعن نبيك وعن دينك وعن كتابك وعن
قبلتك وعن ائمتك فلا تخف وقل في جوابهما الله جل جلاله ربي
ومحمد صلى الله عليه وآله نبيي والاسلام ديني والقرآن كتابي و
الكعبة قبلتي وامير المؤمنين علي بن ابي طالب امامي والحسن بن
علي المجتبى امامي والحسين بن علي الشهيد بكربلا امامي وعلي زين
العابدين امامي ومحمد باقر علم النبيين امامي وجعفر الصادق
امامي وموسى الكاظم امامي وعلي الرضا امامي ومحمد الجواد امامي

وعلي الهادي امامي والحسن العسكري امامي والحجة المنتظر امامي هؤلاء
صلوات الله عليهم اجمعين ائمتي وسادتي وقادتي وشفعائي بهم
اتولى ومن اعدائهم اتبرء في الدنيا والآخرة ثم اعلم يا فلان بن فلان
ان الله تبارك وتعالى نعم الرب وان محمدا صلى الله عليه و
آله نعم الرسول وان امير المؤمنين علي بن ابي طالب واولاده الائمة
الاثنا عشر نعم الائمة وان ما جاء به محمد صلى الله عليه و
آله حق وان الموت حق وسؤال منكر ونكير في القبر حق والبعث
حق والنشور حق والصراط حق والميزان حق وتطاير الكتب حق
والجنة حق والنار حق وان الساعة آتية لا ريب فيها وان الله
يبعث من في القبور پس بگوید افهمت یا فلان در حدیث است که
میت در جواب میگوید بلی فهمیدم پس بگوید ثبتک الله بالقول الثابت
هداک الله الى صراط مستقيم عرف الله بينك وبين اوليائك في
مستقر من رحمته پس بگوید اللهم جاف الارض عن جنبيه واصعد
بروحه اليك ولقه منك برهانا اللهم عفوك عفوك پس خشت
بر لحد بگذارد و در چیدن نیز خوانده است و خشت خام بهتر است اگر خشت
نبوده باشد روا است بگذارد چوب یا نی خشتها خشت دیگر بگذارد یا بگل
رخنه را بگیرد و اگر خشتهای کوچک باشد هر کدام رخنه بر خشتها
محکم کند که خاک بر میت نریزد و در وقت چیدن خشت باید این بخواند
اللهم صل وحدته وآنس وحشته وآمن روعته واسكن اليه

من رحمتك رحمة تغنيه بها عن رحمة من سواك فانّما رحمتك للظالمين
و در روایت دیگر رحمة تستغنی بها عن رحمة من سواك واحشره مع
من كان يتولاه و مکروهست فرش قبر بچوب و تخته کردن یا چیزی زیر
گذاشتن مگر آنکه زمین نم داشته یا زیر آب داشته باشد و چون از
بالای قبر بیرون آید بگوید انا لله و انا الیه راجعون و الحمد لله
رب العالمین اللهم ارفع درجته فی اعلی علیین و اخلف علی
عقبه فی الغابرین و عندك نحتسبه یا رب العالمین پس سنت
که حاضران بپشت کف دست خاک در قبر بریزند و اگر بشکم دست
کفها از آن کنند و بریزند نیز خوبست و سنتست که سه مرتبه بریزند
و در وقت ریختن بگویند اللهم ایمانا بك و تصدیقا بکتابك هذا
ما وعدنا الله و رسوله و صدق الله و رسوله اللهم زدنا ایمانا و
تسلیما و در حدیثست که هر که چنین کند و این دعا بخواند حق تعالی
بهر ذره از خاک حسنه برای او بنویسد و مکروهست که خویشان میت
خاک بر قبر بریزند که مورث قساوت قلب و دوری از رحمت الهی است
و سنتست که از غیر خاک قبر چیزی نریزند که بار است بر میت و سنت
است که قبر را بقدر چهار انگشت بلند کنند یعنی چهار انگشت گشاده [گشاده]
و بعضی چهار انگشت بسته گفته اند و ظاهر هر دو خوب باشد و تا یک
یک شبر نیز مجوز باشد و مستحبست که قبر را چهار گوشه کنند و روی [مسطح]
پهن کنند و خرپشته نکنند یعنی که سنیان میکنند و بعد از آن آب

بر قبر بریزند و در خبر است که تا تری در قبر هست میت را عذاب نمیکنند و سنت
است که آب ریزنده رو بقبله باشد و ابتدا از پیش سر کند و بر یک جانب
قبر بریزد تا پیش پا و بگرداند بجانب دیگر و بریزد تا پیش سر و بعد از آن
میان قبر بریزد و سنتست که آب را قطع نکند و متصل بریزد تا تمام شود
و مستحبست که بعد از آب ریختن دست بر قبر گذارند در حالتی که
انگشتان ایشان گشاده باشد و قوت کنند تا اثر انگشتان ایشان
بگل بماند و رو بقبله باشند و از بعض روایات مفهوم میشود که
نزد سر او بنشینند و این دعا بخوانند اللهم جاف الارض عن
جنبیه و اصعد الیك روحه و لقه منك رضوانا و اسکن الیه
من رحمتك ما تغنیه بها عن رحمة من سواك و هفت مرتبه سوره
انا انزلناه بخوانند و اگر میت زن باشد در جمیع دعاها که گذشت
ضمیر مونث بیاورد و سنتست که ولی میت یعنی اقرب خویشان او
بعد از آنکه مردم برگردند نزد سر میت بنشیند و باواز بلند آن تلقین
که گذشت باز دیگر بخواند و اگر دیگری را نایب کند نیز خوبست و در
اخبار وارد شده است که چون این تلقین را بکند منکر بنکیر میگوید
بیا برویم تلقین حجتش کردند احتیاج بپرسیدن نیست پس برمیگردند
و سوال نمیکنند و مکروهست عمارت بر سر قبر کردن و بر سر قبر بسته
ماندن و گچ مالیدن بر قبور مگر قبور انبیا و ائمه صلوات الله علیهم
و بعضی گفته اند قبور علما و صلحا نیز این حکم دارد و مکروهست آن

کردن قبر بعد از مندرس شدن و در خبر است که حق تعالی دوست
نمی‌دارد [illegible] شکسته و قبرهای مندرس شده را و مکروه است در [illegible]
نشستن [illegible] دیگر [illegible] و [illegible] که در اینها مرده باشد
شهرهای دیگر بردن مگر به مشاهد مشرفه ائمه و بعضی استثنا کرده اند نقل
به قبر علما و صلحا و شهدا را نیز و مکروه است بر روی قبر نشستن و راه رفتن
مگر به واسطه زیارت قبور که ضرور شود و مشهور آنست که جایز نیست [illegible]
قبور مگر [illegible] که در قبرها صاحب حقی افتاده باشد
دیگر اینکه در زمین غصبی دفن کرده باشند یا در کفن غصبی کفن کرده باشند
و دیگر اینکه او را بی غسل و کفن [illegible] کرده باشند و از هم پاشیده باشد
و مشهور آنست که جایز نیست نقل مردگان بعد از دفن و بعضی استثنا
کرده اند نقل به مشاهد مشرفه حضرات ائمه علیهم السلام را و مشهور
آنست که جایز نیست گریبان چاک کردن و جامه دریدن برای غیر پدر
و جد و برادر ایشان جایز است بلکه بعضی از اخبار ظاهر میشود که مستحب
باشد خصوصا بر پدر و بعضی تجویز کرده اند زنان را مطلقا و احوط ترک
کنند و جایز نیست خراشیدن رو و کندن و بریدن مو و احوط آنست که
طپانچه بر رو و زانو و غیر آن نزنند و بعضی از علما موافق روایتی قایل شده
اند [illegible] که روی خود را در مصیبتی بخراشد [illegible] کفاره [illegible]
در خاتمه مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی و بعضی گفته اند که [illegible]
دارد و کفاره [illegible] نیست که [illegible] باشد و احوط دادن

کفاره است و بعضی تراشیدن موی را نیز الحاق کرده اند به بریدن در وجوب کفاره
و همچنین اکثر علما قایل شده اند که واجبست کفاره قسم بر زنی که موی خود را
بکند در مصیبت یا روی خود را بخراشد که خون بیاید و بر مردی که در مرگ
فرزند خود یا زن خود جامه چاک کند و کفاره قسم بعد ازین ان شاء الله مذکور
شد و بعضی واجب ندانسته اند و احوط عمل به مشهور است و لازم است
اصحاب مصیبت را که صبر کنند به قضای الهی و راضی باشند و بدانند که
حق تعالی صابران را اجر بی حساب کرامت میفرماید و باید که صاحب
مصیبت بگوید انا لله و انا الیه راجعون تا از [illegible] گذشته او [illegible]
شود و هر گاه آن مصیبت بخاطرش بیاید [illegible]
[illegible] شود [illegible] منقولست که هر که مصیبت
بخاطر او رسد اگر چه بعد از مدتی باشد و بگوید انا لله و انا الیه راجعون
والحمد لله رب العالمین اللهم اجرنی علی مصیبتی واخلف علی افضل
منها ثواب همان مصیبت بار دیگر او را داده شود و سنت است که دیگران
تعزیه ایشان بکنند و ایشان را به صبر و شکیبائی امر کنند پیش از دفن و بعد
از دفن و مبالغه بعد از دفن بیشتر است و اقل تعزیه آنست که بروند تا
صاحب عزا ایشان را ببیند و منقولست از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله که هر که [illegible] محشر کند [illegible]
[illegible] خدا او را [illegible] از حله‌های بهشت بپوشاند که موجب سرور او گردد
و هر که مصیبت زده را صبر فرماید حق تعالی او را ثواب صاحب مصیبت

کراهت خوردن اهل [illegible] آنکه از ایشان چیزی که شود خورده بود که ثواب اهل مصیبت و صبر
موجب بهشت است و مستحب است که صاحب مصیبت تغییر وضع خود
کند تا او را بشناسند و جایز است گریه و نوحه کردن که بگیاهی صبر [illegible]
و نوحه کردن بحق جایز است که دروغ نگویند و چیزها که خدا از آن راضی نیست
اظهار نکنند و جزع را [illegible] مکروه است و مستحب است که تا سه روز
دیگران خصوصا همسایگان برای صاحبان مصیبت طعام بفرستند
زیاده از سه روز [illegible] مکروه است و روز [illegible]
کردن [illegible] و سنت مؤکد است
زیارت قبور مؤمنان خصوصا خویشان و چون داخل قبرستان شود بگوید
السلام علی اهل الدیار من المؤمنین والمسلمین انتم لنا فرط ونحن
ان شاء الله بکم لاحقون و بروایت دیگر السلام علی اهل الدیار من
المسلمین والمؤمنین رحم الله المستقدمین منا والمستأخرین وانا
ان شاء الله بکم لاحقون و بروایت دیگر السلام علیکم اهل الدیار
من قوم مؤمنین ورحمة الله وبرکاته انتم لنا سلف ونحن لکم تبع
رحم الله المستقدمین منکم والمستأخرین وانا لله وانا الیه راجعون
و در احادیث بسیار وارد شده است که هر که نزد قبر برادر مؤمن خود
هفت مرتبه انا انزلناه بخواند از ترس روز بزرگ قیامت ایمن گردد و بروایت
دیگر خدا او و صاحب قبر را بیامرزد و سنت است که در وقت خواندن
دست بر قبر گذارد و رو به قبله باشد و اینکه این دعا بخواند اللهم جاف

الارض عن جنوبهم وصاعد الیک ارواحهم ولقهم منک رضوانا و
اسکن الیهم من رحمتک ما تصل به وحدتهم وتونس به وحشتهم
انک علی کل شیء قدیر و بروایت معتبر دیگر ایستد و این دعا بخواند اللهم
ارحم غربته وصل وحدته وآنس وحشته وآمن روعته واسکن
الیه من رحمتک ما یستغنی بها عن رحمة من سواک والحقه
بمن کان یتولاه و بروایت دیگر مستحب است که نزد قبر مؤمن حمد و
قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و آیة الکرسی
هر یک را سه مرتبه بخواند و سوره انا انزلناه را هفت مرتبه و از حضرت
رسول صلی الله علیه وآله منقولست که هر که در قبرستان مؤمنان
بگذرد و سوره قل هو الله احد را یازده مرتبه بخواند و ثوابش را به اهل
قبرستان ببخشد بعدد مردگان اجر و ثواب یابد و بروایت دیگر هر که
آیة الکرسی بخواند و ثوابش را هدیه اهل قبور کند حق تعالی بعدد هر حرفی
ملکی خلق کند که تسبیح گویند برای او تا روز قیامت و در عصر روز پنجشنبه
و جمعه زیارت قبور مستحب است و در احادیث معتبر وارد شده است
که هر که را مصیبتی وارد شود مصیبت حضرت رسالت صلی الله علیه
وآله را یاد کند که عظیم ترین مصیبتها است و در اخبار بسیار وارد شده
است که هر که در وقت مصیبت دست بر ران خود زند ثواب او حبط
شود و نباید شیون و فریاد کند و واویلاه و وامصیبتاه و واثکلاه بگوید
و در حدیث معتبر منقولست که هر که یک فرزند از او بمیرد و صبر کند

بهتر است از برای او از آنکه هفتاد فرزند از برای او بمانند که همه سوار شوند
و در راه خدا جهاد کنند و منقولست که هر که را خدا دوست میدارد
بهترین فرزندان او را میبرد و منقولست که ثواب مؤمن از مردن فرزندش
بهشت است خواه صبر بکند و خواه نکند و بسند معتبر منقولست که حضرت
صادق علیه السلام در وقت مصیبت این دعا میخواندند الحمد لله الذی
لم یجعل مصیبتی فی دینی و الحمد لله الذی لو شاء ان یجعل مصیبتی اعظم
مما کانت و الحمد لله علی الامر الذی شاء ان یکون فکان و باید که مرد
گان را فراموش نکنند زیرا که دست ایشان از اعمال خیر کوتاه گردیده و از
فرزندان و خویشان و برادران مؤمن امیدوارند و احسان ایشان را چشم
براهند خصوصا دعا کردن در نماز شب و بعد از نمازهای فریضه و در
مشاهد مشرفه بهتر میباشد و زیاده از دیگران باید دعا کرد و اعمال خیر جهت
ایشان بعمل آورد و در حدیث است که بسا فرزندی که در حال حیات پدر و
مادر عاق ایشان باشد و بعد از فوت ایشان نیکوکار گردد بسبب اعمال خیر
که از برای ایشان بعمل آورد و بسا فرزندی که در حال حیات پدر و مادر نیکو
کار باشد و بعد از فوت ایشان عاق گردد بسبب آنکه اعمال خیر که باید بعمل
آورد کم بعمل آورد و بهترین خیرات برای پدر و مادر و سایر خویشان آنست که
قروض ایشان را ادا کنند و ایشان را از حقوق خدا و خلق بری کنند از حج و
سایر عبادات که از ایشان فوت شده باشد سعی کنند باستیجار یا تبرع
بجا آورند و در حدیث صحیح منقولست که حضرت صادق علیه السلام

درهر

در هر شب برای فرزندان خود دو رکعت و هر روز برای پدر و مادر خود دو رکعت نماز بکند
و در رکعت اول انا انزلناه و در رکعت دوم انا اعطیناه بخواند و بسند
صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بسا باشد که میت
در تنگی و شدت بوده باشد و حق تعالی با او وسعت دهد و تنگی را از
او زایل گرداند پس او را گویند که این فرح که از برای تو شد بسبب نماز است که فلان
برادر مؤمن برای تو کرد راوی پرسید که دو رکعت نماز برای
میت کند فرمود بلی و فرمود که میت شاد میشود و فرح مییابد بدعا و استغفار
کسی از برای او کند چنانچه زنده شاد میشود بهدیه که برای او برند و فرمود
که میت داخل میشود در قبرش نماز و روزه و حج و تصدق و سایر اعمال
خیر و دعا و ثواب آن اعمال برای کسی که کرده و برای مرده هر دو نوشته می
شود و در حدیث دیگر فرمود که هر که از مسلمانان برای میتی عمل صالحی بکند
خدا ثواب او را مضاعف میگرداند و میت با آن عمل منتفع میگردد و در
روایتی وارد شده است که هر گاه شخصی بنیت میتی تصدق بکند حق تعالی
جبرئیل را امر میفرماید که با هفتاد هزار ملک بنزد قبر او میروند و هر یک
طبقی در دست دارند از نعمتهای الهی و هر یک باو میگویند السلام علیک
ای دوست خدا این هدیه فلان مؤمن است برای تو پس قبر او روشن
میشود و حق تعالی هزار شهر در بهشت باو کرامت میفرماید و هزار حور
باو تزویج میفرماید و هزار حله باو میپوشانند و هزار حاجت او را روا
میکنند و در حدیث معتبر منقولست که شش چیز بمؤمن میرسد بعد

النفقات اما فرزندان که از جهت او استغفار کنند دوم مصحفی یا کتابی از
کتاب علمی که از او میماند و مردم بعد از او بخوانند و سبب هدایتی که بگذارد و
مردم از ان نفع یابند چهارم درختی که بنشاند پنجم چاهی که حفر نماید که
خلق بعد از او منتفع گردند ششم سنتی که مردم بان عمل نمایند از ارشاد و
خلق یا تصنیف کتاب و ... ان [illegible] در بیان جملی از احکام زکاة
و خمس و احکام ... و ان سه فصل است **فصل اول** در ذکر
ایات و احادیث در وجوب ان و عقاب بر ترک کردن ان بسیار است
از انجمله حق تعالی میفرماید که والذین یکنزون الذهب والفضة و
لا ینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم یوم یحمی علیها فی
نار جهنم فتکوی بها جباههم وجنوبهم وظهورهم هذا ما کنزتم
لانفسکم فذوقوا ما کنتم تکنزون یعنی انکسانی که جمع میکنند طلا
و نقره را و صرف نمیکنند در راه خدا خبر کن ایشان را [illegible]
بشارت ده ایشان را بعذاب دردناک در انروزی که سرخ کنند طلا و نقره را
در اتش جهنم و داغ کنند بان پیشانیها و پهلوها و پشتهای ایشان را و بایشان
گویند اینست انچه که از برای خود جمع کرده بودید الحال بچشید جزای
انرا و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که ندهد
قیراطی از زکوة که بر او واجب است نه مؤمن است و نه مسلمان
در وقت مردن استغاثه میکند که مرا برگردانید بدنیا تا زکوة را بدهم
چنانچه حق تعالی فرموده است حتی اذا جاء احدهم الموت قال

رب ارجعون لعلی اعمل صالحا فیما ترکت یعنی تا وقتی که بیاید یکی
از ایشان را مرگ گوید پروردگارا برگردان مرا بدنیا شاید عمل شایسته
بکنم در اموالی که بعد از خود گذاشته ام و از حضرت سید المرسلین
و ائمه طاهرین صلی الله علیه وآله بطریق صحیح منقولست که هر که طلا
و نقره داشته باشد و زکوة انرا نده حق تعالی او را در روز قیامت
حشر خواهد نمود در زمین نرمی که پا بند نشود [illegible] و مسلط نماید
بر او ماری [illegible] عظیم است و [illegible]
[illegible] از او بگریزد چون داند که از او خلاصی ندارد دست
خود را بدهان او دهد پس بدندان بخاید او را مانند شتر نر پس
بدندان خود [illegible] طوق کرده در گردن او و اینست معنی قول حق تعالی
سیطوقون ما بخلوا به یوم القیمة یعنی زود طوق کرده شود در گردن
ایشان انچه را که بخل ورزیدند در دنیا بان و در راه خدا ندادند که
روز قیامت و هر کس شتر یا گاو یا گوسفند داشته باشد و زکوة انرا
نده حق تعالی حبس کند او را در صحرای ... و پامال کنند او را هر
حیوان شکافته سمی بسم خود و گزند او را بدندان و نیش هر صاحب
دندانی بنیش خود و هر که زراعت داشته باشد و زکوة انرا نداده
باشد ان قطعهای زمین را تا طبقه هفتم طوق کرده در گردن او اندازند
والحال اتش کرده در روز قیامت و بروایت معتبر دیگر هر که زکوة مال
ندهد حق تعالی انمال را اژدهائی گرداند در گردن او که دائم ...

خورد و کوشش باید نمان کرد تا از صاحب حلال حق فارغ شود و در حدیث
دیگر حضرت صادق علیه السلام فرمود که هیچ مالی در صحرا و دریا تلف
نمی شود مگر به ندادن زکوة و حق تعالی میفرماید مَثَلُ الَّذِینَ یُنْفِقُونَ
اَمْوَالَهُمْ فِی سَبِیلِ اللهِ کَمَثَلِ حَبَّةٍ اَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِی کُلِّ
سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَاللهُ یُضَاعِفُ لِمَنْ یَشَاءُ یعنی مثل جماعتی
که صرف میکنند مالهای خود را در راه خدا از زکوة و خمس و جهاد
و حج و غیر اینها مانند دانه ایست که رویانید از آن هفت خوشه و در
هر خوشه صد دانه بوده باشد که مجموع هفتصد برابر میشود و حق تعالی
مضاعف میگرداند یا اضعاف این برای هر که خواهد و آیات و اخبار
در این باب بسیار است و آنچه مذکور شد برای کسی که ایمان به
خدا و رسول داشته باشد کافیست و اما بیان کسی که بر او زکوة
واجب میشود پس بر چند نوع است اول طلا هرگاه مقدار بیست مثقال
باشد و سکه داشته باشد و یکسال نزد او بماند که بدل نکند و ...
مقدار چهل یک از آن میباید داد و بعد از آن هر چهار مثقالی که زیاد
شود بعد از سال چهل یک میباید داد دویم نقره است هرگاه به دویست
درهم برسد که هر یک دوازده نخود و شش عشر نخود باشد موافق
ده دانگی و سکه داشته باشد و یکسال نزد خود بماند بعد از سال چهل
یک میباید داد و همچنین هر چند چهل درهم زیاد شود که ...
بیست و پنج درهم باشد چهل یک از آن میباید داد سیوم شتر است و

و نصاب آن دوازده است اول پنج شتر است و در آن یک گوسفند است
دویم ده شتر است و در آن دو گوسفند است سیوم پانزده شتر است
و در آن سه گوسفند است چهارم بیست شتر است و در آن چهار گو
سفند است پنجم بیست و پنج شتر است و در آن پنج گوسفند است
و گوسفندی که میدهند باید آنست که هفت ماهه یا هشت ماهه باشد
و کمتر نباشد اگر گوسفند دهند و اگر بز دهند یکساله باید داد
ششم بیست و شش شتر است و باید یک شتر ماده یکساله داخل در
دویم بدهد و اگر نداشته باشد شتر نر دو ساله یا در سیم بدهد هفتم
سی و شش است باید شتر ماده دو ساله یا در سیم بدهد هشتم
چهل و شش است باید شتر ماده سه ساله یا در چهارم بدهد نهم
شصت و یک است باید شتر ماده چهار ساله یا در پنجم بدهد دهم هفتاد
و شش است باید دو شتر ماده دو ساله یا در سیم بدهد یازدهم
نود و یک است باید دو شتر ماده سه ساله یا در چهارم بدهد دوازدهم
صد و بیست و یک است و هر چه زیاد شود در هر پنجاه شتر
یک شتر ماده سه ساله میباید داد و در هر چهل شتر یک شتر ماده دو
ساله میباید داد چهارم گاو است و در هر سی گاو یک گوساله تا
بیکساله داخل در دویم بدهد و در هر چهل گاو یک گاو ماده دو ساله
یا در سیم بدهد پنجم گوسفند است و در چهل یک گوسفند
واجبست و در صد و بیست و یک گوسفند دو گوسفند و در دویست

و یک گوسفند سه گوسفند واجبست و در سیصد و یک گوسفند اختلاف
است که چهار گوسفند بدهند و چون چهارصد رسد و هر چه زیاده شود
از هر صد یک گوسفند بدهند و در زکوة هر یک از شتر و گاو و گوسفند
شرطست که در علف مباح چریده باشند در تمام سال پس اگر علف خانه
خورده باشند زکوة واجب نیست و اگر بعضی از سال چریده باشند و بعضی
علف سالانه خورده باشند احوط آنست که اگر چریدن بیشتر باشد زکوة
بدهند و بعضی علما الاکثر کالکل حساب نموده اند لیکن بنابر مشهور و
احتیاط آنست که از روزی که متولد میشوند حساب کنند و در طلا
و نقره و چهارپایان هر سه شرطست که تمام سال بر ایشان بکذرد و سال زکوة یازده
ماهست چون ماه دوازدهم داخل شود زکوة واجب میشود و در گاو
و شتر شرطست که کارکن نباشند پس اگر بار کشند یا خیش کنند زکوة
واجب نیست و گوسفند را از روز تولد حساب میکنند و گاو و
میش را [illegible] حساب میکنند و شتر [illegible] حساب میکنند

شروط زکوة غله و میوه کندم و جو و خرما و مویز است و شرطست که
هر یک بنصاب برسد و نصاب سیصد و شصت من و نیم من است
بسنک تبریز و انکور هر کاه فاسد [illegible] احوط آنست که
زکوة بدهند و شرطست که این غلات در ملک او بحد نصاب رسیده
باشد پس اگر کندم و جو را بعد از درو کردن خرد کسی بخرد زکوة بر فروشنده واجب
است اگر زمین را اجاره کرفته باشد زکوة بر مستاجر واجبست و اگر

مزارعه

مزارعه بکیرد بنصف یا ثلث یا ربع یا دو چهار دهم زکوة حصه مالک بر مالک
واجبست و زکوة حصه عامل بر عامل و اگر حصه هر یک بتنهائی بنصاب
نرسد باشد پس اگر زراعت و باغ آب باران یا آب روان یا آب قنات
یا آب رودخانه خورده باشد ده یک میدهند و اگر از دست یا گاو یا شتر
یا چرخ آب خورده باشد بیست و یک میدهند و اگر از هر دو خورده باشد
بیشتر اعتبار دارد و اگر هر دو مساوی باشند پانزده یک میدهند و خرج
و آنچه آنست غیر از خراج پادشاه چیزی از خرج زراعت بدر نکنند دیگر
دادن زکوة و بعضی اکثر علما بر آنند که تعلق زکوة بانکور در وقت غوره شدن
است پس احوط آنست که اول ارباب خبرت را بیاورند که تخمین کنند که غوره
باغ اکر چه مقدار است و با خود مقرر سازد که از نصف زکوة خواهد داد
تا آنچه خورد از انکور و غوره حلال باشد یا آنکه آنچه بردارد بکشد و حساب
نکاه دارد یا آنچه بردارد عشر غوره را بدهد و هم چنین کندم و جو وقتیکه
دانه بندد و بعضی از علما گفته اند که زکوة واجبست در حبوبات مانند
برنج و ماش و نخود و عدس و امثال اینها هر گاه بنصاب جو و کندم برسد
بهمان شرایط و مقداری که گذشت و مشهور آنست که زکوة اینها سنت
است و در دواب که در علف مباح چرا کنند و سال بر او بگذرد زکوة
سنت است پس اگر مادیان عربی باشند در سالی دو اشرفی چهار
دانک و نیم میدهند و اگر یابو باشد که یکی از پدر و مادر عربی نباشد
سالی یک اشرفی میدهند و در زکوة تجارت جمعی بوجوب قایل شده اند

و شهر یازده است که تمام شده و اتمام البتّه که مال شود از ابتدای حول متعلّق
و در وقت مال التّجاره قصد اکتساب و تجارت بان داشته باشد و تا
که قیمت آن بیکی از نصاب طلا و نقره برسد و در تمام سال از نصاب کم
نماند و در تمام سال از مایه کم نشود که اگر بپایه بیشتر بخرند و اگر چند سال
بماند و در که مایه در کم باشد مستحبّ است که زکوة یک سال از آن بدهند و اگر کم
مایه لاحق باشد هر سال حول یک را بدهند و اگر معاوضه کنند در اثنا
سال بقصد تجارت خلاف هست و احوط آنست که زکوة بدهند و سنّت است
که در وقت درو کردن اگر فقرا حاضر باشند هر قطعه را دسته کنند بایشان بدهند
هر قدر در دست ایشان دراید و در وقت چیدن خرما و انگور باید مشتی بدهند
و بزکوة حساب نکنند و بعضی واجب دانسته اند و احوط آنست که ترک نکنند
اما مستحق زکوة پس هشت طایفه اند اوّل و دوّم فقرا و مساکین و ایشان
کسانی اند که قوت سالیانه خود و عیال خود نداشته باشند و قادر
بر کسبی نباشند که معاش خود و عیال خود را بان توانند کرد و اینها باید
انست که صالح باشند و کذا و سائل بکف نباشند سیّم کسی است که
امام علیه السّلام نصب کند برای گرفتن زکوة و حصّه باو میدهند
و در این زمان نمیباشد غالبا و همچنین چهارم که مؤلّفه قلوبهم اند و
در این زمان نمیباشد غالبا پنجم صرف کردن در ازادی بنده کانست
مثل آنکه اتفاق غلام خود را مکاتب کرده است که مالی بدهد و آزاد شود
و او عاجز باشد از دادن آن اگر براق زکوة واجب باشد باید که قدری

آن

از زکوة از مال کتابت او حساب کنند و الا دیگران از زکوة حصّه باو بدهند
که باقی را بدهد و ازاد شود یا غلامی که ازد مکشا قادر تعب و شدت باشد
از مال زکوة بخرند و ازاد کنند ششم قرض داران اند که قرض کرده باشند
و در معصیت خرج نکرده باشند در ادای قرض ایشان میتوان داد
هفتم فی سبیل الله است یعنی خرج در راههای خدا مانند جهاد فی
سبیل الله و زیارت حاجیان و زائران ائمّه معصومین و بنای مساجد و
پلها و امثال اینها و بعضی گفته اند که مخصوص جهاد است در زمانی
که جهاد حق باشد و این احوط است هشتم ابن السّبیل است و انکسی
است که غریب افتاده باشد و خرج رفتن بخانه خود نداشته باشد و آن
مقدار را باو میدهند که بخانه خود برسد اگر سفرش معصیت نباشد
و باید که کسی که باو زکوة میدهند غیر مؤلّفه شیعه اثنی عشری باشد
و احوط آنست که اجتناب از گناهان کبیره کند خصوصا شراب خوردن
و دیگر شرط است که واجب النّفقه مالک نباشد مثل پدر و مادر و جد
و جدّه هر چند بالا روند و فرزندان و فرزند زادگان هر چند پائین
روند و زن و بنده و بهتر آنست که زکوة را بخویشان پرهیزکار بدهند
غیر اینها که مذکور شد اند اگر مضطر شده باشند و غیر سیّد زکوة
بسیّد نمیتوان داد اما سیّد زکوة خود را بسیّد و غیر سیّد میتواند داد
و غیر سیّد احوط آنست که بشرعیت هم بدهند و بهتر آنست که زکوة را بمجتهد
مجتهد عالی که مصارف زکوة را داند بدهد که او صرف برساند فصل

دوم در خمس است بدانکه خمس در هفت چیز واجب میشود **اول** غنیمتی
کمال کافران در جنگ بگیرند خواه در جنگ گاه باشد و خواه در بیرون
دوم معادنست مانند طلا و نقره و مس و سرب و یاقوت و زبرجد و
سرمه و عنبر و قیر و نفت و کبریت بعد از آنکه خرج بیرون آوردن بدر
رود و پنج یک آنرا باید داد و مشهور آنست که نصاب ندارد و بعضی
گفته اند نصابش یک دینار است تا بیک دینار نرسد خمس واجب نیست
و بعضی بیست دینار گفته اند یعنی بیست مثقال که نصاب اول طلا است
و اگر معادن بسیار قایل شده اند خالی از قوتی نیست و اگر چند کس شریک
باشند باید که حصه هر یک جدا بنصاب برسد **سوم** گنجست یعنی
مالی که در زمین پنهان کرده باشند پس اگر کسی در بلاد کفار بیابد
که در انجا مسلمان نباشد هر چند سکه اسلام داشته باشد یا
در دار الاسلام بیابد و سکه اسلام نداشته باشد و به بیست
دینار یعنی بیست مثقال برسد اگر طلا باشد خمس از ابتدا بدهد و
باقی از اوست و اگر نقره باشد و به دویست درهم برسد که موافق بیست و
ده دانگی دوازده هزار و ششصد دینار است و اگر غیر طلا و نقره باشد
قیمت آن بیکی از این دو مقدار برسد و اگر سکه اسلام داشته باشد
یا علامتی که دلالت کند بر آنکه از مسلمانی بوده است مشهور میان
علما آنست که حکم لقطه دارد و میباید یکسال تعریف کند اگر صاحبش
پیدا شود بصاحب بدهد و الا مخیر است میان مالک شدن و تصدق

کردن

کردن و بامانت نگاه داشتن و اگر بعد از تصدق پیدا شود صاحبش بدل تصدق
و راضی نباشد عوض بدهد و ظاهر اخبار آنست که اگر از زمینی زمین ها
قدیمه است لقطه است و اگر چیزی در زمین باشد که نیست خواه اثر اسلام
داشته باشد و خواه نداشته باشد و جمعی باین قایل شده اند و خالی
از قوتی نیست و اگر گنج را در زمین خود بیابد که از دیگران باو رسیده باشد
از اوست و اگر خمس او را بدهد احوط است و اگر زمین را خریده باشد
تعریف میکند بایع نزد او و دور اگر ایشان بدهند که ظن صدق ایشان
حاصل شود با ایشان میدهد علی المشهور و الا از اوست و باز احوط
آنست که خمس از او بدهد و هم چنین اگر حیوانی بخرد چون شتر و گاو و گوسفند و
ان چیزی بیابد تعریف میکند بایع اگر ایشان ندهند از اوست و احوط
اخراج خمس است و اگر در شکم ماهی بیابد خمس بدهد احتیاطا و باقی
از اوست و ان ملحق کرده اند حیوانات شکاری را مانند آهو و اگر محتمل
باشد که در خانه مالک سابق خورده باشد احوط آنست که باو تعریف
بکند **چهارم** چیزیست که بغوص از دریا بیرون آورند مانند مروارید
و مرجان و نصاب در ان معتبر است و مشهور آنست که نصابش یک دینار
باشد یعنی یک مثقال شرعی تمام وزن و بعضی بیست دینار گفته اند و اگر
چند دفعه در او زده و از نصاب با هم حساب میکند هر چند
در میان ترک غوص کرده باشد علی الاحوط و اگر چند کس شریک باشند
حصه هر یک میباید بنصاب برسد و اگر عنبر را از دریا بغوص بدر

اورا حکم مرده بخشد و اگر از وی جواب با تمامی نداده مشهور آنست که
حکم معدن دارد و احوط آنست که بر حال خمس از او بدهند و غایت
نصاب دادن نکنند **پنجم** فاضل قوت سال است از ارباح تجارتها
و زراعتها و جمیع کسبها و مشهور آنست که در میراث و بخشش و صدقه خمس
نمی‌باشد و خرج سال آنچه لازم او بوده میکند قدر وسط مناسب شان
الشخص اعتبار کرده اند و اگر اسراف کرده باشد خمس آنچه اسراف کرده
است بیرون میکنند و اگر بخل و تنگ گرفته باشد از آنچه [illegible]
کنند علی المشهور و احوط آنست که از هر چه زیاده باشد بدهند [illegible]
لهذا احتیاط آنست که هر چه حاصل شود خرج بکند [illegible]
مونه خمس بدهند و اگر در اثنای سال اخراجات ضروریه واقع شود [illegible]
خرج کند [illegible] رسول و ائمه صلوات الله علیهم
و امثال آنها [illegible] بیرون میکنند [illegible]
که ظاهر کند جمیع را بیرون میکنند [illegible]
قابل شده است که در میراث و صدقه [illegible] خمس واجبست [illegible]
حدیث صحیح وارد شده است که اگر از شخصی [illegible]
از جائی که گمان نداشته باشد [illegible] از دشمنان دین باو رسد
خمس باید داد و [illegible] **مسئله** و ظاهر آنست که [illegible]
و نص [illegible] از [illegible] خمس از [illegible]
از بار رضای ذوی [illegible] و اگر [illegible] مشهور میان علما

کتاب

که خمس [illegible] و اکثر [illegible] علما [illegible] خمس [illegible]
[illegible] مال حلالیست که مخلوط شده باشد بحرام و صاحبان آن [illegible]
از آمیخته [illegible] سادات [illegible] و بعضی از [illegible] سادات
[illegible] و بعضی گفته اند [illegible] سادات [illegible] و توانا [illegible]
اگر [illegible] بدهند [illegible] و اگر [illegible] صاحبش [illegible]
[illegible] واجب است که [illegible] و اگر [illegible]
[illegible] احتیاط [illegible] و بعضی گفته اند [illegible] خمس را
[illegible] صاحب [illegible] و بعضی گفته اند [illegible] صاحب [illegible]
[illegible] صاحب [illegible] احتیاط [illegible] و اگر [illegible]
[illegible] سعی میکنند تا صاحبانش [illegible] و اگر [illegible]
[illegible] صورت [illegible] برد [illegible]
[illegible] که کل را یا بعض [illegible] صاحب [illegible]
که [illegible] صاحب [illegible] و احوط آنست که [illegible]
خمس مشهور میان علما آنست که شش حصه میشود چنانچه ظاهر [illegible]
است و حصه خدا و رسول و ذوی القربی که [illegible] خمس است [illegible]
حضرت رسول از امام زمانست و نصف دیگر سه حصه میشود
که یتیمان سادات و مسکینان سادات و ابناء السبیل سادات [illegible]
و مراد از [illegible] مشهور [illegible] از جانب [illegible]
المطلب [illegible] مسکین و ابن السبیل [illegible]

پریشان باشد و ابن السبیل را افتد و میدهند که بشهر خود رود و از آنجا
معتبر ظاهر میشود که در زمان حضور امام علیه السلام جمیع خمس را بحضرت
آنحضرت میبرده‌اند حضرت نصف خمس خود را برمیداشته و نصف دیگر را
بسادات میداده‌اند که مذکور شد بطریقی که بقدر کفاف ایشان در
یکسال میداده‌اند و آنچه زیاد می‌آمد خود برمیداشته‌اند و اگر کم می‌آمد
تتمه را از حصه خود تتمه را میداده‌اند و ایشان بمنزله عیال آنحضرت
بوده‌اند و در زمان غیبت خلاف است که حصه سادات را بعلمای
اثنی عشری بدهند که بسادات برسانند بقدر احتیاج ایشان اما
نصف دیگر خمس که حصه آنحضرت است در زمان غیبت خلاف است
و مشهور آنست که بعلمای عادل باید داد که بر سبیل تتمه بغیر بستان آنحضرت
بسادات بدهند و اگر چیزی زیاد آید حفظ کنند و بعد از ظهور بعالی
دیگر بدهند که اگر سید پریشانی بیابند بدهند و الا از برای آنحضرت حفظ
کنند و این فرض در این زمانها بسیار نادر است زیرا که سادات پریشان
بسیارند و خمس دهندگان کمند و جمعی گفته‌اند که در زمان غیبت
این حصه را بر شیعیان حلال کرده‌اند و این حق بوجهی نیست زیرا که
از حضرت صاحب الامر علیه السلام روایت صریحی نرسیده است
که بر شیعیان حلال کرده باشد بلکه خلاف ظاهر است زیرا که در زمان
غیبت صغری که هفتاد سال و کسری بود نایبان آنحضرت ابو عمرو عثمان
عمری و ابو جعفر محمد و حسین بن روح و علی بن محمد سمری رضی الله عنهما

حصه آنحضرت را بلکه جمیع خمس را از شیعیان میگرفتند و فرموده آنحضرت
بمردم میدادند و ظاهر است که در این زمان نیز نایب تمام آنحضرت که
علمای ربانی و محدثان و حاملان علوم ایشانند باید بگیرند و بسادات
که عیال آنحضرتند برسانند و الا باید بسادات که اشرف خلقند با
از گرسنگی و برهنگی بسائل بکف شوند و از همه کس ذلیل تر باشند زیرا که
زکوة و صدقات واجبه بر ایشان حرام است و خمس را بعوض آن بایشان
داده‌اند و بسبب اختلافی که میان علما هم رسیده است و بعضی علما
حصه اصل خمس را ابراء داده‌اند و منع خمس باعث این شده است که اکثر
سادات بفقر و فاقه مبتلا شده‌اند و حقوق ایشان و اجداد ایشان بر
ذمه اغنیا مانده و بر اعتقاد بعضی که امام برایشان رحم کرده باشد که
زمانهای تقیه و خوف و تعدیات که از خلفای جور بر ایشان واقع
شد حلال کرده باشند ایشان چگونه بر خود هموار میکنند که خود
و خویشان و اقارب امام خود را در فقر و اضطراب ببینند و برایشان رحم
نکنند و باز در قیامت امید شفاعت از ایشان داشته باشند و بعلاوه
آنکه فرموده‌اند که بطریق احوال مردم در روز قیامت وقتی خواهد بود که
صاحبان خمس تحت ایستند و بگویند پروردگارا خمس خود را میخواهیم و حضرت
صادق فرمود که من یکدرهم خمس را از شما میگیرم تا آنکه مال من از
اهل مدینه بیشتر است نمیگیرم مگر از برای آنکه شما پاک شوید از
گناه و از حقوق ما و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که

احسان بالحمدی از اهل بیت من بکند من مکافات میدهم او را در قیامت
و اکثر علما برآنند که اگر صاحب مال خود حصه امام را بسادات بدهد
بری الذمه نمیشود مگر آنکه دسترسی بعالم مجتهد عادل نرسد و بکیان فقیر
همه خمس را حکم دارد فصل چهارم در بیان فضیلت و کیفیت اعتکافست
اعتکاف مکث است در مسجد جامع بقصد عبادت و آن سنت مؤکد
است بمقتضای آیات و اخبار بسیار خصوصا در دهه آخر ماه رمضان
چنانچه حضرت سید المرسلین همیشه در دهه آخر ماه مبارک
رمضان اعتکاف مینمودند مگر یک سال که در آن جنگ بدر واقع شد
و در سال بعد از آن بیست روز اعتکاف داشتند ده روز قضای
کن شته بوده روز ادا و از آنحضرت منقولست که اعتکاف دهه آخر
ماه رمضان برابر است با دو حج و دو عمره و اعتکاف بنذر و شبه آن
مانند عهد و قسم و اجاره دادن خود بغیر واجب میشود و اگر بغیر
واجب شده باشد و نکرده باشد احوط آنست که بیرون رفته قضا کند
و بعضی گفته اند بعد از نیت کردن و شروع واجب میشود و بعضی
گفته اند روز سیم واجب میشود و هم چنین ششم و نهم و دوازدهم و
پانزدهم و هر چند بالا رود و این نیست و بعضی گفته اند مطلقا واجب
نمیشود تا آن اسباب وجوب بعمل نیاید و این قول اقوی است و احوط
آنست که در اول شبهای مذکوره تجدید نیت کنند بقصد قربت و بهتر
آنست که معتکف شرط کند پیش از آنکه رجوع کند اگر او را مانعی عارض

شود بیرون تواند رفت از اعتکاف و ظاهر جمعی آنست که جایز است شرط
رجوع باختیار بی تقیید بعارض و مانع و بعضی در این مضایقه کرده
اند و ظاهرا عارض و مانع اعم از عارض دنیوی است و محل این شرط و اعتکاف
است در نیت اعتکافست و در نذر آن و جماعتی از اصحاب ذکر کرده
اند که محل آن نذر اعتکاف واجب بنذر است که اگر در ضمن عقد لازم است خالی
از اشکال نیست و فایده شرط آنست که نزد عارض مطلقا اگر خواهد
رجوع تواند کرد اگر چه در روز سیم باشد و فایده دیگر آنکه اگر با شرط رجوع
کند قضا بر او واجب نیست فایده مکان اعتکاف جمعی از اصحاب گفته
اند که در غیر مسجد مکه و مدینه و مسجد کوفه و مسجد بصره اعتکاف نمیتوان
و بعضی بجای مسجد بصره مسجد مداین را گفته اند و بعضی هر دو را گفته اند
و خلاف در این باب بسیار است و مسجد مداین در این زمانها گویا معلوم
نیست و مسجد بصره در این اوقات در بیابان واقعست و اعتکاف در
آن مشکلست و گفته اند مراد بمسجد مکه و مدینه ما عدا نیست که در
زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله مسجد بود نه آنچه بعد الحاق
کرده اند و ظاهر آنست که در هر مسجد جامعی اعتکاف توان کرد و مراد بمسجد جامع
مسجد بزرگیست در بلد که در آنجا نماز جماعت کنند و مخصوص محله نبوده
باشد و اکثر علامات شهر در آنجا برای اقامت جمعه یا جماعت حاضر شوند
که متعدد نباشد مثل مسجد جامع عباسی و مسجد قدیم در اصفهان و اما
اما مثل مسجد اقانور و مسجد عباس آباد محل تأمل است و احوط آنست که

اگر در مکه و مدینه و کوفه باشد در غیر این سه جا مخصوص به واقع نسازد و در
بلاد دیگر احوط آنست که در مسجد کبیر بلد که مشهور بجامع باشد بجا آورند
و اگر مسجد بزرگ [illegible] باشد احوط است و شاید احتیاط آنست که قصد کنند
که اعتکاف میکنم در این مسجد اگر مطلوب شارع باشد بعنوان اعتکاف و غرض
فیها و الا در مسجد عبادت میکنم از برای رضای خدا یا قربة الی الله و شرط
است در اعتکاف اینکه سه روز باشد و مشهور آنست که دو شب [illegible]
داخلند و بعضی گفته اند شب اول نیز داخلست و احوط آنست که نیت
بغروب آفتاب نیت اعتکاف بکند تا شام [illegible] و اگر با صبح روز چهارم قصد
کند [illegible] احتیاط است و شرط است در اعتکاف که معتکف روزه بگیرد
خواه روزه واجب و خواه سنت و در روزه سنت باید برخصت کسی
باشد که رخصت ایشان در روزه سنت شرط است مانند شوهر زن
و ما لک بنده را و احوط آنست که فرزند برخصت پدر و مادر اعتکاف
سنت نکند و مهمان برخصت مهماندار و بر عکس واقع نسازد [illegible]
در اعتکاف شرط است و ظاهرا قصد قربت کافیست و واجب است که
بیرون نرود از مسجدی که اعتکاف میکند بدون ضرورتی مانند نماز
جمعه اگر در غیر آن مسجد کنند یا عیادت بیمار مؤمن یا حاضر شدن
در تشییع مؤمن یا قضای حاجت مؤمن یا برای حاجات ضروری خود
مانند بیت الخلا رفتن و غسل جنابت اگر محتلم شده باشد و در غسل
جمعه بنا بر قول باستحباب آن و سایر اغسال مستحب اگر در مسجد نتوان

کرد اشکالی هست و مشهور آنست که نمیتواند کرد و همچنین جایز است بیرون رفتن
از برای تحصیل آب و نان و سایر ضروریات اگر کسی نداشته باشد که بجای
او تحصیل نماید و همچنین جایز است بیرون رفتن از جهت گواهی دادن
و گواه شدن اگر دیگری نباشد و نتوان در مسجد بجا آوردن و چون
بدر رود باید [illegible] ننشیند تا بر گردد بمسجد و بهتر آنست که در زیر سقف
راه نرود تا ممکن باشد و از راههای نزدیک تر برود بطهارت و بیت
الخلا نزدیک تر برود اگر ممکن باشد و توقف بسیار زیاده از ضرورت
واقع نسازد و چون وقت نماز شود نماز را در جای دیگر غیر آن مسجد که
محل اعتکاف اوست نکند مگر در مکه معظمه که در هر جا میتواند کرد
و اگر وقت تنگ شود در جای دیگر میتواند کرد و اگر سهوا از مسجد بیرون
رود اعتکاف باطل نمیشود مگر آنکه زمان بسیار بکشد و بعضی گفته اند
نکوهیده و همچنین اگر جبرا او را بیرون برند و احوط آنست که جزو بدن را از
مسجد بیرون نکند و بعضی منع کرده اند از رفتن ببام مسجد و ظاهر اگر
داخل مسجد باشد قصوری ندارد و بدانکه حرامست بر معتکف جماع
کردن با زنان در روز و شب و همچنین حرامست بوسیدن بشهوت
و دست بدن مالیدن بشهوت و احوط اجتناب است از هر دو اگر
چه بشهوت نباشد و حرامست طلب منی کردن اگر چه بکفتگو باشد
هرگاه عادتش آن باشد که از او منی آید بسبب آن و احوط آنست که [illegible]
دست بر ذکر نمالد و حرام است بوی خوش و گل بوئیدن هر گل که باشد

علی المشهور و جدال و نزاع با کسی نکند و احوط آنست که اجتناب کند علی نحو
نکند مگر بعد از اظهار حق و رفع باطل و فروش نکند مگر برای ضرورت و زیادت
خود و احوط آنست که هر کس از برای خود قرار دهد که اینها را بکند و احوط
آنست که مطلقا معاملات نبود [?] و اگر واقع سازد [illegible] و نکاح او
جمیع افعالی که در اعتکاف حرام است روزها و شبها حرام است مگر
خوردن و آشامیدن که در شب جایز است نه در روز و هر چه روزه
باطل میسازد اعتکاف را نیز باطل میکند اگر در روز بعمل آورد و در
شب افطار میتوان کرد [?] مستثنا است غیر جماع و استمنا واقع میتوان [illegible]
و اولی اجتناب است از غیر اکل و شرب و اگر جماع کند اعتکاف باطل
میشود و کفاره میدهد اگر اعتکاف واجب باشد هر چند روز اول
دو یا اعتکاف سنت خلافست و احوط کفاره است اگرچه جماع
در شب واقع شود و احوط آنست که هرچه روزه را باطل میکند اگر
در روز واقع سازد کفاره بدهد احتیاطا و کفاره بنده آزاد کردن است
اگر تواند و الا دو ماه پی در پی روزه گرفتن و الا شصت مسکین را طعام
دادن و بعضی گفته اند مخیر است میان اینها و اولی احوط است بلکه
اظهر این اگر جماع در شب واقع شود یک کفاره میدهد و اگر در روز
ماه رمضان واقع شود دو کفاره میدهد یکی مرتبه و دیگری مخیره و بعضی
گفته اند که اگر در روز غیر ماه رمضان واقع شود باز دو کفاره میدهد
و آن بعید است و بیع و شرا و سایر محرمات غیر از جماع سبب بطلان

اعتکاف نمیشود و کفاره با آنها واجب نمیشود و در بطلان استمنا و
کفاره به سبب آن خلافست و احوط اتمام است و کفاره اگر در شب
واقع شود و اگر در روز واقع شود استمنا باطل میکند اعتکاف را البته
و کفاره میباید داد احتیاطا و احکام اعتکاف بسیار است و باین مختصر
بود اکتفا کردیم **خاتمه** در بیان کفارات بدانکه کفاره بر دو نوع
است **اول** کفارات احرام حج و غیره و کفارات در بحث حج بیان کردیم
دوم سایر کفارات است و آنها بسیار است و بعضی متفق علیه و
بعضی مختلف فیه و بعضی واجب و بعضی سنت و بعضی مرتب و بعضی
مخیر و جمع [illegible] بیان بسیار بطول [illegible] طالبان از ذلک [illegible]
ابدی و محصل [illegible] بیان میشود **اول** کفاره
افطار روزه ماه مبارک رمضان است و آن واجب میشود بخوردن و
آشامیدن چیزی که خوردن یا آشامیدن آن معتاد و متعارف باشد
[illegible] غیر معتاد خلافست و اشهر و اقوی وجوب است و جماع کردن
در قبل زنان اتفاقا و در دبر زن علی الاقوی و باقی ماندن بر جنابت
عمدا تا طلوع صبح علی الاقوی و بخواب رفتن با جنابت و نیت غسل
تا صبح علی الاحوط و بخواب رفتن بعد از بیدار شدن یک مرتبه باز یاد
تا صبح علی الاحوط و رسیدن غبار غلیظ بحلق بنابر قول جمعی و طلب
منی کردن و دست بازی کردن یا مکر [?] نظر کردن بزن تا منی بیاید علی
الاحوط و قی کردن عمدا بنابر قول بعضی و حقنه کردن و شاف [illegible]

کردن بنابر قول بعضی و بعد وضع نشستن بر خدا و رسول و ائمه معصومین ع
بنابر قول بعضی و بسر فرو بردن عمدا در آب بنابر قول بعضی هر گاه یکی از
این امور را بعمل آورد عمدا و مسئله را داند کفاره باید داد در بعضی
اینها عاود در بعضی احتیاطا و اگر از روی سهو باشد کفاره ندارد و اگر
مسئله را نداند در کفاره خلافست و احوط کفاره است و اگر افطار
بحلال باشد کفاره ملک بنده آزاد کردن یا دو ماه پی در پی روزه گرفتن
یا شصت مسکین را طعام دادنست و بعضی بر ترتیب قائل شده اند
یعنی اگر قادر باشد به بنده آزاد کردن مقدم است و الا دو ماه
روزه و اگر از این نیز عاجز باشد شصت مسکین را طعام بدهد و قول
اول اقوی و ثانی احوطست و اگر افطار بحرام کرده باشد مانند شرب
خمر و زنا یا خوردن مال مغصوب ذات موزنا و لواطه بعضی از علما قائل شده
اند که هر سه کفاره بر او واجب میشود و بعضی گفته اند افطار بحلال و اقوی
اول احوطست فائده هر گاه مرد قضای روزه ماه رمضان بعد از زوال
افطار کند مشهور آنست که کفاره واجب است و بعضی گفته اند مستحب است
و اشهر و اقوی آنست که کفاره ده مسکین طعام دادنست و اگر عاجز شود
سه روز روزه میگیرد و بعضی گفته اند مانند ماه رمضان است و بعضی گفته اند
قسم و بعضی کفاره افطار ماه رمضان میدانند فائده کفاره ظهار
آنست که کسی بزن خود بگوید انت علی کظهر امی یعنی تو بمن مانند
پشت مادری یا خواهر یا سایر محارم علی الاشهر اگر اینها بگوید در وقتی

که زن حایض نباشد و در آن طهر با او جماع نکرده و در حضور دو عادل
بگوید پس اگر خواهد که جماع کند باید که کفاره بدهد و اگر بدون کفاره
جماع کند دو کفاره بر او واجب میشود بنابر مشهور و کفاره مثل کفاره افطار
کردنست و اگر عاجز شود دو ماه پی در پی روزه داشتن و با عجز شصت مسکین
را اطعام کردن فائده کفاره ایلا است یعنی قسم بخورد که زوجه دائمه خود
را چهار ماه یا زیاده وطی نکند روزه تا او را نزد حاکم شرع برد و حاکم حکم کند
که او را طلاق بگوید یا وطی کند و اگر اختیار وطی نماید باید که کفاره بدهد
و کفاره اش کفاره قسمست که بعد از این مذکور میشود ان شاء الله تعالی
فائده کفاره مخالفت نذر است یا آنکه قسم بخورد یا نذر یا عهد کند بر ادا
بر کردن فعلی که ترکش رجحان نداشته باشد یا ترک کردن فعلی که فعلش
رجحان نداشته باشد و مخالفت قسم نماید و کفاره اش آنست که بنده
آزاد کند یا ده مسکین را جامه بپوشاند یا ده مسکین را طعام و اگر از همه
عاجز باشد سه روز پی در پی روزه بدارد فائده کفاره مخالفت نذر است
یا آنکه نذر کند فعل امری اگر راجح باشد یا ترک امری که مرجوح باشد و مخالفت
نماید کفاره اش بعضی گفته اند مانند کفاره قسمست و بعضی گفته اند
مانند کفاره افطار ماه رمضانست که بنده آزاد کردن یا دو ماه روزه
گرفتن یا شصت مسکین طعام دادن و بعضی گفته اند که اگر نذر تعلق
بروزه داشته باشد کفاره اش کفاره افطار ماه رمضانست و اگر
تعلق بغیر روزه داشته باشد کفاره اش کفاره قسم است و این قول

خالی از قوتی نیست و احوط آن کفارهٔ ماه رمضانست مطلقا هفتم کفارهٔ
مخالفت عهد است که با خدا عهد کرده باشد که امر راجحی یا غیر مرجوحی بجا
آورد یا ترک کند امر غیر راجحی یا مرجوحی را و مخالفت نماید و در
کفاره اش مانند کفارهٔ نذر خلاف هست و احوط آنست که در نذر مذکور
شد هشتم قسم خوردن بعنوان بیزاری از خدا و رسول و ائمه علیهم السلام
است و این حرام بود چنین قسم خلاف نیست و لیکن در وجوب کفاره
بچنین قسمی یاد کردن خلاف هست بعضی گفته اند کفاره اش کفارهٔ ظهار
است اول آزاد کردن بنده و با عجز از آن دو ماه پی در پی روزه داشتن و با عجز
از آن شصت مسکین را طعام کردن و اگر عاجز ده مسکین را طعام یا
کسوه دهد و اگر عاجز شود سه روز متوالی روزه بدارد و بعضی گفته
اند که کفاره اش کفارهٔ نذر است و ابن بابویه گفته است که روزه
بدارد ده مسکین را طعام بدهد و بعضی گفته اند که ذکر شد است و
کفاره ندارد و در روایت صحیح وارد شده است که صفار بخدمت حضرت
امام حسن عسکری علیه السلام نوشت که مردی سوگند یاد کرد به
بیزاری خدا و رسول و مخالفت کرد توبه و کفارهٔ او چیست حضرت فرمود
که ده مسکین را طعام دهد هر مسکینی را یک مد و طلب آمرزش بکند
از خدا و بعضی از علما باین مضمون قائل شده اند و خالی از قوتی نیست
و ایضا خلاف کرده اند که آیا کفاره برای اصل سوگند خوردنست یا برای
مخالفت کردن سوگند و باید که چنین سوگندی یاد نکند و اگر بکند

بعضی

بعضی سوگند عمل بقول اول بکند اگر ظاهر است که عمل بروایت مجزی نیست
نهم بعضی از علما قائل شده اند کسی که در مصیبت موی سر خود را
ببرد کفارهٔ افطار ماه رمضان میدهد بنابر قول بعضی و همچنین
مخیر بقول بعضی و بعضی گفته اند که ماه دارد و کفاره ندارد و روایتی وارد
شده است که کفارهٔ افطار ماه رمضان لازم است و احوط عمل بروایت
و بعضی تراشیدن موی را نیز الحاق کرده اند ببریدن در وجوب کفاره
دهم هرگاه زن در مصیبت موی سر خود را بکند یا روی خود را بخراشد
یا مردی جامه خود را در مرگ فرزند یا زوجه خود چاک کند کفارهٔ قسم
لازم میشود بنابر قول بعضی و روایتی باین مضمون وارد شده است و لیکن
است هر چند وجوب ثابت نیست یازدهم مردی که با زن یا متعه
یا کنیز خود در ایام حیض جماع کند در قبل بعضی کفاره واجب دانسته
اند و بعضی سنت و مشهور میان علما آنست که اگر در اول حیض باشد
یک اشرفی تصدق میکند و اگر در وسط حیض نیم اشرفی و در آخر حیض ثلث
اشرفی و احوط عمل بقول کفاره است دوازدهم کسیکه بخواب رود و
نماز خفتن نکرده باشد تا نصف شب بگذرد بعضی گفته اند واجب
است که از فردا روزه بدارد و اشهر استحباب است و بعضی علما
الحاق کرده اند و مشهور آنست که بنابر وجوب اگر روزه ندارد کفاره
کرده است و کفاره ندارد و بعضی لازم دانسته اند کفارهٔ افطار ماه
رمضان را و این قول ضعیف است و احوط آنست که هرگز قضا بکند

سیم کفاره قتل عمد است که واجبست بر کسی که بنده را بکشد یا کاری کند که باعث
کشتن او باشد بنسبت بکسی که قصاص نداشته و کشته شود که قصد کشتن
نداشته باشد کفاره اش اینست که بنده آزاد کند و دو ماه متوالی
روزه بدارد و شصت مسکین را طعام بدهد چهارم کفاره قتل خطا
ست که کسی را بنادانی بکشد یا انکه قصد قتل نداشته باشد و کاری
کند که غالبا کشنده نباشد و او کشته شود مانند انکه طفلی را برای تا
دیب بزند و او بمیرد یا تیری بسوی آهوی بیندازد و بشخصی بخورد و
کشته شود یا دزد را بر کسی بخورد و او بیفتد و بمیرد و اکر خود مباشر قتل
نباشد و کاری کند که او سبب قتل شود مثل انکه چاهی در راهی بکند
و کسی در ان چاه بیفتد و بمیرد یا سنکی در راهی بکذارد و باعث قتل
کسی شود مشهور انست که کفاره لازم نمیشود هر چند دیت لازم شود
و کفاره بنده آزاد کردنست و بعد از عاجز شدن از ان دو ماه متوالی
روزه داشتن و بعد از عجز از ان شصت مسکین را طعام دادن پنجم
اکر کسی زنی را در عده دیکری تزویج کند میباید که از ان زن مفارقت
کند و بقول بعضی از علما پنج صاع از ارد تصدق کند و احوط انست که
اکر زن دیکری را عقد کند نیز این کفاره را بدهد یا پنج درهم تصدق کند
ششم کسی که مملوک خود را زیاده از حد شرعی بزند بعضی از علما فرموده
اند موافق بعضی از روایات واجبست که ان مملوک را بکفاره این عمل آزاد
کند و این احوط است و اکر او را بعمد بکشد کفاره جمع میدهد و اکر

بخطا بکشد کفاره قتل خطا میدهد و واجبست که قیمت ان غلام را تصدق
کند بنا بر مشهور هفتم کسی که روزه ماه رمضان را افطار کند بسبب
بیماری اکر تا ماه رمضان دیکر بیمار باشد مشهور و اقوی انست که قضا ساقط
میشود برای هر روزی یکمد یا دو مد طعام میدهد علی الخلاف و بعضی
کفته اند قضا میکند و ابن جنید کفته است که احتیاطا هر دو را
میکند و اکر در ما بین دو رمضان از مرض برطرف شود و قادر بر روزه باشد
و بی عذری تاخیر کند تا انکه ماه رمضان دیکر بیاید مشهور و اقوی
انست که بعد از ماه رمضان هم قضا میکند و هم برای هر روزی یکمد یا دو
مد میدهد و بعضی کفاره را واجب ندانسته اند و بعضی کفته اند
که کفاره در صورتیست که عزم بر قضا نداشته باشد و اکر عازم بر قضا
باشد و بعد از تنک شدن وقت بیماری یا عذر دیکر عارض شود
قضا را بکیرد و کفاره نیست و قول اول قوی تر است هشتم نوادر
کفاراتست از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کفاره
عمل سلطان قضای حوایج مؤمنانست و کفاره غیبت انست که برای
انشخص که او را غیبت کرده است استغفار کند و کفاره مجالس انست که
چون از مجلس برخیزد بکوید سُبْحانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمّا يَصِفُونَ وَ
سَلامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِينَ و کفاره خنده انست
که بکوید اللّهُمَّ لا تَمْقُتْنی یعنی خداوندا مرا دشمن مدار و بر من غضب
مکن و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست

که هر کس که بنده بکری بگوید لا اب لک و لا ام لک یعنی تو را پدر مباد و تو را
مادر مباد باید که چیزی تصدق کند و کسی که بگوید نه بحق پدرم یا بجان
پدرم کفاره اش اینست که بگوید لا اله الا الله و خلافست در این نوع از قسم
مثل بجان خود یا بجان تو یا بحق پدرم بعضی حرام دانسته اند و اشهر کراهت
و احوط ترکست و اما احکام کفارات مذکوره پس در چند فصل بیان
میشود اول هرگاه بنده باید آزاد کرد در کفاره قتل میباید که آن بنده
مؤمن باشد و در باقی کفارات خلافست و احوط رعایت ایمانست
و در کفاره قتل احوط اینست که بالغ باشد و در غیر آن مرددند و بالغ
و نابالغ مجزیست و نباید که آن بنده کور و صاحب خوره و زمینگیر باشد
و مولی جراحتی باو نرسانیده باشد که موجب عتق او باشد و بعضی گفته
اند که نباید خصی و لال و کر و ولد الزنا باشد و مشهور اجزاست و احوط ترک
است و غلام گریخته را مشهور آنست که آزاد میتوان کرد تا علم بمرگش بهم
نرسد و بعضی شرط کرده اند که خبر از او برسد و بعضی شرط کرده اند که
ظن حیات او باشد دوم در کفاره مرتبه تا از بنده آزاد کردن عاجز
نشود بروزه منتقل نمیشود و هرجا که روزه دو ماه باشد میباید که متوالی
بگیرد و متوالی بیک ماه و یک روز که متصل بگیرد بعمل میآید یعنی که اگر بعد
از آن بدون عذر افطار کند نباید که از سر بگیرد و اما تفریق جایز است
بی عذری یا حرام است اول اظهر است و ثانی احوطست و اگر پیش از
یک ماه و یک روز بی عذر افطار کند از سر میگیرد و اگر بعذری باشد مثل

حیض

حیض و نفاس و بیهوشی و دیوانگی و بیماری و سفر ضروری بعد از زوال عذر
بنا میگذارد و تمام میکند و همچنین اگر مجبور شود در افطار روزی بنا
بر اقوی و هرجا که کفاره دو ماه متوالی باشد اگر کفاره دهنده بنده
باشد یک ماه پی در پی میگیرد علی الاقوی سیم هرجا که اطعام لازم شود
مشهور آنست که طعام باید بفقرا بخورانند که سیر شوند و بهتر آنست
که نان خورشی با نان ضم کنند مانند خرما یا گوشت یا سرکه و بعضی گفته
اند میباید چاشت و شام هر دو مسکین بخورانند که سیر شوند
و احوط اینست اگر چه اظهر اینست که یک وقت اکتفا توان نمود و اگر خواهد
طعام را بمسکین میتواند داد و در مقدار آن خلافست بعضی یک مد گفته
اند و بعضی دو مد و احوط دو مد است و بهتر اینست که با آن نان خورش
نیز بدهد چنانچه بعضی واجب دانسته اند و در طعام دادن کوچک
و بزرگ تفاوت نمیکند و احوط اینست که حصه اطفال را بولی شرعی
ایشان بدهد و اگر طعام خورانند ظاهر اصغیر و کبیر را باهم میتوان ضم کرد
و اگر دو طفل را بجای یکی حساب کند احوطست و در یک کفاره دو
حصه را بیک مسکین نمیتواند داد مگر آنکه مستحق یافت نشود و احوط اینست که
تا ممکن باشد بغیر مؤمن ندهد و به پریشان بسیار پریشان بدهد که
مسکین بر او صادق باشد و مد چهار یک صاعست و صاع یکمن تبریز
و چهارده مثقال و ربعی است بنا بر مشهور و چون گاه احادیث اختلاف
در تحدید صاع و مد هست احوط اینست که بجای دو مد نیم من شاه تقریبا

بدهند **چهارم** در جائی که کسوه باید داد در زن پیراهن و مقنعه باید
مجزی نیست و در مرد بعضی بیک جامه مانند پیراهن اکتفا کرده اند و بعضی دو
جامه لازم میدانند و بهتر آنستکه پیراهن و قبا بدهند یا قبا و یا لابو
و بهتر آنستکه نو باشد و جامه طفل را بهتر آنستکه بر خصیت ولی او
بپوشانند **پنجم** هرگاه از عتق رقبه عاجز شود و شروع کند در روزه
و بعد از آن قادر شود بر بنده آزاد کردن روزه او را مجزی نیست و بهتر
آنستکه ترک کند روزه را و بنده آزاد کند خصوصا هرگاه کمتر از یکماه
و یک روز روزه داشته باشد و جمعی از اصحاب قایل شده اند که هرگاه
بر کسی دو ماه متوالی روزه واجب شود و عاجز باشد از کرفتن آن هجده
روز روزه میدارد و اگر نتواند برای هر روز مدی از طعام میدهد
و اگر نتواند استغفار میکند و اشهر و اقوی آنستکه از هر کفاره که
عاجز شود استغفار بدل آن میشود مگر کفاره ظهار که بعضی گفته اند
که تا کفاره ندهد وطی زن بر او حلال نمیشود هر چند عاجز باشد و
اگر بعد از عجز و استغفار بر کفاره قدرت بهم رساند احوط آنستکه
باز کفاره را بعمل بیاورد و چون اکثر مردم جاهلند بکفارات و احکام آنها
و بر ایشان لازم میشود و نمیدانند و مشغول الذمه بحق الهی میباشند
قدری از احکام آنها را در این رساله کثیر الفایده ایراد نمودیم ملتمس از
برادران ایمانی آنستکه هر که از این رساله منتفع گردد در حال حیات یا
بعد از وفات این شکسته مستحق دعا را بدعای رحمت و مغفرت یاد

کند

کند و ختم بفضل الله و سبحانه و تأییده فی شهر الله المعظم شهر رمضان
من سنه سبع و مائه و الف من الهجره المقدسه علی یدی مؤلفه الراجی
الکریم المنان فی محروسه اصفهان صینت من طوارق الحدثان مع
وفور الاشغال و اختلال الاحوال و توزع البال والحمد لله اولا و
اخرا والصلوة علی سید المرسلین محمد و آله الاطهرین الاقدمین
ولعنة الله علی اعدائهم
اجمعین

حسب الفرمایش عالیجاه رفیع جایگاه عزت و همراه سلاله السادات و
الانجاب **آقا میرزا محمد عبدالله** شیرازی تجارت پیشه تحریر این نسخه شریفه المسمی بزاد
المعاد بر دست احقر اقل عباد الله عبدالله ابن محمد حسین الامیر حجازی الشیرازی
امید که مقبول خاطر حضرات عالی گردد فی شانزدهم شهر شعبان المعظم
سنه ۱۲۰۹ تسع و مائتین بعد الالف من الهجره المطهره المقدسه النبویه
المصطفویه الاحمدیه علی
مهاجرها و آله الف الف صلوة
والسلام و
التحیه

